

حوزه های علمیه شیعه

در طول تاریخ



بسم الله الرحمن الرحیم

آشنایی با حوزه های علمیه شیعه در طول تاریخ

نویسنده:

سید حجت موحد ابطحی

ناشر چاپی:

حوزه علمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

آشنایی با حوزه های علمیه شیعه در طول تاریخ ----- ۳۱

مشخصات کتاب ----- ۳۱

اشاره ----- ۳۱

حمد و ثنای الهی و پیشگفتار ----- ۳۴

اشاره ----- ۳۴

اجمالی از مطالب کتاب ----- ۳۶

تعریف حوزهٔ علمیه ----- ۳۷

ریشهٔ حوزهٔ علمیه در قرآن و اسلام ----- ۳۷

حوزهٔ علمیه،مدرسه،مسجد ----- ۳۹

ویژگیهای حوزه های علمیّه ----- ۴۰

اشاره ----- ۴۰

امتیازات و ویژگیهای حوزه های علمیه ----- ۴۱

اتصال و ارتباط حوزه و مسجد و کتابخانه ----- ۴۱

رابطهٔ تنگاتنگ حوزهٔ علمیه و جامعه ----- ۴۱

حوزهٔ علمیه،در متن جامعه و مردم ----- ۴۳

حوزه های علمیه در کنار حرم ائمه و پیشوایان دین ----- ۴۳

مراجع تقلید و حوزه های علمیه ----- ۴۴

علوم اسلامی ----- ۴۵

اشاره ----- ۴۵

علوم اسلامی در حوزه ها ----- ۴۵

علل توجه یا بی اعتنائی به بعضی از علوم در حوزه های علمیه ----- ۴۶

فقه،عامل بقاء و تداوم حوزه ها ----- ۴۸

ارزش های اصلی در حوزه ها ----- ۴۸

عوامل رشد یا رکود حوزه های علمیه در سیر تاریخی خود ----- ۴۹

درخشش حوزه های علمی شیعه،در میان مجامع علمی ----- ۵۱

استقلال در حوزه های علمیه ----- ۵۴

تحول و تکامل در حوزه های علمیه ----- ۵۵

حوزه اصلی ----- ۵۶

کتاب و کتابخانه عاملی برای تداوم حوزه ها ----- ۵۶

مباحثه ----- ۵۷

تدریس نمودن طلاب ----- ۵۷

رتبه های درسی ----- ۵۸

اشاره ----- ۵۸

دوره مقدمات ----- ۵۹

دوره سطح ----- ۵۹

دوره خارج ----- ۶۰

مطالعات و تحقیقات فوق برنامه ----- ۶۰

تبلیغات و حوزه علمیه ----- ۶۱

تعدد و فراوانی حوزه های علمیه در زمان ما ----- ۶۲

امام خمینی و حوزه های علمیه ----- ۶۶

اشاره ----- ۶۶

امام خمینی و لزوم فقه در حوزه ها و حفظ فقه سنتی ----- ۶۷

لزوم درس اخلاق و تهذیب نفس در حوزه ها ----- ۶۹

سادگی و پرهیز از تشریفات در حوزه ها ----- ۷۰

حوزه علمیه و تبلیغ ----- ۷۱

لزوم فعالیت اجتماعی،سیاسی برای حوزه ها ----- ۷۱

پشتیبانی ملت ها از حوزه ها ----- ۷۲

امام خمینی و لزوم زیاد شدن حوزه ها با عنایت مراجع تقلید ----- ۷۳

امام خمینی و لزوم علوم مختلف در حوزه ها ----- ۷۳

علماء شهید تربیت یافتگان حوزه های علمیّه ----- ۷۴
اشاره ----- ۷۴
علماء شهید از حوزه های علمیه ----- ۷۵
امام ابو محمد،حسن بن علی اطروش ----- ۷۷
احمد بن حسین،بدیع الزمان همدانی ----- ۷۸
ابو الحسن علی بن عبد اللّه(ناشی صغیر) ----- ۷۹
علامهٔ بزرگوار شیخ عبد الکریم کرجی قزوینی ----- ۷۹
علامه بزرگوار ابو المحاسن،رویانی طبری ----- ۸۰
ابو علی محمد بن الحسن فتال(واعظ نیشابوری) ----- ۸۱
شیخ طبرسی ----- ۸۱
شیخ محمد بن مکی،شمس المله و الدین(شهید اول) ----- ۸۲
اشاره ----- ۸۲
کتابهای شهید ----- ۸۳
انگیزهٔ تألیف اللمعه الدمشقیه ----- ۸۳
انگیزه و جریان شهادت ----- ۸۳
ابو المعالی دشتکی شیرازی ----- ۸۴
محقق عاملی کرکی(محقق ثانی) ----- ۸۴
اشاره ----- ۸۴
شهادت او ----- ۸۵
شیخ زین الدین جبعی عاملی(شهید ثانی) ----- ۸۶
اشاره ----- ۸۶
آثار او ----- ۸۶
داستان شهادت جانسوزش ----- ۸۶
کرامتی بزرگ از شهید ثانی ----- ۸۷
یک رؤیای شگفت ----- ۸۸
شمه ای از مرثیه ها در شهادت جانسوز شهید ثانی ----- ۸۸

شهاب الدین تستری خراسانی(شهید ثالث) ----- ۸۹

قاضی نور اللّه تستری ----- ۸۹

اشاره ----- ۸۹

کتابهای او ----- ۹۰

داستان شهادت مظلومانه او ----- ۹۱

دانشمند مجاهد مولی علی زنجانی ----- ۹۲

عالم مجاهد شیخ زین عاملی ----- ۹۳

علامهٔ بزرگوار میرزا محمد مهدی اصفهانی ----- ۹۳

فقیه متکلم مولی عبد الصمد همدانی ----- ۹۴

محقق بزرگ شیخ حسین(آل عصفور) ----- ۹۵

اشاره ----- ۹۵

آثار علمی او ----- ۹۵

شهادتش ----- ۹۵

فقیه طبیب شهید،میرزا محمد کشمیری ----- ۹۶

عالمی فقیه که در حال سجود بشهادت رسید مولی محمد تقی برغانی قزوینی ----- ۹۶

اشاره ----- ۹۶

کتابهای او ----- ۹۷

مرجع شهید شیخ فضل اللّه نوری ----- ۹۷

اشاره ----- ۹۷

موضع گیری سیاسی شهید نوری،در جریان مشروطه ----- ۹۸

شهادت مظلومانه و قهرمانانهٔ او ----- ۱۰۰

عالمی که در حال سجده سر داد و شهید شد سید محمد خلخالی ----- ۱۰۱

شهیدی بزرگ در راه مبارزه با صوفیگری شیخ حسین بیهودی ----- ۱۰۲

استاد عظیم شیخ عبد الغنی بادکوبه ای،روحانی عالیقدری که بدست کمونیستهای دیکتاتور بشهادت رسید ----- ۱۰۲

جهاد و شهادت در حوزه های علمیه در یکصد سال اخیر ----- ۱۰۳

بانوان مجتهده و عالمه ----- ۱۰۶

اشاره ----- ۱۰۶
ام سعید احمسیه ----- ۱۰۶
ام کلثوم دختر محمد بن عثمان بن سعید عمروی ----- ۱۰۶
دختر سید مرتضی ----- ۱۰۶
چند بانوی مجتهده در خانواده شیخ طوسی ----- ۱۰۷
ام علی بن طاووس ----- ۱۰۷
شریفه دختر سید بن طاووس ----- ۱۰۷
دختر سید بن طاووس ----- ۱۰۷
فاطمه دختر شیخ محمد بن احمد بن عبد اللّه بن حازم العکبری ----- ۱۰۷
ام علی همسر شهید اول ----- ۱۰۸
فاطمه ام الحسن ----- ۱۰۸
همسر شیخ بهائی ----- ۱۰۸
آمنه خاتون دختر ملا محمد تقی مجلسی اول ----- ۱۰۸
دختر عزیز اللّه مجلسی ----- ۱۰۹
فاطمه الفقیهه ----- ۱۰۹
حمیده دختر مولی محمد شریف بن شمس الدین محمد رودشتی اصفهانی ----- ۱۰۹
بانوی مجتهدهٔ ایرانی ----- ۱۱۰
اشاره ----- ۱۱۰
اساتید و اجازات او ----- ۱۱۰
نقش او در بازگرداندن شخصیت اسلامی بزنها ----- ۱۱۱
بانوی ایرانی و الهام های غیبی ----- ۱۱۱
ارتباط او با حوزه های علمیه و بزرگان ----- ۱۱۲
حوزهٔ علمیّهٔ رسول اللّه الاعظم محمّد بن عبد اللّه صلّی اللّه علیه و آله و سلّم ----- ۱۱۳
اشاره ----- ۱۱۳
پیامبر گرامی اسلام صلّی الله علیه و آله و سلّم پایه گذار حوزهٔ علمیه ----- ۱۱۴
نقش آیهٔ نفر در تحکیم پایهٔ حوزهٔ علمیه ----- ۱۱۵

مسجد النبی و اعزام مبلغ اسلامی ----- ۱۱۶
اولین شهدای حوزه علمیه ----- ۱۱۷
باز هم شهدائی از سپاه تبلیغ ----- ۱۱۹
تربیت شدگان حوزهٔ علمیهٔ رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم ----- ۱۱۹
اشاره ----- ۱۱۹
امام امیر المؤمنین علی(ع) ----- ۱۲۰
اشاره ----- ۱۲۰
علی ع منشأ همهٔ علوم اسلامی ----- ۱۲۰
امیر المؤمنین علی ع اولین مصنف ----- ۱۲۱
علی علیه السّلام و نگارش قرآن ----- ۱۲۳
فاطمه زهرا(س) ----- ۱۲۳
اشاره ----- ۱۲۳
مصحف فاطمه ع ----- ۱۲۳
زهرای بتول در محضر رسول اللّه(ص) ----- ۱۲۴
فضّهٔ خادمه نشانه ای از علم زهرای اطهر(س) ----- ۱۲۴
خطابهٔ زهرای بتول پرده از علم او برمی دارد ----- ۱۲۵
سلمان محمدی ----- ۱۲۶
اشاره ----- ۱۲۶
علم و دانش سلمان ----- ۱۲۶
اول کسیکه در آثار کتاب نوشت ----- ۱۲۸
ابوذر شهید ربذه،دانشمندی از حوزهٔ علمیهٔ رسول خدا ----- ۱۲۸
اشاره ----- ۱۲۸
شهادت ابی ذر ----- ۱۲۹
ابیّ بن کعب ----- ۱۳۰
جابر بن عبد اللّه انصاری ----- ۱۳۱
عبد اللّه بن عباس ----- ۱۳۱

ابو رافع ---- ۱۳۲
عبد اللّه بن مسعود ---- ۱۳۲
جعفر طیار ---- ۱۳۲
حذیفه بن الیمان ---- ۱۳۳
ابو سعید خدری ---- ۱۳۳
ام سلمه،همسر رسول خدا ---- ۱۳۳
زینب دختر ام سلمه ---- ۱۳۳
بریده بن الحصیب ---- ۱۳۳
ابو بکره ---- ۱۳۳
مصعب بن عمیر ---- ۱۳۴
اشاره ---- ۱۳۴
شهادت او ---- ۱۳۴
زید بن خالد الجهنی ---- ۱۳۴
ابو درداء ---- ۱۳۴
زید بن ثابت ---- ۱۳۴
اشاره ---- ۱۳۴
انحراف زید،از مسیر حق ---- ۱۳۵
ضربه های سهمگین بر حوزهٔ علمیهٔ رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله ---- ۱۳۶
اشاره ---- ۱۳۶
ضربه های سخت،بر حوزه علمی اسلام ---- ۱۳۷
اشاره ---- ۱۳۷
انگیزهٔ این دستور ---- ۱۴۰
حوزه های علمیه در زمان ائمهٔ معصومین ---- ۱۴۳
اشاره ---- ۱۴۳
۱-سیاست های مزاحم ---- ۱۴۴
۲-حوزه های علمی مخفی ---- ۱۴۴

۳-آزادی نسبی در چند دوره ----- ۱۴۵

حوزه علمیۀ امیر المؤمنین علی علیه السّلام ----- ۱۴۸

اشاره ----- ۱۴۸

حوزۀ امیر المؤمنین و نهج البلاغه ----- ۱۴۹

حوزۀ علمیۀ امیر المؤمنین علیه السّلام و تصنیف کتاب ----- ۱۵۱

اشاره ----- ۱۵۱

۱-ابو رافع ----- ۱۵۱

۲-علی بن ابی رافع ----- ۱۵۱

۳-عبید اللّه بن ابی رافع ----- ۱۵۱

۴-اصبغ بن نباته ----- ۱۵۱

۵-حارث الاعور الهمدانی ----- ۱۵۱

۶-سلیم بن قیس ----- ۱۵۲

۷-میثم تمار ----- ۱۵۲

۸-ربیعه بن سمیع ----- ۱۵۲

۹-عبید اللّه بن الحر الجعفی ----- ۱۵۲

۱۰-محمد بن قیس بجلی ----- ۱۵۲

۱۱-یعلی بن مره ----- ۱۵۲

چهره های درخشان در حوزۀ علمیۀ امیر المؤمنین علیه السّلام ----- ۱۵۲

اشاره ----- ۱۵۲

عبد اللّه بن عباس ----- ۱۵۴

کمیل بن زیاد ----- ۱۵۴

ابو الاسود دئلی ----- ۱۵۵

اشاره ----- ۱۵۵

نقطه و اعراب گذاری قرآن ----- ۱۵۵

زینب کبری علیها السّلام ----- ۱۵۶

حبیب بن مظاهر اسدی ----- ۱۵۷

میثم تمار ----- ۱۵۸
سلیم بن قیس ----- ۱۵۸
عبد اللّه بن حبیب،ابو عبد الرحمن السلمی ----- ۱۵۹
زرّ بن حبیش ----- ۱۵۹
اصبغ بن نباته ----- ۱۵۹
حارث اعور همدانی ----- ۱۶۰
صعصعه بن صوحان ----- ۱۶۰
عمرو بن حمق خزاعی ----- ۱۶۱
زید بن صوحان ----- ۱۶۱
سعید بن المسیب ----- ۱۶۱
رشید الهجری ----- ۱۶۲
علی بن ابی رافع ----- ۱۶۲
عبید اله بن ابی رافع ----- ۱۶۲
سوید بن غفله ----- ۱۶۳
ربیعه بن سمیع ----- ۱۶۳
خالد بن ابی الهیاج ----- ۱۶۳
عبید اله بن نضله خزاعی ----- ۱۶۳
عمر بن علی علیه السّلام ----- ۱۶۳
عبد خیر ----- ۱۶۳
عبد اللّه بن جعفر ----- ۱۶۳
عبد الرحمن بن ابی لیلی ----- ۱۶۳
حوزهٔ علمی،در زمان امام حسن و امام حسین علیهما السّلام ----- ۱۶۴
اشاره ----- ۱۶۴
میراث های گرانبها ----- ۱۶۵
نقش حیاتی امام حسین علیه السّلام در حفظ احادیث ----- ۱۶۶
مسند امام حسین علیه السّلام ----- ۱۶۶

راویان و شاگردان حوزهٔ امام مجتبی و امام حسین علیهما السّلام ----- ۱۶۷
کوششهای علمی در زمان امام سجاد علیه السّلام ----- ۱۷۰
اشاره ----- ۱۷۰
۱-صحیفه های سجادیه ----- ۱۷۱
اشاره ----- ۱۷۱
صحیفهٔ سجادیه،منبع معارف الهی ----- ۱۷۳
۲-رساله الحقوق ----- ۱۷۴
۳-روایات و کلمات قصار ----- ۱۷۵
۴-مناظرات و پاسخ به سئوالات ----- ۱۷۵
۵-یاران امام و راویان از آنحضرت ----- ۱۷۶
اشاره ----- ۱۷۶
فعالیت های مخفی و نیمه مخفی ----- ۱۸۳
غلامان زرخرید،در محضر امام سجاد علیه السّلام ----- ۱۸۴
حوزهٔ علمیهٔ امام باقر علیه السّلام ----- ۱۸۸
اشاره ----- ۱۸۸
امام باقر علیه السّلام و ایجاد حرکت بسوی علم ----- ۱۸۹
حوزهٔ درسی امام باقر علیه السّلام و علوم گوناگون ----- ۱۹۱
اشاره ----- ۱۹۱
کلام و عقائد ----- ۱۹۲
تفسیر و علوم قرآن ----- ۱۹۳
فقه ----- ۱۹۳
اخلاق و تربیت ----- ۱۹۴
تاریخ و تحلیل آن ----- ۱۹۵
احادیث پیامبر(ص)از زبان امام باقر علیه السّلام ----- ۱۹۶
شاگردان و اصحاب امام باقر علیه السّلام ----- ۱۹۷
ستایش ها ----- ۲۰۱

اشاره ---------- ۲۰۱
رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله ---------- ۲۰۱
عبد اللّه بن عطاء مکی ---------- ۲۰۱
ابن حجر عسقلانی ---------- ۲۰۱
محمد بن مسلم ثقفی ---------- ۲۰۱
قتاده،فقیه مشهور عامه ---------- ۲۰۱
حوزه علمیّه امام جعفر بن محمّد الصّادق علیه السّلام ---------- ۲۰۲
اشاره ---------- ۲۰۲
پیش گفتار ---------- ۲۰۳
چگونگی و خصوصیات حوزهٔ علمیهٔ امام صادق علیه السّلام ---------- ۲۰۴
نقش امام باقر علیه السّلام در پایه گذاری حوزهٔ امام صادق علیه السّلام ---------- ۲۰۵
رقم های بزرگ،در حوزهٔ علمیهٔ امام صادق علیه السّلام ---------- ۲۰۵
شاگردان امام صادق علیه السّلام ---------- ۲۰۶
اشاره ---------- ۲۰۶
یک شاهد تاریخی ---------- ۲۰۷
گوناگونی داوطلبان حوزهٔ علمیهٔ امام صادق(ع) ---------- ۲۰۷
علوم گوناگون،در حوزهٔ علمیهٔ امام صادق علیه السّلام ---------- ۲۰۸
تألیف و تصنیف در حوزهٔ علمیهٔ امام علیه السّلام ---------- ۲۰۹
نقش حیاتی شاگردان امام صادق علیه السّلام در حفظ حدیث ---------- ۲۱۰
احادیث عامه،در گرو حوزهٔ علمیهٔ امام صادق علیه السّلام ---------- ۲۱۱
نقش جدل و مناظره در حوزهٔ امام علیه السّلام ---------- ۲۱۲
شعر و ادب در حوزهٔ علمیهٔ امام علیه السّلام ---------- ۲۱۳
گامهای اساسی علمی،در حوزهٔ علمیهٔ امام صادق علیه السّلام ---------- ۲۱۴
اهمیت تخصص در حوزهٔ علمی امام صادق علیه السّلام ---------- ۲۱۵
پایه های تربیتی حوزهٔ علمیهٔ امام صادق علیه السّلام ---------- ۲۱۶
اشاره ---------- ۲۱۶

۱-ایجاد احساس مسئولیت ---------- ۲۱۶
۲-پرهیز دادن از همکاری با ستمگران ---------- ۲۱۷
۳-تشویق به کار و فعالیت ---------- ۲۱۸
۴-تاکید بر مهربانی و الفت در میان جامعه ---------- ۲۱۸
استقلال حوزهٔ علمیهٔ امام صادق علیه السّلام ---------- ۲۱۹
ارتباط حوزهٔ امام با خارج،از طریق مراسلات ---------- ۲۲۱
حوزهٔ علمیهٔ امام صادق سدّی در برابر فلسفهٔ غرب(یونان) ---------- ۲۲۲
امام صادق و مبارزهٔ با فقه متکی به قیاس و استحسان ---------- ۲۲۳
حوزه علمیه امام صادق علیه السّلام و مبارزه با عوامل نفوذی ---------- ۲۲۴
بهره گیری امام صادق،از دوران ضعف دو حکومت ستمگر ---------- ۲۲۵
مرکزیت حوزه علمی امام صادق در مدینه و کوفه ---------- ۲۲۶
شعبه های حوزه علمیه امام صادق علیه السّلام ---------- ۲۲۷
تربیت یافتگان حوزه علمیه امام صادق علیه السّلام ---------- ۲۲۷
اشاره ---------- ۲۲۷
ابان بن تغلب ---------- ۲۲۸
زراره بن اعین ---------- ۲۲۸
محمد بن السائب ---------- ۲۲۹
عبد اللّه(عبید اللّه)بن علی بن شعبه الحلبی ---------- ۲۳۰
هشام بن محمد بن السائب الکلبی ---------- ۲۳۰
لوط بن یحیی(ابو مخنف) ---------- ۲۳۰
محمد بن ابی عمیر ---------- ۲۳۱
محمد بن مسلم ---------- ۲۳۱
ابو حمزه الثمالی ---------- ۲۳۱
جابر الجعفی ---------- ۲۳۲
ابو بصیر مرادی ---------- ۲۳۲
عبد الملک بن اعین ---------- ۲۳۲

هشام بن الحکم ----- ۲۳۳
مؤمن الطاق ----- ۲۳۴
جابر بن حیان ----- ۲۳۵
فضیل بن یسار ----- ۲۳۵
جمیل بن دراج ----- ۲۳۵
حمران بن اعین ----- ۲۳۵
ابان بن عثمان ----- ۲۳۶
برید بن معاویه عجلی بجلی ----- ۲۳۶
بکیر بن اعین ----- ۲۳۶
حمزه بن الطیار ----- ۲۳۶
سایر اصحاب امام صادق ع ----- ۲۳۷
امام صادق علیه السّلام از زبان مخالفین اسلام و بزرگان عامه ----- ۲۳۸
منصور دوانیقی ----- ۲۳۸
مالک بن انس(پیشوای مالکی ها) ----- ۲۳۸
ابن ابی العوجاء ----- ۲۳۸
شهرستانی(صاحب کتاب ملل و نحل) ----- ۲۳۸
محمد بن طلحه شافعی ----- ۲۳۸
عبد الرحمن بن محمد الحنفی البسطامی ----- ۲۳۹
ابو بحر جاحظ ----- ۲۳۹
ابو حنیفه ----- ۲۳۹
السید میر علی هندی ----- ۲۳۹
احمد امین ----- ۲۳۹
عبد العزیز سید الاهل ----- ۲۴۰
سید محمد صادق نشأه،استاد دانشکده آداب در الازهر مصر ----- ۲۴۰
حوزۀ علمی امام کاظم علیه السّلام ----- ۲۴۱
اشاره ----- ۲۴۱

شرائط اجتماعی ویژگیهای دوران امام کاظم علیه السّلام ----- ۲۴۱
نقطهٔ قوت ----- ۲۴۳
آثار علمی امام کاظم علیه السّلام ----- ۲۴۳
اشاره ----- ۲۴۳
۱-دفاع از عقائد حقه و مبارزه با اندیشه های باطل ----- ۲۴۴
۲-رسالهٔ مفصل امام علیه السّلام دربارهٔ عقل ----- ۲۴۴
۳-روایات و احادیث امام علیه السّلام ،حامل علوم گوناگون ----- ۲۴۵
۴-مناظرات و احتجاجات ----- ۲۴۶
۵-دعاهای امام هفتم علیه السّلام ----- ۲۴۷
۶-موعظه ها و نصایح ----- ۲۴۷
کوششهای علمی امام علیه السّلام در زندان ----- ۲۴۸
علم امام به زبانهای خارجی و زبان حیوانات ----- ۲۵۰
ستایش ها،درباره علم امام کاظم علیه السّلام ----- ۲۵۲
اشاره ----- ۲۵۲
امام صادق علیه السّلام ----- ۲۵۲
هارون الرشید ----- ۲۵۲
خیر الدین زرکلی ----- ۲۵۲
سید علی فکری ----- ۲۵۳
دکتر زکی مبارک ----- ۲۵۳
فضل بن حسن(شیخ طبرسی) ----- ۲۵۳
ابن حجر هیتمی ----- ۲۵۳
شیخ مفید ----- ۲۵۳
سید محسن امین عاملی(مؤلف اعیان الشیعه) ----- ۲۵۴
پیش گوئی حضرت کاظم علیه السّلام ----- ۲۵۴
شاگردان و یاران امام کاظم علیه السّلام ----- ۲۵۵
حرکت علمی در زمان امام هشتم علیه السّلام ----- ۲۶۱

اشاره ----- ۲۶۱
سنگ اندازی ستمگران،در سر راه امام علیه السلام ----- ۲۶۱
مسجد النبی صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و خانهٔ امام هشتم علیه السلام در مدینه،حوزهٔ علمیه بود ----- ۲۶۳
مناظرات امام هشتم علیه السلام سندی بزرگ بر علم امام ----- ۲۶۵
امام هشتم و تألیف کتاب ----- ۲۶۷
اشاره ----- ۲۶۷
۱-الفقه الرضوی(فقه الرضا(ع)) ----- ۲۶۷
۲-الرساله الذهبیه فی الطب(طب الرضا ع) ----- ۲۶۸
۳-صحیفه الرضا(ع) ----- ۲۶۸
۴-محض الاسلام ----- ۲۶۹
امام هشتم و مباحث اسلامی ----- ۲۶۹
علم امام هشتم علیه السلام به حقایق،افاضی و لدنّی بود ----- ۲۷۰
علم امام هشتم در دیدگاه ناظران ----- ۲۷۲
اشاره ----- ۲۷۲
رسول گرامی(ص)خطاب بامام هفتم(ع)در عالم رؤیا ----- ۲۷۲
امام موسی بن جعفر(ع) ----- ۲۷۳
ابو الصلت هروی ----- ۲۷۳
محمد بن جعفر ----- ۲۷۳
ابراهیم بن العباس صولی ----- ۲۷۳
مأمون عباسی ----- ۲۷۴
شاگردان و یاران امام هشتم علیه السّلام ----- ۲۷۴
حرکت علمی در زمان امام جواد و امام هادی و امام عسکری علیهم السّلام ----- ۲۷۷
اشاره ----- ۲۷۷
امامت امام جواد و هادی علیهما السلام در کودکی،یکی از آیات الهی ----- ۲۸۰
مناظرهٔ امام جواد علیه السلام با رئیس دیوان عالی بغداد ----- ۲۸۱
باز هم مناظره ----- ۲۸۳

ارتباط علمی شیعیان و علماء بلاد،با امام جواد علیه السلام ----- ۲۸۴
حکمی فقهی و تجلیلی از مقام حضرت زهراء سلام الله علیها ----- ۲۸۵
علم امام هادی ع آیت و نشانهٔ الهی ----- ۲۸۵
امام هادی علیه السّلام و مناظرات ----- ۲۸۷
اشاره ----- ۲۸۷
رسالهٔ جبر و تفویض ----- ۲۸۸
امام هادی علیه السّلام و زیارت جامعه کبیره ----- ۲۸۸
آثار علمی امام حسن عسکری ع ----- ۲۸۹
اشاره ----- ۲۸۹
۱-تفسیر امام حسن عسکری علیه السّلام ----- ۲۸۹
۲-رساله المنقبه ----- ۲۹۰
۳-دانشمندی بنام خیبری کتابی تألیف نمود بنام مکاتبات الرجال عن العسکریین ع که در آن،قسمتی از احکام دینی جمع آوری گردیده بود ----- ۲۹۰
۴-نامه ها و گفته های فراوانی که در زمینهٔ انواع علوم،از آنحضرت نقل شده ----- ۲۹۰
امام عسکری،در سنگر دفاع از قرآن ----- ۲۹۱
نقش سه امام معصوم در تقویت حوزهٔ قم ----- ۲۹۲
شاگردان و یاران سه امام معصوم(ع) ----- ۲۹۳
حوزه های علمیه در زمان غیبت ----- ۳۰۱
اشاره ----- ۳۰۱
حوزه علمیّه نجف اشرف ----- ۳۰۳
اشاره ----- ۳۰۳
نجف اشرف ----- ۳۰۴
حوزهٔ علمیهٔ نجف ----- ۳۰۵
مبدأ تأسیس حوزهٔ علمیهٔ نجف ----- ۳۰۶
زندگی و شخصیت شیخ طوسی(ره) ----- ۳۰۷
هجرت شیخ طوسی و تأسیس حوزهٔ علمیهٔ نجف ----- ۳۰۸
علم و تقوی و کوشش شیخ طوسی ----- ۳۰۹

حوزهٔ نجف،بعد از شیخ طوسی(ره) ۳۱۲

مرکزیت حوزهٔ علمیهٔ حلّه ۳۱۳

حرکت جدید،در حوزهٔ نجف ۳۱۴

رونق حوزهٔ کربلا و فتور حوزهٔ نجف ۳۱۴

تجدید مرکزیت حوزهٔ علمیهٔ نجف ۳۱۴

تهاجم کفار و مزدوران بعثی به حوزهٔ علمیه ۳۱۷

شخصیتهای علمی در حوزهٔ علمیهٔ نجف ۳۱۸

چگونگی کتابخانه ها،در حوزهٔ علمیهٔ نجف ۳۲۲

کتابخانه های خصوصی ۳۲۴

مدارس نجف ۳۲۵

حوزه علمیّه قم ۳۳۰

اشاره ۳۳۰

قم ۳۳۱

سابقهٔ تشیع و فرهنگ شیعی در قم ۳۳۲

اولین گام حوزهٔ علمیهٔ قم ۳۳۳

گسترش حوزهٔ علمیهٔ قم و مدارس آن ۳۳۴

جهش علمی،در حوزهٔ قدیم قم ۳۳۶

نقش عظیم حوزهٔ قدیم قم در ترویج تشیع ۳۳۶

مرقد حضرت معصومه علیهاالسّلام محور حوزهٔ علمیه ۳۳۷

چهره هائی فروزان از حوزهٔ قدیم قم ۳۳۷

اشاره ۳۳۷

۱-ابراهیم بن هاشم،ابو اسحاق قمی ۳۳۸

۲-احمد بن ابی زاهر قمی ۳۳۸

۳-احمد بن اسحاق،اشعری قمی ۳۳۸

۴-احمد بن اسماعیل،ابو علی بجلی،ملقب به سمکه ۳۳۸

۵-احمد بن محمد بن الحسین بن الحسن بن دول القمی ۳۳۹

۶-احمد بن محمد بن خالد...برقی قمی ----- ۳۳۹

۷-احمد بن محمد بن عیسی...الاشعری القمی ----- ۳۳۹

۸-جعفر بن محمد بن موسی بن قولویه قمی ----- ۳۳۹

۹-حسن بن محمد بن الحسن القمی ----- ۳۴۰

۱۰-حسین بن علی....ابن بابویه القمی ----- ۳۴۰

۱۱-حسین بن سهل قمی ----- ۳۴۰

۱۲-داود بن کوره قمی ----- ۳۴۰

۱۳-زکریا بن آدم قمی ----- ۳۴۰

۱۴-سعد بن عبد اللّه...الاشعری القمی ----- ۳۴۱

۱۵-شاذان بن جبرئیل القمی ----- ۳۴۱

۱۶-قطب راوندی ----- ۳۴۱

۱۷-عبد اللّه بن جعفر بن الحسین...الحمیری ----- ۳۴۲

۱۸-عبد اللّه بن صلت قمی ----- ۳۴۳

۱۹-علی بن ابراهیم بن هاشم قمی ----- ۳۴۳

۲۰-علی بن ابی القاسم......ماجیلویه قمی ----- ۳۴۳

۲۱-علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی(صدوق اول) ----- ۳۴۳

۲۲-علی بن عبید اللّه بن بابویه قمی ----- ۳۴۴

۲۳-محمد بن ابی اسحق قمی ----- ۳۴۴

۲۴-محمد بن احمد بن داود قمی ----- ۳۴۵

۲۵-محمد بن احمد بن یحیی....الاشعری القمی ----- ۳۴۵

۲۶-محمد بن احمد بن ابی قتاده ----- ۳۴۵

۲۷-محمد بن جعفر بن بطه....قمی ----- ۳۴۵

۲۸-محمد بن الحسن بن احمد بن الولید القمی ----- ۳۴۶

۲۹-محمد بن الحسن الصفار ----- ۳۴۶

۳۰-استاد،ابن العمید قمی ----- ۳۴۶

۳۱-محمد بن خالد برقی ----- ۳۴۷

۳۲-محمد بن عبد اللّه....الحمیری القمی ۳۴۷

۳۳-شیخ صدوق،محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی ۳۴۷

۳۴-محمد بن علی بن محبوب الاشعری القمی ۳۴۸

۳۵-محمد بن علی،ماجیلویه قمی ۳۴۹

۳۶-محمد بن عیسی بن عبد اللّه اشعری ۳۴۹

۳۷-محمد بن قولویه ۳۴۹

۳۸-محمد بن یحیی العطار القمی ۳۴۹

۳۹-مرزبان بن عمران....الاشعری القمی ۳۴۹

۴۰-موسی بن الحسن...القمی ۳۵۰

حوزهٔ علمیهٔ قم،در عهد صفویه ۳۵۰

حوزه علمیهٔ قم،در عصر محقق قمی ۳۵۳

تأسیس حوزهٔ فعلی قم ۳۵۵

اشاره ۳۵۵

آیت اللّه العظمی،حاج شیخ عبد الکریم حائری،مؤسس حوزهٔ فعلی قم ۳۵۵

اشاره ۳۵۵

هجرت به اراک ۳۵۵

اقامت در قم،و رونق حوزهٔ علمیه ۳۵۷

چرا مرحوم آیت اللّه حائری قیام نفرمود؟ ۳۶۱

تقوی و خودسازی مرحوم حائری ۳۶۲

حوزهٔ علمیهٔ قم و زعامت آیت اللّه العظمی،بروجردی ۳۶۲

نقش مراجع تقلید فعلی در رشد و گسترش حوزهٔ علمیهٔ قم ۳۶۴

علامهٔ طباطبائی،آغازگر تحولات فکری،در حوزهٔ علمیهٔ قم ۳۶۶

علماء قم در نیم قرن اخیر ۳۶۸

مدارس حوزهٔ علمیهٔ قم ۳۶۹

اشاره ۳۶۹

۱-مدرسهٔ فیضیه ۳۷۱

اشاره ----- ۳۷۱
حادثهٔ خونین فیضیه ----- ۳۷۱
۲-مدرسهٔ دار الشفاء ----- ۳۷۳
۳-مدرسهٔ خان ----- ۳۷۴
۴-مدرسهٔ ستیه ----- ۳۷۴
۵-مدرسهٔ رضویه ----- ۳۷۴
۶-مدرسه مؤمنیه ----- ۳۷۵
۷-مدرسهٔ حجتیه ----- ۳۷۵
۸-مدرسه آیت اللّه العظمی آقای گلپایگانی ----- ۳۷۶
۹-مدرسه معصومیه(ع) ----- ۳۷۷
۱۰-مدرسهٔ آیت اللّه العظمی خوئی،در مدینه العلم قم ----- ۳۷۷
۱۱-جامعه الزهراء ----- ۳۷۹
۱۲-مدرسهٔ امام هادی(ع) ----- ۳۷۹
۱۳-مدرسهٔ صدوق بزرگ ----- ۳۸۲
[سایر مدارس قم] ----- ۳۸۳
کتابخانه های حوزهٔ علمیهٔ قم ----- ۳۹۰
اشاره ----- ۳۹۰
۱-کتابخانهٔ عمومی مدرسهٔ فیضیه ----- ۳۹۱
۲-کتابخانهٔ مسجد اعظم ----- ۳۹۱
۳-کتابخانهٔ مدرسهٔ حجتیه ----- ۳۹۲
۴-کتابخانهٔ آستانهٔ مقدسه ----- ۳۹۲
۵-کتابخانهٔ مدرسهٔ رضویه ----- ۳۹۲
۶-کتابخانهٔ عمومی آیه اللّه العظمی،مرعشی نجفی ----- ۳۹۲
۷-کتابخانهٔ دفتر تبلیغات اسلامی(دار التبلیغ سابق) ----- ۳۹۳
۸-کتابخانهٔ مدرسهٔ آیت اللّه العظمی گلپایگانی ----- ۳۹۳
۹-کتابخانهٔ مکتب اسلام ----- ۳۹۴

۱۰-کتابخانۀ مدرسه حقانی ۳۹۴
۱۱-کتابخانۀ علی بن ابی طالب(ع) ۳۹۴
۱۲-کتابخانۀ عظیم مدینه العلم قم ۳۹۴
حوزۀ علمیۀ قم و تبلیغ ۳۹۴
حوزۀ مقدسۀ قم و انقلاب ۳۹۶
تألیف و نگارش،در حوزۀ قم ۳۹۶
مؤسّسات نشر و مراکز تحقیق ۳۹۹
مجلات و نشریات منظم ۴۰۰
خلاصۀ فصل: ۴۰۰
حوزه علمیّه اصفهان ۴۰۲
اشاره ۴۰۲
اصفهان ۴۰۵
سابقۀ علمی اصفهان ۴۰۸
حوزۀ علمیۀ اصفهان ۴۱۲
دو شخصیت،در یک قالب ۴۱۹
حوزۀ درسی صاحب بن عباد ۴۲۰
کتابخانۀ عظیم صاحب بن عباد ۴۲۰
حوزۀ علمیۀ اصفهان،در زمان صفویه ۴۲۶
حوزۀ اصفهان و یک اقدام مؤثر ۴۲۷
حوزۀ علمیۀ اصفهان و حفظ اسناد فرهنگ تشیع ۴۲۷
تداوم حوزۀ علمیۀ اصفهان ۴۲۹
حوزۀ علمیۀ اصفهان،در زمان معاصر ۴۳۰
چهره هائی درخشان،از حوزۀ علمیۀ اصفهان ۴۳۰
اشاره ۴۳۰
۱-محقق کرکی ۴۳۱
۲-مولی عبد اللّه تستری ۴۳۱

۳-شیخ علی منشار عاملی ---------- ۴۳۲

۴-شیخ بهائی ---------- ۴۳۲

۵-شیخ لطف اللّه میسی عاملی ---------- ۴۳۳

۶-میرداماد ---------- ۴۳۳

۷-ملاصدرای شیرازی ---------- ۴۳۴

۸-میرفندرسکی ---------- ۴۳۵

۹-آقا رفیعا نائینی ---------- ۴۳۵

۱۰-ملا محمد تقی مجلسی ---------- ۴۳۵

۱۱-ملا صالح مازندرانی ---------- ۴۳۶

۱۲-ملا محمد باقر سبزواری ---------- ۴۳۶

۱۳-محقق خوانساری ---------- ۴۳۷

۱۴-مدقق شیروانی ---------- ۴۳۷

۱۵-ملا محمد باقر مجلسی ---------- ۴۳۸

۱۶-سید نعمت اللّه جزائری ---------- ۴۳۹

۱۷-میر محمد صالح خاتون آبادی ---------- ۴۳۹

۱۸-میرزا عبد اللّه افندی ---------- ۴۳۹

۱۹-امامی عریضی ---------- ۴۴۰

۲۰-اقا جمال خوانساری ---------- ۴۴۰

۲۱-شیخ عبد اللّه بحرانی اصفهانی ---------- ۴۴۱

۲۲-فاضل هندی ---------- ۴۴۱

۲۳-ملا اسماعیل خواجوئی ---------- ۴۴۲

۲۴-آقا محمد بیدابادی ---------- ۴۴۲

۲۵-ملا علی اکبر اژه ای ---------- ۴۴۲

۲۶-آخوند ملا علی نوری ---------- ۴۴۳

۲۷-شیخ محمد تقی رازی ---------- ۴۴۳

۲۸-سید شفتی ---------- ۴۴۴

۲۹-حاج ملا ابراهیم کرباسی(کلباسی) ---- ۴۴۵

۳۰-سید محمد حسن مجتهد اصفهانی ---- ۴۴۵

۳۱-میر سید حسن مدرس ---- ۴۴۶

۳۲-سید محمد علی آقا مجتهد ---- ۴۴۶

۳۳-حاج محمد جعفر آباده ای ---- ۴۴۶

۳۴-حاج ملا حسینعلی تویسرکانی ---- ۴۴۶

۳۵-میر سید محمد شهشهانی ---- ۴۴۷

۳۶-سید اسد اللّه بیدآبادی ---- ۴۴۷

۳۷-صاحب روضات ---- ۴۴۷

۳۸-آخوند ملا محمد باقر فشارکی ---- ۴۴۸

۳۹-میرزا ابو المعالی ---- ۴۴۸

۴۰-میرزا محمد هاشم چهارسوقی ---- ۴۴۸

۴۱-جهانگیر خان قشقائی ---- ۴۴۹

۴۲-آخوند ملا محمد حسین کرمانی ---- ۴۴۹

۴۳-آخوند کاشی ---- ۴۴۹

۴۴-آخوند ملا عبد الکریم گزی ---- ۴۵۰

۴۵-آیه اللّه العظمی،آقا سید محمد باقر درچه ای ---- ۴۵۰

۴۶-حاج آقا منیر بروجردی ---- ۴۵۱

۴۷-فقیه احمد آبادی ---- ۴۵۱

۴۸-مدرس خاتون آبادی ---- ۴۵۱

۴۹-آخوند فشارکی ---- ۴۵۲

۵۰-آیت اللّه دهکردی ---- ۴۵۲

۵۱-حکیم خراسانی ---- ۴۵۳

۵۲-میرزا ابو الهدی کلباسی ---- ۴۵۳

۵۳-مدرس شهید ---- ۴۵۳

۵۴-آیت اللّه،میر سید محمد نجف آبادی ---- ۴۵۴

۵۵-آیت اللّه،حاج میر سید علی نجف آبادی ---- ۴۵۵
۵۶-حاج میرزا حسن خان انصاری ---- ۴۵۵
۵۷-شیخ محمد رضا مسجدشاهی ---- ۴۵۵
۵۸-آیت اللّه سید مهدی درچه ای ---- ۴۵۶
۵۹-حاج شیخ محمود مفید ---- ۴۵۶
۶۰-سید عبد اللّه ثقه الاسلام ---- ۴۵۶
علماء و مدرسین حوزهٔ علمیهٔ اصفهان،در نیم قرن اخیر ---- ۴۵۸
حوزهٔ اصفهان،پایگاه تربیت مراجع تقلید ---- ۴۵۸
مدارس علمیهٔ اصفهان ---- ۴۶۲
مدارس قبل از دوران صفویه ---- ۴۶۲
مدرسه های دوران صفویه ---- ۴۶۵
اشاره ---- ۴۶۵
مدرسه های دورهٔ صفویه که فقط نامشان مانده است ---- ۴۶۶
مدرسه های دوران صفویه،که تاکنون باقی مانده اند ---- ۴۶۸
۱-مدرسهٔ ملا عبد اللّه ---- ۴۶۸
۲-مدرسهٔ جده بزرگ ---- ۴۶۸
۳-مدرسهٔ جده کوچک ---- ۴۶۸
۴-مدرسهٔ کاسه گران ---- ۴۶۸
۵-مدرسهٔ ذو الفقار ---- ۴۶۸
۶-مدرسهٔ امامزاده اسماعیل ---- ۴۷۸
۷-مدرسهٔ نوریه ---- ۴۷۸
۸-مدرسهٔ نیم آور ---- ۴۷۸
۹-مدرسهٔ سلطانی(چهارباغ) ---- ۴۷۹
۱۰-مدرسهٔ ساروتقی ---- ۴۷۹
۱۱-مدرسهٔ میرزا مهدی ---- ۴۷۹
۱۲-مدرسهٔ شفیعیه ---- ۴۷۹

۱۳-مدرسهٔ میرزا حسین ---- ۴۷۹
۱۴-مدرسهٔ الماسیه ---- ۴۸۳
۱۵-مدرسهٔ جلالیه ---- ۴۸۳
۱۶-مدرسهٔ عربان ---- ۴۸۳
۱۷-مدرسهٔ اسماعیلیه ---- ۴۸۳
۱۸-مدرسهٔ هارونیه ---- ۴۸۴
۱۹-مدرسهٔ ناصری ---- ۴۸۴
۲۰-مدرسهٔ سلیمانیه ---- ۴۸۴
۲۱-مدرسهٔ شمس آباد ---- ۴۸۴
مدارس اصفهان که بعد از دورهٔ صفویه بنا گردیده ---- ۴۸۴
۱-مدرسهٔ صدر بازار ---- ۴۸۴
۲-مدرسهٔ صدر خواجو ---- ۴۸۶
۳-مدرسهٔ پاقلعه ---- ۴۸۶
۴-مدرسهٔ مسجد سید ---- ۴۸۶
۵-مدرسهٔ رکن الملک ---- ۴۸۷
۶-مدرسهٔ حاجی کلباسی ---- ۴۸۷
تأسیس و احیای مدارس،در دورهٔ اخیر ---- ۴۸۷
اشاره ---- ۴۸۷
۱-مدرسهٔ محمودیه ---- ۴۸۸
۲-مدرسهٔ جوادیه ---- ۴۸۸
۳-مدرسه الغدیر ---- ۴۸۸
۴-مدرسهٔ امیر المؤمنین علی علیه السّلام ---- ۴۸۹
کتابخانه های حوزهٔ علمیهٔ اصفهان ---- ۴۸۹
اصفهان مبدأ حرکت دینی-علمی بانوان ---- ۴۹۴
مراکز تحصیلی بانوان ---- ۴۹۵
اشاره ---- ۴۹۵

۱-مکتب فاطمه سلام الله علیها ----- ۴۹۵
۲-مدرسه الزهراء سلام الله علیها ----- ۴۹۵
۳-مکتب زینب کبری سلام الله علیها ----- ۴۹۶
۴-مدرسه النفیسه ----- ۴۹۶
نقش حوزهٔ علمیهٔ اصفهان،در انقلاب اسلامی ----- ۴۹۶
شهدای حوزهٔ علمیهٔ اصفهان ----- ۴۹۷
فهرست مطالب و مندرجات کتاب ----- ۵۰۴
۴۲۷ فهرست تصاویر و عکسها ----- ۵۳۰
فهرست منابع و مأخذ جلد اول کتاب ----- ۵۳۶
تشکر و سپاسگزاری ----- ۵۴۵
انتظار ----- ۵۴۵
درباره مرکز ----- ۵۴۶

آشنایی با حوزه های علمیه شیعه در طول تاریخ

مشخصات کتاب

سرشناسه:موحد ابطحی، حجت

عنوان و نام پدیدآور:آشنائی با حوزه های علمیه شیعه در طول تاریخ/ موحد ابطحی

مشخصات نشر:اصفهان: حوزه علمیه اصفهان، - ۱۳۶۵.

مشخصات ظاهری:ج.مصور (بخشی رنگی)

شابک:بها:۱۴۰۰ریال(ج.۱)

وضعیت فهرست نویسی:فهرستنویسی قبلی

موضوع:حوزه های عملیه -- ایران -- تاریخ

موضوع:مدرسه ها

موضوع:شیعه -- سرگذشتنامه

رده بندی کنگره:BP۷/۴/م ۵آ۸ م

رده بندی دیویی:۲۹۷/۰۷۱

شماره کتابشناسی ملی:م ۶۵-۷۳۷

ص :۱

اشاره

حمد و ثنای الهی و پیشگفتار

اشاره

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

با حمد و ستایش فراوان در پیشگاه خداوندی که بشر را به نیروی ادراک مجهز ساخته و باو قدرت بیان و نگارش عنایت کرده و بدینوسیله زمینه رشد و تکامل او را فراهم ساخته است.

و با درود و ثنای بسیار بر پیامبران الهی،که از جانب حق آگاهی و معرفت یافته و انسانها را با تعلیمات آسمانی خود در راه ترقی و تمدن بشری بحرکت درآورده اند بخصوص خاتم و خاتم آنان،رسول بزرگ و پیامبر عظیم الشان،حضرت محمد بن عبد اللّه صلّی اللّه علیه و آله،اولین پایه گذار حوزهٔ علمیه در تاریخ اسلام.

و با درود و سلام بر اهل بیت و عترت بزرگوار پیامبر که تداوم دهندگان راه،و مجریان احکام دین اویند،از اولین و برترین چهرهٔ آنها مولی الموحّدین،امیر المؤمنین امام علی،تا منجی جهان بشریت،بقیه اللّه فی الارض الامام حجّه بن الحسن العسکری، و با لعنت و نفرین بر دشمنان دین،ستمگران بر پیغمبر و آل او و غصب کنندگان حقوق آنها از ابتدأ حرکت اسلامی تا پایان زندگی انسانها در این جهان.

و پس از تجلیل و ادای احترام نسبت به مقام علماء و نویسندگان و پرچمداران حوزه های علمیهٔ شیعه که در طول تاریخ پرافتخار تشیع،در تأسیس و حفظ و گسترش حوزه های علمیه،گامهای بلندی برداشته و بعنوان وارثان انبیاء،تداوم بخش راهشان بوده اند.نویسنده چنین مینگارد:

از موضوعات بسیار مهمی که در این زمان برای بسیاری از افراد،تحقیق و بررسی و شناختن آنها جالب است و بدنبال آگاهی در مورد آنها میروند حوزهٔ علمیه است زیرا:

از یکطرف مردم مسلمان و متعهدی که بدستور امام زمان عج و راهنمائی آن امام

غـایب،در تشـخیص وظـائف دینی خـود به علمـاء و مراجع بزرگـوار تقلیـد مراجعه، مینماینـد و بوسـیلهٔ مبلغین و گوینـدگان و نویسـندگان دینی،بـا اصول و فروع و اخلاـق اسـلامی آشـنا میشونـد مایلنـد حوزه هـای علمیه(که محل پرورش مراجع تقلیـد و جایگـاه تربیت مبلغین دینشـان میباشـد)را بشناسـند و هرچه بیشتر از چگونگی گذشـته و حال، برنامه و روش این مراکز بزرگ علمی و تربیتی،آگاهی بدست آورند.

و از طرف دیگر حرکت انقلاب اسـلامی و رشـد و گسترش آن و تأثیرات فراوانی که در همـهٔ جهان داشـته و همه میداننـد که نقطهٔ شروعش شهر مقدس قم و حوزه های علمیه بوده است و بوسیلهٔ علماء و روحانیون رهبری میشده،زمینه حساسیت بیشتر را فراهم کرده و در ذهن بسیاری از مردم جهان سئوال هائی را مطرح ساخته است که:

حوزه چیست؟

چه کسانی نقش عمده در حوزه علمیه دارند؟

ارزشهای اصلی در حوزه ها کدامند؟

حوزهٔ علمیه چگونه در جامعهٔ اسلامی بوجود آمد؟

چرا گاهی حوزه ای فعال و زمانی دیگر ضعیف میشود؟

چرا در شـهرهای مـذهبی که قبور ائمـهٔ معصومین ع یـا امامزادگـان عظیم الشـان در انجا هست حوزه های علمیه بیشتر دوام می آورند و قوی میشوند؟

چرا مدارس علمیه در میان شهرها ساخته میشوند؟

نقش مراجع تقلید در ایجاد رابطه بین حوزه های علمیه و مردم چیست؟

و چراهای دیگر و چگونه های دیگری که مایلند پاسخ آنها را بدانند.

و بهمین جهـات بود که از مـدتی قبـل،در انـدیشه بودم که در این زمینه کـاری انجام دهم و در صورت توفیق الهی،خـدمتی را عرضه کنم ولی از یکطرف مسئولیتهای تدریسی و حوزه ای که بیشترین وقت مرا دربر گرفته است و از طرف دیگر گستردگی میدان این بررسـی و تحقیق که فرصت زیاد و امکانات فراوان می طلبد،در تصمیم گیری جدی مانعی بحساب می آمد تا آنکه بعد از مذاکره با عده ای از علماء

و نویسندگان حوزه های علمیه قم،مشهد و اصفهان و تشویق آنان بر این اقدام و بعلاوه نیاز شدیدی که احساس میکردم مرا آماده کرد که با توکل بر خدای بزرگ، تصمیم گیری کرده و باندازه توان گام برداشته و انجام وظیفه نمایم.

اجمالی از مطالب کتاب

باتوجه به آنچه گذشت وارد صحنه بررسی و پژوهش شده و بصورت سیری در حوزه های علمیه و نگرشی بر انها مطالبی را جمع آوری نموده و در ضمن بخشهای گوناگونی قرار دادم همانند:

۱-ویژگیهای حوزه های علمیه

۲-امام خمینی و حوزه های علمیه

۳-علماء شهید،تربیت یافتگان حوزه های علمیه

۴-زنهای مجتهده و عالمه

۵-حوزهٔ علمیهٔ رسول خدا(صلّی اللّه علیه و آله)

۶-ضربهٔ سهمگین بر حوزهٔ علمیهٔ رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم

۷-حوزه های علمیه،در زمان ائمهٔ معصومین(علیهم السّلام)

۸-حوزه های علمیه در زمان غیبت کبری

۹-پرچمداران حوزه های علمیه

۱۰-اسوه های تقوی در حوزه های علمیه

۱۱-سیر علوم،در حوزه های علمیه

۱۲-تألیف و نگارش،در حوزه های علمیه

و البته میدانیم که ادای حق این مطالب گوناگون در اطراف آن موضوع پراهمیت تحقیقی بیشتر و توانائی کاملتری میخواهد ولی امید میرود که این اقدام کوچک، مقدمه ای برای کوشش های وسیع تر و نتیجه گیری هائی مفیدتر واقع گردد.

در ابتدأ تعریفی از حوزهٔ علمیه و توضیحی دربارهٔ نام و ریشه آن در اسلام میآوریم و سپس به بیان ویژگیها و چگونگی برنامه های حوزه ای می پردازیم.

تعریف حوزهٔ علمیه

حوزهٔ علمیه،محل کسب علوم و آگاهی های اسلامی و آشنائی با فرهنگ اسلام توأم با عمل و زهد،با نظامی متکی باحساس مسئولیت دینی می باشد.

ریشهٔ حوزهٔ علمیه در قرآن و اسلام

همانطور که بسیاری از برنامه ها و سنت ها و تأسیسات و مراکز مهمی که در میان مسلمین وجود دارد و بصورت یک مسئله اساسی درآمده،در وقتی که ریشه یابی شود به یک دستور از اسلام و یک حکم دینی در قرآن مجید منتهی می شود و همان دستور اولیه بوده است که با گذشت زمان و اقدام ها و کوشش های مسلمین به تأسیس پایگاه های مهم و دستگاههای وسیع کشیده شده است.

حوزهٔ علمیه نیز ریشه در آیات قرآنی دارد و رهنمودهای اسلامی است که کار تعلیم و تعلم را گسترش داده و بتدریج،در طول زمان بصورت حوزه های وسیع درآمده است و اینک مناسب است نمونه ای از این آیات را مورد توجه قرار دهیم و با بیان شأن نزول آن،نقش سازنده و حرکت آفرین آنرا بشناسیم.

مسلمانها بعلت درک اهمیت جهاد همه رو بسوی جهاد و قتال میکردند و علاقه و شیفتگی خود را در این زمینه بحد اعلا میرساندند بطوریکه آرزوی شهادت و جانبازی از ظاهرترین صفات آنها گردید و همیشه در انتظار دستوری برای حرکت بسوی معرکهٔ قتال بودند و هیچ امری در نظر آنها مهمتر از این کار بزرگ نبود تا آنکه آیه نازل شد، وَ مٰا كٰانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لاٰ نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طٰائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذٰا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ توبه، ۱۲۲ (۱).

۱- ۱) نباید همهٔ مؤمنین کوچ کنند،چرا حرکت نمی کنند از هرفرقه ای از آنها گروهی که تفقه و تحصیل علم دین کنند و وقتی بسوی قوم خود بازگشتند آنها را از مخالفت با خدا بترسانند،شاید آنها بترسند.

در این آیه(بنابر بعضی از تفسیرها)بمؤمنین اعلام شده که نباید همگی رو بمیدان جهاد و قتال بنمایند بلکه باید از هرقوم و گروهی عده ای بدنبال تفقه در دین و اگاهی در مسائل اسلامی بروند و وقتی بسوی مردم خود بازگشتند آنها را ارشاد نموده و از عواقب عصیان و نافرمانی خداوند برحذر دارند.

نزول این آیه و اعلام این دستور پژوهش و تحقیق و یادگیری اسلام را پی ریزی نمود و بدنبال آن بعنوان یک وظیفهٔ اسلامی،تعلیم و تعلم در احکام دین و آیات الهی در جامعهٔ اسلامی شکل گرفت.

البته طبیعی است در زمان رسول خدا ص که مردم با حضور در محضر رسول خدا و استفاده از علم لدنّی (۱)آن پیشوای بزرگ الهی می توانستند با اسلام و احکام ان آشنا شوند،حوزهٔ علمیه بشکلی بوده است که بدون گستردگی و پیچیدگی کار اسلام شناسی و تحقیق را انجام میداده،ولی هرچه زمان بجلو رفت و موانع و مشکلات و گستردگی جامعه اسلامی زیاد شد،و رسیدن به احکام اسلام و آگاهی به مقاصد اسلامی با دشواری ها مواجه گردید،نیاز به تحصیل مقدمات و فراهم ساختن زمینهٔ تحقیق احساس شد و لذا مراکزی که بعدا"بنام مدرسه و حوزهٔ علمیه نامیده شد بوجود آمد که در آن جاها تحقیق و بررسی،تعلیم و تعلم، کتاب و کتابخانه و تمام لوازم تحقیق و آشنائی با اسلام جمع گردید.

در این حوزه های علمیه چه بسا علومی مورد تعلیم و تعلم قرار می گیرد که در زمان رسول خدا ص برای شناختن اسلام نیازی بآنها نبود ولی در فاصلهٔ قرون متعدد از زمان رسول خدا،برای شناختن اسلام تحصیل آن علوم ضروری گردید مثلا"شناختن رجال و راویان حدیث،بعنوان یک علم گسترده درآمد که در- حوزهٔ علمیه مطرح می باشد و حال آنکه در زمان رسول خدا لزومی نداشت.

انگیزه دیگری که برای گسترش علوم حوزه ای بوجود امد جنبه تحقیق هائی بود که پژوهشگران غیر عرب زبان در مورد اسلام شروع نمودند و چون برای تحقیق در

ص :۸

---

۱ - ۲) علم لدنی علمی است که بدون درس خواندن،از جانب خداوند به پیامبر یا امام افاضه میشود و این کلمه گرفته شده است از تعبیرات قرآن که در مواردی، میفرماید عَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا ...آتَيْنَاکَ مِنْ لَدُنَّا ذِکْراً" ...مِنْ لَدُنْ حَکِيمٍ خَبِيرٍ

قران و حدیث بزبان عربی نیاز داشتند لازم گردید علومی را کسب کنند همانند:

لغت،نحو،صرف،معانی،بیان و....که بتوانند به حقائق قران و سنه دست یابند و بهمین جهت در حوزه ها تحصیل علوم مقدماتی نیز رایج گردید و موجب توسعهٔ رشته های درسی حوزه ای شد.

حوزهٔ علمیه،مدرسه،مسجد

نام حوزه در زمانهای قدیم مطرح نبوده است بلکه در ابتدای امر محل تحصیل علوم اسلامی مساجد بوده و سپس با توسعه فعالیت علمی از یکطرف و فراهم شدن امکانات زندگی از طرف دیگر مدارسی بوجود آمد که محل تحصیل علوم دینی گشت و سپس با گسترده شدن فعالیت و امکانات تحصیلی در جاهائیکه مجموعه ای از مدارس و مراکز تحصیلی گرد می آمد نام حوزه علمیه بر آن نهاده شد و لذا است کسی که بخواهد تاریخ حوزه ها را بررسی کند باید راجع به مدارس و مساجد تحقیق کند،زیرا در همانجاها است که در گذشته کار حوزه ای انجام میشده است.

ص :۹

ویژگیهای حوزه های علمیّه

اشاره

ص: ۱۰

امتیازات و ویژگیهای حوزه های علمیه

با بررسی و تحقیق در حوزه های علمیه و تاریخ علمأ و مدارس و کتابخانه ها خصوصیاتی را در مورد آنها می یابیم که بعضی جنبه کلی دارند و در همه یا اکثر حوزه ها مطرح می باشند و شناختن آنها در راه رسیدن به آگاهی در مورد حوزه علمیه نقش اساسی دارد لذا در ضمن چند قسمت این ویژگیها را مورد بررسی قرار میدهیم.

اتصال و ارتباط حوزه و مسجد و کتابخانه

از مطالبی که بسیار جالب است و در معماری های باعظمت رعایت شده پیوستگی بنای مدرسه و مسجد و احیانا"مسجد و کتابخانه است،مثلا"در کنار مسجد امام(مسجد شاه سابق)در اصفهان مدرسه طلاب علوم دینی ساخته شده و در کنار مسجد سید و مسجد حکیم که از عظیم ترین مساجد اصفهان میباشند حجره هائی برای طلاب حوزه علمیه ساخته شده و از آنطرف در مدرسه صدر، ملا عبد اللّه،جده بزرگ،نیم آور در اصفهان و مدرسه فیضیه و مدرسه حجتیه در قم و...مساجدی ساخته شده است و بازمی یابیم که گاهی کتابخانه در کنار مسجد قرار گرفته همانند کتابخانهٔ عظیم مسجد اعظم قم در حالیکه اگر پیوستگی مسجد و مدرسه نبود همانا بهتر می بود که کتابخانه در کنار مدرسه باشد و این نشان میدهد که در فرهنگ حوزه ای که برخاسته از فرهنگ قرآن است علم و ایمان،آگاهی و پرستش در کنار یکدیگر و مکمل یکدیگرند باین معنی که آنوقتی حوزه مفید است که در کنار مسجد باشد و وقتی مسجد نقش سازنده دارد که در کنار علم و مدرسه باشد.

رابطهٔ تنگاتنگ حوزهٔ علمیه و جامعه

در نظام حوزه ای آنچنان ارتباط محکم و پیوسته ای با جامعه اسلامی وجود دارد که چهره های سرشناس و عظیم حوزه،همان چهره های بزرگ جامعه هستند.زعیم حوزه عموما"زعیم دینی جامعه نیز هست مثلا"می یابیم

بازار بزرگ اصفهان،از مسجدجامع تا میدان امام و امتداد آن تا بازارچه حسن- آباد،تعدادی از مدارس علمیه در اطراف و نزدیکی های آن ساخته شده اند و این منظره نشانه ای از ارتباط حوزه علمیه با مردم می باشد.

ضمنا"مدارس دیگری نیز با فاصله کمی از بازار و یا در پرجمعیت ترین مراکز مردمی شهر،ساخته شده اند همانند:مدرسه امامیه،مدرسه امامزاده- اسماعیل،مدرسه سید(پیوسته به مسجد سید)،مدرسه چهارباغ(امام صادق)،مدرسه میرزا حسین،مدرسه میرزا مهدی،مدرسه باقریه(دربکوشک) و.....که همه پیوندی عمیق با جامعه و مردم باایمان دارند.

ص :۱۲

مرحوم آیت اله العظمی آقای بروجردی مرجع اعظم شیعیان جهان زعیم حوزه علمیه بوده اند و مرحوم شیخ اعظم انصاری،اولین چهرهٔ بزرگ اجتماعی بوده و حوزهٔ علمیهٔ نجف و سایر بلاد هم برهبری او اداره میشده،و بطور کلی مراجع بزرگوار تقلید زعماً و رهبران حوزه های علمیه هستند و این نشان دهندهٔ بیشترین حد ارتباط حوزه علمیه و جامعه است و البته،این بدان معنی نیست که تمام اساتید و چهره های بارز حوزه های علمیه از شهره زیاد اجتماعی برخوردارند ولی در بسیاری از موارد و مخصوصا"در مسئلهٔ زعامت و رهبری،این واقعیت یاد شده تحقق دارد.

حوزهٔ علمیه،در متن جامعه و مردم

فلسفه وجودی حوزه ها چنانچه معلوم شد لازم مینماید که تشکیل مراکز فعالیتش در متن مردم و در وسط محیط اجتماعی باشد و لذا می یابیم مدارس دینی،در جاهائی ساخته شده اند که رفت وآمد عموم مردم فراوان است و دلیل آن اینست که تربیت شدهٔ حوزه باید درد مردم را بیابد،خلق وخوی مردم را بشناسد و ذهنی بار نیاید بلکه آنچه را می آموزد برای پیاده شدن،در عینیت جامعه باشد و بتواند در تحقق وَ لِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ توبه ۱۲۲(باید بترسانند و انذار کنند مردم خود را وقتی بسوی آنها بازگشتند)نقش ایفا کند.

حوزه های علمیه در کنار حرم ائمه و پیشوایان دین

با مطالعه تاریخ حوزه ها می یابیم مشهد و مزار پیشوایان دین در ایجاد و حفظ و گسترش حوزه های علمیه نقش بسزائی داشته است بطوریکه پایدارترین و گسترده ترین و مستحکم ترین حوزه های علمیه آنهائیست که در کنار مشهد یکی از ائمه و بزرگان دین بوده همانند حوزهٔ علمیهٔ نجف،حوزهٔ علمیهٔ کربلا،حوزهٔ علمیهٔ مشهد الرضا علیه السلام،حوزهٔ علمیهٔ قم و....و علت ان اینست که چون حوزه های علمیه مستقل و ارتباطشان با مردم بوده و میخواسته اند حداکثر از نیروی مردمی بهره بگیرند لذا در جاهائیکه عواطف پاک مردم را جلب مینموده و توده جامعه را بسوی خود می کشیده کوشش های حوزه ای انجام میگرفته تا با برخورد با جامعه

در بهترین مراکز دینی ریشه های حوزه در مردم مستحکم بشود و تربیت شده های حوزه بتوانند با نفوذی بیشتر کار ارشادی و خدماتی خود را بمردم ارائه دهند.

بعبارت دیگر حوزه های علمیه که پایگاههائی خدائی برای ارشاد و انذار مردمند در صورتی بهتر میتوانند حالت خدائی و مردمی خود را داشته باشند که در اماکنی تشکیل شوند که عواطف پاك و معنوی و الهی مردم بسوی آنها متوجه است و میتواند نقش رابط را بین حوزه و مردم ایفا کند.

مراجع تقلید و حوزه های علمیه

باتوجه باینکه حوزه های علمیه رابطه بسیار نزدیکی با جامعه اسلامی دارند و بزرگان حوزه های علمیه همان پیشوایان مردم و محل مراجعات انسانهای متعهد و معتقد باسلام هستند میتوان بدست آورد که نقش مراجع تقلید در حفظ و توسعه و تکامل حوزه های علمیه تا چه اندازه اساسی است و در این زمینه میتوان توضیح داد که:

۱-چون مراجع تقلید که شایسته ترین چهره های علمی و تقوائی و اجتماعی هستند،اساتید حوزه علمیه هستند و در نتیجه سرمایه علمی حوزه ها بحساب میآیند

۲-چون امکانات و بودجهٔ حوزه علمیه عمده مستقل است و مستقیما"بدون وساطت دولتها از ناحیهٔ مردم تأمین میشود و مردم در اختیار مراجع تقلید میگذارند بنابراین نقش عمدهٔ آنها در تأمین و رفع نیاز حوزه علمیه اساسی و حیاتی خواهد بود.

۳-چون حوزه های علمیه قدرت سیاسی اجتماعی خود را از ناحیه پشتیبانی مردم دارند و این حمایت در شکل اطاعت از مراجع تقلید تبلور می یابد لذا موجودیت حوزه ها رهین همت بلند و والای آن پیشوایان الهی است.

۴-و در آخرین سخن چون ارزنده ترین ارزش ها در نظر مراجع تقلید حفظ و گسترش حوزه های علمیه است و علم و عالم دین را پربهاترین موجودات میدانند بنابراین،همت،اندیشه،محبت،دلسوزی،حمایت و اقدامشان در جهت پیشرفت و نگاهبانی حوزه بکار گرفته میشود و در حقیقت آنها پدری دلسوز و آگاه برای

ص :۱۴

استاد و محصل حوزه علمیه خواهند بود و بهترین دلیل برای مطالب فوق وضعیت فعلی مراجع معظم تقلید در رابطه با حوزه ها است که تجسم و عینیت مطالب یاد شده می باشد.

و بهمین جهت است که مراجع تقلید یا مرجع اعلای شیعه در هرحوزه ای اقامت داشته باشند آن حوزه گسترش یافته و برشد زیادی نائل می شود مثلا-"حوزهٔ علمیه سامرأ بهترین دورهٔ خود را در زمان مرحوم آیت اله العظمی میرزای شیرازی (صاحب فتوای تحریم تنباکو)بسر برده،و حوزهٔ علمیهٔ کربلا در زمان آیت اله علی الاطلاق،وحید بهبهانی و حوزهٔ نجف در زمان استاد اعظم،شیخ انصاری و محقق و مرجع عظیم الشأن مرحوم آخوند خراسانی،و حوزه علمیه قم در زمانهای اخیر که محل اقامت مراجع تقلید گردیده است،به حد اعلای عظمت خود رسیده، اند.

علوم اسلامی

اشاره

علوم اسلامی،کلمه ای است که به معانی مختلفی اطلاق میشود ولی مقصود ما علومی است که در مراکز علمی اسلامی،مورد تحقیق و تحصیل قرار میگرفته و رشد و تکامل یافته است.اعم از آنکه مستقیما"در رابطه با شناختن اسلام بوده همانند علم تفسیر،حدیث،کلام،فقه یا اینکه مقدمه ای برای رسیدن به اسلام و احکام و اصول آن بوده همانند علم نحو،صرف،لغت،معانی،بیان،و باز اعم از آنکه جنبه عقلی داشته باشد همانند فلسفه،کلام عقلی،اخلاق عقلی یا یا جنبه نقلی داشته باشد همانند تفسیر،فقه،قرائت و.....

علوم اسلامی در حوزه ها

حوزه های علمیه شیعه در طول تاریخ خود،همهٔ علوم اسلامی را مورد مطالعه و تحقیق خود قرار میداده است و نه تنها دانشمندانی برجسته در هر موضوع علمی به جهان بشریت عرضه داشته،بلکه بسیاری از مبتکرین و پیشگامان رشته های علمی،تربیت یافتگان حوزه های علمی شیعه بوده اند چنانچه با مطالعهٔ کتاب نفیس تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام،بخوبی آشکار میگردد،و نه

تنها تربیت یافتگان چنین حوزه هائی در جهان تشیع مورد توجهند،که بسیاری از چهره های درخشان این حوزه ها،استاد دانشمندان فرق و مذاهب دیگر نیز هستند،و نه تنها در زمان حیاتشان با بیان مطالب علمی،عظمت خود را باثبات میرساندند بلکه،کتابهایشان که هم اکنون در دسترس محققان و پژوهشگران است،نشان دهندهٔ تقدم و سیادت آنها است و با مطالعه کتاب بسیار ارزنده الذریعه الی تصانیف الشیعه،باین حقیقت میتوان آگاهی یافت.

ولی با اینحال بیک نکته اساسی باید توجه داشت که در همه حوزه های علمیه و در همه زمانها علوم اسلامی بیک حد موردتوجه نبوده است بلکه گاهی فقه یا حدیث،فلسفه و عرفان یا رجال و درایه و یا تفسیر و علوم قرآن و یا ادبیات(نحو، صرف،معانی،بیان)بیشترین توجهات را بخود معطوف میداشته و حتی گاهی حوزه ها بعضی از رشته های علوم را بطور کلی ترک می کرده یا آنکه حوزه ای در بعضی از زمانها به رشته یا رشته های خاصی بی اعتنا می شده است و بر همین میزان است که بعضی از دوره ها یا بعضی از حوزه ها نشان دهندهٔ اوج یک رشتهٔ علمی است در حالیکه همین حوزه در دورهٔ دیگر یا حوزه ای دیگر در همان دوره از همان رشته علمی آثار قابل توجهی بجای نگذاشته است.

علل توجه یا بی اعتنائی به بعضی از علوم در حوزه های علمیه

۱-رشد و انحطاط فرق اجتماعی و همچنین مکتبهای گوناگون فکری که در میان شیعه یا مسلمین عموما"بوجود می آید اولین عامل پیشرفت یا رکود یک یا چند علم در حوزه علمیه می باشد.مثلا"وقتی مکتب اخباریگری رشد می کند علم تفسیر،علم اصول فقه،فلسفه،منطق و و و بحالت رکود دچار می شود و علم حدیث و درایه رشد می کند و وقتی مکتب اجتهاد فعال می شود علم اصول فقه باوج خود میرسد و علم حدیث از اوج خود خارج میشود.

۲-وجود چهره های بارز در یک علم،عامل پیشرفت آن رشته علمی در حوزه های علمیه میشود زیرا آن چهره از یکطرف با قدرت فکری خود،مسائل آن علم را می شکافد و ابهام های آنرا برطرف می کند و موجب جلب توجه دیگران

می گردد و از طرف دیگر بـا کمـک وجهـه و مـوقعیت عظیـم خـود روحیـۀ تقلیـد و محاکـاه دیگران را برمی انگیزد و در نـتیجه،داوطلبـان تلاـش در راه تحصـیل،و تحقیـق و تعلیم و تعلم آن علم را افزون میسازد.مثلاـ"چهرۀ نـورانی مرحـوم مجلسـی رضوان اله علیه در گسترش علم حـدیث،شخصـیت برجسـتۀ شـیخ انصاری و آخوند خراسانی قدس سـرهما در گسترش اصول فقه،و برجسـتگی مرحوم صاحب جواهر در جلب توجه به علم فقه،و عظمت روحی و علمی علامۀ طباطبائی رضوان اله علیه،در رشد تفسیر و فلسفه نقش اساسی دارد.

۳-سـیاست دولتهای موجود هم از عوامل اساسی برای این موضوع است زیرا وقتی یک حکومت با دادن آزادی بحث و نظر(و لو در محـدوده ای که به حکومت ضـرر نزنـد)میـدان فعالیت ملحدها،کفار و فرق منحرف را باز گذارد،عهده داران حوزه های علمیه برای سدسازی در برابر سیل فکری انحرافی،ملزم خواهند شد علومی را که بیشتر در این پیشگیری و جلوگیری مؤثر است موردتوجه قرار دهند و مانع سقوط پایگاه فکری مکتب تشیع از یکطرف و جلوگیر رشد و توسعه افکار انحرافی از طرف دیگر بشوند مثلا"می یابیم در زمان امام صادق ع سـیاست خاصـی که عباسـیین داشـتند موجب گسترش شبهات الحادی و اشکالات فنی که ریشه از فلسـفه های یونانی و رومی می گرفت گردید لذا در حوزۀ علمی آنحضـرت توجه به علم کلام و مناظره رشـد پیـدا کرد در حـالیکه در زمانهـائی که سـیاست دولتها برخلاف این مسـلک باشـد و نیاز زیادی به رشـته یا رشـته هائی از علوم اسلامی زیاد احساس نشود آنها برکود دچار خواهند شد.

۴-نو بودن حرکت و تلاش شـیعه و حوزه علمیه در یک جامعه،زیرا بخاطر اینکه موقعیت شیعه هنوز جا نیفتاده و تثبیت نشده و انـدیشه هـای حـاکم بر مردم و علمـاء آنهـا عقائـدی را تشـکیل میدهـد که برخلاف شـیعه است لـذا حوزۀ علمیه به بحث های اعتقـادی و مناظرات و بررسـی تاریـخ صـدر اسـلام می پردازد تا بتوانـد با این مناظرات و بررسـیها موقعیت خود را محکم کند همانند حوزه علمیه در هند که پس از دوران قاضی نور اله تستری شهید،و بخصوص در زمان مرحوم میرحامد

حسین موسوی صاحب کتاب عبقات الانوار بیشترین کوشش های خود را در زمینه علم کلام و عقائد و بحث های مربوط به امامت و مباحث اختلافی بین شیعه و سنی قرار داده است.

فقه،عامل بقاء و تداوم حوزه ها

گرچه در حوزه های علمیه تمام علوم اسلامی و علوم مقدماتی که برای شناختن اسلام لازم است مورد تعلیم و تعلم قرار می گیرد و در حفظ و تکامل آنها کار فکری انجام میگیرد ولی فقه است که حوزه ها را نگهداشته و عمدهٔ حوزه ها بدان شناخته میشوند آری در حوزهٔ علمیه تفسیر،کلام،اخلاق،اصول فقه، معانی،بیان،بدیع،منطق،فلسفه،نحو،صرف،لغت و...مورد تعلیم و تعلم است ولی فقه،نقش محور را دارد و دلیل آن اینست که چون حوزه های علمیه همیشه مورد هجوم دشمنان مکتب اهل البیت بوده و پشتوانه اش در بیشترین موارد مردم خالص و شیعیان وفادار بوده اند و در میان علوم اسلامی، فقه بیشترین و مهمترین نیازمندی های فکری و دینی مردم را تأمین میکرده و لذا نیاز مردم،سبب حمایت آنها از حوزه میشده و بالنتیجه حوزه موجودیت خود را، حفظ مینموده است آری گرچه علومی همانند نحو و صرف و معانی و بیان و....

در حوزه ها ضروری است ولی مردم آنرا بطور مستقیم نمی خواهند و همینطور کلام، فلسفه و اصول فقه با تمام اهمیتشان عامل ارتباط بین حوزه و مردم نیستند ولی فقه و احکام چون تأمین کنندهٔ نیازهای دینی روزمرهٔ مردم است و آنها را متوجه علماء حوزه می کند لذا عامل بقاء حوزه ها شده است وگرنه با آنهمه دشمنی ها که با حوزه بوده و متکی نبودن حوزه ها به قدرت های حاکم تداوم حوزه ها امری غیرممکن بنظر میرسد.

ارزش های اصلی در حوزه ها

گرچه نام حوزه های علمیه تنها نشان دهندهٔ یک ارزش اصلی در حوزه ها است که آن علم و دانش اسلامی می باشد ولی باتوجه به اینکه،علوم حوزه ای

همانها هستند که در اثر تشویق و فرمانهای اسلامی موردتوجه قرار گرفته اند و در اسلام،علم بدون تقوی مورد نکوهش قرار گرفته است و برای عالمی ارزش تعیین شده که باایمان و تقوی باشد وگرنه علم او وزر و مایهٔ مؤاخذه معرفی گردیده،لذا در حوزه های علمیه اخلاق و تقوی بعنوان یکی دیگر از ارزشهای اساسی و اصولی موردتوجه قرار گرفته است و لذا می یابیم همانطور که عالمترین شخصیت های حوزه مهمترین آنها است،باتقواترین چهره هم ارزشمندترین شخصیت است و بعنوان ارزشی اصولی به تقوی توجه میشود.

سومین ارزشی که در حوزه های علمیه مطرح است مبارزه و جهاد و فعالیت های اجتماعی است زیرا عالم اسلامی،که موردتوجه اولیاء دین است آنست که در برابر ظلم ها،جهل ها،کجی ها،بی تفاوت نباشد همانطور که در حدیث آمده اذا ظهرت البدع فعلی العالم ان یظهر علمه،و در نهج البلاغه آمده است...

و ما اخذ اللّه علی العلماء ان لا یقارّوا علی کظّه ظالم و لا سغب مظلوم(...اگر نبود عهد و مسئولیتی که خداوند از علماء و دانشمندان گرفته که در برابر شکم پرستی ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان سکوت نکنند...)آری عالم اسلامی آمر بمعروف ناهی از منکر،مبارزه کننده با جهل ها و بدعت ها است.بنابراین سومین ارزش حوزه ای جهاد و مبارزه و فعالیت های اجتماعی خواهد بود.بنابراین در یک کلام علم،تقوی،خدمات و فعالیت های اجتماعی سه ارزش اصولی برای حوزه های علمیه هستند که حوزه ها آنوقتی موفق هستند که همهٔ این سه ارزش را در حد اعلی دارا باشند.

البته تاریخ حوزه ها نشان میدهد که همیشه همهٔ این سه ارزش در یک سطح نبوده بلکه گاهی جنبه علمی حوزه یا جنبه تقوائی یا جنبه مبارزاتی آن اولویت پیدا می کرده است که در بخش جداگانه ای این مسئله را بررسی خواهیم نمود.

عوامل رشد یا رکود حوزه های علمیه در سیر تاریخی خود

علل گوناگونی در این ترقی یا انحطاط مؤثر بوده که به اهم آنها اشاره، می نمائیم:

۱–چون در حوزه هـای علمیه انتخـاب اسـتاد و رشـته تحصـیلی آزاد بوده است و عمـدهٔ انگیزهٔ ورود در حوزه هـا کسب علم و مقامات واقعی و معنوی بوده لذا وقتی در یک حوزهٔ علمیه عالم یا عالم های برجسـته ای پیدا میشدند و نام آنها به علم و تقوی منتشـر میشد از هرسو طلاب و دانش طلبان به طرف آن حوزه رهسـپار میشدند و در نتیجه حوزه ای فعال و گسترده با محصلین فراوان شـکل میگرفت و در نتیجه مردم هم به آن حوزه توجه بیشتری مینمودنـد و بـا وقف اموالشـان برای مصـارف آن، حوزه مشـکلات مـالی آن حوزه را برطرف می نمودنـد و در نتیجه مشـتغلین،در آن مرکز علمی با فراغت بیشتری به کسب معارف و نشـر آنهـا می پرداختنـد ولی بـا مرور زمـان چه بسـا چهره علمی بـارز و بـااهمیتی در آن حوزه بکـار تـدریس و اشاعه فرهنگ اسـلامی نمی پرداخـت و بسـا در حـوزه هـای دیگری چنیـن جـاذبه ای بوجـود میآمـد، و حـوزه اولی ضـعیف و بی رونـق می گردیـد.بنابراین چهره هـای بـانبوغ که از نظر علمی،تقوائی و مبـارزاتی فعـال بودنـد عامل رشـد و گسترش حوزه و نبودن آنها عامل رکود در حوزه ها بوده است.

۲–مکتب تشیع هیچگاه از درگیری های اجتماعی با فرق منحرف و اندیشه های باطل جدا نبوده است و یک سیر پرتلاطمی را انجـام میـداده،بنـابراین هرگـاه در مبارزه ای به پیروزی های نسبی میرسـیده و اهل باطل را منزوی می کرده همانطور که از نظر سیاسـی و اجتماعی پیروز میشـده از نظر علمی و تشـکل حوزه ای هم به رشدی نسبی می رسـیده ولی در مواقعی که طرفداران باطل غالب می شدنـد و بزرگان و علماء و کتابخانه های شـیعه را مورد تهاجم قرار میدادند طبیعی بود که حوزه های علمیه نیز دچار رکود و سستی بشود.

۳–ظلم هـا و سـتمگری هـای سـتمگران هم در این زمینه نقش فعـالی داشـته زیرا هرگاه ظلم ظالمین بیشتر می شـده مکتب اهل البیت ع که یـک مکتب طرفـدار مظلوم حق طلب و پرخاشـگر است موردتوجه مردم قرار می گرفته و مخصوصـا"جوانهـا را به سوی معارف و ارزشهای متعالی شیعی،سوق داده و در نتیجه حوزه های علمی شیعه،نضج و رشد می یافته است.

ص :۲۰

درخشش حوزه های علمی شیعه،در میان مجامع علمی

با اینکه همیشه در پهنهٔ کشورهای اسلامی مجامع علمی فراوان بوده و به دنبال تشویق های قرآن و سنت از علم و عالم،به آنها فراوان توجه میشده است و در نتیجه مراکز علمی بزرگ بوجود می آمده است که از جهات مختلفی چشمگیر و قابل توجه است ولی آنچه از همه بالاتر است درخشش خاص حوزه های علمی شیعه است زیرا با اینکه همیشه شیعه تحت فشار بوده تا حدی که بسیار هستند علماء و صلحاء شیعه که در راه عقیده و آرمانشان بزندان افتاده یا اسیر و گرفتار شده و یا بشهادت رسیده اند و بسیار است کتابخانه هائی که متعلق به شیعیان بوده و بآتش کشیده شده و یا غارت گردیده است(همانند کتابخانهٔ شیعیان در بغداد که در زمان شیخ طوسی بآتش کینهٔ دشمنان سوخت و کتابخانه های حوزهٔ علمیهٔ جبل عامل که بدست احمد پاشا عامل حکومت عثمانی غارت شده و یا بآتش کشیده شد و....).

ولی با این حال علماء و آثار و نوشته ها و مراکز علمی شیعه از اهمیت خاصی برخوردار است مثلا"در مرکز علمی بغداد با آنهمه اهمیتی که داشت و آنهمه علماء و بزرگانی که از عامه وجود داشتند،شیعیان موفق شده بودند حوزه علمیه داشته باشند، با پیشوایانی همچون کلینی،سید مرتضی،سید رضی،شیخ مفید و شیخ طوسی رضوان اللّه علیهم که در میان آنهمه هیاهو و جلوه های علمی صدای حق شیعه را بلند کرده و پایگاه فکری شیعه را رونق بخشیده و کار را بجائی برسانند که، علماء عامه در درسهای شیعیان حاضر شده و بهرهٔ علمی بگیرند.

البته این مطلب علت هائی دارد که بآنها اشاره می نمائیم.

۱-حوزه های علمی شیعه از سرچشمه علوم اهل البیت ع سیراب میشود،هما- نهائیکه دارای علم الکتاب بوده و عیبه علم اللّه(چنته-صندوقچه علم الهی)خوانده شده اند،باب مدینه العلم بوده و از زبان رسول خدا ص

با عنوان،اقضاکم علی...و باقر العلوم و....ستوده شده اند.

۲-چهره های درخشانی که علوم اسلامی از قبیل تفسیر،فقه،کلام،قرائت، نحو،تصریف،عروض بانها منتهی میشود و از پیشگامان تصنیف،و تحقیق در این علوم بشمار میروند،همه شیعه بوده و از افتخارات حوزه های علمیه شیعه و مکتب اهل البیت ع محسوب میشوند.

آری،وقتی امام الموحدین علی ع اولین جمع کنندهٔ قرآن،و اولین واضع علوم قرآن و اولین مؤسس علم الاخلاق،

و أبان بن تغلب،اولین تصنیف کننده در رشتهٔ غریب القران و اولین تدوین کننده و تصنیف کننده در علم القرائه و معانی القرآن

و سعید بن جبیر اولین تصنیف کننده در علم تفسیر قرآن

و ابی بن کعب سید القراء،اولین نویسنده در قسمت فضائل القرآن

و ابو رافع اولین تدوین کنندهٔ حدیث

و اسماعیل بن مهران،اولین نویسنده کتاب در علم اخلاق

و محمد بن سائب کلبی مفسر اولین نویسندهٔ کتاب در احکام القران و علی بن ابی رافع،اولین تدوین کنندهٔ علم فقه

و عبید اللّه بن ابی رافع،اولین مؤسّس علم سیره نویسی و تاریخ جنگها

و هشام بن الحکم،اولین کتاب نویس در علم اصول فقه

و ابو الاسود دئلی،اولین واضع علم نحو(با تعلیم امام علی و اولین نقطه گذارنده در قران مجید.

و خلیل بن احمد اولین واضع علم عروض و علم لغت

و ابو مسلم معاذ الهراء النحوی،اولین واضع علم صرف

و فراء،اولین تصنیف کنندهٔ کتاب در رشتهٔ مجاز القرآن

و ابو عبد اللّه حاکم نیشابوری،اولین تدوین کنندهٔ علم درایه الحدیث

و عبد اللّه بن جبله،اولین مصنف در علم رجال

و...... (۱)

۱- ۱) به کتاب ارزشمند تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام مراجعه شود.

همه از پیشوایان و مفاخر شیعه بوده و در دنیای علم و دانش اسلامی همانند مشعل های فروزان جلب توجه می کنند.همین امر موجب عظمت حوزه های علمی شیعه گشته و بر درخشش آنها می افزاید.

۳-وجود چهره هائی که در ضمن داشتن استواری در دین و پایبندی شدید، به مکتب اهل البیت ع،موردتوجه شدید عامه بوده و روایات آنها را مورد اعتماد قرار داده اند همانند حارث اعور همدانی،صعصعه بن صوحان،ابو الاسود دئلی،ابو حمزه ثمالی،ابان بن تغلب،محمد بن مسلم،عبد الملك و حمران دو فرزند اعین و جابر بن یزید جعفی و....که تنها محقق عظیم الشان مرحوم سید شرف الدین عاملی،در کتاب شریف المراجعات،یکصد عدد از این دسته را ذکر کرده و فرموده،من همه را جمع نکرده ام.

ملاحظه مینمائید با تعصب هائی که بر علیه شیعه و علماء آنها وجود داشته چگونه علماء عامه تحت تأثیر علم،صداقت و راستی این چهره های درخشان قرار گرفته اند و بر روایات و گفته هایشان اعتماد کرده اند و این افتخار بزرگی برای حوزه های علمی شیعه است.

استقلال در حوزه های علمیه

برخلاف مراکز علمی عامه که همیشه تحت کنترل خلفاء و امراء و پادشاهان بوده و در مسیر تمایلات آنها حرکت میکرده(چون آنها را اولی الامر،و واجب الاطاعه میدانسته)،حوزه های علمی شیعه از استقلال عجیبی برخوردار بوده و همراه با مردم بسر می برده است.

این حوزه ها در حرکت خود،پیرو زعماء بزرگ شیعه و مراجع تقلید و در مسائل مالی متکی بوجوهات شرعیه می باشد که مستقیما"بوسیلهٔ مردم در اختیار رهبران دینی و مراجع تقلید قرار می گیرد و همچنین موقوفاتی که عمده زیر نظر متولیانی که واقفها تعیین کرده اند در مسیر نیازهای حوزه ها و طلاب دینی مصرف میشود.

و همین استقلال،بوده است که موجب گردیده علماء و بزرگان حوزه های علمیه بیشتر بتوانند فریاد مظلومان را شنیده و از آنها دفاع کنند و در برابر حكّام

ص :۲۳

ستمگر ایستاده و مقاومت نمایند.

و این استقلال بوده که زمینهٔ آزاداندیشی و حریت در فکر و عمل را برای علماء شیعه و زعماء آنها فراهم نموده است و باید توجه داشت که هرگونه تصمیم گیری در حوزه های علمیه که باین استقلال ضربه وارد کند خطای بزرگی است که با هیچ ارزشی قابل معاوضه و جبران نیست زیرا حیاه واقعی و روح تحرك و احساس مسئولیت در حوزه های شیعه،مرهون این استقلال می باشد (۱)

تحول و تکامل در حوزه های علمیه

در مجموع حرکت حوزه های علمیه سیر بسوی کمال بوده است و تحقیقات و اندیشه های نو وارد میدان بحث و تحقیق گردیده است و در همه رشته های علمی گستردگی و توسعهٔ فروع و نضج و تکامل بخوبی آشکار است.

مثلاـ"در رشته فقه مقایسهٔ مفصل ترین کتاب مفصل زمان شیخ طوسی یعنی کتاب مبسوط با کتاب جواهر الکلام و در علم اصول فقه مقایسهٔ عدّه الاصول شیخ طوسی ره با کتاب رسائل شیخ انصاری ره و در فلسفه مقایسه آثار گذشتگان با اسفار اربعهٔ ملاصدرا و همینطور در تفسیر و حدیث و اخلاق و رجال و درایه،ما را به تلاشها و مجاهدت های خستگی ناپذیر تحقیق کنندگان حوزه علمیه،آگاه میسازد.

و همچنین در تاریخ حوزه های علمیه تحول ها و دگرگونیهای مهمی بچشم میخورد گاهی بعضی از علوم همانند علم الحدیث،رجال و...مهم ترین رشته و گاهی فلسفه و کلام جذب کنندهٔ بزرگترین نبوغ ها و گاهی تلاش در علم فقه،بی نظیر بوده است و این جهت را از متفاوت بودن بزرگترین چهره های هردوره و هر حوزه و مختلف بودن بزرگترین آثار و کتابهای هرزمان و هرمجمع علمی میتوان دریافت.این تکامل و تحول در حوزه های علمیه بخوبی از آزادی اندیشه و قلم و توجه به نیازها و ضرورت ها و شناخت واقعیت ها و موقعیت ها پرده برمیدارد و یکی از افتخارات شیعه بحساب می آید.

۱- ۱) برای توضیح بیشتر به بخش حوزهٔ علمیهٔ امام صادق ع،قسمت استقلال در حوزهٔ علمیهٔ امام صادق ع مراجعه شود.

حوزه اصلی

تاریخ حوزه های علمیه نشان میدهد که در هردوره ای حوزه های علمیه وجود داشته است که در آن علوم اسلامی مورد تعلیم و تعلم قرار گرفته ولی معمولاـ" یک یا دو حوزه از اهمیت فوق العاده برخوردار بوده و محور اصـلی قرار میگرفته است و علت آن فراهم آمـدن شـرائط رشـد برای آن حوزه بوده که از اهمّ آنها شخصـیت های بارز علمی و تقوائی بودند که موجب جذب افراد و امکانات بسوی آن حوزه میشدند.

کتاب و کتابخانه عاملی برای تداوم حوزه ها

در حوزه های علمیه کتاب و کتابخانه دو نقش اساسی را ایفا مینموده است:

۱-حفظ آثار فکری گذشتگان و نگهداری ذخائری که از منبع وحی سرچشمه گرفته است.

۲-جلوگیری از بریدن حلقه اتصال فکری و جبران ضعفی که در بسیاری از دوره ها حوزه های علمیه را دربر گرفته است.برای روشن شدن این مطلب باین توضیح توجه نمائید.

چون مکتب تشیع همیشه مورد تهاجم بوده و علماء شیعه در تنگناهای شدید قرار میگرفته اند لذا گاهی در یک دوره سستی و فتوری در کار حوزه های علمی شیعه پیدا می شده.بطوریکه علماء شیعه در یک حالت سخت غیرقابل توصیفی گرفتار میشدند و در نتیجه کار تعلیم و تعلم به مشکل اساسی دچار می شده ولی وجود کتابها و کتابخانه ها در این دوره ها،مانع از قطع اتصال فکری با گذشته میشده و البته این بهره گیری از کتاب در دوران رکود و خفقان با تعلیم و برنامه ریزی پیشوای ششم شیعه امام جعفر بن محمـد الصادق ع بوده که فرمودنـد بنویسـید زیرا که نمی توانیـد حفظ کنیـد(احادیث را)جز با نوشـتن،و فرمود:حفظ کنید نوشته های خودتان را زیرا که زود باشد به آنها محتاج، شوید (۱)

ص: ۲۵

۱- ۱) اکتبوا فانّکم لا تحفظون حتی تکتبوا....احتفظوا بکتبکم فانّکم سوف تحتا جون الیها(وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۲۳۶)

و بی جهت نیست که دشمنان شیعه کتابخانه های آنها را مورد کینهٔ خود قرار داده و فراوان بوده است که بآتش کشیده اند (۱)

مباحثه

از برنامه های بسیار سازنده و جالب در حوزه های علمیه اینست که دو یا سه نفر محصل علوم دینی درسی را که خوانده اند با یک دیگر مباحثه می نمایند و هر روزی یکی از آنها درسی را برای همدرسی های خود بیان می کند و گاه در این مباحثه ها اختلاف نظری پیش میآید که موجب مناظره و جدل میشود و هرکدام برای نظر خود دلائلی میآورند و دلائل طرف دیگر را رد می کنند و این مباحثه در روشن شدن نقطه های تاریک و مبهم درس کمک میکند و بعلاوه جریان مناظره ها در تقویت اندیشه و جولان تفکر بسیار مؤثر است.اضافه بر اینکه قدرت بیان را در طلاب علوم دینی زیاد کرده و آنها را بر تدریس و سخنرانی،که در حوزه های علمیه،دو کار اساسی هستند قادر می سازد.

و در یک کلام،مباحثه وسیله ای برای روشن شدن درس،قوی شدن ذهن و نیرومند شدن در بیان مطالب و مقاصد است.

تدریس نمودن طلاب

از دیگر خصوصیات حوزه های علمیه اینست که پس از طی مقداری از مراحل تحصیلی یک طالب علم می تواند درسهای پائین تری را برای دیگر طلاب تدریس نماید و این برنامه آثار و نتایج فراوانی را بدنبال خواهد داشت که به برخی از آنها اشاره میشود:

۱-تسلط علمی کسیکه تدریس می کند بر درسهای قبلی و فعلی او بسیار شده و

ص: ۲۶

---

۱ - ۱) همانند آتش زدن کتابخانهٔ شیعیان،در بغداد همزمان با کینه توزی نسبت به شیخ الطائفه محمد بن الحسن الطوسی ره(شیخ طوسی)و آتش زدن کتابخانه های حوزهٔ علمیهٔ جبل عامل(جنوب لبنان)در زمان فتنه قصاب(احمدپاشا عامل حکومت عثمانی)و موارد دیگری که در اثنای کتاب بآنها اشاره خواهیم کرد.

افزایش قابل توجهی می یابد.

۲-کسانیکه استعدادهای سرشار و نبوغ های قابل توجهی دارند میدان اظهار لیاقت یافته و بسرعت مراحل تکامل را می پیمانند.

۳-مسئله تربیت مدرّس و استاد بآسانی و در ضمن کارهای دیگر حل شده و بعنوان یکی از مسائل مشکل حوزه خودنمائی نمی کند.

۴-برای حفظ آزادی انتخاب در حوزه کمک بسیار مؤثری خواهد بود زیرا طلاب هرکسی را از طلاب بالاتر بخواهند بعنوان استاد خود برگزینند آزاد خواهند بود باتوجه به اینکه تعداد انها هم نسبتا"فراوان تر از استادهائی است که صرفا، تدریس می نمایند و از شهرت و موقعیت بیشتری برخوردارند.

۵-از نظر روحی برای ایجاد علاقه و ارتباط روانی بین استاد و شاگرد نقش مهمی دارد زیرا هنوز این استاد بعنوان یک طلبه است و دردها و مشکلات،و خواستهای طلبه ها را لمس می کند و احساس مینماید و همین جهت سبب میشود که از ابتدای کار تدریس بهتر بتواند روحیۀ طلاب را بشناسد و آنها را اشباع کند و شاهد مطلب آنست که کسانی که از اوایل تحصیل خود،بکار تدریس نپرداخته اند و پس از طی همۀ مراحل تحصیلی،وارد میدان تدریس شده اند کمتر توانسته اند موقعیت کسب کنند و در بدست آوردن هماهنگی با طلاب و شاگردان خود،در حد زیادی ناکام بوده اند.

رتبه های درسی

اشاره

در حوزه های علمیه سه رتبه درسی وجود دارد که بنام مقدمات-سطح- خارج نامیده میشود و برای هردوره مجموعا"کتابهای خاصی خوانده میشود و یا مطالعات خاصی همراه با برنامه های ویژه ای انجام میگیرد.

البته در همه حوزه ها کتابهای درسی یکسان نیست بلکه استادان و گاهی مسئولان برنامه ریزی مدارسی که برنامه دارند کتابهای خاصی را از میان کتابهائی که ذکر خواهیم کرد انتخاب می کنند و برای محصلین تدریس نموده و یا آنها را بخواندن آن کتابها توصیه می کنند بنابراین کتابهائی را که ذکر می کنیم همه اش

را یک طالب علوم دینی،نمی خواند بلکه از میان آنها عده ای را با راهنمائی استاد یا مسئولین مدارس برنامه دار انتخاب نموده و مورد تعلم قرار میدهد.

دوره مقدمات

در این دوره عمده علم صرف،نحو،منطق،کمی فقه،کمی اصول فقه، و معانی و بیان می خوانند.کتابهای مورد استفاده:امثله-شرح امثله- عربی اسان-صرف میر-صرف ساده-تصریف-شرح نظام-عوامل فی النحو-عوامل ملا محسن-هدایه-صمدیّه-الفیّه-سیوطی-شرح ابن ابی عقیل-شرح رضی-مبادی العربیه-مغنی-کبری-آشنائی با علوم اسلامی قسمت منطق(از استاد شهید مطهری)حاشیه ملا عبد اللّه-شرح شمسیه، شرح مطالع-المنطق مرحوم مظفر-مختصر النافع،شرایع الاسلام-تبصرهٔ علامه حلی-عروه الوثقی-تحریر الوسیله-معالم الاصول-مختصر المعانی مطول و....می باشد.

در مدارسی که طلاب تحت برنامه،درس می خوانند،درس اخلاق-اصول عقائد-حفظ و تجوید قرآن-تاریخ-احکام و.....جزء برنامه های درسی رسمی قرار میگیرد.

دوره سطح

در این دوره عمده،فقه-اصول-منطق-فلسفه-کلام خوانده میشود.

و کتابهای مورد استفاده،دو جلد شرح لمعه-مکاسب شیخ انصاری-قوانین الاصول-اصول الفقه-رسائل-کفایه الاصول-شرح منظومه سبزواری- ،بخش منطق و بخش فلسفه،-بدایه الحکمه-نهایه الحکمه-شرح تجرید الاعتقاد و...می باشد.

در این دوره درسهای عقائد-تفسیر-اخلاق-شناخت مکاتب و......

بصورت آزاد گاهی در روزهای تحصیلی و گاه در روزهای تعطیلی مورد استفاده قرار میگیرد.

ص :۲۸

دوره خارج

در این دوره حوزه های علمیه عمدتا"کار اصلی خود را در فقه و اصول قرار میدهند و کتاب خاصی مورد مطالعه و تدریس قرار نمی گیرد بلکه یک مسئله فقهی یا اصولی موضوع بحث قرار داده میشود (۱)و استاد نظرات مختلف را مورد بررسی و نقد و تحلیل قرار می دهد و نظر خاص خود را مطرح میسازد و برای اثبات آن دلیل می آورد و دلائل دیگران را رد می نماید و در اینجا است که شاگردان حق دارند در این بحث اظهارنظر کنند و اشکال کنند و در رد یا قبول نظر استاد و یا نظریه های دیگر آزادند.

این گونه بحث و تدریس،عامل بزرگی برای شکوفائی استعدادها و تجلی نمودن قدرت اندیشه و تفکر و رسیدن بمراحل عالیهٔ تدبّر و تعقل است.

با طی شدن این دوره است که طالب علم به مرتبه اجتهاد میرسد و بعنوان یک، فقیه یا اصولی،صاحب نظر می گردد و حق دارد در مسائل اسلامی نظر بدهد و دیگران از نظر او پیروی کنند.

مطالعات و تحقیقات فوق برنامه

در هردوره ای محصل علوم دینی با راهنمائی استاد بیک سلسله مطالعات و تحقیقات مطابق وضعیت تحصیلی خود توجه می کند که بعضی بصورت مطالعه های آزاد و بعضی بصورت مطالعهٔ همراه با مباحثه و بعضی بصورت تحقیقات پی گیر انجام می گیرد.

زمینه این مطالعات و تحقیقات،گوناگون است مثلا"در زمینه عقائد-اخلاق- تفسیر-علوم قرآن-تاریخ-شعر و ادب-بررسی ادیان-شناخت مکاتب -رجال و شناخت رواه-درایه و شناخت حدیث-مسائل سیاسی-جدل

۱- ۱) البته برای حفظ ترتیب بحث در مسائل،ترتیب یک کتاب ملاک قرار می گیرد مثلا ترتیب کفایه الاصول یا ترتیب شرایع الاسلام و....

و مناظره،آئین سخنوری،فن نگارش و کتاب نویسی-زبانهای خارجی- جامعه شناسی و....این بررسیها و مطالعات و تحقیقات انجام میگیرد.

و البته بسیار روشن است که چون علومی که در حوزه ها تدریس میشود بصورت عمیق و ریشه ای است لذا کسی که در علوم رسمی حوزه ای قوی بشود در زمینه های دیگر نیز امکان فعالیت خواهد داشت ولی امید است با رشد و گسترش حوزه های علمیه در هر زمینه ای استادان و محققین بصورت تخصصی با روش حوزه ای تدریس و تحقیق و هدایت طلاب را دنبال نمایند و بمراحل کامل تری برسند و برسانند.

تبلیغات و حوزه علمیه

با الهام از آیات قرآن و روایات پیامبر و ائمه معصومین علیهم صلوات اللّه حوزه های علمیه در تبلیغ دین و احکام اسلام به جامعه اقدام می نموده اند و بعنوان وظیفه اصلی خود در انجامش کوشش میکرده اند.

لکن در همه وقت و همه جا نحوه و چگونگی و ابزار تبلیغ یکسان نبوده مثلا"از نقل احادیث بطور مستقیم،تفسیر و بیان قرآن کریم،ایراد خطابه،بیان مواعظ، نشر کتاب و جزوه،پاسخ گوئی بسئوالات بطور کتبی یا شفاهی و...برای رساندن پیام دین بهره گیری میشده است و حتی گاهی برای رساندن یک دستور دینی بمردم از اعتصاب و تعطیل نماز جماعت یا تعطیل سخنرانی یا مهاجرت نمودن از شهری بعنوان اعتراض،به خلاف شرعی که میخواسته انجام شود استفاده میشده و در نهایت،بسیار بوده است که علماء و پرچمداران حوزه های علمیه برای تبلیغ دین و ترویج اسلام از خون مقدس خود و طلاب و مردم علاقمند و وفادار باسلام استفاده می نموده اند و از وسیلهٔ شهادت به هدف تقویت اسلام و تبلیغ دین و احیای مکتب مقدس اهل البیت ع نائل میشده اند، با یک نگاه به تاریخ حوزه های علمیه و علماء شیعه می یابیم هیچگاه حوزه از وظیفهٔ مقدس پیام رسانی و ترویج دین دست نکشیده،منتهی...

گاهی بکشته گشتن و گاهی بکشتن است-ترویج دین،بهرچه زمان اقتضا کند و در یک سخن،حوزه های علمیه هدف خود را رساندن پیام دین قرار داده و در

انتخاب وسیله،شرائط زمان و مکان و موقعیت مبلغ و....را رعایت مینموده اند.

تعدد و فراوانی حوزه های علمیه در زمان ما

دلائـل گوناگونی ایجاب می کنـد که حوزه های علمیه، در شـهرهای مختلف ایجاد شـده و گسترش یابنـد که به مهمترین آنها اشاره می نمائیم.

۱-باتوجه باینکه آزادی رشـته درسی و انتخاب استاد و امثال آنها در حوزه های علمیه در حد زیادی وجود دارد و اگر بنا باشد همهٔ داوطلبان تحصـیل علوم اسـلامی در یکجا متمرکز شوند کنترل های طبیعی و رهبری های اساسی در مورد حوزهٔ علمیه کم اثر خواهـد شـد ولی وجود حوزه هـای فراوان در شـهرهای مختلف و نظـارت علمـاء بزرگوار آن بلاد،کار کنترل و هـدایت را آسـان می سـازد و البته همه حوزه هـا در جهت گیری و حرکت،پیرو حوزهٔ اصـلی که مرجع یـا مراجع تقلیـد در آنجـا زعـامت دارند خواهند بود.

۲-حوزه هـای علمیه چون رابطه مردمی دارنـد و هرچه بیشتر بـا مردم نزدیـک باشـند نقش آنها بیشتر و فعالیت آنها سازنـده تر است و هرحوزه ای در قسـمتی از کشور اسـلامی مشـعلی فروزان است لـذا کوشـش می شود در همهٔ مراکز اسـتانها و شهرسـتا نهای مهم حوزه ای و لو در حد درسهای مقدماتی ایجاد شود.

۳-چون حوزه هـای علمیه بودجه هـای دولتی ندارنـد و عمـده از بودجه هـای مردمی تأمین میشونـد و لـذا نزدیک بودن حوزه علمیه به شـهر محصـلی که تازه وارد رشتهٔ علم دین میشود،در پائین آوردن مخارج و هزینه های حوزه علمیه نقش اساسی دارد زیرا چنین محصلی عمدهٔ مخارجش بوسیله خانواده اش تأمین میشود و هزینه کمتری برای حوزه بدنبال خواهد آورد.

۴-در صورت پیشامـد خطری برای یک یا چنـد حوزه،حوزه های دیگر میتوانند بسـرعت جای خالی آنها را پر کرده و نیازهای جامعه را برآورند و از بریدن حرکت حوزه ای جلوگیری نمایند.

بارگاه امیر المؤمنین علی علیه السّـلام،محوره حوزهٔ علمیـهٔ هزار ساله نجف اشـرف مسـجد جامع-مهمترین پایگاه علمی-عبادی شهر اصفهان،در گذشته

سمبـل علم و ایمان و ولایت،در کنار هم منظره ای از مدرسـهٔ فیضـیّه قم که در کنار حرم حضـرت معصومه و مسـجداعظم قرار گرفته است نمای کتابخانهٔ مدرسهٔ فیضیّه-قم

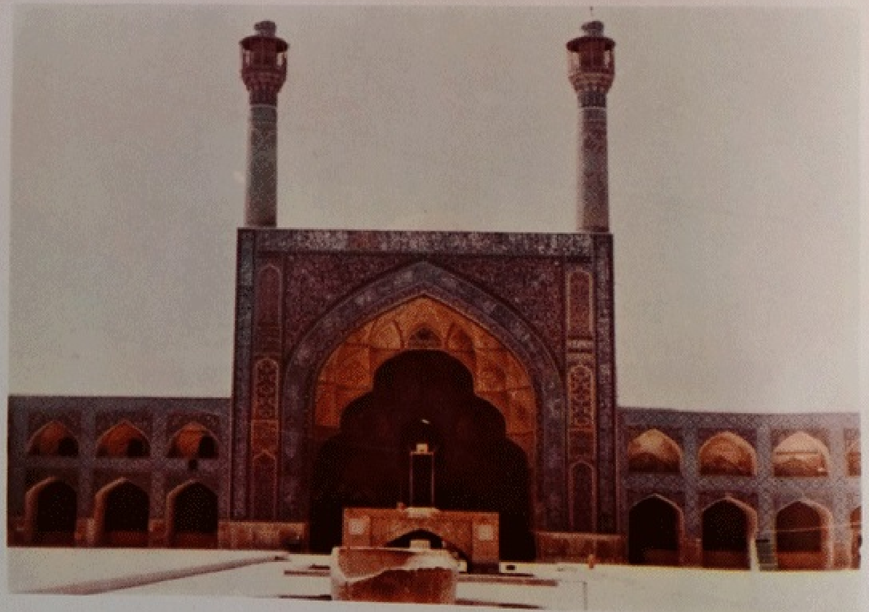
عبادتگاه حضـرت معصومه(علیها السّلام)،محورر مدرسهٔ ستیهٔ قم گنبد و مناره های مسجد اعظم و نمائی از کتابخانه،مسجد،در کنار بارگاه حضرت معصومه نموداری از همبستگی علم و ایمان و ولایت

امام خمینی و حوزه های علمیّه

ص :۳۲

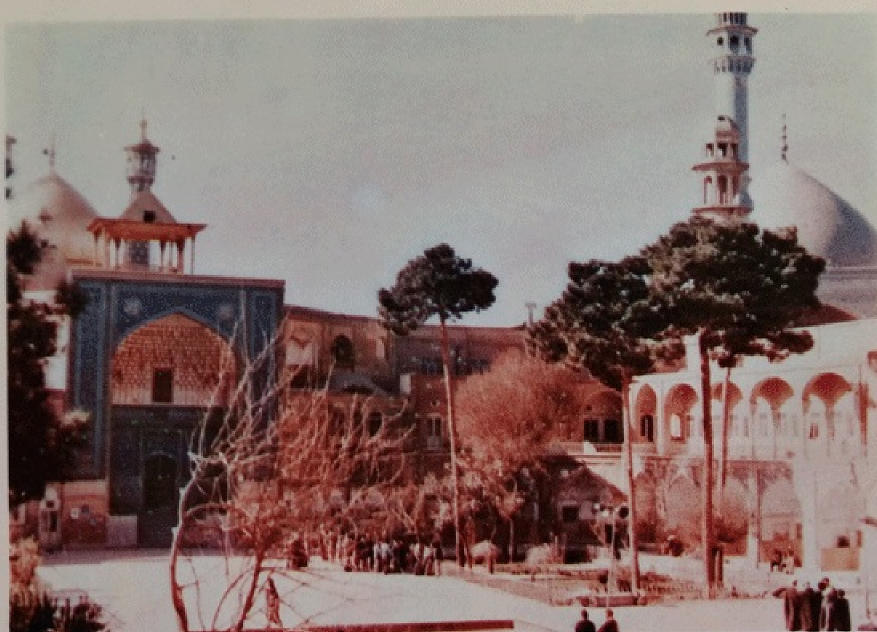


بارگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام محور حوزه علمیه هزارساله نجف اشرف



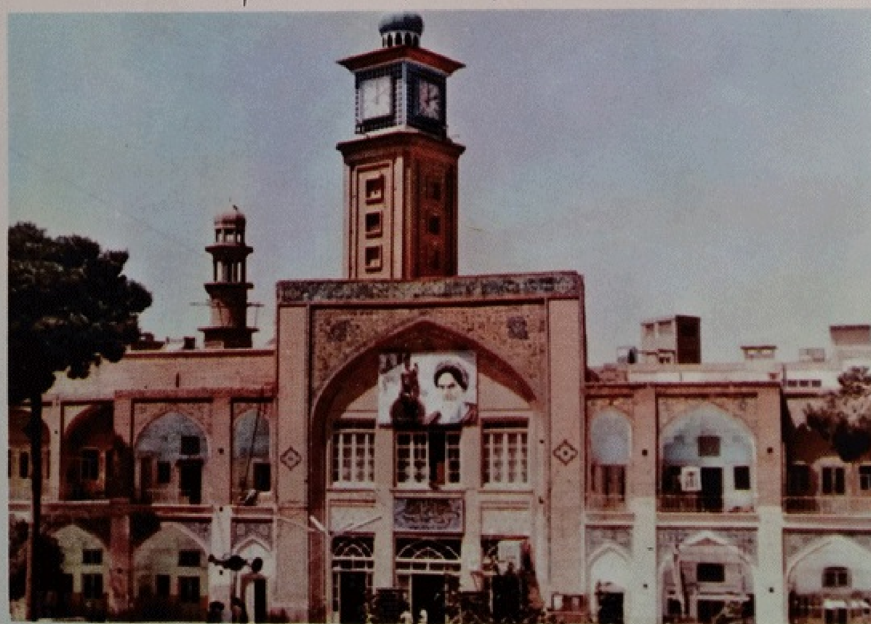
سجد جامع مهمترین پایگاه علمی عبادی شهر اصفهان، در گذشته

عکس



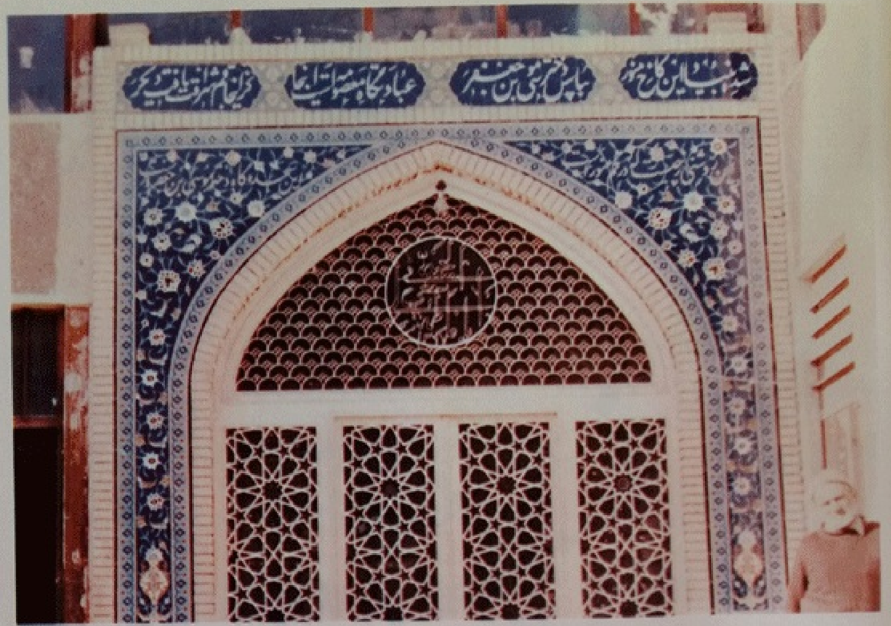
سمبل علم و ایمان و ولایت، درکنار هم

منظره ای از مدرسه فیضیه قم که درکنار حرم حضرت معصومه(س) و مسجد اعظم قرار گرفته است

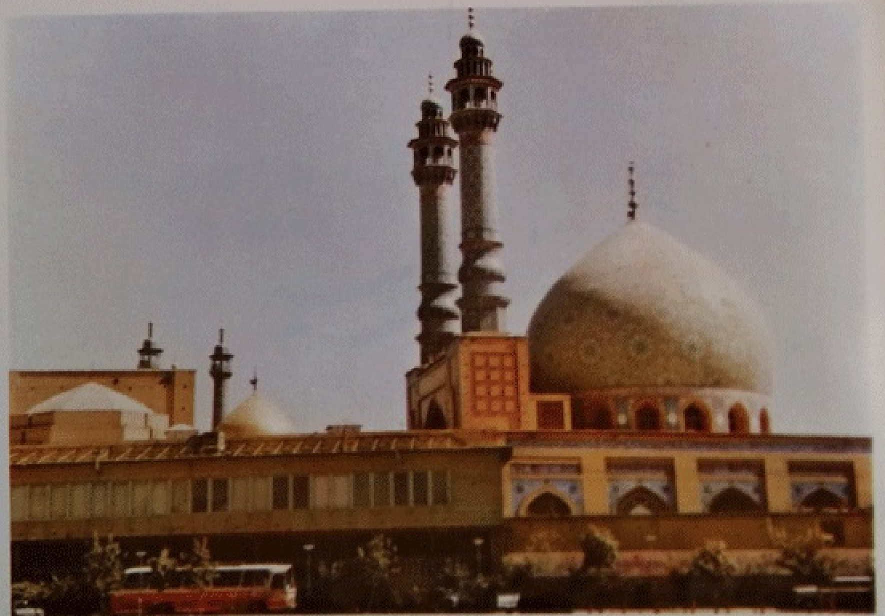


نمای کتابخانه مدرسه فیضیه قم

عکس



عبادتگاه حضرت معصومه (علیها السلام)، محور مدرسهٔ فیضیهٔ قم



گنبد و مناره های مسجد اعظم و نمائی از کتابخانه مسجد، در کنار بارگاه حضرت معصومه(ع)
نموداری از همبستگی علم و ایمان و ولایت

امام خمینی و حوزه های علمیه

اشاره

در میان گفته ها،نوشته ها،مصاحبه های بزرگ مرجع تقلید،آیت اللّه العظمی امام خمینی مد ظله العالی موضوعات گوناگونی موردتوجه و بحث و تفسیر قرار گرفته است که از میان آنها حوزه علمیه از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

ایشان در گفته ها و نوشته های خود به حوزه علمیه و جنبه های گوناگون آن توجه زیاد مبذول داشته اند و راهنمائی های اساسی فرموده اند و ما بر ان شدیم که گوشه ای از سخنان و نوشته های ایشان را درباره چند موضوع در زمینه حوزه های علمیه نقل کنیم که راهنمای طالبین تحصیل در این حوزه ها باشد.

امام خمینی و لزوم فقه در حوزه ها و حفظ فقه سنتی

.....و باید شما با تمام جدیت فقیه درست کنید،ملا درست کنید،فقیه در همه چیز،

.....اما طبقه جوان باید مشغول باشید به تحصیل و این حوزه های فقاهتی هرچه باید بیشتر بشود و مراجع به اینها عنایت زیادتر بکنند و مدرسین عنایات زیادتر راجع به اینها داشته باشند و حوزه فقهی به همان معنائی که تاکنون بوده است حفظ کنید که اگر این حفظ نشود فردا مردم دیگر شما را قبول نمیکنند...

....اگر یکوقت خدای نخواسته حوزه های علمیه ما سست شدند در تحصیل، سست شدند در اینکه فقاهت را تقویت بکنند بدانند که این یک خیانت بزرگی به اسلام است.و اگر چنانچه این فکر تقویت بشود که ما دیگر لازم نیست خیلی چه بکنیم،فقاهت تحصیل بکنیم،این یک فکر شیطانی است موافق آمال امثال آمریکا در درازمدت،اگر شما حوزه های فقاهتی را شما آقایان خراسان،آقایان تبریز و هم آقایان سایر جاها هرجا یک حوزه علمیه دارد اگر تقویت نکنید اینها را به همان فقه که تاکنون بوده است به همان فقه سنتی،اگر فقها تحویل جامعه ندهید علماء تحویل جامعه ندهید مطمئن باشید نمی گذرد یک نیم قرن الا اینکه از اسلام هیچ اسمی دیگر نباید باشد.

ص :۳۳

....شما باید خودتان حفظ کنید اسلام را به حفظ فقاهت اسلام،همه اش توی اون کتابهاست با حفظ فقاهت،با حفظ این کتب،با نوشتن،با بحث کردن ،با حوزه های علمیه تشکیل دادن،از همه علوم اسلامی آن کتبی که منسی شده بود آن کتب را باز به صحنه آوردن و بحث کردن و حفظ کردن این دژ محکمی که تاکنون اسلام را نگه داشته است،ما موظفیم که اسلام را به همانطوری که آمده است و به دست ما رسیده است ما هم تحویل بدهیم به نسل های آتیه.

از سخنان امام خمینی با ائمه جماعات خراسان و روحانیون

عازم بیت اللّه الحرام ۶۰/۶/۱۸

من کرارا"به همه تأکید کرده ام که درسهای حوزه ها باید بهمان وجه سنتی خودش محفوظ باشد،فقه همان فقهی باشد که در بین ما است،اگر از فقه سنتی منحرف بشویم فقه از بین میرود،باید بهمان صورت و قدرتی که مشایخ ما از ابتدا تا بحال فقه را حفظ کرده اند حفظ کنید.

از سخنان امام خمینی با ائمه جمعه خوزستان

۶۰/۱۱/۱۴

....فقه را در حوزه های علمیه مثل قم و مشهد و امثال اینها و همینطور نجف، باید حوزه های فقاهت را حفظ کنند،باید حوزه فقاهت باشد،این حوزه فقاهت بوده است که هزار و چند صد سال اسلام را نگاه داشته است.این روشی بوده است(که از زمان قدیم،از زمان ائمۀ هدی تا زمان ما،مشی این بوده است) که علماء ما داشته اند و آن حفظ فقاهت...

نباید حالا فکر کنیم که حالا که باید امور سیاست را هم ما دخالت بکنیم پس به فقاهت کار نداشته باشیم خیر،باید حوزه های فقاهت که فقه خودشان بهمان ترتیبی که سابق بود هیچ تخطی نکنید بهمان ترتیبی که سابق تحصیل می کردید فقه و مقدمات فقه را.

.....اینطور نباشد که ما یکوقت خدای ناخواسته از آن اصلی که اساس حفظ اسلام است روگردان شویم و حوزه ها به فقاهت کم توجه شوند.این فقها هستند

که حصون اسلام هستند و اسلام را حفظ کرده اند.باید حوزه ها عنایتشان به فقه و فقاهت از همه چیز بیشتر باشد اگر خدای ناخواسته حوزه های فقاهت از بین برود و یا سست شود رابطه مابین فقها و ملت قطع میشود.این حوزه های فقاهت است که رابطه را محفوظ نگاهداشته است.

اگر یک اشخاصی آمدند به حوزه ها و پیشنهاد کردند که فقه لازم نیست که مثلا"به این طول و تفسیر باشد و فلان بیابیم و یک چیزهای دیگر هم چه بکنیم اینها اشتباه می کنند یا مأمورند،فقه بهمان قوت اولیه اش باید باقی باشد.

سخنان امام با روحانیون تهران و سایر شهرستانها

۵۹/۴/۲۰

.....اسلام اگر خدای نخواسته هرچیز از دستش برود ولی فقهش بطریقهٔ موروث از فقهای بزرگ،بماند به راه خود ادامه خواهد داد ولی اگر همه چیز به دستش آید و خدای نخواسته فقهش بهمان طریقه سلف صالح از دستش برود راه حق را نتواند ادامه داد و به تباهی خواهد کشید.

از پیام امام بمناسبت پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

لزوم درس اخلاق و تهذیب نفس در حوزه ها

حوزه های علمیه همزمان با فراگرفتن مسائل علمی به تعلیم و تعلم مسائل اخلاقی و علوم معنوی نیازمند است،راهنمائی اخلاق و مربی قوای روحانی و مجالس پند و موعظه لازم دارد،برنامه های اخلاقی و اصلاحی،کلاس تربیت و تهذیب،آموختن معارف الهیه که مقصد اصلی بعثت انبیاء علیهم السّلام می باشد باید در حوزه ها رایج و رسمی باشد....

خوب است فقهاء عظام و مدرسین عالیمقام که موردتوجه جامعه علمیه میباشند در خلال درس و بحث به تربیت و تهذیب افراد همت گمارند و بمسائل معنوی و اخلاقی بیشتر بپردازند.محصلین حوزه ها نیز لازم است در کسب ملکات

فاضله و تهذیب نفس کوشش کرده و به وظائف مهم و مسئولیتهای خطیری که بر دوش آنان است اهمیت دهند.

.....شـما باید در این حوزه ها خود را چنان بسازید و تربیت کنید که وقتی به یک شهر یا ده رفتید بتوانید اهالی آنجا را هدایت کنید و مهذب نمائید.

.....شما وقتی وارد حوزه می شوید پیش از هرکار باید نفس خود را تهذیب کنید تا آنگاه که از حوزه بیرون رفتید و در شهر و یا محلی رهبری ملتی را بر عهـده گرفتید مردم از اعمال و کردار شـما،از فضائل اخلاقی شـما اسـتفاده کنند،پند گیرند،اصـلاح شوند....اگر اکنون که فارغ البال می باشید در مقام اصلاح و تهذیب نفس برنیائید آن روز که اجتماع به شما روی آورد دیگر نمی توانید خود را اصلاح نمائید.

.....اسـتاد اخلاق برای خود معین نمائید،جلسه وعظ و خطابه،پند و نصیحت تشکیل دهید،خودرو نمیتوان مهذب شد،اگر حوزه ها همینطور از داشتن مربی اخلاق و جلسات پند و اندرز خالی باشد محکوم به فنا است.

....کرارا"شنیده ام سید جلیلی معلم اخلاق و معنویات استاد فقه و اصول، مرحوم شیخ انصاری بوده است....

طوری نباشد که از اول نظر و هدف شما از تحصیل گرفتن فلان مسند و بدست آوردن فلان مقام باشد....

گزیده هائی از جهاد اکبر امام خمینی

سادگی و پرهیز از تشریفات در حوزه ها

از امـور مهمی کـه اینجـانب نگران آن هسـتم مسائـل حـوزه هـای علمیه خصوصـا، حـوزه هـای بزرگ مثـل حـوزه مقـدسه قم است،آقایـان علمـاء اعلام و مدرسـین محترم که خیرخواهـان اسـلام و کشورهـای اسـلامی هسـتند توجه عمیق کننـد که مبـادا تشـریفات و توجه به ساختمانهای متعدد برای مقاصد سیاسـی و اجتماعی اسلام آنان را از مسأله مهم اصلی حوزه ها که اشتغال به علوم رایج اسلامی و خصوصا، فقه و مبادی آن بطریق سنتی است اغفال کند و مبادا خدای نخواسته اشتغال

به مبادی و مقدمات موجب شود که از غایت اصلی که ابقاء و رشد تحقیقات علوم اسلامی خصوصا"فقه بطریقه سلف صالح و بزرگان مشایخ همچون شیخ الطائفه و امثاله رضوان اللّه تعالی علیهم و در متاخرین همچون صاحب جواهر و شیخ بزرگوار انصاری علیهم رضوان اللّه تعالی بازدارد.....

لکن خوف آنست که اگر تشریفات و زرق وبرقهای شبیه به قطب مادیت رواج پیدا کند در نسلهای بعد اثر گذارد و خدای نخواسته آنچه از آن میترسیم به سر حوزه ها بیاید.

قسمتی از پیام امام خمینی به مناسبت پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

حوزه علمیه و تبلیغ

.....شما موظفید آنچه را تفقه کرده اید بین مردم منتشر کنید و مردم را با مسائلی که یاد گرفته اید آشنا سازید،آنهمه تعریف و تمجیدی که در اخبار از اهل علم و فقیه آمده برای همین است که احکام و عقائد و نظامات اسلام را معرفی میکنند و سنت رسول اکرم را به مردم می آموزد.شما باید به تبلیغات و تعلیمات در جهت معرفی و بسط اسلام همت بگمارید....امروز حوزه قم،حوزه مشهد و حوزه های دیگر موظفند که اسلام را ارائه بدهند و این مکتب را عرضه کنند.

امام و روحانیت ص ۵۹ و ص ۶۰

بنقل از ولایت فقیه امام خمینی

....امروز در بعضی حوزه ها شاید منبر رفتن و موعظه کردن را ننگ بدانند غافل از اینکه حضرت امیر ع منبری بودند و در منابر مردم را نصیحت فرموده آگاه و هوشیار و راهنمائی میکردند سایر ائمه علیهم السّلام نیز چنین بودند.

امام و روحانیت ص ۸۵ بنقل از جهاد اکبر امام خمینی

لزوم فعالیت اجتماعی،سیاسی برای حوزه ها

.....فقه و درس و بحث برای حفظ اسلام است آنروزی که اسلام محتاج به این است که فقها هم در میدان بروند،باید بروند،آن روزیکه اسلام محتاج به

این است که حوزه ها تعطیل بشود و مشغول به یک کاری بشوند برای حفظ بیضه اسلام باید درسها تعطیل بشود و امروز آن روزی است که بسیار حساس است برای اسلام و مسلمین و ملت ما که شاید حساستر از این موقع نباشد و آن اینست که سرنوشت مملکت اسلام باید تعیین شود.

سخنان امام با روحانیون و طلاب قم

۵۷/۱۲/۱۵

ما وظیفه داریم مردم مظلوم و محروم را نجات دهیم،ما وظیفه داریم پشتیبان مظلومین و دشمن ظالمین باشیم همین وظیفه است که امیر المؤمنین ع در وصیت معروف به دو فرزند بزرگوارش تذکر میدهند و میفرماید:

(و کونا للظّالم خصما و للمظلوم عونا)دشمن ستمگر و یاور و پشتیبان ستمدیده باشید.

امام و روحانیت ص ۴۱ بنقل از ولایت فقیه از امام خمینی

ما مکلف هستیم که اسلام را حفظ کنیم این تکلیف از واجبات مهم است حتی از نماز و روزه واجب تر است همین تکلیف است که ایجاب می کند،خونها در انجام آن ریخته شود.از خون امام حسین ع که بالاتر نبود برای اسلام ریخته شد و این روی همان ارزشی است که اسلام دارد.

امام و روحانیت ص ۴۶ بنقل از ولایت فقیه از امام خمینی

پشتیبانی ملت ها از حوزه ها

...حوزه ها از پشتیبانی ملت ها برخوردار است و تا روزیکه ملتها پشتیبان آن می باشند کوبیدن و از هم پاشاندن آن ممکن نیست.

امام و روحانیت ص ۸۵ بنقل از جهاد اکبر امام خمینی

.....مسئله زوال حوزه در کار نیست.حوزه سر جایش باقی خواهد بود و صرف نظر از جنبه های معنوی و الهی اصولا"،از نظر موازین طبیعی هم زوال حوزه های علمیه ممکن نیست زیرا حوزه ها موردتوجه تمام مسلمین بخصوص شیعه می باشد و پشتوانه آن ملتها هستند و آن چه ملتها پشتیبانش باشند دولتها نمیتوانند با آن مبارزه کنند،دولتها زودگذرند و عمرشان کوتاه.

از سخنان امام خمینی در نجف ۵۰/۱۰/۲

امام خمینی و لزوم زیاد شدن حوزه ها با عنایت مراجع تقلید

....این حوزه های فقاهتی هرچه باید بیشتر بشود و مراجع به اینها عنایت زیادتر بکنند و مدرسین عنایات زیادتر راجع به اینها داشته باشند.

از سخنان امام با ائمه جماعات خراسان و روحانیون حج ۶۰/۶/۱۸

.....روحانیون حوزه علمیه قم و سایر حوزه ها بسایر شهرها میروند ولی باز هم کم است.حوزه های شهرها پشتوانه حوزه های اصلی است.

از سخنان امام با ائمه جمعه خوزستان ۶۰/۱۱/۱۴

امام خمینی و لزوم علوم مختلف در حوزه ها

....حوزه های فقاهت هم فقاهت را داشتند و هم یک جمعی معقول و سایر علوم را تحصیل می کردند،علماء اخلاق در حوزه ها بودند که مردم و علماء را ،اهل علم را دعوت به مسائل اخلاقی می کردند....

از سخنان امام خمینی با روحانیون تهران و شهرستانها ۵۹/۴/۲۰

علماء شهید تربیت یافتگان حوزه های علمیّه

اشاره

ص: ۴۰

علماء شهید از حوزه های علمیه

تاریخ پرافتخار شیعه و بخصوص حوزه های علمیه نمایشگاهی است از تلاشها و مجاهدت ها،در راه تحصیل علم و کمال و مبارزه با کجی ها و رذالت ها آنهم تا حدی که به زندان رفتن و تبعید شدن و آوارگی و بالاخره شهادت در راه خدا منجر شود.

ما در بررسی تاریخ حوزه های علمیه فراوان می یابیم علماء بزرگواری را که در این مسیر قرار گرفته و تا مرز جانبازی برای حفظ اسلام و اجرای آن،کوشیده اند و تعداد آنها فراوان و زمینه مبارزه و جهادشان نیز مختلف است مثلا":

۱-عده ای را می یابیم که در حال جنگ با مهاجمین همانند ازبک ها و افاغنه بشهادت رسیده اند مثل فقیه بزرگوار محمد رضی قزوینی که در برابر افغانیهای مهاجم مقاومت کرد و حکم وجوب دفاع داد و در این جریان بشهادت رسید و همچنین،دانشمند بزرگوار میرزا هاشم همدانی که بدست مهاجمین عثمانی بشهادت رسید و دیگر،مجتهد فقیه سید هبه اللّه،ابو البرکات عاملی که در جریان جنایات احمد پاشا (۱)(مشهور به جزار-قصاب)در مقابل چشم پدرش سر او را بریدند و بشهادت رساندند.

ص: ۴۱

---

۱ - ۱) احمد پاشا که فردی خونریز و بی باک در آدمکشی،بود با همکاری لشگری جرار و هماهنگی با حکام ترک عثمانی،تصمیم گرفت جبل عامل را که مرکز شیعه و علماء و سادات بود مورد حمله قرار داده و تصرف کند و چون مقاومت مردم آنجا با شکست مواجه گردید این جنایتکار خون آشام،شروع کرد به کشتن و سر بریدن و به آب انداختن و بآتش سوزاندن و مثله کردن و تصمیم گرفته بود که ریشۀ علماء را از بیخ و بن برکند و لذا بزرگان علماء را کشت و کتابها و کتابخانه ها را طعمه آتش ساخت و بنانوائی ها فرستاد بطوریکه یکهفته فقط آنها سوختشان را از کتابها،تأمین کردند و خلاصه،آنقدر در کشتار و غارت و آتش زدن مخصوصا"در مورد علماء و سادات و، شیعیان،اصرار ورزید که به جزار(بمعنی قصاب)مشهور گردید(به کتاب شهیدان راه فضیلت مراجعه شود).

۲-گروهی را برخورد می کنیم که در جنگ با شورشیان داخلی و یاغیان،جان خود را فدای اسلام نموده اند همانند عالم بزرگوار علامه علی اکبر طالقانی،که در خراسان بدست شورشیان بشهادت رسید و همانند عالم بافضیلت و صاحب کرامت سید احمد بحرانی که در راه زیارت عتبات مقدسه در درگیری با یکعده راهزن و بدنبال مقاومت شدیدی که نمود،خود و همسر و فرزندش همه بشهادت رسیدند و در همانجا بخاک سپرده شدند و از قبر این عالم شهید کرامتها ظاهر شده است.

و دیگر مجتهد فقیه،حاج رضا استرآبادی که در جهاد با یاغیان ترکمن،بدست آنها بشهادت رسید و عالم مجاهد،فقیه توانا شیخ محمد تقی همدانی که از شاگردان مبرز شیخ انصاری ره و از مقرّرین درس ایشان بود،و در جریان یک شورش در کردستان،بشهادت رسید و تألیفات و کتابهایش بغارت رفت.

۳-جمعی را می یابیم که در راه مبارزه با فرقه های باطل مبارزه کرده و بشهادت رسیده اند همانند سید غلامرضا بیرجندی که از فقهای عالیمقام و از چهره های مبرز می باشد و در فتنهٔ بابیگری بخاطر مبارزاتی که با آنها می نمود بشهادت رسید و پس از مدت کمی،فرزند عالم او را نیز بشهادت رساندند.

۴-و دسته ای را می شناسیم،که پادشاهان جور و حاکمان ستمگر بشهادتشان رسانده اند همانند عالم بزرگوار محمد رضا شیرازی نوهٔ ملاصدرای شیرازی که به دستور نادر شاه افشار زبانش را بریدند و بشهادت رسید و دیگر علامهٔ بزرگوار میرزا محمد حسین(پیر)که بدستور نادر شاه بشهادت رسید و دیگر عالم فاضل شیخ محمد اعسم که از محضر شیخ بزرگوار انصاری نیز بهره برده است،در روز عاشورای حسینی در حالیکه روضهٔ سید الشهداء می خواند بدست سرباز حکومت عثمانی بشهادت رسید.

۵-و دست آخر به حقطلبانی پی میبریم،که در راه اجرای حق و پیاده کردن حکمی الهی جان عزیز خود را به پیشگاه خداوند تقدیم داشتند همانند عالم فرزانه شیخ ابو تراب بحرانی که بدنبال حکمی الهی که صادر کرده بود و موجب

نگرانی محکوم گشت،او و دختر بچهٔ کوچکش،بدست آن شخص محکوم،بشهادت رسیدند.

و ما،در این بررسی که از حوزه های علمیه داریم این بخش را مقداری بتفصیل، دنبال می کنیم و شرح حال عده ای از این رادمردان(و نه همهٔ آنها)را ذکر می کنیم و تشریح می نمائیم زیرا:

۱-گزارش زندگی این بزرگ مردان نشانهٔ وسعت اندیشه و گستردگی رشته های دانش در حوزه های علمیه است.

۲-اهمیت تقوی و اطاعت از دستورات الهی در نزد پرچمداران مراکز علمی شیعه(حوزه های علمیه)را بخوبی آشکار می سازد.

۳-تهمت های دشمنان را در مورد بی تفاوتی حوزه های علمیه،در برابر مسائل اجتماعی خنثی ساخته و محکوم خواهد نمود.

۴-مظلومیت علماء،از فقهای شیعه را در طول تاریخ،آشکار می سازد.

۵-و در مجموع،بهترین درسهای تربیتی را برای طلاب علوم دینیه که به حوزه های علمیه شیعه وارد میشوند در بر دارد و نقش سازنده و بزرگی را ایفا می نماید زیرا که این عالمان باتقوی و پرتلاش،اسوه های فضیلت و تجسم اسلام و عینیت مکتب پرخروش اهل البیت علیهم السّلام هستند (۱)

امام ابو محمد،حسن بن علی اطروش

اوجد مادری دو چهره درخشان مکتب اهل البیت ع یعنی سید مرتضی (علم الهدی)و سید رضی(جمع آوری کنندهٔ نهج البلاغه)است

او مرد شمشیر بود و قلم،مرد فقه بود و ادب،در وقتی که بحث از فقه و کلام و اندیشه های

۱- ۱) در این بخش،از کتابهای روضات الجنات،الکنی و الالقاب،الذریعه، اعیان الشیعه،قاموس الرجال،شهداء الفضیله و ترجمهٔ آن،نهضت روحانیون ایران و کتاب رسائل،اعلامیه ها،مکتوبات...شیخ شهید فضل اله نوری ج ۱ و....بهره برداری شده است.

اسلامی بمیان آید دانشمندی گرانمایه و عالمی فرزانه و فقیهی بزرگوار است و هنگامی که سخن از جهاد و مبارزه،تلاش و کوشش برای اجرای احکام اسلام بمیان آید قهرمانی سترک و مجاهدی دلیر و فرمانروائی توانا است.ابن ابی الحدید معتزلی درباره اش می گوید:او ریش سفید دودمان ابی طالب است و عالم و زاهدشان و ادیب و شاعرشان.

اطروش،گرچه از چهره های درخشان علم و ادب است ولی با قیامی دلیرانه موفق شد بر طبرستان(مازندران امروز)تسلط پیدا کند و آئین مقدس اسلام را گسترش دهد و مردم را بصورت پاک و بی شائبه ای به عقائد و احکام اسلامی آشنا گرداند.

کتابها و اثار قلمی گرانبهائی را برشتۀ تحریر درآورده،که نشان دهندۀ وسعت آگاهی و دانش اسلامی اوست که از آن جمله است:

دو کتاب دربارۀ امامت

کتاب خمس،کتاب طلاق،کتاب فدک

کتاب شهیدان و افتخار سرآمدانشان،کتاب فصاحت ابو طالب و کتابهای دیگر.ضمنا،او ادیبی توانا و شاعری سخن سرا بوده است.

او در سال ۳۰۴ ه ق در شهر آمل طبرستان،بدنبال یک عمر تحصیل علم و دانش،تألیف و نگارش،جهاد و مبارزه،قیام و انقلاب،به شهادت رسید و طومار عمر پربرکتش را با امضای خون درهم پیچید.

احمد بن حسین،بدیع الزمان همدانی

از دانشمندان بزرگوار امامیه و در فنون ادبی استادی بی نظیر است و حریری آن ادیب فرزانه و مشهور،نتوانست بعد از او بپای او برسد،این شخصیت بزرگ بخاطر شهرت و اهمیتش در ادب و شعر،مقام دانشمندیش بفراموشی سپرده شده است.

او شدیدا"به مکتب تشیع پایبند بود و در یک مناظره با خوارزمی چنین فرمود:

من اگر دیگران با دوپا،به راه تشیع می روند،با دوبال در آسمانش پرواز گرفته ام،

ص :۴۴

اگر دیگران نشانی از دوستی خاندان پیامبر داشته باشند،من نشانه ای تابناک از عشقشان بر پیشانی دارم....

شیخ حر عاملی درباره اش می نویسد:دانشمندی گرانقدر و امامی مذهب بود و قرآندانی ادیب و نویسندهٔ که مقاله های شگفت انگیز دارد.

او از حافظه ای غریب و ذوقی عجیب برخوردار بود مثلا-"قصیده ای طولانی که نشنیده بود و برای اولین بار برایش می خواندند،حفظ می شد و سپس بدون آنکه کلمه ای را کم یا زیاد کند،از حفظ می خواند یا چهار پنج صفحه از کتابی را با سرعت از نظر می گذراند،آنگاه آنرا از اول تا بآخر از حفظ می خواند،گاه نامه ای را که باو پیشنهاد می شد بنویسد از آخرین سطر شروع بنوشتن می کرد تا میرسید به اولین سطرش،آنهم با بهترین و زیباترین شکل.

او در سال ۳۹۸ ق،بوسیلهٔ زهر مسموم گردید و به خیل شهیدان پیوست.

سوخته ای از شعلهٔ محبت،که دشمنان او را بآتش کین سوزاندند

ابو الحسن علی بن عبد اللّه(ناشی صغیر)

از نوابغ علم کلام و عقائد و سرآمدهای شعر و سخن و نویسندگان پراثر بوده است.شیخ مفید رضوان اللّه علیه از او روایت می کرده است و شیخ طوسی،در باره اش فرموده که،کتاب ها تألیف نموده است و ابن خلکان می نویسد که او تألیف بسیار داشته است.او آنقدر درباره اهل البیت ع شعر سروده که قابل شمارش نیست و او را به شاعر خاندان پیامبر لقب داده اند.او را در سال ۳۶۶ ه به آتش سوزاندند و بدینوسیله بخیل شهداء،پیوست.

علامهٔ بزرگوار شیخ عبد الکریم کرجی قزوینی

از علمای برجسته و بااهمیت قزوین است.در دوره زندگانی بعنوان فقیهی بزرگوار و اصولی حدیثدان و مدرسی عالیمقام به حیاه پرافتخار خود ادامه میداد پیشوائی معنوی و رادمردی باتقوی بود.در مسجد جامع قزوین بامامت مؤمنین

می پرداخت و در کنار تدریس فقه و اصول،به حل مشکلات مردم همت می گمارد، تا آنکه ملحدین او را که مخالف اهدافشان می یافتند،در سال ۴۹۸ ه بشهادت رساندند و طومار زندگی او که سراسر کوشش برای تعلم و تعلیم و فقه و حدیث بود درهم پیچیده شد.

علامه بزرگوار ابو المحاسن،رویانی طبری

او از دانشمندان باعظمت و حدیث دان های شیعه است ولی بعلت آنکه، بصورت تقیه زندگی می کرد و تکیه اش بر فتاوای شافعی بود (۱)بعضی او را، شافعی پنداشته اند ولی صاحبنظران و محققین علم رجال امامیه،با کمال صراحت،تشیع این بزرگمرد فقه و حدیث و قضاوت را،تأیید و اثبات نموده اند.

او شخصیتی پرتحرک و باجوش و خروش بود.به بخارا سفر کرده و مدتی در آنجا اقامت جسته بود،به نیشابور و غزنه مسافرت کرده و در شهر ری مدتی تدریس نموده و در مسجدجامع اصفهان به تقریر و نگارش پرداخته بود.در آمل مدرسه ای ساخته و کتابهائی را برشته تحریر درآورده بود.

او استاد مسلم فقه بود و از محدثین کشورهای مختلف حدیث روایت می نمود.در منطقه طبرستان،از نفوذ سیاسی و مردمی فراوانی برخوردار و بعلت رفتار پسندیده و سخنوری عجیبش،دلها را بخود جذب کرده بود.

در زمان او فرقه ای بنام باطنیه بوجود آمده بود که انحراف اصولی داشتند،و معلمی برای این گروه بود که میگفت شما وظیفه ای جز فرمانبرداری از من ندارید دیگر تکالیف و واجبات را خواستید عمل کنید و نخواستید عمل نکنید.این بزرگمرد فقه و حدیث،وارد مبارزه با این فرقه گردید،و حکم به ملحد بودن آنان نموده و مردم را از معاشرت با آنها نهی می فرمود تا آنکه این فرقه گمراه،درصدد برآمدند که این مانع بزرگ را از سر راه خود بردارند،لذا در روز جمعه ای همزمان با عاشوراً

۱- ۱) این دانشمند گرانقدر تا جائی تسلط بر کتابهای شافعی داشت که فرموده بود(اگر همه کتابهای شافعی بسوزد من آنها را از بر خواهم نوشت)که این جمله نشان دهندهٔ قدرت حافظه و تسلط این مرد فقیه،بر فقه است.

حسینی،در مسجدجامع آمل به او حمله برده و او را بشهادت رساندند و این جریان، در سال ۵۰۱ یا ۵۰۲ ه-ق-بود.

ابو علی محمد بن الحسن فتال(واعظ نیشابوری)

او مردی دانشمند در فقه و حدیث و استادی توانا بود و در علم کلام نیز بمقامی بلند رسیده بود زهد و پارسائی و منطق کوبنده و رسا را،توأم داشت و در قرن ششم می زیست.

کتاب مشهور روضه الواعظین،و التنویر فی التفسیر،از آثار قلمی و تألیفات او است.

او استاد ابن شهر آشوب است و از راویان بسیار معتبر بشمار میآید،آنقدر عالی، سخنرانی میکرد که لقب فتال(چهچهه زن)که از اسامی بلبل است به او داده شد،زیرا بیانی شیرین و دلربا داشت،بطوریکه همانند نغمۀ بلبلان دل و احساس را بسوی خود میکشید و پس از عمری پربرکت بخاطر شیعه بودنش بوسیلۀ رئیس نیشابور بشهادت رسید.

شیخ طبرسی

شیخ ابو علی فضل بن الحسن الطبرسی،که از نوادر روزگار و از پرچمداران علم و فضیلت می باشد و از پیشوایان مکتب تشیع و یکی از،بزرگترین مفسرین قرآن مجید است،تفسیر او بنام مجمع البیان،می تواند به تنهائی گویای علم و ادب، انصاف،تبحر و ژرف اندیشی او بحساب آید و پرده از یک نبوغ علمی و گستردگی تحقیق و تلاش فکری بردارد.او کتابهای فراوانی دارد که نشاندهنده عظمت علمی او است.کتابهائی است در تفسیر،علم کلام،فقه،ادبیات،تاریخ که به قسمتی از آنها اشاره میشود:

اعلام الوری با علام الهدی،الوسیط فی التفسیر،الوجیز فی التفسیر، الوافی فی التفسیر،جامع الجوامع (۱)،تاج المواليد،

۱- ۱) صحیح،جوامع الجامع است چنانچه در الذریعه بیان داشته

غنیه العابد و منیه الزاهد،الجواهر فی النحو،العمده فی اصول الدین العمده فی الفرائض و النوافل،و عده ای دیگر از کتابهای ارزنده

با اینکه شهادت شیخ طبرسی مشهور نیست ولی در ریاض العلماء،و روضات الجنات که هردو از کتابهای بسیار ارزنده در معرفی چهره ها و شخصیت های عالی مقام شیعه هستند،ایشان را بعنوان شهید یاد کرده اند و مرحوم محدث- نوری صاحب کتاب مستدرک الوسائل،پس از آنکه این بزرگمرد مفسر را بعنوان شهید معرفی نموده،اضافه میکند که در نوشته دانشمندان نیامده است که چگونه بشهادت رسیده و شاید مسمومش کرده اند و لذا شهادت او هم شهرت نیافته است.ایشان در سال ۵۴۸ ه بشهادت رسید و در محل غسل امام هشتم علی بن موسی الرضا ع بخاک سپرده شد و مزار او مشهور و موردتوجه همگان میباشد.

شیخ محمد بن مکی،شمس المله و الدین(شهید اول)

اشاره

او اولین چهرهٔ درخشانی است که در میان شیعه بلقب شهید ملقب شده است.وی پناهگاه شیعه و پرچمدار مکتب اهل البیت بود،کتابهایش مرجع فقها و نظریاتش نقطه اتکاء صاحبنظران.از شمار چند چهره درخشانی است که در تاریخ حوزه های علمیه شیعه،کتاب ها و نظریاتشان محور و مرکز بحث و تحقیق بوده و گذشت زمان آنها را از اهمیت نیانداخته است.

او نه تنها در فقه که در علوم عقلی و روائی،نیز صاحب نظر بود و نه تنها متخصص در بعضی رشته های علمی،که جامع رشته های علوم بود،انواع فضائل و مکارم را همراه با روحی پاک و نیرومند داشت.

با آنکه بیش از ۵۲ سال در این دنیا زیست نکرده ولی آنقدر تألیف و آثار علمی، اندیشه و نظریات فکری،تبحر و تنوع در علوم،مسافرتهای فراوان به کشورهای مختلف داشته است که میتوان پی برد که او از شخصیت های نادری است که خداوند متعال آنها را برای تکامل بشریت و رساندن انسانیت باوج ترقی به صحنهٔ حیات و زندگی آورده است.

کتابهای شهید

۱-اللمعه الدّمشـقیّه که همراه با شرحی که شهید دوم بر آن نوشته،از مهمترین کتابهای درسی حوزه های علمیه شیعه،بشمار می رود.

۲-الدروس الشـرعیّه فی فقه الامامیّه ۳-الذکری ۴-غایه المراد فی شـرح نکت الارشاد ۵-البیان ۶-اربعین ۷-القواعد و تعدادی دیگر از کتب گرانقدر

انگیزهٔ تألیف اللمعه الدمشقیه

بعد از آنکه سـربداران خراسان،نهضت بزرگ و حق طلبانهٔ خود را بمراحلی از پیروزی رساندند،یکی از سلاطین آنها بنام علی بن مؤید که همزمان و معاصـر شـهید اول بود و بر خراسان حکومت میکرد،نامه ای مفصل برای شـهید نوشت که در آن اصرار عجیبی کرده بر اینکه ایشان به منطقه خراسان بیاینـد و رهبری فکری و فرهنگی مردم را بعهـده بگیرند.بدنبال این نامه و تقاضـا چون مرحوم شـهید نتوانسـتند شـخصا"به خراسان سفر کنند و رهبری مردم را بعهده بگیرند لذا کتاب اللمعه الدمشقیه را تألیف نموده و همراه نماینـده ای به خراسـان فرسـتادند تـا بـا یـک دورهٔ فقه شـیعه،راه و رسم زنـدگی و حیـات سـعادتمند برای مردم علاقمند روشن گردد.

انگیزه و جریان شهادت

ابن جماعهٔ شافعی،بعلت خشمی که از شهید در دل گرفته بود توطئه ای را بوجود آورد که در آن قاضی مالکی و شاه آنسامان و عده ای از دشـمنان شیعه، نقش ایفا کردند و در نهایت،با حکم قاضـی مالکی،ایشان بشهادت رسید باین صورت که،پس از یکسال زندانی بودن در قلعهٔ دمشق او را با شمشیر شهید نمودند و آنگاه بدن او را بدار کشیده و بعد،سنگسار نموده و در آخر جنازهٔ مقدس او را بآتش کشیده و سوزاندند و این جریان در تاریخ ۷۸۶ ه ق بود.

و بدینسان بزرگترین فقیه زمان،و اسـتاد فقها سوخت تا در روشـنائی شـعله اش،فقه و فقاهت و حوزه های علمی شیعه،براه خود ادامه دهند.

ص :۴۹

ابو المعالی دشتکی شیرازی

او که ملقب به صدر الدین کبیر است،نسب والایش به امام زین العابدین ع میرسد.

قاضی نور اللّه تستری شهید در مورد او میگوید:نیاکانش همگی در شمار حافظان حدیث و سنت و پرچمداران دانش بودند،لکن بیشتر از هرچیز پایبند تقیه و پنهانکاری بودند تا از آنمیان این مرد بزرگ ترک آن رسم گفت و بنا کرد به بیان آشکارای عقیده اش و تظاهر دلیرانه به عشق ائمه از خاندان پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم .

او شیفته حکمت و فلسفه بود و در مناظره و مباحثات منطقی قدرت عظیمی داشت، به حدی که هرکس با او به مناظره می نشست شکست میخورد تا جائی که دانشمندان باعظمت و نوابغ عصر،از روبروئی با او نگران بودند چنانچه محقق دوانی با همه علم سرشارش،در خود تاب کشمکش استدلالی با او را نمی دید.

او بیست ساله نشده بود که فارغ از تحصیل علوم گردید و چهارده ساله بود که با علامهٔ دوانی به مناظره پرداخت،کتابهای فراوانی نوشته است که عمده آنها بصورت حاشیه بر کتابهای علماء بزرگ است.

آثاری از خود بجای نهاده که از انها است مدرسه منصوریه شیراز و بدینوسیله خدمتی به حوزهٔ علمیه نموده علاوه بر خدمات علمی و تألیفی ارجدارش،او در روز جمعه ۱۲ رمضان ۹۰۳ بدست فاسق های فاجری از ترکمانیه،بشهادت رسید و در شیراز دفن گردید و مزارش مشهور می باشد.

محقق عاملی کرکی(محقق ثانی)

اشاره

نور الدین ابو الحسن علی بن الحسین،از اهالی جبل عامل و مشهور به محقق ثانی است.

او پیشوای شیعه و علامهٔ زمان،محققی موشکاف و دانشمندی،کثیر العلم و از بزرگترین چهره های درخشان حوزه های علمی شیعه بوده است.انقدر در تحقیق و بلندپروازی در فقه و حدیث موفق بود که او را محقق ثانی نامیدند و او را،

تالی محقق حلی(نابغهٔ دوران وافقه فقها)دانستند.

بـدعوت سـلطان صـفوی از جبل عامل و جنوب لبنان که مرکز علمی بزرگی،برای شـیعه بود بایران امد و در قزوین و مدتی در اصـفهان مشـغول انجـام خـدمات عظیـم و کـم سـابقه ای در نشـر علـم و دیـن و تحکیـم پـایه هـای تشـیع و حـوزه هـای علمیه گردیـد.بطوریکه یکی از مورخین مینویسد پس از خواجه نصـیر الدین طوسـی هیچ عالمی آن موفقیت را که این اسـتاد بزرگ در خدمات اسـلامی کسب کرد نتوانست کسب کند،خدماتی چون حاکمیت بخشـیدن به تعالیم و احکام دین،اسـلام را بر همه عقائد و مذاهب فائق آوردن،راه و رسم تشیع را برقرار ساختن...بدعت ها و زشتی ها را از بین بردن،انحرافات را زدودن،سنن و واجبات اسلامی را برقرار ساختن...

سلطان صـفوی حکمی برای ایشان نوشت که مفاد ان،حاکمیت یافتن این عالم فقیه،بر شـخص سـلطان هم میباشد و بیان داشت که تو برای سـلطنت نمودن از من سزاوارتری چون نائب امام علیه السّلام هستی،من فقط یکی از والیان و کارگزاران تو خواهم بود.

کتابهای فراوانی نوشـته است که نشانهٔ وسـعت علم و تلاش فکری اوست و او را در زمره فقهای بزرگ اسلام قرار میدهد و در رأس همـه انهـا کتـاب عظیم الشـان جـامع المقاصـد،در شـرح کتـاب قواعـد علامـه حلی است که توانسـته تـوجه فقهـای عظیم الشانی،همانند دو فقیه بزرگ اسلام،صاحب جواهر و شیخ انصاری رضوان اللّه علیهما را بخود جلب نماید.

در یـک کلامـ،محقق کرکی(محقق ثـانی)برای حوزه هـای علمیه پرچمـدار و اسـتادی بزرگ،و برای مکتب تشـیع سـنگربان و مـدافعی کم نظیر،و برای مردم مسـلمان و دوسـتدار اهـل البیت پناهگـاهی بی قرین،و برای محو بـدعت ها و گمراهی ها دلیری استوار بود.

شهادت او

بعضی از رجال دولت با این فقیه بزرگوار دشمنی داشتند و در پی فرصت

برای کشتن او میگشتند و توطئه می نمودند تا انکه در شهر نجف او را مسموم نموده و بشهادت رساندند.

شیخ زین الدین جبعی عاملی(شهید ثانی)

اشاره

دانشـمندی است که بخاطر عظمت و مقام والای او،قلمهای زیادی را در ثنای خود بکار انداخته است.در روضات الجنات امده است،تا این زمان که سال ۱۲۶۳ است از دانشمندان بزرگ کسی را به عظمت شأن و علو مقام و ظرفیت اخلاقی و خوش فهمی و قـدرت اراده و حسن سـلیقه و راستروی و نظم تحصـیلی و کثرت اسـتاد و ظرافت طبع و لطافت هنر و معنویت سـخن و کمال تألیف او نیافته ام،حتی در تخلق به اخلاق الهی،چیزی نمانده که بپای معصومان برسد

آری او کثرت آثار را با استقامت آنها و دقت اندیشه را با لطافت در بیان،همراه نموده است.استفاده از اساتید غیرشیعی را برای هرچه بیشتر منصـفانه اندیشـیدن و نتیجه گرفتن،برنامهٔ وسیع خود قرار داده است.مداد علمیش را با خون شهادتش در راه اسلام بکـار انـداخته و پـایه های فقه و کلام،اخلاق و عقائـد را اسـتوار ساخته است.او سـندی محکم برای تشیع،و چراغی فروزان در حوزه های علمیه و پیشوائی گرانقدر برای راهیان راه فقه و فقاهت است.

او نه تنها در فقه که در فلسفه،اصول فقه،علوم طبیعی،شعر و ادب،ریاضیات دست داشت.

آثار او

بیش از هفتاد کتاب تألیف نموده است که در میان انها کتاب روضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه و کتاب مسالك الافهام فی شرح شـرایع الاسـلام از بااهمیت ترین انها است و اوّلی از این دو،قرنها است بعنوان کتاب درسـی حوزه های علمیه شـیعه،مورد بهره برداری اساتید و محصلین فقه جعفری میباشد

داستان شهادت جانسوزش

بین دو نفر که نزاعی داشتند شیخ شهید حکم می کنند،آنکه حکم به

ضررش بود شکایت بنزد قاضی صیدا برد،قاضی کسی را برای احضار شهید فرستاد در حالیکه شهید در تاکستانی یکسره مشغول تألیف بودند و شرح لمعه را، تألیف میکردند.بعضی از مردم به فرستاده قاضی گفتند مدتی است از نزد ما رفته خبر به شیخ شهید رسید ایشان تصمیم گرفت برای اینکه از دسترس قاضی جائر دور بماند به حج برود ولی قاضی به پادشاه عثمانی گزارش داد که در منطقه شام،مردی بدعتگزار پیدا شده که هیچ یک از مذاهب اربعه را قبول ندارد.

پادشاه عثمانی کسی را مامور دستگیری او نمود ولی گفت او را زنده بیاور،ان مأمور به جبع لبنان آمد،گفتند شیخ بمکه رفته او روانه مکه شد و در راه به شیخ برخورد، شیخ،فرمود با من باش تا حج را بپایان بریم سپس مأموریت خود را انجام بده او پذیرفت و بعد از حج راهی پایتخت حکومت عثمانی شدند.در میان راه یک فردی از آن مأمور پرسید این شخص کیست گفت یکی از علمای شیعه امامیه است می خواهم او را بشاه برسانم گفت نمی ترسی که از تو بشاه شکایت کند که او را بی احترامی کرده ای و آزار کرده ای و آن قدر وسوسه کرد تا او را راضی کرد که شیخ را بکنار ساحلی از دریا ببرد و گردن بزند و ان مأمور شقی با توطئه یک دشمن علم و تشیع،شیخ عزیز و بزرگوار را بشهادت رساند و در کنار دریا دریای علم را مورد بزرگترین جنایت خود قرار داد ولی جماعتی از ترکمن ها که آنجا ساکن بودند آن شب،دیدند ستونهائی از نور از آسمان فرومی اید و بالا می رود.شیخ شهید را همانجا دفن کردند و بر مزارش گنبدی برپا داشتند و آن مأمور جنایتکار سر مقدس شهید را برای شاه عثمانی برد،شاه عثمانی او را تقبیح کرد و گفت من دستور دادم او را زنده بیاوری،و یکی از علماء سادات،تلاش کرد تا شاه عثمانی او را اعدام نمود و به جزای این جهانی رساند.باشد تا جهان دیگر و حکم قطعی احکم الحاکمین.

کرامتی بزرگ از شهید ثانی

شیخ حسین بن عبد الصمد پدر شیخ بهائی که از علماء بزرگوار است،در یک زمانی با شیخ شهید از محلی عبور می کنند.شیخ شهید به پدر شیخ بهائی

ص: ۵۳

میفرماید در این جا کسی کشته خواهد شد که مقامی دارد و پس از شهادت شهید معلوم شد که این همانجا بوده است و این از کرامات الهی است که نصیب این مرد خدائی گردیده است.

یک رؤیای شگفت

شیخ بهائی ره میفرماید پدرم بمن اطلاع داد که صبح یکی از روزها به خانه شیخ شهید رفتم،دیدم سر بفکر فرو برده است،پرسیدم بچه می اندیشی فرمود برادرم!گمان می کنم دومین شیخ شهید باشم،زیرا دیشب در عالم خواب دیدم سید مرتضی(علم الهدی)میهمانی برپا کرده است و همه علمای شیعه را در خانه ای گرد آورده است وقتی من وارد شدم سید مرتضی برخاست و بمن خوشامد گفت و افزود فلانی پهلوی شیخ شهید(شهید اول)بنشین،من پهلوی شهید نشستم چون مجلس قرار یافت از خواب برجستم،این خواب دلیل روشنی است که من بلحاظ شهادت،پس از وی خواهم بود.

شمه ای از مرثیه ها در شهادت جانسوز شهید ثانی

شعرای قدرشناسی،مرثیه های بلندی سروده اند که بخاطر رعایت اختصار تنها ترجمه دو قطعه از آن مرثیه ها را می اوریم.

خبری بگوش رسید که هرگز نرسد خبری که دل از شنیدنش بدرد می آید و روح تاب شنیدنش نیاورده از تن پرواز می کند ....تا آنجا که خطاب به شهید می گوید

آه از این درد که ترا به بند کشیدند و کسی نبود که حمایت یا شفاعت کند با خواری و با ذلت می کشیدند و می بردند تو را که نزد خردمندان بزرگترین شهریاری چرا کوهها نمی غرد و بر زمین نمیریزد

از روی خشم،و چرا ستارگان فرونمی ریزند دیگری میگوید

آه،دریغا که او دور از وطن بر خاک افتاده و غبارالود است با خدای خویش از مصیبتی می نالم که مانندی جز مصیبت شهدای کربلا ندارد

شهاب الدین تستری خراسانی(شهید ثالث)

از علماء بزرگوار و ارکان دین بوده است.پس از انکه در شیراز تحصیل علوم عقلی نمود بشهرهای عربی و مخصوصا "حوزه علمیه جنوب لبنان(جبل عامل) سفر کرد و بمراحل بزرگی از علم و کمال رسید و بایران برگشت و در حوزهٔ علمیه خراسان به تدریس و تعلیم و هدایت مردم پرداخت تا آنکه در ۹۹۷ ه-ق ازبکان بر مشهد مقدس استیلا پیدا کردند و عدهٔ فراوانی از علماء و زهاد و مردم عادی را کشتند و این دانشمند بزرگوار را گرفتند و به بخارا نزد رئیس ازبکان بردند و در آنجا بین او و علماء سنی،بحث های زیادی انجام گرفت و آنها در برابر او قدرت مقابله نیافتند و به رئیس ازبکان گفتند شما که در درستی مذهب خود شک ندارید چرا به مناظرهٔ با این مرد برمی انگیزید؟هرکه مخالف مذهب ما، باشد چاره ای جز کشتن او نیست و در نتیجه،او را بجرم شیعه بودن و دوستی با خاندان ولایت با کارد و خنجر کشتند و جسدش را در میدان بخارا به، اتش کشیدند.

همهٔ شرح حال نویسانی که درباره این شهید مظلوم،مطلبی نگاشته اند او را شهید ثالث خوانده اند بجز شیخ بهائی که این لقب را به محقق کرکی(محقق ثانی)داده است.

قاضی نور اللّه تستری

اشاره

او همزمان با شیخ بهائی است و پس از انکه مراحل علمی را پشت سر گذاشت

ص :۵۵

برای توسعه و نشر اسلام و آگاه ساختن مردم به مکتب تشیع به سرزمین هند سفر کرد و در آنجا بعنوان یکی از نخستین منادیان و مبلغان مکتب اهل البیت ع وارد صحنه کارزار و مبارزات علمی،قلمی،فتوائی و اجتماعی گردید و تا انجا قیام و اقدام خود را دنبال نمود که جان خود را بر سر اینکار گذاشت.او مشعل دین بود و دریای دانش،پرچمدار تشیع بود و شمشیر کشیده ان،مبلغ توانای احکام دین بود و مجری انها،گرچه نمیتوانست بدون تقیه علنا"حوزه علمیه ای برای شیعه در هند بوجود آورد ولی راه را برای دیگران با خدمات و آثارش با شهادت و مزار شریفش،بازنمود تا آنکه با گذشت زمان،شیعیان در هندوستان پایگاهی پیدا کردند و مساجد و حسینه ها و مدارس بنا نمودند و حوزهٔ علمیه علنی بوجود آمد تا جائیکه محقق بزرگوار و فدائی اهل البیت مرحوم ایت اله میرحامد حسین موسوی"صاحب کتاب عبقات الانوار"توانست در هندوستان،کتاب عظیم و بی نظیر خود را در اثبات حقانیت اهل البیت و امامت و خلافت بلافصل علی ع بنویسد و بهترین کتابخانه شیعه را در همانجا بوجود اورد.

کتابهای او

در حدود یکصد و سی جلد کتاب و رساله نوشته است که نشاندهنده تسلط او در علوم گوناگون می باشد از قبیل فقه،حدیث،تفسیر،اصول،کلام،فلسفه، منطق،حساب،هیئت،هندسه،تاریخ،شعر،نحو،صرف،مناظره معانی،بیان،بدیع و در میان کتابهای او دو کتاب میدرخشد،۱-مجالس المؤمنین که در شرح حال علماء،رجال نامی،شعر او پادشاهان شیعه است و در این کتاب به پایگاههای علمی شیعه یعنی حوزه های علمیه توجه شده است.۲-کتاب احقاق الحق که زمینه شهادت او را فراهم ساخت،و در این کتاب اشکالات فضل بن روزبهان را به کتاب نهج الحق و کشف الصدق علامهٔ حلی رد نموده و با بهترین روش،حقانیت مکتب اهل البیت را اثبات نموده است و تألیف این کتاب نشانه نبوغ خارق العاده قاضی نور اله شهید است زیرا کتابی که بزرگانی همچون وحید بهبهانی،مولی محمد تقی مجلسی،مولی

محمـد بـاقر مجلسـی،در مقام ثنای او با عبارات لطیفی برآمـده انـد و محقق قمی (صاحب قوانین)درباره اش میگویـد:اگر خود علامه حلی میخـواست جواب اشـکالات روزبهـان را بدهـد هماننـد قاضـی نور اللّه برایش ممکن نبود.بـا این حـال این کتـاب بـاعظمت،در مـدت زمـان کمی نگاشـته شـده که در کتـاب کشـف الحجب و الاسـتار آمـده(که اگر در این مـدت کم کسـی میخواست از این کتـاب نسـخه برداری کنـد امکـان نـداشت چه رسـد که بخواهـد چنین کتـابی را تصـنیف نمایـد،و شایـد این کرامتی الهی است که بدست قاضی شهید ظاهر شده است.

داستان شهادت مظلومانه او

قاضـی شـهید وقتی وارد هند شد و علم و نبوغ خود را ظاهر ساخت موردتوجه طالبان علم و فضـیلت قرار گرفت و پادشاه آنجا پیشـنهاد مقام قاضـی القضاه را به ایشان نمود،قاضـی شـهید در ابتدا نپذیرفتند.پس از اصرار او با یک شرط پذیرفتند و ان اینکه مطـابق اجتهـاد خود عمـل کننـد،البته از محـدوده مـذاهب چهارگانه (شافعی،حنبلی،حنفی،مالکی)بیرون نرونـد.شاه پـذیرفت و ایشان فتوای شـیعه را عمل می نمود ولی در هرمورد با یکی از مذاهب دیگر تطبیقش میداد از این زمان،گسترش فعالیت قاضی شهیـد زیـاد گردیـد زیرا علم و فضـیلت اخلاـق و حسن معاشـرت،بعلاـوهٔ بالاـترین مقـام قضـائی،عامـل نفوذ فوق العـادهٔ ایشان میگردید و این قاضـی بزرگوار فقه را بنابر مذاهب پنجگانه،شیعه،حنفیه،مالکیه حنبلیه،شافعیه تدریس می نمود و دانش خواهان و طلاـب علوم را از هر راه دور و نزدیـک بسوی خود جـذب نمود و در وقت تـدریس قولی را از میان اقوال تقویت میکرد که مطابق مـذهب شـیعه باشد و در نتیجه حوزهٔ علمیهٔ تقیه ای بوجود آورد.اینهمه عظمت برای قاضـی شـهید،حسد علماء و قاضـی های عامه را، برانگیخت و در پی یافتن بهانه ای برای از بین بردن قاضـی شهید بودند،که روزی ایشان در درسش در مورد امیر المـؤمنین علی ع کلمـهٔ علیـه السّـلام را بکـار برد، آنهـا فرصت را غنیمت شـمرده و طومـاری تهیه نمودنـد خطـاب به پادشـاه و تقاضای اعدام قاضی را نمودند،بدلیل اینکه علیه السّلام مخصوص رسول خدا ص است

و قاضی انرا برای علی ع بکار برده،پس ریختن خون او حلال خواهد بود و طومار را همگان امضاء نمودند جز یکی از بزرگان آنها که در نامه ای خصوصی به شاه، نوشت:

)گر لحمک لحمی بحدیث نبوی هی)-بی صلّ علی نام علی بی ادبی هی

شاه که فردی عاقل بود طومار را با همه امضاهایش رد نمود و این یک نامه را با دلیل خداپسندش پذیرفت زیرا در این شعر میگوید:

اگر درست است که پیامبر خدا بعلی ع گفته یا علی لحمک من لحمی(گوشت تو از گوشت من است)پس نام علی ع را بی صلّ علی بردن بی ادبی برسول خدا است و در نتیجه پادشاه بر علاقه اش به قاضی افزود،تا انکه با مردن شاه و جانشین شدن پسر او که فردی نالایق و بی کفایت بود،فرصت برای دشمنان بدست آمد و توطئه را دنبال نمودند و فردی را بعنوان طالب علم،در زندگی و دستگاه قاضی شهید وارد نمودند که از اسرار ایشان آگاهی بدست آورد و چون خود را شیعه معرفی نموده و نظر قاضی را جلب کرده بود توانست از کتاب احقاق الحق نسخه برداری کند و در اختیار علمای عامه قرار دهد و انها بدینوسیله خشم پادشاه را برانگیختند و قاضی را احضار نموده و او را برهنه کرده و با چوبهای خاردار انقدر بر بدن شریفش زدند که گوشتهای آن ریخت و در پایان کار ظرفی را پر از آتش نموده و روی سر او گذاردند،مغز سر او بجوش آمد و یکه و تنها و مظلوم در محاصرهٔ حملات ان جمعیت تبهکار و ستمگر بشهادت رسید و این جریان در سال ۱۰۱۹ ه ق بوده است.

دانشمند مجاهد مولی علی زنجانی

از بزرگترین پرچمداران علم و فضل است،آگاه به علم حدیث،فقه،کلام و رجال بود.بعد از آنکه تحصیلات خود را در حوزه علمیه قزوین بپایان رسانید به زنجان برگشت و به خدمت اسلام و مردم مسلمان همت گماشت تا آنکه عثمانیها بدنبال یک توافق خائنانه بر علیه ایران وارد صحنه شدند و به کشور ایران حمله کردند وقتی به حوالی زنجان رسیدند،این عالم فداکار بهمراهی عده ای از،

اهالی،آماده دفاع شدند و در چند فرسخی زنجان جنگ سختی درگرفت و این عالم دلیر تا انجا مقاومت نمود که بشهادت رسید و در راه جلوگیری از مهاجمین خونخوار بخیل شهداء راه حق پیوست.

عالم مجاهد شیخ زین عاملی

خانواده او از بهترین خاندانهای شیعهٔ جبل عامل بودند که در راه مکتب اهل البیت فراوان جهاد و مبارزه نموده و عده ای از علماء انها جانشان را در راه حق نثار نمودند.او پس از ۱۵ سال تحصیل در حوزه بزرگ نجف و اموختن فقه و اصول و حدیث با تشویق استادش،آیت اللّه بحر العلوم و تقاضای فراوان مردم جبل عامل،به زادگاه خود برگشت و به ترویج اسلام پرداخت،و استقبالی از او نمودند که منظره اش در ان سامان بی نظیر بود.ایشان مسجد دهکده شحور را پایگاهی برای قضاوت و فتوی قرار داد،تا انکه حاکم خونخوار عثمانی بنام احمد پاشا(که از بس خونریخت و آدم کشت و علماء را شهید نمود و کتابخانه ها را آتش زد او را قصاب نامیدند)به ایشان حمله نمود و این مرد علم و جهاد را بشهادت رساند و جنازه ایشان را دستور داد بآتش کشیدند و کتابخانهٔ ایشان را اتش زدند،در حالیکه بیش از سه هزار جلد کتاب داشت،فقط چند جلد از کتابها از حریق نجات یافت که سه کتاب از تألیفات این عالم شهید از میان آنها بود.

علامهٔ بزرگوار میرزا محمد مهدی اصفهانی

او یکی از چهار مهدی (۱)از شاگردان امام مجدّد(وحید بهبهانی)است و در علوم عقلی و نقلی از قبیل فقه،اصول،فلسفه،کلام،حدیث،ریاضیات ماهر و استاد بود و از استاد بزرگوار خود وحید بهبهانی اجازه داشت،و برای سید بحر العلوم استاد فلسفه بود،همیشه در حال تدریس علوم مختلف و تربیت طلاب

---

۱ - ۱) سه مهدی دیگر یکی آیت اله سید محمد مهدی بحر العلوم و دیگری ملا محمد مهدی نراقی و سومی فقیه بزرگوار میرزا محمد مهدی شهرستانی هستند که از چهره های درخشان حوزه های علمیهٔ شیعه بشمار میروند.

علوم دینیه بود و چراغی روشن و فروزان در حوزهٔ علمیهٔ مشهد الرضا علیه السلامبود.

شبها توشه و خوراك حمل مینمود و برای یتیم ها و بیوه زنان و بیچارگان می برد.

او علاوه بر کار علمی و تألیف و تدریس به کار خودسازی و تحصیل کمالات نفسانی، اشتغال داشت و بمراحلی از کمال رسیده بود.گاه شبانه یا هنگام سحر در ساعتهائی که درب حرم بسته بود به زیارت میرفت و درب حرم بدست غیبی برایش گشوده میشد.

او بدست حاکم فاجر و یاغی خراسان،بنام نادر میرزا نوهٔ نادر شاه افشار با ضرب شمشیر در سال ۱۲۱۸ ه ق بشهادت رسید.

فقیه متکلم مولی عبد الصمد همدانی

او از بزرگان فقه و حدیث و حکمت و کلام و لغت و زاهدی پیراسته و عارفی خوش مشرب و مؤلفی عالیمقام بوده است.کتاب بزرگی در لغت و کتاب بزرگ دیگری در شرح مختصر النافع نوشته است که تبحر مؤلف را در علم فقه و اصول و حدیث نشان میدهد.

او و عده ای از علماء و نیکان و مردم عادی در حملهٔ وهابیها (۱)به کربلا بمقام شهادت نائل گشتند.

وهابیهای خون آشام در روز ۱۸ ذی الحجه(عید غدیر)،او را از خانه اش بیرون آورده و کشتند و آنچه قبلا"این عالم بزرگوار پیشگوئی کرده و پیوسته بزبان آورده بود که(محاسنم بخونم رنگین خواهد شد)تحقق یافت.

---

۱ - ۱) وهابیها فرقه ای هستند از پیروان محمد بن عبد الوهاب تمیمی که عقائد خاصی دارند و از آن جمله،حرام بودن عزاداری و تشکیل مجالس برای درگذ- شتگان و حرام بودن ساختن گنبد و ضریح بر قبور حتی قبور پیامبر و ائمه،و همانها هستند که قبور ائمه بقیع و قبر خدیجه و ابی طالب و حمزه سید الشهدا را خراب کردند و همانها هستند که لشگرکشی بطرف نجف و کربلا نموده و حرم مقدس امام حسین ع را مورد تاخت وتاز خود قرار داده و ۷۰۰۰ نفر از علماء و بزرگان و سادات و مردم عادی را در شهر کربلا کشتند که شهید مولی عبد الصمد همدانی از انها است و جنایتهائی کردند که روی تاریخ را سیاه کرده است.

محقق بزرگ شیخ حسین(آل عصفور)

اشاره

از مردان بزرگ و فضلای محقق و حدیث شناسان زبردست بود.حتی بعضی از دانشمندان بزرگ او را از مجدّدین مذهب در رأس سده سیزدهم شمرده اند در قدرت حافظه ضرب المثل بود،در سفر حجش به قطیف وارد شد و با یکی از علماء ملاقات کرد و کتابهائی را نزد او یافت که بسیار نفیس و بعضی از آنها نسخهٔ منحصر بفرد بود.شیخ حسین کتابی را دید در علم حدیث و از آن عالم تقاضا نمود که این کتاب را بمن امانت بده تا ضمن سفر از ان نسخه برداری کنم،ان عالم موافقت ننمود و گفت این نسخهٔ منحصر هست ولی شیخ حسین در مدت چند روز اقامتش در قطیف کتاب را مطالعه نمود و بسفر حج رفت.در وقت بازگشت،با همان عالم ملاقات نمود و گفت کتاب را بیاور وقتی آورد،شیخ حسین نسخه دیگری از کتاب را درآورد تا با نسخه آن عالم مطابقت نماید.آن عالم پرسید نسخه ای از این کتاب پیدا کرده ای گفت نه بلکه در همان چند روز مطالعه،کتاب را از حفظ کردم و در سفر حج از حفظ نوشتم و وقتی مقابله نمودند جز در چند مورد جزئی، اختلافی وجود نداشت و کتاب را با همان ترتیب فصلها و سندها نوشته بود و علمائی که حاضر بودند همه بشگفتی آمدند.نشانهٔ دیگری از قدرت حافظهٔ او اینکه کتاب التحفه القدسیّه،فی الصّلوه الیومیّه را سه روز برای شاگردانش از حفظ تقریر کرد.

آثار علمی او

در حدود ۴۰ کتاب تألیف نموده است که نشاندهندهٔ تسلط او در علوم مختلف از قبیل فقه،اصول،تفسیر،تاریخ،نحو،شعر می باشد.

شهادتش

در جریان حوادثی که در سال ۱۲۱۶ ه در بحرین اتفاق افتاد،تبهکاری از دشمنان دین،ضربه ای بر ایشان وارد ساخت و در اثر ان ضربه بشهادت رسید.

ص :۶۱

فقیه طبیب شهید،میرزا محمد کشمیری

او یک متکلم،اصولی،فقیه،حکیم و عالم به طب بود.کتابهائی نوشته که عظمت فکر و اندیشه و تبحر او را نشان میدهد.کتابی دارد بنام نزهه الاثنی عشریه که چند جلد آن بچاپ رسیده.دیگر تألیفی دارد بنام تاریخ العلماء که در علم رجال است بنحو مفصل و رساله هائی در علم بدیع،علم صرف،فلسفه و شرحی بر وجیزهٔ شیخ بهائی و کتابی بنام(تنبیه اهل الکمال و الانصاف علی اختلال اهل الخلاف)و کتاب دیگری بنام(ایضاح المقال فی توجیه الاقوال)دارد او علاوه بر همهٔ این علوم،در رشته طب نیز متبحر بود.

وقتی تألیفات این دانشمند بزرگ در شهرهای مختلف منتشر گردید و مخصوصا در مسئلهٔ مکتب اهل البیت ع اندیشه او در جامعه مطرح گردید.حاکم یکی از شهرها که با پادشاه هند خویشاوندی داشت و شخص متعصبی بود،بر علیه ایشان توطئه نمود و خودش را به مریضی زد و از پادشاه خواست که این عالم فقیه طبیب را برای معالجه او بفرستد،ایشان از قبول مأموریت عذر خواست ولی پادشاه اصرار کرد و این مرد بزرگوار را وادار به سفر به شهر ان حاکم توطئه گر نمود ولی ایشان در میان راه مرتبا"میفرمود دست اجل در این سفر مرا خواهد گرفت.آن حاکم ناجوانمرد باین عالم طبیب زهر خورانید و او شهید راه اثار و کتاب هایش بخصوص آنها که در حمایت از اهل البیت ع بود گردید.

عالمی فقیه که در حال سجود بشهادت رسید مولی محمد تقی برغانی قزوینی

اشاره

در حوزه علمیهٔ قزوین تحصیلات مقدماتی را انجام داده،رهسپار قم و درس محقق نامی میرزای قمی گردید و مدتی در حوزه علمیه اصفهان و در نهایت در حوزه علمیهٔ کربلا به ادامهٔ تحصیل علم و کمال پرداخت.پس از آن به قزوین برگشته و بعنوان مرجعی بزرگ در راه نشر و اجرای احکام اسلام وارد مبارزه گردید و در آن زمان که بابی ها به فساد و تباهی و گمراهی خود دامن زده و در اغوای نادانان میکوشیدند؛به ستیز با آنها برخواست و با اینکه عالمی در حدود هشتاد

ساله بود با ارشاد و بیان و حکم دادن به کفر بابی ها،جهاد خود را علیه آنان آشکار می نمود،بابی ها که ضربه سهمگینی از این فقیه مجاهد خورده بودند در صدد انتقام بودند تا آنکه یک شب که ایشان طبق معمول،نیمه شب از خانه به مسجد رفت،نزدیکی های صبح بر سر او ریختند و او را که در حال سجده و مناجات بود مورد تهاجم قرار داده و ابتدا دو ضربه بر گردنش زدند و چون سر برداشت، ضربه ای دیگر بر دهانش زدند و مجموعا"هشت زخم برداشت و بدنبال آن به فیض شهادت رسید.

کتابهای او

کتابی دارد در شرح شرایع الاسلام و بیست و چهار جلد میشود از اول کتاب الطهاره تا کتاب الدیات که یک دورهٔ کامل فقه است،بعلاوه آثار دیگر در موضوعات گوناگون.

مرجع شهید شیخ فضل اللّه نوری

اشاره

او در جوانی به حوزه علمیهٔ نجف وارد شد و به تحصیل علوم پرداخت ولی وقتی امام مجدد میرزای شیرازی(صاحب فتوای تحریم تنباکو)برای تشکیل حوزه علمیهٔ سامراء به آن شهر مقدس هجرت فرمود شیخ شهید نوری هم با عدهٔ از علماء و فضلاء به شهر سامرا هجرت نمود و در کنار مرقد دو امام معصوم امام علی النقی و امام حسن عسکری علیهما السّلام در محضر مرجع اعظم شیعه میرزای شیرازی به تکامل علمی و تقوائی پرداخت و سپس ایشان بتهران عزیمت نموده، در تقویت حوزه علمیه در تهران و ترویج دین مقدس اسلام اشتغال یافت.

او از بزرگترین چهره های علمی آنروز بود و در تهران کسی اعلم از او وجود نداشت و در معاشرت با مردم و آشنائی با سیاست درخشانترین چهره را دارا بود تا آنجا که حتی مخالفین ایشان عباراتی گفته اند که نشان دهندهٔ عظمت علمی و تقوائی و اخلاقی آن بزرگمرد می باشد:مثلا"ناظم الاسلام کرمانی که از مخالفین آن شهید است می نویسد:

حاج شیخ فضل اللّه،اگر چند ماهی در عتبات توقف کند شخص اول علماء اسلام خواهد گردید،چه هم حسن سلوک دارد و هم مراتب علمیه و هم نکات ریاست را بهتر از دیگران دارا است...مراتب علمیهٔ او از دیگران بهتر و سلوکش با طلاب و اهل علم از دیگران خوشتر بود.

دکتر مهدی ملکزاده که سخت با آن مرجع شهید سر مخالفت داشته است نوشته ....در پایتخت بالاترین مقام روحانیت را حایز بود...گفته می شود از حیث معلومات و تبحر در علوم دینی از همه هم کنانش برتری داشته و بسیار فهیم و باهوش بوده و در قدرت استدلال،در میان طبقهٔ خود نظیر نداشته است.

فریدون ادمیت فراماسون معاصر نیز با همه تعمدی که برای نادیده گرفتن روحانیت و نقش آنها در نهضت مشروطه دارد،می نویسد:

متفکر مشروطیت مشروعه،شیخ فضل اللّه نوری بود.از علمای طراز اول که پایه اش را در اجتهاد اسلامی برتر از طباطبائی و بهبهانی شناخته اند.

در یک کلام،او مجتهدی عالیمقام،مرجعی دلسوز و بصیر،عالمی آگاه به زمان،مبارزی دین آشنا و در نهایت شهیدی بیدارگر بوده است.

موضع گیری سیاسی شهید نوری،در جریان مشروطه

از اعلامیه ها و بیانات ایشان در دورهٔ مبارزهٔ با انحراف مشروطه،میتوان مواضع سیاسی آن بزرگمرد را بدست آورد،چنانچه در یکی از اعلامیه های زمان تحصن،در کنار حرم حضرت عبد العظیم بیان داشته اند که:

ایّها الناس،من به هیچ وجه منکر مجلس شورای ملی نیستم بلکه من مدخلیت خود را در تأسیس این اساس،بیش از همه کس میدانم زیرا علمای بزرگ ما که مجاور عتبات عالیات و سایر ممالک هستند،هیچیک همراه نبودند و همه را با اقامهٔ دلایل و براهین،من همراه کردم،از خود آن آقایان عظام می توانید این مطلب را جویا شوید،الان هم من همان هستم که بودم تغییری در مقصد و تجددی در رأی من بهم نرسیده است.صریحا"می گویم همه بشنوید و به غائبین هم برسانید که من آن مجلس شورای ملی را میخواهم که عموم مسلمانان

آن را می خواهند.به این معنی که البته عموم مسلمانان،مجلسی میخواهند که اساسش بر اسلامیت باشد و برخلاف قرآن و برخلاف شریعت محمدی و برخلاف مذهب مقدس جعفری قانونی نگذارد.این بنده هم چنین مجلسی میخواهم پس من و عموم مسلمین بر یک رأی هستیم اختلاف،میان ما و لامذهب ها است که منکر اسلامیت و دشمن دین حنیف هستند،چه بابیه مزدکی مذهب، و چه طبیعیه فرنگی مشرب.....

و نیز در اعلامیه دیگری پس از آنکه نمونه هائی از مطالب کفرآمیز و فسق آلود مخالفین خود را ذکر نموده،نوشته اند:

"من با این مطالب مخالفم که با دستاویز مجلس چه بسا انجام میگیرد"

و همچنین نوشته اند...در منشور سلطانی نوشته بود"مجلس شورای ملی اسلامی دادیم"،لفظ اسلامی گم شد و رفت که رفت...و دیگر در وقت اصدار دستخط مشروطیت...در مجلس،در حضور هزار نفر بلکه بیشتر صریحا گفتند که ما(مشروعه)نمیخواهیم....

و در اعلامیهٔ دیگری است:با اینکه این مجلس،مجلسی باشد که بعض اجزاء آن بدنام کنندهٔ دیگرانند،چون شب درآید در خانه های یکدیگر درآیند و تا صبح،صرف شراب و عرق و عیش نمایند و ظلمش چند برابر زمان استبداد شده و مجلس را دستاویز عقائد فاسده و افعال شنیعه ساخته اند ....مخالفم

خلاصهٔ سخن آنکه،شیخ شهید احساس کرده بودند که جریان مشروطیت را کسانی دارند از پشت صحنه کارگردانی می کنند،که نه به اسلام معتقدند و نه اجرای احکام آن را طالبند و خطر جدی،از ناحیهٔ آنها اسلام و دیانت را تهدید میکند،لذا با تمام خطراتی که شیخ شهید را تهدید میکرد،به افشای خیانت و توطئهٔ لامذهب ها و غرب زدگان(که بنام،طرفداری از مشروطیت با اسلام دشمنی میکردند)،پرداختند و تا حدّ ایثار جان،در راه هدف خود به پیش رفتند.

ص :۶۵

شیخ شهید درست تشخیص داده بودند و شواهد و جریانات زیادی در تأیید نظر آن مجتهد آگاه،بوقوع پیوسته است مثلا:

گرچه صحنهٔ ظاهری دادگاه فرمایشی،برای محاکمهٔ شیخ شهید را یک فرد معمم بنام شیخ ابراهیم زنجانی اداره میکرد،ولی دستور و فرمان و تصمیم گیری از آن پیرم ارمنی رئیس شهربانی تهران بود و در حقیقت،آن روحانی نمای کثیف،مجری فرمانهای آن عنصر دشمن اسلام بود.

و باز می یابیم در همان جریانها،آیت اللّه سید عبد اللّه بهبهانی نیز ترور شدند و نیز وقتی آیت اللّه العظمی آخوند خراسانی بمنظور جلوگیری از انحرافاتی که در جریان مشروطه بوجود آمده بود،عازم حرکت بسوی ایران شدند،بطرز مرموزی مسموم شده و بشهادت رسیدند و پس از آن یک یک علماء و بزرگان در جاهای گوناگون به زندان افتاده و یا تبعید گردیدند و بتدریج، زمینهٔ حکومت جبار پهلوی آماده گردید.

شهادت مظلومانه و قهرمانانهٔ او

آنچنان محیط را بر علیه شیخ شهید مسموم نموده بودند که فراوان بودند کسانی که آرزویشان دیدن جنازهٔ شیخ شهید بر بالای دار بود،لامذهبها پیروان پیرم ارمنی،خوانین بختیاری تحریکاتی نموده تا آنجا که عده ای از مسلمانان را هم تحت تأثیر قرار داده و بر علیه روحانیت و شیخ شهید شورانده بودند و تصمیم گرفته بودند شیخ را که سد محکمی بود از سر راه بردارند تا،از میدان بدر کردن دیگران کار آسانی باشد،لذا با یک صحنهٔ مصنوعی که بنام محاکمه،کارگردانی کردند شیخ را محکوم به اعدام نموده و بسوی قتلگاهش که قبل از محاکمه بساط اعدام را در آن آماده کرده بودند آوردند ولی.....

باوجوداین،هیچکس انکار نکرده که حاج شیخ فضل اللّه هفتاد ساله،با کمال وقار و قدرت و بی اعتنائی و گاهی با تحقیر تمام،نسبت به اعضای محکمه و سئوالات ایشان رفتار کرده است و با آن که آن روزها بیمار بوده،هیچگونه ضعف روشی در آن همهمه،از خود ظاهر نساخته است.

ص :۶۶

آری او آنچنان ایمانی داشت که تمام هیاهوها متزلزش نساخت و در آن هنگامهٔ سخت فرمود:از سر من این عمامه را برداشتند،از سر همه برخواهند داشت.

او را بالای دار کشیدند و در آن هنگامهٔ عجیب سوت زدند،فحش دادند، خندیدند،موزیک زدند،شادی کردند،رقصیدند،سپس جنازه را پائین آورده،دور نعش را گرفتند،آنقدر با قنداقهٔ تفنگ و لگد به نعش آقا زدند که خونابه از سر و صورت و دماغ و دهانشان روی گونه ها و محاسنشان سرازیر شد.

هرکه هرچه در دست داشت می زد،آنهائی هم که دستشان به نعش نمی رسید آب دهان می انداختند و سپس جنازه را لخت کرده و فقط یک شلوار باقی گذاشتند و کنار دیوار انداخته و رفتند و این جریان در سال ۱۳۲۷ ه ق اتفاق افتاد.

عالمی که در حال سجده سر داد و شهید شد سید محمد خلخالی

او که علاوه بر سیادت علوی،افتخار علم و فضل و نفوذ اجتماعی داشت، مراحلی از تحصیلات خود را در حوزهٔ علمیهٔ زنجان گذراند و سپس در تهران تحصیلات خود را به پایان برد و در مناطقی از آذربایجان،به ارشاد و کوشش اسلامی پرداخت.در سال ۱۳۳۶ ارمنی های آشوری به منطقه ای که ایشان فعالیت می نمود حمله نموده و غارت و کشتار وحشیانه ای نمودند.

روز نوزدهم رمضان از دیوار خانهٔ این عالم بالا رفتند و او را که مشغول تعقیبات نماز ظهر بود با چوبدستی بشدت زدند،ایشان متوجه گردید آنها قصد کشتن او را دارند،از آنها مهلت خواست نماز عصرش را بخواند ولی آنها در حال سجود نماز عصر سر او را بریدند،سپس بدنش را قطعه قطعه نموده و خانه اش را غارت کردند و خانواده اش را نیز آواره نمودند.روز بیستم رمضان تنی چند از همسایگان،همراه خانواده اش به خانه او آمده و تکه های بدن آن عالم شهید را در همان منزل دفن نمودند.

ص: ۶۷

شهیدی بزرگ در راه مبارزه با صوفیگری شیخ حسین بیهودی

او دانشمندی بزرگ بوده که تألیفات و اشعاری نیز دارد.در حوزهٔ علمیه قاین و مشهد و نجف اشرف تکامل علمی یافته و به شهر خود برگشته و به انجام وظیفه قیام نموده است.در ان سامان گروهی گرفتار ملا سلطانعلی گنابادی و افکار انحرافی او گردیده بودند.این عالم بزرگوار طبق دستور دین که:اذا ظهرت البدع فعلی العالم ان یظهر علمه،بارشاد مردم و افشای انحراف انان، پرداخت و آن گمراهان،شبانه بخانه او ریختند و در حالیکه در خواب بود او را با کارد مجروح نموده و سپس خفه نمودند و همسر حامله اش را کشتند و اموال او را به غارت بردند.

و اینسان خفاشانی که در برابر علم و روشنائی آن تاب مقاومت نداشتند خود را به چراغ نورافکن زده،و انرا شکستند.

استاد عظیم شیخ عبد الغنی بادکوبه ای،روحانی عالیقدری که بدست کمونیستهای دیکتاتور بشهادت رسید

او درسهای مقدماتی را آموخت و سپس بسوی نجف رهسپار شد و از محضر دو چهره درخشان علمی حوزه علمیهٔ نجف مولی محمد ایروانی و ایت اللّه حاج میرزا، حبیب اللّه رشتی بهره فراوان علمی برد و سپس به بادکوبه برگشت و در کار ترویج اسلام و اجرای احکام،وارد صحنهٔ مبارزه شد،او گرچه گرفتار حکومت جبار تزاری روسیه بود ولی انجام وظیفه دینی را ترک نمی نمود.تا آنکه حکومت تزاری نابود شد و کمونیست های بلشویک قدرت را بدست گرفتند و دشمنی های خودشان را با اسلام و مسلمین،مسجدها و علماء شروع کرده و باوج رساندند،علماء را کشتند و مساجد را ویران یا تبدیل به انبار و بنگاه کردند و جلوه های دین را محو نمودند (۱)

ص :۶۸

۱- ۱) به کتاب مسلمانها چگونه بدام کونیستها گرفتار شدند،از انتشارات پیام اسلام مراجعه فرمائید.

شهید شیخ عبد الغنی بادکوبه ای بمبارزه با آنها برخواست و از هیچ تهدید و آزاری نهراسید تا آنکه دستگیر و زندانی گردید.پس از ۴ ماه او را بشهادت رساندند.

در همان زندان عده ای از علماء گرفتار بودند همانند علامه سید محمد،شیخ کامیاب،علامه شیخ حسین رمانائی و....که گروهی از آنان بشهادت رسیده و عده ای دیگر تبعید گردیدند.

جهاد و شهادت در حوزه های علمیه در یکصد سال اخیر

باتوجه به تمرکز یافتن کار حوزه های علمیه در دوره های اخیر و افشا شدن نقشه های شوم استعمارچیان و غارتگران بین المللی در یکصد سال اخیر، حوزه های علمیه تحرک های چشمگیری از خود نشان داده اند که در بعضی ابعادش بسیار چشمگیر است و مخصوصا"حرکت هائی که بصورت نهضت های عمومی در سطح کشور مطرح شده است همانند نهضت تنباکو،نهضت مشروطه نهضت نفت،نهضت استقلال در عراق و نهضت روحانیت در سال ۴۱ و ۴۲ و ادامه اش تا انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ که حوزه های علمیه برهبری زعمای حوزه ها که همان مراجع تقلید مردم هستند،نقش اساسی را ایفا نمودند و جهاد و مبارزه را در سطح بالائی ادامه دادند و در مسیر حرکت،قربانیان فراوان و شهداء بیشماری تقدیم راه خدا نموده اند و لذا،در طول یکصد سال اخیر از نامهای باعظمتی همانند میرزای شیرازی،آخوند خراسانی،حاج آقا حسین قمی،میرزای نائینی،میرزا محمد تقی شیرازی،شیخ الشریعه اصفهانی، امام خمینی و و و فراوان بزبانها جاری میشود و اندیشه ها را به خود معطوف می دارد و با شهدائی عظیم الشان همانند شیخ فضل اللّه نوری،مدرس، حاج شیخ محمد تقی بافقی و استاد مطهری برمیخوریم که،آنقدر زیاد هستند و آنچنان عظمتی دارند که بررسی ابعاد مطلب را بسیار دشوار میسازد و ما بدلائل زیر از بحث و بررسی شهداء حوزه های علمیه در یکصد سال اخیر صرف نظر میکنیم.

۱-در مورد هرکدام از نهضت های روحانیت در این قرن و جهاد و شهادت علماء کتابها و نوشته های فراوان وجود دارد که نویسندگان عظیم الشان آنها،در حد زیادی مسائل را روشن نموده اند.

۲-فراوانی ابعاد مطلب آنچنان است،که اشارهٔ بآنها غیر مفید و بررسی کامل آنها از حوصله این کتاب خارج است.

۳-گستردگی مطلب در مورد نهضت ها و فرازونشیب آن مسیر بحث را از معرفی حوزه های علمیه به یکسو برده و از هدف کتاب دور می سازد.

لذا خوانندگان را به مطالعهٔ ۱۱ جلد نهضت روحانیون ایران و کتاب شهدای روحانیت در یکصد سال اخیر و همانند انها توصیه می نمایم.

جنگ در اسلام یک چیزی نیست که خودش هدف باشد مطرح باشد،جنگ برای اینست که آن زباله هائی که- سر راه مردم،هستند،آنهائیکه مانع از پیاده شدن اسلام هستند،آنهائیکه مانع از ترقی مسلمین هستند آنها را- از بین راه بردارند.

«از سخنان امام خمینی»

۵۹/۳/۱۷

بانوان مجتهده و عالمه حوزه های علمیه

ص :۷۱

بانوان مجتهده و عالمه

اشاره

از قسمت های جالب در بررسی تاریخ حوزه های علمیه و چهره های ارزنده آنها آشنائی با شخصیت های بزرگی است از زنان مجتهده و عالمه،که بمقام بزرگی از فقاهت و دانش اسلامی رسیده و با نظام حوزه ای مراحل تکامل علمی و تقوائی را پیموده اند و در این بررسی فقط چند چهره مبرز از این دسته را بطور اختصار مورد معرفی قرار میدهیم.تا با صفحه ای درخشان از صفحات تاریخ پرافتخار حوزه های علمیه،آشنائی حاصل شود (۱).

ام سعید احمسیه

از اصحاب امام صادق ع و حامل بسیاری از اسرار بوده است و فحول و بزرگان اصحاب امام صادق ع همانند ابن ابی عمیر و یونس بن یعقوب و ابی داود المسترق و حسین احمسی از او روایت کرده اند و بلاشک از زنهای فاضله و عالمه شیعیان امامیه است.

ام کلثوم دختر محمد بن عثمان بن سعید عمروی

(دومی از نواب چهارگانه امام زمان علیه السلام،بسیار فاضله می باشد و شیخ طوسی ره در کتاب غیبت عده ای از روایات او را نقل می فرماید.خلاصه انکه از زنان مجلله و نامی روزگار است و در فضل و علم و دانش و زهد و عبادت و تقوی گوی سبقت را از زنان عصر خود ربوده است.

دختر سید مرتضی

که از زنهای بافضیلت بوده است و کتاب شریف نهج البلاغه را از عموی خود سید رضی(جمع آوری کننده نهج البلاغه)روایت کرده است و حتی سند

ص: ۷۲

۱- ۱) در این بررسی از کتابهای اعیان الشیعه،تنقیح المقال و ریاض العلماء، و ریاحین الشریعه و ترجمه کتاب اربعین الهاشمیه بهره برداری شده است.

نهج البلاغه از طریق عامه به شیخ عبد الرحیم بغدادی میرسد و او از دختر سید مرتضی ره و او از عموی خود سید رضی ره نقل می نماید.

چند بانوی مجتهده در خانواده شیخ طوسی

در ریاض العلماء گوید زهی شرافت این بیت علم که مادر و دختر و خواهر و برادر و شوهر و داماد همه بمرتبه اجتهاد رسیده اند و باز می گوید شیخ طوسی دو دختر داشته هردو فاضله عالمه و شیخ ابو علی پسر شیخ طوسی که از علماء بسیار باعظمت بوده به هردو خواهر اجازه داده است.

ام علی بن طاووس

عالمه ای بود از اجله علماء،فاضله ای از اجله فضلاء و عابده ای از اعبد عباد در زمان خود بود،فقه و شرف را باهم دارا بود و بعضی از شاگردان شیخ علی کرکی(محقق ثانی)او را از مشایخ (۱)شمرده اند.

شریفه دختر سید بن طاووس

که با تعبیر عالمه،فاضله،کامله،کاتبه،حافظه القران توصیف شده است و هنوز دوازده سال بیشتر از سن او نگذشته بود که سید بن طاووس (۲)باو اجازه دادند.

دختر سید بن طاووس

که قبل از نه سالگی حافظ قرآن گردید و به مراتبی از علم و فضل و کمال رسید.

فاطمه دختر شیخ محمد بن احمد بن عبد اللّه بن حازم العکبری

است و بانوئی عالمه و فقیهه بوده و از مشایخ سید تاج الدین محمد بن معیه الحسینی بوده و شیخ شهید ره با واسطۀ ابن معیه از این بانو حدیث روایت می نماید و این بانو، اجازۀ روایتی داشته است.

۱- ۱) مشایخ-بزرگان در علم و فضیلت که سمت استادی دارند.

۲- ۲) از بزرگترین علماء شیعه و تالی معصوم ع است و صاحب کرامتهای فراوان میباشد.

ام علی همسر شهید اول

بانوئی بود عالمه،فاضله،فقیهه،تقیه،عابده و شهید فرمان میداد بزنها،که در احکام دین خود رجوع به ام علی بنمایند.

فاطمه ام الحسن

دختر شهید اول که به ستّ (۱)مشایخ (۲)لقب داده شده و شیخ حر عاملی (۳)او را چنین توصیف کرده است الانسان الخاصّ و زبده الخواصّ و زینه اهل الفضیله و الاخلاص شیخه الشّیعه و عیبه العلم الباذخ فاطمه المدعوّه بستّ المشایخ و هی سیّده رواه الاخبار و رئیسه نقله الاخبار یعنی:

انسان برگزیده و نخبهٔ برگزیدگان و زینت اهل فضیله و اخلاص،بزرگ و رئیس شیعیان،جعبه و چنتهٔ دانشی بلندمرتبه،فاطمه ای که با نام ستّ المشایخ، (سیده بزرگان علم و فضیلت)خوانده میشود و او است بانوی بزرگوار راویان اخبار و رئیس نقل کنندگان اخبار،و شهید اول(پدر او)زنها را امر میکرد که باو اقتدا نمایند و در احکام دینی باو رجوع نمایند.

همسر شیخ بهائی

او دختر شیخ علی منشار (۴)است و بانوئی فاضله،فقیهه،محدثه بوده است و از بعضی از افراد مورد وثوق نقل شده که گفته است که دیدم دختر شیخ علی منشار را که در زمان طفولیت فقه و حدیث را درس می گفت و زنها در نزد او تحصیل می کردند.

آمنه خاتون دختر ملا محمد تقی مجلسی اول

همسر علامه بزرگوار مولی محمد صالح مازندرانی

۱- ۱) ست-منظور در اینجا سیده است

۲- ۲) مشایخ-بزرگان در علم و فضیلت

۳- ۳) صاحب کتاب وسائل الشیعه و از بزرگترین علماء شیعه است.

۴- ۴) شیخ علی منشار از علماء بزرگ و از شاگردان محقق ثانی است.

و زنی دانشمند و بافضیلت آراسته بزیور صلاح و تقوی بوده است.

هرگاه ملا محمد صالح مازندرانی با ان همه علم و فضلی که داشت در بعضی از مشکلات عبارت قواعد علامه حلی معطل میشد و از آن بانوی مکرمه استفسار مینمود،ایشان با کمال سهولت آنرا حل می نمود و آمنه خاتون شرحی بر الفیه و شواهد سیوطی نوشته و ضمنا"شعر هم میسروده است.

دختر عزیز اللّه مجلسی

دختر عزیز اللّه مجلسی (۱)

از زنان فاضله بوده است و حاشیه هائی بر کتاب من لا یحضره الفقیه و رساله هائی در مسائل فقهی دارد.

فاطمه الفقیهه

دختر علاء الدین محمد بن احمد سمرقندی مؤلف کتاب،تحفه الفقهاء است.این زن به فقاهت مشهور بوده و شوهری داشته از فقهاء که کتاب تحفه الفقهاء را شرح نموده است و این سه بزرگوار در شهر کاشان بودند و برای مردم فتوی میدادند و هرگاه شوهر ایشان به شبهه ای گرفتار میشد این بانوی فقیهه برطرف مینمود.

حمیده دختر مولی محمد شریف بن شمس الدین محمد رودشتی اصفهانی

فاضلهٔ عالمهٔ عارفه،که بصیر و آگاه بعلم رجال بود،کلامی پاکیزه داشت و بقیه ای از فضلاء اعلام بود.او حاشیه های دقیق بر کتاب استبصار شیخ طوسی دارد که نشان دهنده منتهای فضل و فهم سرشار او و دلیل اگاهی و دقت او در علم رجال می باشد.

و این بانوی بزرگوار دختری دارد بنام فاطمه که او هم دارای علم و فضل و تقوی بوده و معلمه برای زنان بوده است.

۱- ۱) عزیز اللّه مجلسی فرزند مجلسی اول و برادر علامه محمد باقر مجلسی است.

بانوی مجتهدهٔ ایرانی

اشاره

علویه هاشمیه حاجیه خانم امین بانوی مجتهده ای که الگوی شخصیت زن در اسلام و اسوهٔ فضیلت و شرف و عرفان و معنویت بود او که بعلت شیفتگی نسبت به تحصیل علم،همت بلند خود را یار،و ارادهٔ پولادین خویش را ابزار کار قرار داده بود،توانست در سخت ترین دوره ها مراحل کمال را یکی پس از دیگری بپیماید و به حد اجتهاد رسیده و از علماء بزرگ اجازه اجتهاد دریافت دارد و ضمنا"بکار تألیف و تدریس پرداخته و در موضوعات مختلف آثار گرانبها از خود بجای بگذارد که از آن جمله است:

۱-یک دوره تفسیر قرآن در ۱۵ جلد

۲-اربعین الهاشمیه

۳-معاد یا آخرین سیر بشر

۴-روش خوش بختی

۵-النفحات الرّحمانیّه،در واردات قلبیه

۶-مخزن اللئالی

۷-جامع الشّتات

۸-سیروسلوک

۹-ترجمه اخلاق ابن مسکویه با پاورقی

اساتید و اجازات او

ایشان اساتید متعددی داشته است ولی در رأس همه آنها فقیه بزرگوار،استاد- متبحر آیه اللّه حاج سید علی نجف آبادی بوده است.

و از آیت اللّه العظمی حاج شیخ عبد الکریم حایری یزدی و آیت اللّه میرزا آقا اصطهباناتی و آیت اللّه شیخ محمد کاظم شیرازی اجازه اجتهاد دریافت داشته است.

نقش او در بازگرداندن شخصیت اسلامی بزنها

در جریـان توطئه اسـتعمارگران برای چپـاول کشورهـای اسـلامی یکـی از وسائـل کارشان از بین بردن شخصـیت زن و(از خود بیگانه)نمودن او بود تا جائیکه زنها عفت،تقوی،فضائل نفسانی و...را فـدای لذت،خودنمائی،مد، و امثال آن نمودند و اکثر آنها حالت از خودبیگانگی پیـدا کرده و تا حد زیادی ابزار دست توطئه گران و اسـتعمارچیان شدند ولی در میان زنها فراوان بودند کسـانی که تن به چنین ذلتی نـداده و مقاومت نمودنـد ولی موقعیت علمی، اجتماعی و غیر آن نداشـتند که بتواننـد بعنوان یک سنگر برای مبـارزه بـا آن همه از خودبیگـانگی و غربزدگی و لـذت گرائی مطرح شونـد ولی شخصـیت مـورد بحث بعلت علم فراوان،شخصـیت والاـی معنوی،و ارادهٔ پولاـدین و قلم و بیان رسای خود اسوه ای برای شخصـیت زن اسـلامی،و سـنگری برای مبـارزه بـا آنهمه تباهی و سـدی در برابر تهاجم اجانب گردیـد و موفق شـد بتدریـج زنانی را بسوی علوم اسـلامی سوق داده و مراکزی را برای نشـر فرهنـگ اسـلامی از جملـه مکتـب فـاطمیه بوجـود آورد و بتدریـج بـه زن ایرانی بفهمانـد،علم ملاـزم بی بندوباری نیست،ترقی در هرزگی و فساد نیست و موفق گردید در حوزه علمیه اسلامی بخشی برای بانوان، و دوشیزگان بوجود آورد که در آن علـوم اسـلامی از قبیـل فقه،اصـول،تفسـیر، عقائـد،اخلاـق و غیر آن تـدریس شود و بـدنبال این حرکت بسـیار مؤثر،امروز مدارس فراوان و متعددی برای بانوان و دوشیزگان بوجود آمده چه در اصفهان و چه در سایر بلاد ایران که در آنها عینا"برنامه های حوزه علمیه(البته باتوجه به ویژگی های خانمها)اجرا میشود و تحصـیلات اسلامی،با سرعت پیشرفت می کند و رقم بزرگ و رو به افزایشی از طلاب زن جای خالی بانوان فاضله و عالمه و مؤمنه را میگیرد.

بانوی ایرانی و الهام های غیبی

او گرچه دانش فراوانی را با زحمت تحصـیل بـدست آورد و با عنوان جامع المعقول و المنقول ملقب گردیـد ولی حقیقت علم نوری است که خدا در دل هرکه

بخواهـد قرار میدهـد و آن نیازمنـد دلی امـاده و مجاهـدتی برای رسـیدن به قلب سـلیم است و این بانوی مجتهـده که علاوه بر آمادگی فطری،از راه تهذیب نفس و علاقهٔ باهل البیت علیهم صـلوات اللّه قابلیت پذیرش انوار الهی را یافته بود مورد الهامهای غیبی قرار گرفته و درهائی از حقائق بر او گشوده میشد که نمونهٔ آنها در کتاب النّفحات الرّحمانیّه گرد آمده است.

ارتباط او با حوزه های علمیه و بزرگان

او گرچه در اصـفهان بسـر می برد ولی بزرگان و شخصـیت های علمی و فرهنگی و اجتماعی از شـهرهای مختلف به محضر او می آمدنـد و بمـذاکره و گفتگو می پرداختنـد که نمونه آن،تشـریف فرمـائی فیلسوف الهی،مفسـر کـبیر قرآن آیت اللّه علاـمهٔ طباطبائی(قده)بمنزل ایشان و مذاکره پیرامون یکی از آیات قرآنی است.

الا بذکر اللّه تطمئنّ القلوب

ص :۷۸

حوزهٔ علمیّهٔ رسول اللّه الاعظم محمّد بن عبد اللّه صلّی اللّه علیه و آله و سلّم

اشاره

ص: ۷۹

پیامبر گرامی اسلام صلّی اللّه علیه و آله و سلّم پایه گذار حوزهٔ علمیه

پیامبر ص مبعوث برسالت گردید و مأموریت الهی یافت که دعوت،انذار، تبشیر،تبلیغ،تعلیم و تذکیر نماید و او هم تا آنجا در انجام وظیفه کوشش نمود، که خطاب شد فَلَعَلَّکَ بٰاخِعٌ نَفْسَکَ عَلیٰ آثٰارِهِمْ إِنْ لَمْ یُؤْمِنُوا بِهٰذَا الْحَدِیثِ أَسَفاً، کهف ۶ (۱)و پیامبر ص در اجرای وظائف خود کسانی را که ایمان میآوردند و آمادگی داشتند قران و معارف اسلامی می آموخت و مأموریت میداد که در محلهای دیگری به تبلیغ بپردازند همانند مصعب بن عمیر و اسعد بن زراره دو شخصیتی که برای اگاه کردن و دعوت نمودن مردم مدینه بسوی اسلام به ان شهر اعزام شدند و زمینه را برای هجرت رسول خدا فراهم نمودند.

پیامبر بعد از استقرار در مدینه با بنیانگزاری مسجد النبی در ان شهر که محل همهٔ فعالیت های اسلام بود مرکزی هم برای فراگیری اسلام و قرآن(با منظور نشر و گسترش آن در نواحی گوناگون)بوجود آوردند و مسلمانها بنحو شایسته ای در، مسجد بکار آموختن و فراگیری علم و دانش دین و قرآن و مفاهیم آن پرداختند،تا جائیکه نمایندگان قبیلهٔ ثقیف از دیدن این منظره،سخت تکان خوردند و از کوشش مسلمانها در فراگرفتن احکام و معارف دین،انگشت تعجب،بدندان گرفتند.

مسجد النبی ص حکم مدرسه ای را داشت که بسیار بودند بزرگان دانشمند از پیروان رسول خدا ص که از ان مدرسه و محضر پیامبر کسب فیض نموده و تفقه در دین نمودند و حتی آموختن خواندن و نوشتن را در همان مرکز انجام می دادند.

۱- ۱) (ای رسول)نزدیکست که تو اگر آنها بقران ایمان نیاورند جان عزیز خود را از روی غصه و تأسف هلاک سازی.

و البته دستورات اسلام در مورد تبلیغ و دعوت،و تشویق قرآن از اهل تعقل و تدبر و تفکر،و روش رسول اللّه ص در برخورد با آنهائیکه اهل تعلم و مذاکرهٔ در مسائل دین بودند،در گسترش و پربار شدن آن حوزهٔ علمیه نوپا(مسجد النبی)نقش اساسی را داشته است.

نقش آیهٔ نفر در تحکیم پایهٔ حوزهٔ علمیه

گرچه آیات قرآن و گفتار و سیره و روش پیامبر گرامی اسلام،مسجد النبی را در مدینهٔ الرسول مرکز تعلیم و تعلم و بعبارت امروزی حوزه علمیه قرار داده بود و مسلمانها در مسجد،اسلام را فرامی گرفتند و با اصول و فروع ان آشنا می شدند،و قرآن و معانی آن را می آموختند و حفظ می کردند ولی اهمیت کار تعلیم و تعلّم در حدّ لازم مشخص نگردیده بود و لذا وقتی مسئلهٔ جهاد پیش می آمد همه بسوی جهاد کوچ می کردند و میدان آموزش و فراگیری اسلام خالی می ماند،تا آنکه آیه نازل شد وَ مٰا کٰانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لاٰ نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طٰائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذٰا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ توبه ۱۲۲

که از سبک آیه بدست می آید که نباید همه بسوی جهاد بروند بلکه مردم شهرهای غیر مدینه گروهی بسوی مدینه بروند برای تفقه و فراگیری دین،و بقیه بسوی جهاد بروند و آنها که برای تفقه بمحضر رسول خدا رفته اند وقتی بازگشتند با نشر معارف دین و یادآوری آثار مخالفه با اصول و فروع آن،مردم را بترسانند شاید آنها بترسند و پرهیزکار شوند (۱).

این آیه که لزوم فراگیری دین(اصول و فروع دین و اخلاق اسلامی)و ابلاغ و تعلیم آن بدیگران را لازم شمرده تا جائیکه بخاطر آن،حرکت بسوی جهاد را ترک نمایند،موقعیت تعلیم و تعلم و نقش حیاتی آن را در مکتب اسلام تبیین مینماید و پایگاه آن را که حوزه علمیه است(مسجد النبی آنروز بعنوان محل تعلیم و تعلّم دین)در عالیترین حدی تقویت نموده و از متلاشی شدن آن،به بهانه های

۱- ۱) در تفسیر این آیه از نظریهٔ مفسر بزرگ قرآن،علامهٔ طباطبائی در تفسیر المیزان بهره گرفته شده است.

مختلف بازمی دارد.

مسجد النبی و اعزام مبلغ اسلامی

در آیـاتی از قرآن مجیـد هماننـد اُدْعُ إِلی سَبِیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَهِ وَ الْمَوْعِظَهِ الْحَسَنَهِ وَ جادِلْهُمْ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ نحل ۱۲۵ (۱)و، فَذَکِّرْ إِنَّما أَنْتَ مُذَکِّرٌ غاشیه ۲۱ (۲)و، وَ أَنْذِرِ النّاسَ یَوْمَ یَأْتِیهِمُ الْعَذابُ.... ابراهیم ۴۴ (۳)و، کَما أَرْسَلْنا فِیکُمْ رَسُولاً مِنْکُمْ یَتْلُوا عَلَیْکُمْ آیاتِنا وَ یُزَکِّیکُمْ وَ یُعَلِّمُکُمُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ یُعَلِّمُکُمْ ما لَمْ تَکُونُوا تَعْلَمُونَ بقره ۱۵۱ (۴)و، فَإِنَّما عَلَیْکَ الْبَلاغُ الْمُبِینُ نحل ۸۲ (۵)وظائف سـنگینی بر عهـدهٔ رسول خدا گذارده شده که باتوجه به جهانی بودن رسالت آنحضـرت انجامش بوسـیلهٔ شخص رسول خدا ممکن نخواهد بود.

لـذا پیـامبر خـدا ص برنامه ای را دنبال می کنـد که کار تبلیغ و دعوت،در مورد همـهٔ انسانها و همـهٔ جامعه ها انجام گیرد و آن برنامه،پرورش دادن مؤمنین و آگاه ساختن آنها به مسائل قرآن و اسـلام و اعزام آنها بسوی اقوام و ملت ها و رساندن پیام الهی بگوش آنها است و اینکار در مسجد النبی مرکز فعالیتهای اسلامی انجام میشده است.

بنـابراین بخوبی روشن میشود که مسـئلهٔ حوزهٔ علمیه و مسـجد النبی،پایگـاه آن و اعزام گروههای تبلیغ و کسانی که با نامه و یا بدون آن،پیام دین را برسانند از حیاتی ترین مسائل اسلام و عامل اساسی برای تحقق وظائفی است که بر دوش

ص: ۸۲

۱- ۱) دعوت کن بسوی راه پروردگارت با حکمه و موعظه نیکو و با آنها جدال کن به روشی که نیکوتر است.

۲- ۲) انها را متذکر ساز زیرا تو فقط یادآوری کننده ای.

۳- ۳) بترسان مردم را از روزیکه عذاب بر آنها وارد میشود....

۴- ۴) همچنانکه فرسـتادیم در میان شـما رسولی را از خود شـما که تلاوت میکند بر شـما ایات ما را و شما را تزکیه مینماید و کتاب و حکمه بشما می آموزد و تعلیم میدهد بشما آنچه را نمیدانستید.

۵- ۵) همانا بر تو است رساندن آشکار.

رسول خدا است.

اولین شهدای حوزه علمیه

پیامبر گرامی اسلام،مبلغین و آگاهان به قرآن و احکام را به مناطق گوناگون میفرستاد و آنها مردم را باسلام دعوت میکردند و پاسخ سئوالهای مردم را در مورد چگونگی اسلام و اهداف و برنامه های آن بیان می نمودند،تا آنکه گروهی از نمایندگان قبائل اطراف،از در حیله وارد شده به حضور پیامبر،شرفیاب شده و گفتند:

ای پیامبر خدا قلوب ما به سوی اسلام متوجه و محیط ما برای پذیرش اسلام آماده گردیده است،لازم است گروهی از یاران خود را همراه ما اعزام فرمائید که در میان قبیلهٔ ما تبلیغ کنند و قرآن را بما بیاموزند و ما را از حلال و حرام خدا آگاه سازند و جالب است تعبیر آنها که گفتند و یفقّهوننا فی الاسلام(ما را در مورد اسلام فقیه و آگاه سازند)،پیامبر اکرم باتوجه به وظائف الهی که داشتند دسته ای را به فرماندهی(مرثد)همراه نمایندگان قبائل،به آن نقاط فرستادند.ایندسته همراه آنها از مدینه خارج گردیده و از قلمرو قدرت مسلمانان دور شدند و بمحلی بنام رجیع رسیدند.در آنجا نمایندگان قبائل،قصد شوم خود را ظاهر کرده و با کمک قبیلهٔ هذیل،تصمیم گرفتند که افراد اعزامی را دستگیر نموده و نابود کنند.

مسلمانان مأمور تبلیغ،که بمحاصرهٔ کفار فریبکار درآمده بودند پناهگاهی جز شمشیرهای خود نداشتند لذا دست به شمشیر برده و برای دفاع از خود آماده گردیدند ولی دشمنان قسم خوردند که منظوری جز دستگیری آنها ندارند و گفتند مقصد ما اینست که شما را به مقامات قریش زنده تحویل دهیم و در برابر آن پولی بگیریم.

مبلغ ها به یکدیگر نگاه کردند و بیشترشان تصمیم گرفتند که نبرد کنند و دست به، شمشیر زده و مردانه در راه دفاع از اسلام و تبلیغ آئین حق،جان سپردند ولی سه نفر تسلیم شدند،در نیمهٔ راه یکی از آنها بنام طارق از تسلیم شدن خود پشیمان گردید و خود را از بند رها ساخت و دست به شمشیر برده و حمله کرد،

دشمنان عقب نشینی نمودند و با سنگ آنقدر بر بدن او زدند تا بشهادت رسید.

ولی دو اسیر دیگر به کفار قریش تحویل داده شدند و در برابر آنها دو نفر اسیری که قبیلۀ اسیرکنندگان در دست قریش داشت آزاد گردیدند.

این دو اسیر مبلّغ که هم اکنون در دست کفار قریش هستند یکی بنام زید است،او را در اجتماع بزرگی از مردم مکه آوردند و چوبۀ داری مهیا نمودند که او را اعدام نمایند.ابو سفیان باو گفت تو را به خدائی که باو ایمان داری سوگند میدهم آیا میخواهی که محمد به جای تو کشته شود و تو آزاد شوی و به خانۀ خود برگردی؟

زید با کمال شجاعت گفت من هرگز راضی نمی شوم که خاری در پای پیامبر فرورود، اگرچه بقیمت آزادی من تمام شود.ابو سفیان بشگفتی درآمد و گفت در طول عمر خود یاران هیچ کس را مثل اصحاب محمد نیافتم که تا این حد فداکار و علاقمند باشند.

چیزی نگذشت که زید بالای دار رفت و در راه تبلیغ اسلام بشهادت رسید.

نفر دوم بنام خبیب بعد از مدتی بازداشت او را در مراسم دار زدن آوردند.او اجازه خواست نماز بخواند و سپس دو رکعت نماز با اختصار خواند و رو به سران قریش نموده و گفت،اگر نبود که گمان می کنید من از مرگ ترس و واهمه دارم بیش از این نماز میخواندم و رکوع و سجود را طول میدادم،سپس رو بآسمان کرد و گفت خداوندا ما به مأموریتی که از جانب پیامبر داشتیم عمل کردیم،پس از آن این مبلغ اسلامی بدار آویخته شد.او بر سر دار می گفت خدایا تو می بینی یک دوست در اطراف من نیست که سلام مرا به پیامبر برساند.خدایا تو سلام مرا به او برسان ابو عقبه که سخت از احساسات پاک این مبلغ فداکار ناراحت شده بود ضربتی بر پیکرش وارد ساخت و او را بشهادت رسانید.

مدتی جنازۀ او بالای دار بود تا آنکه بدستور رسول خدا دو نفر از مسلمانان دلیر شبانه جنازۀ او را دزدیدند و دفن نمودند.

پیامبر از شهادت این عده که با زحمت زیادی تربیت شده بودند و نقش و تأثیر آنها در پیشرفت اسلام از مجاهدان صحنه های جنگ بالاتر و عظیم تر بود بسیار نگران گردیده بود.

باز هم شهدائی از سپاه تبلیغ

در سال چهارم هجرت(ابو براء)وارد مدینه شد و به پیامبر عرضه داشت اگر سپاه تبلیغ نیرومندی را روانهٔ صفحات نجد کنید،امید است ایمان بیاورند زیرا تمایلات آنها به توحید زیاد است.پیامبر فرمود از حیله و مکر و عداوت مردم نجد خائفم،می ترسم جریان رجیع که منجرّ به کشته شدن رجال علمی و تبلیغی گردید تکرار شود،ابو براء گفت گروه اعزامی شما در پناه من هستند و من ضمانت میکنم که آنها را از هر حادثهٔ سوء حفظ نمایم.

چهل نفر از رجال علمی اسلام که حافظ قرآن و احکام بودند به فرماندهی منذر رهسپار منطقهٔ نجد گردیدند و در کنار بئر معونه منزل کردند.پیامبر اکرم نامه ای که مضمون آن دعوت به آئین اسلام بود بیکی از سران نجد بنام عامر بن الطّفیل نوشت و یک نفر از مسلمانان مأمور شد که نامهٔ رسول خدا را به عامر برساند،او نه تنها نامه رسول خدا را نخواند بلکه حامل نامه را نیز بقتل رسانید و از عشایر و قبایل اطراف کمک طلبید و منطقه ای که سپاه تبلیغی در آنجا فرود آمده بودند با نیرو های عامر محاصره شد:سپاه تبلیغی اسلام که ضمنا"مردان دلیری هم بودند تسلیم را برای خود ننگ دیده لذا پس از دفاعی شدید و جنگی خونین همگی شربت شهادت نوشیدند،بجز یک نفر که با تنی مجروح به مدینه برگشت،و جریان را گزارش داد (۱)

و اینگونه تربیت شدگان حوزهٔ علمی اسلام و مبلغین قرآن و احکام در خون خود غلطیدند.

تربیت شدگان حوزهٔ علمیهٔ رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم

اشاره

ما برای نشان دادن چهرهٔ نورانی حوزهٔ علمیهٔ رسول خدا،گروهی از شایستگان و تربیت شدگان این حوزهٔ بزرگ را یاد می کنیم و گوشه ای از آثار علمی و آگاهیهای آنان را برمی شمریم باشد که در شناختن ابعاد علمی اولین

ص: ۸۵

۱- ۱) در بخش شهدای مبلغین اسلامی از کتاب فروغ ابدیت بقلم استاد جعفر سبحانی ج ۲ از ص ۴۹۷ به بعد بهره گرفته ایم.

حوزۀ علمی اسلام مؤثر افتد (۱)

در ابتداء بزرگترین،کاملترین و محبوبترین چهره را یاد می کنیم.

امام امير المؤمنين على(ع)

اشاره

او تربیت شدۀ کنار رسول خدا،و وارث علم او،و امید آیندۀ اسلام بود.

رازی نبود که رسول خدا آشکار سازد و او فرانگیرد.

او است که رسول خدا هزار باب علم بر او گشود که از هریک،هزار چشمۀ علم، می جوشید.

او از مدینه العلم،تا آنجا بهره گرفت که باب مدینه العلم خوانده شد.

همو است که هرانچه را رسول خدا میدانست باو اموخت (۲)

على ع منشأ همۀ علوم اسلامى

ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه اش بیانی دارد دربارۀ فضیلت ها و دانش علی ع که فشردۀ آنرا نقل می کنیم،میگوید:چه بگویم دربارۀ مردی که فضیلت ها همه نسبت باو داده میشود و سرچشمۀ نیکی و پیشگام ارزشها است و هرکس که بعد از او نورافشانی نموده از نور آنجناب گرفته است.

هان:می بینی بالاترین علوم،خداشناسی است و این دانش از کلام علی ع، گرفته شده و اقتباس گردیده است و همۀ گفته ها در این مورد باو منتهی میشود.

زیرا می بینیم معتزله که اهل توحید و عدل هستند و صاحب نظر در این بحث

۱- ۱) در این بخش از کتابهای بحار الانوار،الغدیر،معجم رجال الحدیث.، اعیان الشیعه،تهذیب المقال،فاطمه من المهد الی اللحد،فاطمۀ زهرا،توفیق ابو علم،پیامبر و یاران،منتهی الآمال،عین الحیوه،شرح نهج البلاغه از ابن ابی الحدید،تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام،تاریخ فقه جعفری،الاصابه،الاستیعاب و چند کتاب دیگر حدیث و رجال،بهره گیری شده است و در بعضی موارد،در پاورقی،مأخذ نقل،ذکر شده است.

۲- ۲) بحار الانوار ج ۴۰ باب ۹۵ صفحه ۲۰۸

شمرده میشوند همه شاگردی مکتب علی ع کرده و با واسطه از او فیض گرفته اند، و همچنین اشاعره که با واسطه از دریای علم او بهره جسته اند.

و اما شیعۀ امامیه که انتسابشان در علم خداشناسی به آنحضرت روشن است.

و از علوم اسلامی علم فقه است و علی اصل و اساس آنست و هرفقیهی در اسلام، عیال آنجناب است و بهره جوینده از فقه آن امام.

او کسی است که فقهای صحابه باو رجوع میکردند و مشکلاتشان را در محضر آن جناب،برطرف مینموده اند.

و از علوم،تفسیر قرآن است و روشن است که این دانش از علی ع گرفته شده است،زیرا تفسیرها به دو نفر برمیگردد ۱-خود علی ع ۲-ابن عباس،و همگان می دانند،که ابن عباس شاگرد آنجناب و ریزه خوار سفرۀ علمی آن امام بوده است و خود او می گوید علم من در مقابل علم علی ع همانند قطره ای در برابر دریا است.

و از علوم اسلام،علم عرفان و حقیقت است که صاحبان آن،خود را بامام علی ع منتسب می نمایند.

و از علوم،علم نحو و عربیه است و همه میدانند که او مبتکر علم نحو است و اصول و جوامع این علم را آنحضرت به ابی الاسود دئلی آموخته است و بیان علی ع در این زمینه نزدیک است معجزه بشمار آید.

ملاحظه مینمائید چگونه ابن ابی الحدید غیر شیعی،سرسلسلۀ علم و دانش در حوزه های اندیشۀ اسلامی را وجود مقدس امام امیر المؤمنین علی ع (باب مدینه العلم)می داند.

امیر المؤمنین علی ع اولین مصنف

دو کتاب بنامهای جفر و جامعه در نزد ائمۀ معصومین علیهم السّلام بوده که باملای رسول اللّه ص و خط امام علی ع بوده است و در روایتی از امام باقر ع نقل شده است که فرمود جامعه نزد ما است،طول آن ۷۰ ذراع می باشد،در آن

هرچیز حتی جریمهٔ خراش وجود دارد و این کتاب به املاء پیامبر و خط علی ع میباشد.

و در اخبار و احادیث،از این کتاب گاهی بنام کتاب علی ع و گاهی با عنوان،صحیفه ای که ۷۰ ذراع است،و گاهی با عنوان،صحیفه ای که در آن مایحتاج مردم هست،و گاهی با عنوان،صحیفهٔ عتیقه از صحف علی ع،و گاهی با عنوان،کتاب علی ع که ۷۰ ذراع است،یاد شده است.

و جفر کتابی بوده که در آن علوم نبویّه از قبیل حرام،حلال و دستورات و اصول مطالبی که مردم بآن احتیاج دارند در زمینه احکام دینی،و راههای اصلاح امور دنیائی،نوشته و فراهم شده است.

و کتاب دیگری از آنحضرت نقل شده است بنام صحیفه الفرائض یا صحیفه کتاب الفرائض یا فرائض علیّ علیه السّلام که در نزد ائمه علیهم السّلام بوده است (۱)و این امام معصوم است که علوم قرآن را به شصت قسم درآورده و دسته بندی نموده و برای هرقسم مثال مخصوص زده و در نتیجه از آنحضرت بعنوان اولین مصنف در علوم قرآن یاد شده است.

و همین پیشوای برحق است که در نامه ای بامام حسن مجتبی ع(که از مفصل ترین نامه های نهج البلاغه است)راه تألیف و نگارش را در علم اخلاق باز نموده و یکی از بزرگان اهل سنت می گوید اگر از حکمت چیزی باشد که با آب طلا نوشته شود همین نامه است.

و باز همین معلم و مربی بشر است که بالاترین دستورالعمل های سیاسی، اجتماعی و حکومتی را نوشت و به عنوان عهدی به مالك اشتر در اختیار بشر نیازمند گذاشت تا راه حکومت عدل را بشناسد و دیدگاه اسلامی را در مسائل سیاسی و اجتماعی و نظامی بدست آورد.

و در رأس همه این آثار،امیر المؤمنین علیه السّلام قرآن را به ترتیب نزول آیات و سور جمع نمود با ویژگی های بزرگی که در روایات آمده است و از افتخارات مکتب اهل البیت علیهم السّلام بشمار میرود.

۱- ۱) اعیان الشیعه ج ۱ ص ۲۴۶

علی علیه السّلام و نگارش قرآن

امیر المؤمنین ع علاوه بر همهٔ خدمات و فداکاری های خود در حفظ،ترویج، تبلیغ و تشریح قرآن مجید،با نوشتن نسخه های متعدد از قرآن((که نمونه هائی از آنها در خزانهٔ شریفهٔ علویه ع و در کتابخانهٔ آستان قدس رضوی ع و در کتابخانهٔ امیر المؤمنین(کتابخانهٔ علامهٔ امینی ره در نجف اشرف)موجود است))خدمت بزرگی را به این کتاب آسمانی انجام داده اند که سند افتخاری برای مکتب مقدس اهل البیت علیهم السّلام می باشد.

فاطمه زهرا(س)

اشاره

او یادگار پیامبر و بضعه رسول اللّه ص و ام ابیها و حوراء انسیه و مفتخر بمقام عصمت و طهارت و مشمول آیهٔ شریفهٔ تطهیر است.

کافی است برای نشان دادن مقام علم و آگاهی او که توجه بدهیم باخبار و روایاتی که آمده است دربارهٔ اینکه او محدّثه است و ملائکهٔ الهی از جانب پروردگار برای او حدیث می گفته اند (۱)و آن مطالب در کتابی بنام مصحف فاطمه جمع گردیده است.

مصحف فاطمه ع

این کتاب که در نزد ائمهٔ معصومین علیهم السّلام بوده است و با نام مصحف فاطمه خوانده میشده از نظر حجم و کمیّت،سه برابر قرآن مجید بوده و آنقدر علم و دانش در آن وجود دارد که امام صادق ع میفرماید در این کتاب آنقدر مطلب

---

۱ - ۱) حدیث گفتن ملائکه با غیر انبیاء،در قرآن مجید موردتوجه و تأیید قرار گرفته، چنانچه در قصهٔ مریم آمده است وَ إِذْ قالَتِ الْمَلائِکَهُ یا مَرْیَمُ إِنَّ اللّهَ اصْطَفاکِ وَ طَهَّرَکِ وَ اصْطَفاکِ عَلی نِساءِ الْعالَمِینَ آل عمران ۴۱ و در قصهٔ حضرت ابراهیم ع و همسر او آمده است وَ امْرَأَتُهُ قائِمَهٌ فَضَحِکَتْ فَبَشَّرْناها بِإِسْحاقَ وَ مِنْ وَراءِ إِسْحاقَ یَعْقُوبَ قالَتْ یا وَیْلَتی أَ أَلِدُ وَ أَنَا عَجُوزٌ وَ هذا بَعْلِی شَیْخاً إِنَّ هذا لَشَیْءٌ عَجِیبٌ قالُوا أَ تَعْجَبِینَ مِنْ أَمْرِ اللّهِ هود ۷۰-۷۳ در آیهٔ اول ملائکه با مریم سخن گفته اند و در آیهٔ دوم با همسر حضرت ابراهیم ع،در مورد بچه دار شدن او در پیری،به گفتگو پرداخته اند.

هست که مردم را به ما محتاج،و ما را از مردم بی نیاز می سازد.

در این کتاب،احکام شرعیه بتفصیل بیان گردیده و احکام مجازات های اسلامی ذکر شده است و حتی جریمه های در حدّ یک تازیانه و جزای یک خراش،در آن بیان گردیده است و حوادث مهم روزگار و جهان آفرینش و اسماء پادشاهان و حکامی که بقدرت میرسند و دیگر مطالب با اهمیت،ذکر گردیده و نوشته شده، است (۱).

زهرای بتول در محضر رسول اللّه(ص)

آری زهرای مرضیه(س)علاوه بر آنکه از جانب ملائکه الهی حدیث گفته میشد و بحقائقی بزرگ دست می یافت،در محضر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله بعلوم فراوانی نائل گردید و از احکام الهی و اخلاق اسلامی و حکمت ها و دعاها فراگرفت که مقداری از آنها در روایاتی که از آن بانوی بزرگوار نقل شده بدست ما رسیده است و در اینجا مناسب می بینم قضاوت یکی از دانشمندان غیر شیعی بنام توفیق ابو علم را درباره علم زهرای اطهر نقل نمایم.

....علاوه بر اینها فاطمهٔ زهراء بر بسیاری از علوم قرآن و مسائل و مطالب ادیان و شرایع پیشین آگاهی و احاطه داشت و خواندن و نوشتن نیز میدانست، آری خداوند او را از پستان علم و دانش پرورده بود و برحسب فرمان پدرش رسول خدا مطالبی بصورت مکتوب فراهم آورده بودند تا فاطمه از آنها بهره گیرد و در امور دینی و دنیوی خود بصارت و آگاهی حاصل نماید.حضرت زهرا از آن خاندان است که خداوند به پاداش تقوی و طهارت،بر علوم و دانشها احاطه و آگاهیشان داده بود. (۲)

فضّهٔ خادمه نشانه ای از علم زهرای اطهر(س)

در خدمت زهرای مرضیه(س)خادمه ای بوده بنام فضه،که آنچنان تربیتی یافت که بیست سال به جز قرآن با هیچ جمله ای تکلم نکرد (۳)و تمام

۱- ۱) فاطمه زهرا من المهد الی اللحد صفحه ۱۲۴ و ۱۲۵ و ۱۲۸ و ۱۳۰

۲- ۲) فاطمه زهرا توفیق ابو علم ترجمه علی اکبر صادقی ص ۱۱۱

۳- ۳) بحار الانوار ج ۴۳ ص ۸۶

مقاصـد و اهـداف خود را با خوانـدن آیه ای که بیان کننـده یا اشاره کننـده به مقصودش باشـد می فهمانیـد،و این برنامه نشان دهنـدۀ تسلط کامـل او بر آیات و مطالب قرآن مجیـد میباشـد و این همه آگاهی،سـندی بر عظمت و مقام والای بانوی بزرگ اسلام فاطمۀ زهرا سلام اللّه علیها می باشد که او را تعلیم و تربیت فرموده است.

خطابۀ زهرای بتول پرده از علم او برمی دارد

بعد از وفات رسول گرامی اسـلام و جریان غصب خلافت،روزی حضرت همراه عده ای از زنها بمسجد تشریف بردند و خطابۀ بسـیار مفصلی ایراد کردند که،از نظر علم و آگاهی،استدلال و اقامۀ دلیل،فصاحت و بلاغت،آشنائی با مسائل سیاسی و غیره در حدی از عظمت است که بعضی آنرا با عنوان معجزه ای از آن بانوی محدثه و علیمه یاد کرده اند.

در آن خطبه،حمد و ثنای الهی،توحید اسـتدلالی،بحث نبوت،بررسی وضع جاهلیت و نقش پیامبر در مبارزۀ با آن،قرآن و نقش سازنـده اش،بیـان حکمـت و فلســفۀ احکـام الهی،و تشـریح اهـداف و انگیزه هـای نمـاز،زکـاه،روزه، حـج،عـدالت،اطـاعت از ائمه،پیروی از مقام امامت و ولایت،جهاد،صبر، امر بمعروف و نهی از منکر،نیکی به پدر و مادر،صـلۀ رحم،قصاص وفاء به نذر درستی در پیمانه و وزن نمودن اشیاء و همچنین فلسفۀ حرمت شراب و قذف و دزدی و شرک،مورد بیان قرار گرفته است.

سپس زهرای اطهر(س)در ادامـۀ خطبه وارد بحث مهمّ روز شـده انـد و آن،مسـئلۀ خلافت و توطئه هائی که بر علیه مقام امامت حقّه،شکل گرفته است،در این قسمت وضعیّت امام علی ع و اقدامات جائرانه بر علیه آن امام مظلوم و کوتاهی مردم در حمایت از حق و مسائل اساسی،از این قبیل مورد تشریح قرار گرفته است.

پس از آن،شـخص خلیفـۀ غاصب را مورد خطاب قرار داده و مسـئله ارث را مطرح ساخته و دلیل ها و شاهـدهائی را بر خلاف کـاری و سـتمگری خلیفه اقـامه نموده و انصـار را مورد سـرزنش و نکوهش قرار داده و عذرتراشـی خلیفه را رد کرده و ابطـال نموده،و با بیان رسای خود او را برسوائی کشیده است.

ص :۹۱

راستی اگر نبود علم و دانش آن پارهٔ تن رسول اللّه ص،اگر نبود فصاحت و بلاغت آن حضرت،اگر نبود آن دریای علم و فضیلت که بخروش آمده بود ایراد چنین خطابه ای که معجزهٔ بزرگ فاطمه اش باید نامید امکان میداشت؟

و اگر هیچ دلیلی بر مقام علمی آن انسیهٔ حوراء نداشتیم جز همین خطبهٔ شگفت آفرین،همانا ما را کفایت می کرد.

سلمان محمدی

اشاره

سلمان فارسی و بتعبیر امام صادق ع سلمان محمدی از یک خانوادهٔ بسیار مرفه بود ولی روحیهٔ حق طلبی،او را به مسافرتها و خدمت گذاری برای عالم ها و عابدها در شهرهای مختلف و بیابانها کشید.

او برای رسیدن به حق دویست یا سیصد سال تلاش بسیاری نمود و رنج فراوانی برد تا آنکه به محضر پیامبر گرامی اسلام ص رسید و ایمان آورده و از بهترین یاران رسول خدا ص گردید.

او و چند نفر دیگر همانند ابوذر و مقداد از حواریین پیامبر خدا بودند.

تا آنجا سلمان به علم و عالم محبت داشت که امام صادق ع فراوان از سلمان یاد میکردند و در بیان علت و انگیزهٔ این یاد کردن،محبت سلمان را به علم و عالم بشمار آوردند.

و او یکی از چهار نفری است که خداوند متعال پیامبر خود را مأمور نمود آنها را دوست بدارد که آنها امام علی ع و سلمان و ابوذر و مقداد می باشند.

علم و دانش سلمان

پیامبر خدا فرمود خدا بمن امر نموده تا او را بعلم تعبیر خواب و حوادث آگاه سازم و علم قضاوت و انساب را باو بیاموزم،و تا آنجا سلمان در دانستن حقائق بزرگ و مسائل مهم پیش رفت که دیگران توان تحمل آنرا نداشتند،بطوریکه امام زین العابدین ع می فرماید:بخدا قسم اگر میدانست ابوذر آنچه را در قلب سلمان است همانا او را می کشت و حال آنکه رسول خدا این دو را باهم برادر قرار

ص:۹۲

داده بود.پس چه رسد به دیگران،بدرستیکه دانش عالم ها سخت و دشوار است که تحمل نمی کند آنرا جز پیامبری فرستاده شده از جانب خدا،یا ملکی مقرب در بارگاه الهی،یا بنده ای که خدا دل او را برای ایمان آزموده است، سپس فرمود همانا سلمان از علماء شد بخاطر اینکه او مردی است از ما اهل البیت (۱)و رسول خدا فرمود ای سلمان اگر علم تو بر مقداد عرضه شود همانا کافر میشود و ای، مقداد اگر صبر تو بر سلمان عرضه شود کافر خواهد گردید (۲)باین معنی که:

توان و ظرفیت سلمان برای علم و دانش و یافتن حقائق بزرگ هستی بحدی زیاد است که حتی ابی ذر و مقداد هم به آن حد نمیرسند چنانچه ظرفیت روحی مقداد برای تحمل سختی ها و صبر در مصائب از سلمان بیشتر است.

سلمان از نظر وسعت میدان آگاهی،تا جائی رسیده که امام علی ع در جواب سئوال اصبغ بن نباته راجع به سلمان فرمود چه بگویم دربارهٔ کسی که از گل ما آفریده شده و روحش با ما نزدیک است،خدای متعال او را به اول و آخر و ظاهر و باطن علم،مخصوص گردانیده (۳)او در روایتی همانند لقمان حکیم و در روایت دیگری از امام صادق ع بالاتر از لقمان حکیم معرفی شده است.

او گرچه سالها در دیرها و شهرها بدنبال علم گردید و حقیقتش را در ابتدا نیافت ولی با کوشش فراوان و نیت پاک خود در نهایت،به سرچشمهٔ علوم یعنی علم افضل انبیاء محمد بن عبد اللّه ص دست یافت و موفق گردید که اسم اعظم را بیاموزد درحالی که آموختن او مخصوص برگزیدگان است.

سلمان پیشگوئی های کرده است که علم او را به پنهانی های عالم اثبات می کند مثلا"در سفر به مدائن وقتی به کربلا رسید و نام زمین را پرسید و گفتند اینجا کربلا است فرمود هذه مصارع اخوانی هذا موضع رحالهم و هذا مناخ رکابهم و هذا مهراق دمائهم،قتل بها خیر الاوّلین و یقتل بها خیر الاخرین،یعنی اینجا محل

۱- ۱) پیامبر و یاران ج ۳ ص ۲۱۳ بنقل از اصول کافی

۲- ۲) بحار الانوار ج ۲۲ ص ۳۵۳

۳- ۳) بحار الانوار ج ۲۲ ص ۳۴۶

کشته شدن برادران من است،اینجا جای خیمه گاه و باراندازشان است،اینجا محل خوابانیدن وسیله سواری آنها است.در اینجا خونهایشان می ریزد، بهترین پیشینیان در اینجا کشته شده و بهترین آیندگان نیز همین جا کشته می شود (۱)

و در پایان بحث حدیثی را از رسول خدا بشنوید که فرمود سلمان بحر لا ـ ینزف و کنز لا ـ ینفد،سلمان منّا اهل البیت یمنح الحکمه و یؤتی البرهان (۲).

اول کسیکه در آثار کتاب نوشت

آیت اللّه صدر در کتاب تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام بابی باز کرده بعنوان (اوّل من صنّف فی الآثار)که سلمان را بدین عنوان می ستاید و کتابی را از این مرد الهی نقل می کند بنام کتاب حدیث الجاثلیق الرّومی الّذی،بعثه ملک الرّوم بعد النّبیّ ص،و بنابراین نه تنها سلمان محمدی عالم به علوم ظاهر و باطن است که از مصنفین و پیشگامان تألیف و نگارش نیز بوده است.

ابوذر شهید ربذه،دانشمندی از حوزهٔ علمیهٔ رسول خدا

اشاره

گرچه شهرت ابوذر،صحابی بزرگوار رسول خدا و یاور حق و شیعه علی ع به صراحت،صداقت،مقاومت و جهاد با منحرفین،و امر بمعروف و نهی از منکر، عظمت او را از نظر علم و آگاهی مورد بی توجهی قرار داده است ولی با یک دقت در تاریخ اسلام و بررسی حالات این شیعهٔ پاکباخته،متوجه می شویم که او در محضر رسول خدا به علمی دست یافته است که امام امیر المؤمنین ع درباره اش فرمود،ابوذر علمی چند ضبط کرد که مردمان از حمل آن عاجز بودند و گرهی بر آن زد که بخارج تراوش نکرد،و می یابیم وقتی او را تبعید نمودند بخاطر حق گوئیش علاوه بر همهٔ شکنجه ها و آزارها،از فتوی دادن برای مسلمانها او را منع نمودند که،

۱- ۱) پیامبر و یاران ج ۳ ص ۲۱۷ بنقل از رجال کشی

۲- ۲) سلمان دریائی است که خشک نمیشود و گنجی است که تمام نمیشود،سلمان از ما اهل البیت است که حکمت و برهان باو مرحمت شده و در اختیارش نهاده شده است.

این اقدام آنان نشانهٔ تأثیر و کثرت فتواهای ابوذر است و اینها را وقتی ضمیمه کنیم باخباری که رسیده بعنوان(پندهای پیامبر به ابوذر)که دربرگیرندهٔ مسائل اعتقادی،تربیتی و اخلاقی است و از میان آن روایات روایت مفصل و طولانی هست (۱)که ابی ذر می گوید روزی در مسجد پیامبر بر او وارد شدم و کسی نبود جز علی بن ابی طالب در کنار او،من خلوت مسجد را غنیمت شمردم و گفتم یا رسول اللّه بمن وصیتی بنمائید که برایم سودمند باشد و پیامبر فرمود...که این روایت و سایر روایات نشان دهندهٔ توجه ابی ذر به علم و دانش و ضبط آنها است (۲)و ابی ذر را در زمرهٔ بهترین علماء صحابه رسول اللّه قرار میدهد.

و مرحوم ایت اللّه صدر در کتاب تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام ابی ذر را جزء مصنفین کتاب ذکر نموده و می فرماید له کتاب کالخطبه یشرح فیها الامور بعد النّبیّ و با این حساب ابو ذر از پیشگامان کار تألیف و تصنیف در حوزهٔ علمی اسلام خواهد بود.

شهادت ابی ذر

او در زمان خلافت عمر به شام رفت و تا زمان خلافت عثمان آنجا بود و در آنمدت در تبلیغ برای خلافت امام علی ع کوشید و عدهٔ زیادی را متمایل به آنحضرت نمود تا جائیکه مشهور است که علت تشیع مردم جنوب لبنان و جبل عامل همانا ارشادها و تعلیمات ابوذر است(و اینهم خود یکی از دلائل علم و آگاهی ابوذر است)

او در مدتی که در شام بود و مفاسد و خیانت های معاویه را در سمت فرمانداری شام میدید به مبارزه با او برخاست و در افشای خیانت های او می کوشید بطوری که معاویه به عثمان نوشت که اگر ابوذر بیش از این در شام بماند مردم این ولایت، را از تو منحرف می سازد.عثمان در جواب نوشت ابوذر را با یک مرکب سخت رو و یک راهنمای درشت خوی که شب وروز مرکب را ببرد بفرست بطوری که آنقدر ابوذر صدمه

۱- ۱) این روایت در بحار الانوار ج ۷۷ نقل شده است و هفده صفحه است.

۲- ۲) علامه بزرگوار محمد باقر مجلسی،این روایت را شرح نموده و بعنوان کتاب عین الحیوه نامگذاری نموده است و این هم از نشانه های عمق مطالب این روایت است که رسول گرامی به ابوذر تعلیم فرموده.

ببینـد تا از فکر من و تو خارج شود و معاویه چنین کرد و آنقـدر در راه،ابوذر صـدمه دیـد که پایش مجروح شد و گوشت آن ریخت و بمـدینه وارد شد در حالیکه رنجور شده بود ولی در مدینه نیز بمبارزهٔ با عثمان پرداخت،وقتی عثمان طاقت تحمل حق و امر بمعروف و نهی از منکرهـای ابـوذر را نیـافت او را تبعیـد نمـود به بیابـان بی آب و علـف ربـذه و او را از فتـوی دادن منع نمود.او در ربـذه در تحت سـخت ترین شـکنجه هـا قرار گرفت،پسـرش از دنیا رفت،زوجه اش وفات یافت.فقط او مانـده بود و دخترش که او نقـل کرده سه روز بر مـا گـذشت که هیـچ بـدست ما نیامـد که،بخوریم و گرسـنگی بر ما غلبه نمود.پـدرم بمن گفت ای فرزنـد بیا باین صـحرای ریگسـتان برویم شاید گیاهی بدست بیاوریم که بخوریم ولی چیزی نیافتیم.پدرم ریگی جمع نمود و سر بر آن گذاشت نظر کردم چشمهای او را دیدیم میگردد و بحال احتضار افتاده گریستم و گفتم ای پدر با تو چه کنم در این بیابـان بـا تنهـائی و غربت،گفت ای دختر مترس چون من بمیرم جمعی از اهل عراق بیاینـد و امور مرا انجام دهنـد، و در چنین وضعیتی ابوذر جان سپرد.

و اینگونه عالمی فـداکار و مؤمنی صادق و مسـلمانی پاک باخته،در بیابان غربت در تحت شـکنجه های سـتمگران منافق،به ملأ اعلی پیوست و به محضر رسول خدا شتافت.

ابیّ بن کعب

یکی از فقهای اصـحاب رسول خدا و کاتب وحی و از ائمهٔ تفسـیر و سید قراء بوده و قرائت او مورد تأئید ائمهٔ معصومین علیهم السّـلام بوده است و اولین کسی که در فضائل قرآن کتاب نوشته او بوده،و در نتیجه از پیشگامان کار تألیف و نگارش در عالم اسلام به حساب آمده است.

خود او می‌گویـد روزی پیامبر اکرم از من سـئوال نمود کـدام آیه از کتاب خـدا نزد تو بزرگتر و عظیم تر است گفتم این آیه، اَللّهُ لا إِلَهَ إِلّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ........

(آیه الکرسـی)حضرت دستی به سینه ام زد و فرمود گوارا باد تو را این علم،او از کسانی است که در برابر خلافت غاصبانهٔ ابی بکر ایستاد و از پای منبر او برخاست و

اعتراض نمود،و مرحوم علامهٔ مجلسی ره در جلد هشتم بحار الانوار چاپ قدیم ص ۸۷ خطبهٔ مفصلی را از ابی بن کعب نقل نموده که در روز جمعهٔ اول رمضان در مسجد ایراد فرموده،در حمایت از حق امیر المؤمنین علی علیه السّلام،و اثبات خلافت آنحضرت،و این خطبه و ایراد آن در آن شرایط،نشانهٔ قدرت علمی و روحی و ایمانی،و فصاحت و بلاغت او است.

جابر بن عبد اللّه انصاری

از بزرگان اصحاب رسول خدا ص و از شرکت کنندگان در جنگهای اسلامی است،و از ۲۱ غزوه ای که رسول اکرم ص شخصا"حضور داشتند،او نوزده تای آنها را شرکت نموده و در جنگ صفین در رکاب امیر المؤمنین علی ع بوده است.

او حامل سلام رسول گرامی ص برای امام باقر علیه السّلام بوده است.

بسیار اتفاق می افتاد که صحابهٔ پیامبر و حتی برخی از امامان،برای قانع و ملزم ساختن مخالفین خود،در مطالب دینی و مخصوصا"مسئلهٔ امامت از جابر و آگاهی و گواهی او بهره می جستند.

او چهره ای درخشان در میان صحابه و عالم و آگاه به مسائل اساسی حکومت و خلافت اسلام و از موالیان خاص ائمه معصومین علیهم السّلام بوده است.

او احادیث فراوانی را نقل نموده که حدیث مفصل لوح(صحیفه فاطمه ع)که امامان ما به آن می بالیدند از آنها است و زیارت اربعین امام حسین ع که مرحوم قمی در کتاب مفاتیح الجنان برای نیمهٔ رجب ذکر کرده است از جابر می باشد.

او در علم تفسیر بمقام بلندی رسیده بود بطوری که مرحوم آیت اله صدر در کتاب نفیس تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام او را از ائمه و پیشوایان تفسیر شمرده است.

عبد اللّه بن عباس

شرح حال او را در گروه علمای اصحاب امیر المؤمنین علی علیه السّلام خواهیم آورد.

ص: ۹۷

ابو رافع

از یـاران رسول اللّه و از کسـانی است که در رکاب حضـرت در جنگ ها شـرکت کرده و پس از رسول اللّه خزینه دار علی ع بوده است و دو نفر فرزند او کاتب و نویسـنده برای حضـرت بودند و در مجموع،خاندان او از بهترین خدمتگذاران اسلام تشیع و اهل البیت بوده اند و او در میان ارزشـهای فراوانش افتخار پیشـگامی در نوشتن کتاب را دارد.کتابش بنام السّنن و الاحکام و القضایـا که بابهـائی در مورد نمـاز،روزه،حـج و زکوه و قضایـا را دربر میگیرد،از اولین کتابهـای حـدیث است که نشانـهٔ تقـدم مکتب اهل البیت در علوم اسلامی است.

عبد اللّه بن مسعود

از سـابقین در اسـلام است و در میـان صـحابه،به علم قرائت قرآن معروف است و تجلیـل شـده از علم او بقرآن،و نقل شـده که رسول اللّه فرموده قرآن را از چهار نفر، اخـذ کنیـد و ابتـدا فرمود به ابن ام عبـد که همان عبـد اللّه بن مسعود است ولی علمای شیعه فرموده انـد که او بـا مخالفین امیر المؤمنین میل داشـته و همکاری می نموده است و در نتیجه عقیـده اش مورد تأییـد نمی باشد.

جعفر طیار

او فرزند ابی طالب و برادر امیر المؤمنین و پسر عموی رسول اللّه ص است.از عزیزترین چهره های اسلام است و بعلت فراوانی کمـک او به بیچارگـان بـا نام ابو المساکین یاد میشـد و در جنگ موته در حالیکه دست او قطع شـده بود به شـهادت، رسـید و ملقب به طیار گردید.

جعفر طیـار از بس شـهرت دارد به ایمـان،بخشـش،شـجاعت،مقـاومت،وفاداری علم او موردتوجه قرار نگرفته است ولی با یک توجه به برخورد او با پادشاه حبشه و نحوهٔ استدلال و استفاده او از آیات قران که مناسب پادشاه مسیحی حبشه باشد و او را قانع سازد میتوانیم بعلم و آگاهی او پی برده و این صفت ارزنده را بر دیگر صفات او بیفزائیم.

حذیفه بن الیمان

او از چهره های شایستهٔ صحابه است و از یاران علی ع و از اصحاب سرّ میباشد.

و علم و آگاهی بامور آینده نیز داشت که در اثر تعلیم پیامبر ص بآنها دست یافته بود.و احادیث زیادی مخصوصا"در فضائل امیر المؤمنین نقل نموده است.

ابو سعید خدری

از فضلاء دانشمندان صحابهٔ رسول گرامی است و احادیث فراوانی را نقل، کرده و حفظ داشته است تا جائیکه بعضی او را دانشمندترین جوانهای اصحاب شمرده اند.او در جریان واقعهٔ حرّه یعنی حمله وحشیانه لشگر یزید بمدینهٔ منوره مورد ضرب و شتم شامیان قرار گرفت و محاسنش را کندند و سپس خانه اش، را غارت نمودند.

ام سلمه،همسر رسول خدا

عالمه و صاحب اسرار بوده است و احادیث فراوانی را از رسول اللّه نقل فرموده است و بعلت دفاعش از حق فاطمهٔ زهرا با یک استدلال قوی،در اعتراض به ابی بکر،حقوق یکسال او را از بیت المال قطع کردند.

زینب دختر ام سلمه

از زنان دانشمند اسلام شمرده شده است.

بریده بن الحصیب

از محدثین از رسول اللّه صلّی الله علیه و آله و سلّم و از خواص امام امیر المؤمنین است و از کسانی است که شب دفن حضرت زهرا سلام اللّه علیها حضور داشته و جنازه او را تشیع نموده است.

ابو بکره

یکی از حق جویانی بود که به زهد و عبادت معروف و از دانشمندان اصحاب رسول اللّه بوده است و در جریان گواهی او و عدّه ای،در مورد زنای مغیره بن

شعبه،عمر بجای اینکه حد زنا را در مورد مغیره جاری کند بر ابی بکره و یاران او حدّ قذف جاری کرد و این دانشمند بزرگوار زاهد را بجای مغیره بن شعبهٔ شهوتران و عیاش مجازات نمود.

مصعب بن عمیر

اشاره

از کسانی است که در راه اسلام بسیار فعالیت داشت و آشنا و عالم به قرآن و احکام بود و موفق شد به عنوان یک مبلغ زبردست مردم مدینه را بسوی اسلام دعوت و تبلیغ نماید و آنها را آشنای با اسلام ساخته و مسلمان نماید و زمینه را برای هجرت رسول گرامی اسلام ص آماده سازد و او اولین نماز جمعه را در مدینه قبل از هجرت رسول خدا خوانده است.

شهادت او

در جنگ احد پرچم با او بود و در وقت فرار عده ای از مسلمانها،مقاومت کرد تا اینکه یکی از کفار بنام ابن قمیئه دست راست او را قطع نمود.پرچم را بدست چپ گرفت و همان کافر دست چپ او را نیز قطع کرد،مصعب پرچم را با دو بازویش به سینه، چسبانید و این آیه را میخواند وَ مٰا مُحَمَّدٌ إِلاّٰ رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ......

ابن قمیئه برای سومین بار باو حمله نمود و نیزه ای باو زد و او را بشهادت رسانید.

و باز هم شهیدی از حوزهٔ تبلیغی و علمی اسلام،به خیل شهداء پیوست.

زید بن خالد الجهنی

از علمای اصحاب رسول خدا بوده است.

ابو درداء

از علماء اصحاب رسول خدا ص بوده است.

زید بن ثابت

اشاره

او از نویسندگان وحی و نامه های رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله بود و قرآن، را می نوشت.در یک زمانی رسول خدا ص باو فرمودند نامه هائی برایم میرسد که

ص:۱۰۰

دوست نـدارم کسـی آنها را بخوانـد آیا میتوانی زبان عبری بیاموزی؟زیـد بن ابت قبول کرد و در مدت ۱۷ شب زبان عبری را آموخت و بدینوسیله کمکی به، حفظ اسرار سیاسی مسلمانان و رهبر عالیقدر آنها،رسول خدا نمود.

او در حساب و ریاضـی اطلاعاتی داشت و تحصیل کرده بود و روایات فراوانی، را از پیامبر گرامی نقل کرده است و لذا برخی از دانشمندان اهل تسنن،او را اعلم صحابه دانسته و بروایاتش اهمیت میدهند.

انحراف زید،از مسیر حق

عـده ای از یاران پیامبر بودنـد که در زمان رسول خـدا،خـدمات ارزنـده ای انجام دادند ولی بعد از رسول خدا دینشان را بدنیا فروختنـد و گمراه شدنـد که از آن میـان زیـد بن ثـابت است که در گمراهی تـا آنجا پیش رفت که در زمان معاویه مردم را به ناسزا گفتن به امیر المؤمنین ع تشویق میکرد.

و یکی از علل اینکه عـده ای از عامّه،بیش از انـدازه باحادیث و گفته های او اهمیت میدهنـد،تبلیغات وسـیعی است که بمنظور منزوی کردن اهل البیت ع و بخصوص علی علیه السّلام،در زمان خلفا و معاویه،بنفع او انجام میشده است.

ص: ۱۰۱

ضربه های سهمگین بر حوزهٔ علمیهٔ رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله

اشاره

ص: ۱۰۲

ضربه های سخت،بر حوزه علمی اسلام

اشاره

بعد از وفات رسول خدا سیاست خاصی بوسیلهٔ خلفاء دنبال شد که برمبنای آن،حفظ و نقل و نوشتن حدیث و مطالب گوناگون ممنوع گردید و آنچه از نوشته های حدیث و روایت بدست می آمد محو میگشت و بسا سوزانده میشد و با منطق حسبنا کتاب اللّه از بهره گیری از گفته ها و احادیث رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله جلوگیری میشد و بدینوسیله میدان فعالیت و کوشش علمی و تحقیق و بررسی و تلاش برای دست یابی به علم رسول اللّه ص بسته شد و آنهمه تحرک علمی که، در محضر رسول خدا ص بود بسردی گرائید و اینک برای روشن شدن جریان، چند روایت در این زمینه نقل می نمائیم و قضاوت را بعهدهٔ خوانندهٔ محترم میگذاریم.

در تذکره الحفاظ ذهبی آمده است که بعد از وفات رسول خدا ص ابو بکر مردم را جمع نمود و گفت شما از پیامبر احادیثی روایت می کنید که در آنها اختلاف دارید و مردم بعد از شما بیشتر اختلاف خواهند داشت.از پیامبر هیچ سخنی را نقل نکنید و اگر از شما پرسشی شد در پاسخ بگوئید که میان ما و شما کتاب خدا می باشد پس حلال آن را حلال و حرام آن را حرام بدانید (۱).

و در همان کتاب از قاسم بن محمد نقل شده است که عایشه گفت پدرم پانصد حدیث از پیامبر گرد آورد.پس شبی خوابیده بود و در خواب زیاد تقلا کرد چون صبح شد گفت دخترم احادیثی که در پیش تو است بیاور آنها را برای او آوردم سپس آتش خواست و آنها را سوزانید (۲).

۱- ۱) مقدمه مرات العقول بقلم علامه عسکری ص ۲۹ و تاریخ فقه جعفری ج ۲ ص ۳۲ بنقل از تذکره الحفاظ ذهبی.

۲- ۲) تاریخ فقه جعفری ج ۲ ص ۴۹ بنقل از تذکره الحفاظ ذهبی

و قرظه بن کعب می گوید هنگامی که عمر بن الخطاب ما را به عراق فرستاد با ما مقداری از راه را همراهی کرد و به ما گفت آیا میدانید چرا شما را همراهی کردم؟

گفتیم برای بزرگداشت ما،گفت علاوه براین،چون شما به سوی گروهی میروید که با قرآن بسیار مانوسند و همیشه انرا تلاوت می کنند پس با احادیث،آنها را از قرآن بازندارید و سرگرمشان نسازید،حدیث را رها کنید و از پیامبر کم روایت نمائید،من با شما در این کار همگام هستم.

هنگامی که قرظه،وارد عراق شد به او گفتند برای ما حدیث بگو به انان گفت عمر ما را از بازگو کردن حدیث نهی کرده است (۱).

و در یک زمانی عمر میخواست ابی بن کعب،دانشمند بزرگوار و صحابی عالیقدر رسول خدا را بزند بجرم اینکه حدیث گفته و به او خطاب کرده و گفت من خوش، ندارم حدیثی از پیامبر خدا نقل شود (۲)

و همچنین عمر بن الخطاب کار فردی را که کتابهای دانیال را می نوشت شدیدا، زشت شمرد و او را نهی کرد و کتک زد،سپس به او دستور داد آنها را از بین ببرد و او را از خواندن آنها و یا آگاه کردن دیگری به آنها نیز نهی نمود و باو گفت:اگر بمن خبر برسد که آنها را خود خوانده ای یا برای دیگری خوانده ای تو را مجازات میکنم.

سپس برای مردم چنین گفت:ای مردم خبردار شدم که در دست شما کتابهائی پیدا شده است که بهترین آنها در پیش خدا درست ترین و محکم ترین آنها است در پیش کسی کتابی باقی نماند مگر اینکه برای من بیاورد تا نظرم را درباره آن، بدهم.راوی می گوید مردم گمان کردند که عمر میخواهد کتابها را بنگرد و آنها را به گونه ای درآورد که در آنها اختلافی نباشد پس کتابهایشان را آوردند،او آنها را به آتش سوزاند و گفت آرزوئی همانند آرزوی اهل کتاب است و به همهٔ شهرها نوشت هرکس چیزی از آن کتابها در پیش او است آن را از بین ببرد (۳).

ص: ۱۰۴

۱- ۱) الغدیر ج ۶ ص ۲۹۴ بنقل از سنن دارمی و سنن ابن ماجه و مستدرک حاکم و جامع بیان العلم و تذکره الحفاظ و مقدمهٔ مرات العقول ص ۳۰

۲- ۲) تاریخ فقه جعفری ج ۲ ص ۳۳ بنقل از تاریخ التشریع الاسلامی

۳- ۳) تاریخ فقه جعفری ج ۲ ص ۴۹ بنقل از جامع بیان العلم و فضله

و در روایتی آمده که عمر بن الخطاب،ابن مسعود و ابا درداء و ابا مسعود انصاری را بزندان افکند و گفت شما زیاد حدیث از رسول خدا ص نقل می کنید (۱)و در کتاب مستدرک حاکم نقل شده که ابن مسعود و ابوذر و ابو درداء بجرم نقل حدیث بدست عمر بن الخطاب زندانی شدند (۲).

و همچنین سخت گیری ها،تهدیدها،آزارها و مصائب گوناگونی متوجه کسانی می شد که حدیث نقل کنند و گفته های رسول اللّه ص را برای مردم بازگو کنند و این مطالب در کتابهای اهل سنت همانند سنن دارمی،سنن ابن ماجه، مستدرک حاکم،جامع بیان العلم و فضله،تذکره الحفاظ ذهبی،شرح ابن ابی الحدید،مجمع الزوائد،کنز العمال،تاریخ ابن کثیر،المعتصر، طبقات ابن سعد و....نقل شده است و علامهٔ امینی قده در کتاب نفیس الغدیر و هاشم معروف الحسینی در تاریخ فقه جعفری،جمع آوری کرده و مورد بحث قرار داده اند.

این روش و سیاست خطرناک،مردم را از بخش معظمی از علوم و حکمت ها،احکام و دستورات،پندها و موعظه ها که از زبان رسول اللّه ص شنیده شده بود محروم ساخت و اگر نبود که امیر المؤمنین علی ع و یاران آنحضرت بی اعتنا به این دستور استبدادی،به کار ضبط و نوشتن حدیث مشغول گشتند و اگر نبود علم آنحضرت که سرچشمه از علم رسول اللّه ص می گرفت،همانا بخش عظیمی از اسلام و تشریح اهداف و حقائق آن،برای همیشه از دسترس بشر دور می ماند.

آری این دستور حاکم های مستبد،ضربهٔ سهمگینی به محیط علمی مدینه زد و تا مدت زمانی تحرک علمی را از پایگاهی که رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله بوجود آورده بودند گرفت و زمینه را برای کذاب ها و تاجرهای حدیث،همانند ابو هریرهٔ شکم پرست،مساعد کرد که وقتی دستور خلیفه با مردن او برداشته شد هرمطلب فاسدی را بنام حدیث جعل کنند و برای مردم بازگو کنند و چون محدثین بزرگ و راستگو را از ضبط و نوشتن و نقل حدیث،در سالیان درازی بازداشته بودند، شناختن انهمه دروغ از آن کذاب ها و دروغ پردازان کار اسانی نبود.

۱- ۱) الغدیر ج ۶ ص ۲۹۶

۲- ۲) الغدیر ج ۶ ص ۲۹۶

در یک سخن،ان دستور خطرناک هم تحرک علمی و گسترش حوزهٔ علمی اسلامی را دچار خطر کرد و هم زمینهٔ تحریف و دگرگونی و بدعت در دین را فراهم ساخت.

انگیزهٔ این دستور

دستوردهنده خود می گوید برای جلوگیری از اختلاف در نقل حدیث من خوش ندارم حدیث نقل کنید و یا برای اینکه مردم از قرآن بازنمانند حدیث را رواج ندهید.

ولی با کمی دقت در مسائل سیاسی آنروزها،انگیزهٔ واقعی بدست می آید زیرا:

آنها که این دستور را داده بودند و اجرا می کردند گفته بودند:در مسئلهٔ خلافت، رسول خدا فرمان و حکمی از جانب خدا نیاورده است و انتخاب خلیفه را به امت واگذار کرده است و بنابراین،تعیین خلیفه با مشورت و اجماع امت!!!بوده و بر خلاف نظر رسول خدا ص و فرمان الهی نبوده است.

باتوجه به اینها ملاحظه کردند که اگر نقل حدیث ازاد باشد و گفته ها و روشهای پیامبر نقل شود و محدثین،قضایائی همانند غدیر خم و گفتار پیامبر که فرمود:

من کنت مولاه فهذا علی مولاه و قضیهٔ وفات رسول خدا ص و گفتارش که فرمود کتف و دوات بیاورید تا بنویسم آنچه شما را از گمراهی حفظ کند و فرمایش تاریخی رسول اکرم ص که فرمود انّی تارك فیکم الثّقلین کتاب اللّه و عترتی اهلبیتی و بیان آنحضرت را که فرمود یا علیّ انت منّی بمنزله هرون من موسی الاّ انّه لا نبیّ بعدی و....آنوقت سیاست حاکم باشکال گرفتار خواهد شد و هرروز درگیر مشکلات زیاد خواهد گردید،لذا حدیث را منع نمودند،که مردم از دسترسی به حقائق زیادی محروم گردند.

و علاوه بر اینها،سیاستی که با اتکاء به رأی های شخصی،دستورات دینی را زیر پا می گذارد،همانند حکم متعهٔ حج و متعهٔ نساء، و....با آزاد بودن نقل حدیث و آشنائی مردم با گفتار رسول خدا هرروز سر راه دستورات و بخشنامه هایش،حدیثی از رسول خدا و سنتی از سنّههای پیامبر سدی محکم میگردید و مردم با اتکاء به دستورات و روشهای پیامبر،در

برابر خواسته ها و آراء خلیفه می ایستادند و در اجراء منویات او سستی و چه بسا کارشکنی می کردند.

ولی با سیاست جلوگیری از حدیث چنین مانعی را رفع نموده و راه را بر امیال و خواسته های خلفاء و حکام بازنمودند.

حوزه های علمیه در زمان ائمهٔ معصومین

اشاره

حوزه های علمیه در زمان ائمهٔ معصومین (۱)

گرچه همهٔ امامان،در هرفرصت ممکن و در شرائط مساعد در ایجاد رشد فکری در جامعه تلاش و کوشش می نمودند و برنامهٔ آگاه سازی افراد و تربیت علماء و راویان نیکوروش را در سرلوحهٔ فعالیت های خود قرار می دادند ولی:

در زمان اکثر ائمه و پیشوایان شیعه،محیط مساعد برای فعالیت گستردهٔ علمی و تربیت شاگردان عالم،بنحو رسمی و گسترده و علنی و روشن وجود نداشته است و بعلت سیاست های جائرانه و خصمانهٔ دشمنان و عدم آمادگی محیط،امکان تشکیل حوزهٔ رسمی و وسیع نبوده است.

ولی با این حال،ائمه معصومین ع در هردوره ای بصورت های ویژه و با طرح های جالب،کوشش های علمی و تعلیمی بسیار ارزشمندی مینموده اند و

ص: ۱۰۹

۱- ۱) در بررسی حوزه های علمیه در زمان ائمه معصومین علیهما السلام از کتابهای زیر بهره گرفته ایم: نهج البلاغه،صحیفهٔ سجادیه،صحیفهٔ خامسه،اعیان الشیعه،الذریعه، اصول کافی،البیان،الکنی و الالقاب،علی من المهد الی اللحد،حیاه الامام الحسین بن علی ع،زندگانی زین العابدین ع حیاه الامام محمد الباقر ع،حیاه الامام موسی بن جعفر ع،حیاه الامام الرضا ع،شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید،بحار الانوار،رجال نجاشی،الطبقات الکبری،اخبار الرواه،معجم رجال الحدیث،تهذیب المقال،تنقیح المقال،زندگانی حضرت زهرا ع و زینب کبری ع،تاریخچه شهر سامرأ،فاطمه بنت الحسین،لسان المیزان،مکاسب شیخ انصاری،منتخب التواریخ،منتهی الامال،مغز متفکر جهان شیعه، مقدمه شرح لمعه طبع جدید،وسائل الشیعه،التقریب،تحف العقول،تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام،تهذیب التهذیب،الامام الصادق ع و المذاهب الاربعه ،المراجعات و چندین کتاب دیگر در رشته حدیث و رجال و تاریخ،بعلاوهٔ تحقیقات شفاهی از محققین و دانشمندان بزرگ.

آثار بسیار ارزنده و پربرکتی را برای نسل های بعد،به ارث گذارده اند [(۱)](#)و برای روشن شدن مطالب فوق به چند مطلب اساسی توجه می نمائیم.

۱-سیاست های مزاحم

پس از وفات رسول خدا ص سیاست منع از نقل حدیث،جو خطرناک و مسمومی را بوجود آورد،که تا زمان عمر بن عبد العزیز(که آن سیاست فاسد را شکست)،مردم به شنیدن حدیث و کسب علم از اولاد رسول خدا ص و اهل البیت ع توجهی عمومی و گسترده نداشتند و این یک عامل مؤثر در عدم تشکیل جلسات تعلیمی گسترده،در برخی از دوره ها بود و عامل دیگر مبارزهٔ و مخالفت سیاست های حاکم و جائر در برابر ائمه شیعه بود که در یک سطح بسیار وسیع ،سبب ترس مردم از نزدیک شدن آنها به امامان شیعه و مانع از گسترش میدان فعالیت تعلیمی ائمهٔ تشیع می بود و سومین عامل مهم،زندانی شدن برخی از امامان شیعه بود که رابطهٔ مردم و امام را قطع میکرد و از تشکیل حوزهٔ علمی جلوگیری می نمود.

۲-حوزه های علمی مخفی

علل فوق و سایر انگیزه های عمومی و خصوصی،ایجاب می نمود که بیشترین امامان شیعه در تعلیم دادن به یاران و اصحاب و نیز در پرورش دادن علماء مورد اطمینان و اعتماد،از روش های مخفی و تاکتیک های ظریف،بهره گیری نمایند

۱- ۱) آری حوزه های علمی پربار و ریشه داری در زمان ائمهٔ شیعه و نیز نزدیک به زمان آنها تشکیل یافته که تنها مطابق آنچه مرحوم شیخ حر عاملی در کتاب وسائل الشیعه(ج ۲۰ ص ۴۹)فرموده،بیش از شش هزار و ششصد کتاب از آثار آن بوده و ضبط شده است که از آن جمله،اصول اربعماه از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد و تنها هشام کلبی بیش از ۲۰۰ کتاب و ابن شاذان، ۱۸۰ کتاب و ابن دؤل ۱۰۰ کتاب و ابن ابی عمیر ۹۴ کتاب تألیف نموده اند، که بعنوان آثار درخشنده از حوزه های علمیهٔ منسوب به ائمهٔ معصومین علیهم السّلام به حساب میآیند(به مقدمه شرح لمعه طبع جدید صفحه ۳۵ -۳۶ مراجعه شود).

مثلا-"امام سجاد ع غلامانی را می خریدند و آنها را به تدریج تربیت مینمودند و اندیشه های ارزشمند را به آنها تفهیم می نمودند و نیز سایر امامان،در ملاقات، های شخصی و مخفی و نامه های سری و نیمه سری مطالب علمی و فقهی را در اختیار اصحاب خود می گذاشتند و گاهی بجای جلسات درس از ارتباطات مخفی و سئوال و جوابها استفاده می نمودند.

۳-آزادی نسبی در چند دوره

در زمان حکومت ظاهری امام علی علیه السّلام و نیز در دوران امامت امام باقر و امام صادق علیهما السّلام و همچنین در مقداری از دوران پیشوائی امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السّلام،مقداری آزادی بوجود آمد و لذا امیر المؤمنین با خطابه ها و سخنان خود که مستمعین زیاد و طالبین علم و دانش را جذب مینمود ،کار حوزه ای انجام دادند(که در این زمینه در بحث حوزهٔ علمیه علی علیه السلامبررسی فشرده ای داریم)و نیز امام باقر علیه السلامو امام صادق علیه السلامبا تشکیل جلسات درس، تحولی عظیم و موجی گسترده در جامعهٔ اسلامی بوجود آوردند و فرهنگ مکتب اهل البیت علیهما السلام را به بهترین وجه،ترویج نمودند و همچنین امام هشتم علیه السلامدر، فرصت موجود که بدنبال سیاست خاص مأمون بدست آمده بود،در جلسات رسمی که بمنظور مناظره با علماء ادیان و فقهاء بلاد و صاحبان مقاله ها و نظریات فلسفی،تشکیل می گردید کوشش های علمی خود را برای نشر علم و دانش بمنصهٔ ظهور آوردند و طالبین علم را متوجه علم لدنی خود نمودند و به وسیلهٔ گفته ها و مناظرات و پاسخ به سئوالات،بهترین تعلیمات اعتقادی و فقهی و تفسیری و....را عرضه نمودند،و قبل از آن،در دوران اقامتشان در مدینه مرجع مسائل دینی و ملجاء طالبین دانش و امیدی برای حل مشکلات دینی دانشمندان مدینه بودند و در خانهٔ شخصی خود و نیز مسجد النبی صلّی الله علیه و آله و سلّم حوزه ای پربار تشکیل داده بودند که محل فراگیری دانشهای دینی و احکام الهی بود.

و اینک بررسی خود را دربارهٔ وضعیت حوزهٔ علمیه در زمان ائمه معصومین،علیهم السّلام و کوششهای تعلیمی و تربیتی هریک از آن پیشوایان الهی بنحو فشرده دنبال

ص :۱۱۱

می کنیم و به ترتیب،از دوره امیر المؤمنین امام علی بن ابی طالب علیه السّلام شروع نموده و به دورهٔ امام حسن عسکری ع پایان میدهیم و در مورد دوران امامت پیشوای غایب،ولی العصر و الزمان،بقیه اللّه الاعظم حجه بن الحسن العسکری عجل اللّه فرجه الشریف،بررسی خود را تحت عنوان(حوزه های علمیه در زمان غیبت)انجام میدهیم.

و البته باید توجه داشت که محدودیت کتاب حاضر،ما را از تحقیق همه جانبه و گسترده و تشریح تمام ابعاد حوزهٔ علمیه در زمان ائمه معصومین،بازمیدارد و امیدواریم که فرصت بیشتری به دست آید و در زمینه خدمات علمی ائمه طاهرین ع به تفصیل کامل و تشریح جامع توفیق یابیم.

قال اللّه تبارک و تعالی ان شاء إِنَّما یُرِیدُ اللّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً

حوزه علمیهٔ امیر المؤمنین علی علیه السّلام

اشاره

حوزه علمیهٔ امیر المؤمنین علی علیه السّلام (۱)

چگونه میتوان از مجمع علمی امامی سخن گفت و معرفی کرد که:

۱-رسول خدا ص او را باب مدینهٔ علم خود خوانده است.

۲-هزار باب علم بوسیلهٔ رسول گرامی ص باو تعلیم شده که از هربابی هزار چشمه مفتوح میگردد.

۳-باو علم الکتاب داده شده،همانی که آصف ابن برخیا با داشتن بعضی از آن،توانائی یافت تخت بلقیس را بیاورد.

۴-امامی که عیبه(صندوقچه)علم اللّه است.

۵-معدن حکمه اللّه است.

۶-مخزن سر اللّه است.

۷-او که گفت سلونی قبل ان تفقدونی و از عهده اش برآمد در حالیکه هرکه بعد از او چنین ادعائی کرد رسوا شد.

۸-او که فرمود لو ثنّیت لی الوساده لحکمت بین اهل التّوریه بتوراتهم،و اهل الانجیل بالانجیل و اهل القران بالقران و اهل الزّبور بالزّبور (۲).

۹-او که گاهی میفرمود انّ هیهنا لعلما جمّا (۳)و اشاره به سینه خود مینمود.

ص: ۱۱۴

---

۱ - ۱) در این بخش،از کتابهای الغدیر،الذریعه،شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید،تفسیر برهان،تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام،اعیان الشیعه،بحار الانوار،منتهی الامال،معجم رجال الحدیث،تهذیب المقال،البیان، آیت اللّه خوئی،نصب الرایه،علی من المهد الی اللحد و عدهٔ دیگری از کتب رجال و حدیث بهره گیری شده است.

۲ - ۲) اگر بالش(حکم و قضاوت)برای من تا کرده میشد(و آماده میگشت)همانا حکم میکردم در میان اهل توریه به تورات آنها و در میان اهل انجیل به انجیل و در میان اهل قرآن به قرآن و در میان اهل زبور به زبور.

۳ - ۳) همانا اینجا(در سینه ام)علم فراوانی هست.

۱۰-او که مصداق امام مبین است و رسول خدا ص درباره اش فرمود:انّه الامام الّذی احصی اللّه تبارک و تعالی فیه علم کلّ شیی (۱).

۱۱-همه اصحاب رسول خدا ص باو محتاج بودند ولی هرگز او احتیاج به علم آنها نداشت.

۱۲-با عنوان اعلم الامّه،اقضی النّاس،افقه من صلّی مع رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله مورد تمجید و ستایش قرار گرفته است.

و.....

ولی با این حال بمنظور کسب فیض با اشاره ای به آثار و چهره هائی که در حوزهٔ علمیهٔ آنحضرت کسب کمال و فیض نموده اند گامی در آشنائی با دومین حوزهٔ علمی عالم اسلام برمی داریم.

حوزهٔ امیر المؤمنین و نهج البلاغه

اگر ما هیچ نشانه ای از حوزهٔ علمیهٔ آندوره نداشتیم جز نهج البلاغه و علومی که در ضمن خطبه ها و نامه ها و پندهای حکمت آمیز این کتاب عظیم الشأن بدست ما رسیده است کافی بود که پرده از یک مجمع علمی بزرگ بردارد زیرا:

اگر شنونده های لایق،اگر ضبطکنندگان مستعد،اگر شاگردان تلاشگر نمی بودند آن سخنان گفته نمیشد و آن خطبه ها ایراد نمیگردید و نگهداری و ضبط نمیشد و به نسل های بعدی منتقل نمیگردید.

آری کسانی بودند که در محضر امام ع به مراحل کمال علمی نائل شده و تلاشگر در راه کشف حقائق علمی و دینی بودند و با زحمت فراوان از دریای متلاطم و خروشان علم امیر المؤمنین ع بهره برداری کرده و از آن بهره ها،به نسلهای بعدی نیز منتقل ساختند.

در حالیکه تنها یادگار آن دوره پرخروش و آن مجمع بزرگ فقط خطبه ها و نامه های نهج البلاغه نیست بلکه اینها یک جزء از بیست

۱- ۱) همانا او(علی ع)امامی است که خدای تبارک و تعالی علم همه چیز را در او حفظ کرده و بشمارش اورده است.

و چهار جزء از خطبه ها و کلمات حکمت آمیز امیر المؤمنین علیه السّلام است (۱)که بدست ما رسیده و اینها بعلاوهٔ سخنان و نامه ها و کلماتی است که اصلا"تاریخ نتوانسته ضبط کند و در دوره های سیاه و خفقانی که بعد از حیاه علی علیه السّلام بوجود آمد در پشت پردهٔ تاریکی از تاریخ،پنهان گردیده است.

اینک سئوال میشود آیا این خطبه ها و نامه ها و کلمات که دانشهای گوناگون و علوم دقیقه را دربرگرفته از مسائل فلسفی تا دقائق کلامی،از حقائق عرفانی تا ظرائف اخلاقی،از تبیین حرکت تاریخ تا فرازونشیب های آن،از تفسیر نشانه های توحید تا توضیح وضعیت قیامت،از دستورالعمل های فردی تا بالاترین فرمانهای حکومتی و سیاسی از....تا.....و.....

آیا این همه در چه محیطی گفته و نوشته شده؟آیا نه اینست که محیطی مناسب و انسانهائی شیفتهٔ علم را امیر المؤمنین ع پروریده و آماده کرده و سینه های مناسبی را یافته و پرورش داده است و در آنها این همه بذر علمی پاشیده است؟ایا اگر یک مجمع بزرگ علمی را بوجود نیاورده بود که گیرنده و نگهدارندهٔ این علوم باشد مگر ممکن بود اینهمه مطالب دقیق و عمیق بدست ما برسد؟آیا اگر دانش طلبان تشنه و شاگردان پرکار و پرخروش نبودند چیزی از این دانشها بدست ما میرسید؟

مگر خود ان پیشوای علم و بصیرت نفرمود ای کمیل این دلها ظرفهائی هستند که بهترین آنها نگهدارنده ترین آنها است پس حفظ کن آنچه را بتو می گویم (۲)او که میداند دل حفظکننده،لازم است تا حقائق علمی در آن وارد شود پس نتیجه می گیریم که او برای اسراری که بیان داشته دلهای سرّ نگهداری را در کنار خود داشته و برای حقائق علمی که بیان داشته سینه های حافظی می شناخته و برای درسهای گسترده اش مجمعی و شاگردانی مناسب یافته است.

و ایکاش از آن ظرفهای مناسب و ان دلهای آماده در آن زمان بیشتر و بیشتر،

۱- ۱) علی من المهد الی اللحد ص ۱۹۸

۲- ۲) یا کمیل انّ هذه القلوب اوعیه فخیرها اوعاها فاحفظ عنّی ما اقول لک...

می بودند تا از ان منبع علم که وابسته به علم خدا است بیش از این بهره میگرفتند و ذخیره میکردند و برای بشر تشنه امروز بارث می گذاشتند.

حوزۀ علمیۀ امیر المؤمنین علیه السّلام و تصنیف کتاب

اشاره

گروهی از شاگردان و اصحاب امام ع کتابهائی نوشته اند که از اولین کتابهای تألیف شده در تاریخ اسلام و حوزۀ علمی اسلام بحساب می آید و در، نتیجه نه تنها آنها صاحب تألیف و تصنیف هستند بلکه از پیشگامان و پایه گذاران این حرکت بزرگ علمی،بحساب می آیند و اینک به چند مورد اشاره می نمائیم.

۱-ابو رافع

از یاران رسول خدا ص و از ملازمین امیر المؤمنین ع کتابی دارد بنام السّنن و الاحکام و القضایا که در ضمن باب هائی است مثل نماز،روزه،حج،زکوه، و قضایا.

۲-علی بن ابی رافع

که از فقهای شیعه و از خواص امیر المؤمنین است کتابی دارد در فنون فقه، از وضو و نماز و سایر ابواب فقه و این کتاب در نزد بزرگان شیعه بسیار ارزنده بوده است و آنرا بزرگ شمرده اند.

۳-عبید اللّه بن ابی رافع

کتابی نوشته بنام تسمیه من شهد من الصّحابه مع امیر المؤمنین الجمل و صفّین و نهروان و کتاب دیگری نوشته درباره قضایای امام علی علیه السّلام.

۴-اصبغ بن نباته

عهدنامۀ مالک اشتر و نامه مفصل امام علی علیه السّلام بامام حسن علیه السّلام را او بصورت کتابی روایت کرده است و کتابی دارد بنام مقتل الحسین علیه السلامو کتاب دیگری دارد بنام عجائب احکام امیر المؤمنین علیه السلام.

۵-حارث الاعور الهمدانی

کتابی دارد که روایت میکند و در آن مسائلی است که علی علیه السلامبه شخص یهودی خبر دادند.

۶–سلیم بن قیس

کتـابی دارد در امامت و مشـهور هم هست و از اصل هائی است که اهل علم و حـدیث آنرا روایت نموده انـد و ترجمه آن بنام اسرار آل محمد،مشهور است

۷–میثم تمار

کتابی دارد در حدیث.

۸–ربیعه بن سمیع

کتابی دارد درباره زکوه چهارپایان که بصورت نقل است.

۹–عبید اللّه بن الحر الجعفی

نسخه ای دارد (۱)که از امیر المؤمنین علیه السلامنقل می کند.

۱۰–محمد بن قیس بجلی

کتـابی دارد که از امیر المؤمنین ع نقل می کنـد و وقتی همین کتاب بر امام باقر علیه السّـلام عرضه شـد فرمود این قول علی بن ابی طالب است.

۱۱–یعلی بن مره

نسخه ای دارد که از امام علی ع نقل می کند.

و در بخش آشـنائی بـا چهره هـای درخشان از حوزه علمیه امیر المؤمنین ع با این نویسـندگان و کتابهایشان بیشتر اشـنا خواهیم شد.

چهره های درخشان در حوزهٔ علمیهٔ امیر المؤمنین علیه السّلام

اشاره

برای معرفی عظمت و بزرگی حـوزه علمی آنحضـرت میتـوان از شـاگردان و تربیت شـدگان آن حوزه مقـدسه اسـتفاده کرد و بـاتوجه به ابعـاد شخصـیت علمی آن، بزرگـواران به عمق و گسـترش و اهمیت آن مجمع ارزشـمند پی برد و مـا تنهـا بصورتی فشرده به زندگی و شخصیت علمی چند نفر از آنان می پردازیم و از بررسی کامل بمنظور اختصار پرهیز می نمائیم.

۱- ۱) مقصود از نسخه اینست که آنچه نقل شده از روی خط ائمه نقل شده است.

عبد اللّه بن عباس

از شخصیت های بارز در میان اصحاب امیر المؤمنین ع است و شاگردی او در مکتب و محضر آنحضرت زبانزد همگان است.او در علم فقه و تفسیر و تاویل و انساب و شعر بمرتبهٔ بسیار بلندی رسیده است.

ذهن او روشن،زبان او فصیح و برای بدست آوردن دانش کوشا بود،خودش می گوید اگر می شنیدم شخصی حدیثی می داند که من آنرا نشنیده ام به در خانه اش می رفتم،بیرون در عبایم را پهن میکردم و می نشستم،باد خاکهای کوچه را بر سرم می ریخت،منتظر بودم تا صاحب خانه بیرون آید،هنگامی که بیرون می آمد و مرا میدید عذرخواهی می نمود و اظهار میداشت چرا نفرستادی من نزد شما بیایم می گفتم من سزاوارترم برای کسب علم بخدمت شما بیایم (۱).

او است که رسول خدا ص درباره اش دعا فرمود اللّهمّ فقّهه فی الدّین و علّمه التّاویل(خدایا،او را فقیه در دین و آگاه بتأویل بنما).

و همو است که امیر المؤمنین علیه السلاماو را برای مناظره با خوارج فرستاد و در قضیهٔ حکمیت فرمود ابن عباس را بعنوان حکم اختیار کنید و آن مردم نادان نپذیرفتند.

او با آنهمه علم و دانشی که داشت که او را رئیس المفسرین،ترجمان القرآن، (۲)حبر الائمّه (۳)میخوانند در بیان مقایسهٔ علمش با علم امام علی ع گفته است علم من در برابر علم علی ع همانند قطره ای است در برابر دریای محیط.

علامهٔ حلی درباره او می فرماید حال ابن عباس در بزرگی و اخلاص به،امیر المؤمنین ع مشهورتر از آنست که مخفی باشد و احادیثی که در عیب او رسیده است را ما در کتاب کبیر جواب داده ایم.

کمیل بن زیاد

از بزرگان اصحاب علی علیه السّلام است و او را صاحب سر حضرت خوانده اند

۱- ۱) پیامبر و یاران ج ۴ ص ۱۷۳

۲- ۲) بیان کننده و روشن کننده و تفسیرکنندهٔ قرآن

۳- ۳) دانشمند پیشوایان و بعضی حبر الامّه خوانده اند یعنی دانشمند امت اسلامی

دعای پربرکت و عظیم کمیل که شبهای جمعه خوانده میشود همانست که علی ع باو تعلیم فرموده است.

او است که علی علیه السّلام او را بصحرا برد و سخنان نورانی خود را باو فرمود (یا کمیل انّ هذه القلوب اوعیه فخیرها اوعاها فاحفظ عنّی ما اقول لک...) که در نهج البلاغه آمده است.

و او است که یکبار علی علیه السّلام او را بر ترک شتر خود سوار کرده و براه خود ادامه داد،وقتی کمیل اینهمه عنایت را از امام خود دید،فرصت را غنیمت شمرد و گفت یا امیر المؤمنین حقیقت چیست؟حضرت فرمود تو را با حقیقت چکار؟او گفت آیا من صاحب سرّ شما نیستم؟در این هنگام نقل شده که حضرت بیانی را فرمود و با توضیح خواستن کمیل بیان دیگری فرمود و او باز توضیح خواست و امام جواب دادند و برای چهارمین بار هم امام بیانی فرمود که در تشریح چهار جمله امام در این مورد کتابهای فراوانی نوشته شده است.

این دو جریان نشان دهنده عظمت علمی کمیل و عنایت خاص امیر المؤمنین علیه السّلام به تربیت و تعلیم او است.او در پایان عمر بدست حجاج بن یوسف ثقفی در راه دوستی و محبت علی علیه السّلام شربت شهادت نوشید.

ابو الاسود دئلی

اشاره

او از دانشمندان بزرگ اصحاب امیر المؤمنین ع است،او برگزیده و پاکیزه است و درباره اش گفته شده که از کامل ترین مردان در رأی و از محکمترین آنان در عقل می باشد.

او فقیه و محدث و شاعر و سریع الجواب و دانای بعلم لغت بوده و همو است که امیر المؤمنین علیه السّلام باو علم نحو را آموخت و او با تعلیم آنحضرت این علم را پایه گذاری نمود و در نتیجه بعنوان واضع علم نحو شناخته شده است.

نقطه و اعراب گذاری قرآن

در ابتداء تاریخ اسلام،در کتابت قرآن نقطه و اعراب نبوده و تنها کلمات

بنحو ساده نوشته میشده است و چون کلمات فراوانی هستند که وقتی،نقطه و اعراب نداشته باشند اشتباه میشوند مثلا"کلمات نبلو-نتلو-تتلو-یتلو-بتلو و همچنین کلمات یعلمه-تعلمه-نعلمه-یعلّمه-تعلّمه-نعلّمه-بعلمه تعلّمه و همینطور کلمات خلقک-خلقک-خلقک-خلّفک و موارد فراوان دیگر.

و لذا قاری قرآن مجبور بود که با کمک نشانه ها و فکر قوی خودش و آنچه از دیگران شنیده بود این موارد را از یکدیگر بازشناسد و گاه هم میشد که قرآن به غلط خوانده میشد و در فهم معنی قرآن اشتباه پیش میآمد و علت آن شناخته نشدن کلمات،از یکدیگر می بود.

و اول کسی که قرآن را اعراب و نقطه گذاری کرد ابو الاسود دئلی است و در نتیجه از بزرگترین خدمتگزاران به قرآن و کار آموزش و فراگیری آنست.

او مشهور به محبت علی ع و پیروی از آنحضرت بود و معاویه درصدد برآمده بود، که او را با هدایا از آنحضرت جدا کند،لذا روزی هدیه ای برای او فرستاد و حلوائی (۱)هم جزء هدیه بود،دختر پنج ساله او مقداری از آن حلوا را در دهان گذاشت.ابو الاسود گفت ای دختر!معاویه میخواهد با این حلوا ما را از محبت امیر المؤمنین برگرداند،آن دختر بامعرفت گفت خدا روی او را زشت گرداند میخواهد ما را از آقای پاکیزه جدا کند بوسیله حلوای زعفرانی،مرگ بر فرستنده و خورندهٔ او و سپس کاری کرد که حلوا را قی نمود و این دو شعر را سرود.

)ابا الشّهد المزعفر یابن هند)نبیع علیک احسابا و دینا

) معاذ اللّه کیف یکون هذا)و مولینا امیر المؤمنینا (۲)

زینب کبری علیها السّلام

تربیت شدهٔ دامان زهرای اطهر و تکامل یافته در محضر امام امیر المؤمنین علی

۱- ۱) منظور شیرینی است که در این جریان عسل بوده است و از شعر دختر پنج، ساله معلوم میگردد.

۲- ۲) ای پسر هند ایا بوسیلهٔ عسل زعفرانی،میفروشیم بتو شخصیت و دین خود را، پناه بر خدا چگونه چنین باشد و حال آنکه آقای ما امیر المؤمنین است.

ع و عالمـهٔ غیر معلّمه و فهمـهٔ غیر مفهّمه که نه تنها مجلس درس را اداره میکرد و برای زنان تفسیر قرآن می فرمود بلکه علم و دانشـی که امام سـجاد ع میخواسـتند اظهار کنند از طریق حضرت زینب بیان می کردند بمنظور حفظ جان امام از خطر دشمنان .(۱)

اسـتدلالها و خطابه های حضرت زینب در کوفه و در مجلس ابن زیاد و مجلس یزید سند گویائی بر علم و دانش آن عقیلهٔ بنی هـاشم است و در وقت ایراد یکی از همـان خطبه ها است که امام معصوم حضـرت علی بن الحسـین زین العابـدین علیه السـلام خطاب به آن بانوی بزرگوار فرمود:انت بحمد اللّه عالمه غیر معلّمه و فهمه غیر مفهّمه.

راستی چگونه ممکن است کسیکه مسئولیت کاروان اسراء از خاندان امام حسین ع در آن سفر افشاگر و ظالم برانداز که تداوم بخش قیام بزرگ و تاریخ ساز ابی عبـد اللّه الحسـین ع بوده است را بر عهـده بگیرد و به عالیترین وجهی،اهـداف مقـدس امام حسـین ع را بگوش مردم کوفه و شام و دیگر شـهرها برساند و نقاط مورد سئوال نهضت را به بهترین وجهی برای مردم زمان و آیندگان تشریح کند و از علم و دانشی سرشار و بیانی رسا و تأئیدی الهی برخوردار نباشد.

آری چنین بـانوی عـالمه ای است که موفق میشـود رسـالت قیـام حسـینی را به دوش بگیرد و بصورتی شـگفتی آفرین بهـدف مقدس خود و امام شهید علیه السلامنائل گردد.

حبیب بن مظاهر اسدی

از اصـحاب امیر المؤمنین علیه السّلام و مردی صاحب جمال و کمال بوده است،همهٔ قرآن را از حفظ داشته و بعد از نماز عشاء تا طلوع فجر همهٔ قرآن را می خوانده است.

او از خواص امیر المؤمنین علیه السـلامو از حاملین علوم آنحضـرت بوده و از کسانی است که خبر شهادت خود را از دیرزمانی میدانسته و در جریان قیام خونین کربلا از بهترین

۱- ۱) بحار الانوار ج ۴۶ ص ۲۰

یـاران امـام حسـین علیه السّـلام بوده،و در رکـاب آنحضـرت با کسب عالیترین مقام به فوز شـهادت نائل گشت و ابی عبـد اللّه الحسین ع بالای سر او فرمودند:

عند اللّه احتسب نفسی و حماه اصحابی.

میثم تمار

از خـواص و برگزیـدگان اصـحاب و از حواریین امیر المؤمنین علی علیه السّـلام بود و آنحضـرت علوم فراوانی را در اختیـار او گذاشته بودند تا جائیکه او ابن عباس مفسر بزرگ و عالیقدر قرآن و حبر الامّه را ندا کرد و گفت یابن عباس سئوال کن از من آنچه بخـواهی از تفسـیر قرآن زیرا که من قرائت کرده ام بر امیر المؤمنین ع تنزیـل قرآن را و او بمن تعلیم فرموده تاویـل آنرا و ابن عباس کاغـذ طلبیـد و مطالب میثم را نوشت.میثم تمار از آن چهره های درخشانی بود که علی ع جریان شـهادتشان را بآنها خبر داده بود و آنهـا جـای قتـل و شـخص قاتـل و چگونگی قتل خود را می دانسـتند امام علیه السـلامباو فرمود ای میثم چگونه خواهی بود وقتی ولـد الزنای بنی امیه ترا بخواهـد و بر تو تکلیف کنـد که از من بیزاری جوئی میثم گفت بخدا قسم از تو بیزار نخواهم شد حضـرت فرمود بخدا قسم ترا خواهد کشت و بدار خواهد زد میثم گفت صبر خواهم کرد و اینها در راه خدا سـهل و کم است.

و میثم این خبر علی ع را برای دوستانش نقل می نمود تا آنکه در سال شهادت امام حسین ع قبل از ورود امام به عراق ابن زیاد او را احضـار کرد و بعـد از گفت و شـنود سـختی که انجام شـد و مـدتی در زنـدان گرفتار بود،ابن زیاد دسـتور داد او را بـدار کشیدند و در آخرین لحظات وقتی یافتند که میثم در بالای دار فضائل اهلبیت و عیوب بنی امیه را می گوید و آنها را رسوا می سازد او را دهن بنـد زدنـد که جلو بیان حق را بگیرنـد و در آخر روز خون از سوراخهای دماغش خارج شد و بر ریش و سـینه مبارکش جاری گردید و بشهادت رسید.

سلیم بن قیس

از فقهـاء و محـدثین و علمـاء شـیعه و از اصـحاب امیر المؤمنین علیه السّـلام است و کتـابی نوشـته که جزء اولین کتابهای حوزهٔ علمیهٔ اسلام و تشیع است و از بزرگترین

اصلهائی است که اهل علم و حدیث نقل کرده اند و این کتاب مورد اعتماد شیعه است.

سلیم بن قیس را از اولیاء علی ع شمرده اند.

عبد اللّه بن حبیب،ابو عبد الرحمن السلمی

برقی او را از خواص اصحاب علی علیه السّلام شمرده و او یکی از قراء است و عاصم کوفی که یکی از قراء هفتگانه است از شاگردان اوست.

خود عاصم به حفص که شاگرد او بوده میگوید هرچه از قرائت بتو یاد داده ام، همانست که نزد ابو عبد الرحمن سلمی یاد گرفته ام که او نیز از،علی بن ابی طالب فراگرفته بود و هرچه که از قرائت به ابی بکر بن عیاش یاد داده ام همان است که در نزد زرّا بن حبیش یاد گرفته ام (۱).

زیلعی میگوید او چهل سال معلم قرآن بود و تمام قرآن را قرائت و عرضه کرده بر علی ع (۲).

زرّ بن حبیش

از کسانیست که امیر المؤمنین علیه السّلام از افراد مورد وثوق خود شمرده و استاد عاصم که یکی از قراء سبعه است می باشد.او عالم به علوم قرآن و در علم عربیه سرآمد بود بطوریکه ابن مسعود که یکی از دانشمندان صحابه است از او سئوال های ادبی و پرسشهائی در زمینه علم عربیه می نمود.

اصبغ بن نباته

بزرگواری و عظمت او فراوان و از خواص امیر المؤمنین علیه السّلام است او، اهل عبادت و بندگی در پیشگاه خدا بوده است.از ذخائر ارزشمند در دستگاه خلافت علی ع بوده و آنحضرت برای رفتن او بجنگ،بخل می ورزید و از دست رفتن او را دریغ میداشت.

ص :۱۲۴

۱- ۱) البیان ایت اللّه خوئی در شرح حال عاصم بن بهدله کوفی ص ۱۴۴

۲- ۲) مقدمه نصب الرایه ج ۱ ص ۳۱ فی اصحاب علی بالکوفه.

در یک جریانی امیر المؤمنین،ده نفر را بعنوان ثقه و مورد اعتماد،حضورشان را، خواستار شدند و اصبغ بن نباته را بعنوان اولین نفر ذکر نمودند.

او از محدثین و علمای اصحاب امام است و کتابی دارد بنام،عجائب احکام امیر المؤمنین و کتاب دیگری بنام مقتل الحسین ع و دو کتاب روایت دارد که هردو نقلی است،یکی نامۀ امیر المؤمنین ع به مالك اشتر و دیگری نامۀ انحضرت بامام مجتبی ع و این هردو نامه از بزرگترین نامه های مذکوره در نهج البلاغه هستند.

حارث اعور همدانی

او از فقهای اصحاب و از دوستان امیر المؤمنین علیه السّلام بوده است و حتی در کتاب میزان الاعتدال ذهبی او را از کبار و بزرگان علماء تابعین شمرده است.

از ابو بکر بن ابی داود که از علماء اهل سنت است نقل شده که گفت حارث اعور افقه مردم و افرض مردم(کسیکه بیش از همه فریضه های ارث را بداند)و احسب ناس(باحسب ترین مردم)بود.

حارث اعور علم فرائض را از محضر علی علیه السّلام فراگرفته است.

او با اینکه در تشیع شدید و در ایمان به علی علیه السّلام پایدار بود ولی در سنن اربعۀ اهل سنت،احادیثی را از او نقل کرده اند که نشان دهنده کثرت وثاقت او است که حتی مخالفین هم به حدیث او اعتماد نموده اند.

کتابی دارد که روایت می کند در آن مسائلی را که علی علیه السّلام به شخص یهودی خبر دادند.

نسب شیخ بهائی ره بهمین صحابی بزرگوار میرسد و او است که علی ع باو فرمود یا حار همدان من یمت یرنی-من مؤمن او منافق قبلا"یعنی:ای حارث همدانی هرکس بمیرد مرا خواهد دید بصورت روبرو چه مؤمن باشد یا منافق.

صعصعه بن صوحان

از بزرگان اصحاب علی ع بوده است و از امام صادق ع نقل شده که فرمودند در میان اصحاب حضرت امیر ع کسی نبود که حق آنحضرت را آن چنانکه سزاوار است بشناسد مگر صعصعه و اصحاب او.

ص: ۱۲۵

او از جمله بزرگـان قوم خود و دانشـمندی فصـیح و بلیغ و خطیب و زبـان آور بوده است.مجموع قضایـائی که از او نقـل شـده حکایت از علمی زیاد و اندیشه ای صائب می نماید همانند قضیه اعتراضش به عمر،و مباحثهٔ شدید اللحنش با عثمان و همچنین جریان مناظره و مجادله اش با خوارج نهروان که با مأموریت از جانب امام ع به چنین جدال و مناظره ای پرداخت (۱).

عمرو بن حمق خزاعی

بنـده ای صالح و از حواریین علی علیه السّـلام بود و در جنگهای جمل و صـفین و نهروان در خدمت حضـرت بود و در جریان سبّ و لعن به علی علیه السلامبهمراهی حجر ابن عدی در جلوگیری از آن جنایت کوشش می نمود،او بدستور معاویه بشهادت رسید و سر او را بریدند و بر نیزه کردند.

او احادیثی را نقل نموده و از حفظ داشته است.

زید بن صوحان

از ابـدال و اصـحاب خاص علی علیه السـلامبوده،مردی دینـدار و فاضل و دانشـمند و بزرگ قوم خود بود او دسـتش در جنگ نهاونـد بریـده شد و در جریان جنگ جمل خدمت علی ع عرضه داشت من در این جنگ کشـته خواهم شد.حضـرت فرمود از کجا میگوئی؟گفت در خواب دیدم که دستم از آسمان فرود آمده و مرا بطرف بالا می کشانید (۲)

و چنین هم شـد در جنـگ جمـل بشـهادت رسـید و علی ع بالای جنازه اش فرمود رحمك اللّه یا زیـد قـد كنت خفیف المؤنه عظیم المعونه.

سعید بن المسیب

او گرچه از اصـحاب امام زین العابـدین علیه السلامشـمرده شـده ولی تربیت شده امام علی ع است (۳)او یکی از فقهای مـدینه است و مرحوم آیت اللّه صدر

ص: ۱۲۶

۱- ۱) به کتاب پیامبر و یاران در شرح حال صعصعه مراجعه شود.

۲- ۲) پیامبر و یاران ج ۳ ص ۱۰۸

۳- ۳) معجم رجال الحدیث ج ۸ ص ۱۳۴

ایشان را از اولین مصنفین فقه شمرده است و شیخ طوسی ره در خلاف،رأی او را بعنوان یک فتوی نقل می کند.

البته دربارهٔ سعید بن المسیب و عقائد او روایات گوناگونی رسیده است که سبب شده علامهٔ مجلسی ره تنها به نقل آن روایات اکتفا کند و ترجیحی ندهد.

رشید الهجری

از خواص امیر المؤمنین و از صاحبان سر آنحضرت بود و امام ع علم بلایا و منایا (مصیبت ها و مرگها)را باو تعلیم فرموده بود.از شهادت خودش و میثم تمار و حبیب بن مظاهر و کیفیت این شهادتها خبر داد و در وقتی که دست و پایش، را قطع کرده بودند به همسایگان و دوستان،گفت گریه نکنید،دواتی و کاغذی بیاورید تا خبر دهم بشما آنچه را مولایم امیر المؤمنین ع خبر داده است که بعد از این واقع خواهد شد.پس خبرهای آینده را می گفت و آنها می نوشتند و وقتی عبید اللّه بن زیاد از جریان مطلع شد گفت بروید و زبان او را ببرید و زبان آن مخزن اسرار را بریدند.

علی بن ابی رافع

یار علی علیه السّلام و خزینه دار و نویسنده آن حضرت بود،مطالب زیادی را حفظ داشت و او از فقهای اصحاب و از خواص آنها بود.

فقه را در محضر آنحضرت آموخت و کتابی را در فنون فقه،وضو و نماز و سایر ابواب نوشت و این کتاب را در زمان حکومت ظاهری حضرت برشته تألیف درآورد و این کتاب را علماء،بسیار بزرگ شمرده اند.

عبید اله بن ابی رافع

نویسندهٔ امیر المؤمنین و از خواص آنحضرت بود،در جنگها همراه امام ع بود.

او کتابی نوشته است بنام کتاب قضایا امیر المؤمنین و دیگری بنام کتاب تسمیه من شهد مع امیر المؤمنین الجمل و صفّین و نهروان من الصّحابه.

مرحوم آیت اله صدر او را یکی از پیشوایان و ائمه حدیث شمرده است.

ص:۱۲۷

سوید بن غفله

از اولیاء امیر المؤمنین علیه السّلام و از راویان از آن امام معصوم،و خواص درگاهشان میباشد.

ربیعه بن سمیع

کتابی دارد در زکاه چهارپایان و از اصحاب علی علیه السّلام است.

خالد بن ابی الهیاج

از قراء است و قرآنی هم بخط خودش نوشته است.

عبید اله بن نضله خزاعی

جزء اصحاب علی علیه السلامو از قراء قرآن بود،و بسیار باحال نماز می خواند،و در حال نماز آنچنان بود که گویا با کسی حرف میزند.

عمر بن علی علیه السّلام

فرزند علی علیه السّلام و نویسنده کتابی در فقه میباشد و روایات فراوانی را نقل، کرده است.

عبد خیر

مصحف علی ع را نقل کرده و در علوم قرآن بسیار تلاش می نموده و در زمینه ترتیب سور قرآن فعالیت داشته است.

عبد اللّه بن جعفر

از علماء اصحاب علی ع است و از بزرگان ادب بشمار میرود.

عبد الرحمن بن ابی لیلی

از اصحاب امیر المؤمنین ع در صفین و از قضات است،حجاج بن یوسف ثقفی او را شلاق زد تا شانه اش سیاه شد و او را وادار به سب امام علی علیه السلامنمود.

ص :۱۲۸

حوزهٔ علمی،در زمان امام حسن و امام حسین علیهما السّلام

اشاره

با اینکه جلوگیری و منع خلفاء،از نقل حدیث و نیز حاکمیت استبدادی معاویه،پس از شهادت امیر المؤمنین ع و جریان صلح ساباط و همچنین،شرائط خفقان علمی،اعتقادی،سیاسی و اجتماعی که با سیاست ظالمانهٔ معاویه بوجود آمده بود و بزرگترین و مهیب ترین سرکوبی را بر شیعیان و دوستان اهل البیت علیهم صلوات اللّه وارد ساخته بود،مانع بزرگی برای تشکیل حوزه علمی و مجمع درسی گسترده بود،ولی با اینحال کوشش های علمی این دو امام بزرگوار و دو سبط بزرگ رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله تعطیل نگردید،بلکه با ایجاد زمینه های مناسب به نشر و ترویج علم و حدیث و تعلیم و تربیت مردم و طالبین علم می پرداختند و احکام دینی را در میان جامعه منتشر می ساختند،تا جائیکه ابن قیم جوزی(ابن جوزی)می گوید:

باقیماندهٔ از صحابه،از مردان فتوی همانا...و حسن و حسین میباشند (۱)و احمد بن محمد بن سعید همدانی کتابی نوشته دربارهٔ اسمأ کسانی که از امام حسن و امام حسین علیهما السّلام روایت نموده اند (۲).

و دربارهٔ امام حسین ع نوشته اند که،آنحضرت مسجد النبی صلّی الله علیه و آله و سلّم را بعنوان مدرسه ای قرار داده بودند و درسهای خود را در علم فقه و تفسیر و حدیث و قواعد اخلاق و اداب زندگی،بیان می نمودند و مسلمانها از اطراف،برای کسب علم بسوی آن حضرت می شتافتند (۳)

و نیز دربارهٔ آنحضرت گفته اند،برترین شخصیت اهل زمان خود بود،در اگاهی و معرفت به کتاب و سنّه (۴)آن امام بزرگوار از اعلام نهضت علمی و فکری در زمان خود بودند و گام هائی مثبت در نشر علوم اسلامی و گسترش دادن معارف و

۱- ۱) حیاه الامام الحسین بن علی صفحه ۱۳۶ بنقل از الاعلام

۲- ۲) حیاه الامام الحسین بن علی صفحه ۱۳۸ بنقل از نجاشی

۳- ۳) حیاه الامام الحسین بن علی صفحه ۱۳۸

۴- ۴) حیاه الامام الحسین بن علی صفحه ۱۳۵ بنقل از الکواکب الدّریه

و آداب،در میان مردم،برداشتند و بسیاری از صحابه و فرزندانشان از سرچشمهٔ زلال علم آنحضرت سیراب گشتند.

و در مورد مجالس آنحضرت توضیح داده شده که،مجلس امام حسین ع مجلس علم بود و وقار و آرایش می یافت با حضور اهل علم از صحابه و در آنها درسهای امام را در زمینهٔ ادب و حکمت فرامی گرفتند و احادیثی را که آنحضرت از جد بزرگوارش(رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله)روایت می نمود،یادداشت می نمودند و می نوشتند و با کمال خضوع و ادب و اکرام از علم و دانش گسترده آن امام،بهره مند می گشتند (۱)

امام حسین علیه السّلام روایات فراوانی را از رسول اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم و امیر المؤمنین علیه السلام و زهرای اطهر(س)در زمینهٔ احکام شرعیه و سیرهٔ نبویه نقل نموده اند و همچنین راویان فراوانی که عده ای از آنان،از مخالفین و عامه هستند از آنحضرت نقل حدیث نموده اند،و این خود،سندی بر استمرار کوشش علمی می باشد و نشان میدهد که امامان معصوم ما،در هرشرائطی گامهای علمی را برای پیشرفت و رشد دانش،برمی داشته اند.

میراث های گرانبها

سخنان حکیمانه،مناظرات،پاسخ های علمی به سئوالات،خطبه ها موعظه ها و کلمات کوتاه حکمت آمیزی که از امام مجتبی علیه السّلام بدست ما رسیده و در کتابهای کافی،بحار الانوار،تحف العقول و دیگر کتب حدیث و روایت ضبط و نقل شده و همچنین بیانات شگفتی آفرین و حکیمانهٔ امام حسین علیه السّلام در بحث توحید و خداشناسی،در تفسیر صمد،در بحث قدر و در مباحث مهمی همانند امر بمعروف،انواع جهاد،انواع عباده، مکارم اخلاق،فلسفهٔ احکام،موده اهل البیت علیهما السلام و همچنین خطبه های غرّاء و دعاهای عجیب و عظیم الشأن(که نمونهٔ آن،دعای بی نظیر عرفه است) و اشعار پرمحتوی و کلمات پندآموز،همه و همه میراث هائی هستند که از برکات

۱- ۱) حیاه الامام الحسین بن علی ع ج ۱ صفحه ۱۳۵ تا صفحه ۱۳۷

حوزه علمی امام حسن و امام حسین علیهما السّلام می باشند و بوسیلهٔ علماء و راویان،بدست ما رسیده اند.

نقش حیاتی امام حسین علیه السّلام در حفظ احادیث

با مراجعه به احادیث فراوانی که از ائمهٔ معصومین علیهم السّلام و بخصوص امام باقر و امام صادق علیهما السّلام به دست ما رسیده است و در زمینه های گوناگون از قبیل فقه،تفسیر،عقائد،اخلاق،تاریخ و...می باشد، درمی یابیم که قسمت بسیار عظیمی از آن احادیث بواسطه امام حسین ع از پدر بزرگوارشان امیر المؤمنین ع یا از جد گرامیشان رسول اکرم ص نقل شده است مثلا"امام محمد باقر ع میفرماید،عن آبائی عن رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله....و این بدان معنی است که من از پدرم علی ابن الحسین ع و او از پدرش حسین بن علی ع و او از پدرش علی ابن ابی طالب ع و او از رسول خدا ص نقل می نمائیم.و با یک توجه به فراوانی این دسته از روایات از یکسو، و تنوع و گسترش مطالب این احادیث شریفه از سوی دیگر،میتوان به نقش حیاتی،امام حسین ع در حفظ احادیث رسول اللّه و امیر المؤمنین و انتقال آنها به دیگر ائمهٔ معصومین،پی برد و می توان دریافت که،تا چه اندازه حوزهٔ علمی امام باقر و امام صادق علیهما السّلام مرهون جد گرامی و شهیدشان،امام حسین علیه السّلام می باشد.

مسند امام حسین علیه السّلام

ابو بشیر،محمد بن احمد دولابی متوفای ۳۲۰ کتابی را تألیف نموده که مسند امام حسین ع خوانده میشود و خود،از آثار ارزشمند می باشد و این مسند در ضمن کتاب(الذّریه الطّاهره)درج گردیده است (۱)

---

۱ - ۱) این کتاب،از کتب خطی کتابخانهٔ احمدیه،در کشور تونس است و کتابخانه امیر المؤمنین(کتابخانهٔ علامه امینی)در نجف اشرف یک نسخه عکسی از آن کتاب را تهیه نموده است،به حیاه الامام الحسین بن علی ع از باقر شریف القرشی ج ۱ صفحه ۱۴۰ مراجعه شود.

راویان و شاگردان حوزهٔ امام مجتبی و امام حسین علیهما السّلام

در آخرین قسمت بحث،شایسته است عده ای از اصحاب امام مجتبی علیه السلامو یا امام حسین ع را که علاوه بر مصاحبت و یاری دو امام معصوم،از حاملین علوم و از راویان حدیث و ناقلین کلمات آنها می باشند،یاد نمائیم و البته برخی از اینها محضر هردو امام را درک نموده اند و بعضی فقط،در خدمت یک امام بوده اند و تفصیل مطلب دربارهٔ هرکدام از این یاران و چهره های نورانی، از عهدهٔ کتاب حاضر بیرون است،و اینک اسامی آنها:

۱-اصبغ بن نباته،که از چهره های بزرگ عالم تشیع و از یاران خاص امیر المؤمنین علیه السلامبوده است.

۲-برید بن حضیر همدانی که سید قراء بوده و از شهدای کربلا می باشد.

۳-بشر بن غالب اسدی،که راوی دعای عظیم الشأن امام حسین ع در روز عرفه می باشد و سندی بزرگ بر توانائی و استعداد علمی و علاقه او به حفظ آثار بزرگ می باشد.

۴-بشیر بن غالب اسدی،که راوی دیگر دعای عرفه است و همانند برادرش از استعداد و آمادگی علمی برخوردار بوده است.

۵-جابر بن عبد اللّه انصاری،صحابی بزرگ رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم و حامل سلام آنحضرت برای امام محمد باقر علیه السلام،که عالمی بزرگوار و یاور اهل البیت،علیهم السّلام بوده است و ما شرح حال او را در بخش حوزهٔ علمیهٔ رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم ذکر نمودیم.

۶-جابر بن عروهٔ غفاری

۷-حبیب بن مظاهر اسدی،که شرح حال او را در حوزهٔ علمیهٔ امیر المؤمنین، ع بیان نمودیم.

۸-حذیفه بن اسید غفاری،که از حواریین امام مجتبی علیه السلامبوده است.

۹-حسن بن حسن ع(حسن مثنی)که از شخصیت های برجسته در میان امام زادگان می باشد.

۱۰-زینب کبری سلام اللّه علیها،عالمهٔ غیر معلمه و فهمهٔ غیر مفهمه.

۱۱-زید بن ارقم

۱۲-زید بن حسن

۱۳-زرّ بن حبیش،که خدمات و ارزش های علمی او را در قسمت حوزهٔ علمیه علی علیه السّلام بیان نمودیم.

۱۴-سکینه بیت الحسین،که بهترین زنان،در کمال و فضل بوده است.

۱۵-سلیم بن قیس،نویسندهٔ کتاب معروف،که فارسی شدهٔ آن بنام اسرار آل محمد نامیده میشود و از پیشگامان تألیف و تصنیف در جهان اسلام بوده است و در بخش حوزهٔ علمیهٔ امیر المؤمنین علیه السلاممورد بحث قرار گرفت.

۱۶-سعد بن مسعود ثقفی

۱۷-سفیان بن ابی لیلی همدانی

۱۸-طرماح بن عدی

۱۹-ظالم بن عمرو(ابو الاسود دئلی)،اولین اعراب و نقطه گذارندهٔ قرآن مجید و واضع علم نحو و مهمترین چهرهٔ علمی شیعه در زمان خود،شرح حال او در بخش حوزهٔ علمیه امیر المؤمنین علیه السّلام گذشت.

۲۰-عباس بن علی ع(ابو الفضل العباس)پرچمدار رشید امام حسین ع در کربلا.

۲۱-عبد الرحمن بن سلیط،که راوی حدیثی از امام حسین در مورد حضرت مهدی(بقیه اللّه فی الارض)می باشد.

۲۲-عباس بن فضل

۲۳-عبد اللّه بن جعفر،که از ادبا و بلغاء بوده است.

۲۴-عدی بن حاتم،که از علماء باشخصیت بوده است.

۲۵-عبید اللّه بن حر جعفی شاعر،که نجاشی او را از پیشگامان تألیف شمرده و نسخه ای را از امام علی علیه السّلام نقل نموده است.

۲۶-علی بن محمد هرمزانی،راوی حدیث دفن حضرت زهرا(س)که آنرا

از امام حسین علیه السّلام نقل نموده است.

۲۷-عیسی خشاب

۲۸-غلام ترکی،که از قراء بوده و در کربلا به شهادت رسیده است.

۲۹-فاطمه بنت الحسین علیه السلامکه امام حسین ع اسرار و وصایای خود را،نزد او گذاشتند و او به امام سجاد علیه السلامتحویل داد (۱)

۳۰-فرزدق شاعر،یکی از بزرگترین ادباء و بلغاء و شعراء عرب

۳۱-قیس بن سعد بن عباده

۳۲-کمیل بن زیاد،صاحب سرّ امیر المؤمنین علیه السلام.

۳۳-لوط بن یحیی(ابو مخنف)،که از پیشگامان تألیف و تصنیف و از بزرگترین مورخین اسلام و از اصحاب بزرگوار امام حسن و امام حسین علیهما السّلام است.

۳۴-محمد بن حنفیه،که روایات او موردتوجه همگان می باشد و حتی در صحاح سته نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

۳۵-مسلم بن عوسجه،شهید بزرگ کربلاء

۳۶-مالک بن مسمع

۳۷-مسلم بن عقیل،نمایندهٔ خاص امام حسین ع در کوفه و اول شهید نهضت کربلا.

۳۸-مسیب بن رافع مخزومی،که از علماء مورد وثوق و آشنایان به امر اهل البیت علیهم السّلام بوده است.

۳۹-مغیره بن نوفل(نوهٔ عبد المطلب)،که یکی از ادباء بوده است.

۴۰-منهال بن عمر اسدی،که از اصحاب امام حسین ع تا،امام صادق ع می باشد و چهار امام را درک نموده است.

و اینها فقط نام مبارک چهل نفر از کسانی است که در محضر هردو یا یکی از دو امام معصوم یعنی امام حسن و امام حسین علیهما السّلام کسب فیض و معرفت نموده اند و در زمینهٔ عقائد،فقه،تفسیر،اخلاق،علوم قرآن،ادب و...

ص :۱۳۴

۱- ۱) اصول کافی ج ۱ باب الاشاره و النص علی علی بن الحسین ع صفحه ۲۴۲

بهره گیری نموده و چه بسا آثار بزرگ و گرانبهائی را برای دیگران،به ارث، گذاشته اند.

کوششهای علمی در زمان امام سجاد علیه السّلام

اشاره

پس از وقوع حادثهٔ عظیم و خونبار کربلا و شهادت امام حسین علیه السّلام و یاران فداکار آنحضرت و نیز رخ دادن حادثهٔ خونین و سخت و وحشتناک حرّه و کشتار مردم مدینه و غارت اموال و تجاوز به ناموس آنها،توسط لشگر خونخوار اعزامی از شام،به امر یزید ملعون و همچنین محاصرهٔ شهر مکه توسط لشگر یزید و تخریب و سوزاندن کعبهٔ معظمه بتوسط سنگ ها و آتش هائیکه بوسیلهٔ منجنیق،بسوی مکه و کعبه پرتاب می نمودند و ویران نمودن قسمت هائی از شهر مکه،جوّ خفقان شدت گرفت و مکتب تشیع دچار فشار و ضربات سنگین گردید و شیعیان،عده ای کشته و عده ای پراکنده گشتند و کار بدانجا منتهی شد که در روایت آمده است ارتدّ النّاس بعد الحسین علیه السلاماِلاّ ثلثه ابو خالد الکابلی،یحیی بن امّ الطّویل و جبیر بن مطعم،ثمّ انّ النّاس لحقوا و کثروا (۱)"یعنی:مردم پس از شهادت امام حسین ع مرتد شدند جز سه نفر، یکی ابو خالد کابلی و دیگری یحیی بن ام الطویل و سومی جبیر بن مطعم،پس از آن مردم(بتدریج)ملحق شدند و زیاد گشتند".

و در این قسمت از زمان،که مقارن با شروع دوران امامت علی بن الحسین علیه السّلام بوده است کاملا"طبیعی بنظر میرسد که،کوشش های علمی بنحو رسمی از طرف امام سجاد علیه السلاممقدور و عملی نباشد،ولی با گذشت زمان و رسوائی های پی درپی برای بنی امیه و بنی مروان و کشف جنایات آنها،از یکسو و تلاشهای پیگیر و مستمر امام علی ابن الحسین ع از سوی دیگر،زمینه برای رشد مکتب اهل البیت علیهم السّلام آماده گشت،تا جائیکه در اواخر عمر امام سجاد ع گروه زیادی از علماء و یاران حضرت،فعالیتهای نسبتا" گسترده ای را در یادگیری فرهنگ تشیع و فراگیری حقائق دینی،از زبان امام زین العابدین ع شروع نمودند و بهمین جهت است که می یابیم،عدهٔ قابل

۱- ۱) بحار الانوار ج ۴۶ صفحه ۱۴۴ بنقل از اختصاص و نیز رجال کشی ص ۸۱

توجهی از شاگردان حوزهٔ علمی امام باقر و امام صادق علیهما السّلام،از شاگردان و اصحاب امام سجاد هستند،و این نشان میدهد که آنها قبل از آنکه به شاگردی مکتب امام باقر و امام صادق علیهما السّلام نائل شوند،در محضر امام چهارم به کسب علوم اسلامی همانند تفسیر،کلام،فقه،اخلاق و.....

اشتغال داشته اند.

و زمانی را در تاریخ می یابیم که فقهاء معروف،همانند سعید بن مسیب، برای رفع مشکلات خویش به حضور امام سجاد ع می آمدند و از محضر او حل مشکل علمی و فقهی خود را خواستار می شدند و گاه در برابر عظمت علمی آنحضرت خضوع نموده و با صراحت،اعتراف به بزرگی علم آنحضرت می نمودند.و زهری که از فقهای معروف بود میگفت:حقا،که تا بحال فقیه تر و دانشمندتر از زین العابدین ندیده ام (۱).

باتوجه به آنچه گذشت،میتوان دریافت که دورهٔ امامت امام سجاد ع از نظر وضعیت حوزه ای کاملا"مختلف است.بطوریکه در اول امر،به جز مقداری بسیار محدود فعالیتی انجام نمیشده ولی در ادامهٔ زندگی آنحضرت،تلاش و فعالیت علمی به سطح قابل توجهی رسیده بوده است.

و اینک برای نشان دادن حرکت های علمی و تعلیمی در دورهٔ امام زین العابدین ع به قسمت های گوناگونی توجه می نمائیم و آنها را به نحو اجمال مورد بررسی قرار میدهیم بدینترتیب:

۱-صحیفه های سجادیه ۲-رساله الحقوق ۳-روایات و کلمات قصار ۴-مناظرات و پاسخ به سئوالات ۵-اصحاب و راویان حدیث

۱-صحیفه های سجادیه

اشاره

امام سجاد ع به علت جو خفقان و استبداد سیاه اموی،راه قابل توجه و مؤثری بنحو رسمی،برای نشر و تعلیم حقائق دینی و فرهنگ غنی شیعی

۱- ۱) بحار الانوار ج ۴۶ صفحه ۹۷ و زندگانی زین العابدین ع نوشته عبد العزیز سید الاهل(ترجمه وجدانی)صفحه ۶۷-۷۴).

نداشتند و لذا از راه های خاصی برای رسیدن بهدف مقدس خود که نشر افکار دینی بود،بهره میجستند و یکی از آنها این بود که بالاترین مطالب و ارزشمندترین اندیشه ها را در قالب دعا بیان می نمودند،دعاهائی که از نظر محتوی،در عالیترین حد و از نظر ترکیب جملات و تنظیم مطالب در بهترین مرتبهٔ فصاحت و بلاغت بود،و این دعاها به دو قسمت تقسیم میشود زیرا:

یک قسمت از آنها،در مجموعه ای جمع گردیده که بنام صحیفهٔ کاملهٔ سجادیه خوانده میشود و همانست که درباره اش گفته شده،زبور آل محمد ص و انجیل اهل البیت ع و از بزرگترین ذخائر شیعه می باشد و از نظر سند و اعتبار در حدی است که ادعای تواتر دربارهٔ آن شده است (۱)و مرحوم ملا محمد تقی مجلسی تعداد سندهای آنرا،پنجاه و شش هزار و یکصد سند،ضبط نموده است. (۲)

و قسمت دیگر،دعاهائی است که در کتب گوناگون،از دانشمندان و علماء حدیث،بصورت پراکنده و متفرق،نقل گردیده و محدث عظیم الشأن مرحوم شیخ حر عاملی صاحب کتاب وسائل الشیعه قسمتی از آنها را جمع آوری نموده و در مجموعه ای گرد آورده و بنام صحیفهٔ ثانیه(صحیفه دوم)نامیده است و نیز محدث و رجالی عالیقدر،میرزا عبد اللّٰه افندی اصفهانی(صاحب کتاب نفیس ریاض العلماء)قسمت دیگری از دعاهای امام سجاد ع را با تحقیق بیشتر بدست آورده و در مجموعهٔ تازه ای جمع نموده و بنام صحیفهٔ ثالثه (صحیفه سوم)نامگذاری نموده است و پس از آن،محقق و محدث گرانقدر میرزا حسین نوری(صاحب کتاب مستدرک الوسائل)قسمت دیگری از دعاهای امام زین العابدین ع را یافته و در مجموعه ای بنام صحیفهٔ رابعه(صحیفه چهارم) گرد آورده است.

۱- ۱) تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام صفحه ۲۸۴

۲- ۲) بحار الانوار ج ۱۱۰ صفحه ۶۱ و در عبارت دیگری از مرحوم ملا محمد تقی مجلسی آمده است...مع سائر الاسانید التّی تزید علی الف الف سند، (بحار الانوار ج ۱۱۰ صفحه ۵۰)

و در نهایت،علامه محقق و مجاهد،سید محسن امین عاملی(صاحب کتاب شریف اعیان الشیعه)با کوشش های پیگیر و مجاهدت های علمی،بتوفیق بیشتری نائل گشته و مجموعه ای را با ویژگیهای جالب جمع نموده و بنام صحیفهٔ خامسه(صحیفه پنجم)نامیده است.

این صحیفه مشتمل است بر دعاهای صحیفهٔ ثالثه و صحیفهٔ رابعه و دعاهای دیگری که علامهٔ امین عاملی،در آن دو صحیفه،نیافته و رقم این دعاها به ۵۲ میرسد و مجموعهٔ صحیفهٔ خامسه،مشتمل بر ۱۸۲ دعا و ندبه می باشد (۱)بنابراین،دعاهای امام سجاد ع(که قسمتهائی از آنها،در صحیفه های گوناگون جمع آوری شده و بسا قسمت های دیگری که مفقود الاثر گردیده است) یک منبع غنی برای علوم دینی به حساب می آید و ما اجمالا-"به چند بخش از مطالب صحیفهٔ کاملهٔ سجادیه،اشاره نموده و امیدواریم که در آینده،بررسی مفصلی از معارف موجود در صحیفه بنمائیم.

صحیفهٔ سجادیه،منبع معارف الهی

در صحیفهٔ سجادیه یک جهان بینی توحیدی عرضه شده است که جهان را از نظر مبدأ و منتهی و نیز چگونگی تدبیر و ادارهٔ امور،مورد بررسی قرار داده و نظم و حساب را حاکم بر آن معرفی نموده است،فطری بودن(خدا شناسی)برای انسان و الهامی بودن شکر و سپاس پروردگار و نتایج اعمال انسان در معاد،مورد تشریح قرار گرفته است.

صحیفهٔ سجادیه،مباحث گوناگون خداشناسی و معاد و نبوت و امامت را در قالب زیبای دعا،بر قلب و اندیشهٔ حق جویان عرضه نموده است.

مسئلهٔ شفاعت با ابعاد گوناگونش،موردتوجه قرار گرفته و با زیباترین عبارت، از این بخش مهم از معارف دینی یاد شده است.

در دعای برای مرزداران و جنگجویان اسلامی،بخش های مهمی آمده است که علل و عوامل پیروزی لشگر اسلام بر دشمن،همانند دانش و بینش،قصد

۱- ۱) به مقدمهٔ(الصحیفه الخامسه)مراجعه شود.

خـالص و پـاک،بی توجهی به مـال دنیا،وحـدت و هماهنگی،محبت و دوستی بین لشـگریان،مـدیریت و کاردانی فرمانـدهان و رؤسأ لشگر،داشتن تجهیزات فنی و مناسب،وجود آذوقهٔ کافی،صبر و بردباری،دقت نظر و.......

تبیین گردیـده و از سوی دیگر عوامل شـکست دشـمن هماننـد ضـعف جسـمی و روحی نداشـتن اقتصاد سالم و قوی،کم شدن جمعیت،تفرق و از هم پاشیدگی، عدم آذوقهٔ کافی،سرگردانی و دلهرهٔ روحی،موردتوجه قرار گرفته است.

در بخش های گوناگون صـحیفه،درسـهای اخلاقی و تربیتی،مسائل اقتصادی و سیاسی،حقوق اجتماعی و فردی موردتوجه قرار گرفته و نیز قرآن و نقش آن،اهل البیت و رهبری آنها و.....از نظر دور نمانده است.

و در یـک کلاـم،صـحیفه مجموعه ای است که بـا زبان دعا،حقائق اسـلام و معارف الهی را در اختیار بشـر جسـتجوگر،و تشـنهٔ وصول به حقائق جهان و انسان، گذارده است.

۲-رساله الحقوق

در دوران اختناق اموی و حاکمیت خودکامگان عیاش و خوش گـذران از دودمان بنی امیه،که اخلاق و فضـیلت،تقوی و ایمان زیر فشار سیاست های ضد انسانی امویان و مروانیان رو به سقوط قطعی میرفت،امام زین العابدین علیه السلامباتوجه به شرائط و امکانات موجود،حرکت الهی خود را بسوی،اهـداف مقـدس اسـلامی و ترویـج انـدیشه های معنوی،ادامه میدادنـد و در نشـر و ترویج اخلاق و حقوق،قدم های مؤثری برداشتند که تجلی خاصّ آن، حرکت،در رساله الحقوق،مشاهده میشود.

این رسالـهٔ بی نظیر،حقوق مختلفی را که از جانب خداونـد بر انسان قرار داده شده،تشـریح نموده و باتوجه به اهمیت هرکدام و برتری بعضـی از آنها بر بعضـی دیگر،و نیز اصـلی بودن بعضی حقوق نسبت به دیگر حقوق، مطالب شگفتی آفرین و حیاتی را در اختیار جامعهٔ اسلامی و انسانی گذارده است.

ص:۱۳۹

در ایـن رسالـهٔ مفصـل،حقـوق خـدا بر انسـان،حقـوق نفس انسـان بر خـودش، حقـوق اعضـاء و جـوارح همـانند زبـان،گوش،چشم،پاهـا،دست هـا،شـکم و آلت تناسلی،و نیز حقوق افعال هماننـد،نماز،روزه،صـدقه،قربانی، و همچنین حقوق انسانهائی که در زمینهٔ سیاست،علم،تملک،پیشوائی و...

حـق تقـدم دارنـد و نیز کسـانی کـه در زمینـه هـای یـاد شـده،زیردسـت بـه حسـاب می آینـد،و همچنیـن حقـوق مادر،پدر،فرزند،برادر،نیکی کنندگان و حق مؤذن،امام جماعت،همنشین،رفیق،شریک،طلبکار،معاشر، دشمن،طرف مشورت و نصیحت،بزرگ تر،کوچک تر،سائل،مسئول و همچنین حق عموم ملت،و کفار ذمی و....

همه و همهٔ اینهـا مورد بحث قرار گرفته است و بعنوان ذخیره ای برای پژوهشگران در بحث های اخلاق و حقوق،و سرمشـقی برای سـیرکنندگان در راه تکامـل انسـانی و سـند افتخـاری برای شـیعه در برابر دیگران و مایـهٔ مباهـاتی برای مسـلمین در برابر کفار،مطرح گردیده است.

۳-روایات و کلمات قصار

روایـات فراوان و نیز کلمات کوتاه و بلنـدی از امام سـجاد نقل شـده،در زمینـهٔ اعتقادات،تفسـیر قرآن،فقه،اخلاق،حقوق،تاریخ و....که در کتب اخبار و احادیث همانند کتاب نفیس تحف العقول قسمتی از آنها نقل شده و نیز دانشمند متتبع و نویسندهٔ توانا و گرانقـدر،سـید عبـد الرزاق موسوی،مقرم در کتـاب نفیس خـود(الامـام زیـن العابـدین)قسـمت عمـدهٔ آنرا بـا یـک بررسـی جـالب،موردتوجه قرار داده و نقـل کرده است،و این روایـات،خود سـندی بر تلاش علمی و خـدمات تعلیمی آن امـام مظلوم و معصوم میباشـد و مشـخص میسـازد که علوم مختلف اسـلامی مورد عنایت خاص آنحضـرت بوده و در هرفرصتی در نشـر آنها اقدام می نموده اند.

۴-مناظرات و پاسخ به سئوالات

از فرازهای جالب در زندگی امام سجاد علیه السلاممناظرات قوی و کوبنده ای

است که بـا مخـالفین حق و معانـدین با مکتب اهل البیت علیهما السـلام داشـته انـد که نمونه هائی از آن احتجاجات را مرحوم مقرم،در کتـاب نفیس،الامام زین العابـدین از صـفحه ۳۰۹ به بعـد نقـل نموده است و علاـوه بر آنهـا،سـئوالاتی که از آن امـام بزرگوار می نمودنـد و پاسخ می شـنیدند،سـندی دیگر بر تلاـش مسـتمر امـام علی ابن الحسـین علیه السّـلام برای نشـر معارف اسلامی می باشد.

۵-یاران امام و راویان از آنحضرت

اشاره

دلیـل روشن و بـارز دیگری بر تلاـش هـای تعلیمی امام سـجاد وجود چهره های مبرزی است که از محضـر مقـدس آنحضـرت کسب علم نموده و از یاران و راویان آن امام بزرگوار محسوب گشته اند.

این راویان و یاران،در ابتـداء امامت آنحضـرت رقمی نزدیک به صـفر داشـته انـد چنانچه در روایت آمده است که(ارتدّ النـاس بعـد الحسـین ع الاّـ ثلثه،ابو خالـد الکـابلی،یحیی بن امّ الطّویـل و جبیر بن مطعم،ثمّ انّ النّاس لحقوا و کثروا) (۱)ولی با گذشت زمـان،رو بفزونی گذاشـتند بنحوی که در سالهـای بعـد، علمـاء و دانشـمندان بزرگی را می یـابیم که فقیه و یا صاحب تألیف و تصـنیف بوده و نیز چهره های باارزشی را برخورد می کنیم که از سرمایه های حوزهٔ علمی امام باقر و امام صادق علیهما السّلام می باشـند هماننـد ابـان بن تغلب و زراره بن اعین و حمران بن اعین و.....و همچنین شخصـیت هـائی را ملاحظه مینمائیم که از نمونه های کامل تشیع و از استوانه های فقه،حدیث،تفسیر و غیر آن بوده اند،مانند سعید بن جبیر،ابو حمزهٔ ثمالی و...

و همین اصـحاب و راویان بودنـد که،علوم زیادی را از امام سـجاد علیه السـلامبرای نسـلهای بعدی بارث گذاشـته اند بطوریکه مرحوم مفید مینویسد:فقهاء،آنقدر از دانشها و علوم،از امام سجاد علیه السلامنقل کرده اند که از بس فراوان است قابل شمارش نیست،و در کتاب مناقب ابن شهرآشوب می نویسد:کم کتابی یافت میشود در

۱- ۱) بحار الانوار جلد ۴۶ صفحه ۱۴۴ بنقل از اختصاص و نیز رجال کشی صفحهٔ ۸۱

مورد زهد و موعظه،که در آن(قال علی بن الحسین علیه السلامو یا،قال زین العابدین علیه السلامنباشد (۱).

و اینک نمونه هائی از آن راویان و یاران

۱-ابان بن تغلب که از مهمترین شخصیت های علمی شیعه در زمان ائمه معصومین علیهم السّلام است.

۲-ابراهیم بن محمد حنفیه

۳-ابراهیم بن عبد اللّه...بن عبد المطلب

۴-ابراهیم بن یزید نخعی کوفی،که موردتوجه و اتکای مورخین و حتی تاریخ نویسان عامه است.

۵-اسحق بن یسار مدنی

۶-اسحق بن عبد اللّه....بن عبد المطلب

۷-اسماعیل بن عبد الخالق جعفی کوفی

۸-اسماعیل بن عبد اللّه بن جعفر بن ابی طالب علیه السلام

۹-اعین بن سنسن شیبانی،سرسلسلهٔ آل اعین همانند زراره و حمران و....

۱۰-ایوب بن حسن بن علی بن ابی رافع

۱۱-برد اسکاف

۱۲-بشر بن غالب اسدی کوفی

۱۳-ثابت بن ابی صفیه(ابو حمزه ثمالی)که از بزرگترین علماء و از حواریین امام سجاد علیه السلامبوده است و علماء بزرگی همانند ابان بن تغلب و هشام بن سالم و مفضل بن عمر و محمد بن ابی عمیر از او روایت نموده اند که سندی بر استادی او میباشد

۱۴-ثابت بن هرمز فارسی عجلی که نسخه ای از امام سجاد علیه السلامروایت نموده، است.

۱۵-جابر بن عبد اللّه انصاری،صحابی بزرگ و حامل پیام رسول خدا، صلّی الله علیه و آله و سلّم برای امام باقر علیه السلام

۱- ۱) اعیان الشیعه ج ۴ صفحه ۱۹۶

۱۶-جبیر بن مطعم،از حواریین امام زین العابدین بوده و یکی از سه نفری است که هیچ لغزش اعتقادی،پس از شهادت امام حسین علیه السلامنیافتند.

۱۷-جعفر بن ابراهیم،جعفری هاشمی،که نسخه ای را از امام سجاد علیه السلام نقل نموده است.

۱۸-حبیب بن ابی ثابت کوفی،فقیه کوفه بوده و از اصحاب امام سجاد علیه السلام است.

۱۹-حسان عامری

۲۰-حسن بن علی بن ابی رافع

۲۱-حسن بن محمد حنفیه

۲۲-حسین بن علی بن الحسین علیه السلام

۲۳-حکیم بن صهیب صیرفی

۲۴-حمران بن اعین،از شاگردان مهم امام باقر و امام صادق علیه السلامبوده است

۲۵-زراره بن اعین،که بزرگترین فقیه در حوزۀ درسی امام صادق نیز بوده است.

۲۶-زید بن علی بن الحسین علیه السلام(الشهید)

۲۷-سالم بن ابی الجعد اشجعی

۲۸-سالم بن ابی حفصه کوفی،که صاحب تألیف بوده است.

۲۹-سدیر بن حکیم صیرفی کوفی

۳۰-سعد بن طریف،کوفی اسکاف

۳۱-سعید بن جبیر،مفسر و فقیه آن زمان بوده و به دست حجاج بن یوسف ثقفی بشهادت رسیده است.

۳۲-سعید بن مصیب،که از حواریین امام سجاد علیه السلامبوده است.

۳۳-سلیم بن قیس،که از یاران امیر المؤمنین علیه السلامنیز بوده است.

۳۴-عائذ احمسی

۳۵-عامر بن واثله کنانی(ابو الطفیل)

۳۶-عبد الرحمن القصیر

۳۷-عبـد الغفـار بن قـاسم(ابو مریم انصـاری)،که از مؤلفین و شخصـیت های بزرگ علمی بوده و روایات فراوانی را نقل نموده است.

۳۸-عبد اللّه بن ابی ملیکه مکی

۳۹-عبد اللّه بن شریک عامری

۴۰-عبد اللّه بن شبرمه کوفی،قاضی بوده و از شخصیتهای علمی بحساب آمده است

۴۱-عبد اللّه بن عطاء هاشمی مکی

۴۲-عبد اللّه بن عقیل هاشمی

۴۳-عبد اللّه بن علی بن الحسین علیه السلام(الباهر)

۴۴-عبید اللّه بن علی بن ابی رافع

۴۵-عبد الملک بن عطاء بن ابی رباح

۴۶-علی بن میمون،صائغ

۴۷-عمر بن علی بن الحسین علیه السلام(الاشرف)،که از علماء بزرگ بوده است.

۴۸-فرات بن احنف عبدی

۴۹-قاسم بن محمد بن ابی بکر

۵۰-کنگر(ابو خالد کابلی)

از برگزیدگان و یاران خاص امام سجاد علیه السلامبوده و هیچگاه در اعتقادش، نسبت به اهل البیت علیهم السّلام خللی حاصل نگردیده است.

۵۱-محمد بن اسامه بن زید

۵۲-محمد بن جبیر بن مطعم

۵۳-محمد بن شهاب(زهری)،دانشمند مشهور زمان امام سجاد علیه السّلام

۵۴-محمـد بن الحنفیه،که از چهره هـای بزرگ و مورد اعتمـاد همه بوده و در، و در کتابهـای اهل سـنت حتی صـحاح سـته،بر

اخبار او تکیه نموده اند.

۵۵-منذر بن ابی طریفه بجلّی

۵۶-یعقوب بن میثم تمار

۵۷-یحیی بن ام الطویل،که یکی از سه نفری است که در حدیث ارتداد، مستثنی گردیده اند.

و اینها شماری چند از یاران و راویان و شاگردان امام علی بن الحسین علیه السلام بودند در حالیکه رقم آنها طبق تحقیق و تتبعی که صاحب کتاب تهذیب المقال در کتاب الطبقات الکبری و اخبار الرواه(مخطوط)نموده اند،به حدود ۳۰۰ نفر بالغ میشود.

فعالیت های مخفی و نیمه مخفی

هم اکنون وقت آن رسیده است که بررسی کنیم که آیا کوشش های علمی امام سجاد ع چگونه و با چه کیفیتی تحقق می یافته است،برای بررسی این موضوع توجه به وضعیت و شرائط سیاسی و اجتماعی آن زمان لازم است و لذا به طور فشرده،مطلب را دنبال می نمائیم.

در زمانی که عمر بن عبد العزیز(معتدل ترین امویان از نظر موضع گیری اجتماعی و سیاسی)از طرف ولید بن عبد الملک حاکم مدینه گشت،عروه بن زبیر و ابا بکر بن سلیمان بن ابی خثیمه و عبد اللّه بن عبد اللّه بن عتبه بن مسعود و دیگر فقهاء را احضار نمود و از آنها خواست که به ترویج دین بپردازند و امور دینی را برپا دارند (۱)ولی حاضر نشد از امام باقر علیه السّلام نیز استفاده نماید برای نشر علوم اسلام و برپائی امور شریعت.

و باتوجه باینکه،زمان امام باقر علیه السلامخفقان اموی تخفیف یافته بود و شخص عمر بن عبد العزیز نیز فردی نسبتا"معتدل بود و نسبت به اهل البیت ع خشونت به خرج نمیداد و با اینحال حاضر نبود از علم امام باقر علیه السلامبهره گیری شود، بخوبی می توان حدس زد که تلاشهای امام سجاد علیه السلامدر دوران شدت اختناق سیاه اموی،رسمی و علنی نبوده است.

آری وقتی عمر بن عبد العزیز نتواند جلسۀ درسی رسمی و علنی امام را تحمل کند، می توان بخوبی دریافت که،حاکمانی از قبیل حجاج بن یوسف ثقفی و عبد الملک مروان برای امام سجاد علیه السلامچه وضعیتی را ایجاد می نموده اند.

و نیز در روایتی آمده است که،ابو خالد کابلی درصدد پیدا کردن زره و کلاخود رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله بود و خیال میکرد که آنها نزد محمد حنفیه

۱- ۱) الامام زین العابدین مقرم صفحه ۶۳

است،لـذا از او تقاضا نمود که آنها را بیاورد و محمـد حنفیه فرمود آنها نزد علی بن الحسـین علیه السّـلام است،بـدین جهت به سراغ امام سجاد علیه السلامرفت، وقتی به درب منزل امام رسید مشاهده نمود که درب خانهٔ حضرت باز است، از این جریان به شگفتی آمد.... (۱)

راستی،باز بودن درب خانـهٔ امام چرا تعجب آفرین بوده؟و چرا امام سـجاد علیه السـلامدر دنبالـهٔ جریان،علت باز بودن درب را یک مسـئلهٔ شخصـی و خصوصی مربوط به یک کنیز،ذکر می کنند؟آیا نه اینست که خانه ای که باید محل رفت و آمد طالبان علم و جوینـدگان حقیقت باشـد،به علت جوّ خطرنـاک و خفقـان امـوی، همیشه دربش بسـته بوده،بطوری که وقـتی یـک بـار بازمانده است،زمینه سئوال سائل و شگفتی او را فراهم نموده است.

و همچنین در حدیثی آمده است که یحیی بن زید بن علی بن الحسـین ع قبل، از شـهادتش،صـحیفهٔ سـجادیه را آورد و آنرا به چشم خود گـذاشت و بصورت خود مالیـد و مطـالبی فرمود که از آنهـا فهمیـده میشود که صـحیفهٔ سـجادیه مخفی نگاهداشـته میشده،مبادا که به دست بنی امیه بیفتد و آن را کتمان کنند و در خزانه های خود،آن را از چشم همگان دور نگهدارند.

از این سه جریان تاریخی و نیز قضایای مشابه آن که در کتب تواریخ آمده، بخوبی آشـکار می شود که دوران امام سجاد علیه السـلامتلاش علمی بطور مخفی و یا، نیمه مخفی انجام میشده و حوزهٔ علمی آنحضرت،از استتار فراوانی برخوردار بوده است و آنحضـرت با یک نوع تقیه،کوششـهای خود را انجام میداده اند، ولی آثار و برکات آن،در دوره های بعد(پس از کاهش فشار اموی)ظاهر گردیده و بصورت حوزهٔ علمی امام باقر و امام صادق علیهما السّلام تجلی یافته است.

غلامان زرخرید،در محضر امام سجاد علیه السّلام

و همین جهت است که میتواند بعنوان یکی از اهداف مقدس امام علیه السلامدر

۱- ۱) الامام زین العابدین،مقرم صفحه ۶۰

جریـان مسـتمر آزاد نمودن غلامان و کنیزان،موردتوجه قرار گیرد زیرا،در آن دوران که بازار خریـدوفروش غلام و کنیز رواج بود و مرتبا"اسـرائی که از جنگ با کفار،گرفتار می شدند به مدینه آورده میشدند و در اختیار مسـلمین قرار میگرفتند امام زین العابدین علیه السلامعده ای از این غلامان و کنیزان را می خریدند و مدت زمانی کوتاه،که بالاترین حد آن به یکسال نمیرسید (۱)بـا آنها خوشـرفتاری نموده و به بهانه های مختلف،آنها را آزاد می نمودنـد و حتی گاهی که یکی از آنها خطای بزرگی را مرتکب میشـد،بجـای مجـازات و مؤاخـذهٔ او،آیه ای از قرآن را موردتوجه قرار داده و برمبنـای آن آیه،آن غلاـم یـا کنیز را که مستحق مجازات بود،عفو نموده و سپس آزادش میکردند.

شبهای عید فطر،همهٔ غلامان و کنیزان را جمع می نمودند و دفتری که خطاهای آنان را در آن ضـبط نموده بودند،حاضر نموده و سپس یک یک اشتباهات آنان را گوشزد میکردند و از آنها اعتراف می گرفتند و پس از آن می فرمودند:

رو به قبله بایستید و دست به دعا بردارید و بگوئید خداوندا علی بن الحسـین را ببخش و درهای رحمت و کرمت را به روی او باز کن،آنگاه پس از پایان دعا و مناجات،آنها را آزاد می نمودند و هدیه و بخششـی به آنها می دادند که محتاج کسی نباشند و بتوانند،زندگی خود را ادامه دهند.

بدینوسـیله،این غلامان و کنیزان((که رقم آنها در طول حیاه امام ع آنقـدر زیاد شد تا آنجا که بعضـی،تعداد آنها را پنجاه هزار نفر (۲)نوشـته اند))که مدتی در خانهٔ امام ع بودند و اسلام را در عینیت وجود آنحضرت مشاهده مینمودند و سخنان امام را که از منبع وحی،مایه می گرفت و علوم اسـلامی را تشـکیل میـداد می شـنیدند،هریک شاگردی تربیت یافته در مکتب امام سـجاد علیه السلاممحسوب می گشتند.

این غلامان و کنیزان که مهمترین درسهای اسلامی را با بهترین روش در متن

۱- ۱) الامام زین العابدین مقرم صفحه ۳۴۱

۲- ۲) زندگانی زین العابدین علیه السلاماز عبد العزیز سید الاهل ترجمه وجدانی ص ۸۱ بنقل از اعیان الشیعه.

زنـدگی طبیعی امـام زین العابـدین علیه السّلام،فراگرفته و چه بسا اسـلام را بعنوان دین خود پـذیرفته بودنـد و آزادی خود را بعنوان بهترین هدیـهٔ ارزشـمند،از دست امـام گرفته بودنـد،به متن جامعه رفته و عامل مهم و گسترده و طبیعی،برای نشـر و تبلیغ اسـلام و مکتب اهل البیت علیهم السّلام بشـمار می آمدند و وسیله ای برای ترویج منویات حوزهٔ علمی مخفی و یا نیمه مخفی امام ع بودند.

و در پایان بحث جالب است بدانیم،که در بعضی از دوره های سخت زندگانی امام سجاد ع که بیان احکام از ناحیهٔ آنحضرت بطور مستقیم خطر جانی داشت،حضرت زینب سلام اللّه علیها،احکام دینی را از امام علی بن الحسین علیه السّلام فراگرفته و به شیعیان میرسانیدند و بدینوسیله جان امام را از خطر دشمنان و کید آنان حفظ می نمودند (۱)

آری،امـام مسئولیت سـنگین و الهی خود را در سـخت ترین شـرائط از نظر دور نمی داشـتند و هنگـام خطر جانی نیز،با کمک عقیلهٔ بنی هاشم،زینب کبری، علیهاالسّلام،وظیفهٔ تبلیغ احکام را انجام میدادند.

۱- ۲) الامام زین العابدین مقرم ص ۴۲ بنقل از کمال الدین صدوق و غیبت شیخ طوسی

حوزهٔ علمیّهٔ امام محمّد باقر «علیه السّلام»

ص :۱۴۹

حوزهٔ علميهٔ امام باقر عليه السّلام

اشاره

پس از وفات چهارمين پيشواى شيعه،امام زين العابدين عليه السّلام، باتوجه به تلاشهاى گستردهٔ آنحضرت براى آماده نمودن محيط نسبت به توجه به علوم اهل بيت عليهما السلام از يكسو و رسوائى هاى فراوان دودمان اموى و مروانى (كه دشمنان اهل البيت ع بودند)از سوى ديگر،زمينه براى نشر علوم اسلامى و باز كردن حقائق علمى و تعليم و تدريس دانشهاى گوناگون،مساعد گرديد و امام باقر عليه السّلام،با تكيه بر علم و دانش الهى خود،به ترويج از دانش و انديشه پرداختند و تا حدود زيادى پرده از مجهولات و مبهمات برداشتند.

و با عبارتى ديگر،به دنبال حاكميت سياست جائرانه و استبدادى بنى اميه و نقشه هاى شوم و اسلام برانداز امويان،آگاهى هاى دينى در جامعه به حداقل رسيده بود و به جز عدهٔ كمى از مسلمين مدينه،بقيهٔ مردم در يک بيخبرى مهلكى نسبت به احكام و اصول دينى به سر مى بردند،تا آنجا كه،در بلاد شام كسانى بودند كه شمارهٔ نمازهاى واجب را نميدانستند (۱)، ولى پس از آنكه حاكميت امويان رو به ضعف گرائيد و با كوششهاى مستمر امام سجاد ع توجه به اهل البيت ع در سطح جامعه حاصل گرديد،امام باقر ع كه وارث علوم پيامبر صلّى الله عليه و آله و سلّم و امير المؤمنين و ساير پدران خود بودند،قدم در صحنه گذارده و با علمى بى پايان و تلاشى بى قرين در رفع و دفع آنهمه تاريكى و جهالت،به توفيقى بزرگ دست يافتند.

آرى،امام پنجم كه با الهام از گفتار پيامبر عظيم الشأن اسلام،صلّى اللّه عليه و آله(باقر العلوم)خوانده ميشدند،در نشر علوم اسلامى آنچنان كوششى نمودند كه فرزندان صحابه و تابعين و رؤساء مذاهب اسلامى و فقهاء عاليقدر،

۱- ۱) حياه الامام محمد الباقر عليه السلامج ۱ صفحهٔ ۲۱۶ بنقل از ابو داود ۱۴۲/۱ و نسائى ۴۱/۱

رو بسوی آن امام،آورده و از دریای علم آنحضرت سیراب گردیدند (۱)و محضر آن امام بزرگوار،بصورت حوزه ای عظیم درآمد که عالیترین درسها،با بهترین دلائل و براهین را بر مغز و اندیشهٔ حق جویان عرضه میداشت و به سرعت،جای آنهمه تاریکی و ظلمت را،علم و دانش،بینش و بصیرت فراگرفت،و شاگردان حضرت،دست به کار جمع آوری احادیث و تدوین و تنظیم مباحث گوناگونی از فقه،کلام،تفسیر،تاریخ،اخلاق و...گردیدند و آنقدر حدیث از امام باقر شنیده شد،که تنها در مورد یکی از اصحاب آنحضرت یعنی جابر بن یزید جعفی گفته شده که هفتاد هزار حدیث از امام باقر ع شنیده است (۲)(۳)

امام باقر علیه السّلام و ایجاد حرکت بسوی علم

در جامعهٔ طاغوت زدهٔ آن زمان که حاکمیت عیاشان اموی و مروانی،نشاط علمی و جوش وخروش فکری را از مردم گرفته بود،یک اقدام مستمر و پی گیر لازم، داشت تا مجددا"علاقه و اشتیاق برای تحصیل علم در جامعه حاصل شود و در این زمینه کوششهای امام سجاد ع تا حدودی به نتیجه رسیده بود.

و در ادامهٔ آن،اقدامات و تشویق های باقر العلوم علیه السّلام نقش به سزائی در ایجاد تحرک علمی در جامعه داشت و گفته های آنحضرت در مورد فضیله علم و عالم و ارزش مجالس علم و نیز لزوم تفقه در دین و آداب تعلم و....

همانند موتور قوی و نیرومندی،در تحریک افراد بسوی کسب علم،اثر می بخشید و مقدمات تشکیل حوزهٔ علمیهٔ قوی و وسیع و ریشه داری را فراهم می ساخت.

۱- ۱) حیاه الامام محمد الباقر ع ج ۱ صفحه ۲۱۷

۲- ۲) معجم رجال الحدیث ج ۴ صفحه ۲۲ و حیاه الامام محمد الباقر ع ج ۱ صفحه ۱۴۰

۳- ۳) و با این حال،امام باقر علیه السلامبا حسرت و اندوه میفرمودند:اگر برای علم و دانش خودم حاملینی را می یافتم،همانا توحید و اسلام و دین و شرایع را از جایگاهی بلند،نشر میدادم،ولی چگونه بیابم و حال آنکه جدم امیر المؤ- منین ع چنین حاملینی را نیافت(سفینه البحار ج ۱ ص ۳۰۹)

اقدام پیگیرانۀ امام باقر ع برای ایجاد نشاط علمی و تحرک فکری،نقش بسزائی داشت در نشر علوم اهل البیت ع در زمان خود امام ع و سرمایه روحی مهمی بود برای کوششهای گستردۀ امام صادق ع در تداوم حرکت علمی پدر بزرگوارشان و بعبارت دیگر،تلاشهای امام باقر علیه السّلام در تشویق جامعه بسوی علم و دانش و ایجاد موج روحی در استعدادهای نهفته برای کسب علوم اسلامی،آنچنان تأثیری بجای گذارد که نه تنها در شهر مدینه علاقمندانی برای تفقه در دین یافت شدند بلکه کسان زیادی از راه های دور بمنظور آگاه شدن در مسائل دینی با تحمل سختی های سفر،بسوی مدینه رهسپار میشدند و در محضر امام باقر و سپس امام صادق علیهما السّلام بکسب معارف و شنیدن احادیث و جمع آوری و تصنیف کتابها مشغول می شدند و بدینوسیله گامهای بلندی در نشر و ترویج علوم اهل البیت علیهم السّلام برداشته شد.

و اینک نمونه هائی از سخنان آنحضرت را که در زمینۀ توجه دادن جامعه به ارزش علم ایراد شده است،نقل می نمائیم.

۱-جایگاه و منزلت شیعیان را از مقدار روایت و معرفتشان بشناسید(و هراندازه شناخت آنها بیشتر است،از منزلت و رتبه بالاتری برخوردارند).

۲-بوسیلۀ فهمیدن روایات،مؤمن برتری می یابد و به بالاترین درجات ایمان نائل می گردد.

۳-من در کتاب علی علیه السّلام یافتم که،ارزش هرمردی به معرفت و شناخت او است و خداوند متعال(در قیامت)محاسبه میکند مردم را بر مبنای اندازۀ عقل هایشان.

۴-هیچ عملی بدون معرفت قبول نمیشود.

۵-دانش،گنجینه ها است و کلید آنها سئوال و پرسش می باشد.

۶-زکوه دانش،تعلیم آن به بندگان خدا است.

۷-عالمی که از علم او بهره برده شود،از هفتاد هزار عابد بهتر است.

۸-علم بیاموزید زیرا،یاد گرفتن آن،سپر و طلب آن،عباده،و مذاکرۀ آن

تسبیح و بحث از آن،جهاد و تعلیم آن،صدقه و بذل آن به اهلش،وسیلهٔ تقرب می باشد.....

۹-عاقل،از اینکه در تمام عمرش در طلب علم باشد ملول و خسته نمیشود.

۱۰-سه دسته در پیشگاه خداوند شفاعت می کنند و شفاعتشان پذیرفته میشود (اول)انبیاء و سپس علماء و پس از آن شهداء.

۱۱-در زندگی،خیری نیست جز برای دو کس،اول عالمی که اطاعت شود و دوم شنونده ای که نگهدارنده و حافظ سخنی(که میشنود)باشد.

۱۲-هیچ بنده ای در صبح و شام برای طلب علم به راه نمی افتد جز آنکه در رحمت(خدا)فرومیرود.

آنچه گذشت،تنها نمونه ای از سخنان حرکت آفرین امام باقر علیه السّلام بود که در ایجاد موج روحی برای حرکت بسوی کسب علم و دانش تأثیر اساسی دارد و در هردوره ای می تواند بعنوان دستورالعمل(برای انسانهای تشنهٔ وصول به کمال)باشد.

حوزهٔ درسی امام باقر علیه السّلام و علوم گوناگون

اشاره

در محضر امام باقرع که مجمع علماء بزرگ و فقهاء و مفسرین عالیمقام بود،نه تنها به علم فقه و تفسیر توجه می شد بلکه در مسائل اخلاقی و تربیتی و نیز در بررسی تاریخ و تحلیل آن،کلام و عقائد و...بحث می شد و در بخشهای مختلف از مباحث اساسی و حیاتی که موردنیاز جامعه بود،امام باقرع تعلیم و تدریس داشتند و مغزهای تشنه را با آب زلال علم و دانش خود سیراب می نمودند.

و ما باتوجه به محدودیت کتاب حاضر،تنها به مباحث مهمی که در حوزهٔ علمی امام باقرع مطرح گردیده اشاره نموده و تفصیل بیشتر را به فرصتی مناسبتر موکول می نمائیم.

ص:۱۵۳

در زمان حکومت امویان،برخوردهای سیاسی-نظامی فراوانی بین مسلمین و کفار بوجود می آمد که موجب کینه و دشمنی و حسد آنان بر علیه مسلمین میگردید و لذا آنها با وسائل و امکانات گوناگون،بر علیه مسلمین اقدام می نمودند و حملات سخت و پی گیری را در زمینه های گوناگون،تهیه میدیدند که از آن جمله است،ایجاد شبهه در مسائل اعتقادی و اصولی اسلامی و بدینوسیله ضربه های سختی بر افکار و اعتقادات طرفداران اسلام وارد می ساختند و چونکه بنی امیه و وابستگان سیاست آنها،نه تنها مدافع اسلام نبودند،بلکه در تضعیف اسلام سهمی اساسی داشتند،لذا سنگر عقائد و اصول اندیشهٔ اسلامی مدافع زیاد و یا قابل توجهی نداشت،تا آنکه امام پنجم باقر العلوم ع از زمینه های مساعد و شرائط مناسب بهره گیری نموده و پا به عرصهٔ حمایت و حفاظت از سنگر اعتقادات اسلامی نهادند و در مباحث مهمی همانند توحید،ناتوانی عقل از ادراک حقیقت و کنه ذات باری تعالی،ازلی بودن خداوند متعال،صفات الهی،علم الهی،نیاز به وجود امام،وجوب معرفت امام،لزوم اطاعت از اوامر امام،حقوق امام بر مردم،مقام ولایت برای ائمهٔ معصومین،عظمت و مقام والای امامان علیهم السّلام،شماره و تعداد امامان،علم امام و....

مطالب روشن و حق را مطابق مکتب اسلام که از طریق اهل البیت ع از رسول گرامی اسلام صلّی اللّه علیه و آله رسیده است،بیان می نمودند و شبهات و ایرادهای مخالفین را با براهینی قاطع و دلائلی روشن برطرف مینمودند و سنگر و پایگاه عقائد اسلامی را در برابر تهاجم دشمنان،استحکام بخشیده و عالمانی متعهد و محققانی متفکر تربیت نمودند که هرکدام از آنها،با مباحثات و مناظرات ،تحقیقات و تصنیفات خود،مدافعی بزرگ برای پایگاه اعتقادی اسلامی-شیعی بشمار میآیند.

ص :۱۵۴

تفسیر و علوم قرآن

از مهمترین علوم اسلامی که از اولین دوره های اسلامی موردتوجه بود و اندیشه های بزرگی را مجذوب و مصروف خود نموده است،تفسیر قرآن و علوم گوناگونی است که بنام علوم قرآن نامیده میشود و در این زمینه،مکتب تشیع بزرگترین سهم را دارد،زیرا امام بزرگ و معصوم،امیر المؤمنین علی علیه السّلام و شاگردان آنحضرت همانند ابن عباس و ابو الاسود دئلی و زرّ بن حبیش و..

اولین گامهای ارزشمند و موفق را دربارۀ تفسیر و علوم قرآن برداشتند و پس از آنها دیگر امامان معصوم و یاران آنها،در این راه حرکت کرده و آثاری گرانبها از خود بجای گذاشتند و در آشنا ساختن جامعه با قرآن و علوم آن،تفسیر و فنون آن، نقشی حیاتی ایفا کردند که نمونۀ آن تلاشهای امام باقر ع در این صحنه است.

امام باقر ع در فضیلت قرآن،تشویق به خواندن قرآن با صدای زیبا و نفوذکنندۀ در قلب (۱)،مذمت تحریف کنندگان قرآن،بحث مجازات قرآن، نزول قرآن بر یک حرف،تفسیر به رأی و....مطالب و مباحث سودمندی را عرضه نمودند و آیات زیادی از قرآن مجید را،مورد تشریح و تفسیر قرار دادند که مفسرین بزرگ در کتب خود،نقل نموده اند.

فقه

در دوران حکومت خودکامه و استبدادی بنی امیه،یک حالت بی خبری عمومی و همگانی نسبت به احکام دینی و مسائل فقهی،پیدا شده بود و تنها عدۀ کمی از مسلمین،با مسائل و احکام دینی آشنائی داشتند (۲)و مبارزه با این آفت عمومی کار ساده ای بنظر نمیرسید ولی امام باقر ع،و پس از آنحضرت فرزند برومندشان امام صادق ع وارد صحنۀ جهاد و تلاش گردیدند و با یک حرکت سریع و وسیع،موجی بزرگ برای آشنائی با فقه و احکام،ایجاد

۱- ۱) امام باقر ع شخصا"بهترین صوت را داشتند(اصول کافی ج ۲ باب ترتیل القرآن بالصوت الحسن حدیث ۱۱)

۲- ۲) حیاه الامام محمد الباقر ع ج ۱ صفحه ۲۱۶ بنقل از(نظره عامّه فی تاریخ الفقه الاسلامی.

نمودند تا جائیکه علماء بزرگی همانند ابان بن تغلب،محمد بن مسلم،زراره بن اعین و....تربیت یافتند و با استماع و ضبط احادیث،و تصنیف کتابهای ارزشمند فقهی،خلاء بزرگی که در جامعه پیدا شده بود پر کردند و نه تنها آگاهی فقهی در زمان این دو امام بزرگوار حاصل شد،که پس از آن دوره نیز،علم فقه از رایج ترین علوم اسلامی بشمار آمد و تا به امروز مهمترین کتابهای حوزه های علمیه،همانهائیست که در رشتۀ فقه و قواعد و اصول آن،تألیف گردیده و مورد تدریس و تعلیم می باشد و آثار گرانبهائی همانند:غنیه،مبسوط،خلاف، شرایع الاسلام،قواعد،لمعه و شرح لمعه،جواهر الکلام،مکاسب و.....

به عالم علم عرضه گردیده که سرمایۀ اولیۀ آن،عمده احادیث فراوانی است که از امام باقر و امام صادق علیهما السّلام بوسیلۀ شاگردان و یاران آنها و نیز فقهاء و دانشمندان گرانقدر شیعه،برای طالبان آشنائی با فقه شیعه نقل گردیده است.

اخلاق و تربیت

نیاز شدید همۀ انسانها به اخلاق و تربیت از یکسو،و وضعیت روحی و اخلاقی جامعۀ طاغوت زدۀ آن دوره های تاریک از سوی دیگر،و نیاز مبرم شیعیان به فراگرفتن روش های صحیح معاشرت و ارتباط اجتماعی،بمنظور کسب موفقیت های تبلیغی در هنگام ترویج مکتب اهل البیت علیهما السلام از سوی سوم، انگیزۀ مهمی برای امام باقر علیه السّلام به حساب می آمد که در زمینۀ مباحث اخلاقی و تربیتی،گامی مؤثر بردارند و در آشنا ساختن مردم عموما"و شیعیان خصوصا"و علماء و مبلغین شیعه بالاخص،نسبت به وظائف اخلاقی و دستورهای تربیتی،رسالت الهی خود را ایفا نمایند و لذا مطالب بسیار جالبی را در مورد آداب سلوک اجتماعی مثل خوشروئی،خوشرفتاری،رعایت حقوق مسلمین،انجام حاجت مسلمان،صلۀ رحم،صدقه،مهربانی با یتیم و همچنین بحث های ارزشمندی را در معرفی صفات زشت و زیبا همانند

رحمت،صدق لسان،سکوت،کبر،نفاق،قساوت قلب،حسد،عجب و....عرضه داشتند.

و نیز درسهای سازنده ای را دربارهٔ اهمیت علم و علماء،همنشینی با علماء و پرهیزکاران،مذاکرهٔ علم،آداب متعلم،ارزش تعلیم و تعلّم،تفقه در دین،و همچنین عمل به علم،مذمت مباهات و فخرفروشی به علم،حرمت فتوای بدون علم،صفات لازم برای عالم و.....به یاران خود تعلیم دادند.

و در یک کلام،بمنظور تکامل بخشیدن به حرکت علمی و اجتماعی شیعیان تعلیمات ارزشمند و سازنده ای به آنها دادند و با سفارش اکید،رعایت آن دستورات را خواستار شدند که هرگاه جامعهٔ شیعه به آن تعلیمات توجه کامل داشته باشد و آنها را نصب العین و دستور زندگی خود قرار دهد به عالیترین مراتب کمال فردی و اجتماعی نائل خواهد گردید.

تاریخ و تحلیل آن

مسئلهٔ غصب خلافت و بدنبال آن،حکومت جائرانه و ضد انسانی بنی امیه و تبلیغات وسیع و گستردهٔ آنان،بسیاری از حقائق تاریخی را تحریف نموده و مردم را از سرگذشت حقیقی تاریخ اسلام و امامت دور نگهداشته بود و لذا برای امامی همانند باقر العلوم ع لازم بود که از فرصت های موجود بهره گیری نموده و حقائق تاریخی را بازگو کرده و تحلیلی مناسب در مورد رؤوس مطالب تاریخی بنمایند و بهره های وافی از درسهای تاریخ،در اختیار شاگردان مکتب خودشان قرار دهند و لذا در مباحث مهم تاریخی اسلام همانند سیرهٔ رسول گرامی ص و جریان حکومت علی ع و قضایای جنگ صفین و حادثهٔ جانسوز کربلا و جنایات بنی امیه بر اسلام و مکتب اهل البیت و خاندان عصمت و طهارت،گفتنیهای فراوانی را بیان نمودند و پرده از روی بسیاری از اسرار پنهان و یا جریانات تحریف شدهٔ تاریخ اسلام و تشیع برداشتند و شیعیان را به سلاح آگاهی سیاسی و تاریخی،مسلح نمودند و پایگاه اندیشهٔ سیاسی،اجتماعی آنها را مستحکم نمودند.

ص: ۱۵۷

احادیث پیامبر(ص)از زبان امام باقر علیه السّلام

بـا اینکه طبق عقائـد شـیعهٔ امـامیه،قول و فعـل و تقریر ائمـهٔ معصومین از اعتباری کامل،در حـد اعتبار قول و فعل و تقریر رسول گرامی اسـلام صـلّی الله علیه و آله و سـلّم برخوردار است و آنچه را بگویند حجتی است معتبر در پیشگاه خداوند متعال،ولی با این حال،امام باقر علیه السّـلام سخنان خود را در بسیاری از موارد مستند به قول رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم مینمودند و با عبارت قال رسول اللّه....و عن جدی رسول اللّه ....درسـهای خود را القاء می نمودند و بدینوسیله احادیث صحیح و کاملا" واقعی و یقین آور که از رسول خدا رسیده بود،در اختیار طالبین آشنائی با احادیث و سنن رسول خدا ص قرار می گرفت،و در حقیقت حوزهٔ علمی امـام بـاقر علیه السّـلام عامـل نشـر احـادیث پیـامبر صـلّی اللّه علیه و آله گردیـده بود و این یکی از مزایای چشمگیر و فوق العادهٔ این حوزهٔ بزرگ بشمار می آمد و لذا دانشمندان عامه را نیز محتاج و نیازمند خود ساخته بود.

و در پایان بحث،توجه به یک حدیث شریف نموده و بررسی خود را تکمیل می نمائیم و آن حدیث چنین است:

امام باقر علیه السّـلام فرمودنـد،هرگاه حـدیثی را نقل نمودم و سـند آنرا بیان نکردم،سـند گفتارم پـدرم زین العابدین،از پدرش حسین شهید،از پدرش علی بن ابی طالب از رسول خدا ص از جبرائیل،از جانب خداوند عز و جل می باشد (۱).

و این حدیث شـریف به صراحت می فهماند که تا چه اندازه،حوزهٔ علمی امام باقر ع متکی بر پدران بزرگوارشان،امیر المؤمنین و امام حسین و امام سجاد علیهم السّلام می باشد.

۱- ۱) اعلام الوری صفحه ۲۶۴(در بخش مناقب امام باقر ع)

شاگردان و اصحاب امام باقر علیه السّلام

معرفی و شرح حال تمامی شاگردان و بهره جویندگان از حوزهٔ درسی امام باقر علیه السلاماز عهدهٔ این کتاب بیرون است زیرا،از یکسو رقم آنها زیاد است تا آنجا که صاحب کتاب تهذیب المقال در تحقیق و تتبعی که به عمل آورده اند و در کتاب الطبقات الکبری و اخبار الرواه(دو کتاب مخطوط)ضبط کرده اند،در حدود یکهزار نفر از شاگردان و اصحاب حضرت را نام و آثارشان را بدست آورده اند،و از سوی دیگر عده ای از آنها از فقهای بزرگ و یا مفسرین طراز اول و یا از متکلمین و یا مورخین ممتاز عالم اسلام هستند و چه بسا از بهترین و ممتازترین چهره های تصنیف و نگارش،در تاریخ حوزه های علمیهٔ شیعه بشمار میروند و گروهی از آنان از استوانه های عظیم علمی و تقوائی،در حوزهٔ علمی امام جعفر بن محمد الصادق ع می باشند،علاوه بر آنکه عده ای از آنها از چهره های مشهور عالم تسنن و از، فقهاء و مفسرین نامی عامه می باشند و بااینحال شناساندن آنها،از عهدهٔ چنین بررسی مختصری خارج می باشد،ولی بمنظور نشان دادن گستردگی و عظمت حوزهٔ علمی آنحضرت،نام گروهی از شاگردان ممتاز و مشهور آنحضرت را ذکر می نمائیم.

۱-ابان بن تغلب،که از بزرگترین شاگردان حوزهٔ علمی امام باقر و صادق علیهما السّلام بوده و از فقهاء بزرگ و محدثین عالیقدر جهان تشیع میباشد.

۲-ابراهیم بن شیبه ۳-ابراهیم بن عمر صنعانی ۴-ابراهیم بن محمد بن ابی یحیی مدنی ۵-ابراهیم بن نعیم(ابو الصباح کنانی).

۶-اسحق بن یزید طائی ۷-اسماعیل بن فضل هاشمی ۸-اسماعیل بن جابر خثعمی ۹-اسماعیل بن جابر جعفی ۱۰-اسماعیل بن عبد الرحمن جعفی ۱۱-اسماعیل بن عبد الرحمن(سدی)کوفی،مفسر مشهور و بزرگ عامه ۱۲-اسماعیل بن عبد اللّه بن جعفر بن ابی طالب ع ۱۳-اسلم مکی ۱۴-اعین بن سنسن شیبانی،سرسلسلهٔ آل زراره ۱۵-برد اسکاف، ۱۶-برید بن معاویه عجلی ۱۷-برید کناسی ۱۸-بکیر بن اعین

۱۹-ثابت بن ابی ثابت،عبد اللّه بجلی کوفی ۲۰-ثابت بن دینار(ابو حمزهٔ ثمالی)،که از بزرگترین شخصیت های شیعه در میان اصحاب ائمه است.

۲۱-ثابت بن هرمز(ابو المقدام عجلی)۲۲-ثعلبه بن میمون،۲۳-ثویر بن ابی فاخته ۲۴-جابر بن عبد اللّه انصاری ۲۵-جابر بن یزید جعفی ،که به نقلی،هفتاد هزار حدیث از امام باقر علیه السّلام شنیده است (۱)

۲۶-حسن بن حسن(حسن مثنی)۲۷-حسن بن زیاد صیقل

۲۸-حسن بن صالح بن حیّ،که صاحب مذهب فقهی بوده است

۲۹-حسن بن صالح ثوری همدانی ۳۰-حسین بن بنت ابی حمزهٔ ثمالی

۳۱-حسین بن...عبد المطلب ۳۲-حسین بن علی بن الحسین ع

۳۳-حفص بن غیاث ۳۴-حکم بن عتیبه،که از فقهای بزرگ عامه است

۳۵-حماد بن عثمان ۳۶-حمران بن اعین ۳۷-حنان بن سدیر

۳۸-ربیعه بن ابی عبد الرحمن(معروف به ربیعه الرای)که از علماء بزرگ عامه است.۳۹-زراره بن اعین ۴۰-زید بن علی بن الحسین ع

۴۱-زید بن محمد،معروف به شحّام کوفی ۴۲-زیاد بن عیسی(ابو عبیدهٔ حذّأ ۴۳-زیاد بن منذر(ابو الجارود)۴۴-سالم بن ابی حفصه عجلی ۴۵-سدیر بن حکیم صیرفی ۴۶-سعد بن طریف

۴۷-سنان،پدر عبد اللّه بن سنان ۴۸-سوره بن کلیب بن معاویهٔ اسدی

۴۹-سیف بن عمیره ۵۰-شهاب بن عبد ربه کوفی ۵۱-صالح بن میثم کوفی ۵۲-ضریس بن عبد الملک بن اعین ۵۳-ظریف بن ناصح اکفانی ۵۴-عبد الاعلی بن اعین،برادر زراره ۵۵-عبد الحمید بن عواض طائی ۵۶-عبد الرحمن بن اعین،برادر زراره

۵۷-عبد الرحمن بن ابی لیلی،که از قضاه عامه بوده است.

۵۸-عبد الرحیم قصیر ۵۹-عبد اللّه بن الحسن،که شیخ الطالبیین بوده است.۶۰-عبد اللّه بن شریک عامری،که از علماء بزرگ

۱- ۱) معجم الرجال الحدیث ج ۴ ص ۲۲

بوده است ۶۱-عبد اللّه بن عطاء مکی ۶۲-عبد اللّه بن غالب اسدی،شاعر ۶۳-عبد اللّه بن قیس بن ماصر ۶۴-عبد اللّه بن میمون، قداح مکی ۶۵-عبید بن زراره ۶۶-عبد المؤمن،برادر ابی مریم انصاری ۶۷-عبد الملك بن عتبهٔ هاشمی ۶۸-عقبه بن بشیر اسدی ۶۹-عکرمه، عالم مهم و مشهور عامه که در علوم مختلف کوشش علمی مینمود ۷۰-علی بن رئاب ۷۱-عمر بن حنظلهٔ عجلی ۷۲-عمرو بن دینار مکی ۷۳-عنبسه بن بجّاد ۷۴-غالب،ابو الهذیل شاعر ۷۵-غیاث بن ابراهیم

۷۶-فرات بن احنف ۷۷-فضیل بن یسار ۷۸-قتاده بن دعامه،فقیه و مفسر مشهور اهل سنت که از بزرگان عامه محسوب میگردد.

۷۹-قیس بن رمانه اشعری ۸۰-کلیب بن معاویهٔ اسدی ۸۱-کمیت بن زید اسدی،شاعر مشهور و عظیم الشأن شیعه ۸۲-لوط بن یحیی (ابو مخنف)مورخ بزرگ شیعه که از مفاخر تاریخ نویسی می باشد.

۸۳-لیث بن بختری(ابو بصیر)۸۴ مالك بن اعین جهنی ۸۵-محمد بن اسحاق مدنی(معروف به ابن اسحق)،صاحب سیره های متعدد ۸۶-محمد بن حسن بن ابی ساره(معروف به رواسی)۸۷-محمد بن سائب کلبی،نسّابه معروف ۸۸-محمد بن علی حلبی کوفی،فقیه بزرگ خاندان حلبیین ۸۹-محمد بن قیس بجلی ۹۰-محمد بن مروان کوفی ۹۱-محمد بن مسلم ثقفی،۹۲-محمد بن نعمان(مؤمن الطاق)

۹۳-محمد بن منکدر ۹۴-مسعده بن صدقه ۹۵-معاذ بن مسلم الفراء (الهراء)النحوی ۹۶-مسمع کردین،ابو سیار کوفی ۹۷-معاویه بن عمار ۹۸-معروف بن خربوذ مکی ۹۹-منصور بن حازم ۱۰۰-منهال بن عمرو اسدی ۱۰۱-میمون قداح ۱۰۲ ناجیه بن ابی عمارهٔ صیداوی، ۱۰۳-نافع،مولی عبد اللّه بن عمر ۱۰۴-نجیه بن حارث عطار

۱۰۵-نصر بن مزاحم کوفی،صاحب مهمترین کتاب تاریخ باقیماندهٔ از آن دوران ۱۰۶-واصل بن عطاء معتزلی،از بزرگترین علماء علم کلام در میان

ص :۱۶۱

عامه ۱۰۷-ورد بن زید اسدی،برادر کمیت شاعر ۱۰۸-وهب بن عبد ربه ۱۰۹-هرون بن حمزهٔ غنوی ۱۱۰-هشام بن الحکم ۱۱۱-یزید بن- عبد الملک جعفی ۱۱۲-یزید بن عبد الملک نوفلی ۱۱۳-یعقوب بن شعیب بن میثم تمار ۱۱۴-ابو البلاد ۱۱۵-ابو خالد کابلی ۱۱۶-ابو العلاء خفاف ۱۱۷-ابو هرون مکفوف ۱۱۸-ام هانی ثقفیه ۱۱۹-خدیجه، بنت عمر بن علی بن الحسین علیه السلام ۱۲۰-حمیده،زوجه امام صادق علیه السلام (۱).

و این بود نام یکصد و بیست نفر از کسانی که بهرهٔ علمی از امام باقر برده اند، و چه بسا از استوانه های علمی در طول تاریخ اسلام (۲)و تشیع بوده اند و گروهی از آنان سرمایهٔ علمی در حوزه علمی امام صادق ع بوده اند همانند ابان بن تغلب،ابو الصباح کنانی،برید بن معاویه عجلی،حفص بن غیاث،حماد بن عثمان،حمران بن اعین،زراره بن اعین،شحام کوفی ابو عبیدهٔ حذأ،عمر بن حنظله عجلی،فضیل بن یسار،محمد بن قیس بجلی،محمد بن مسلم ثقفی مؤمن الطاق،معاویه بن عمار،هشام بن الحکم و....که همه از مفاخر شیعه و از چهره های درخشان می باشند و بمنظور پیشگیری از طولانی شدن کتاب،این بخش را به پایان می بریم.

۱- ۱) در معرفی نام عده ای از یاران و راویان و شاگردان امام محمد باقر و نیز شاگردان و اصحاب دیگر امامان معصوم علیهم السّلام،از کتاب الطبقات الکبری و بیانات مؤلف گرانقدر آن،آیت اللّه سید محمد علی موحد ابطحی دام تأئیده،بهرهٔ اصولی و فراوان جسته ایم.

۲- ۲) در میان نامهای یاد شده با اسمهای مشهوری همانند قتاده،سدی، واصل بن عطاء،عکرمه و....برخورد نمودیم که از شخصیت های بزرگ عالم تسنن محسوب می شوند و از دریای علم امام باقر علیه السّلام کسب فیض نموده اند.

ستایش ها

اشاره

ستایش های فراوانی در مورد علم و دانش امام باقر علیه السّلام از بزرگان و شخصیت های جهان اسلام و دانشمندان عامه و خاصه نقل گردیده است که بعنوان نمونه،پنج مورد آنرا نقل می نمائیم.

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله

او(امام محمد باقر ع)همنام من و شبیه ترین مردم به من می باشد،علم او علم من و حکم او حکم من است.

عبد اللّه بن عطاء مکی

ندیدم دانشمندان را در نزد کسی کوچکتر از آنچه میدیدم آنها را در برابر ابی جعفر باقر ع و هرآینه دیدم،حکم بن عتیبه را که با آن جلالت علمی،در پیشگاه آنحضرت همانند طفلی بود در برابر معلم خود.

ابن حجر عسقلانی

او(امام باقر ع)شکافندهٔ علم و جامع آن و ظاهرکنندهٔ دانش و بلند کنندهٔ مرتبهٔ آن بود،قلبش باصفا و علم و عملش پاکیزه و نفسش با طهارت، و خلقش با شرافت بود....

محمد بن مسلم ثقفی

هیچ گاه مشکلی در ذهنم پیش نمی آمد جز آنکه از امام ابی جعفر باقر علیه السّلام پرسش می نمودم تا آنکه از آنحضرت سی هزار حدیث و از امام صادق شانزده هزار حدیث سئوال کردم.

قتاده،فقیه مشهور عامه

(خطاب به امام باقر ع)به خدا قسم در برابر فقهاء و ابن عباس نشستم و در برابر هیچکدام از آنها دلم به اضطراب دچار نگردید.آنچنانکه در برابر تو مضطرب گشت (۱).

۱- ۱) مقام علمی امام علیه السّلام دل او را به اضطراب انداخته بوده است.

حوزه علمیّه امام جعفر بن محمّد الصّادق علیه السّلام

اشاره

ص: ۱۶۴

پیش گفتار

برای بررسی حوزه های علمیهٔ شیعه در طول تاریخ،توجه به یک سری از شخصیت ها و حوزه ها امری ضروری می باشد.زیرا نقش آنها در پایه گذاری، گسترش و جهت دادن و پربار نمودن حوزه های علمیه،نقشی اساسی و حیاتی است.و همین جهت است که ما را برمی انگیزد که در بحث های خود،راجع به پیشوای ششم امام جعفر بن محمد الصّادق ع و حوزهٔ علمیهٔ آن حضرت به تفصیل بیشتری بپردازیم.

زیرا:بررسی تاریخ حوزه ها بما نشان میدهد که علوم حوزه ای،برنامه های کلی حوزه های شیعه،تداوم حرکت فکری و علمی تشیع،گسترش ابعاد مجامع علمی شیعه،مرهون آن امام معصوم و آگاه و آن مجمع بزرگ علم و فضیلت است.

و بعبارت دیگر،اگر نبود حوزهٔ علمی آنحضرت و آن همه تلاش و کوشش در تفسیر و توضیح قرآن و سنّه رسول گرامی اسلام ص و تشریح تاریخ پرعظمت اسلام و توضیح و تبیین مسائل اعتقادی و فقهی و اخلاقی اسلام برمبنای قرآن و مکتب مقدس اهل البیت علیهم السّلام،همانا امروز این همه حوزهٔ علمیه و اینهمه کتاب و اثار و اینهمه محقق و مجتهد و اینهمه درخشش و جوشش در تاریخ پرافتخار شیعه،نمی داشتیم و چه میدانیم،شاید با تحریف ها و دشمنی های دشمنان و نبودن پایه های قوی فکری و عقیدتی در میان پیروان،و روشن نبودن ابعاد گوناگون این مکتب الهی،کار بجائی میرسید که از حرکت تشیع بعنوان حرکت یکی از فرقه های منقرض شده،تنها در کتب ملل و نحل و تاریخ دین ها یاد میشد و بخاطر همین نقش اساسی امام صادق علیه السّلام است که مذهب و مکتب

ص :۱۶۵

تشیع به مذهب جعفری معروف گشته است وگرنه این مکتب،مذهب عموم اهل البیت علیهم السّلام است و ریشه اش در بیان شخص رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله و قرآن مجید،کتاب آسمانی ما است و بوسیلهٔ همهٔ امامهای معصوم تأیید شده است و هرکدام در زمان خود به شکلی،در حفظ و نگهداری و تبلیغ این مکتب مقدس کوشش نموده اند.

آری خطابه ها،مناظره ها و نوشته های امیر المؤمنین علیه السّلام،دعاها و مناجات های امام زین العابدین علیه السّلام،برهان ها و استدلالهای ثامن الحجج امام علی بن موسی الرضا ع و کوشش ها و نوشته ها و گفته های هرکدام، از پیشوایان بزرگ ما،هرکدام گام بزرگی برای حفظ و تبلیغ و ریشه دار کردن مکتب تشیع در طول تاریخ می باشد ولی عظمت خدمات امام ششم ع سبب اشتهار این مکتب بنام مقدس ان حضرت گردیده است.

و اینک ما برای آشنائی با حوزهٔ علمیهٔ آنحضرت،در ابتداء کلیاتی از وضعیت آن حوزهٔ مقدسه و سپس شرح حال مختصر و فشرده ای از چهره های درخشان آن حوزهٔ بزرگ و در پایان قضاوت هائی را از مخالفین و چهره های مشهور مکاتب دیگر دربارهٔ عظمت امام صادق علیه السّلام و حوزه و پایگاه علمی آنحضرت نقل مینمائیم

چگونگی و خصوصیات حوزهٔ علمیهٔ امام صادق علیه السّلام

در تاریخ حوزه های علمیه از زمان رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله تا بامروز حوزهٔ علمیهٔ امام صادق علیه السّلام از درخشش خاصی برخوردار است که موجب میگردد جلب توجه نماید و این درخشش بخاطر مجموعهٔ خصوصیاتی است که در این حوزه جمع گردیده بوده است و این مجموعه با این کیفیت در حوزهٔ دیگری یافت نمیشود گرچه حوزه های علمی شیعه هرکدام از امتیازات بزرگی برخوردار بوده اند.

و برای آشنائی با آن خصوصیات در ضمن چندین بخش،بررسی خود را دنبال می نمائیم.

نقش امام باقر علیه السّلام در پایه گذاری حوزهٔ امام صادق علیه السّلام

گرچه عظمت محضـر امام شـشم ع در حدی است که مکتب تشیع،بنام آنحضرت نامیده شده است ولی پایه گذار و زمینه ساز اینهمه موفقیت و گستردگی و شهرت، برای حوزهٔ امام صادق علیه السلامحوزهٔ عظیم و عمیق و پرباری است که بوسیله امام پنجم تأسیس گردیده بود و هدایت میشد حوزه ای که شخصیت های بزرگی همچون ابان بن تغلب،برید عجلی،جابر جعفی،محمد بن مسلم،ابو حمزهٔ ثمالی،زراره بن اعین،حمران بن اعین و....را تربیت کرد و برای استفاده بیشتر از محضـر امام صادق علیه السلامآماده نمود.

بـا مطالعهٔ زندگی اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السّلام و تعلیمات آن دو امام بزرگوار بخوبی می فهمیم که عظمت محضـر امام صادق علیه السلامبنیان گذاریش در زمان امام باقر ع انجام شده و عده ای از اصحاب امام ششم که سرمایه های حوزهٔ علمیه بودند و در حدیث،فقه،کلام و....بمقام بلندی رسیدند، شخصیت و تکامل علمیشان در زمان پیشوائی و امامت امام باقر ع و با تعلیمات و کوشش های آنحضرت پایه گذاری شده است.

و لذا است که هرچه ما در شناختن امام صادق ع و حوزهٔ مقدسهٔ ایشان تلاش کنیم به عمق و بزرگی درسها،موشکافیها و علم پیشوای پنجم باقر العلوم علیه السّلام آگاهی می یابیم و بمنظور پرهیز از طولانی شدن کتاب حاضر از بررسی مفصل حوزهٔ درسی آنحضرت خودداری نموده ایم و امیدواریم به چنین توفیقی در آینده دست یابیم.

رقم های بزرگ،در حوزهٔ علمیهٔ امام صادق علیه السّلام

باتوجه باینکه در زمانهای گذشته وسائل ارتباط جمعی،بسیار محدود بوده و جمع شدن انسانهای مختلف از راههای دور آنهم با عقائد و اندیشه های گوناگون کار بسیار مشکل و سنگینی بوده،ولی بااینحال در مورد حوزهٔ علمی امام

صادق علیه السلامبا رقم های بزرگی برمی خوریم که انسانرا به شگفتی دچار میکند و جاذبهٔ شدید حوزهٔ آنحضرت را بطور روشن واضح میسازد.

این رقم ها در زمینهٔ تعداد راویان و شاگردان آن حوزه،کتابهای فراوان تألیف شده،مؤلفین و نویسندگان،کتب و اصول مورد اعتماد،تعداد شهرهائی که داوطلب علم،از آنها بسوی امام روان شده،شمارهٔ قبائلی که افرادی از آنها شاگردی امام را نموده اند،تعداد فرقه ها و گروههای فکری که بمنظور کسب علم، افرادی از آنها در محضر امام حاضر شده اند و.....می باشد و توجه به این رقم های بزرگ(که در بخش های آینده توضیح خواهیم داد)که همه اش در مورد یک حوزهٔ علمیه است که تحت رهبری یک امام معصوم اداره میشده ما را، متوجه یک حقیقت بزرگ می نماید و آن اینکه اگر نبود مقام ولایت الهیه و علم لدنّی آنحضرت،چنین کار بزرگی تحقق نمی یافت و این معجزهٔ بزرگ بظهور نمیرسید.

شاگردان امام صادق علیه السّلام

اشاره

حافظ ابو العباس بن عقده کتابی نوشته و تعداد شاگردان و راویان از آن حضرت را به چهار هزار رسانده و بعضی از محققین معاصر (۱)رقم آنها را به حدود ۵۰۰۰ نفر رسانده اند و بعضی از بزرگان رقم ۴۰۰۰ را مربوط به موثقین از اصحاب شمرده اند و گفته اند که رقم مجموع آنها بیش از ۴۰۰۰ نفر است (۲)و باتوجه به اینکه بنا به نوشتهٔ مجلهٔ رساله الاسلام (۳)در یک جلسه درس ۲۰۰۰ نفر و گاهی ۴۰۰۰ نفر شرکت می جستند بخوبی می یابیم که مجموع کسانی که در تمام دورهٔ امامت آنحضرت کسب علم از محضرشان نموده اند اعم از زمانیکه در مدینه بوده اند یا در کوفه و باز اعم از آنهائیکه نام و مشخصاتشان ذکر شده یا نشده است،بیشتر از این رقم های ذکر شده می باشند.

۱- ۱) صاحب کتاب تهذیب المقال-

۲- ۲) الامام الصادق و المذاهب الاربعه ج ۱ ص ۶۷ و ص ۶۹-

۳- ۳) الامام الصادق و المذاهب الاربعه ج ۱ ص ۳۸ بنقل از مجله رساله الاسلام سال ششم شماره ۴.

یک شاهد تاریخی

در شرح حال علماء بزرگ همانند آخوند خراسانی صاحب کتاب ارجمند کفایه الاصول مثلا"می گویند هزار نفر پای درسشان،حاضر می شده اند و وقتی به لیست نام و نشان و مشخصات شاگردان آنها مراجعه می کنیم فقط عدهٔ معدودی اسم برده شده اند و از آنطرف میدانیم که رقم ۱۰۰۰ مثلا- مربوط به یک دوره و یک جلسه است و الاّ- در تمام دوران تدریس آخوند خراسانی قدس سره مثلا"هزاران نفر استفاده برده اند،چون مرتبا"شاگردانی کم یا زیاد می شده اند و رقم هزار مربوط به هریک جلسه،در یک دوره بوده است.

بنابراین اسامی شاگردان،کمتر از هزار و تعداد واقعی شاگردان،در مجموع دوران تدریس،خیلی بیشتر است و ما میتوانیم در مورد حوزهٔ علمیهٔ امام صادق ع نیز نتیجه بگیریم که وقتی ۴۰۰۰ نفر از راویان و شاگردان حضرت با نام و مشخصات ضبط شده اند بخوبی معلوم میشود که مجموع بهره جویندگان از حوزهٔ مقدسهٔ آنحضرت از این رقم بسیار بالا-تر و بیشترند و مخصوصا"اگر توجه کنیم باینکه،حوزهٔ درسی آنحضرت مدتی در مدینه و مدتی در کوفه بوده،همان دو شهر مهمی که در آنروزها،دلائل فراوانی برای گستردگی کار علمی و فعالیت برای شنیدن و ضبط حدیث و بررسی احکام دینی داشته است.

گوناگونی داوطلبان حوزهٔ علمیهٔ امام صادق(ع)

داوطلب هائی برای تحصیل،بسوی این حوزهٔ علمیه حرکت کرده اند،از شهرهائی مانند کوفه،بصره،بغداد،حیره،مدینه،مکه،دمشق،بلخ، حمص،مصر،خراسان،حضرموت،اصفهان و....

و از قبائل گوناگون،همانند بنی اسد،مخارق،طی،سلیم،غطفان،غفار، هذیل،تمیم،ازد،خزاعه،شیبان،خثعم،مخزوم،بنی ظبه،بنی حارث بن عبد المطلب،بنی الحسن و....

و از فرق و مذاهب مختلف که عده ای از آنها کاملا-"از مسیر مذهب اهل البیت علیهم السّلام دورند و گاهی خود رئیس مذهبی هستند ولی برای کسب علم به

محضر امام صادق ع مشرف شده اند همانند ابو حنیفه،مالک بن انس،یحیی ابن سعید الانصاری،ابن جریح،ثوری،ابن عیینه،شعبه،ایوب سجستانی و......

و همهٔ اینها نشان دهندهٔ گستردگی حوزه،وسعت نظر امام،جاذبهٔ عاطفی و عقلی این مجمع بزرگ است.

برای بهره وری از این حوزه،نه مرز جغرافیائی وجود داشته و نه محدودهٔ قبائلی و نه مرزبندی های زنجیرکنندهٔ علم،مشعلی فروزان و خورشیدی درخشان بوده که بر همه جا و همه کس نور می پاشیده است.

و حتی عده ای از مخالفین امام صادق،که در اعتقاد و عمل برخلاف او بوده اند همانند ابو حنیفه،افتخار میکردند که مدتی در محضر آنحضرت کسب دانش و علم نموده اند و این ابو حنیفه است که می گوید:لو لا السّنتان لهلک النّعمان (اگر نبود آن دو سال،همانا نعمان هلاک می شد (1))

علوم گوناگون،در حوزهٔ علمیهٔ امام صادق علیه السّلام

ارتباط جامعه اسلامی آنروز با بلاد کفر و جهان خارج،از یک طرف و گستردگی پهنهٔ کشور اسلامی از طرف دیگر و سیاست خاص حکومت عباسی از طرف سوم و عوامل دیگر اجتماعی و سیاسی،مسائلی را مطرح ساخته بود که یک حوزهٔ علمیهٔ زنده نمی تواند دربارهٔ آنها ساکت و بی جواب بماند،تردیدهای بکار افتاده از یک طرف و شبهه اندازیهای کفار و مخالفین از سوی دیگر و تبلیغات مسموم ستمگران از جانب سوم و تشنگی بی حد حقیقت جویان از جهت بعد،پیشوای بزرگی همانند امام صادق ع را آماده میسازد که به کار آگاه سازی،شبهه زدائی،سنگرسازی، (سنگر فکری-عقیدتی)،حریف براندازی(در میدان بحث و مناظره)و انسانسازی مشغول گردد و اینکار تنها با یک نمونه فعالیت و کوشش میسر نیست بلکه یک سری فعالیت و عملیات گوناگون علمی،تربیتی،اخلاقی،لازم دارد

۱- ۱) نعمان همان ابو حنیفه است و منظور او این است که اگر دو سال تحصیل علم من نزد امام صادق ع نبود هلاک می شدم.

تا موفق گردد.لـذا امام صادق علیه السـلامدر زمینـهٔ علومی همانند علوم قرآن(و از آن جمله تفسـیر قران)عقائد و کلام،بررسـی آراء و عقائـد و انـدیشه هـا،فلسـفه و حکمـت، فقـه،اصـول فقـه،بررسـی حـدیث،بررسـی رجـال و رواه،اخلاـق،تاریـخ، مناظره،نجوم،طب،شیمی،شعر و ادب و....،به کار تعلیم و تدریس پرداختند و در ضمن،شاگردان خود را با تربیت خاصی،متکی به مکتب اهل البیت علیهما السـلام می پروریدند و آنها را برای تأمین اهداف فوق،آماده میساختند، مراجعه بروایاتی که از امام صـادق ع رسـیده است بخـوبی نمایـانگر گسـتردگی مسائـل و علوم مورد تعلیم و تحقیق در حوزهٔ علمی این امـام بزرگوار می باشد.

تألیف و تصنیف در حوزهٔ علمیهٔ امام علیه السّلام

گرچه حرکت تـألیف و ضـبط احـادیث و جمع و تنظیم آنها،از زمان رسول اللّه ص شـروع گردیـده و پس از وفات آنحضـرت بوسـیله امیر المؤمنین ع و یاران و اصـحاب آنحضـرت تـداوم یافته و در زمان ائمـهٔ معصومین ع با رهبری و تشویق آنها حفظ و گسترش یـافته است تا جائیکه کتابهای شـیعه که از متقـدمین آنها و عمـده از ناحیـهٔ اصـحاب ائمه ع است معادل رقمی بیش از ۶۶۰۰ کتاب می باشد (۱)و از، اصحاب ائمه یکهزار و سیصد نفر مؤلف و مصنف وجود داشته است (۲)و بعضی از نویسندگان آنها رقم بالائی از تألیف داشـته اند مثلا"هشام کلبی بیش از ۲۰۰ کتاب و فضل بن شاذان ۱۸۰ کتاب و ابن دؤل ۱۰۰ کتاب و برقی نزدیک ۱۰۰ کتاب و ابن ابی عمیر ۹۰ کتاب تألیف نموده اند (۳)(۴).

۱- ۱) وسائل الشیعه ج ۲۰ ص ۴۹

۲- ۲) الدریعه ج ۲ ص ۱۳۳

۳- ۳) الذریعه ج ۲ ص ۱۳۰.

۴- ۴) آنچه بعنـوان رقم تـألیف و یـا مـؤلفین کتب،یـاد شـده مربـوط به کتابهـائی است که بعلت شـهرت نویسـندگان و تـوجه رجـالیین و محـدثین بآنهـا موردتوجه قرار گرفته و یاد شـده است ولی چه بسـیار کتابها که بمرور زمان نه تنها اصل آنها از بین رفته بلکه نام آنها هم نقل نشـده است مخصوصا"اگر توجه کنیم باینکه عمـده کتابهائی موردتوجه فقها و محدثین و علماء علم رجـال بـوده که بشـکلی به حـدیث و روایت، مربـوط میشـده است و در رسـیدن به احکـام دینی مؤثر بوده است و الاـ چه بسـا کتابهـائی که در آنزمانهـا تـألیف شـده ولی بعلت بی توجهی،از آنهـا نـامی هم باقی نمانـده است. برای بیشتر روشن شـدن این مطلب به کتاب الذریعه ج ۶ ص ۳۰۱ و ۳۰۲ مراجعه نمایید

ولی آنچه این رقمهای بزرگ و عالی را تشکیل میدهد عمده تألیفات و نوشته هائی است که در حوزۀ علمیۀ امام صادق ع بعالم اسلام عرضه شده است و فرهنگ غنی و گستردۀ شیعه را تشکیل میدهد بطوریکه اگر نوشته ها و کتابهای شاگردان امام صادق علیه السلامنبود و اصول اربعمأه بوسیله آنان تهیه نمیشد همانا نه کتاب شریف کافی بوجود می آمد نه تهذیب و استبصار،نه من لا یحضره الفقیه نوشته می شد نه علل الشرایع،نه دائره المعارف بزرگی مثل بحار الانوار شکل میگرفت و نه وسائل الشیعه،نه تفسیر برهان تألیف میشد و نه وافی و نه و نه و.....

گستردگی تألیف و نوشتن،در حوزۀ علمی امام نشانه عمق،گسترش و جامعیت حوزۀ آنحضرت و روش تربیتی صحیحی است که از ناحیۀ امام ع،بر روی شاگردان و اصحابشان اجرا میشده است.

نقش حیاتی شاگردان امام صادق علیه السّلام در حفظ حدیث

امروز مجموعه های بزرگی از احادیث و روایات که مشتمل بر معارف اسلامی و احکام دینی و دستورالعمل های اخلاقی و نقل داستانهای تاریخی و.....

است،در دست ما می باشد که بوسیلۀ بزرگانی چون شیخ کلینی مؤلف کافی، شیخ طوسی مؤلف تهذیب و استبصار،شیخ صدوق مؤلف من لا یحضره الفقیه، شیخ حر عاملی مؤلف وسائل الشیعه،علامۀ مجلسی مؤلف بحار الانوار،ملا محسن فیض کاشانی مؤلف کتاب وافی،محدث بحرانی مؤلف کتاب البرهان فی تفسیر القرآن،حاجی نوری مؤلف مستدرک الوسائل و.....جمع آوری و دسته بندی شده است ولی وقتی ریشه یابی کنیم می بینیم پایه گذاری اینهمه آثار و احادیث و مجموعه ها در زمان امام صادق و در حوزۀ علمی آنحضرت،بدست شاگردان و یاران آن پیشوای معصوم و آگاه انجام گرفته است.

ملاحظه نمائید ابان بن تغلب فقیه و محدث بزرگوار سی هزار حدیث و محمد بن مسلم کوفی چهل هزار حدیث نقل کرده اند و از ۶۶۰۰ کتاب از مؤلفین همزمان با ائمه (۱)قسمت عمدۀ آن مربوط به شاگردان امام صادق است که تنها چهارصد عدد

۱- ۱) مقدمه شرح لمعه،طبع جدید ص ۳۵

آن،بعلت امتیاز ویژه ای که داشته است با نام"اصول اربعمأه"(اصول چهار صد گانه)شهرت یافته است.و نیز اگر دقت شود رقم کل اصحاب ائمه که بشمارش درآمده اند ۴۵۰۰ نفر می باشند (۱)در حالیکه اصحاب امام صادق ع چهار هزار نفرند بنابراین برای مجموع ائمه غیر از امام صادق ع پانصد نفر باقی میماند و با این، نسبت میتوانیم بخوبی دریابیم که نقش اصحاب امام صادق ع در حفظ و نوشتن و جمع و تنظیم نمودن احادیث تا چه اندازه اساسی و حیاتی است.

احادیث عامه،در گرو حوزۀ علمیۀ امام صادق علیه السّلام

ما آنگاه میتوانیم بطور کامل به گستردگی،اعتبار،وثاقت،دانش و فقه شاگردان حوزه علمی امام ع آگاه شویم که به احادیث عامه توجه کنیم و بفهمیم که، اگر شیعیان را از اسناد احادیث آنها حذف کنیم دیگر چیز قابل توجهی برای آنها باقی نمی ماند چنانچه ذهبی در میزان الاعتدال می گوید(اگر ما بخواهیم رجال شیعه را از اسناد روایات حذف کنیم سالم نمی ماند برای ما از سنه،جز مقدار بسیار کمی) (۲)

با این بیان بخوبی می یابیم که چگونه عامه در گرو علم امام صادق ع و تربیت شدگان مکتب او هستند،زیرا آنها هستند که قدمهای بزرگی در حفظ و نشر حدیث برداشتند و عامه نیز خوشه چین خرمن فیض آنها شدند.

ص:۱۷۳

۱- ۱) الذریعه ج ۲ ص ۱۳۳-البته ما،در بررسی حوزه علمیه دیگر امامان،رقم اصحاب ائمه را بیش از این تعداد مذکور معرفی نموده ایم،مراجعه شود.

۲- ۲) مقدمه شرح لمعه طبع جدید بقلم محمد مهدی آصفی ص ۳۶

نقش جدل و مناظره در حوزهٔ امام علیه السّلام

باتوجه به جو سیاسی و فکری حاکم بر جامعه آنروز،و وجود فرقه ها و گروههای اعتقادی و فقهی که هرکدام با اندیشه ها و بافته های ذهنی خود آزادانه مشغول فعالیت و تبلیغ بودند و عده ای از آنها از اندیشه ها و مایه های فکری یونانی تقویت می شدند و بسیاری دیگرشان عامل سیاسی یا فرقه ای،محرك اصلیشان بود و برهان و استدلال حکیمانه ساکت و قانعشان نمی نمود میتوان به اهمیت شدید و فوق العادهٔ جدل و مناظره پی برد،این فن بسیار جالب و مؤثری که در برابر لجاجتها،عنادها،مقاومتهای خصمانه نقش بازدارنده و محکوم کننده دارد.

و بر همین میزان بود که امام صادق علیه السلامبه مناظره و جدل اهمیت داده و علاوه بر مناظراتی که شخصا"انجام میدادند و بسیاری از مخالفین را قانع و آگاه و بسیاری دیگر را ساکت و محکوم می نمودند شاگردانی را می پروریدند که در فن مناظره قوی و مجرب باشند و در صحنه های پیکار علمی و فکری با کمال قدرت،حریف را از صحنه خارج کرده و از سنگر عقائد و اندیشه های اسلامی بخوبی محافظت و پاسداری نمایند.

مناظراتی که از طرف امام علیه السلامیا شاگردانشان انجام گرفته در زمینه بحث درباره اثبات خدا،مسئلهٔ تشبیه و تجسیم،آزادی یا جبر برای انسان،مسئولیت انسان،قدیم و حادث بودن جهان،عدل الهی،مرز گناهان کبیره،اعتبار یا عدم اعتبار قیاس و استحسان و....نشان دهندهٔ نقش حیاتی و اساسی مناظره و جدل در حفظ اندیشه های اسلامی از خطر تهاجم دشمنان اسلام است بطوری که اگر این مناظره ها نبود و تهاجم های مخالفین،با قدرت مناظره های محکم و استوار امام علیه السلامو شاگردانشان دفع نمی شد،حربه های دشمن کارگر میشد و اندیشهٔ اسلامی منزوی می گردید.

در میان شاگردان امام که در مناظره فعالیت داشته اند چهره های روشنی همانند مؤمن الطاق و هشام بن الحکم از درخشش خاصی برخوردارند.

ص: ۱۷۴

شعر و ادب در حوزهٔ علمیهٔ امام علیه السّلام

حوزهٔ غنی و پرمحتوای امام علاوه بر همهٔ فنون و رشته های علمی با هنر شعر نیز فاصله نداشت بلکه شعرائی ارجمند از اصحاب امام ع بودند که شعرشان را در خدمت فرهنگ شیعی قرار داده بودند و از حوزهٔ علمیهٔ امام تغذیه میشدند که از آن جمله اند:

۱-اسماعیل بن محمد حمیری،کسی که امام صادق ع او را سید شعراء لقب دادند.او کسی است که همت خود را صرف سرودن شعر در فضائل علی ع مینمود تا جائیکه روزی در محلی ایستاد و فرمود هرکس فضیلتی در مورد علی ع بیاورد که من درباره اش شعری نسروده باشم این اسبم را باو خواهم داد و آنچه بر من است،مردم هم شروع کردند به گفتن فضائل علی ع و ایشان در هرمورد شعری که سروده بود میخواند تا آنکه آخر کار یک نفر فضیلتی را نقل کرد که سید درباره آن فضیلت شعری نسروده بود،لذا شعری سرود در مورد آن فضیلت و بوعده ای که داده بود عمل نمود (۱)

عظمت سید حمیری از نظر ایمان و علاقه به اهل البیت ع و سرودن اشعار فراوان و باارزش مشهورتر از آنست که نیازی به بیان داشته باشد.

۲-یحیی بن ابی بلاد

۳-جعفر بن عثمان طائی

۴-سلیمان بن سفیان سمط

۵-ابو داود مسترق،منشد

۶-ابو عماره منشد

۷-عبد اللّه بن غالب اسدی شاعر فقیه (۲)

۱- ۱) الکنی و الالقاب ج ۲ ص ۳۳۴

۲- ۲) برای این قسمت بحث از یادداشتهای مخطوط صاحب کتاب تهذیب المقال بهره گرفتیم.

گامهای اساسی علمی،در حوزهٔ علمیهٔ امام صادق علیه السّلام

در حوزهٔ امام علیه السلامدربارهٔ همه مسائل اسلامی اعم از اعتقادی،فقهی،اخلاقی، با همه ابعادی که برای آنها هست بحث و تدریس و پاسخگوئی انجام میگرفت ولی در زمینهٔ چندین موضوع مهم قدمهای مهمی برداشته شده است و آنها نقش اساسی را در حرکتهای فکری و علمی ایفا می کند و به اندیشهٔ پیروان مکتب تشیع جهت میدهد و اینک بطور اختصار بآنها توجه مینمائیم:

۱-توسعه و گسترش فروع فقهی و پاسخگوئی به مسائلی که بنحو گسترده ای در جامعهٔ پهناور اسلامی مطرح میگردید و بایستی با اتکاء به کتاب و سنه پیامبر و ائمهٔ معصومین علیهم السّلام و بکار انداختن قدرت اجتهاد پاسخ داده شود.

۲-پایه گذاری قواعد کلّی علم اصول،که میتواند در زمینهٔ استنباط احکام نقش حیاتی ایفا کند.

۳-ارائهٔ راه حل اختلاف در احادیث،و بیان قانونهای مربوط به تعارض میان اخبار و تعادل و تراجیح که یکی از مهمترین مسائل اصول فقه است (۱).

۴-روشن کردن مرزهای اختلاف بین فقه شیعی و دیگر فقه های رایج در میان مسلمین که غیرمتکی به سنت پیامبر ص و ائمه ع بودند.

۵-تحلیل مسائل سیاسی و جریانات و حوادثی که بعد از رحلت رسول خدا ص در جریان غصب خلافت رخ داد همانند بررسی اینکه(چرا خلیفهٔ دوم در قضیهٔ مصادرهٔ اموال حکام،قنفذ را استثنا کرد؟)و بیان اینکه علت آن همان جسارتها و صدماتی بود که قنفذ(بمنظور منصرف نمودن حضرت زهرا سلام اللّه علیها،از حمایت از حق امیر المؤمنین علی علیه السّلام)بر آن بانوی مکرمهٔ مظلومه وارد نمود

۶-بررسی مسائل توحید و تشریح حقائق آن بطوریکه اندیشه های باطل و گوناگونی که در آن زمان پیدا شده بود،همه برسوائی کشیده شدند.

۱- ۱) به کتب علم اصول فقه و تاریخ های مربوط به تکامل علم اصول فقه مراجعه شود.

۷-بیان شئون اهل البیت علیهم السّلام در قرآن و دیگر کتب آسمانی و بیان تاویل های قرآن در مورد مقام منیع آنها.

۸-تبیین شرائط و صفات امام و زعیم الهی جامعه و مشخص کردن اینکه امامت منصبی الهی است و با انتخاب و یا با بدست آوردن قدرت و یا...برای کسی حاصل نمیشود.

اهمیت تخصص در حوزهٔ علمی امام صادق علیه السّلام

در حوزهٔ علمی امام نوابغ فراوانی حضور داشتند که استعدادهای سرشارشان بوسیلهٔ آموزشهای لازم بکار گرفته میشد و در صحنهٔ تفکر،مناظره،تبلیغ مورد بهره برداری قرار می گرفت ولی نکتهٔ جالب اینست که امام ع استعدادها را شکوفا نموده و بنحو تخصصی،انها را به فعالیت وامیداشتند بطوریکه در هر زمینه از علوم اسلامی اندیشمندان متخصص و آگاهان بی نظیری به عالم اسلام عرضه گردید.

ابان بن تغلب را در فقه پروریده و دستور میدهند در مسجد بنشیند و برای مردم فتوی دهد.

حمران بن اعین را عهده دار جوابگوئی در مسائل علوم قرآن می فرمایند.

زراره بن اعین را عهده دار مسئولیت مناظره در فقه می فرمایند.

مؤمن الطاق را برای مبارزه و معارضه در علم کلام برگزیدند.

و طیار را برای مناظره و بحث در مسئلهٔ استطاعت(که یکی از مسائل جنجالی علم کلام بوده است)و غیر آن،دستور دادند و هشام بن الحکم را مأمور مناظره و جدل در بحث امامت و عقائد نمودند.

و بعلاوه کسانی را کمک مالی دادند تا در تحت عنوان تجارت بسفر بروند و با مردم بیامیزند و آنها را بسوی مکتب اهل البیت دعوت کنند و بدینوسیله تبلیغات گسترده ای بنفع مذهب حق انجام گیرد (۱)

۱- ۱) الامام الصادق و المذاهب الاربعه ج ۲ ص ۵۰

پایه های تربیتی حوزهٔ علمیهٔ امام صادق علیه السّلام

اشاره

امام صادق علیه السلامدر حرکت بزرگ خود تنها به تعلیم و یاد دادن علوم و فنون اکتفاء نمی فرمودند،بلکه با تشریح و تبیین یک سری مسائل تربیتی و تلقین مسائل حیاتی به اصحاب خود آنها را به نحو شایسته ای تربیت نموده و پرورش می دادند که در این بخش به چند نمونه از آنها اشاره می نمائیم.

۱-ایجاد احساس مسئولیت

امام علیه السلامدر گفته ها و عمل خود آنچنان بودند که در اشخاص،احساس مسئولیت بوجود می آورد،مسئولیت در برابر خدا و اسلام،مسئولیتی که بخاطر آن گامهای بلند خودسازی و فراگیری علوم حقه برداشته شود و خلاصه آنچنان مسئولیتی که جهت دهنده به حرکتهای علمی،اخلاقی،اجتماعی و سیاسی شاغلین در حوزهٔ علمیه باشد.

مثلا-"در یکجا می فرماید،بار مسئولیت خود را خودت بدوش بکش زیرا اگر چنین نکنی دیگری بار مسئولیت تو را بدوش نخواهد کشید (۱).

و در جای دیگری میفرماید همانا من گناهان سفیهان شما را بگردن علماء شما میدانم،چرا وقتی کار زشتی از یکی از کسانی که از شماها است سر می زند نمیروید او را سرزنش کنید و او را از کار زشتش بازدارید و با بیانی رسا با او صحبت کنید؟راوی می گوید عرض کردم از ما نمی پذیرند.فرمود از آنها کناره گیری کنید و طردشان کنید (۲)

و در دیگر مورد بگروهی از اصحاب خود فرمودند شایسته شده است که من بیگناهان شما را به خاطر گناهکار مؤاخذه کنم زیرا شما خبردار می شوید که کسی کار زشتی کرده ولی او را منع نمی نمائید و طردش نمی کنید و آزارش نمی نمائید تا کار زشت را ترک کند (۳)

۱- ۱) جوان(فلسفی)ج ۱ ص ۶۱ بنقل از کافی

۲- ۲) وسائل الشیعه ج ۶ ص ۴۱۵

۳- ۳) وسائل الشیعه ج ۶ ص ۴۱۵

و در زمینهٔ مسائل اخلاقی فرموده همانا ما دوست داریم آن کسی را که عاقل،عالم ،بافهم،فقیه،حلیم،مداراکننده،باصبر،راستگو و باوفا باشد،همانا خداوند مخصوص گردانیده انبیاء را به مکارم اخلاق،پس هرکس در او این مکارم اخلاق وجود دارد سپاس خدا بگوید و هرکس در او چنین مکارمی نیست با تضرع و زاری از خداوند بخواهد که به او عطا کند شخصی به امام عرضه داشت آن مکارم اخلاقی کدام است؟جواب دادند پرهیزکاری،قناعت داشتن،صبر،سپاسگزاری، ،حلم،حیا،سخاوت،شجاعت،راستگوئی،نیکی کردن،اداء امانت، یقین و خوش خلقی و جوانمردی (۱)

۲-پرهیز دادن از همکاری با ستمگران

در بیانات گوناگون امام،این روش بخوبی جلب توجه می کند و انسان را بیک اصل مهم در برنامه حوزهٔ امام صادق ع راهنمائی مینماید.

مثلا"در ضمن بیان راههای حلال و حرام روزی بدست آوردن می فرماید:

....اما وجه حرام از کار حکومتی،کار والی ستمگر و کارکنان او است،از رئیس آنها گرفته تا پیروان او و کسانی که در رتبه های پائین هستند...کار کردن با آنها و کسب نمودن با آنها در جهت حکومتی حرام است و هرکس انجام دهد معذب خواهد بود،چه کار کم باشد یا کار زیاد چونکه همهٔ اینها از جهت کمک (به ستمگر)معصیت بزرگی از گناهان کبیره است زیرا در حکومت حاکم ستمگر، حق به تمامی پوسیده میشود و باطل بتمامی زنده میشود و ظلم و فساد غالب میشود و کتب از بین میرود و انبیاء و مؤمنین کشته میشوند و مساجد ویران میگردد و سنه خدائی و شرایع الهی دگرگون میشود و برای همین جهت است که کار با آنها و کمک دادن به آنها حرام است جز در موارد ضرورت همانند ضرورت به مرده خواری و خوردن خون (۲)

۱- ۱) تحف العقول بخش گفته های امام صادق ع

۲- ۲) تحف العقول بخش سخنان امام صادق ع و مکاسب شیخ انصاری ره

این گفتار و دیگر دستورات و درسهای اخلاقی امام،بخوبی بما می فهماند که یکی از پایه های تربیتی حوزهٔ امام صادق،حفظ استقلال و عدم وابستگی به حکومت ستمگران و ظالمان می باشد.

۳-تشویق به کار و فعالیت

در درسهای تربیتی امام آنقدر بر روی طلب رزق،کشاورزی،تجارت، بر عهده گرفتن کارهای شخصی،تأکید شده و با عمل شخصی امام(همانند با بیل کار کردن در باغ،و در گرمای شدید عرق ریزان کشاورزی کردن)تأیید شده که میتوان بخوبی دریافت که امام برای رسیدن شیعه به استقلال واقعی خودکفائی را ضروری دانسته و راه آنرا فعالیت،تلاش و کوشش اقتصادی، میدانسته اند،مثلا"در یکجا می فرماید تجارت را ترک نکنید زیرا خوار خواهید شد، و در جای دیگری به شخصی که رفتن به بازار را ترک کرده بود،فرمود بسوی عزتت بشتاب و در سومین مورد فرمود من دوست دارم که مرد اذیت شود بوسیلهٔ حرارت خورشید در راه رسیدن به روزی و معیشت خودش.

۴-تاکید بر مهربانی و الفت در میان جامعه

تعلیمات امام در مورد برطرف نمودن گرفتاری مؤمن،کمک در ادای قرض او،تلاش برای تزویج او،خوشروئی در برخورد با مردم،سلام کردن و دعاء خیر نمودن برای مؤمنین،گذشت و اغماض از لغزشها،تغافل و خود را به فراموشی زدن در مورد بدی دیگران،پرهیز از غیبت،تهمت،سوءظن و نمّامی و خوشرفتاری نمودن با مخالفین و...نشان دهندهٔ یکی از پایه های تربیتی حوزهٔ علمی امام صادق است که آن،ایجاد الفت و مهربانی و بستگی عاطفی در میان جامعه اسلامی می باشد و برای رشد و گسترش مکتب هم از این پایه اساسی بهرهٔ فراوانی جسته اند،و لذا در وصیت آنحضرت به اصحابشان آمده است که سفارش می کنم شما را باینکه.....دعوت کنید براه ما در حالیکه ساکت، هستید،و در هنگامی که این سخن امام شگفتی آفرید و سئوال شد که چگونه دعوت،

کنیم در حالیکه ساکت هستیم،فرمود آنچه را دستور داده ایم به شما از اطاعت خدا انجام دهید و با مردم از روی راستی و عدالت رفتار کنید و اداء امانت کنید و امر بمعروف و نهی از منکر نمائید و(کاری کنید که)هیچگاه مردم از شما بجز خوبی چیزی نیابند،در این هنگام است که مردم ارزش راه ما را خواهند یافت و به سوی آن،خواهند شتافت (۱).

ملاحظه می فرمائید که چگونه امام برای گسترش مکتب و ترویج آن از دعوت ساکت که متکی به اخلاق نیکو و الفت و مهربانی در برخورد اجتماعی است بهره می جویند و آنرا بعنوان بهترین عامل،معرفی مینمایند!و حتی برای رفع اختلافات، کسانی را از جمله(مفضل)مأموریت داده بودند و امکاناتی را در اختیارشان گذاشته بودند که اختلافات مالی شیعیان را با بهره گیری از آن امکانات برطرف نمایند و انس و محبت را جایگزین آن نمایند.

استقلال حوزۀ علمیۀ امام صادق علیه السّلام

در زمانی که بنی امیه و بنی عباس عالم های دینی(علماء عامه)را،در اختیار گرفته بودند و بآنها جهت می دادند و مدارس دینی،در آن جهتی حرکت میکرد که ستمگران میخواستند،از آنها چنان فتوی و حکم صادر میشد که برخلاف مصالح دولت های ظالم نباشد،ناگاه حوزۀ علمیۀ امام صادق ع درخشید، حوزه ای که نه تنها بدستور حکّام جور بوجود نیامده بود،بلکه تلاشهای آنها را برای همسو شدن حوزه با حکومت جور،عقیم گذاشت و بلکه با دستورات و تربیت های خاص مکتب تشیع،عالم ها و عموم مسلمین را از کمک به ستم و ستمگرها بازمیداشت و توفیق یافت بدنیا اعلام دارد که عالم و فقیه و حوزۀ علمیه نباید در اختیار حاکمهای جور باشد و نباید دنباله رو باشد بلکه برمبنای قرآن و اصول مسلم اسلامی باید جهت خدائی خودش را دنبال کند و با کمال استقلال،در روشنگری اندیشه ها و تنویر افکار و تهذیب نفوس اقدام مؤثر نماید.

پیدایش این حوزۀ علمیه با این ویژگی،در اول امر بطور واضح برای حکومت منصور

۱- ۱) الامام الصادق و المذاهب الاربعه ج ۲ ص ۳۲۲

دوانیقی معلوم نگردیده بود و لذا در تشویق امام صادق ع به همسو کردنشان با حکومت اقدام نمود و مؤدبانه به امام صادق ع نوشت:

چرا با ما ارتباط برقرار نمیسازی همانطور که دیگر مردمان چنین میکنند، امام در جواب او نوشتند:

چیزی از دنیا در دست ما نیست که از تو بترسیم آنرا از ما بگیری و نه چیزی از آخرت، در دست تو است که امیدوار باشیم تو آنرا بما بدهی و نه تو در نعمت هستی (حکومتی که در دست داری نعمت برای تو نیست)که بتو تبریک بگوئیم،و خود را هم گرفتار مصیبت نمی بینی(یعنی ظلم و حکومت ظالمانه را برای خودت بلا و مصیبت نمیدانی)تا بیائیم بتو تسلیت بگوئیم.

منصور مجددا"برای تشویق حضرت به همکاری نوشت:

ما منظورمان اینست که با ما از نزدیک مأنوس شوی تا نصیحتمان کنی و خیرخواهانه مطالب حق را گوشزد کنی.امام در جواب او نوشتند:

آن کس که دنیاطلب است نصیحتت نمی کند و آنکس که آخرت میخواهد با تو همصحبت نخواهد شد،و این چنین او را از برنامه ای که در نظر داشت مأیوس نمودند.

ولی مگر منصور میتوانست تحمل کند که در کشوری که او قدرت حکومتی،در دست دارد حوزه ای باشد که دلها متوجه او،اندیشه ها مجذوب او و کاروان حق طلب ها و دانش پژوهان رو بسوی او در حرکت باشند و این حوزه بخواهد بدون در نظر گرفتن امیال و خواسته های این حکومت و زمامداران آن،فتوی بدهد،جهت بدهد،مغز و اندیشه ها را بسازد؟

مگر منصور دوانیقی با آنهمه ترسی که از همه چیز داشت برای زوال حکومتش میتوانست تحمل کند،حوزه ای را که نه تنها در اختیارش نبود بلکه همسوی او هم نبود و بالاتر،در آن تعلیماتی داده میشد با این عبارات:

ما احبّ ان اعقد لهم عقده او وکیت لهم وکاء و لا مدّه بقلم...(من دوست ندارم بنفع آن ستمگران گرهی بزنم یا سرکیسه ای ببندم و یا مده ای بقلم آنها برسانم) اذا رایتم الفقها قد رکبوا الی السّلاطین فاتّهموهم (۱)(وقتی دیدید فقهاء،

ص :۱۸۲

۱- ۱) الامام الصادق و المذاهب الاربعه ج ۲ ص ۲۱

بطرف سلاطین میروند آنها را متهم بدانید).

آری حوزه ای مستقل و مخالف با عملکرد حکومت،که اندیشه ها را در اختیار گرفته بود و قلب بهترین دانایان را در کنترل داشت بزرگترین خطر برای حکومت جور بحساب می آمد.

لذا مبارزه با حوزهٔ امام صادق ع شکل جدی بخود گرفت،حمایت منصور از عالم های طرفدار حکومت و مخالف با امام صادق علیه السلامشدید و اصولی گردید،چهره های اصلی حوزهٔ علمی امام صادق زیر نظر گرفته شدند و در معرض خطرهای گوناگون قرار گرفتند،تقیه بعنوان روش لازم برای حفظ حوزه بکار گرفته شد و حتی زراره، فقیه بزرگ حوزهٔ علمی امام در یک جلسه مورد توهین امام صادق علیه السلامقرار گرفت بحدی که برای زراره خیلی سنگین شد ولی پس از آن امام برای او پیام فرستادند که جریان توهین من از مقام تو همانند جریان خضر بود که کشتی را سوراخ نمود که از شر حاکم ستمگر در امان بماند.من میخواستم با بدگوئی از تو،حساسیت حکومت ظالم وقت را از بین ببرم تا آنکه در امان بمانی و خطری متوجه تو نگردد.

ملاحظه مینمائید حوزهٔ علمیهٔ امام تا بکجا بمخاطره افتاده ولی با این حال،جهت استقلال خود را حفظ کرده و بدام ستمگران نیفتاده و برای همیشهٔ تاریخ،سر فصلی زرین و راه و روشی حیاتی که برای علم،آزادی از اسارت،و برای انسان شرف و استقلال،می آفریند بارث گذارده است.

ارتباط حوزهٔ امام با خارج،از طریق مراسلات

حوزهٔ علمی امام بوسیلهٔ ارسال نامه و پاسخگوئی به نامه ها ارتباط خودش را با شهرهای گوناگون و مراکز مختلف حفظ می کرد و در نتیجه نصیحت ها،استدلالها ،روشنگری های امام در یک سطح گسترده تری،نقش ایفا میکرد و ما نمونه ای از این مراسلات را یاد می کنیم و تنها باشاره ای گذرا بسنده می کنیم.

۱-عبد اللّه نجاشی نامه ای بامام صادق ع نوشت و از امام خواست که او را، راهنمائی کنند که در کار ولایت اهواز از آن بهره بجوید و آنحضرت در جوابش رساله ای فرستادند که بسیار جالب و نسبتا"مفصل می باشد و دستورالعملهای

اسلامی متعددی را باو ارائه فرمودند.

۲-عبد الملک بن اعین نامه ای بامام نوشت و بیان داشت که در عراق عقیدهٔ باطلی در مورد صفات خدا پیدا شده و از آنحضرت نظر صحیح را خواستار شد و در، جواب او امام ع نامه ای نوشتند و خدا را آنچنان که حق است توصیف نمودند.

۳-در دو نامه به دو گروه از اصحاب،درسهای اخلاقی متعددی را خاطرنشان، ساختند (۱).

۴-نامه مفصل انحضرت درباره غنائم و انفال و خمس که احکام فراوانی را در، این زمینه در بر دارد و با این جملات شروع میشود:فهمت ما ذکرت انّک اهتممت به من العلم بوجوه مواضع ما فیه للّه رضی... (۲)

حوزهٔ علمیهٔ امام صادق سدّی در برابر فلسفهٔ غرب(یونان)

آزادی فراوان بحث و گفتگو در مسائل اعتقادی،سیل ترجمهٔ کتب فلسفی یونانی،باز شدن میدان اظهارنظر برای کفار و زندیق ها همانند ابو شاکر دیصانی ،ابن مقفع،ابن ابی العوجاء و...تا جائیکه آنها در مسجد الحرام و مسجد النبی ص در وقت مراسم حج ازادانه بصحبت و بحث در مسائل اعتقادی و ایراد شبهه در مطالب دینی می پرداختند،همه و همه خطر بزرگی را برای اسلام بوجود آورده بود زیرا اشکالها و شبهه های زرق وبرق دار و علم نما و سمعه و شهرت عالم ها و فیلسوف های یونانی،برای عده ای فریبنده بود و آنهائی را که به مسائل دقیق کلامی و فلسفی آگاه نبودند تحت تأثیر قرار میداد.ولی امام صادق که نیاز زمان را در نظر داشتند وارد صحنه گردیده و حوزهٔ علمیهٔ خود را به بحث های اعتقادی و کلامی و فلسفی تشویق نمودند و در نتیجه با روشن کردن پایه های محکم عقائد و قوی کردن شاگردان،در مناظره و جدل،و رفع شبهه ها و جوابگوئی به اشکالات خطر هجوم فرهنگ غربی(یونانی)را مهار نموده و نه تنها مانع از بی دینی و

ص: ۱۸۴

۱- ۱) الامام الصادق و المذاهب الاربعه ج ۱ ص ۳۸۰ الی ۳۸۲

۲- ۲) تحف العقول،بخش آنچه از امام صادق ع روایت شده است.

بی اعتقادی جامعه گردیده و از سقوط سنگرهای عقیدتی،اسلامی جلوگیری کردند،بلکه گام بلندی برای آشنائی حوزهٔ علمیهٔ شیعه با مسائل پیچیده فلسفی و کلامی برداشتند و اندیشهٔ متین شیعه را در سطح بسیار بالاتری بردند که برکات و آثار آن برای همیشه باقی است کَشَجَرَهٍ طَیِّبَهٍ أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها،فِی السَّماءِ تُؤْتِی أُکُلَها کُلَّ حِینٍ بِإِذْنِ رَبِّها ابراهیم ۲۴ و ۲۵

امام صادق و مبارزهٔ با فقه متکی به قیاس و استحسان

با حاکم شدن بنی العباس و کوشش آنها برای تطبیق روش حکومت و جامعه بر احکام دینی و فراوانی مسائل و فروع علمی و دسترسی نداشتن آنها به فقه متکی به کتاب و سنه رسول اللّه و نپذیرفتن آنها پیروی از سنه اهل البیت را که متکی به کتاب و سنه رسول می بود،ناچار شدند که به چیزهائی تمسک جویند که از یکطرف قابل گستردگی باشد و از طرف دیگر با سیاست بنی العباس(که دوری،از اهل البیت بود)هماهنگ باشد.لذا قیاس و استحسان و مصالح مرسله بعنوان سه منبع استخراج احکام دینی موردتوجه قرار گرفت.

ابو حنیفه تا آنجا در عمل به قیاس جلو رفت و با مقایسه های متکی به گمان های شخصی و فلسفه بافی های غیرمتکی به بیان وحی،برای موارد و موضوعات جدید حکم شرعی اعلام داشت،که خطر نابودی دین حتمی گردید و امام صادق در این زمینه فرمود:السّنّه اذا قیست محق الدّین یعنی وقتی سنه دینی مورد قیاس قرار گرفت دین نابود خواهد شد.

و از آنطرف مصالح مرسله و استحسان که بمعنی مصلحت های،بنظر رسیده و پسندهای متکی به ذوق ها و سلیقه های شخصی و منافع متکی به گزارشها و آمارها است،عده ای از علماء دربار بنی العباس را دلخوش کرده بود و با تکیه بر آنها فتوی میدادند،باین معنی که مفتی درباری می گفت ما دربارهٔ فلان موضوع حدیثی از رسول خدا نداریم لذا مصالح آن را شناسائی میکنیم و باتوجه بآنها، مصلحت اندیشی کرده آنچه را بنظرمان نیکو رسید فتوی میدهم.

آری آنچنان بر قیاس تکیه کردن و این چنین استحسان و مصالح مرسله را که بیش

از گمان مختصری بوجود نمی آورد تکیه گاه قرار دادن خود را مشمول سرزنش خداوند قرار دادن (۱)و دین را به نابودی کشاندن است.

لذا امام صادق بصورت قاطع و جدّی در برابر این خطر ایستادند و از همهٔ خطراتی که بدنبال این مبارزه بوجود می آمد،نهراسیدند و به تبلیغات وسیعی که به، نفع عمل به قیاس و استحسان و مصالح مرسله انجام میشد و اینها را عامل پویائی و وسعت فقه (۲)و هماهنگی با حرکت زمان دانسته و عمل نکردن به اینها را عامل رکود و محدودیت اسلام و فقه میدانستند،اعتنا نکرده و با مطرح ساختن فقهی متکی به کتاب و سنه رسول خدا و اهل البیت ع که پایه اش محکم و گستردگی اش باندازهٔ نیازهای واقعی بشر بود،راه بهانه را از دشمن گرفته و خطر نابودی دین را برطرف ساختند.

حوزه علمیه امام صادق علیه السّلام و مبارزه با عوامل نفوذی

محضر امام صادق ع که دانشگاهی بود عظیم و در ان از همه اقشار و گروهها شرکت میکردند و اهمیت اجتماعی فوق العاده یافته بود،از یک طرف،سود جویان منفعت پرست و از طرف دیگر دشمنان توطئه گر بداخل این حوزهٔ عظیم رخنه کردند و دسته اول برای رسیدن به منافع و دسته دوم برای اخلال کردن در این مجمع عظیم علمی،بکار شیطانی دست زدند و در اینجا است که رئیس این حوزهٔ باعظمت بدون مجامله بکار مبارزه با این عوامل نفوذی مشغول میگردد.

این عوامل فساد،دروغ می گفتند،توطئه می کردند،و برای فرهنگی که امام صادق ع در پی ریزی و تنظیم آن می کوشیدند افت بوجود می اوردند.

و لذا امام صادق علیه السلامدست بکار شدند و چندین برنامه را دنبال کردند.

ص :۱۸۶

۱- ۱) در آیاتی از قرآن عمل به گمان و تخمین مورد نکوهش قرار گرفته مثلا"میفرماید إِنَّ الظَّنَّ لاٰ یُغْنِی مِنَ الْحَقِّ شَیْئاً" و باز میفرماید إِنْ یَتَّبِعُونَ إِلاَّ الظَّنَّ وَ إِنْ- هُمْ إِلاّٰ یَخْرُصُونَ.

۲- ۲) در کتابهائی که در طرفداری از قیاس و استحسان نوشته شده به اینجهت که فقه را قابل انطباق با جوامع گوناگون و پویا می کند توجه شده است و بر اهمیت آن تأکید فراوان گردیده است.

۱)در اصحاب و یارانشان حساسیت بوجود اوردند و آنها را متوجه خطر این عوامل نفوذی نموده در یکجا فرمودند:بخدا دشمنان ما جنگیدنشان با ما از کسانی که بگویند بر ما آنچه را ما خوش نداریم بیشتر نیست.

و در جای دیگر فرمودند:من برای یکی از آنها حدیثی می گویم و خارج نمی شود از نزد من جز آنکه آنرا تأویل نموده و برخلاف معنی و مقصود از آن حدیث،بیان مینماید و علتش آنست که اینها با احادیث ما آنچه را نزد خدا است طلب نمیکنند بلکه دنیا را طلب می کنند و میخواهند بزرگ بشوند و در رأس قرار گیرند (۱).

۲)چهره هائی از این عوامل را با نشانه و عده ای را با اسم و مشخصات دقیق معرفی نمودند همانند ابی الخطاب و سالم بن ابی حفصه عجلی و مغیره بن سعید که با معرفی نمودن آنها رسوایشان نمودند و خطر بزرگی که از این ناحیه متوجه شده بود دفع کرده و حرکت آنها را بی ثمر نمودند بطوری که فقط اسمی از آنها در تاریخ مانده است آنهم با زشتی و رسوائی همراه با لعنت و نفرین.

۳)تعلیم دادند که از هرکسی مطلبی شنیدید نپذیرید بلکه در گوینده و مطالب گفته شده،دقت کنید و بوسیله مقایسه با قران و سنت رسول اللّه صلّی الله علیه و آله و سلّم و عرضه، بر خود امام و احادیث دیگر امام آنها را به محک بزنید و حقیقت را شناسائی کنید.

۴)چهره هائی از اصحاب که بسیار شایسته،باایمان،آگاه به امور و سیاست ها بودند موردتوجه قرار می دادند که در موارد اختلاف نظر و نقل،آنها ملاک مطلب قرار گیرند و حدیثی که مطابق نظر انها است مورد عمل قرار گیرد همانند زراره و لیث بختری(ابا بصیر)و عبد اللّه بن ابی یعفور و...

بهره گیری امام صادق،از دوران ضعف دو حکومت ستمگر

بنی امیه که دشمنان سرسخت امامان معصوم بودند تا در اوج قدرت بودند اجازه هیچگونه فعالیت به مخالفین خود که در رأس آنها امامان شیعه بودند نمیدادند ولی ستمگری های آنان و مبارزات پی گیر و مداوم مردم آنها را رو به

ص :۱۸۷

۱- ۱) الامام الصادق ع و المذاهب الاربعه ج ۱ ص ۴۲۲

سقوط و نـابودی حرکت داد و زمینه گسترش فعالیتهـای فکری و تبلیغی امام باقر و امام صادق،فراهم گردیـد تا آنکه حکومت بـدست بنی العباس افتاد و تا مدتی مشغول فعالیت برای اسـتقرار خود بودند و در این مدت هم امام صادق کوششـهای خود را تداوم و گسترش می بخشیدند تا آنکه تسلط ستمگرانه بنی العباس مجددا" زمینه کوشش وسیع و گسترده را از امامان معصوم گرفت و دوران تقیه شـروع گردیـد ولی در این دو دورهٔ ضـعف(ناتوانی بنی امیه و بنی عباس)اینهمه خـدمت فکری و فرهنگی در حوزهٔ علمی امام صادق ع بجهان بشـریت عرضه گردیده است که نه تنها شیعه را بلکه عالم اسلام و جهان انسانیت و محافل علمی را مرهون خود ساخته است.

مرکزیت حوزه علمی امام صادق در مدینه و کوفه

مـدینه در زمـان امـام صـادق ع بخـاطر وجهه دینی و وجود قبر مطهر رسول اله و وجود فقها و نزدیکان باسـلام از اهمیت دینی ویژه ای برخوردار بود و کوفه از نظر سیاسـی و اجتمـاعی بخـاطر وجود روابـط تجـارتی و فرهنگی با خارج و اجتماع مهاجرین خـارجی و نزدیکیش به حیره،محـل حکومت خلیفه،امتیاز فراوانی داشت و امام صادق علیه السـلامکه مـدتی در کوفه بودنـد و زمانهائی را در مدینه بسـر میبردند از هردو موقعیت بهره گیری کردند و در کار نشـر علوم و تربیت فقها و متکلمین و مؤلفین و محـدثین گامهای بلنـدی برداشـتند بنابراین هرگاه از حوزه علمیه امام صادق سـخن می گوئیم منظورمان همه محیطی است که امام علیه السـلامدر آن به پرورش مغزها و قلب ها پرداخته اند و لذا شاگردان آنحضـرت گروهی تربیت شدگان حوزه مدینه و دسته ای پرورش یافتگان حوزه کوفه بودند (۱)ولی قدر مشترک همه آنها

ص: ۱۸۸

---

۱ – ۱) بطوریکه دربـاره بیت امـام ع آمـده است که خانه او دانشـگاهی اسـلامی،بود که خواسـتاران علم و جوینـدگان حقیقت بسوی او حرکت میکردنـد و چهار هزار نفر بسوی مدرسه او پرواز نموده و مأوی گرفتند. و در کوفه شخصـی ۹۰۰ نفر را یافت که همگی می گفتند حدّثنی جعفر بن محمّد(به کتاب الامام الصادق ع و المذاهب الاربعه ج ۱ ص ۳۹۸ مراجعه شود.

بهره گیری از دریای علم امام صادق و موضع گیری آنان،با الهام از خط فکری تشیع با بیان قاطع آن پیشوای معصوم می باشد.

شعبه های حوزه علمیه امام صادق علیه السّلام

وجود اختلاف در احادیث نبوی و احادیث اهل البیت(بعلت لزوم تقیه)و راههای حل اختلاف که از ناحیه امام عرضه شده بود زمینه توسعه و بحث و تحقیق را در مسائل حدیثی و فقهی فراهم آورده بود و لذا در شهرهای عراق(همانند کوفه و بصره)خراسان(همانند نیشابور و سیستان)حجاز، یمن و شهر ری در میان راویان و علماء شیعه بحث و بررسی اخبار انجام میگرفت و همین جهت سبب شد که در این نواحی حوزه های فرعی برای تحقیق و پژوهش در احکام دینی و بررسی احادیث و جرح و تعدیل راویان آنها بوجود اید و فقه آل محمد صلّی الله علیه و آله و سلّم در گردش و حرکت درآید.

تربیت یافتگان حوزه علمیه امام صادق علیه السّلام

اشاره

گرچه شرح حال همه آنها برای ما ممکن نیست و با وضعیت کتاب حاضر نیز سازگار نمی باشد ولی چون آشنائی با شرح حال و کوششهای علمی آنها برای معرفی گستردگی و عمق و عظمت آن حوزه عظیم مفید بلکه ضروری می باشد لذا، بطور بسیار فشرده شرح مختصری از حیاه علمی و تبلیغی و تلاشهای تألیفی و مناظراتی عده ای از آنها را بیان می کنیم تا ضمن پرهیز از طولانی شدن بحث تا حدودی بمنظور از این بررسی و نگرش دست یابیم (۱).

---

۱ - ۱) در این بررسی،از کتابهای معجم رجال الحدیث،قاموس الرجال،اعیان الشیعه،تهذیب المقال،تهذیب التهذیب،التقریب،تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام،الذریعه الی تصانیف الشیعه،الامام الصادق و المذاهب الاربعه و برخی دیگر از کتابهای رجال و حدیث بهره برده ایم.

ابان بن تغلب

از فقهای عالیمقدار و محدثین والامقام و لغویین کم نظیر است.از نظر عدالت و صداقت و وثاقت تا آن حد بمقامات عالیه رسیده که نه تنها دوستان را شیفته نموده بلکه مخالفین متعصب را هم به تعظیم واداشته است تا جائیکه ذهبی او را با کلمه(بسیار راستگو)توصیف کرده و دیگر بزرگان عامه او را با عنوان ثقه،صادق،صالح،صحیح الحدیث،مقبول الروایه ستوده اند و این نشان دهنده عظمت و جلالت قدر اوست.

در مسجد،حلقهٔ درس داشت و از ناحیه امام باقر ع باو اظهار علاقه شده بود که در مسجد بنشیند و فتوی دهد.او شاگردان زیادی داشت و عده فراوانی از محدثین شیعه و سنی از او حدیث نقل کرده اند.

و اولین کسی است که در زمینهٔ علم القرائه،معانی القرآن،غریب القرآن کتاب نوشته است و از پیشگامان علوم قران محسوب میشود و بعلاوه قرائه مخصوص بخود داشته است.

کتابهای متعددی در علوم قران و حدیث نوشته است و از پایه گذاران بحساب می آید.

خلاصه آنکه از چهره های کم نظیر تاریخ حوزه های علمیه و فقه و حدیث و علوم قرآن می باشد و از نظر پاکی و ایمان و صداقت از گلهای سرسبد اصحاب والامقام ائمه معصومین می باشد (۱).

زراره بن اعین

از درخشانترین چهره های حوزه علمیه امام صادق ع است و در تحصیل علوم گوناگون کوشش نموده و با عنوان قارئ فقیه،متکلم،شاعر،ادیب،توصیف شده است.

زراره با اینکه در چند علم وارد بود و مخصوصا"در علم کلام و عقائد استاد بزرگواری

۱- ۱) بکتاب تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام و کتب رجال مراجعه شود.

بوده است که متکلمین شیعه شاگردان او بوده اند (۱)ولی بااینحال، گستردگی دانش او در فقه و تسلط او بر احادیث و آشنائی او با احکام گوناگون فقهی سبب شهرت او به فقه و حدیث و تحت الشعاع قرار گرفتن دیگر علوم او گردیده است.

زراره آنچنان وجهه بزرگی داشت که جمیل بن دراج(که محضر و مجلس او، بسیار باشکوه بود)درباره اش می گوید:بخدا ما در اطراف زراره آنچنان بودیم که بچه ها در اطراف معلمشان هستند.

خدمت و تلاش او در راه احیاء مکتب اهل البیت ع تا جائی رسیده که امام صادق ع درباره اش فرموده است:هیچ کس را نمی یابیم که یاد ما را زنده کرده باشد و احادیث پدرم را احیاء نموده باشد جز زراره و ابا بصیر مرادی و.....

و همچنین امام صادق ع فرموده اند(اگر نبود زراره همانا می گفتم که احادیث پدرم از بین خواهد رفت)و با این بیان رسا نقش زراره را در حفظ آثار امام پنجم باقر العلوم علیه السّلام حیاتی میشمارند.

آنقدر زحمات طاقت فرسای او در راه نشر احادیث و جمع و تنظیم آنها موجب خشم دشمنان گردیده بود که بر علیه او توطئه ها می نمودند و بر او ضربه هائی وارد، می ساختند و مورد اتهام قرار می دادند ولی با حمایت های امام صادق علیه السلامو تمجیدهائی که از او می نمودند مقام او در میان شیعه بسیار بلند گردیده است،او تصنیف هائی دارد که از آن جمله است کتاب الاستطاعه و الجبر.

محمد بن السائب

از علماء بزرگ تفسیر است و کتاب بزرگی در تفسیر نوشته که در زمان او تفسیری طولانی تر از او نبوده است و او از مخصوصین به امام باقر ع و امام صادق است (۲)

۱- ۱) الامام الصادق و المذاهب الاربعه ج ۱ ص ۴۵۰

۲- ۲) تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام ص ۳۲۵

عبد اللّه(عبید اللّه)بن علی بن شعبه الحلبی

از خاندان بزرگی از شیعه است و در میان آن خانواده بزرگترین شخصیت را دارا بوده است و کتاب بزرگی در فقه نوشت و بر امام صادق ع عرضه کرد و حضرت آنرا تصحیح نمودند و فرمودند اینها(عامه)در فقه مثل چنین کتابی ندارند.

ملاحظه می فرمائید این صحابی بزرگوار امام صادق،چقدر کتابش نفیس و ارزنده بوده است که امام صادق ع آنرا وجه امتیاز شیعه و سربلندی انان دانسته اند.

هشام بن محمد بن السائب الکلبی

از علماء مشهور و داناترین علماء در مورد تاریخ و نسب ها است و در مدت سه روز قران را حفظ نمود (۱)او بعلت مرضی دچار فراموشی شد و بخدمت امام صادق ع رسید و حضرت کاسه ای به او دادند و نوشید،علم او بازگشت،و از ان حال فراموشی خارج گردید.

او از حفّاظ حدیث است و کتابهای فراوانی بیش از یکصد و پنجاه کتاب (۲)نوشته است.

امام صادق ع باو عنایت خاصی داشتند و او را نزدیک خود می نشانیدند و با او با، چهرهٔ باز صحبت می کردند.

لوط بن یحیی(ابو مخنف)

که بنظر نجاشی از اصحاب امام صادق ع است چهره ای درخشان و شخصیتی است مورد وثوق و اعتماد محدثین،و در میان اصحاب ائمه از ویژگی فراوانی تألیف کتاب برخوردار است.

در فهرست ابن الندیم بیش از چهل کتاب از نوشته های او یاد میکند و طبری در تألیف کتاب تاریخ کبیرش،عمده از کتابهای این دانشمند گرانقدر بهره جسته است (۳).

۱- ۱) قاموس الرجال ج ۹ ص ۳۶۴ بنقل از تاریخ بغداد

۲- ۲) تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام ص ۲۳۹

۳- ۳) تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام ص ۲۳۶

محمد بن ابی عمیر

از چهره های بارز شیعه و از موثق ترین محدثین می باشد و محرم اسرار و مرجع بزرگان شیعه بوده است.در ورع و عبادت برترین چهره را داشت.

کتابهای فراوانی نوشته که با رقم ۹۴ تعیین شده است (۱)او بزندان خلفای بنی العباس گرفتار شد و خواهرش کتابهای او را دفن نمود که بدست ستمگران نیفتد ولی رطوبت زمین آنها را خراب نمود.

عده ای از بزرگان،او را از اصحاب امام علی بن موسی الرضا و جواد الائمه علیهما السّلام می دانند ولی صاحب کتاب تهذیب المقال در کتاب طبقاتشان(که مخطوط است)با دلائل خاصی ایشان را از اصحاب امام صادق علیه السّلام بشمار آورده اند.

محمد بن مسلم

در علم و دانش و اطاعت از دستورات الهی و شایستگی روحی به حدی بوده که او را بعنوان مثل برای این ارزشها یاد می کردند و به او مثل می زده اند و با عنوان افقه النّاس و اورع النّاس تعریف شده است.

از امام باقر علیه السّلام ۳۰۰۰۰(سی هزار)حدیث و از امام صادق ع ۱۶۰۰۰ حدیث نقل کرده است و کتابی دارد بنام الاربعماه مسئله فی ابواب الحلال و الحرام.

او کسی است که امام صادق ع به عبد اللّه بن ابی یعفور اجازه دادند که مسائلی را که میخواهد،از او سئوال نماید و او یکی از اصحاب اجماع است.

ابو حمزه الثمالی

چهرهٔ درخشان،در میان اصحاب ائمه است و از زمان امام علی بن الحسین ع تا زمان پیشوای هفتم امام کاظم،در محضر چهار امام بزرگوار کسب فیض نموده است.آنقدر عظمت علمی و تقوائی و معنوی دارد که نه تنها شیعیان او را بزرگ می شمارند بلکه پیشوایان عامه همانند ترمذی،ابن ماجه،نسائی،احادیث

۱- ۱) معجم رجال الحدیث ج ۱۴ ص ۲۹۷

او را نقل می کننـد و مورد اعتماد قرار می دهنـد و شـهره عمومی او در میان شیعه بوسـیله دعای عظیم الشأن سـحر ماه رمضان است که بدعای ابو حمزه ثمالی مشهور گردیده است.رضوان اللّه تعالی علیه

جابر الجعفی

از اصـحاب امام باقر و امام صادق علیهما السّـلام است و از محدثین بزرگ میباشد و یکصد هزار حدیث از حفظ داشته است و در برابر اجتهـاد ابی حنیفـه کـه متکی بـه رای و قیـاس بـود،خطر بزرگی به شـمار می رفت و لـذا بر علیه او دشـمنی فراوان می نمودند.

او کتابی در تفسیر دارد و شیخ طوسی یک اصل از اصول را باو نسبت داده است.

ابو بصیر مرادی

او نامش لیث بن البختری است و امام باقر بشارت بهشت باو داده اند و امام صادق ع درباره او و سه نفر دیگر فرمود:بشارت ده خشوع دارندگان را به بهشت برید بن معویه عجلی و ابو بصـیر لیث بن البختری المرادی و محمد بن مسـلم و زراره،چهار نفری که نجیبند و امناء خدا بر حلال و حرام اویند،اگر نبودند اینها آثار نبوت قطع می شد و کهنه می گشت.

ابو بصیر از فقهاء بزرگ و از اصحاب اجماع است.

عبد الملک بن اعین

از چهره های شـگفتی آفرین می باشد زیرا با آنکه از چهره ها و شخصـیت های بسـیار محکم در تشـیع بوده تا جائیکه ابو داود دربـاره اش می گویـد:هو من اعتی الشّیعه(یعنی او از سـرکش ترین شـیعه ها است)و دیگری از عامه درباره او با کمال وقاهت میگوید....اینها سه برادرند عبد الملک و زراره و حمران که همه آنها رافضـی هسـتند و خبیث ترین!!آنها در گفتار عبد الملک است (۱)ولی با اینحال،عامه و بزرگانشان حدیث او را مورد اعتماد قرار داده اند و درباره اش با

۱- ۱) تهذیب التهذیب ابن حجر عسقلانی ج ۶ ص ۳۸۵ و ۳۶۶

کلمه(بسیار راستگو)اظهارنظر کرده اند (۱)

و حتی بخاری و مسلم و ابو داود و ترمذی و ابن ماجه و نسائی حدیث از او نقل کرده اند آری بسیار عجیب است کسی را که از نظر داشتن تشیع دشمن میداشته اند،در برابر ایمان و صداقت و درستی او تعظیم کنند و حدیثش را نقل کنند و بسیار راستگویش بخوانند.

او از حفاظ حدیث و در پیشگاه امام صادق ع از مقام خاصی برخوردار بود و در وقت وفاتش امام درباره اش دعا فرمودند.

هشام بن الحکم

او قبل از آنکه بمحضر امام صادق و شاگردی آنحضرت مفتخر گردد راه و عقیده غیرصحیحی داشت ولی با ارشاد امام صادق ع براه حق هدایت گردید و از چهره های درخشان و بااخلاص و قوی الایمان گردید.

در فلسفه و کلام از قهرمانان بزرگ و در علم فقه،تفسیر،عرفان،حدیث چهره ای تابناك بود و ابن الندیم در کتاب الفهرست، ۲۵ کتاب از تألیفات او ذکر کرده است (۲)

او اولین کسی است که در علم اصول کتاب نوشته و پیشگام در تألیف اصولی بشمار می آید (۳)

عظمت علمی و فکری او با قدرت مناظره و جدل همراه بود و لذا مخالفین و دشمنان را به گفته هائی واداشته که پرده از یک نبوغ فوق العاده عظیم برمیدارد.مثلا" هارون الرشید درباره اش میگوید:زبان هشام در دل مردم بیش از هزار شمشیر اثر می گذارد.

ملاحظه نمائید که قدرت مناظره و مباحثهٔ هشام چگونه هارون الرشید را بوحشت انداخته و میگوید:هزار شمشیر برّان نمیتواند باندازهٔ زبان هشام دلها را بشکافد و در عمق آنها جای بگیرد.

هشام،قدرت فکری و علم فراوان خود را در خدمت اهل البیت ع بکار میگرفت

۱- ۱) التقریب ابن حجر عسقلانی ص ۲۴۹

۲- ۲) الامام الصادق و المذاهب الاربعه بنقل از ابن الندیم

۳- ۳) تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام ص ۳۱۰

و در دفاع از تشیع با کمال صراحت و قاطعیت می گفت و بحث میکرد تا جائیکه امام صادق ع باو فرمود(یا هشام لا زلت مؤیّداً بروح القدس)هشام نه تنها عالمی بزرگ بلکه معلمی نیرومند بود که عده زیادی را فیض بخشیده و بحقائق دینی آشنا ساخته است و آنها از او حدیث نقل می نمایند.و ما برای اینکه از برنامه کتاب(که بنا گذاشته ایم فشرده باشد)خارج نشویم از این اعجوبهٔ روزگار و مدافع صمیمی تشیع و ولایت،بهمین مقدار شرح حال بسنده می کنیم و در میگذریم.

مؤمن الطاق

محمد بن علی بن النعمان البجلی مشهور به مؤمن الطاق که دشمنان اهل البیت او را به شیطان الطاق ملقب نموده بودند و گفته شده که این نام گذاری از جانب ابو حنیفه انجام گرفته در هنگامی که مؤمن الطاق در یک مناظره، با خوارج،بر انها پیروز گردید و ابو حنیفه او را به شیطان الطاق نامید.

او مردی فصیح و بلیغ و نیرومند در مجادله بود و در علم کلام و عقائد دارای حذاقت، و مهارت بود و از حاضرجوابی خود در بحث های اعتقادی بهره می جست.

او با اینکه شغل تجارت داشت ولی با نبوغی که خدا باو عنایت کرده بود به کسب علوم پرداخت و در علم فقه،کلام،حدیث،شعر به مقام بلندی رسید تا جائیکه او را کثیرالعلم خوانده اند.

علم و نبوغ خود را که می توانست در خدمت حکومت و خلفای حاکم بر جامعه قرار، دهد آزاد نگهداشت و در خدمت حق و حقیقت بکار گرفت و در حمایت از مکتب اهل البیت با صراحت و قاطعیت تلاش نمود و در این راه آزارهای فراوان دید.

او کتابهای متعددی نوشته است با این تفصیل:

۱-کتاب الامامه

۲-کتاب المعرفه

۳-کتاب الرد علی المعتزله فی امامه المفضول

۴-کتاب فی امر طلحه و الزبیر و عائشه

۵-کتاب اثبات الوصیه

۶-کتاب افعل و لا تفعل

۷-کتاب المناظره مع ابی حنیفه

جابر بن حیان

او همانست که بعلم کیمیا(شیمی)شهرت جهانی دارد و آزمایشهای فراوانی در زمینه کیمیا داشته و به مطالب زیادی در ضمن این آزمایشها دست، یافته است و اثار او در این علم فراوان است تا جائی که ۵۰۰ رساله در علم کیمیا(شیمی)تألیف نموده است و بعضی از آثار او به همه زبانهای مشهور دنیا ترجمه گردیده و مورد استفاده دانشمندان شیمی قرار گرفته است.

جابر بن حیان گرچه شهرت جهانی به شیمی دارد ولی در علوم گوناگون وارد بوده و چنانچه ابن الندیم می گوید کتابهائی درباره آنها نوشته است.

چهره تابناک جابر بن حیان در حوزه علمی امام صادق ع و مطالبی که در زمینه شیمی از امام صادق ع فراگرفته است و بنام پدر شیمی نامیده شده،سندی بزرگ بر گستردگی حوزهٔ علمی امام و افتخاری عظیم برای جهان تشیع است.

فضیل بن یسار

از مردان بسیار شایسته و از فقهاء و محدثین عالیمقدار و از اصحاب اجماع می باشد.دو پسر او بنام قاسم و علاء و نوه او بنام محمد بن قاسم همه از بزرگان و موثقین اصحاب بوده اند.

جمیل بن دراج

یکی از اصحاب اجماع و از فقهاء و زهاد و عباد بوده و فراوان نقل حدیث مینموده است و شاگردان و راویان متعددی از محضر او استفاده می نموده اند.

او کتابهای متعددی نوشته و از جمله،یکی از اصول اربعمأه از نوشته های اوست.

و در یک کلام،علم و تقوی و عمل صالح را در حد بسیار ارزنده و بالائی در وجود خود جمع نموده است.

حمران بن اعین

از دانشمندان بزرگ و عالم به علوم قرآن،فقه،لغت،نحو،کلام بود

ص: ۱۹۷

و امـام بـاقر ع دربـاره اش فرموده انـد:حمران از مؤمنين راستين است و هرگز از راه حق برنمی گردد و اين تعبير امـام يک خبر غيبی درباره ايمان غيرقابل زوال- حمران می باشد.

ابان بن عثمان

از فقهـاء بزرگوار و از اصـحاب امـام صـادق عليه السّـلام است،جزء مؤلفين كتب و صاحب يكی از اصول اربعماه می باشـد.او علاوه بر اينها شاگردانی داشته كه از او نقل حديث می نمايند و ضمنا"از اصحاب اجماع نيز می باشد.

بريد بن معاويه عجلی بجلی

از فقهـاء بزرگوار و از حـاملين حـديث و از گروه شـش نفری است كه دربـارهٔ انهـا با كلمه افقه النّاس تعريف شـده و همچنين روايات متعددی در مدح و ستايش او رسيده است.

او از چهره های درخشانی است كه در نشـر مكتب اهل البيت عليهم السّـلام گام های بلندی برداشته و يكی از كسانی است كه امام صادق ع درباره انها فرمود محبوبترين مردم نزد من هستند.

امام صادق عليه السّلام او را از امناء الهی در حلال و حرام خدا شمرده اند.

و او از نويسندگان و مؤلفين كتب،در ميان اصحاب امام صادق ع است.

بكير بن اعين

برادر زراره و از شايسـتگان خاندان عظيم القدر آل اعين است و در خدمت امام باقر و امام صادق عليهما السّلام به كسب فيض نائل گشته است.

امام صادق ع در هنگام وفات او فرمودند كه خداوند او را بين رسول اللّه ص و امير- المؤمنين ع فرود اورد.

حمزه بن الطيار

از دانشمندان فقه و كلام است و بحث های زيادی با دشمنان اهل البيت، داشته و از طرف ائمه مورد ستايش قرار گرفته است.

سایر اصحاب امام صادق ع

ما با ذکر نمونه ای از شاگردان حوزه علمیه امام صادق ع مقداری باعمق و گستردگی و عظمت حوزه امام آشنا شدیم ولی هنوز چهره های بارز و باعظمتی هستند که شایسته است به علم و دانش و کتابها و آثارشان اشاره نمائیم.همانند حماد بن عثمان،حماد بن عیسی،هشام بن سالم جوالیقی،حسین بن نعیم صحاف،عمار ساباطی،حسن بن جعفر(نوه امام مجتبی ع)عبید بن زراره،صفوان بن مهران،عبد اللّه بن بکیر،حسین بن عثمان بن شریک عامری،علی بن یقطین و.....

ولی بمنظور جلوگیری از طولانی شدن کتاب بهمین مقدار اکتفا می نمائیم.

او«امام صادق علیه السلام»توجه کامل به دانشهای عصر خود داشت و در حقیقه،او اوّل کسی است که مدرسه های مشهور فلسفی را پایه گذاری نمود و نه تنها فقهاء و پایه گذاران مذاهب فقهی، در محضرش حاضر می شدند،بلکه از دورترین نقاط،طالبان فلسفۀ متفلسفان بمحضرش می شتافتند.

سیّد میر علی هندی

ص :۱۹۹

امام صادق علیه السّلام از زبان مخالفین اسلام و بزرگان عامه

منصور دوانیقی

همانا جعفر از کسانی بود که خدا درباره آنها فرموده (ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا) او از کسانی بود که خدا انها را برگزیده و از پیشگامان در کار نیکو بود.

مالک بن انس(پیشوای مالکی ها)

هیچ چشمی ندیده است و هیچ گوشی نشنیده است و بقلب کسی خطور نکرده است بهتر از جعفر بن محمد الصادق،از نظر علم و عبادت و پرهیزکاری.

ابن ابی العوجاء

این بشر نیست،اگر در دنیا موجودی روحانی باشد که هرگاه بخواهد بصورت جسم دراید و هرگاه بخواهد بصورت روح درآید پس او همینست و اشاره کرد به امام صادق علیه السلام.

شهرستانی(صاحب کتاب ملل و نحل)

جعفر بن محمد الصادق،مردیست صاحب علم فراوان و ادب کامل و حکمه و زهد در دنیا و پرهیز کامل از خواسته های نفسانی،مدتی در مدینه اقامت جست و شیعیانی که بسویش میامدند فائده میرسانید و بدوستانش اسرار علوم را میبخشید و سپس وارد عراق شد و مدتی در آنجا اقامت جست،هرگز گرد خلافت و امامت نگشت و با کسی در خلافت نجنگید زیرا کسی که در دریای معرفت و شناخت غرق شده است،هرگز در شطّ،قرار نخواهد گرفت و کسیکه به بلندی حقیقت رسیده، از فرو افتادن هراسی ندارد.

محمد بن طلحه شافعی

جعفر بن محمد ع از علماء اهل البیت و بزرگان آنها است.او دارای علم فراوان و عبادتی بسیار و دعاهائی پی درپی و زهدی روشن و تلاوتی زیاد است.

از دریای قرآن گوهرها استخراج مینماید و شگفتی های آنرا بدست می آورد...

ص: ۲۰۰

دیدار او انسانرا بیاد قیامت میاندازد و شنیدن سخنان او موجب زاهد شدن در، دنیا می باشد و پیروی از رهنمودهای او انسانی را به بهشت میرساند.....

گروهی از بزرگان و شخصیت های امت از او بهره علمی برده انـد و باین بهره گیری افتخار نموده انـد،همانند یحیی بن سعید انصاری،ابن جریح و مالک بن انس(آنگاه بـدنبال این اسم ها نامهای دیگری را ذکر می کنـد از بزرگان عامه که، شاگردی امام را نموده اند)

عبد الرحمن بن محمد الحنفی البسطامی

جعفر بن محمـد،که علمـاء بر در خانه اش ازدحام نمودنـد و برگزیـدگان،از چراغـدان انوار او نور گرفتنـد،او در هفت سالگی زبان به بیان اسرار و مشکلات علوم می گشود و علوم حقیقت را بیان می داشت.

ابو بحر جاحظ

جعفر بن محمد کسی است که علم و فقه او دنیا را پر کرده است.

ابو حنیفه

لو لا السّنتان لهلک النّعمان(اگر دو سال بهره گیری من از امام صادق ع نبود همانا هلاک می شدم).

ما رایت افقه من جعفر بن محمّد(از جعفر بن محمد هیچ کس را فقیه تر ندیدم)

السید میر علی هندی

او توجه کامل بدانشـهای عصـر خود داشت و در حقیقت او اول کسی است که مدرسه های مشهور فلسفی را پایه گذاری کرد و نه تنها فقها و پایه گـذاران مذاهب فقهی،در محضـرش حاضـر می شدند،بلکه از دورترین نقاط،طالبان فلسـفه و متفلسـفان،به محضرش می شتافتند.

احمد امین

امام جعفر از بزرگترین شخصیت ها،در زمان خود و بعد از زمان خود بود.

ص: ۲۰۱

عبد العزیز سید الاهل

جعفر بن محمد پیشوائی بود که افتخاری برای همه مسلمین است و هرگز این افتخار از بین نخواهد رفت تا قیام قیامت برای هرروز و دوره ای فریادی رسا دارد به زهاد زهد میاموزد و به دانشمندان علم می بخشد و پریشان روحیه ها را، هدایت می کند و درماندگان گرفتار را شجاعت می بخشد.

بنیان ستم را خراب می نماید و سرای عدالت را بنا می نهد و به همه مسلمین ندا میدهد که،ای مسلمین همه بیائید و اجتماع کنید(و تفرق را بکناری بنهید)

سید محمد صادق نشأه،استاد دانشکده آداب در الازهر مصر

خانه جعفر الصادق مثل دانشگاهی بود که همیشه بوسیله علماء بزرگ در، فن حدیث،تفسیر،حکمت،کلام اراسته می شد،اغلب اوقات دو هزار نفر و گاهی چهار هزار نفر از علماء مشهور در درس او حاضر میشدند،شاگردان او از حدیثها و درسهای او کتابهائی تألیف نمودند که بمنزله دائره المعارفی است، برای مذهب شیعی جعفری.

و اینها تنها نمونه ای بود،از کلمات بزرگان عامه و دیگر مخالفین در تمجید از مقام منیع و مقدس امام صادق ع،محور بزرگترین حوزه های علمی جهان اسلام.

جعفر بن محمد پیشوائی بود که افتخاری برای مسلمین است و هرگز این افتخار از بین نخواهد رفت تا قیام قیامت، برای هرروز و دوره ای فریادی رسا دارد،به زهّاد زهد می آموزد و به دانشمندان علم می بخشد و پریشان روحیه ها را هدایت می کند و درماندگان گرفتار را شجاعت می بخشد...

عبد العزیز سیّد الأهل

ص :۲۰۲

حوزهٔ علمی امام کاظم علیه السّلام

اشاره

برای آشنائی با خدمات علمی و تلاشهای امام هفتم علیه السّلام و چگونگی آنها،در ابتدا توجهی اجمالی به شرائط و ویژگیهای دوران امامت آنحضرت نموده و سپس نمونه ای از آثار علمی و شاگردان آنحضرت و ستایش هائیکه دیگران دربارهٔ آن امام معصوم و عالم نموده اند،را نقل مینمائیم.

شرائط اجتماعی ویژگیهای دوران امام کاظم علیه السّلام

بررسی اوضاع حکومت عباسی و قیام هائیکه بر علیه آن انجام شده و موقعیت سیاسی-اجتماعی مسلمین در آن دوران حساس از تاریخ اسلام و تشیع،و خصوصیات دوران امامت امام کاظم علیه السلامفرصتی زیاد و تلاشی گسترده می طلبد که بعلت پرهیز از طولانی شدن بررسی و بحث دربارهٔ حوزه های علمیه،به سرفصلها اکتفا نموده و کلیاتی از آن اوضاع و موقعیت ها را یاد مینمائیم بدینترتیب:

۱-دوران امامت حضرت،همزمان با حکومت چهار خلیفهٔ عباسی یعنی:منصور دوانیقی،مهدی عباسی،موسی بن المهدی(هادی عباسی)و هارون- الرشید بوده است.

۲-در آن زمان،استبداد شدیدی حکومت می کرد و خودکامگی،در اوج خود بود و یک بلیّهٔ عمومی بشمار می رفت.تا جائیکه،وقتی عبد الرحمن بن زیاد آفریقائی می خواست با منصور دوانیقی ملاقات کند ولی یکماه معطل شد و پس از آن،به دیدار منصور رسید،منصور دوانیقی از او پرسید انگیزهٔ تو برای ملاقات با من چیست؟گفت آمدم که تو را از ستم هائی که در شهرهای ما روا داشته می شود خبردار کنم،ولی دریافتم که ظلم و ستم،از خانهٔ تو خارج میشود و گمان میکردم که کارهای زشت و ظلم های فراوانی که می دیدم برای این است که فاصلهٔ شهرها با تو زیاد است ولی اکنون دریافتم که هرچه فاصله کمتر می شود،ظلم و فساد بیشتر است...

منصور دوانیقی دستور اخراج او را صادر کرد،ولی او در نوبتی دیگر مجددا به نزد منصور آمد و منصور از او سئوال کرد که،آیا حکومت من در مقایسهٔ با حکومت

بنی امیه چگونه است؟گفت هیچ ستمی را در حکومت آنان ندیدم جز آنکه همانند آنرا در حکومت و قدرت تو مشاهده کردم.... (۱)

و اینگونه بود حکومتی که ادعا میکرد برای برطرف کردن ظلم بنی امیه بر سر کار آمده است ولی تا به این حد از ظلم و ستم رسیده بود.

۳-علماء و سادات علوی مورد شدیدترین خصومت ها و کینه توزیهای خلفاء عباسی بودند تا جائیکه هارون با قساوت تمام گفت:بخدا قسم آنها(علویین)را می کشم و شیعیان آنها را به قتل می رسانم (۲).

آری عباسیان،گویا دشمنی بالاتر از فرزندان رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم نمی شناختند که بطور شگفتی آفرین آنها را می کشتند،زندانی میکردند و یا از خانه و زندگیشان آواره می نمودند.

چه بسیار از سادات که در علم و عبادت و زهد و تقوی نمونه بودند و بدست جلادان عباسی به شهادت رسیدند و چه فراوان بودند،ذریه های رسول خدا که بصورت دسته جمعی در زندانها گرفتار گشتند و در نهایت،شربت شهادت نوشیدند.

۴-حکومت عباسی نه تنها به ظلم و ستم روی آورده بود،بلکه در عیش ونوش و اسراف و تبذیر و ولخرجی،غوغا می کرد و چه بسیار بودجه ها،که صرف مجالس شب نشینی و آوازه خوانی می گشت و چه بسیار مخارج سنگینی که برای مهمانیهای گسترده و خلاف اسلام،در نظر گرفته میشد (۳).

۵-حکومت عباسی از ارزشهای دینی و وابستگی به رسول اللّه صلّی الله علیه و آله و سلّم دم میزد و به علماء و فقهاء دینی توجه مینمود و خلفاء عباسی سعی میکردند که کارهای خود را در نظر مردم اعتبار دینی ببخشند و بدین منظور و باتوجه به سیاست مستبدانهٔ خود برای کسب قدرت،از دانشمندانی ترویج میکردند که بسیاری از عقاید باطله و فتواهای خلاف حق را در جامعهٔ اسلامی مطرح میساختند و بنام

۱- ۱) -حیاه الامام موسی بن جعفر علیه السلامج ۱ صفحه ۴۲۶

۲- ۲) -حیاه الامام موسی بن جعفر علیه السلامج ۲ صفحهٔ ۷۴

۳- ۳) -به کتاب ارزشمند حیاه الامام موسی بن جعفر علیه السلامج ۱ و ۲ مراجعه شود

دین و اسلام چه بسیار بدعتها و گمراهیها که دامنگیر ملت اسلام گردید.

۶-مجموعهٔ این شرائط،کار را بر امام موسی کاظم علیه السلامسخت کرده بود و ارتباط شیعیان و علماء و دانشمندان،با آن حضرت با مشکلات زیادی همراه بود و لذا در اولین روزهای امامت آنحضرت،شیعیان برای شناختن امام خود،با خطرهای جدی در حد مرگ و کشته شدن مواجه بودند ولی با کمال صداقت و ایمان و شجاعت راه خود را شناختند،و با امام خود ارتباطات لازم را برقرار ساختند.

نقطهٔ قوت

ولی با این حال،نقطهٔ قوت بسیار عظیمی برای دوران امامت انحضرت وجود داشت که آن،وجود حوزهٔ علمیهٔ گسترده و غنی امام صادق بود و آنهمه علمای برجسته و عظیم الشأن که در محضر امام صادق علیه السلامتربیت یافته بودند و براستی با مکتب اهل البیت علیهم السّلام اشنائی داشتند و از نظر برنامه های تاکتیکی کاملا"اگاه و آزموده بودند و روشهای تقیه را از درسهای امام صادق علیه السلام و نیز در مقام عمل،دریافته بودند،همه نقطهٔ قوت آن دوره بودند زیرا امام علیه السلامباوجود چنین یارانی می توانستند تلاشهای خود را به ثمر برسانند و بصورت تقیه ای حوزه ای پربار و پرثمر بوجود آورند که تا امروز ثمرات آن را در تاریخ تشیع و مراکز علمی شیعه می یابیم.

امام کاظم علیه السّلام در آن محیط خفقان و دوران وحشتناك که هرنوع خطر جانی را بدنبال داشت با استفاده از لیاقت و آزمودگی اصحاب برجستهٔ پدر بزرگوار خود،حرکت علمی حوزهٔ امام صادق علیه السلامرا تداوم بخشیدند و در زمینهٔ علوم گوناگون به تعلیم و راهنمائی و تربیت شاگردان پرداختند و با مبارزه ای- خستگی ناپذیر،حوزهٔ علمی بابرکت و پربار خود را که تداوم حوزهٔ امام صادق علیه السلام بود همراه با تقیه،زعامت و هدایت نمودند.

آثار علمی امام کاظم علیه السّلام

اشاره

کوششهای علمی امام کاظم علیه السّلام که به صورتی گسترده ولی با

ص :۲۰۵

روشهای خاص(مناسب با شرائط آن دورهٔ خفقانی)انجام می گرفت را میتوان به چند بخش تقسیم نمود بدین صورت:

۱-دفاع از عقائد حقه و مبارزه با اندیشه های باطل

حکومت عباسی و عالم های وابسته و دانشمندان ملحد و منحرف،افکار غلط و دور از حقیقتی را در جامعهٔ اسلامی مطرح ساخته بودند که هرکدام،به نوعی ضدیت با اسلام و انحراف از فرآورده های قرآنی داشت و بدعت در عقائد اسلامی محسوب می گشت و امام هفتم علیه السلامبیانات جالب و درسهای خود را در رد این عقاید مطرح میساختند و با دلائل روشن و قوی به مقابله با آن- اندیشه های فاسد برمی خاستند که نمونهٔ این بخش،گفتار امام علیه السّلام در رد و ابطال اندیشهٔ حرکت کردن خدا،اعتقاد به جسمانیت پروردگار، اعتقاد به جبر،و نیز سخنان امام در تفسیر علم الهی،ارداه اللّه،مشیه اللّه ارادهٔ تکوینی و تشریعی،مسئلهٔ بداء،ایمان به اللّه و.....می باشد

۲-رسالهٔ مفصل امام علیه السّلام دربارهٔ عقل

امام کاظم علیه السلامدربارهٔ عقل و فضیلت آن و آثار و برکاتی که برای انسان در بردارد،رسالهٔ مفصلی نوشته اند که از مهمترین ثروت های علمی است که به وسیلهٔ خاندان وحی در اختیار بشر حقیقت طلب قرار گرفته است و آنقدر از نظر محتوی،اعجاب انگیز است که فیلسوف بزرگ اسلام،صدر الدین شیرازی (ملاصدرا)را به ستایش و تحسین واداشته است و او را بر شرح نمودن این رساله تشویق نموده است.

ملاصدرا در تقریظی که بر این رساله نوشته،بیان می نماید که:

این حدیث مشتمل است بر بیان حقیقت عقل به معنی یاد شده(که مرتبهٔ چهارم از عقول چهارگانه ای است که در علم النفس بیان شده است)و در برگیرندهٔ معظم صفات و خواص و شایستگی های آن است.این حدیث،معارف ارزشمند قرآنی و مقاصد ارجمند الهی را دربر دارد و نظیر این مطالب در بسیاری از کتابهای عرفاء یافت نشده است و در پژوهش های علماء صاحب نظر و دقیق الفکر

ص: ۲۰۶

شبیه چنین مطالبی سابقه نـدارد جز در آن موارد که مطلبی از یکی از ائمهٔ اطهار و یا از رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم نقل شده باشد.

این حدیث،مشتمل است بر خطاب هایی(به هشام)که در هرکدام از آنها باب بزرگی از علم گشوده شده است و بعضی دربارهٔ علوم الهی و بعضی دیگر دربارهٔ آسمان و جهان و بخشی دربارهٔ علم فلکیات و بخشی دیگر دربارهٔ پیدایش ها و زایش ها و نیز برخی دربارهٔ علم النفس و برخی دیگر دربارهٔ تهذیب اخلاق و تطهیر نفوس از رذائل نفسانی،مقداری دربارهٔ سیاست های اجتماعی،مقداری دیگر در موعظه ها و نصیحت ها،شمه ای در علم زهد و مذمت دنیا و شمه ای دیگر دربارهٔ معاد و بازگشت بسوی خدا،فرازهایی دربارهٔ مذمت کافران و جاهلان و سوء عاقبت آنها و نیز دگرگونی آنها و تغییرشان بحالت چهارپایان،که بینائی و شنوائی و گویائی خود را از دست داده اند چون تعقل ندارند....

بلی،فیلسوف بزرگ،ملاصدرای شیرازی به درستی قضاوت کرده است زیرا او کتابها و نوشته های گوناگون را مطالعه و بررسی کرده،گفته ها و خطابه های مختلفی را تجزیه و تحلیل کرده،اندیشه ها و افکار بزرگترین اندیشمندان بشری (اعم از اسلامی و غیراسلامی)را مطالعه نموده،و پس از آن:حکم کرده که مطالب و فرآورده های این حدیث شریف،بی همتا و بی نظیر است و در تلاشهای علمی و کوششهای فکری چهره های بزرگ اندیشه و تحقیق،نظیر آن یافت نشده است.

و چنین رساله ای است که می تواند شخصیت برجسته و والائی همانند هشام بن حکم(شاگرد ممتاز امام صادق ع)را به محضر امام کاظم جذب کند و او را از یاران آنحضرت قرار دهد.

۳-روایات و احادیث امام علیه السّلام ،حامل علوم گوناگون

شاگردان و یاران امام کاظم بدنبال سؤالهای حضوری یا کتبی و در فرصتهای گوناگون،حقایق ارزشمندی را از آن حضرت دریافت میکردند و ضبط مینمودند و

بعنوان حدیث،برای آیندگان به یادگار می گذاشتند،که از سرمایه های علمی، بحساب می آید،این مطالب که در ضمن احادیث و اخبار اهل البیت علیهم السّلام بدست ما رسیده،دربارهٔ موضوعات گوناگون و در زمینه علوم مختلفی همانند حکمت، کلام،فقه،تفسیر،اخلاق،تربیت(آنهم در بخشهای گوناگون)،قواعد و احکام اجتماعی و....می باشد و دلیلی روشن،بر گسترش و وسعت میدان فعالیت علمی در محضر امام موسی کاظم علیه السّلام می باشد و همین گفته ها و حکمت ها و دانش ها بوده که در آن شرائط سخت و خفقانی،طالبین علم و ادراک حقیقت را به محضر امام علیه السلامسوق میداده و آنها را به کسب فیض(با تمام خطراتی که بدنبال داشته)وادار مینموده است.

۴-مناظرات و احتجاجات

امام هفتم علیه السلامدر پیکارهای علمی و درگیریهای سخت اعتقادی و سیاسی، گام نهادند که برخی،در برابر علماء یهود و نصاری و برخی دیگر در برابر علماء عامه و نیز مواردی دربارهٔ شخصیت های برجستهٔ سیاسی و قدرتمند و حاکم بوده است.این مناظره ها و پیکارهای علمی و اعتقادی و سیاسی که در زمینه های مختلف و در موارد گوناگون و در برابر چهره ها و شخصیت های مختلفی انجام گرفته است و همه به پیروزی حضرت و خضوع و انقیاد طرف مقابل انجامیده و چه بسا او را به تغییر مسیر اعتقادی و پذیرش اسلام واداشته است،نشانه ای بزرگ بر علم امام کاظم علیه السلامو سندی گویا بر تلاشهای علمی آنحضرت برای ترویج دین و مکتب اهل البیت،می باشد،از مناظرات جالب امام یکی با نفیع انصاری است که پس از شکست خوردن او در مناظره با آن حضرت،از شدت خجالت راه خود را نمیدید و دیگری با ابو یوسف،فقیه و دانشمند دربار هارون الرشید است که پس از گفتگوی مختصری و شکست ابو یوسف،خجالت و شرمندگی در قیافه اش ظاهر شد و گفت او مرا با سنگی زد که کله ام را از مغز شکافت،و نیز مناظره ای است که با هارون الرشید نمودند،در مسائل سیاسی آنروز و آنچنان شگفت آفرین بود که هارون الرشید را به تغییر حالت روحی و دگرگونی روانی واداشت،و همچنین

مناظرهٔ بسیار زیبائی بود که با بریهه (۱)داشتند و او را به مسلمانی سوق دادند و او اسلام اختیار کرد و نیز مناظرهٔ امام کاظم(در دوران کودکی آنحضرت) با علماء یهود که باسلام آوردن آنها انجامید (۲).

۵-دعاهای امام هفتم علیه السّلام

دعاهای زیادی از امام هفتم علیه السلام(که در عبادت و پرستش خداوند، برترین چهرهٔ زمان خویش را داشته اند)نقل شده که نه تنها می تواند وسیله ای مقدس در اختیار جویندگان راه ارتباط با خدا باشد،بلکه دریائی از معارف حقهٔ الهیه است و در بحث های علمی و اعتقادی می تواند مستندی قطعی بحساب آید.این دعاها،باتوجه به فصاحت و بلاغتی که دارد،میتواند انسان را در مهالک و شدائد و صحنه های گوناگون زندگی،با یک کشش طبیعی بسوی خدای بزرگ جذب کند و او را از پرتگاه یأس و ناامیدی به جایگاه امن رجاء و توکل،سوق دهد.

۶-موعظه ها و نصایح

باتوجه به نیاز انسانها عموما"و شیعیان و یاران امام خصوصا"،نصیحت ها

۱- ۱) بریهه یکی از علماء بزرگ نصرانی بود که برای آشنائی با حق،با جمیع فرق اسلامی ملاقات نمود و احتجاج کرد و به هدف خود نرسید،تا اینکه بهمراهی یکصد نفر از علماء نصاری،با هشام بن الحکم ملاقات کرد و مهمترین مسائل اعتقادی را به بحث گذاشت و هشام جواب او را داد،پس از آن بمنظور ملاقات با امام صادق علیه السلامحرکت کردند ولی قبل از آن،با امام کاظم علیه السلامملاقات نمودند و در آن دیدار،امام کاظم علیه السّلام با او به صحبت پرداختند و فصل هایی از انجیل را برای او با ترتیل خواندند و او ایمان آورد و اعلام کرد که اسلام بر حق است و امام از شجرهٔ نبوت،و بامام عرضکرد پنجاه سال است که تو یا مثل توئی را می طلبم..... ...(به کتاب حیاه الامام موسی بن جعفرع ج ۱ ص ۲۷۱ مراجعه شود).

۲- ۲) مناظرات امام کاظم ع در کتابهای بحار الانوار،اعیان الشیعه،احتجاج طبرسی،تحف العقول و دیگر کتب حدیث و روایت و نیز شرح حالات امام هفتم ع آمده است.

و موعظه های بسیار رسا و باخلوص،از زبان امام شنیده شده که علاجی برای دلهای گرفتار و شفائی برای قلبهای بیمار،و راه نجاتی برای گرفتاران در چنگال هوی و هوس،می باشد و از بهترین یادگارهای امام هفتم بشمار می رود.

این موعظه ها و پندها در زمینه های گوناگون از قبیل:صبر،سکوت،عفو پرهیز از تنبلی و کسالت،میانه روی در زندگی،تفقه در دین و...می باشد و سرمایه ای بزرگ برای عهده داران امور تربیتی و اخلاقی بشمار میرود و از میراث های پرقیمتی است که امام هفتم ع بجای نهاده اند.

در پایان این بخش مناسب میبینم که حدیثی را از آنحضرت در تقسیم ساعات شبانه روز نقل کنم که حسن ختامی باشد برای این فصل.

اجتهدوا فی ان یکون زمانکم اربع ساعات،ساعه لمناجات اللّه و ساعه لامر المعاش و ساعه لمعاشره الاخوان و الثّقات الذّین یعرّفونکم عیوبکم و یخلصون لکم فی الباطن و ساعه تخلون فیها للذّاتکم فی غیر محرّم و بهذه السّاعه تقدرون علی الثّلاثه ساعات....

یعنی:تلاش کنید که اوقات شما چهار ساعت(بخش)باشد،یک بخش برای مناجاه با خدا و یک بخش برای کار زندگانی و معاش و یک بخش هم برای معاشرت و آمیزش با برادران و مردمان مورد اعتماد،که عیوب شما را به شما می فهمانند و در دل نسبت به شما خلوص دارند و بخشی از وقت شما برای لذت بردن از راه غیرحرام باشد و بوسیله همین قسمت می توانید توانائی پیدا کنید برای آن سه بخش دیگر(و این قسمت مربوط به تفریح حلال و درک لذائذ مشروع است که شما را برای انجام کوششهای عبادی و اقتصادی و اجتماعی آماده میسازد).

کوششهای علمی امام علیه السّلام در زندان

بخش مهمی از عمر مبارک امام کاظم علیه السّلام در زندان ستمگران عباسی سپری گردید و جامعهٔ اسلامی و شیعیان علاقمند به مکتب اهل البیت،از آثار و برکات علمی و تربیتی آنحضرت تا حدود زیادی محروم گشتند ولی با این حال

کوششهای علمی امام به شکل بسیار شگفتی ادامه یافت چنانچه روایت شده است که موسی بن ابراهیم مروزی،با امام ع در زندان ارتباط داشت و احادیثی را از آن حضرت شنید که آنها را در کتابی جمع آوری نمود (۱)و این کتاب،به نام مسند الامام موسی بن جعفر ع نامیده شده و نسخه ای از آن در کتابخانه عظیم (ظاهریه)در دمشق موجود می باشد (۲).

و همچنین ابو یوسف و محمد حسن شیبانی(دو مصاحب ابو حنیفه)در زندان ،به ملاقات امام ع آمدند برای آنکه علم حضرت را بیازمایند و در مسائل مهمه با امام بحث کنند و اندازه قدرت علمی امام ع را بشناسند،و در همان هنگام مأمور زندان بحضور امام آمد و عرضه داشت که نوبت مأموریت من تمام شده و قصد رفتن دارم،اگر کاری دارید یا چیزی میخواهید بگوئید تا در نوبت بعد که میآیم برای شما بیاورم،امام ع فرمودند حاجتی ندارم،پس از آن مأمور زندان رفت و امام رو به سوی ابو یوسف و رفیقش کردند و فرمودند من تعجب میکنم از این مرد که به من می گوید چیزی از او بخواهم که فردا برایم بیاورد و حال آنکه او امشب میمیرد.

در این هنگام ابو یوسف و محمد بن حسن شیبانی برخاستند بدون آنکه از امام سئوالی بکنند بیکدیگر گفتند ما آمده ایم که از واجب و مستحب از او سئوال کنیم و او با ما از راه علم غیب سخن میگوید،بخدا قسم کسی را بدنبال آن مرد میفرستیم تا حال او را جویا شود و ببینیم کار او به کجا می کشد،پس از آن شخصی را فرستادند که مراقب باشد و مطالب را گزارش دهد و آن شخص به سراغ خانه آن مأمور زندان آمد و مراقبت نمود،ناگاه صدای ناله و فریاد از خانهٔ مأمور زندان بلند شد و گفته شد که او مرده است،در این هنگام این شخص مراقب،به ابو یوسف و رفیقش جریان مرگ مأمور زندان را خبر داد و آنها با شنیدن این جریان برای دومین بار به محضر امام آمدند و گفتند ما میدانیم تو علم و دانش در مورد حلال و حرام داری ولی خبر مرگ آن مأمور را از کجا یافتی،امام فرمودند از آن باب علمی که رسول خدا

۱- ۱) رجال نجاشی ص ۲۹۱

۲- ۲) حیاه الامام موسی بن جعفر علیه السلامج ۲ ص ۳۳۱

صلّی اللّه علیه و آله به علی بن ابی طالب تعلیم فرمود (۱).

و همچنین از قسمتهای مختلف کشور اسلامی آنروز،شیعیان آنحضرت نامه هایی و سؤالاتی به محضر امام کاظم می فرستادند و آنحضرت پاسخ آنها را می دادند که نمونه آن ملاقاتی است که علی بن سوید،با امام داشت و نامه هایی را به محضر آنحضرت تقدیم نمود و امام علیه السلامپاسخ دادند و نیز آنحضرت در حالیکه گرفتار زندان بودند امامت فرزندشان را در لوحه هایی نوشته و به بیرون زندان فرستادند (۲)

علم امام به زبانهای خارجی و زبان حیوانات

باتوجه به یک حقیقت ارزشمند و اساسی و آن اینکه علوم ائمه اکتسابی نیست بلکه آنها با اتکاء به علم لدنی(علمی که از جانب خداوند به بندگان خاصش افاضه میشود)پرده از حقایق گوناگون برمیدارند،می توان بخوبی دریافت که،آنها به حقایق مهمی آگاهی دارند که برای دیگران دانستن آن مطالب مقدور نیست و بعنوان نمونه می توان از علم امامان بزبانهای مختلف(بدون کسب و تحصیل آن زبان)و بالاتر از آن،علم آنها به زبان حیوانات،نام برد،در- مورد امام کاظم علیه السّلام که دربارۀ علم و حوزه علمی ایشان بحث می کنیم، روایت هائی نقل شده که سندی گویا بر مطلب فوق می باشد،مثلا"نقل شده، که امام هفتم شخصی را مأمور خریدن یک کنیز از منطقۀ نوبه (۳)نمودند و آن شخص معروض داشت کنیزی سراغ دارم که بهترین کنیزان نوبه است ولی عیبی دارد و آن اینکه با شما نمی تواند سخن بگوید چون کلام یکدیگر را نمی فهمید، سپس امام ع تبسمی نمودند و فرمودند برو و آن را بخر،همان شخص می گوید وقتی کنیز را خریدم و آوردم امام علیه السلامبا زبان نوبی با او سخن گفتند.... (۴)

و نیز حدیث دیگری آمده است که غلامهائی از حبشه برای امام هفتم خریداری،

ص: ۲۱۲

۱- ۱) به کتاب بحار الانوار جلد ۴۸ ص ۶۴ و حیاه الامام موسی بن جعفر ع جلد ۲ صفحه ۴۹ مراجعه شود.

۲- ۲) حیاه الامام موسی بن جعفر ع جلد ۲ صفحه ۴۹۲-۴۹۳

۳- ۳) نوبه ایالتی است در شمال شرقی کشور سودان فعلی

۴- ۴) بحار الانوار ج ۴۸ صفحۀ ۶۹ و ۷۰

شـده بودند و امام ع با یکی از آنان به گفتگو پرداخت و آن غلام و دیگران همه به شـگفتی آمدند و پس از آنکه آن غلامان از خدمت امام خارج شدند بیکدیگر می گفتند این آقا بهتر از ما بزبان ما سخن میگوید.....راوی حدیث گوید:

آنگاه امام بمن فرمودند آیا به شگفتی آمدی از سخن گفتن من بزبان حبشی گفتم بله بخدا قسم،امام فرمودند تعجب نکن زیرا آنچه از کار من بر تو مخفی مانده شگفت آورتر است و آنچه از من شنیدی همانند قطره ای است که مرغی از دریا بگیرد....

امام همانند دریائی است که علمی که نزد او است تمام نمیشود و شگفتیهای او از شگفتیهای دریا بیشتر است (۱)و همچنین در حدیث دیگری آمده است که:

مردی خراسانی به خدمت امام هفتم رسـید و بنحوی سـخن گفت که همانند آن شنیده نشده بود و گویا کلام مرغی بود،سپس امام جواب او را دادند با همان لهجه و همان زبان تا آنکه گفتگوی امام با او تمام شد و رفت(راوی گوید)مثل چنین سـخنی تا بحال نشنیده بودم.امام فرمودند:این سخن از قومی از اهل چین است،سپس حضرت فرمودند آیا تعجب می کنی از سخن گفتن من بزبان او،گفتم بله این جای تعجب است،امام فرمودنـد خبر دهم بتو به مطلبی که از این قضـیه تعجب آورتر باشد،همانا امام میداند منطق مرغان را و منطق هرذی روحی را که خداوند آفریده است و هیچ چیز بر امام ع مخفی نیست (۲).

ص: ۲۱۳

۱- ۱) بحار الانوار ج ۴۸ صفحهٔ ۶۹ و ۷۰

۲- ۲) بحار الانوار ج ۴۸ صفحه ۷۰

ستایش ها،درباره علم امام کاظم علیه السّلام

اشاره

صاحب نظران بزرگ و اندیشمندان عظیم الشأن،جمله هایی شایستهٔ تقدیر،دربارهٔ علم امام هفتم علیه السّلام گفته اند که در آشنائی با مقام منیع آن امام بزرگوار مؤثر می باشد و نیز مخالفین مکتب تشیع و بسا دشمنان آنحضرت حقائقی را بازگو نموده اند که در معرفت به فضائل علمی آنحضرت نقش سازندهٔ دارد زیرا که گفته اند الفضل ما شهدت به الاعدأ (۱)

و لذا باتوجه به اختصاری که در نظر داریم،فقط چند نمونهٔ از آن ستایشها را نقل می نمائیم.

امام صادق علیه السّلام

فرزندم موسی شبیه عیسی بن مریم است،در او علم حکمت،فهم،سخاوت و آشنائی نسبت به آنچه مردم بدان نیاز دارند،وجود دارد....او بابی است از ابواب اللّه.

هارون الرشید

در گفتگوئی با فرزندش مأمون دربارهٔ امام هفتم گفت:فرزندم این، پیشوای مردم و حجه خدا بر آفریدگان و خلیفهٔ الهی بر بندگان خدا است...به خدا او نسبت به مقام رسول اللّه،شایسته تر از من و همهٔ مردم می باشد...او وارث علم پیامبران می باشد،این شخص موسی بن جعفر است و هرگاه دانش درست و حقیقی خواستی در نزد او خواهی یافت.

خیر الدین زرکلی

موسی بن جعفر....هفتمین امام،از دوازده پیشوای امامیه است،او از بزرگان بنی هاشم و از عابدترین مردم زمان خود و یکی از علماء بزرگ و دارای- بخشش بوده است.

۱- ۱) فضیلت آنست که،دشمن بدان شهادت و گواهی دهد

سید علی فکری

بعضی از اهل علم و دانش گفته اند:او امامی است عظیم القدر و یگانه و یکتا....آنقدر از دانش و دین فراهم نموده که بیش از آن نمیتوان فراهم نمود و بدست آورد.

دکتر زکی مبارک

موسی بن جعفر،آقائی از سادات بنی هاشم و پیشوائی مقدم و پیشتاز در علم و دین بود.

فضل بن حسن(شیخ طبرسی)

در میان همگان مشهور است که،ابو الحسن موسی،در میان اولاد امام صادق ع از نظر موقعیت،ارزشمندترین و از نظر دین،برترین و از نظر گفتار،شیواترین، مرتبه را دارا بوده است،او عابدترین و دانشمندترین و فقیه ترین مردم زمان خود بوده است

ابن حجر هیتمی

ابن حجر هیتمی (۱)

موسی کاظم،وارث پدرش،در علم و معرفت و کمال و فضیلت بوده و بنام کاظم نامیده شده،بدان سبب که گذشت و حلم او فراوان بوده است،در نزد اهل عراق به(باب قضأ حوائج النّاس عند اللّه)معروف می باشد و او بر تمامی اهل زمان خود،در عبادت و علم و سخاوت،برتری داشته است.

شیخ مفید

ابو الحسن موسی ع عابدترین و فقیه ترین و سخی ترین و کریم النفس ترین مردم دوران خود بوده است.

ص: ۲۱۵

۱- ۱) ابن حجر هیتمی صاحب کتاب الصواعق المحرقه،و او غیر از ابن حجر عسقلانی است،به کتب رجال و تراجم،از جمله ریحانه الادب و نیز مقدمهٔ (الصواعق المحرقه)و مقدمه تقریب التهذیب،بقلم عبد الوهاب عبد اللطیف مراجعه شود.

سید محسن امین عاملی(مؤلف اعیان الشیعه)

دانشمندان،از آن امام آنقدر در زمینهٔ فنون و اقسام دانش،اعم از علم دین و غیر آن،مطالبی نقل نموده اند که دفترها را پر نموده و در این مورد تألیفات فراوان بجای گذاشته اند،آنحضرت در میان راویان حدیث،با لقب (عالم)معروف بوده اند.

و این بود نمونهٔ مختصری از ستایش های فراوانی که در مورد آن امام معصوم از زبان و قلم صاحبان معرفت و چه بسا دشمنان آنحضرت،بظهور رسیده است،ستایش هائی که در مورد صفات عالیهٔ آن امام بزرگوار از قبیل علم،فقاهت،فصاحت، و بلاغت،کوشش در عبادت،حلم،کظم غیظ،عفو،احسان،سخاوت، صله رحم،تواضع و...می باشد و سندی گویا بر حقانیت امامت آن پیشوای الهی محسوب میگردد.

بسمه تعالی

پیش گوئی حضرت کاظم علیه السّلام

قال الامام موسی الکاظم علیه السّلام:رجل من اهل قم یدعو النّاس الی الحقّ یجتمع معه قوم کزبر الحدید لا تزلّهم الرّیاح العواصف و لا یملّون من الحرب و لا یجبنون و علی اللّه یتوکّلون و العاقبه للمتّقین

نقل از جلد دوم سفینه البحار صفحه ۴۴۷ سطر ۱۷ و ۱۵ سفینه البحار تألیف مرحوم حاج شیخ عبّاس قمی در سال ۱۳۴۴ قمری مردی از اهل قم مردم را بسوی حق دعوت میکند،گروهی طرفدار و هم بستهٔ او میشوند که(در پایداری و استقامت)چون پاره های آهن باشند(بدانسان که)تندبادهای حوادث آنها را از جای نکنند و از مبارزه خسته و بیمناک نگردند،توکّلشان بر خدا است و پایان نیک از آن پرهیزکاران است.

ص:۲۱۶

شاگردان و یاران امام کاظم علیه السّلام

با اینکه دوران امامت امام هفتم،سختی ها و مصائب،خفقان و استبداد، ظلم و ستم حکومت عباسی حاکم بود و کوشش های خاندان پیامبر ص و طرفداران آنها و بخصوص تلاشهای شخص امام کاظم علیه السّلام شدیدا"تحت کنترل و مورد تهاجم حکومت عباسی بود،ولی با اینحال عدهٔ فراوانی از دانشمندان و صاحبان تصنیف و تألیف را می یابیم که از محضر امام موسی کاظم ع کسب علم و دانش نموده و خوشه چین خرمن فیض علمی آنحضرت بوده اند و نکتهٔ جالب اینست که عدهٔ زیادی از دانشمندان بزرگ و باعظمتی که در حوزهٔ علمی امام باقر و امام صادق علیهما السّلام مراتب علمی را طی نموده و به مقامات بلند علمی و معنوی نائل گشته بودند و خود شخصیتی برجسته محسوب می گشتند،در محضر امام کاظم علیه السّلام به ادامهٔ کسب علم و سیر تکامل علمی پرداختند و از محضر آنحضرت بهره گیری نموده و سیر علمی خود را تداوم بخشیدند.

نویسندهٔ محقق(صاحب کتاب تهذیب المقال)در کتاب طبقات و اخبار الرواه(که هردو مخطوط می باشند)تعداد شاگردان و یاران امام کاظم ع را به حدود یکهزار نفر رسانده و با تحقیق و تتبع فراوان نام و آثار چنین رقم قابل توجهی از اصحاب آنحضرت را بدست آورده است ولی ما باتوجه به محدودیت و اختصاری که در این کتاب،در نظر داریم نام عده ای از شاگردان آن امام عالم را که از نظر علمی از اهمیت ویژه ای برخوردارند با اشارهٔ گذرائی به بعض آثار آنها، موردتوجه قرار داده و بدینوسیله با نمودی دیگر از حوزهٔ علمی آن امام مظلوم آشنائی پیدا می کنیم،و اینک نام آنها به ترتیب حروف الفباء:

۱-ابان بن عثمان احمر بجلی(که از اصحاب اجماع و ادیب و عالم به انساب و شخصیت برجستهٔ در فقه بوده و علاوه بر اینکه کتبی را تألیف کرده با صفت احفظ النّاس توصیف شده است).۲-ابراهیم بن ابی البلاد(که از علماء بزرگ و نویسندهٔ کتاب بوده است.۳-ابراهیم بن ابی محمود خراسانی.

۴-ابراهیم بن مهزم اسدی(که دارای اصل بوده است)۵-ابراهیم بن عمر

یمانی صنعانی(که از شیوخ اصحاب امام کاظم بوده است)۶-ابراهیم بن نصر قعقاع جعفی ۷-ابراهیم بن یوسف(که از مؤلفین و رفیع الشأن بوده است)۸-احمد بن عمر بن ابی شعبه حلبی(که از شخصیت های مبرز شیعه و از بیت علم بوده است)۹-احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی،که از شخصیت های علمی و صاحب تألیفات متعدد بوده است ۱۰-اسحق بن جعفر صادق علیه السلام۱۱-اسحق بن عمار(که از چهره های مبرز در حوزه امام کاظم و از وجوه و شیوخ راویان حدیث بوده است)۱۲-اسماعیل بن عبد الخالق.

۱۳-ثعلبه بن میمون،که افقه فقهاء و از قراء و نحویین و لغویین و راویه شعر بوده است،در زهد و عبادت چهرهٔ بزرگ و درخشان اصحاب،بشمار رفته است ۱۴-جمیل بن دراج(که از کبار علماء و از اصحاب اجماع و کثیر الحدیث بوده و شاگردان زیاد و تألیفات متعدد داشته است)۱۵-جمیل بن صالح(که صاحب اصلی از اصول بوده است)۱۶-جهم بن ابی جهم ۱۷-حدید بن حکیم(که از متکلمین و صاحبان تألیف بوده است)۱۸-حریز بن عبد اللّه سجستانی(که از مجاهدین و فقهاء عصر امام صادق و کاظم علیهما السّلام بوده و در اکثر ابواب فقه و غیر فقه حدیث نقل کرده و کتب متعددی تألیف نموده است) ۱۹-حسن بن راشد ۲۰-حسن بن علی بن فضال(که از شخصیت های برجسته و مورد قبول بزرگان و مؤلف کتب بوده است)۲۱-حسن بن علی بن یقطین(که فقیه و متکلم بوده و کتابی نوشته از مسائلی که از امام موسی کاظم سئوال کرده است)۲۲-حسن بن علی وشاء(از اصحاب بزرگوار امام صادق و کاظم و امام هشتم بوده و موردتوجه خاص،بوده است)۲۳-حسن بن محبوب سرّاد (از برجستگان فقهاء اصحاب امام هفتم و دارای کتب متعدد می باشد و هر مطلبی که او نقل کند مورد قبول علماء امامیه می باشد)۲۴-حسن بن محمد بن سماعه(که سی کتاب تألیف نموده است)۲۵-حسین بن عثمان بن شریک(از نویسندگان امامیه و چهره های بارز شیعه است و کتبی تألیف نموده) ۲۶-حسین بن موسی بن جعفر(که خود شاگردانی را تربیت نموده و بهره های

علمی از امام هفتم گرفته است)۲۷-حماد بن عثمان(از اصحاب اجماع و از فقهاء و مؤلفین مورد قبول بوده است).۲۸-حماد بن عیسی جهنی(از- اصحاب اجماع و از علماء و نویسندگان بزرگ است که دانشمندان شیعه اصرار بر حفظ کتب او داشته اند)۲۹-حفص بن غیاث نخعی(دانشمندی دارای تألیف و دارای منصب قضاوت بوده است)۳۰-حنان بن سدیر صیرفی(که فقیهی بزرگ و صاحب تألیف بوده است)۳۱-داود بن فرقد(که از مؤلفین و نویسندگان مورد وثوق بوده)۳۲-رفاعه بن موسی اسدی(دارای تألیف است و هرگاه حدیثی نقل میکرد،اصحاب حدیث به گفته او آرامش خاطر می یافتند و اعتماد کامل حاصل میکردند)۳۳-سعدان بن مسلم کوفی(از علماء اصحاب امام کاظم و دارای تألیف بوده است)۳۴-سعید بن ابی جهم قابوسی(از اجلاء اصحاب و صاحب تألیف بوده است)۳۵-سماعه بن مهران (که از مؤلفین بزرگوار و از شخصیت های اصحاب امام صادق و کاظم علیهما السّلام بوده است)۳۶-شعیب عقرقوفی(که علاوه بر دارائی علم و دانش و کوشش تألیفی،از مربیان علماء حدیث بوده است)۳۷-شهاب بن عبد ربه اسدی ۳۸-صالح بن خالد محاملی کوفی(که چهره ای مبرز و مؤلفی برجسته در میان اصحاب امام کاظم ع بوده است)۳۹-صفوان بن مهران جمال(که شغل شترداری داشته ولی عالم و نویسندهٔ کتاب می باشد)۴۰-صفوان بن یحیی (از اصحاب امام کاظم تا امام جواد و مؤلف سی کتاب است و از کسانی است که قبر مطهر امیر المؤمنین علیه السّلام را در اوائل کار،باو ارائه نمودند)۴۱-عبد اللّه بن جندب بجلی(دارای تألیف و مورد وثوق بوده است)۴۲-عبد اللّه بن سنان(که از بزرگترین مؤلفین اصحاب امام صادق و کاظم ع است)۴۳-عبد اللّه بن غالب اسدی(که شاعری فقیه و دانشمندی صاحب تألیف بوده است)

۴۴-عبد اللّه بن مسکان(شخصیتی مبرز و تألیفاتی متعدد داشته است).

۴۵-عبد اللّه بن مغیره کوفی(از علماء بوده و بنقلی سی کتاب تألیفی داشته است و شخصیتی داشته که شاگردی او نزد شخصی،موجب کسب افتخار استاد می گشته است).

۴۶-علی بـن اسـباط کـوفی(در صـدق گفتـار و فقه و تـألیف،از اهمیت خاصـی برخـوردار بـوده است)۴۷-علی بـن جعفر علیه السّلام(از اجلاء فقهاء و از علماء صاحب تألیف و از مربیان و اسـتادان مبرز تاریخ شـیعه است و در تاریخ تشیع از- درخشـش خاصـی برخوردار می باشـد)۴۸-علی بـن حسـن طـاطری(فقیهی بزرگ و مـورد وثـوق می باشـد و بنـابر اعتقـاد شـیخ طوسـی هرحـدیثی را او نقل کنـد بـدون بحث پـذیرفته میشود،وی تألیفات متعـدد دارد)۴۹-علی بن رئـاب(در فقه و حـدیث و تـألیف موردتوجه می باشـد و گفته انـد له اصـل کبیر و علاوه بر آن،کتب دیگری نیز تألیف نموده است)۵۰-علی بن سوید سائی(که صـاحب سـر و فقیه و صـاحب تـألیف بوده است)۵۱-علی بن یقطین(در عصـر خـود از فضـلاء برجسـته و در نزد امـام کـاظم ع صاحب سر و در مقام تألیف و تصـنیف،صاحب آثار متعـدد بوده است).۵۲-عمر بـن اذینه ۵۳-عمر بن یزیـد بیاع سابری ۵۴-عنبسه بن مصعب ۵۵-عیص بن قاسم بجلی(که از شخصـیت های مورد وثوق و صاحب تألیف بوده است)۵۶-غیاث بن ابراهیم اسـدی(که از قضات و مؤلفین بوده)۵۷-فضاله بن ایوب ازدی(دارای شخصـیتی برجسـته و آثار تألیفی بوده است)۵۸-فضل بن یـونس بغـدادی ۵۹-قـاسم بـن ابراهیـم طباطبـا(نـوهٔ امـام زاده اسـماعیل و از علمـاء و نویسـندگان اسـت)۶۰-کمیـت بـن زید اسدی(شاعر بزرگ و معروف و فداکار نسبت به خاندان عصمت و طهارت)

۶۱-لیـث مرادی(ابـو بصـیر)(کـه از چهره هـای بزرگ و فـوق العـاده و نیز از اوتـادارض و اعلام دین بـوده و از برجسـته ترین اصحاب بوده است)۶۲-محمد بن ابی عمیر(شخصیت ممتاز و برجسته ای که متجاوز از ۴۰۰ شیخ حدیث داشته و نیز در علم و تقـوی و تلاش در احیـاء فرهنـگ اهـل البیت از بـارزترین اصـحاب ائمه بوده و ۹۴ کتـاب تـألیف نموده است).۶۳-محمد بن اسـماعیل بن بزیع(از علماء جلیل القدر و از شخصـیت های مورد وثوق و از مؤلفین اصحاب امام کاظم و امام رضا و امام جواد علیهم السّلام بوده و در تربیت راویان حـدیث،شخصـیتی برجسـته داشـته است)۶۴-محمـد بن حکیم(که از علمـاء اجلاء و از متکلمین بوده و نیز از

اساتید ابن ابی عمیر می باشد)۶۵-محمد بن خالد،ابو عبد اللّه برقی (که ادیبی مؤلف و نویسنده ای پراثر و عظیم الشأن بوده است)۶۶-محمد بن سنان(از شخصیت های مشهور و دارای چندین تألیف و از وکلاء ائمه است).

۶۷-محمد بن علی،مؤمن الطاق(که از بزرگترین علماء علم کلام و مناظره،و از درخشانترین چهره های مبارز،در راه احیاء مکتب اهل البیت بوده است).

۶۸-محمد بن فضل بن یعقوب هاشمی(که دارای شخصیتی اصیل و مورد وثوق بوده است)۶۹-محمد بن فضیل کوفی ازدی(که مؤلف کتاب،و مربی شاگردان،در علم الحدیث بوده است)۷۰-محمد بن مسعود طائی کوفی ۷۱-محمد بن نعیم صحاف ۷۲-مرازم بن حکیم ساباطی(که از مشایخ حدیث و از مؤلفین و موثقین اصحاب امام کاظم بوده است)۷۳-مسعده بن صدقه عبسی عبدی(که چندین کتاب تألیف کرده است)۷۴-مسمع بن عبد الملک(معروف به کردین)۷۵-معاویه بن حکیم(که از شخصیت های مورد وثوق و راوی ۲۴ اصل از اصول اربعماه بوده است)۷۶-معاویه بن عمار دهنی(دارای شخصیتی عظیم و پیشرو و مؤلف کتبی متعدد بوده)۷۷-معاویه بن وهب بجلی(که چندین کتاب تألیف نموده است)۷۸-مفضل بن عمر (که از اصحاب سر و از اعیان یاران امام صادق ع و امام کاظم ع و دارای تألیف های متعدد بوده و در میان تألیفات او،کتاب توحید مفضل از شهرت فراوانی برخوردار است)۷۹-منصور بن حازم بجلی کوفی(شخصیتی موثق و فقیهی جلیل القدر و محدثی دارای تألیفات متعدد بوده و در تربیت محدثین،نقشی مؤثر داشته است)۸۰-منصور بن بزرج ۸۱-موسی بن بکر واسطی کوفی(که یکی از اصول اربعمأه از آثار او است و از علماء کثیر الراویه بشمار رفته است)

۸۲-نصر بن قابوس نخعی ۸۳-وهیب بن حفص جریری ۸۴-هشام بن الحکم(بزرگترین چهره در علم کلام،و مشهورترین شخصیت،در مناظره و نویسندهٔ سی کتاب بوده و از اصحاب امام صادق و امام کاظم علیهاالسّلام بوده است)۸۵-هشام بن سالم جوالیقی(از شاگردان بزرگ امام صادق ع و از

برجستگان اصحاب امام کاظم است)۸۶-یحیی بن عمران حلبی.

۸۷-یحیی بن سلیم(ابو البلاد)(او دارای قرائت خاص بوده و ادیبی موثق بشمار رفته است)۸۸-یزید بن سلیط ۸۹-یونس بن عبد الرحمن (چهرهٔ برجسته ای که نام او بر سر زبانها،و شخصیت او موردتوجه قلبها و ستایش از او آرایش نوشته ها می باشد،بیش از سی کتاب در علوم گوناگون نوشته و از بزرگترین شخصیت ها،در میان اصحاب امام صادق و کاظم و رضا علیهم السّلام بوده است)۹۰-یونس بن یعقوب بجلی دهنی(که از وکلاء امام کاظم و از فقهاء مورد وثوق و توجه،و مرجع فتوی در احکام الهی بوده است).

و این بود نام نود نفر از علماء و فقهاء و متکلمین از اصحاب امام کاظم ع که از میان صدها نفر از شاگردان و یاران آنحضرت،انتخاب نمودیم و نام بردیم و چنانچه ملاحظه نمودید،نه تنها همهٔ شاگردان و اصحاب ان امام عالم را نام نبردیم،بلکه در معرفی آنان نیز،تنها به یک اشارهٔ بسیار کوتاه اکتفا نمودیم ولی با اینحال بخوبی میتوان به کوششهای علمی امام و نتایج درخشان تلاشهای آنحضرت آگاهی یافت،و خدمات علمی آن پیشوای معصوم را که تداوم بخش حوزهٔ علمیهٔ امام صادق علیه السّلام است موردتوجه قرار داد.

یا ایّها الّذین امنوا اطیعوا اللّه و اطیعوا الرّسول و اولی الامر منکم

حرکت علمی در زمان امام هشتم علیه السّلام

اشاره

از دوره های جالب و قابل توجه در زمینهٔ نشر و گسترش فرهنگ اصیل مکتب اهل البیت علیهم السّلام،دورهٔ امامت و پیشوائی امام علی بن موسی الرضا علیه السّلام می باشد،زیرا بخاطر علل سیاسی و اجتماعی خاص آندوره،فرصت بسیار جالبی بدست آمد و در یک سطح بسیار وسیع(که دربر گیرندهٔ صحنه های بزرگ پیکار علمی و مجادله ها و مناظره های فلسفی و کلامی از دیدگاه دینی و علمی بود)علم و دانش امامان شیعه از زبان امام هشتم ع منتشر گردد و همگان به عظمت و برتری علم و دانش آنحضرت توجه نموده و تا حدود زیادی اندیشه های بلند و افکار متعالی مکتب اهل البیت علیهما السلام در اختیار مغزهای تشنهٔ حقایق،قرار گرفت.

و البته،تنها قسمتی از تاریخ عمر مبارک آنحضرت،فرصت حرکت علمی برای آن امام معصوم فراهم گردیده بود و قبل از آن،بعلت خفقان شدید،در دوران خلافت هرون عباسی،و نیز عوامل دیگر،فرصت شایسته ای برای نشر علوم و تفسیر و تشریح مسائل و مباحث اسلامی از ناحیهٔ آنحضرت،فراهم نبوده- است.

و اینک باتوجه به محدودیت کتاب،بررسی خود را در این زمینه بنحو فشرده در چند قسمت،دنبال می کنیم.

سنگ اندازی ستمگران،در سر راه امام علیه السلام

با اینکه دوران امامت امام علی بن موسی الرضا علیه السّلام در یک جمع بندی، بعنوان دوران شدت خفقان نامیده نمیشود ولی با این حال به موانع و مشکلات و خصومت های عباسیان که بر سر راه تلاشهای امام ایجاد شده نباید بی توجهی نمود بلکه بررسی حرکت علمی امام هشتم،نیازمند آگاهی به این دشمنی ها و کینه توزیها است که به دو مورد آن اشاره می نمائیم.

۱-پس از شهادت امام هفتم ع مدت زمانی،امام هشتم در شدت تقیه بسر میبردند

و از پاسخ به سئوالات مردم و کوشش در نشر علوم اهل البیت علیهما السلام معذور بودند تا آنجا که در حدیثی آمده است که امام هفتم علیه السلامبه یزید بن سلیط فرمودند:

من در این سال از دنیا میروم و علی پسر من است...و او وظیفه ندارد سخن بگوید، مگر پس از هرون به چهار سال،پس آنهنگام که چهار سال گذشت از هرچه خواستی از او سئوال کن که جواب ترا خواهد داد (۱).

و کسانی بودند در دستگاه هرون که او را بر علیه امام هشتم تحریک می کردند و کشتن آنحضرت را از او می خواستند و بدین جهت بود که بزنطی(که یکی از اصحاب خاص بود)به امام هشتم عرضه داشت که میل دارم مرا به خانهٔ خود دعوت، کنید در هنگامیکه میدانید برای ما ضرری از ناحیهٔ دشمنان ندارد و امام هشتم علیه السلام در آخر وقت یکی از روزها مرکوبی فرستادند و او شرفیاب شد و با آنحضرت نماز مغرب و عشاء را خواند و آنگاه حضرت شروع کردند مطالب علمی را بر او املاء کنند و نیز پاسخ سئوالات او را دادند تا آنکه بسیاری از شب گذشت.... (۲)

چنانچه ملاحظه می کنید،ملاقات با امام هشتم علیه السلامو استفادهٔ علمی،برای بزنطی خطرناک بوده و لذا از امام می خواهد که با یک برنامه ریزی،او را به محضر خود برسانند.

و نیز در حدیثی نقل شده که وشّاء می گوید:عباس بن جعفر از من خواست که از امام رضا علیه السلامتقاضا کنم که نامه های او را وقتی مطالعه کردند،پاره کنند از ترس آنکه مبادا بدست دیگران بیفتد (۳).

۲-مأمون عباسی با آنکه سیاست ظاهرا"خصمانه ای در برابر امام نداشت ولی زمانی به او خبر دادند که علی بن موسی الرضا علیه السلاممجالسی تشکیل میدهد و مردم مجذوب و مفتون علم و دانش او میشوند،لذا محمد بن عمر و طوسی را مأموریت

۱- ۱) الامامه و التبصره از علی بن بابویه قمی صفحه ۸۰ و بحار الانوار جلد ۴۹ صفحهٔ ۱۲ بنقل از کافی و عیون اخبار الرضا.

۲- ۲) بحار الانوار جلد ۴۹ صفحه ۴۹

۳- ۳) بحار الانوار جلد ۴۹ صفحه ۴۰ و عیون اخبار الرضا علیه السلامج ۲ صفحه ۲۱۹

داد که مردم را از مجلس امام هشتم علیه السلامطرد کند و آنحضرت را احضار نماید. (۱)

و این جریان بخوبی نشان میدهد که مأمون از نفوذ معنوی و علمی امام علیه السلامدلخوش نداشته و مانع تراشی میکرده است و گواه مطلب آن است که در هنگامی که قرار بود مجلس عظیم برای مناظره تشکیل شود و امام هشتم با علماء ادیان مناظره کنند،آنحضرت به نوفلی فرمودند آیا دوست داری بدانی که چه وقت مأمون پشیمان میشود؟..... (۲).

مگر مأمون از پیروزی چشمگیر امام علیه السلامبر دانشمندان و علماء ادیان پشیمان میشود؟و چرا پشیمان می شود؟و آیا این پشیمانی دلیل بر دشمنی باطنی او با امام هشتم علیه السلامو حرکت علمی آنحضرت نیست؟و آیا این جریان همانند جلوگیری او از نماز عید فطر نیست،بعد از آنکه احساس کرد که برگزاری نماز عید موجب جلب توجه شدید مردم نسبت به امام علیه السلامشده است؟مگر او از امام هشتم علیه السلام برگزار کردن نماز عید را نخواسته بود؟پس چرا امام علیه السلامرا در میان راه و قبل از پایان یافتن مراسم نماز عید وادار به بازگشت نمود؟

همهٔ اینها نشانهٔ این است که آزادیهائی که به امام علیه السلامداده بود سیاسی بود ولی خصومت و کینهٔ بنی عباسی،در جای خود مشکلاتی را می آفرید.

مسجد النبی صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و خانهٔ امام هشتم علیه السلام در مدینه،حوزهٔ علمیه بود

پس از آنکه دوران خفقان هرونی سپری گردید و آزادی نسبی برای کوششهای امام هشتم علیه السلامحاصل شد،طالبین علم و جستجوگران حقیقت و تشنگان آگاهی های دینی،بسوی امام علیه السلامروانه میشدند و در شهر مدینه با امام ملاقات و گفتگو مینمودند و از دریای بیکران علم امام بهره میگرفتند.

امام هشتم گاهی در مسجد و گاهی در منزل به تعلیم و ارشاد و نشر علوم می پرداختند بطوریکه حاکم نیشابوری در تاریخ نیشابور نقل کرده است که علی بن

ص: ۲۲۵

۱- ۱) بحار الانوار جلد ۴۹ صفحه ۸۲ و عیون اخبار الرضا علیه السلامج ۲ صفحه ۱۷۲

۲- ۲) بحار الانوار جلد ۴۹ صفحهٔ ۱۷۴ و عیون اخبار الرضا علیه السلامج ۱ صفحهٔ ۱۵۶

موسی الرضا علیه السلامبیست و چند ساله بودند و در مسجد رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم به فتوی دادن اشتغال داشتند (۱)

و از امام هشتم علیه السلامنقل شده که فرمودند:من در روضه می نشستم و علماء در شهر مدینه زیاد بودند و هرگاه یکی از آنها در مسئله ای در میماند،همگان میگفتند این مسئله را از علی بن موسی باید سئوال کرد و آنها سئوالاتشان را بنزد من می فرستادند و من پاسخ میدادم (۲)

و در روایت یسع بن حمزه آمده است که در مجلس ابی الحسن الرضا علیه السّلام بودم و با آن حضرت سخن می گفتم در حالیکه جمعیت بسیاری گرد ایشان جمع شده بودند و دربارۀ حلال و حرام از آن حضرت سئوال می نمودند..... (۳)

و سلیمان جعفری نقل نموده که من در خدمت امام ابی الحسن الرضا علیه السّلام بودم در حالیکه خانه پر بود از مردم و آنها از امام سئوال می کردند و آنحضرت پاسخ می دادند (۴).

و کار به آنجا رسید،که محمد بن عیسی یقطینی میگوید:من هیجده هزار مسئله از مسائلی که از امام ابو الحسن الرضا علیه السّلام سئوال شد و آنحضرت پاسخ دادند،جمع نمودم (۵).

و گویا همین امر سبب شده بود که امام هشتم در میان مسلمین به عنوان عالم بزرگوار و عظیم الشأن،شناخته شوند و لذا در سفر حضرت به سوی خراسان و مرو، در همه بلاد و شهرها،مردم سئوالات دینی خود را از امام می نمودند و آنحضرت به آنها پاسخ می دادند و علاوه بر آن،احادیث فراوانی را برای مردم،از پدران بزرگوار خود از رسول اللّه صلّی الله علیه و آله و سلّم نقل می فرمودند (۶)

ص :۲۲۶

۱- ۱) الامام الرضا علیه السلاماز نویسندۀ گرانقدر،محمد جواد فضل اللّه صفحه ۴۱

۲- ۲) به کتاب بحار الانوار ج ۴۹ صفحه ۱۰۰ مراجعه شود.

۳- ۳) بحار الانوار ج ۴۹ صفحۀ ۱۰۱ بنقل از کافی

۴- ۴) بحار الانوار ج ۴۹ صفحۀ ۵۷ و مناقب آل ابی طالب ج ۴ صفحۀ ۳۵۰.

۵- ۵) بحار الانوار ج ۴۹ صفحۀ ۹۹ بنقل از مناقب،و در روایت دیگری در صفحۀ ۹۷ بنقل از غیبت شیخ طوسی رقم(۱۵۰۰۰)مسئله،ذکر شده است.

۶- ۶) الامام الرضا علیه السلامصفحه ۴۰ و بحار الانوار ج ۴۹ صفحه ۹۵

مناظرات امام هشتم علیه السلام سندی بزرگ بر علم امام

چهرهٔ فروزان و درخشندهٔ علمی امام علی بن موسی الرضا علیه السّلام در، تجلی گاههای گوناگونی برای دانشمندان و متفکران آشکار گردیده است ولی از بزرگترین آن صحنه ها،مناظرات و مباحثات فراوان و متعددی است که با صاحبان عقاید و اندیشه های گوناگون،داشته اند.

در آن دوره،که ارتباط بین کشورهای مختلف از قبیل یونان و روم،و دانشمندان و فلسفه های گوناگون در حد بالائی قرار گرفته بود و در میان مسلمین، کتابها و نوشته های ترجمه شده از مراکز علمی غیر اسلامی،نشر یافته بود و نیز بازار جنگ ها و مجادلات علمی و اعتقادی رواج داشت و در اوج خود بسر می برد و در داخل محیط اندیشهٔ اسلامی،کشمکش های کلامی و اعتقادی در مباحث گوناگون قرآنی و دینی به شدت در جریان بود و همچنین چهره های سرشناس و بزرگی در زمینهٔ اندیشه و جدل در جامعه وجود داشتند و کمتر کسی می توانست در برابر آنها عرض اندام کند و میدان دار بحث و مناظره شود،ناگاه.....

ناگاه،جامعهٔ گستردهٔ آنروز و شخصیت های برجسته و مشهور آن دوره،با نامی تازه آشنائی یافتند،نام عالمی بزرگ،که بزودی همهٔ قلبها و اندیشه ها را مغلوب خود ساخت و در قلهٔ پیروزی های شگفت آفرین جای گرفت.

آری،این نام تازه مربوط بود به یادگاری از رسول گرامی اسلام صلّی الله علیه و آله و سلّم و سلاله ای پاک از نسل امامان معصوم علیهما السلام و دانائی که دانایان در برابر دانش او سر تعظیم فرود آوردند.

این نام مبارک همان(علی بن موسی علیه السلامبود که با لقب رضا زینت بیشتر یافت و در همه جا بر سر زبانها قرار گرفت.

بلی،صحنه های پیکار علمی و اعتقادی برپا شد و پیکارگرانی قوی از یهودیان، نصاری،زندیقها،آتش پرستان،منکرین امامت ائمه اهل البیت علیهما السلام ،واقفیه، صوفیه و مدعیان ترک دنیا و....در صحنهٔ پیکار ظاهر شدند و اسلحه هائی گوناگون از قبیل فلسفه های غربی و شرقی و کتابهای دینی از قبیل توراه،انجیل،

زبور،کتاب شعیاء،کتاب حیقوق و نیز اندیشه ها و استدلالات کلامی مختلف ،بکار گرفتند و امام علی بن موسی الرضا علیه السّلام یک تنه در برابر آنها قیام نمود و با استفاده از سلاحهای خود آنها،بر آنها پیروز گردیدند یهودیان را با تورات و نصاری را با انجیل و متکلمین را با روش کلامی مورد قبولشان،مقهور نمودند و جالب است که این پیروزی ها در مباحثات،در کمترین زمان و با کمترین مجادله بدست میآید چونکه،آنچنان،دانش امام غالب بود که حریف بحث،راه ادامهٔ گفتگو را بر خود بسته می دید و توان مقاومت را از دست میداد.

آری،وقتی امام علیه السلامتوراه را از حفظ می خواندند و انجیل را بهتر از نصاری تلاوت مینمودند و جاهای حساس آنها را برای استدلال،مورد تذکر قرار می دادند و....جای هرگونه افکار و مقاومتی را از بین می بردند و حریف بحث،بجز سکوت و اعتراف به عظمت امام چارهٔ دیگری نداشت.

در میان مناظرات و مباحثات امام علیه السلام،صحنهٔ پیکار و مناظرهٔ با جاثلیق (کاتولیک)نصرانی و رأس الجالوت یهودی و عمران صابی که بزرگترین چهرهٔ آن زمان،در جدل و مناظره و تسلط بر روش کلامی بوده است (۱)و نیز مناظرهٔ امام با سلیمان مروزی که یکه تاز میدان جدل و مباحث کلامی در منطقهٔ خراسان آن روز (۲)بود و همچنین مجادلهٔ امام علیه السّلام با علی بن محمد بن جهم که از دشمنان اهل البیت و از ناصبی های سرسخت بود،از اهمیت ویژه و از شهرت فراوانی برخوردار می باشد.

۱- ۱) دربارهٔ او گفته شده که(کان واحدا فی المتکلّمین)یعنی در میان دانشمندان علم کلام یگانه و یکتا بود،و او در شهرهای کوفه و بصره و شام و جزیره با دانشمندان بزرگ علم کلام بحث کرده بود و حریف او نشده بودند ولی در برابر عظمت علمی امام هشتم،تا به آنجا به خضوع وادار شد که اسلام اختیار کرد و راه- فکری و عقیدهٔ قبلی خودش را باطل دانست.

۲- ۲) خراسان ایالت بزرگی بود که مشتمل بر شهرهای:هرات،بلخ،نیشابور، بیهق و...بود و بخش مهمی از افغانستان فعلی را نیز دربر می گرفت و در آن دوره ها،مرکز علم و دانش بود و شهرهای هرات و نیشابور و بیهق از اهمیت علمی ویژه ای برخوردار بودند.

و در یـک کلاـم،منـاظرات امام علیه السـلامآنچنان منصـفانه و آ گاهانه و پیروزمنـدانه انجام میگرفت که عـده ای از متکلمین و علماء ادیان بروشـنی و وضوح،مغلوب منطق آن حضـرت گردیـده و عـدهٔ زیادی از آنها جرئت بحث با امام هشـتم را نیافتنـد و برتری علمی و فکری اسلام و مکتب اهل البیت علیهم السّلام،بوسیله این مناظره های پیروزمندانه،بر همگان آشکار گردید.

امام هشتم و تألیف کتاب

اشاره

علاـوه بر آنچه از امـام هشـتم شـنیده شـده در مورد مسائل گونا گون اسـلامی و محـدثین و علماء بزرگ شـیعه و غیر شـیعه،در مؤلفات و مصـنفات خود نقل نموده انـد و بعنوان احادیث و روایات منقوله از امام رضا علیه السـلام،موردتوجه فقهاء،مفسـرین، متکلمین،علماء اخلاق،دانشمندان تاریخ و....قرار گرفته است،شماری از کتابها و نوشته ها وجود دارد که ادعا شده است که از تألیفات و آثار امام علی بن موسـی الرضا علیه السّلام است و آنحضرت شخصا"آنها را به صورت کتابی مستقل درآورده اند و هم اکنون،ما در این بررسی فشرده نام آن کتابها را با اشارهٔ مختصری به نظریهٔ علماء بزرگ،در مورد آنها ذکر می کنیم.

۱-الفقه الرضوی(فقه الرضا(ع))

این کتـاب ارزشـمند مورد اختلاـف نظر شدیـدی قرار گرفته و برخی از علمـاء بزرگ هماننـد مرحوم ملا محمـد تقی(مجلسـی اول)و علامهٔ مجلسی و نیز سید بحر العلوم و صاحب حدائق و محدث نوری و...رضوان اللّه علیهم عقیده دارند که این کتاب،از تألیفات امام رضا علیه السّـلام می باشد ولی در مقابل،عمدهٔ محققین و بزرگان از علماء شـیعه،در اثبات این مطلب تردید کرده انـد و عقیـده دارنـد که اعتمـادی به انتسـاب این کتاب به امام هشـتم علیه السـلامنیست و احتمالات گونا گونی را در مورد این کتاب ذکر نموده اند (۱)

ص: ۲۲۹

۱- ۱) برای آشنائی با این بحث مراجعه شود به کتاب الذریعه ج ۱۶ صفحه ۲۹۲ و الامام الرضا علیه السّلام صفحهٔ ۱۸۹-۱۹۲

۲-الرساله الذهبیه فی الطب(طب الرضا ع)

رسالهٔ بسیار ارزشمند و مهمی است که امام هشتم علیه السلامتألیف نموده اند و و در آن،از بخش های گوناگون دانش طب و علوم وابستهٔ به آن،مسائل مهم و اساسی از قبیل:تشریح،وظایف الاعضاء،شناخت امراض،حفظ الصحه و- پیش گیری از مرض،غذاشناسی و....موردتوجه قرار گرفته و بیان شده است، و انگیزهٔ تألیف آن،این بود که در یکی از جلسات علمی که جمعی از بزرگان طب و فلسفه همانند یوحنا بن ماسویه طبیب و جبرائیل بن بختیشوع طبیب و صالح بن بلهمه هندی فیلسوف و.....حضور داشتند و در آن مجلس امام هشتم علیه السّلام نیز شرکت داشتند،بحث از طب به میان آمد و در این زمینه گفتنی های زیادی گفته شد و امام هشتم ساکت بودند،مأمون گفت یا ابا الحسن نظر شما در مورد این بحثی که امروز بمیان آمده چیست؟امام علیه السّلام در ضمن بیانی مفصل وعده دادند که در این مورد رساله ای بنویسند و پس از آن بوعدهٔ خود عمل نموده و این رسالهٔ شگفت انگیز را تألیف نمودند که اعجاب و تحسین مأمون را(که خود دانشمندی قوی بود)برانگیخت و آن را بر دانشمندان بزرگ طب و حکمت و صاحبان تألیف و تصنیف در این زمینه،عرضه نمود و آنها همگی به بزرگی و ارزش والای- کتاب اعتراف و گواهی نمودند.

مأمون دستور داد،این رساله را با آب طلا بنویسند و در خزانه الحکمه،بعنوان ذخیرهٔ بزرگ علمی قرار دهند

بر این رسالهٔ ارزشمند،شرح های زیادی نوشته شده و موردتوجه دانشمندان دوره های مختلف تاریخ،قرار گرفته است.

۳-صحیفه الرضا(ع)

کتابی است در فقه،که گاهی بنام مسند الرضا علیه السلامو گاهی صحیفه اهل البیت علیهما السلام و گاهی بنام رضویات نامیده شده و برخی از علماء شیعه همانند محدث نوری،بر آن اعتماد کرده اند آنچنان که محدث نوری دربارهٔ این، کتاب فرموده(هیچ کتابی در اعتبار و اعتماد همانند او نیست)ولی عده ای از

علماء ما،در صحت نسبت این کتاب،به امام رضا علیه السّلام تردید نموده اند

۴-محض الاسلام

گرچه دربارهٔ انتساب این کتاب به امام هشتم علیه السّلام نیز،بحث هائی وجود دارد ولی مرحوم شیخ صدوق رضوان اللّه علیه در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السّلام با سندهای متصل خود،آنرا نقل نموده و از آثار امام هشتم علیه السّلام شمرده است.

۵ و ۶-نوشته های امام علیه السّلام در پاسخ سئوالات محمد بن سنان و- فضل بن شاذان دربارهٔ علل احکام شرعی،که اولی بنام(اجوبهٔ مسائل ابن سنان)و دومی بنام(علل فضل بن شاذان)مشهور است.

امام هشتم و مباحث اسلامی

در بحث های اعتقادی،فقهی،اخلاقی،تاریخی و سیاسی مواضع حساس و مهمی وجود دارد که بسیاری از گمراهی ها و کج اندیشی ها،بدعت ها و کجروی ها مربوط به اشتباه کاری و خلاف اندیشی در زمینهٔ همان مواضع میباشد و امام علی بن موسی الرضا علیه السّلام همانند دیگر امامان معصوم علیهم السّلام در تشریح عقائد اسلامی و تبیین دیدگاههای قرآن در مباحث گوناگون دینی کوشیدند و مسئله های اساسی و مهمی را موردنظر قرار دادند همانند مسئلهٔ نفی تشبیه خداوند به مخلوق،نفی تعدد بین ذات و صفات الهی و اینکه صفات خداوند عین ذات او است،فرق بین ارادهٔ خداوند و ارادهٔ انسان،تفسیر معنای مکر اللّه،استهزاء اللّه،خدعه اللّه،نسیان اللّه،رؤیه اللّه که در آیهٔ وَ مَکَرُوا وَ مَکَرَ اللّهُ.... (آل عمران ۵۴)و آیهٔ اَللّهُ یَسْتَهْزِئُ بِهِمْ.... (بقره ۱۵) و آیهٔ یُخادِعُونَ اللّهَ وَ هُوَ خادِعُهُمْ (بقره-۹)و آیهٔ فَالْیَوْمَ نَنْساهُمْ کَما نَسُوا لِقاءَ یَوْمِهِمْ هذا (اعراف ۵۱)و آیهٔ ....إِلی رَبِّها ناظِرَةٌ (قیامه ۲۳)آمده است.

و نیز مبحث مهم و اساسی جبر و تفویض و مبحث تناسخ و همچنین بحث مهم و حیاتی امامت که مشتمل بر بخشهای عمده ای همانند بحث در صفات و شرایط امام،

راههای شناخت امام،معجزات و نشانه های امام،عصمت امام و....میباشد.

آری امام هشتم علیه السلامبا فرصت موجود و شرائط نسبتا"مساعدی که بدست آوردند نه تنها در بحث های عقیدتی بلکه در تفسیر قرآن و بیان احکام و ایراد موعظه های رسا و پندهای آموزنده و....گام های بلندی برداشتند تا جائی که تنها محمد بن عیسی یقطینی هیجده هزار مسئله از آن مسائلی که از امام هشتم سئوال شد و آنحضرت پاسخ دادند جمع نمود (۱).

علم امام هشتم علیه السلام به حقایق،افاضی و لدنّی بود

آنگاه که بحث دربارهٔ علم امام هشتم علیه السلامو نیز سایر ائمه معصومین می کنیم، نمی خواهیم اثبات کنیم که آنها انسان هائی با نبوغ بوده اند و با کوششهای متعارف تحصیل علوم نموده اند،بلکه آنها از علمی برخوردار بوده اند که تحصیلی، نیست بلکه از جانب خداوند بشکل افاضهٔ خاصه،در اختیار امامان قرار میگیرد و لذا است که باذن اللّه از غیب هم آگاهند و در صحنه های مختلف این ویژگی، تجلی یافته اند مثلا"هنگامیکه امام علیه السلاماز زبان حیوانات و مقصود آنان،آگاه می شوند و یا از ضمیر و باطن انسانها خبر می دهند و از آیندهٔ جریانات اجتماعی و فردی خبر می دهند،آیا این علم تحصیلی است؟

و آیا وقتی امام معصوم با مردم کشورهای مختلف،با زبان خودشان سخن می گویند آنچنانکه آنها به شگفتی می آیند و می گویند:این آقا بهتر از ما بزبان ما سخن می گوید،آیا این علم و دانش،متعارف است؟باتوجه باینکه هیچگاه امامان معصوم وقت خود را مصروف فراگیری زبانهای خارجی نمی کرده اند.

و آیا وقتی امام از همه داناتر است و هیچگاه برای کسب علم در نزد عالمی حاضر نشده است (۲)ممکن است علم او تحصیلی

۱- ۱) بحار الانوار ج ۴۹ ص ۹۹ و مناقب آل ابی طالب ج ۴ ص ۳۵۰ و ۳۵۱.

۲- ۲) بحار الانوار ج ۴۹ صفحه ۱۸۰ و الامام الرضا علیه السلامصفحه ۴۲

باشد (۱)

نه،بلکه این علم از همان قسمی است که قرآن میگوید وَ عَلَّمْناهُ مِنْ لَدُنّا عِلْماً (۲)و بر همین مبنا است که شیعیان،باور دارند که امام هشتم با زبان سندی و رومی و فارسی و ترکی و انباطی و هندی و....سخن می گفته اند آنچنانکه اهل آن زبانها اعتراف کرده اند به اینکه امام هشتم علیه السلاماز آنها فصیح تر و بهتر سخن می گوید (۳).

چنانچه در روایتی نقل شده ابو الصلت هروی میگوید:که امام هشتم علیه السلامبا مردم تکلم می نمودند با زبان آنها و بخدا قسم فصیح ترین و داناترین مردم به هرزبان و لغتی بودند و روزی بامام عرض کردم یابن رسول اللّه من به شگفتی آمده ام،از آشنائی شما به این لغات با اختلاف و تفاوت هایی که دارد و آنحضرت در پاسخ فرمودند:ای ابا صلت،من حجت خدا بر خلق او هستم و خداوند کسی را حجت بر قوم و ملتی قرار نمیدهد در حالیکه او آشنای بزبان آنها نباشد..... (۴)

---

۱ - ۱) در هنگامیکه امام هشتم علیه السلامعمران صابی را که بزرگترین دانشمند علم کلام ،در آنزمان بود و یگانهٔ دوران شمرده می شد و در جدل،هیچکس حریفش نبود، شکست دادند و او اسلام اختیار کرد،محمد بن جعفر عموی امام هشتم علیه السلام(که، نظر خوشی برای موفقیت امام علیه السلامنداشت)به حسن بن محمد نوفلی گفت:به خدا من گمان نمیکردم علی بن موسی،در این مباحث وارد باشد و ما او را به این جهت نمی شناختیم،آیا صاحبان علم کلام با او اجتماع داشتند(و در این مقوله کوشش علمی می کردند)؟ حسن بن محمد نوفلی گوید:گفتم حاجیان به محضر او می آمدند و مسائل حلال و حرام را از او می پرسیدند و او جواب می داد و گاهی هم کسانیکه به خدمت او میآمدند با او محاجه می نمودند....(بحار الانوار ج ۴۹ صفحه ۱۷۶ و ۱۷۷)ملاحظه می کنید چگونه است علم امام علیه السلامبا آنکه امام هشتم علیه السلامدر میدانهای جدل و مناظرهٔ کلامی و فلسفی نبوده اند ولی در هنگامیکه وارد بحث می شوند حریفان بزرگ را از پا می اندازند بطوریکه محمد بن جعفر هم میگوید:ما باور نمی کردیم علی بن موسی چنین علمی داشته باشد.

۲- ۲) کهف ۶۵

۳- ۳) به کتابهای عیون اخبار الرضا علیه السلامو الخرایج و الجرائح نیز بحار الانوار ج ۴۹ صفحات ۵۰ و ۷۴ و ۷۵ و ۸۰ و ۸۶ و ۸۷ مراجعه شود.

۴- ۴) عیون اخبار الرضا علیه السلامج ۲ صفحهٔ ۲۲۸ و بحار الانوار ج ۴۹ صفحهٔ ۸۷، بنقل از مناقب.

و نیز بر همین پایه است که بعضی از اصحاب ائمه برای شناختن امام خود و آگاهی از حقانیت مدعی امامت،سئوالاتی را می نوشتند و از شخص مدعی امامت می خواستند جواب سئوالات را بنویسد بدون آنکه عین نامۀ محتوی سئوالات را ببیند همچنانکه در چندین حدیث نقل شده که امام هشتم علیه السلامپاسخ مسائلی را دادند که بصورت نامه و یا سئوال شفاهی در اختیار آنحضرت قرار نگرفته بود (۱)، و همچنین بر همین ریشه و پایه استوار است،که باور داریم که امام هشتم علیه السلامبا آهو تکلم نمودند (۲)و سخن گنجشکی را برای مردم تشریح کردند و فرمودند این گنجشک می گوید:ماری به بچه های من حمله کرده و می خواهد آنها را بخورد و سپس شخصی را مأمور کردند که برود و مار را بکشد و هنگامی که آن شخص وارد شد،مار را مشاهده نمود و او را کشت (۳)

آری علم آنها به احکام،عقاید،تاریخ،پنهانیهای زندگی بشر،غیب های جهان و.....همه با عنایت خاصۀ الهیه و از طریق غیر متعارف می باشد و افاضۀ خاصه ای است از جانب پروردگار.

علم امام هشتم در دیدگاه ناظران

اشاره

دربارۀ شخصیت علمی امام علی بن موسی الرضا علیه السّلام از زبان پیشوایان معصوم و بزرگان علم و اندیشه،ستایش های فراوان و اعجاب انگیزی نقل شده است که پرده از ابعاد گوناگون علم آنحضرت برمیدارد و ما در این بررسی فشرده، چند مورد از آن ستایش ها را نقل می نمائیم.

رسول گرامی(ص)خطاب بامام هفتم(ع)در عالم رؤیا

علی،فرزند تو است که نظر می کند با نوری خدائی،و می شنود با تفهیمی الهی و سخن می گوید بحکمت خدائی،او بر حق عمل می کند و خطاء ندارد،او دانا است و جهل ندارد وجود او از علم و حلم پر شده است.....

۱- ۱) به بحار الانوار ج ۴۹ صفحات ۴۸ و ۴۹ و ۷۰ و ۷۱ مراجعه شود

۲- ۲) الخرائج و الجرائح صفحۀ ۲۰۷

۳- ۳) بصائر الدرجات جزء ۷ باب ۱۴ صفحۀ ۱۹

امام موسی بن جعفر(ع)

علی،پسر من است که همنام علی بن ابی طالب علیه السّلام و هم اسم علی بن الحسین علیه السّلام می باشد،خداوند به او فهم و علم و بصیرت و اخلاق علی علیه السّلام را داده است.

پسرم علی....نظر می کند با من در کتاب جفر و جامعه،در حالیکه نظر نمی کند در آن کتاب،جز پیامبر و یا وصی پیامبر (۱)

ابو الصلت هروی

کسی را داناتر از علی بن موسی الرضا ندیدم و هیچ عالمی با او ملاقات ننمود جز آنکه همین گواهی را(در مورد علم آنحضرت)داد و همانا مأمون در چندین مجلس،علماء ادیان و فقهاء شریعت و متکلمین را جمع نمود و آنحضرت بر همهٔ آنها غالب گردید آنچنانکه همهٔ انها به فضیلت و برتری آنحضرت و قصور و ناتوانی خود اقرار و اعتراف نمودند.

محمد بن جعفر

او(علی بن موسی الرضا)عالمی است که هرگز ندیدم(برای کسب علم) با دانشمندی رفت وآمد کند (۲)

ابراهیم بن العباس صولی

هرگز ندیدم که از امام رضا علیه السّلام دربارهٔ چیزی سئوال شود جز آنکه آنرا می دانست....مأمون او را با سئوالات گوناگون دربارهٔ همه موضوعات می آزمود، و او پاسخ همهٔ سئوالات را می داد،سخنان او و پاسخ ها و تمثل های او،همه از قرآن گرفته شده بود.

۱- ۱) به بحار الانوار جلد ۴۹ صفحات ۲۰ و ۲۴ و ۲۷ مراجعه شود.

۲- ۲) اشاره است باینکه علم و دانش آنحضرت اکتسابی نیست بلکه لدنی و افاضی می باشد.

مأمون عباسی

علی بن موسی،بهترین مردم روی زمین و داناترین و عابدترین آنها است خدای رحمت کند رضا را،چقدر دانا است....

شاگردان و یاران امام هشتم علیه السّلام

بهره جویندگان از علم و دانش امام و نیز اصحاب و یاران امام هشتم رقم بسیار بزرگی را تشکیل می دهند که مؤلف کتاب طبقات و اخبار الرواه (۱)توانسته است تا حدود ۹۰۰ نفر از آنها را به شمارش درآورد و نام و آثار آنها را بررسی نماید ولی ما برای نشان دادن کوشش های علمی امام هشتم ع تنها نام عده ای از شاگردان آنحضرت را بعنوان نمونه ذکر می کنیم و احیانا"اشاره ای گذرا به شخصیت بعضی آنها می نمائیم.

و البته بایستی توجه داشت عده ای از این چهره های ارزشمند،از زمان امام صادق و امام کاظم علیهما السّلام،در محضر علمی ان دو امام معصوم به کسب فیض علمی و تربیتی،اشتغال یافته اند و تا زمان امام علی بن موسی الرضا ع حیاه داشته و بهرهٔ علمی و اخلاقی گرفته اند،و عدهٔ دیگری از اینها هستند که عمرشان از زمان امام هشتم شروع شده و تا زمان امام جواد و گاهی تا دوران حیاه امام هادی و امام عسکری علیهما السّلام تداوم یافته و در محضر چندین امام،کسب علم نموده اند و اینک نام شاگردان و اصحاب امام هشتم علیه السّلام:

۱-ابراهیم بن ابی البلاد کوفی(که از مؤلفین و معمرین بزرگ بوده است)

۲-ابراهیم بن ابی محمود خراسانی(از نویسندگان کتاب در عصر امام هشتم علیه السّلام بوده است)۳-ابراهیم بن ابی الکرام جعفری ۴-ابراهیم بن بشر(که مسائلی را از امام هشتم ع سئوال نموده و جواب کتبی از امام ع دریافت کرده و آنها را در کتابی جمع آوری نموده است)۵-ابراهیم بن سلامه نیشابوری (از وکلاء امام و از صاحبان کتاب می باشد)۶-احمد بن حسن....بن میثم تمار(که از معتمدین اصحاب امام هشتم بوده و صاحب تصنیف می باشد و

۱- ۱) این دو کتاب مخطوط می باشند و مؤلف آنها اخوی معظم این حقیر هستند.

کتاب او صحیح الحدیث شمرده شده است)۷-احمد بن عامر طائی، ۸-احمد بن عبد اللّه(ابن خانبه)۹-احمد بن عمر الحلبی ۱۰-احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی(صاحب تألیفات ارزشمند بوده و از اصحاب اجماع بشمار رفته است)۱۱-اسماعیل بن محمد بن اسحاق(نوهٔ امام صادق ع و از مؤلفین کتاب و موثقین در حدیث می باشد)۱۲-اسماعیل بن مهران سکونی (که از علماء بزرگ و مؤلفین کتاب و موثقین در حدیث می باشد)

۱۳-اسماعیل بن همام(ابو همام)۱۴-جعفر بن بشیر بجلی(کسی است که از هرکس روایت کند و بر او اعتماد نماید آن شخص،مورد اعتماد و قبول محدثین و علماء میشود)۱۵-حسن بن جهم شیبانی ۱۶-حسن بن سعید اهوازی (که شخصیتی عظیم و دارای تألیفات زیاد می باشد)۱۷-حسن بن علی، وشّأ خزاز(که در میان علماء شیعه چهره ای بزرگ و عظیم بشمار رفته و تألیفات متعدد داشته است)۱۸-حسن بن علی بن فضال کوفی(که در میان مؤلفین از وثاقت و اعتبار و در میان استادان از کثرت تلمیذ،برخوردار بوده و روایات فراوانی را نقل نموده است)۱۹-حسن بن علی بن یقطین(از نویسندگان کتاب و موثقین اصحاب بوده است)۲۰-حسن بن محبوب سراد(که از اصحاب اجماع و بزرگان علما و صاحب کتب و از ارکان اربعهٔ عصر خود بوده است)

۲۱-حسن بن محمد بن فضل هاشمی ۲۲-حسین بن سعید اهوازی(او با همکاری حسن بن سعید،سی کتاب تألیف نمود و آنها میزان شناختن حدیث صحیح از غیر صحیح بوده است،نام حسین بن سعید در ۵۰۲۶(پنجهزار و بیست و شش مورد)در روایات آمده است (۱)۲۳-حسین بن علی بن یقطین، ۲۴-حسین بن محمد بن فضل(که شیخ هاشمیین و بنی عبد المطلب بوده و از، ثقات نویسندگان و نیز جمع کنندهٔ مباحثات امام هشتم ع با اهل ادیان است) ۲۵-حسین بن مهران سکونی ۲۶-حسین بن یزید نخعی نوفلی(که شاعری ادیب و محدثی دارای تصنیف بوده است)۲۷-حماد بن عیسی ۲۸-داود بن قاسم(ابو هاشم جعفری)۲۹-دعبل خزاعی(شاعر ادیب

۱- ۱) معجم رجال الحدیث ج ۵ صفحه ۲۴۵

معروف،صاحب کتابهای متعدد،از جمله،طبقات الشعراء)۳۰-رفاعه بن موسی اسدی ۳۱-ریان بن صلت خراسانی(که از مصنفین بوده است)، ۳۲-سعید بن جناح ازدی بغدادی ۳۳-سلیمان بن جعفر جعفری(از اجلاء و علماء عظیم الشأن بوده و شاگردان زیادی نیز داشته است)۳۴- سلیمان بن حفص مروزی(که از شخصیت های موردتوجه عامه می باشد و مناظره ای نیز با امام هشتم ع داشته است)۳۵-سهیل بن زیاد واسطی ۳۶-صفوان بن یحیی بجلی(فقیهی صاحب منزلت و وکیل امام هشتم بوده و از اصحاب اجماع شمرده شده است)۳۷-عباس بن محمد وراق بغدادی ۳۸- عباس نجاشی کوفی(جد صاحب رجال نجاشی بوده و نیز از نسل نجاشی پادشاه حبشه،در زمان پیامبر ص بوده است)۳۹-عبد السّلام،ابو الصلت هروی (که از موثقین اصحاب امام رضا و مصاحب آنحضرت بوده)۴۰-عبد العزیز بن مسلم ۴۱-عبد اللّه بن صلت ۴۲-عبیس بن هشام ناشری(که تألیفات متعددی داشته است)۴۳-علی بن اسباط کوفی(که موثق ترین مردم و راستگوترین آنها بوده و روایات فراوانی نقل کرده است)۴۴-علی بن اسماعیل میثمی که از نوه های میثم تمار و از علماء و متکلمین اصحاب امام هشتم ع است)، ۴۵-علی بن حدید کوفی ۴۶-علی بن رزین خزاعی(برادر دعیل میباشد و کتابی بزرگ تألیف نموده است)۴۷-علی بن مهزیار اهوازی(چهرۀ درخشان و عظیم الشأن و صاحب تألیف بوده و به مقامات بلند معنوی نائل گشته است)، ۴۸-عمران صابی(متکلم بزرگ و مشهور که یگانۀ دوران بوده و مناظراتی بزرگ و تاریخی با امام هشتم داشته و موردتوجه آنحضرت بوده است)۴۹-فضاله بن ایوب ازدی ۵۰-فضل بن سنان نیشابوری ۵۱-محمد بن ابی عمیر(از بزرگترین چهره های مبرز شیعه و صاحب کتب و مشایخ فراوان،بوده و تألیفات او به ۹۴ میرسد و مشایخ او در نقل حدیث،بالغ بر ۴۰۰ نفر می باشند)۵۲-محمد بن اسماعیل بن بزیع(که از درخشان ترین شخصیت ها در میان اصحاب ائمه و دارای تألیف می باشد)۵۳-محمد بن سنان(که از مصنفین کثیر الروایه می باشد)۵۴-محمد بن قاسم(نهدی)(از بیت علم و حدیث و صاحب

تصنیف می باشد)۵۵-مرازم بن حکیم ازدی(همان شخصیتی که بخاطر تشیع،گرفتار شکنجه های هرون گردید)۵۶-معاویه بن حکیم دهنی، (شخصیتی کثیر الروایه است)۵۷ نصر بن قابوس لخمی(که صاحب منزلت نزد ائمه بوده و صاحب تصنیف می باشد)۵۸-یاسر اشعری قمی(خادم امام ع بوده و مسائلی را از آنحضرت جمع آوری نموده است)۵۹-یونس بن عبد الرحمن(مورد تأئید خاص امام هشتم ع بوده و بیش از سی کتاب تألیف نموده و در میان علماء اصحاب،برجستگی داشته است)۶۰-یونس بن یعقوب (که از مصنفین اصحاب امام بوده است).

و این بود نام ۶۰ نفر از شاگردان و بهره جویندگان از علم امام رضا علیه السّلام که سندی بر کوشش علمی امام و برهانی بر تلاشهای فکری شیعیان می باشد و البته همانند اصحاب و شاگردان دیگر امامان معصوم،به یک اشارهٔ کوتاه دربارهٔ بعضی از یاران و راویان امام هشتم ع اکتفا نمودیم و از طولانی شدن بحث،پرهیز کردیم.

حرکت علمی در زمان امام جواد و امام هادی و امام عسکری علیهم السّلام

اشاره

پس از شهادت امام علی بن موسی الرضا علیه السّلام تا شروع امامت بقیه اللّه الاعظم عج و پیش آمدن دوران غیبت،سه امام معصوم رهبری شیعیان و پیروان مکتب اهل البیت علیهم السّلام را بعهده گرفتند و در نشر افکار دینی و ترویج علم و دانش،تلاشهای مناسبی انجام دادند.

البته جهات مشترکی در جریان حیات و رهبری و امامت این سه پیشوای معصوم وجود دارد که بخاطر آنها،بررسی کوششهای علمی این سه امام را در یک بخش قرار میدهیم و آن جهات چنین میباشند:

۱-عمر مبارک این سه امام،کوتاه بوده و کید و کین دشمنان به عمر پربرکت آنان خاتمه داده است.آنچنانکه امام جواد علیه السلامدر سن ۲۵ سالگی و امام هادی علیه السلام در حدود ۴۰ سالگی و امام حسن عسکری علیه السلامدر حدود ۲۸ سالگی به شهادت رسیده اند.

ص :۲۳۹

۲-مبدأ امامت این سه امام بزرگوار در سنین پائین بوده بنحویکه امام جواد و امام هادی علیهما السّلام در حدود ۷ سالگی و امام عسکری در حدود ۲۲ سالگی به منصب امامت و خلافت الهی نائل گشتند.

۳-اوضاع سیاسی و اجتماعی دوران حیات این سه امام،دچار اضطراب ها و اختلاف های شدید داخلی و خارجی بوده بطوریکه در آن دوره،قیام ها و شورش هائی بر علیه حکومت عباسی انجام میشده همانند نهضت محمد بن ابراهیم معروف به طباطبا و قیام زید بن جعفر در بصره و قیام یحیی بن عمر طالبی(از نوادگان جعفر طیار)در کوفه و قیام حسن بن زید در طبرستان و همچنین شورش ترکها و نیز قیام یعقوب لیث صفاری و قیام قزوین و نیشابور و ری و نیز شورش صاحب الزنج در بصره و...... (۱)

و همچنین اختلافات شدید داخلی در متن حکومت عباسی حاکم بود،آنچنانکه متوکل بدست ترکها و بنفع پسرش کشته شد و منتصر عباسی فقط ۹ ماه خلیفه بود و مستعین عباسی سه سال و هشت ماه بر اریکه قدرت تکیه زد و سپس معزول گردید و برادرش معتز عباسی به خلافت رسید و همچنین مستعین عباسی در سن ۳۵ سالگی کشته شد و نیز معتز عباسی پس از چهار سال و شش ماه خلافت،خود را عزل نمود و پس از شش روز،در سن ۲۴ سالگی درگذشت!!مهتدی عباسی ۱۱ ماه خلیفه بود و در سن ۳۸ سالگی کشته شد و..... (۲)(۳)

و نیز روحیهٔ خشونت و شدت و خونخواری،بخصوص در بعضی از خلفاء،حاکم

۱- ۱) به زندگانی امام محمد تقی صفحه ۳۱ و زندگانی امام هادی ع صفحه ۵۶ و ۵۷ و زندگانی امام حسن عسکری از صفحه ۴۶ تا صفحه ۴۸ مراجعه شود.

۲- ۲) زندگانی امام حسن عسکری از صفحه ۴۰ تا ۴۵

۳- ۳) جالب است که از زمان شروع امامت امام جواد علیه السّلام که در دوران خلافت مأمون بوده،تا زمان شهادت امام حسن عسکری ع،نه نفر خلیفهٔ عباسی در جایگاه خلافت غاصبانه قرار گرفتند،بدینترتیب:۱-عبد اللّه مأمون ۲-معتصم عباسی ۳-الواثق عباسی ۴-متوکل عباسی ۵-منتصر عباسی ۶-مستعین عباسی ۷-معتز عباسی ۸-مهتدی عباسی ۹-معتمد عباسی.

بود همانند متوکل که دچار یک حالت روانی شدیدی بود که از آزار دیگران لذت می برد و لذا گاهی دستور می داد عقرب یا دیگر حشرات موذی را بیاورند و بجان همنشینانش بیاندازند و یا آنکه ببر و یا شیری را در مجلس بیاورند تا حاضرین به وحشت و اضطراب درآیند و او از تماشای ترس و دلهرهٔ آنان لذت ببرد (۱).

و نیز معتمد عباسی که در کثرت قتل و کشتار مردم،مورخین را به شگفتی آورده و بنابر تخمین مسعودی تعداد کشته شدگان دوران حکومت او،بیش از نیم میلیون (پانصد هزار نفر)بوده است (۲)و نمونه های دیگری از چنین روحیات و صفات پلید و شیطانی که در خلفاء عباسی وجود داشت.

و این علل،موجب گردیده بود که حکومت عباسی بر مخالفین خودش فشار زیادی وارد سازد و هرحرکتی را با شدت و خشونت و وحشیگری سرکوب نماید و لذا عدهٔ زیادی کشته میشدند و جمعیت فراوانی بزندان افکنده میشدند و شخصیت های بانفوذ و مؤثر،زیرنظر و کنترل شدید جاسوسی،قرار داده میشدند و ارتباط آنها با مردم دچار مشکلات فراوانی میگردید،چنانچه امام هادی ع و امام عسکری ع را در شهر سامرأ که مرکز قدرت نظامی و سیاسی بود نگهداشتند و شدیدترین مراقبت و کنترل را در مورد آنان اجراء می نمودند و هرکدام از آن دو امام را چندین بار به زندان افکندند و در مجموع،آزادی عمل و کوشش اجتماعی را از آنان،سلب نمودند.

و همین شرایط بود که زندگی و تلاش تبلیغی و تعلیمی را بر امامان معصوم مشکل می نمود و آنها ناگزیر بودند که کوشش های علمی خود را همراه با تاکتیک و بصورت تقیه ای انجام دهند و از هرنوع تلاش تحریک کننده که بهانه بدست دشمن دهد و موجب قلع وقمع و ریشه کن شدن شیعیان گردد،پرهیز نمایند و لذا تشکیل جلسات درس و مناظره بطور گسترده برای آنها میسر نمی گشت و کوششهای تعلیمی با روش های تاکتیکی و بنحو محدود انجام میگرفت.

۴-اصحاب و یاران و شاگردان این سه امام تا حدود قابل توجهی مشترک میباشند

۱- ۱) زندگانی امام هادی ع صفحه ۵۴

۲- ۲) زندگانی امام حسن عسکری ع بنقل از مروج الذهب مسعودی

زیرا باتوجه به کوتاهی عمر این سه امام،تعداد زیادی از آنها موفق به درک محضر چندین امام و استفاده از علم و دانش و بیان روح افزایشان می گشتند.

و اینک باتوجه به این جهات مشترک،بررسی فشردهٔ خود را دربارهٔ حرکت علمی این سه پیشوای بزرگ،دنبال می کنیم.

امامت امام جواد و هادی علیهما السلام در کودکی،یکی از آیات الهی

همچنانکه در میان انبیاء عظیم الشأن چهره های درخشانی بودند که در کودکی به مقام نبوت رسیدند همانند عیسی علیه السّلام که در گهواره بود و نبوت خود را اعلام نمود چنانچه در قرآن مجید،آمده است ...قَالُوا کَیْفَ نُکَلِّمُ مَنْ کَانَ فِی الْمَهْدِ صَبِیًّا قَالَ إِنِّی عَبْدُ اللّهِ آتَانِیَ الْکِتَابَ وَ جَعَلَنِی نَبِیًّا وَ جَعَلَنِی مُبَارَکاً أَیْنَ مَا کُنْتُ.... مریم ۲۹-۳۰ و نیز حضرت یحیی علیه السّلام که قرآن دربارهٔ او می فرماید یَا یَحْیَی خُذِ الْکِتَابَ بِقُوَّهٍ وَ آتَیْنَاهُ الْحُکْمَ صَبِیًّا "مریم ۱۲،

همین طور در میان امامان معصوم ما چهره های فروزانی هستند که در سنین پائین بمقام امامت نائل گشته اند همانند امام جواد و امام هادی علیهما السّلام که اولی ۸ ساله و دومی ۷ یا ۸ ساله منصب امامت را احراز نمودند و چونکه امام بایستی عالم ترین و شایسته ترین مردم باشد لذا تجلی چنین فضیلت و علمی آنهم از یک انسان کم سن وسال و در دوران کودکی،آیتی بزرگ از آیات الهی خواهد بود.

إِنَّمَا یُرِیدُ اللّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً

ص:۲۴۲

مناظرهٔ امام جواد علیه السلام با رئیس دیوان عالی بغداد

در میان حرکت های علمی امام جواد علیه السّلام،مناظرهٔ آن حضرت با یحیی بن اکثم قاضی القضاه(رئیس دیوان عالی حکومت عباسی)از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد زیرا موقعیت علمی و قضائی یحیی بن اکثم و اهمیت مجلس رسمی خلیفه عباسی(مأمون الرشید)و کمی سن امام جواد و حضور دانشمندان زیاد در مجلس مناظره و پیروزی درخشان و چشمگیر امام جواد علیه السلامدر مناظره،همه و همه سندی روشن و دلیلی بارز برای علم لدنّی و دانش افاضی آنحضرت می باشد و برای روشن شدن موضوع،فشرده ای از جریان مناظره را در این قسمت نقل می نمائیم.

پس از شهادت امام هشتم علیه السّلام،مأمون عباسی تصمیم گرفت دخترش ام الفضل را به عقد امام جواد علیه السّلام درآورد ولی این سیاست مورد تأئید عباسیان نبود و لذا از راه های گوناگون و با تکیه بر دلائل مختلف،با مأمون مذاکراتی نمودند و در نظر داشتند که او را از این سیاست بازدارند و از جملهٔ دلائل آنها این بود که گفتند:ابن الرضا(امام جواد ع)بچه است و باید صبر کرد تا تحصیل علم و ادب بنماید،مأمون گفت:این خاندان علمشان از جانب خدا است و پدران او در علم دین و ادب،بی نیاز از مردم ناتوان و ناقص،بودند و شما در صورتیکه بخواهید میتوانید آزمایش کنید.

عباسیان برای آزمایش امام جواد علیه السلامیحیی بن اکثم را که قاضی القضات، (رئیس دیوان عالی کشور)بود برگزیدند و از او خواستند که تلاش خود را بکار ببندد و سئوالی را آماده کند که امام جواد علیه السلامنتوانند جواب دهند و آنحضرت را در تنگنای سختی،گرفتار سازد.

بدین منظور،مجلس باشکوه و مهمی تشکیل گردید،مأمون حضور یافت، شخصیت های علمی و سیاسی با رتبه های گوناگون شرکت نمودند،و یحیی بن اکثم بعنوان شخصیت برجستهٔ علمی و قضائی،حضور یافت و آزمایش شروع شد.

یحیی بن اکثم سئوال خود را دربارهٔ یکی از مسائل مهم حج(مسئلهٔ کفارهٔ صید)

انتخاب کرده بود و عرضه داشت:آیا اگر محرمی صیدی را کشت چه باید بکند (و کفاره اش چیست)؟امام جواد علیه السلامفرمودند:آیا این عمل،در حلّ بوده است یا در حرم؟این شخص محرم،عالم به حکم بوده است یا جاهل،این کشتن صید،از روی عمد بوده است یا خطاء انجام گرفته؟این شخص محرم، آزاد بوده است یا بنده؟او،صغیر و نابالغ بوده یا کبیر و بالغ،اولین باری بوده که صید کرده یا در این کار،تکرار داشته؟این صید،از مرغان هوا بوده یا حیوان دیگری بوده؟این صید،کوچک و صغیر بوده یا بزرگ؟این شخص،از کارش پشیمان شده یا اصرار دارد؟صید را در شب کشته یا در روز؟احرام او،احرام حج بوده یا احرام عمره؟

در این هنگام،یحیی بن اکثم آنچنان حیران و سرگردان و ناتوان شد که در چهرهٔ او آثار شکست و ناتوانی،ظاهر و آشکار گردید و اهل مجلس،بیچارگی او را بخوبی دریافتند،و مأمون به خویشان و بستگانش که مخالف سیاست او بودند گفت:آیا دانستید آنچه را انکار می کردید؟

پس از آن،از امام جواد علیه السلامخواستند که تفصیل احکام صید را با تمام فروع آن بیان نمایند و آنحضرت،احکام الهی را در مورد تمام اقسام صید،که مورد بحث قرار گرفته بود تشریح نمودند.

آنگاه مأمون پیشنهاد نمود که امام جواد علیه السلامنیز از یحیی بن اکثم سئوالی بنمایند و آنحضرت رو به جانب یحیی نمودند و فرمودند:آیا سئوال کنم؟او پاسخ داد:

اختیار با شما است،درصورتی که جواب سئوال را بدانم،خواهم گفت و اگر نه،از شما بهره مند میشوم،در این هنگام امام ع فرمودند:

مردی است در اول روز به زنی نگاه میکند و این نگاه حرام است ولی پس از آنکه روز برآمد،نگاهش حلال میشود و در هنگام ظهر نگاهش حرام میشود و در وقت عصر مجددا"حلال میشود و همین نگاه در هنگام غروب حرام میشود و در هنگام نماز عشاء حلال و در نیمهٔ شب مجددا"حرام میشود و در هنگام طلوع فجر نیز حلال میشود،چرا این نگاهها حرام و حلال شده است؟

یحیی بن اکثم گفت:جواب سئوال را نمیدانم،اگر مایل باشید بفرمائید تا بهره مند شویم،آنگاه امام جواد ع جواب سئوال را به تفصیل بیان نمودند درحالی که جواب این سئوال نیازمند آگاهی و تسلط بر بخشهای گوناگون فقه از قبیل مباحث عبید و اماء،بیع و تجارت،عتق،نکاح،ظهار و طلاق می باشد (۱)

این مجلس و این مناظره و گفتگو و آزمایش،آنچنان عظمتی داشت و ابعاد وسیع علم امام جواد علیه السلامرا آشکار نمود که مخالفین را به خضوع و اعتراف صریح، نسبت به برتری علم امام ع وادار نمود.

باز هم مناظره

پس از جریان مناظرهٔ یاد شده،در مجلسی دیگر با حضور مأمون و عده ای از شخصیت های دستگاه خلافت،یحیی بن اکثم یک سلسله از احادیث جعلی و دروغین را در مورد بعضی از خلفاء،مورد سئوال قرار داد و از امام جواد علیه السلامدر بارهٔ آنها نظرخواهی نمود ولی سئوال خود را آنچنان حساب شده طرح نموده، بود که"بخیال خودش"اگر امام جواد علیه السلامآن احادیث را که در فضیلت خلفاء غاصب و ظالمین نسبت به حقوق امیر المؤمنین علیه السّلام و فاطمهٔ زهراء سلام- اللّه علیها بود،تأئید می نمودند ضربهٔ بزرگی بر مکتب مقدس اهل البیت علیهم السّلام بود و اگر تکذیب مینمودند موجب تحریک عواطف و احساسات اجتماع و بخصوص حاضرین در مجلس بود و آنها را بر علیه آنحضرت به خروش میآورد ولی امام جواد علیه السلامدر مورد هرکدام از آن حدیث های جعلی و دروغین،بحث جالب و قاطعی نمودند و بدون آنکه در مورد شخص مذکور در حدیث،و نفی فضیلت از او،سخنی بگویند که موجب تحریک عواطف گردد،با استناد به دلیل های قطعی،از قرآن و یا سنت رسول اللّه صلّی الله علیه و آله و سلّم و یا دلائل عقلی،دروغ بودن آن حدیث و ساختگی بودن محتوای آنرا اثبات می کردند (۲)و در پایان گفتار و

۱- ۱) تفصیل کامل جریان مناظره را در کتاب احتجاج طبرسی،بخش احتجاجات امام جواد و نیز بحار الانوار ج ۵۰ صفحه ۷۴ ملاحظه نمائید.

۲- ۲) جریان این مناظره،در کتاب احتجاج طبرسی و بحار الانوار ج ۵۰ صفحه ۸۰ نقل گردیده است.

مناظرهٔ امام ع با اثبات افتراء بودن آن احادیث مجعوله،نتیجهٔ روشنی در ذهن هرشنونده ای بوجود می آمد که این اشخاص غاصب،که بنام خلیفهٔ رسول خدا ص،مسیر خلافت و ولایت را منحرف کردند و در دین خدا بدعتهای فراوان گذاردند،وجهه و موقعیتشان در میان مسلمین وابسته به یک سلسله احادیث ساختگی می باشد که علاوه بر دروغگو بودن سازندگان آن احادیث،مخالفت قطعی و روشن با قرآن و سنت و نیز احکام قطعیه عقلیه دارد.

ارتباط علمی شیعیان و علماء بلاد،با امام جواد علیه السلام

گرچه شرائط زندگی امام جواد ع مانع از تشکیل جلسات درسی گسترده و کوششهای علمی،بنحو گسترده و وسیع بود ولی رهبری های آنحضرت در شکلهای ویژه و مناسب،تجلی می یافت چنانچه در حدیثی نقل شده که هنگام حج بود و عده ای از فقهاء و علماء بلاد،از بغداد و دیگر شهرها،که تعداد آنها به هشتاد نفر میرسید عازم حج بودند و بمدینه مشرف شدند و بمحضر امام جواد ع شرفیاب گردیدند و مسائل خود را مطرح ساختند و پاسخ دریافت نمودند (۱)و در کتاب شریف کافی نقل شده است که گروهی از شیعه که از اطراف آمده، بودند بمحضر امام جواد ع رسیدند و در یک مجلس در مورد ۳۰ هزار مسئله سئوال کردند (۲)و امام پاسخ دادند در حالیکه ده ساله بودند (۳).

ص: ۲۴۶

۱- ۱) بحار الانوار ج ۵۰ صفحه ۱۰۰ و در صفحه ۹۰ نیز حدیثی مشابه همین روایت نقل شده و حضور علماء بلاد به محضر امام جواد ع و سئوال آنها از آنحضرت،نقل شده است.

۲- ۲) در مورد سی هزار مسئله سئوال نمودن در یک مجلس،تفسیرها و توجیهات گوناگونی شده است که در ج ۵۰ از بحار الانوار صفحه ۹۳ ذکر شده است و یکی از آنها اینست که این رقم،اشاره بزیاد بودن سئوالات است و این عبارت یک نوع مبالغه است و بعضی احتمال داده اند که کلمه(الف)در جملهٔ(ثلثین الف)که در حدیث آمده،زیادی است و از روات حدیث می باشد چنانچه در کتاب محجه البیضأ کلمه(الف)ذکر نشده است(به پاورقی اصول کافی ج ۱ صفحه ۴۱۵- چاپ مکتبه اسلامیه مراجعه نمائید).

۳- ۳) اصول کافی ج ۱ باب مولد ابی جعفر،محمد بن علی الثانی صفحه ۴۱۵

و همچنین مناظره و سئوالات یحیی بن اکثم با آنحضرت در شهر مدینه (۱)، نشاندهندهٔ ارتباط علماء شهرها با امام جواد ع می باشد و بخوبی میتوان دریافت که کوشش های علمی آنحضرت مخصوص دوستان و پیروان امام در مدینه و یا بغداد نبوده است بلکه همگان از علم آن پیشوای عالم و معصوم می توانسته اند بهره مند شوند و عملا"نیز استفاده می برده اند.

حکمی فقهی و تجلیلی از مقام حضرت زهراء سلام الله علیها

در کتاب کافی حدیثی از امام جواد ع نقل گردیده است که در ضمن بیان یک حکم فقهی،مقام رفیع بانوی بزرگ اسلام،حضرت زهراء سلام اللّه علیها موردتوجه قرار گرفته و خلاصهٔ مفاد آن حدیث چنین است:

شخصی بنام موسی بن قاسم گوید،از امام جواد کسب تکلیف نمودم دربارهٔ طواف نمودن به نیابت از آنحضرت و پدر بزرگوارشان،و اجازه دریافت نمودم و پس از سه سال،روزی در خدمت آنحضرت عرضه داشتم که من باتوجه به اجازهٔ قبلی شما چیزی به قلبم خطور کرده و انجام داده ام،امام فرمودند:چیست؟گفتم چنین عمل میکردم که یک روز از طرف رسول خدا ص طواف میکردم و روز دوم از طرف امیر المؤمنین ع و سومین روز از جانب امام حسن ع و همچنین هرروزی از طرف امامی تا روز دهم از طرف شما طواف انجام میدادم و همین ها هستند که من ولایت آنها را دین خود قرار داده ام،امام فرمودند بله،و اینست همان دینی که هیچ دینی غیر از آن،از بندگان خدا پذیرفته نمیشود،سپس عرضه داشتم:گاهی از طرف مادرتان فاطمه(س)طواف میکردم و گاهی ترک میکردم،امام جواد ع فرمودند این کار را(طواف نمودن از طرف مادرمان زهراء س)زیاد انجام بده زیرا،این عمل باارزش ترین و بافضیلت ترین کاری است که تو میتوانی انجام بدهی (۲)

علم امام هادی ع آیت و نشانهٔ الهی

در زندگی امام هادی علیه السّلام شگفتیهائی مشاهده میگردید که برای

۱- ۱) بحار الانوار ج ۵۰ صفحه ۶۸ بنقل از کافی و مناقب آل ابی طالب

۲- ۲) وسائل الشیعه ج ۸ صفحه ۱۴۱ بنقل از کافی و تهذیب

حق طلبان،بخوبی روشن می ساخت که آنحضرت یکی از آیات الهی و حجت پروردگار بر مردم،می باشند و از جملهٔ آن شگفتیها،سخن گفتن آن پیشوای معصوم به زبانهای گوناگون از قبیل ترکی،فارسی،صقلابی (۱)و هندی می باشد.

چنانچه نقل شده است که امام هادی ع با غلامی سقلابی سخن گفتند و آن غلام به شگفتی آمد و گفت:او(امام هادی ع)آنچنان با زبان سقلابی تکلم می کند که گویا یکی از ما است (۲)

و نیز آگاهی و علم امام ع از غیب و امور پنهان از گوشها و چشمهای طبیعی (۳)همه و همه نشانه ای از اینست که علم آنحضرت،از آیات الهی است که در وجود آن پیشوای معصوم،تجلی یافته است.

و جالب آنکه،امامت آنحضرت از سن ۸ سالگی شروع گردیده و معجزات و کرامات متوقّع از امام معصوم،در آن سنین کم،از آنحضرت ظاهر گردیده است و چه زیبا است عبارت یکی از علماء بزرگ که میفرمودند:امام هادی ع آیت اللّه امامان ما می باشند و منظورشان این بود که علاوه بر فضائل و مکارم و شرائط مهم امامت و خلافت الهی که در امام هادی ع بوده و آنحضرت را بعنوان آیتی از آیات الهی مطرح میسازد،شروع امامت آنحضرت در کودکی،آیتی است علاوه،چنانچه سخن گفتن حضرت عیسی ع در گهواره و اعلام نبوت آنحضرت در کودکی،آیتی بود ممتاز و ویژه،که نبوت و رسالت آنحضرت را بعنوان آیتی ممتاز و نشانه ای برجسته،مطرح میسازد.

۱- ۱) صقلاب،معرب سقلاب می باشد و منظور شعب اسلاو است که بین بلغار و قسطنطنیه سکونت دارند(مردم چکسلواکی و یوگسلاوی)فرهنگ معین ج ۵ ص ۷۷۲

۲- ۲) بحار الانوار ج ۵۰ صفحه ۱۳۰ بنقل از بصائر الدرجات،برای آگاهی امام هادی بزبانهای مختلف،به صفحات ۱۲۴ و ۱۳۰ و ۱۳۶ و ۱۳۷ از جلد ۵۰ بحار الانوار مراجعه شود.

۳- ۳) به کتاب بحار الانوار ج ۵۰ صفحات ۱۲۶-۱۳۰-۱۴۱ و ۱۴۲ مراجعه شود.

امام هادی علیه السّلام و مناظرات

اشاره

جریانات فکری و سیاسی گوناگونی در زمان امام هادی علیه السّلام وجود داشت که با مسیر الهی و برحق آنحضرت هماهنگی نداشت و موجب برخورد لفظی و کتبی و انجام مناظره ها و مباحثه ها،میگردید و چونکه وظیفهٔ امام ع روشن کردن راه حق و برطرف نمودن شبهات و ابهامها است،لذا یکی از خدمات علمی امام ارشاد و تعلیم از طریق همین مناظره ها و منکوب نمودن باطل بوسیلهٔ همین مباحثه ها است و امام هادی نیز،در زمینه های مختلف از همین روش،بهرهٔ تبلیغی میگرفتند که نمونهٔ آن،مناظرهٔ آنحضرت با ابن سکیت نحوی و لغوی و ادیب شهید معروف است که در مجلسی،متوکل به او گفت در حضور من از ابن الرضا مسئله مشکلی را سئوال کن و ابن سکیت مسئله ای را دربارهٔ علت تفاوت معجزات حضرت موسی و عیسی و پیامبر گرامی اسلام مطرح ساخت و امام هادی بطور کامل پاسخ او را بیان داشتند.

یحیی بن اکثم،در مجلس حاضر بود و گفت ابن سکیت را با مناظره چکار؟،او فقط نحوی و شاعر و لغوی است،پس از آن،خودش نامه ای را برداشت که در آن مسائل مهمی مطرح گردیده بود و پاسخ آنها را تقاضا نمود و امام هادی ع جواب سئوالات را بیان نمودند و به ابن سکیت امر کردند که پاسخ ها را بنویسد و ضبط نماید.

این سئوالات،متنوع و اساسی و در زمینهٔ فقه،تفسیر،عقائد و تاریخ بود و آنقدر اهمیت داشت که وقتی یحیی بن اکثم،پاسخ سئوالات را خواند،به متوکل عباسی گفت:پس از این سئوالات،من دوست نمیدارم که از این مرد (امام هادی ع)سئوالی بشود،زیرا هرسئوالی بشود در مقایسه با سئوالات من اهمیت کمتری دارد و در نتیجه،علم او(امام هادی ع)ظاهر میشود و رافضیان تقویت میشوند (۱).

ص :۲۴۹

---

۱ - ۱) تفصیل جریان این مناظره در بحار الانوار ج ۵۰ صفحه ۱۶۴ تا صفحه ۱۷۲ و نیز کتاب تحف العقول،با کمی اختلاف،نقل گردیده است.

ملاحظه می نمائید چگونه علم امام ع حقائق را آشکار می کند و چگونه بد خواهان می خواهند نور خدا را خاموش کنند ولی (یُرِیدُونَ لِیُطْفِؤُا نُورَ اللّهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ اللّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْکافِرُونَ) (صف آیه ۸).

رسالهٔ جبر و تفویض

از امام هادی علیه السّلام در زمینه های مختلف و در رشته های گوناگون علمی مطالب زیادی نقل شده بطوریکه مرحوم آیت اللّه سید محسن امین جبل عاملی در اعیان الشیعه میفرماید(و قد روی عنه فی اجوبه المسائل فی الفقه و غیره من انواع العلوم،الشّیئ الکثیر و تکفّلت به کتب الاخبار)و در تحف العقول قسمتی از آن روایات نقل گردیده است.

ولی در میان آنها رسالهٔ مفصلی است که امام هادی علیه السّلام در پاسخ.....

نوشته اند و در رد اهل جبر و تفویض و اثبات عدل و منزلت بین المنزلتین بطور مفصل و گسترده مطالبی را تشریح نموده اند و ابعاد گوناگون بحث را مورد تفسیر و تحلیل قرار داده اند و این رساله،مفصلترین نوشته ای است که از امام هادی علیه السّلام نقل شده است.

امام هادی علیه السّلام و زیارت جامعه کبیره

در میان زیاراتی که از معصومین علیهم السّلام نقل شده که در وقت زیارت امامی از امامان معصوم خوانده شود،زیارت جامعه از اهمیت و برجستگی خاصی برخوردار است زیرا از یکسو مفصل است و از سوی دیگر مباحث امام شناسی،در ابعاد گوناگون و بخشهای مختلف آن در این زیارت مطرح شده است و از سوی سوم جمله ها و ترکیب کلمات،از یک حالت ویژه ای برخوردار است که خواننده زیارت را در یک سفر روحی و معنوی می برد و رابطهٔ قلبی او را با امام نزدیک و لطیف می کند.

این زیارت،کتاب امام شناسی و وسیلهٔ تقرب و ابزار پرواز بسوی عالم معنی است.

آنقدر سرمایهٔ علمی در این زیارت بکار رفته است که دانشمندان گرانقدر و عظیم- الشأنی را بر شرح و تفسیر نمودن کلمات و مطالب عمیق و دقیق آن واداشته است.

آنقـدر روح افزاست که دلباختگان صاحبان ولایت و شیفتگان طریق امامت،هیچ گاه از خواندن او غفلت نمی کنند و در حرم ها و مشاهد مشرفه،آنرا انیس خود قرار میدهند.

و در یک کلام،زیارت جامعه کبیره یکی از ذخائر ارزشمند و یکی از سرمایه های گرانقدر،در فرهنگ تشیع می باشد و علامهٔ مجلسی رضوان اللّه علیه،آنرا بهترین زیارات جامعه از جهت متن و سند و فصاحت و بلاغت دانسته است و مرحوم ملا محمد تقی مجلسی،آنرا احسن و اکمل زیارات،شمرده است.

این زیارت جامعه،از برکات و آثار علم امام هادی علیه السّلام است که در اختیار رهروان راه ولایت و دوستداران خاندان عصمت و طهارت قرار گرفته است.

آثار علمی امام حسن عسکری ع

اشاره

با اینکه امام حسن عسکری علیه السّلام در سخت ترین شرائط اجتماعی و سیاسی قرار داشتند تا آنجا که از سنین کودکی،که بهمراه پدر بزرگوارشان(زیر فشار حکومت عباسی)به سوی شهر سامراء،حرکت نمودند تا زمان شهادتشان که در سن ۲۸ سالگی بوقوع پیوست،آنحضرت و شیعیان و علاقمندانشان،زیر کنترل شدید جاسوسان بودند و لذا درب خانهٔ حضرت بروی اغلب مردم جز خواص شیعه بسته بود (۱)و آنحضرت چندین مرتبه گرفتار زندان گردیدند (۲)ولی بااینحال آثاری بزرگ از آن امام مظلوم بجای مانده است که پرده از کوششهای علمی آنحضرت برمیدارد و ما به آنها اشارهٔ گذرائی داریم.

۱-تفسیر امام حسن عسکری علیه السّلام

کتاب تفسیری است منسوب به امام عسکری ع که گرچه دربارهٔ انتساب آن امام،بحث هائی وجود دارد ولی مرحوم صدوق(محدث بزرگ و عظیم الشأن شیعه که با دعای امام زمان عج تولد یافته است)بر آن اعتماد کرده و مطالب

۱- ۱) زندگانی امام حسن عسکری صفحه ۷۵

۲- ۲) زندگانی امام حسن عسکری صفحه ۳۷

آنرا مورد استفادهٔ علمی قرار داده و همانطور که علامهٔ مجلسی ره فرموده است، شیخ صدوق در مقایسه با کسانیکه در انتساب این کتاب شریف،باامام معصوم تردید کرده اند،هم نزدیک تر است به زمان آنحضرت و هم آگاه تر و آشناتر است و اکثر علماء،از این تفسیر استفاده برده اند و از آن روایت نموده اند،بدون آنکه بر آن اشکالی وارد کنند (۱).

و نیز علماء بزرگی،همچون طبرسی در احتجاج و ابن شهرآشوب و محقق کرکی و- شهید ثانی و مولی محمد تقی مجلسی و مولی محمد باقر مجلسی و محدث نوری و ....بر این تفسیر اعتماد نموده اند و نسبت آنرا به امام عسکری ع صحیح شمرده اند (۲).

مطالب این تفسیر گرانقدر را امام عسکری علیه السّلام در مدت هفت سال بتدریج به دو نفر از شیعیان علاقمند و دوستدار علم،تعلیم نمودند و آندو،آن مطالب ارزشمند را ضبط و نقل نمودند،که بعنوان تفسیر امام عسکری ع شهرت یافته است

۲-رساله المنقبه

در مناقب ابن شهرآشوب آمده است که در سال ۲۵۵ از نزد امام ابی محمد علیه السّلام کتابی خارج شد بنام(رساله المنقبه)که بیشترین مسائل حلال و حرام را دربر داشت (۳).

۳-دانشمندی بنام خیبری کتابی تألیف نمود بنام مکاتبات الرجال عن العسکریین ع که در آن،قسمتی از احکام دینی جمع آوری گردیده بود

. (۴)

۴-نامه ها و گفته های فراوانی که در زمینهٔ انواع علوم،از آنحضرت نقل شده

و در کتابهائی همانند تحف العقول،اعلام الدین،الدّره الباهره من الاصداف- الطاهره،بحار الانوار و....نقل گردیده است و مرحوم آیت اللّه سید محسن امین جبل عاملی در اعیان الشیعه درباره آنها فرموده است و قد روی عنه اصحابه من الرّوایات فی انواع العلوم الشّییٔ الکثیر (۵).

۱- ۱) اعیان الشیعه ج ۴ قسم دوم صفحه ۱۸۷

۲- ۲) الذریعه ج ۴ صفحه ۲۸۵

۳- ۳) اعیان الشیعه ج ۴ قسم دوم صفحه ۱۸۷

۴- ۴) اعیان الشیعه ج ۴ قسم دوم صفحه ۱۸۷

۵- ۵) اعیان الشیعه ج ۴ قسم دوم صفحه ۱۸۷

امام عسکری،در سنگر دفاع از قرآن

اسحاق کندی که یگانه فیلسوف مهم عراق،در زمان خود شمرده شده است تصمیم گرفته بود که حملات گسترده ای بر قرآن وارد کند و بخیال خودش تناقضات قرآن را جمع آوری نماید و بدینوسیله،این کتاب آسمانی را از اعتبار بیاندازد و- برای دست یابی به این منظور نیروی خودش را در این راه بکار انداخته بود و در منزل خود به تنهائی به تلاشهای خود ادامه میداد.

روزی،یکی از شاگردان کندی به محضر امام حسن عسکری ع شرفیاب شد و آن- حضرت به او فرمودند آیا در میان شما مرد رشیدی وجود ندارد که جلو این شخص را بگیرد و نگذارد به این کارش(در مورد قرآن)ادامه دهد؟

شاگرد کندی عرض کرد:ما شاگرد اوئیم و چگونه می توانیم باو اعتراض کنیم؟

امام عسکری ع فرمودند:آیا آنچه به تو می گویم باو می رسانی؟عرضه داشت، بله،امام فرمودند،برو و با او مأنوس شو و مهربانی کن و هنگامی که با او مأنوس شدی بگو من مسئله ای دارم که میخواهم سئوال کنم و هنگامی که از تو جویا شد چه سئوالی داری،بگو،اگر گویندهٔ جمله های قرآن بیاید و بتو بگوید:که آیا ممکن است که مقصود گویندهٔ قرآن از این جمله ها،غیر آن معنائی باشد که تو گمان کرده ای(و بر مبنای آن،تناقض هائی را پیدا کرده ای)؟

در این هنگام،کندی جواب خواهد داد که ممکن است و تو بگو که شاید غیر معنائی را که برمبنای آن،تناقض گرفته ای قصد کرده باشد.

شاگرد کندی دستور امام عسکری را اجرا کرد و استاد خود را بفکر فروبرد و پس از آن، اسحق کندی گفت قسمت میدهم که بگوئی این مطلب را تو از کجا گفتی؟گفت به قلبم خطور کرد،کندی گفت این مطلب از مثل تو و کسانی که در رتبه تو هستند نخواهد بود،بگو از کجا این مطلب را آوردی؟شاگرد او گفت ابو محمد ع مرا چنین دستوری داد،کندی گفت چنین مطلبی خارج نمیشود مگر از چنین خاندانی،سپس آتش خواست و همهٔ نوشته های خود را که در رد قرآن،نوشته بود بآتش کشید و سوزانید، و این چنین امام عسکری علیه السلامبا علم مخصوص به اهل البیت علیهما السلام از قرآن دفاع کردند و

ص: ۲۵۳

در سنگر دفاع از کتاب آسمانی اسلام،بزرگترین کوشش ثمربخش را انجام دادند

نقش سه امام معصوم در تقویت حوزهٔ قم

گرچه مشکلات و سختی ها،فشارها و زندانها،میدان فعالیت را بر سه امام معصوم تنگ کرده بود ولی آنها از امکانات مختلف برای نشر علم و مکتب اهل- البیت بهره گیری می نمودند،که از بارزترین و ارزشمندترین آنها شهر مذهبی قم و حوزه علمیه گسترده و پربار آن می باشد.

در زمان این چند امام معصوم،حوزهٔ علمیهٔ قم مرکز تجمع علماء و محدثین بزرگ بود و رابطهٔ این حوزهٔ بابرکت با ائمهٔ معصومین علیهم السّلام برقرار بود و با اعزام فرستادگان حوزه بمحضر امام و کسب علم و گرفتن پاسخ به سئوالات و مشکلات علمی و دینی،از یکطرف و تعیین وکیل و هدایت نمودن امام،علماء و شیوخ بزرگ علمی و تقوائی قم را،از طرف دیگر،کار نشر علم بخوبی انجام میشد و حوزه قم سنگری بود، برای نشر افکار اهل البیت و وسیله ای بود برای تحقق یافتن و به نتیجه رسیدن کوشش های ائمه،برای نشر و گسترش علوم دینی و البته عنایت خاص ائمه عاملی بسیار قوی،برای تقویت و تحکیم اساس حوزهٔ علمیهٔ قم بود و تأثیر خدمات و کوششهای علماء و مشایخ قم را به مراتب،افزون می ساخت و بعبارتی دیگر،از طرفی به تلاشگران حوزهٔ قم،روحیه میداد و از طرف دیگر کاربرد آنرا،در جامعه و کلّ شهرهای اسلامی افزایش می بخشید.

و امّا الحوادث و الواقعه فارجعوا فیها الی رواه حدیثنا فانّهم حجّتی علیکم و انا حجّه اللّه علیهم

ص :۲۵۴

شاگردان و یاران سه امام معصوم(ع)

دانشـمندان علم رجال،با تلاش و کوشش زیاد توانسته اند عده ای از یاران و شاگردان این سه امام مظلوم و معصوم را شناسائی نموده و شـرح حال و آثارشان را تا حدود ممکن در اختیار طالبین حقیقت بگذارند و در این میان،محقق بزرگوار مؤلف کتاب تهـذیب المقـال،در تتبع و بررسـی که در مورد اصـحاب ائمه انجام داده و در دو کتاب الطبقات الکبری و اخبار الرواه (۱)جمع آوری نموده اند، اصـحاب و شاگردان امام جواد علیه السّلام را تا حدود ۳۵۰ نفر و یاران و راویان امام هادی علیه السّـلام را تا حدود ۳۳۰ نفر و از اصـحاب امام حسن عسـکری علیه السّلام تا حدود ۲۰۰ نفر را به شـمارش درآورده اند و این رقمهای قابل توجه را از اصحاب این سه امام بزرگوار،ارائه داده و در مورد هرکدام از آنها بررسی و تحقیق نموده اند.

ولی ما باتوجه به فشردگی و اختصاری که در نظر داریم،فقط عده ای از آنها را که از نظر علمی بیشتر موردتوجه می باشند،نام می بریم و احیانا"اشاره ای به برخی از نشانه های بارز علمی آنها می نمائیم و چونکه عده ای از اصـحاب این سه امام بزرگوار مشترک می باشـند و بعلت کوتاهی عمر این سه پیشوای معصوم،توفیق درک حضور همه آنها برای عـده ای از اصـحاب،فراهم شده،لذا نام اصحاب این امامان را در یک فصل می بریم و گامی دیگر بسوی اختصار کتاب برمیداریم.

و البته باید توجه داشت که اینهائی که نام می بریم انسانهائی جلیل القدر و از حاملین علوم ائمه و از مفاخر شـیعه بوده و بعضی از آنهـا،از وکلاـء موردتـوجه ائمه و گروهی از آنهـا،از اصـحاب سـر معصومین ع و اکثرشـان صـاحب تـألیف و اثر علمی بوده اند،برخی از آنان از زمان امام صادق و یا امام کاظم و یا امام رضا علیهم السّـلام حیاه علمی خود را شروع کرده و تا زمان امام های موردبحث فعلی، ادامهٔ حیاه و تلاش علمی داده اند و برخی دیگر،زمان حیاه این سه امام،مبدأ

ص: ۲۵۵

۱- ۱) این دو کتاب مخطوط می باشند.

حرکت علمی و تألیفیشان بوده و تا دوران غیبت صغری،در این جهان زیسته اند، و بر مفاخر شیعه افزوده اند،برخی از آنان از اصحاب هرسه امام،و برخی دیگر از اصحاب دو امام بوده و سومین دسته فقط محضر یک امام را درک کرده اند،و اینک نام آنان بترتیب:

۱-ابراهیم بن ادریس ۲-ابراهیم بن ابی البلاد(که از علماء بزرگ و عظیم- الشأن بوده و از زمان امام صادق ع تا امام جواد ع حیاه داشته و از هرچهار امام، روایت نموده است)۳-ابراهیم بن ابی محمود خراسانی(که از شخصیتهای برجسته بشمار رفته و از اصحاب امام کاظم ع تا امام جواد ع بوده است).

۴-ابراهیم بن شیبهٔ اصفهانی ۵-ابراهیم بن عبده نیشابوری ۶-ابراهیم بن عبد الحمید اسدی کوفی(که از محضر امام صادق ع تا امام جواد ع کسب علم، و فیض معنوی نموده است)۷-ابراهیم بن فارس نیشابوری ۸-ابراهیم بن محمد همدانی ۹-ابراهیم بن مهزیار اهوازی ۱۰-ابراهیم بن محمد....

عریضی ۱۱-ابراهیم بن هاشم،ابو اسحق قمی(پدر علی بن ابراهیم است، و در کتب اربعه،چهار هزار حدیث از او نقل شده است.وی اولین ناشر احادیث علماء کوفه،در شهر قم می باشد.۱۲-احمد بن ابراهیم بن حمدون(که از نویسندگان بزرگ و علماء ارزشمند بوده است)۱۳-احمد بن اسحق قمی(که از مؤلفین و مراجع و شیوخ علم و حدیث بوده و از خواص ائمه شمرده شده است)، ۱۴-احمد بن ابی عبد اللّه برقی(صاحب کتاب شریف و مشهور محاسن برقی و نیز مؤلف کتابهای بسیار ارزشمند دیگر)۱۵-احمد بن حسن بن فضال، ۱۶-احمد بن اسحق رازی ۱۷-احمد بن عامر بن سلیمان طائی ۱۸-احمد بن هلال عبرتائی ۱۹-احمد بن محمد بن عبید اللّه جوهری ۲۰-احمد بن- محمد بن ابی نصر بزنطی(که از اصحاب اجماع می باشد و در میان علماء شیعه، از اهمیت ویژه ای برخوردار است)۲۱-احمد بن حماد مروزی محمودی، ۲۲-احمد بن ابی خلف ۲۳-احمد بن عبد اللّه...اشعری قمی ۲۴-احمد بن محمد بن عیسی،اشعری قمی(رئیس قم و شیخ فقه و حدیث و نیز از اصحاب

خاص امام جواد و صاحب سر بوده است و در هنگام سحر به خدمت امام مشرف میشده) ۲۵-اسحق بن ابراهیم حضینی ۲۶-اسحاق بن اسماعیل نیشابوری

۲۷-اسماعیل بن علی...بن نوبخت(وی شیخ متکلمین در بغداد و شخصیت بزرگ نوبختیان بوده است)۲۹-اسماعیل بن موسی بن جعفر علیه السلام۳۰- اسماعیل بن همام ۳۱-ایوب بن نوح بن دراج ۳۲-جعفر بن ابراهیم بن نوح ۳۳-جعفر بن سهیل صیقل ۳۴-جعفر بن عبد اللّه حمیری ۳۵-جعفر بن محمد بن یونس احول(که از مصنفین و مشایخ احمد بن محمد عیسی و از موثقین اصحاب امام جواد و امام هادی است)۳۶-حبیب بن اوس،شاعر طائی(که جاحظ او را از رؤساء رافضه خوانده است،وی کتابهای متعددی تصنیف نموده است)۳۷-حسن بن اشکیب مروزی سمرقندی(که از متکلمین و صاحب تألیف بوده است)۳۸-حسن بن جهم(که از مؤلفین کتاب می باشد)۳۹-حسن بن خرزاذ قمی ۴۰-حسن بن راشد بغدادی ۴۱-حسن بن علی.......

ناصر ۴۲-حسن بن علی وشاء کوفی بغدادی(که از علماء بزرگ و از اصحاب امام کاظم تا امام جواد بوده است)۴۳-حسن بن علی بن یقطین ۴۴- حسن بن عبد اللّه بن حسن،(جوانی)۴۵-حسن بن محمد بن وجنأ نصیبی ۴۶-حسن بن موسی خشاب(که از مؤلفین و شخصیت های برجسته اصحاب ائمه است)۴۷-حسین بن سعید کوفی اهوازی ۴۸-حسین بن موسی بن جعفر ع ۴۹-حسین بن مسلم بن حسن ۵۰-حماد بن عیسی(که از شخصیت های بسیار برجسته بوده و از زمان امام صادق ع تا امام جواد ع را درک کرده و بهرهٔ علمی گرفته است)۵۱-حمزه بن یعلی قمی(که از مصنفین اصحاب امام رضا و امام جواد علیهما السّلام بوده است)۵۲-داود بن ابی زید نیشابوری ۵۳-داود بن قاسم،ابو هاشم جعفری(که از امام هشتم تا امام زمان عج را درک کرده و از آنها حدیث نقل کرده و شاگردان زیادی نیز تربیت نموده است،وی از مؤلفین کتاب شمرده شده است)۵۴-داود بن مهزیار ۵۵-ریان بن صلت ۵۶-ریان بن شبیب ۵۷-زکریا بن آدم قمی(از چهره های ممتاز و مبرز شیعه و شخصیت برجسته علمی حوزهٔ قم و موردتوجه خاص

مقام امامت بوده و محضر امام جواد علیه السّلام را نیز درک کرده است).

۵۸-سعد بن سعد قمی ۵۹-سهل بن زیاد آدمی(که از علماء بزرگ و مؤلف کتب فراوان و کثیر الروایه بوده است)۶۰-سهل بن یعقوب ۶۱-سهیل بن زیاد واسطی ۶۲-صالح بن ابی حماد رازی ۶۳-صفوان بن یحیی (که از اصحاب امام کاظم تا امام جواد ع است و در میان اصحاب ائمه از اهمیت زیادی برخوردار می باشد)۶۴-عباس بن معروف ۶۵-عبد الرحمن بن ابی نجران(که دانشمندی کثیر الروایه و دارای کتب متعدد می باشد)۶۶- عبد السّلام بن صالح هروی ۶۷-عبد العزیز بن مهتدی اشعری ۶۸-عبد- العظیم حسنی(شخصیت عظیم الشأنی که قبرش در ری،مزار شیعیان و دوستان اهل البیت می باشد و شخصیتی بزرگ در نزد ائمه بوده و از اصحاب امام جواد و امام هادی و امام عسکری بشمار رفته است)۶۹-عبد اللّه بن جعفر حمیری (صاحب کتاب نفیس و ارزشمند قرب الاسناد و نیز سایر تصنیفات فراوان و باعظمت می باشد)۷۰-عبد اللّه بن صلت قمی(که از علماء صاحب تصنیف می باشد) ۷۱-عبد اللّه بن مغیره ۷۲-عثمان بن سعید عمروی(که از زمان امام جواد ع تا دوران غیبت صغری را درک نموده و بعنوان اولین نائب خاص برای امام زمان عج،از طرف آنحضرت برگزیده شده است)۷۳ علی بن اسباط کوفی(که علاوه بر وثاقت ممتاز،تألیفات متعدد داشته است)۷۴-علی بن بلال بغدادی ۷۵-علی بن جعفر(که قیم امور امام هادی علیه السّلام بوده است)۷۶-علی بن حدید حکیم ۷۷-علی بن حسن بن فضال ۷۸-علی بن الحسین....

(پدر ناصر و جد سید مرتضی و از علماء هاشمیین بوده است).۷۹-علی بن حسین،داود قمی ۸۰-علی بن حسین بن عبد اللّه ۸۱-علی بن حکم ۸۲-علی بن ریان ۸۳-علی بن شجاع نیشابوری ۸۴-علی بن شعیب ۸۵-علی بن عبد اللّه بن جعفر حمیری ۸۶-علی بن مهزیار اهوازی(که از چهره های معروف و از شخصیت های برجسته و دارای مقامات بلند معنوی و صاحب تألیف بوده است)۸۷-عمرکی بن علی بن محمد بوفکی نیشابوری،

۸۸-عیسی بن جعفر بن عاصم عاصمی ۸۹-فضل بن شاذان نیشابوری(از، متکلمین و صاحبان قرائت و از ائمۀ علوم قرآن و از مؤلفین کثیر التألیف بوده و شمارۀ کتابهای او تا یکصد و هشتاد ذکر شده است،وی در علم فقه و کلام و شخصیت علمی،از بزرگترین علماء اصحاب ائمه می باشد)۹۰-قاسم بن صیقل ۹۱-محمد بن ابراهیم حضینی ۹۲-محمد بن ابراهیم بن مهزیار ۹۳-محمد بن ابی الصهبان قمی ۹۴-محمد بن ابی عمیر(که از بزرگترین شخصیت های علمی در میان اصحاب ائمه بوده و بیش از ۴۰۰ نفر استاد روایت دارد که از آنها- حدیث شنیده و ۹۴ کتاب تألیف نموده است)۹۵-محمد بن احمد بن حماد مروزی(که از نظر موقعیت تقوائی و معنوی صاحب منزلت خاصه نزد امام جواد علیه السلام بوده است)۹۶-محمد بن احمد بن عبد اللّه(ابن خانبه)(شخصیت بزرگی که امام عسکری علیه السلامکتاب او را صحیح شمردند)۹۷-محمد بن احمد بن نعیم شاذانی نیشابوری ۹۸-محمد بن اسماعیل بن بزیع(که از نظر علمی و اعتبار در حدیث،تا جائی رسیده که از هرراوی و محدثی،حدیث نقل کند آن راوی تأیید و توثیق میشود.۹۹-محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن موسی بن جعفر علیه السّلام ۱۰۰-محمد بن اورمه قمی،که کتب متعددی تألیف نموده است ۱۰۱-محمد بن بلال ۱۰۲-محمد بن حسن اشعری قمی(که از معاریف و مصنفین بوده است)۱۰۳-محمد بن حسن بن محبوب سرّاد ۱۰۴-محمد بن الحسن صفار قمی(صاحب کتاب عظیم الشأن بصائر الدرجات و حدود سی و پنج کتاب دیگر)۱۰۵-محمد بن حسین بن ابی الخطاط(که از شخصیت های برجستۀ علمی و از اجلاء و ثقات و صاحب تألیفات نیکو و ارزشمند بوده است و نیز آنچنان مورد تأیید و سبب آرامش خاطر بوده که هرگاه از کسی روایت میکرده،آن شخص،مورد توثیق و تأیید علماء حدیث میگردیده،وی تا سال ۲۶۲(اوائل غیبت صغری)حیات داشته است)۱۰۶-محمد بن خالد برقی(که صاحب تصنیف بوده و کتب متعدد تألیف کرده و از شخصیت های اصحاب امام هفتم ع تا امام جواد ع بوده است)۱۰۷-محمد بن ریان بن صلت ۱۰۸-محمد بن سلیمان بن

حسن بن جهم ۱۰۹-محمد بن سنان(که دارای کتب متعدد و از ستایش شدگان وکلاء امام هفتم تا امام جواد علیه السّلام بوده است)۱۱۰-محمد بن سهل بن یسع اشعری قمی(که از مصنفین اصحاب امام رضا و امام جواد علیهما السّلام بوده است)۱۱۱- محمد بن صالح.....دهقان ۱۱۲- محمد بن عبدوس نیشابوری ۱۱۳-محمد بن عبد الحمید عطار کوفی ۱۱۴- محمد بن عبد الجبار ۱۱۵-محمد بن عثمان بن سعید عمروی(نائب دوم،از نواب اربعه)۱۱۶-محمد بن علی بن حمزه....بن عباس بن علی بن ابی طالب علیه السّلام(که از نوادگان حضرت ابی الفضل علیه السّلام و از علماء و صاحبان تألیف بوده است)۱۱۷-محمد بن علی بن عیسی طلحی ۱۱۸- محمد بن علی بن محبوب ۱۱۹-محمد بن عیسی بن عبید یقطینی(که از علماء فقه و حدیث و کلام و صاحب تألیفاتی در فقه و اصول اعتقادی بوده،و از ثقات و اجلاء کثیر الروایه بشمار رفته است)۱۲۰-محمد بن عیسی اشعری قمی(که شخصیت ممتاز و رئیس قمیین و صاحب تصنیفات متعدد و باعظمت بوده است)، ۱۲۱-محمد بن فضیل(که کثیر الروایه بوده و از مشایخ حدیث بشمار رفته است) ۱۲۲-محمد بن معاویه بن حکیم ۱۲۳-محمد بن نعیم صحاف کوفی(که از زمان امام صادق علیه السّلام تا دوران امامت امام جواد علیه السّلام را درک نموده و از شخصیت های برجستهٔ حدیث و صاحب تصنیف بوده است)۱۲۴-مروک بن عبید ۱۲۵-معاویه بن حکیم دهنی(که از مشایخ حدیث و از مصنفین کتب متعدد بوده است)۱۲۶-موسی بن قاسم بجلی(که از اجلاء مصنفین و از- اعیان رواه حدیث بوده و در ابواب حج،عمدهٔ روایات امامیه،از کتاب او میباشد و در کتاب کافی و تهذیب و من لا یحضره الفقیه،در بخش حج از کتاب او،بهرهٔ عمده و مهمی گرفته شده است)۱۲۷-نوح بن شعیب بغدادی(که از- دانشمندان بزرگ و فقهاء صالح و موردپسند علماء شیعه بوده است)۱۲۸- هرون بن حسن بن محبوب(که مورد وثوق و از اجلاء راویان بوده است)، ۱۲۹-هرون بن مسلم...کاتب سرمن رائی ۱۳۰-هرون بن مسلم،سعدان

کوفی(که کتب فراوانی تألیف نموده است)۱۳۱-یحیی بن ابی عمران همدانی(که از شاگردان یونس بن عبد الرحمن و از اجلاء اصحاب امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلامبوده است)۱۳۲-یعقوب بن اسحق((ابن سکیت))(که از مخصوصین اصحاب حضرت جواد و امام هادی علیهما السّلام بوده و در روایت او هیچ گونه طعنی زده نمیشده و از ادباء بزرگ و شخصیت های عظیم الشأن در علوم عربیه و لغت محسوب گشته و نیز،تصنیف های متعددی داشته و در پایان عمر ارزشمندش،بدست متوکل عباسی،در راه دوستی امام علی علیه السّلام و- خاندانش شربت شهادت نوشید و بدینوسیله،مهر اعتبار بر زحمات علمی و اجتماعی او خورده است)۱۳۳-یعقوب بن یزید بن حماد انباری(که در روایت، راستگو و صدوق بوده و بزرگان علم،در محضر او استفاده می برده اند و تصنیف هائی نیز داشته است)۱۳۵-ابو علی بن راشد(که از معاریف اصحاب امام جواد و استاد مشایخ حدیث و نیز کثیر الروایه،بوده است)۱۳۶-ابو الحصین بن الحصین الحضینی(که از نویسندگان و ثقات اصحاب امام جواد علیه السّلام بوده است)۱۳۷-زهراء،ام احمد بن حسین ۱۳۸-زینب بنت محمد بن یحیی، ۱۳۹-حکیمه بنت الرضا علیه السّلام(که صفوان بن یحیی""از اصحاب اجماع"" و نیز محمد بن ابراهیم جعفری"که شخصی جلیل القدر بوده"از او نقل حدیث، کرده اند)۱۴۰-حکیمه خاتون،عمۀ امام حسن عسکری علیه السلام

و این بود نام یکصد و چهل نفر از دانشمندان و راویانی که از محضر سه امام معصوم(امام جواد و امام هادی و امام عسکری علیهم السّلام)بهرۀ علمی گرفتند و زندگی و آثار آنها،سندی بر کوشش های امامان،در مسیر نشر علم و بیان احکام دین و تفسیر و تشریح مقاصد اسلامی،می باشد.

فی تقلّب الاحوال علم جواهر الرّجال الامام علی ابن ابیطالب علیه السّلام

ص :۲۶۱

حوزه های علمیّه در زمان غیبت کبری

ص :۲۶۲

حوزه های علمیه در زمان غیبت

اشاره

پس از آنکه دوران حضور ائمهٔ معصومین علیهم السّلام سپری گردید و زمان غیبت و بخصوص غیبت کبری شروع شد،مسئولیت و نقش علماء زیادتر گردید زیرا:

اولا"،راه رسیدن مستقیم به محضر ائمه بسته شد و برای دریافتن احکام تنها ملجاء شیعیان،علماء بودند و بس.

ثانیا"،نقش ولایتی و اختیارات آنان برای ادارهٔ امور جامعه و تصرف در- شئون اجتماعی شیعیان،قدرت و مسئولیت آنان را افزایش میداد.

بنابراین،فعالیت علماء هماهنگ با مسئولیت و اختیاراتشان در زمینهٔ تأسیس و تقویت و ادارهٔ حوزه علمیه،افزایش یافت و با گذشت زمان و هماهنگ با حوادث گوناگونی که رخ میداد،در شهرهای مختلف و مناطق گوناگون،حوزه ها و مراکز علمی با کمک و یاری شیعیان تأسیس می گشت و فعالیت علمی برای آشنائی با فرهنگ و مکتب اهل البیت علیهم السّلام،انجام میگرفت.

البته،این حوزه ها و مراکز علمی یکسان نبودند،زیرا

۱-بعضی از حوزه ها بعللی رشد می یافتند و بعضی،در سطح ابتدائی باقی می ماندند.

۲-بعضی،تداوم پیدا نموده،و بعضی دیگر،با گذشت مقداری از زمان از زمرهٔ حوزه های علمیه،خارج می گشتند.

۳-بعضی محور و مرکز همهٔ حوزه ها،می شدند و علماء بزرگ و زعماء شیعه در آن،به تدریس و افتأ،و رهبری جامعه می پرداختند و بعضی، صرفا"در مراحل ابتدائی حوزه ای،در سطح یک منطقهٔ محدود،کوشش علمی مشخص و محدود داشتند.

۴-بعضی،از گسترش و توسعهٔ فراوان برخوردار می گشتند و بعضی،با شعار کمی از مدرسین و طلاب علوم دینی،به حرکت علمی خود ادامه میدادند.

ص:۲۶۳

۵-بعضی از آنها در مسائل حاد و مهم سیاسی-اجتماعی به شکل اصولی

وارد میشدند و سرفصلی برای تاریخ مبارزات شیعه بودند و بعضی دیگر

بجهات گوناگونی،از چنین موقعیتی برخوردار نبودند.

و......

بنابراین،آشنائی با تاریخ یکایک آنها و نیز ویژگیهای هرکدام از آنها میتواند تأثیر فراوان داشته باشد و راهنمای مفید و خوبی برای ادامه دهندگان راه- حوزۀ علمیه محسوب گردد.

و ما برای رسیدن به این منظور،یک سیر اجمالی و نظری گرچه گذرا در مورد (حوزه های علمیه در زمان غیبت)خواهیم داشت،تا با فرازونشیب و رشد و رکود و آثار ارزشمند آنها آشنائی حاصل بنمائیم.

البته،در جلد اول از کتاب حاضر،دربارۀ حوزۀ علمیه نجف و قم و اصفهان به بررسی خواهیم پرداخت و دربارۀ حوزه های دیگر همانند حوزۀ علمیۀ کربلاء، سامراء،حلّه،بغداد،کاظمین،جبل عامل(جنوب لبنان)،بحرین، حلب،و...و همچنین حوزه های مشهد،تهران،ری،تبریز،شیراز، قزوین،زنجان،یزد،همدان،ساری،آمل،کاشان،و دهها حوزۀ کوچک و بزرگ دیگر،اعم از آنها که امروز وجود دارند یا آنها که در تاریخهای گذشته حرکت علمی داشته اند و سپس منقرض گشته و نامی از آنها مانده است، در بخش های دیگر و جلد دیگر کتاب،به بحث و تحقیق می پردازیم.

و هم اکنون بررسی خود را از حوزۀ نجف و سپس قم و پس از آن،در مورد اصفهان شروع نموده و مجلد حاضر را به پایان می بریم.

انّا فتحنا لک فتحا مبینا

حوزه علميّه نجف اشرف

اشاره

ص: ۲۶۵

نجف اشرف

نجف،یکی از مهمترین شهرهای عراق می باشد و در فاصله ۷۵ کیلومتری شهر مقدس کربلا(مرکز استان)،قرار گرفته است.

شهر نجف،سابقهٔ تاریخی زیادی ندارد،بلکه در محل آن،بیابانی بود که در کنار شهر تاریخی و مشهور کوفه قرار داشت و قبر مطهر مولی الموالی،امیر المؤمنین علی علیه السّلام بطور مخفی در آن قرار گرفت و پس از آنکه سالهای تقیه،سپری شد و قبر آنحضرت،بوسیلهٔ امام جعفر بن محمد الصادق علیه السّلام مشخص گردید،رفت وآمد بر سر مزار و مرقد آن امام معصوم،زمینه را برای ساخته شدن شهر نجف،فراهم ساخت و بتدریج،بدلیل وجود قبر امیر المؤمنین علیه السّلام از یکسو و تأسیس و گسترش حوزهٔ علمیه،از سوی دیگر،شهر نجف از شهرت و عظمت بسیار چشمگیری برخوردار گشت،تا جائیکه هم اکنون یکی از مقدسترین شهرها،از نظر شیعیان و پیروان مکتب اهل البیت علیهم السّلام و نیز از مشهورترین پایگاه های علمی در جهان اسلام محسوب می گردد (۱)

ص: ۲۶۶

۱- ۱) در بررسی حوزهٔ علمیهٔ نجف و تاریخ و ویژگیها و علماء و مدارس و کتابخانه های آن،از کتابهای موسوعه العتبات المقدسه قسم النجف،ماضی النجف و حاضرها،فرهنگ معین،مقدمهٔ تفسیر تبیان(بقلم علامهٔ طهرانی،صاحب الذریعه)،اعیان الشیعه،ریحانه الادب،منتخب التواریخ،تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام،فهرست شیخ طوسی،الکنی و الالقاب مرحوم قمی، هزارهٔ شیخ طوسی بقلم علی دوانی،اصول فقه و فقه مرحوم شهید مطهری، گنجینهٔ دانشمندان و چندین تألیف دیگر از کتب تراجم و رجال،بعلاوهٔ تحقیقات شفاهی از علماء و فضلائی که،در حوزهٔ نجف تحصیلات خود را بپایان رسانده اند،بهره برداری نموده ایم.

حوزۀ علمیۀ نجف

گرچه حرکت های علمی شیعه در همه جا و همه وقت و در همۀ شرائط گسترده بوده و در بسیاری از شهرها،مرکزیت های قابل توجهی یافته،آنچنانکه شمارش آنها بطور کامل مقدور نیست و شهرها و مراکزی همانند حلّه،کربلا، بغداد،قم،ری،کاشان،آبه،آمل،ساری،بیهق و...در گذشته ی زمان و نیز تعدادی از شهرهای یاد شده بعلاوۀ مشهد،اصفهان،قزوین، تبریز،شیراز و...حوزه های علمیۀ بزرگ و بسیار گسترده ای،داشته و یا دارد ولی....

ولی،مجموع ویژگی های بزرگ و مهم حوزه ای همانند امتداد تاریخی،کثرت علماء،مرکزیت برای رهبران اصلی و جهانی و درجۀ اول شیعه،داشتن سنگری همانند مرقد مطهر امیر المؤمنین علیه السّلام و دیگر خصوصیات مهم و برجسته، که در حوزۀ نجف می باشد،در هیچ کدام از حوزه های دیگر با این کیفیت وجود نداشته و ندارد،زیرا بعضی از حوزه ها از امتداد تاریخی مفصل برخور دار نبوده اند همانند حوزۀ علمیۀ حلّه،بحرین،جبل عامل،ری و....

و بعضی مرکزیت برای مراجع و رهبران درجه اول،را نداشته اند همانند شیراز، یزد،قزوین و اکثر حوزه های معمولی شیعه،و برخی نیز از همجواری با مرقد امامی معصوم یا امامزاده ای مهم،محروم بوده اند همانند اصفهان،کاشان و......

آری حوزۀ نجف تنها حوزه ای است که هزار سال قدمت تاریخی دارد و در کنار مرقد و بارگاه مقدّس امام علی ع واقع گردیده و در هنگام مطالعۀ کتب تراجم و رجال،درمی یابیم که اکثر مفاخر و چهره های ممتاز شیعه،از آن برخاسته اند و هریک از آنها مراحلی از تحصیل یا تدریس و یا تألیف خود را در آن سپری نموده اند و شماری از آنها،زمام رهبری و مرجعیت عامّۀ جهان تشیع را در آن، بدست داشته اند.

و علاوه بر تمامی این موارد،بسیاری از زعماء و مراجع بزرگ شیعه،در شهرها

و حوزه های دیگر،شخصیت علمی و تقوائی خویش را در این حوزه،پایه ریزی نموده و تکامل بخشیده اند.

خلاصهٔ کلام آنکه،حوزهٔ نجف در یک جمع بندی از خصوصیات و ویژگی های ارزشمند،مهمترین حوزهٔ علمیهٔ شیعه در زمان غیبت کبری می باشد.

مبدأ تأسیس حوزهٔ علمیهٔ نجف

بعضی را اعتقاد بر این است که حوزهٔ نجف امتداد حوزهٔ علمیه کوفه است که پس از زمان امام صادق علیه السلام،در نجف تداوم یافته است و بعضی دیگر را عقیده بر اینست که حوزهٔ نجف از زمان شیخ مفید رحمه الله علیه پایه ریزی شده است و هرکدام هم،دلائلی برای اثبات نظر خود آورده اند ولی محقق و متتبع بزرگوار ،نابغهٔ عظیم الشأن،مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی،مؤلف کتاب ارزشمند (الذریعه الی تصانیف الشیعه،در مقدمهٔ کتاب تفسیر تبیان،تصنیف شیخ طوسی(قده)،عقیدهٔ دیگری اظهار نموده اند و آن اینکه:قبل از هجرت شیخ طوسی به نجف اشرف،این مکان مقدس،بخاطر وجود مرقد مطهر مولی الموالی امیر المؤمنین علی علیه السلاممحل علماء و جایگاه دانش و معرفت بوده است ولی حوزهٔ علمیه و نظم و برنامهٔ مرتب درسی،و کوشش های حوزه ای از زمان هجرت شیخ طوسی به نجف،شکل گرفته است (۱)

بنابراین،قبل از هجرت مرحوم شیخ،قبر امام علیه السلاممزار و ملجاء و مأوای علماء بزرگوار بوده و در آنجا تلاش علمی میشده است ولی تأسیس حوزهٔ علمیه و حرکت و نشاط علمی،از زمان هجرت شیخ طوسی رضوان اللّه علیه،شروع گردیده است و بنابراین،پایه گذاری این حوزهٔ عظیم و تاریخی را می باید،به این نابغهٔ بزرگ و پرچمدار عالیمقام،نسبت داد چنانچه مشهور نیز،چنین است.

ص: ۲۶۸

۱- ۱) تفسیر تبیان ج ۱ ص ۱۱(مقدمه)،موسوعه العتبات المقدسه،قسم النجف جزء ۲ ص ۱۱-۲۲

زندگی و شخصیت شیخ طوسی(ره)

او ملقب به شیخ الطائفه و جامع علوم و کمالات نفسانی و محقق و صاحب نظر در تفسیر و علوم قرآن،فقه و اصول،کلام و عقائد،حدیث و رجال و مؤلف در رشته های گوناگون دانشهای اسلامی می باشد وی در بیست و سه سالگی از ایران هجرت نمود و به بغداد وارد شد و در حوزهٔ علمیهٔ شیعه در بغداد در محضر متکلم و فقیه نامدار پرچمدار رشید شیعه،شیخ مفید رحمه الله علیه و عدهٔ دیگری از اساتید،بتحصیل علوم اسلامی پرداخت و پس از پنج سال استفادهٔ علمی از محضر شیخ مفید،بعلت وفات آن بزرگ مرد در محضر سید مرتضی علم الهدی بزرگترین شاگرد شیخ مفید،به ادامهٔ تحصیل و کسب علوم پرداخت و موردتوجه و عنایت خاص ایشان واقع گردید.تا آنجا که سید مرتضی رحمه الله علیه مقرر داشت که ماهیانه ۱۲ دینار به شیخ طوسی پرداخت شود (۱).و این بالاترین رقم حقوقی بوده،که مرحوم سید مرتضی به شاگردان خود می پرداخته است.

او پس از بیست و سه سال بهره مندی از حوزهٔ درسی استاد بزرگوار خود، بدنبال وفات ایشان،پرچم زعامت شیعه و حوزهٔ علمیه را بدوش گرفت و کرسی درس کلام،رسما از طرف خلیفهٔ عباسی بایشان واگذار گردید،که نشانهٔ بی همتائی ایشان در علم و دانش،و فنون علمی می باشد (۲)

ص :۲۶۹

۱- ۱) در بخش پرچمداران حوزه های علمیه،در ضمن بیان زندگی و خدمات مرحوم سید مرتضی بیان می نمائیم که سید مرتضی برای ادارهٔ حوزه چه روش و نظامی اعمال می نموده و اینکه،به شاگردان حوزهٔ شیعه چگونه حقوق پرداخت می نموده است.

۲- ۲) در آن تاریخ،کرسی علم کلام در اختیار کسی قرار داده میشد،که بزرگ ترین چهرهٔ علمی شناخته شود و بالاترین مقام علمی را داشته باشد.

مرحوم شیخ طوسی که از نظر علمی و تقوائی بمقام فوق العاده ای رسیده بودند موردتوجه خاص و عام واقع گردیده و دانشمندان،برای کسب فیض به محضر ایشان شرفیاب می شدند،بطوریکه سیصد نفر از مجتهدین شیعه و رقم بیشماری از دانشمندان سنی،در زمرهٔ شاگردان ایشان قرار گرفتند.

شیخ طوسی با نبوغ و استعداد فراوان خود،از یکسو و با تأییدات خاصهٔ الهی،از سوی دیگر و امکانات قابل توجه،همانند کتابخانهٔ عظیم هشتاد هزار جلدی،که متعلق به استاد عظیم الشأن و بزرگوارشان سید مرتضی رحمه الله علیه بود،از سومین سوی،توانستند پرچم حوزهٔ علمیهٔ شیعه را باهتزاز درآورند،تا آنکه حوادث تلخی در بغداد رخ داد و طغرل بیک با کمک مخالفین شیعه،حمله سختی را نسبت به شیعیان و مراکز دینی و علمی آنها شروع کرد،بصورتیکه کتابخانهٔ مهم شیعیان که ابو نصر(شاهپور)بن اردشیر وزیر بهاء الدولهٔ بویهی،ایجاد کرده و از نظر اهمیت،فوق العاده بود و دارای ده هزار جلد کتاب بود (۱)،در این فتنه به آتش کشیده شد و خانهٔ شیخ طوسی،مورد غارت قرار گرفت و کتابها و کرسی درس او سوزانده شد.

مرحوم شیخ طوسی که دیگر امکان فعالیت علمی و اجتماعی را در بغداد، نمی یافت به نجف اشرف هجرت نمود،و این هجرت سرفصلی جدید در حوزه های علمیهٔ شیعه گشود.

هجرت شیخ طوسی و تأسیس حوزهٔ علمیهٔ نجف

نجف اشرف که مزار شیعیان و ملجاء روحی و عاطفی آنان بود و زمینهٔ مناسب

---

۱ - ۱) این کتابخانه بسیار مهم بوده است،زیرا کتابهای نفیسی از اصول فقه و نوشته های معتبر،که عمده به خط مؤلفین آنها بوده و نیز یکصد قرآن خطی گرانبها،به خط ابن مقلهٔ خوشنویس و فرزندان او و همچنین کتابهائی از نوشته های اهل هند و چین و روم،در آن جمع گردیده بوده است.

حرکت علمی و دینی شیعی را دارا بود در میان همه بلاد دیگر موردتوجه شیخ قرار گرفت و بسوی این شهر مقدس هجرت نمود و بتدریس و تألیف مشغول گردید و با گذشت زمان جمعیت فراوانی از شاگردان بدور او جمع شدند و نطفهٔ حوزهٔ عظیم هزار سالهٔ نجف منعقد گردید.

علم و تقوی و کوشش شیخ طوسی

آثاری که از شیخ طوسی بجای مانده و از نظر کمیت بسیار زیاد،و از نظر موضوع دربرگیرندهٔ فقه،اصول،تفسیر،کلام،رجال،حدیث،ادعیه و عبادات و غیر اینها است پرده از یک منبع علمی کم نظیر برمی دارد.

آری،اگر تنها شیخ طوسی در یک رشتهٔ علمی آثاری از خود بجای گذاشتند اهمیت بسیار کمتری می داشت و عظمت او را تا این حدی که هم اکنون هست، نشان نمی داد.

او با نوشتن کتاب مبسوط(که مفصل ترین کتاب فقهی آن دوره است) فقه را بمرحله جدیدی وارد کرده و در توسعه و گسترش آن،خدمت بزرگی عرضه نموده است.

وی با نوشتن کتاب خلاف،مواضع فقهی شیعه را در میان دیگر مذاهب فقهی، بطور واضح،مطرح ساخته و باصطلاح امروز،فقه را به روش تطبیقی،و بصورت فقه مقارن عرضه کرده است.

در علم حدیث،گام های بلند علمی او،در حدی است که دو کتاب از چهار کتاب اصلی شیعه(تهذیب و استبصار)بوسیله او تألیف شده است.

و در علم تفسیر،با نوشتن کتاب تبیان،تفسیر و علوم قرآن را در حوزه های علمی شیعه،به مرحلهٔ بسیار باعظمتی وارد ساخته و اعجاب بزرگان را برانگیخته تا جائیکه محقق بزرگوار،سید مهدی بحر العلوم،در فوائد رجالیه،کتاب تبیان را بی نظیر شمرده و امین الاسلام طبرسی،در مقدمهٔ تفسیر گرانقدر مجمع البیان،به همین مطلب اعتراف،نموده است.

و در علم اصول،کتاب عده الاصول شیخ،از مهمترین کتابهای اصولی قدیم و در بسیاری از مباحث،پیشتاز علم اصول بشمار می رود.

و در علم رجال و شناخت مصنّفین،قدم مثبت و بزرگی برداشته و امروزه کتاب رجال و کتاب فهرست (۱)شیخ طوسی از پایه های علم رجال و آشنائی با مصنفین است.

و کتاب الاقتصاد و تلخیص الشافی و الغیبهٔ او،از آثار بزرگ علم کلام و عقائد می باشد.

و با بیانی دیگر،گرچه تاریخ حوزه های علمی شیعه،چهره های درخشانی، همانند مرحوم کلینی و صدوق در حدیث و روایت و محقق حلی و علامه حلی،در فقه و اصول و خواجه نصیر الدین طوسی،در فلسفه و کلام و شیخ طبرسی،در تفسیر،و دیگر شخصیتها در دیگر زمینه ها داشته است و هرکدام،نبوغ خود را نشان داده اند،ولی شیخ طوسی با جامعیت خود،در همهٔ علوم اسلامی و کتابها و آثار بی نظیری که به جای گذاشته و ابتکارات مهمی که داشته،در نظم دادن به کتابها،و کلاسه کردن مسائل،و دسته بندی های زیبا،و تصنیف نمودن با هدف، و امثال این امتیازات،توانسته است بعنوان یکی از برجسته ترین چهره های علمی شیعه،مورد قبول قرار گیرد و تا به امروز تمامی حوزه های علمیه را محتاج و نیازمند آثار و خدمات خود نگهدارد،بطوریکه حوزه های بزرگ شیعه،هنوز شیخ طوسی را بعنوان شیخ الطائفه،می شناسند و زحمات و مجاهدات او را ارج، می نهند.

و اما از نظر تقوائی،چه می توان گفت در مورد شخصیت او که مولایمان امیر المؤمنین

۱- ۱) این کتاب،نزدیک نهصد اسم از اسماء مصنفین را دربردارد،که علاوه بر ذکر نام،آثار آنها را نیز ذکر نموده است.

علیه السلاماو را تأئید نموده و خلوص نیت او را تضمین کرده اند (۱)و چهرهٔ درخشان عالم تشیع،در طول تاریخ،شمرده شده است.

و اما از نظر کوشش و مجاهده،پس با یک نظر به حوزهٔ علمیهٔ بغداد و زعامت آن مرد الهی،و حوزهٔ نجف با آن همه رشد و عظمت بواسطهٔ تأسیس و بنیان گذاریش توسط آن بزرگمرد خداجوی و فضیلت طلب،میتوان به روحیهٔ تلاشگر و ارادهٔ خستگی ناپذیر آن پرچمدار بزرگ،پی برد.

و جالب است بدانیم که در بیش از ۸۰ کتاب و رساله از کتابهای رجال و تراجم، شرح حال و خدمات و ارزشهای شیخ طوسی رضوان اللّه علیه،بیان گردیده است و هرکدام از آنها،دربارهٔ این اعجوبهٔ روزگار به روش و طریقی،قلم فرسائی نموده اند و در مقدمهٔ تفسیر تبیان(طبع جدید)بقلم محقق بزرگ،علامه، حاج آقا بزرگ طهرانی،هفتاد و هشت عدد از آن کتابها ذکر

۱- ۱) جمعی از علماء،در مورد کتاب نهایهٔ شیخ طوسی،بحث داشتند و مطالب آنرا محل انتقاد،می دانستند تا آنکه تصمیم گرفتند که،۳ روز روزه بگیرند و شب جمعه غسل کنند و در حرم امیر المؤمنین علیه السّلام نماز و دعا بخوانند و حل این مشکل را طلب نمایند. آنها چنین کردند و همه در خواب دیدند که حضرت فرمودند:در فقه آل محمد صلّی الله علیه و آله و سلّم هیچ کتابی نوشته نشده که بهتر از این کتاب نهایه بشود بر آن اعتماد کرد،زیرا مصنف آن اعتمادش بر خلوص نیت برای خدا بوده و قصد تقرب داشته است،پس در آن تردید ننمائید و به آن عمل کنید. پس از بیداری،معلوم گردید همهٔ آنها یک خواب دیده اند،پس از آن به محضر شیخ طوسی آمدند،وقتی چشم مرحوم شیخ،به آنها افتاد سخنی فرمود که کاشف از آن بود که امیر المؤمنین علیه السّلام،در عالم خواب جریان را به خود مرحوم شیخ نیز فرموده اند(به شرح حال شیخ طوسی در مقدمهٔ تفسیر تبیان بقلم علامهٔ بزرگوار،حاج آقا بزرگ طهرانی،صفحه ۱۵ و ۱۶ مراجعه شود).

گردیده است (۱)

حوزۀ نجف،بعد از شیخ طوسی(ره)

بعد از وفات شیخ طوسی رحمه الله علیه با اینکه ثلمۀ بزرگی بر اسلام وارد شد ولی حوزۀ نجف باوجود فرزند صالح و شایستۀ او،شیخ ابو علی،حسن بن محمد بن الحسن الطوسی،که لایق ترین شاگرد مرحوم شیخ بود و برای زعامت حوزه شایستگی کامل داشت،تداوم و گسترش یافت.

او علم را با تقوا توأم نموده بود و بدین سبب،ستایشگران زیادی او را به عظمت ستوده اند از آن جمله،ابن حجر عسقلانی دربارۀ آن بزرگ عالم ربانی می گوید:

او پس از شیخ،فقیه شیعه و پیشوای آنها در مشهد علی رض(نجف)گردید و او مردی بسیار راستگوی بود.

و نیز مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی،دربارۀ ایشان می نویسد...او جانشین پدر گردید،در علم و عمل و سبقت و پیشی گرفت،بر علماء نجف و در فتوی و تدریس،تکیه گاه گردید و او از مشاهیر مردان دانش و بزرگان و موثقین راویان حدیث است و از نظر بزرگی بجائی رسیده،که به مفید ثانی،ملقب گردیده است (۲).

شیخ ابو علی،شاگردان فراوانی را در حوزۀ درس خود تربیت کرده که گروهی از آنها،از عامّه هستند.

ص: ۲۷۴

---

۱ – ۱) در بررسی شخصیت و آثار شیخ طوسی و مبدأ تأسیس حوزۀ علمیۀ نجف از کتابهای اعیان الشیعه،الکنی و الالقاب مرحوم قمی،مقدمۀ تفسیر تبیان،به قلم علامۀ بزرگ،حاج آقا بزرگ طهرانی،موسوعه العتبات المقدسه قسم النجف،ماضی النجف و حاضرها،هزارۀ شیخ طوسی بقلم نویسندۀ فاضل و گرانقدر،علی دوانی،اصول فقه و فقه استاد شهید مطهری و....استفاده شده است.

۲ – ۲) عظمت شیخ ابو علی طوسی،با این بیان بخوبی آشکار میشود زیرا تشبیه او به شیخ مفید،آن محقق و علامۀ بزرگ روزگار و آن متکلم و فقیه نامدار، نشان دهندۀ عظمت علمی و والائی او در اندیشه،می باشد.

از میان شاگردان او چهره هائی همانند ابو علی،فضل بن الحسن الطبرسی صاحب تفسیر مجمع البیان و ابن ادریس حلّی محقق بزرگوار شیعه،و حمزه ابن محمد بن احمد بن شهریار خازن،از اهمیت ویژه ای برخوردارند.

پس از شیخ ابو علی،حوزهٔ نجف،با زعامت فرزند او ابو نصر محمد بن ابی علی(نوهٔ شیخ طوسی)تداوم یافت.

و او که از بزرگـان فقهـاء و از راویـان مـورد وثـوق بـود،عهـده دار ریـاست و مرجعیت گردیـد.و پس از او علی بن حمزه...بن شهریار،زعامت حوزهٔ نجف را به عهده گرفت.

مرکزیت حوزهٔ علمیهٔ حلّه

پس از دورهٔ یاد شـده،حوزهٔ حله مرکزیت یافت و بوسـیلهٔ ابن ادریس حلی که محققی بزرگ و چهره ای فروزان بود،رهبری و اداره گردیـد،و پس از او، شخصیت هـای بـارزی هماننـد محقق حلی و علامـهٔ حلی و...زعامت حوزهٔ حله را بعهـده گرفتنـد و بدینجهت حوزهٔ نجف دچار رکود و ضعف گردید.

البته این رکود به تعطیلی کامل حوزهٔ نجف نیانجامید و شواهد تاریخی،بر بقاء حوزهٔ نجف در این دوره گواهی می دهد که به آنها اشاره می نمائیم.

۱-در همین دوره،سه مدرسه در شهر نجف ساخته شده است که دلیل بر تحرّک حوزه ای می باشد.

۲-علمـاء و دانشـمندانی در این دوره،در شـهر نجف اقامت یافته و بکار علمی اشـتغال داشـته انـد،هماننـد فاضل استرآبادی که کتاب شرح کافیه اش را در این دوره،در نجف تألیف نموده و آنرا از برکات حضرت علویه شمرده است.

۳-ابن بطوطه در قرن هشـتم(سال ۷۲۷)از نجف دیـدن کرده و مدرسـهٔ بزرگی را ملاحظه نموده که طلاب،در آن زنـدگی می کرده اند.

و همهٔ اینها نشانهٔ دوام و استمرار حوزهٔ علمیهٔ نجف در دورهٔ شکوفائی حوزهٔ علمیهٔ حله،می باشد (۱)

۱- ۱) برای آشنائی بیشتر با این بحث،به کتاب ارزشمند(موسوعه العتبات المقدسه قسم النجف ج ۲ صفحه ۵۳)مراجعه شود.

حرکت جدید،در حوزهٔ نجف

بخاطر علل سیاسی و اقتصادی و فکری گوناگونی،حوزهٔ نجف در قرن دهم تا پایان قرن دوازدهم حرکت و نشاط خود را مجدداً"بازیافت و حوزهٔ حله رونق خود را از دست داد،و تدریس و تصنیف و تألیف کتب،در زمینهٔ فقه،اصول،تفسیر و...در حوزهٔ نجف رونق گرفت و بخصوص باوجود چهرهٔ نورانی و عظیم الشأن(مقدس اردبیلی)حوزهٔ پرسابقهٔ نجف قوت یافت و با اینکه در این دوره،حوزهٔ جبل عامل،باوجود شخصیت بارزی همانند صاحب مدارك و محقق بزرگی همانند صاحب معالم،از قوت زیادی برخوردار بود و نیز حوزهٔ علمیهٔ اصفهان،بخاطر توجّه صفویه و وجود علماء بزرگ و عظیم الشأنی همچون محقق کرکی(محقق ثانی)،شیخ بهائی،میرداماد،ملاصدرا، مجلسیین و...مرکزیت عمده ای داشت،ولی با این حال،حوزهٔ نجف از قوت و حرکت قابل توجهی،بهره مند بوده است.

و این دوره،از دوره های قوت آن،بشمار می رود.

رونق حوزهٔ کربلا و فتور حوزهٔ نجف

به دنبال رشد حوزهٔ علمیهٔ کربلاء،در دوره هفتاد ساله [(۱)]زعامت و مرجعیت محقق و فقیه عالیمقام،شیخ یوسف بحرانی،صاحب کتاب(الحدائق الناضره) و نیز مجدد بزرگ و متفکر مصلح،استاد الکل،آقا باقر وحید بهبهانی،حوزهٔ نجف رو به ضعف نهاد و مخصوصاً"فشار حکومت عثمانی بر علماء نجف و نیز جریانات سیاسی-نظامی خطرناکی،که ضربهٔ سهمگینی بر فقهاء و دانشمندان،وارد ساخت،را می توان بعنوان دو عامل اساسی برای تضعیف حوزهٔ قدیمی نجف،مطرح نمود.

تجدید مرکزیت حوزهٔ علمیهٔ نجف

پس از وفات مرحوم وحید بهبهانی،عده ای از شاگردان ایشان،در کربلا

۱- ۱) این دوره در قرن دوازدهم هجری می باشد.

اقامت جستند و حوزۀ مقدسۀ حائر حسینی را تداوم بخشیدند،ولی تعداد دیگری از شاگردان آن استاد بزرگ،با هجرت به سوی نجف و شروع به فعالیت علمی و تدریسی،حوزۀ نجف را رشد و حرکت بخشیدند و مجددا"آن حوزۀ قدیمی و پرسابقه را بعنوان حوزۀ اصلی شیعه،به حرکت درآوردند.

آنچنان در این دوره تحرک علمی و موفقیت های تحقیقی،بدست آمد که بعنوان دورۀ کمال علمی و دورۀ نهضت علمی،نامیده شده است.

در این دوره که از زمان زعیم بزرگ شیعه،سیّد بحر العلوم،(از اوائل قرن سیزدهم)شروع گردیده و علماء بزرگی همچون محقق نامدار،شیخ جعفر کاشف الغطاء،مؤلف کتاب عظیم الشأن(کشف الغطاء)،به تدریس و تربیت مجتهدین پرداخته اند،آنقدر زمینه برای تکامل علمی مساعد گردید، که فقه و اصول با،به صحنه آمدن فقیه بزرگ و کم نظیر اسلام،شیخ محمد حسن نجفی صاحب کتاب گرانقدر جواهر الکلام،و همچنین نابغه و متفکر بزرگ،استاد الفقهاء و خاتم المجتهدین،شیخ مرتضی انصاری (۱)به اوج خود رسید، و کتاب جواهر الکلام و فرائد الاصول(رسائل)و متاجر(مکاسب)بعنوان آثار مبرز این دوره،به عالم فقه و فقاهت،عرضه گردید.

در همین دوره بود که گستردگی تحقیق و بررسی علمی،تعمق و ژرف نگری در اندیشه،مهارت و تبحر در بحث و پژوهش،به اوج خود رسید و جلسات درس،مرکز اجتماع مجتهدین بزرگ و فقهاء عظیم الشأن گردید و قلم ها برای ضبط آثار تحقیقی بکار گرفته شد.

در تداوم حرکت علمی حوزۀ نجف در این دوره،زعامت و کوشش های علمی و تألیفی شخصیت های کم نظیری همانند:

اصولی محقق،آیت حق،آخوند ملا محمد کاظم خراسانی(صاحب کتاب نفیس کفایه الاصول)و فقیه متبحر،آیت بزرگ الهی،آقا سید محمد کاظم طباطبائی

۱- ۱) دربارۀ خدمات و ارزشهای علمی و تقوائی این چند شخصیت عظیم و بزرگوار،بطور مفصل در بخش پرچمداران حوزه های علمیه،بحث خواهیم داشت

یزدی(صاحب کتاب عروه الوثقی)و پس از آنها آیات بزرگ پروردگار و مشعلهای فروزان علم و تقوی و جهاد همانند:

مدقق بزرگ و اصولی عالیقدر،میرزا حسین نائینی

و محقق عالیقدر و اندیشمند نابغه،شیخ محمد حسین غروی اصفهانی(کمپانی) و مبتکر بزرگ و مشهور،آیت حق،آقا ضیاء الدین عراقی

و نیز مرجع عالیقدر جهان تشیع،آیت اللّه فی العالمین،سید ابو الحسن مدیثه ای(اصفهانی) (۱)

و...

به حرکت و جوش وخروش حوزۀ نجف تداوم بخشیده و با تربیت علماء بزرگ و مجتهدین عالیمقام و تألیف کتابهای پرارج،نقش حیاتی خود را ایفاء نمودند.

کتابهای پرارج و کم نظیری همانند مفتاح الکرامه،جواهر الکلام،رسائل، مکاسب،کفایه الاصول،طهاره و صلوه مرحوم آیت اللّه حاج آقا رضا همدانی مستدرک الوسائل،مستمسک العروه الوثقی،تقریرات دروس مرحوم نائینی رجال مامقانی و....به تنهائی می تواند از اوج حرکت حوزه ای در دورۀ اخیر نجف که دورۀ نسبتا"طولانی بوده،پرده بردارد (۲)

۱- ۱) دربارۀ شخصیت های یاد شده،در بخش پرچمداران حوزه های علمیه، و نیز بخش سیر علوم در حوزه ها،بحث و بررسی خواهیم نمود.انشاء اللّه تعالی

۲- ۲) گفته می شود که در زمان مرحوم آخوند خراسانی،در حوزۀ نجف بیست هزار نفر محصل و مدرس و مجتهد وجود داشته است و باتوجه باینکه در آن زمانها وسائل رفت وآمد و مسافرت،گسترش نداشته و سختی های هجرت به نجف ،سد بزرگی محسوب میشده،و طالبین علم از کشورهای گوناگون همانند ایران، پاکستان،افغانستان،هندوستان،لبنان،کویت،بحرین و...... بوده اند،می توان به جاذبۀ شدید علمی و عظمت بیمانند حوزۀ نجف در این دوره پی برد.

این حرکت همچنان تداوم یافت و تا این اواخر،برکات و آثاری ارزشمند، برای عالم اسلام و تشیع بوجود آورد و چهره های درخشانی همانند آیات عظام:

۱-فقیه و مرجع بزرگ،آیت اللّه فی الارض،آقای سید عبد الهادی شیرازی قده

۲-مرجع بزرگ عالم تشیع،فقیه و اصولی محقق،آقای سید محسن طباطبائی حکیم قده

۳-مرجع و فقیه والامقام،آیت حق آقای سید محمود شاهرودی قده

۴-محقق و متتبع بی قرین،علامه،حاج آقا بزرگ طهرانی(مؤلف الذریعه)قده

۵-مصلح مجاهد،متفکر محقق،علامۀ امینی(صاحب کتاب الغدیر)قده

۶-اندیشمند بزرگ علامۀ مجاهد،حاج شیخ جواد بلاغی قده

۷-مصلح متفکر،نویسندۀ مبلغ،علامه،شیخ محمد حسین کاشف الغطاء قده

۸-مرجع بزرگوار،آیت الهی،زعیم عظیم الشأن،آقای سید ابو القاسم موسوی خوئی دام ظله و.... (۱)

در این تداوم حرکت،سهم اساسی داشته اند و هرکدام در تربیت مجتهدین بزرگ،تألیف و تصنیف آثار بزرگ،نشر و ترویج افکار مکتب مقدس اهل البیت علیهم السّلام،گامهای مؤثر و بلندی برداشته اند.

تهاجم کفار و مزدوران بعثی به حوزۀ علمیه

حاکمیت حزب کثیف و کافر بعث عراق،آفت بزرگی است که ضربه های مهلکی را بر حوزۀ مقدسۀ نجف اشرف،وارد ساخته و هنوز وارد می سازد،این حزب مزدور و خبیث،که فرماندهی آنرا جلادانی همچون صدام تکریتی، بعهده دارند با برنامه های وسیعی چون:

۱-اخراج و تسفیر علماء،مدرسین،طلاب،متدینین ایرانی و بطور کلی

۱- ۱) در بخش پرچمداران حوزه های علمیه و سیر علوم در حوزه های علمیه دربارۀ این بزرگواران،بحث و بررسی خواهیم داشت.

شیعیان امیر المؤمنین علیه السّلام از کشور عراق

۲-کشتن و زندانی نمودن علماء و مبلغین و عموم شیعیان.

۳-ویران نمودن مدارس علمیه و یا تبدیل آنها به صورت های دیگر.

۴-غارت کتابخانه های بزرگ و ارزشمند حوزه های علمیه.

و....

دشمنی خود را با اسلام و بخصوص مکتب مقدس علوی و بالاخص با حوزهٔ علمیهٔ نجف،به حداکثر رسانده و در نتیجه حوزهٔ هزار سالهٔ نجف،از تحرک مناسب بازایستاده و از توسعه و گسترش هماهنگ با زمان،محروم گردیده است،ولی باید با توکل به عنایات الهی و تلاش و مجاهدت ها،زمینهٔ رشد مجدد این پایگاه عظیم تاریخی شیعه را فراهم ساخت.

لعلّ اللّه یحدث بعد ذلک امرا

شخصیتهای علمی در حوزهٔ علمیهٔ نجف

حوزهٔ علمیهٔ نجف،از دیرزمانی در ردیف مهمترین و بالاترین حوزه های علمی شیعه قرار داشته و به دلیل قدمت و سابقهٔ طولانی و مرکزیت عمده ای که دارا بوده،همواره محل توجه و اجتماع شخصیت های علمی و اسوه های تقوائی بوده است.

گواه مطلب آنکه،بسیاری از چهره های بزرگ و محورهای علمی در سایر حوزه ها و در اقصی بلاد شیعه،پرورش یافتگان این حوزهٔ بابرکت هستند و فراوانند مراجع تقلید،مؤلفین،مدرسین،خطباء و مبلغینی که،قبل از بررسی شخصیت و خدمات آنها،در رابطه با شهر و حوزهٔ علمیهٔ محل فعالیتشان، بایستی به تکامل علمی و تقوائی آنها،در حوزهٔ نجف توجه نمود.

آری چهره های بزرگ و عظیم الشأنی همانند:

۱-نابغهٔ بزرگ،ابن ادریس حلی،مؤسس و پرچمدار حوزهٔ علمیهٔ حلّه.

۲-آیت عظمای الهی،میرزای بزرگ،پرچمدار حوزهٔ علمیه سامراء(و صاحب

فتوای تحریم تنباکو).

۳-آیت اللّه،حاج میرزا محمد حسن آشتیانی،بزرگترین چهرهٔ علمی،در حوزهٔ علمیهٔ تهران.

۴-فقیه و محقق بزرگ،حاج ملا احمد نراقی،پرچمدار حوزهٔ علمیهٔ کاشان.

۵ و ۶-دو مشعل فروزان،حاج محمد ابراهیم کلباسی و سید محمد باقر شفتی دو پرچمدار و زعیم حوزهٔ علمیهٔ اصفهان.

۷-آیت عظمای حق،حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی،مؤسس و پرچمدار حوزهٔ فعلی قم.

۸-پرچمدار رشید شیعه،آیت عظمای الهی،حاج آقا حسین بروجردی زعیم حوزهٔ علمیهٔ قم.

۹-مفسر و فیلسوف قرن،مبتکر بزرگ،علامهٔ طباطبائی،اندیشمند مشهور قم.

۱۰-علامهٔ مجاهد،سید شرف الدین عاملی صاحب کتاب نفیس المراجعات.

و هزاران هزار دیگر از شخصیت های علمی و تقوائی و مبارزاتی را،در حوزه های علمیهٔ بحرین،حلّه،سامراء،کربلاء،اصفهان،قم،تهران،زنجان، قزوین،مشهد،تبریز،شیراز،هندوستان،لبنان،پاکستان و......

بعنوان رئیس حوزهٔ علمیه،مرجع تقلید،مؤلف،مبلغ اسلامی و........

برخورد می کنیم و می یابیم که دوره ای از زندگی علمی و تحصیلی خود را در حوزهٔ عظیم نجف،سپری نموده و چه بسا از چهره های بزرگ آن حوزه شمرده، میشده اند.

براستی،چگونه می توان آشنائی کامل پیدا کرد با شخصیت های علمی حوزه ای که در آن،جلسات درسی عظیمی تشکیل میشده و در بسیاری از آنها، صدها و گاه بیش از هزار نفر شرکت کننده وجود داشته،که بعضا"خودشان، از مجتهدین مسلّم و از صاحبان اندیشه های بزرگ بوده اند؟

و براستی،چگونه می توان،آشنائی کامل پیدا کرد،با شخصیت های حوزه ای

که ما در حوزه های دیگر،شمرده میشود و نه تنها مرکز درخشش چهره های فروزان، بوده،بلکه جایگاه تربیت خاندان هائی بود که در میان هرکدام از آنها،عده زیادی از علماء بزرگ پرورش یافته اند و خاندان علمی بحساب می آیند همانند:

آل شیخ طوسی،آل شهریار،آل شهید اول،آل کاشف الغطاء،آل- بحر العلوم،آل شیخ راضی،آل جواهری،آل ایروانی،آل بلاغی و... (۱)

که در شهر مقدس نجف و حوزهٔ علمیهٔ آن،رشد و تکامل یافته اند.

پس بهتر آنست که تنها عده ای از محورهای بزرگ علمی،که مجلس درسشان و مرجعیت و زعامتشان،عظمت تاریخی داشته و جاذبهٔ شدید علمی و تقوائی آنها،طالبان علم و پژوهشگران را بسوی خود میکشیده است،بنحو اشاره یاد نمائیم تا با نام بردن هریک از آنان،اشاره ای به وجود صدها محقق، متفکر،نویسنده،مدرس و....نموده باشیم،و اینک نام بیست نفر از آنان:

۱-شیخ الطائفه،محمد بن الحسن الطوسی قده،مؤسس حوزهٔ هزار- سالهٔ نجف.

۲-مفید ثانی،فقیه شیعه،شیخ ابو علی،حسن بن محمد بن الحسن الطوسی.

۳-محقق نامدار جهان تشیع،مولی احمد بن محمد اردبیلی(مشهور به مقدس اردبیلی)

۴-علامهٔ روزگار و اعجوبهٔ دوران،زعیم بزرگ شیعه،سید مهدی بحر العلوم.

۵-فقیه نامدار و بزرگ عالم تشیع،سید جواد عاملی(صاحب کتاب مفتاح الکرامه).

۶-زعیم و مرجع بزرگ،محقق و متفکر عالیقدر،شیخ جعفر کاشف الغطاء.

۷-افقه الفقهاء و افضل المصنفین،شیخ محمد حسن نجفی(صاحب کتاب بی نظیر جواهر الکلام).

۱- ۱) برای آشنائی با این خاندانهای بزرگ و شریف،به کتاب ارزشمند ماضی النجف و حاضرها ج ۲ و ۳ مراجعه شود.

۸-خاتم الفقهاء و المجتهدين،استاد المحققين،شيخ مرتضی انصاری.

۹-مجدد كبير،فقيه مجاهد آيت عظمای حق،ميرزا محمد حسن شيرازی ،ميرزای بزرگ (۱).

۱۰-محقق و نابغۀ بزرگ،آخوند ملا محمد كاظم خراسانی(صاحب كتاب كفايه الاصول).

۱۱-فقيه نامدار و بزرگ شيعه آقا سيد محمد كاظم طباطبائی يزدی(صاحب عروه الوثقی).

۱۲-مدقق كبير و اصولی عظيم،حاج ميرزا حبيب اللّه رشتی.

۱۳-محقق عظيم الشأن و استاد افخم،ميرزا حسين نائينی.

۱۴-مبتكر بزرگ و اصولی محقق،حاج شيخ محمد حسين غروی اصفهانی.

۱۵-اصولی صاحب نظر و محقق نامدار،آقا ضياء الدين عراقی.

۱۶-مرجع و فقيه عاليمقام،آيت اللّه العظمی سيد ابو الحسن اصفهانی.

۱۷-مرجع و فقيه عظيم الشأن آيت اللّه العظمی،سيد عبد الهادی شيرازی.

۱۸-زعيم عاليقدر آيه اللّه العظمی،سيد محسن طباطبائی حكيم.

۱۹-فقيه و مرجع بزرگوار آيت اللّه العظمی،حاج سيد محمود شاهرودی.

۲۰-زعيم و مرجع عظيم الشأن،آيه اللّه العظمی حاج سيد ابو القاسم خوئی دام ظله.

و اين بود نـام عـده ای از چهره هـای بزرگی كه،محور حركت علمی،در حوزۀ علميـۀ نجف بوده انـد و البته بغير از اينها،بسـيار بوده انـد شخصـيت هـای بزرگی كه وجودشـان عامـل جـذب انـديشه هـا،و مغزهـای مسـتعد،بسوی حوزۀ نجف بوده،ولی تنها بمنظور بيان نمونه،باين مقدار اكتفا نموديم.

۱- ۱) ايشان قبل از هجرت به سامراء،در نجف اقامت داشتند.

چگونگی کتابخانه ها،در حوزهٔ علمیهٔ نجف

بررسی وضعیت کتاب و کتابخانه در شهر تاریخی نجف،انسانرا با مطالب گوناگونی مواجه می سازد،که بعضی نشاط آور و شورانگیز و بعضی دیگر تأسف آور و ملالت آفرین است.

از یکطرف،می یابیم که کتابخانه های نجف،از عظمتی برخوردار بوده است که جرجی زیدان دربارهٔ آنها می نویسد:

کتابخانه های بغداد مادر کتابخانه ها است،جز آنکه کتابهای نجف،از نظر خط،قدیمی تر و نادرالوجودتر است و از نظر کتابت محکم تر و موضوعات آنها گوناگون است (۱).

این تعبیر اشارهٔ بسیار جالبی است به عظمت و اهمیتی که حوزهٔ نجف از نظر کتاب و کتابخانه و نفاست و سابقهٔ آنها داشته است.

و از طرف دیگر کم توجهی،به تأسیس کتابخانه های عمومی،و کوتاهی در حفظ و مراقبت از آنها،و نیز تقسیم کتابخانه های خصوصی بین ورّاث،و به فروش رساندن آنها،با تمام اهمیتی که داشته اند،سبب می شده که بسیاری از کتابخانه ها اعم از کتابخانهٔ شخصی یا عمومی،با گذشت زمان،نامشان از لیست کتابخانه های نجف حذف شود.

در بررسی کتابخانه های نجف،نام کتابخانه های قدیمی زیادی وجود دارد،که امروز وجود خارجی ندارند و کتابخانه های جدیدی شکل گرفته اند که سابقهٔ زیادی ندارند و کار کتابخانه در نجف بجائی رسیده است که،بعضی گفته اند،هیچ کتابخانه ای در نجف بیش از ۱۵۰ یا ۲۰۰ سال عمر نکرده است جز کتابخانهٔ علویه (۲).

ص: ۲۸۴

۱- ۱) موسوعه العتبات المقدسه،قسم النجف جزء ۲ ص ۲۲۰

۲- ۲) موسوعه العتبات المقدسه،قسم النجف جزء ۲ ص ۲۲۱.

و بدنبال این وضـعیت،چه بسـیار نسخه های نفیس و خطی که از اسناد بزرگ تاریخ و فرهنگ ملت و مذهب ما بوده،و در این جریان از بین رفته است،و چه بسیار نوشته هائی بخط مؤلفین بزرگ از گذشتگان ما،که در این جابجائی ها مفقود شده و اثری از آنها باقی نمانده است.

در هرحـال،مـا نـام تعـدادی از کتابخـانه هـای نجف را که از اهمیت قابل توجهی برخوردار بوده و دربرگیرنـدهٔ کتابهای خطی پرارزش می باشـند،که از نظر زیبـائی یـا سابقـهٔ نگـارش و....از کتب نفیس بحساب می آینـد و یا دربرگیرنـدهٔ کتابهای فراوان چاپی می باشـند که نشان دهندهٔ بی نیازی و غنای شـیعه از نظر علمی و فرهنگی است،را ذکر می کنیم ولی از شـرح و تفصـیل دربارهٔ آنها بجز چند مورد خودداری می نمائیم.

۱-کتابخانهٔ علویه،که بنامهای کتابخانهٔ حیدریه،خزانهٔ غرویه،خزانهٔ علویه و کتابخانهٔ صحن نیز نامیده میشود.سابقهٔ این کتابخانه بـه قرن چهـارم هجری یـا پیش از آن برمی گردد و دوره هـای گونـاگونی را پشـت سـر گذاشـته اسـت و نفیس تریـن و ارزشـمندترین کتابها را در عده ای از زمانها دربرداشته،که در میان آنها قرآنی خطی،منسوب به خط علی علیه السلامو دیگری منسوب به خـط امام حسن علیه السـلاممی باشـد ولی کم توجهی و عوامل دیگر این کتابخانه را، دچار مصائب فراوان نموده و در این اواخر بسته شده و مقداری از کتابهایش بسرقت رفته و یا دچار رطوبت و موریانه شده است.

۲-کتابخانهٔ ملالی

۳-کتابخانهٔ علامه،شیخ محمد حسین کاشف الغطاء که در ابتدای امر، کتابخانهٔ شخصی بوده ولی پس از آن،بصورت کتابخانهٔ عمومی درآورده شده و از کتابخانه های بسیار بااهمیت می باشد.

۴-کتابخانهٔ حسینیهٔ شوشتری،که از اهمیت زیادی برخوردار است.

۵-کتابخانهٔ مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی.

ص :۲۸۵

۶-کتابخانهٔ الامام امیر المؤمنین که از کتابخانه های بسیار عظیم نجف میباشد و بوسیلهٔ علامهٔ بزرگوار،مرحوم آیت اللّه امینی،تأسیس گردیده است.

۷-کتابخانهٔ مرحوم آیت اللّه حکیم،که از نظر محتوی و امکانات فراوان و متنوع، و داشتن نشریه،از مهمترین کتابخانه های نجف می باشد.

این کتابخانه در حدود ۶۰ شعبه در حسینیه ها و مساجد و شهرهای عراق و نیز ۸ شعبه در خارج عراق دارد و بدینجهت از اهمیت ویژه ای برخوردار میباشد (۱)کتابخانه های دیگری در مدارس علمیهٔ نجف،وجود دارد که بعضی از آنها از اهمیت ویژه ای برخوردارند،همانند کتابخانهٔ مدرسه صدر (۲)،کتابخانهٔ مدرسهٔ آسید محمد کاظم یزدی،کتابخانهٔ مدرسهٔ بزرگ خلیلی و نیز مدرسهٔ کوچک خلیلی،کتابخانهٔ مدرسهٔ آیت اللّه بروجردی،کتابخانهٔ مدرسهٔ آخوند خراسانی ،کتابخانهٔ جامعه النجف و همچنین عدهٔ دیگری از مدارس،که این کتابخانه ها مورد بهره برداری طلاب آن مدارس و احیانا"،دیگر مراجعین قرار می گیرد.

کتابخانه های خصوصی

کتابخانه های خصوصی نجف،از نظر فراوانی و اهمیت اعجاب آور است.

زیرا توجه شخصیتهای بزرگ،باین نوع کتابخانه و ایجاد آن،فراوان بوده و لذا گاهی یک کتابخانهٔ شخصی از نظر نفاست و وسعت،بر کتابخانه های عمومی مزیت و برتری داشته است.

ص: ۲۸۶

---

۱ - ۱) یکی از شخصیت های معاصر،که خود مؤسس کتابخانهٔ عظیمی،در کربلا بوده اند،فرمودند که،حکومت جبار بعثی،دستبردهای فراوانی به این کتابخانه ها زده و کتابهای آنها را به بغداد منتقل نموده و درحال حاضر از چگونگی حال این کتابخانه ها،خبری در دست نیست.

۲ - ۲) در گذشتهٔ زمان،کتابخانهٔ مدرسهٔ صدر از اهمیت زیادی برخوردار بوده و کتابهای نفیسی داشته است ولی با گذشت زمان و پیش آمد حوادث،به صورت یک کتابخانهٔ کوچک درآمده است.

و چونکه شـمارش و معرفی کامـل آنهـا برای مـا مقـدور نیست لـذا تنهـا اشـاره می کنیم به تعـداد کتابخـانه هائی که در کتاب موسوعه العتبات المقدسه(از صفحه ۲۶۸ تا صفحه ۳۱۶)به تشـریح آنها پرداخته شـده است،که آنها رقمی بیش از ۶۰ کتابخانهٔ خصوصی مهم می باشد (۱).

مدارس نجف

در نجف اشـرف،هماننـد هرحوزهٔ پرسـابقه و تـاریخی دیگر،در همـهٔ دوره ها تعـداد مـدارس و محل های تـدریس و سـکونت طلاب،در یک حد و اندازه نبوده است بلکه گاهی گسترش می یافته و گاهی در جریان حوادثی تلخ،مقداری از آنها نابود می شده و یا تغییرشـکل پیدا می نموده است،چنانچه در تاریخ حوزهٔ علمیهٔ قم،اصفهان،مشهد و....می یابیم که مدارسی در گذشتهٔ زمان،در این شهرها وجود داشته اند ولی امروز از آن مدارس،اثری باقی نمانده است.

بنابراین،در ذکر نام مـدارس نجف بآن مقـدار اکتفا می کنیم که در زمانهای اخیر وجود داشـته و مورد اسـتفاده قرار می گرفته است (۲)و اینک نام آنها:

ص: ۲۸۷

---

۱ - ۱) هماننـد کتابخانـهٔ سـماوی،کتابخانـهٔ سـید عبد الرزاق مقرم،کتابخانهٔ سـید محمد صادق بحر العلوم،کتابخانهٔ سـید محمد قپانچی،کتابخانهٔ شیخ محمد رضا فرج اللّه،کتابخانهٔ شیخ علی کاشف الغطاء،کتابخانهٔ سید جواد شبر و.....که از اهمیت خاصی برخوردار می باشند.

۲ - ۲) باید توجه داشت که بسیاری از منازل و مساجد هم،در حوزهٔ علمیهٔ نجف مورد اسـتفادهٔ طلاب قرار می گیرد و بسیاری از درســهای پرجمعیت و عظیـم،در مساجــد ایراد میشــده و میشـود،هماننــد مســجد هنـدی،مســجد شــیخ طوســی،، مســجد الخضـراء،مسـجد عمران،مسـجد شـیخ(مسـجد ترکها)،که هر کدام از آنها پایگاهی مهم برای حوزهٔ نجف بشمار میرود و محل تدریس مراجع بزرگ بوده و هست.

۱-مدرسۀ مقداد سیوری(سلیمیه)،که از مدارس قدیمی نجف است.

۲-مدرسۀ شیخ عبد اللّه،که متعلق به صاحب کتاب حاشیۀ ملا عبد اللّه(در منطق)است.و این مدرسه فعلا "بصورت منزل درآمده است.

۳-مدرسه غرویه(مدرسه اولی صحن شریف)،که درحال حاضر بصورت دیگری درآمده است.

۴-مدرسۀ صحن(مدرسه بزرگ صحن)

۵-مدرسه صدر

۶-مدرسۀ معتمد(یا مدرسه کاشف الغطاء)

۷-مدرسه قوام

۸-مدرسه طاهریه

۹-مدرسه مهدیه(یا مدرسه شیخ مهدی)

۱۰-مدرسه ایروانی

۱۱-مدرسه میرزا حسن شیرازی

۱۲-مدرسه قزوینی

۱۳-مدرسه بادکوبی

۱۴-مدرسه هندی

۱۵-مدرسه بزرگ خلیلی

۱۶-مدرسه کوچک خلیلی

۱۷-مدرسه بخارائی

۱۸-مدرسه شربیانی

۱۹-مدرسه بزرگ آخوند خراسانی

۲۰-مدرسه متوسط آخوند خراسانی

۲۱-مدرسه کوچک آخوند خراسانی

۲۲-مدرسه بزرگ بروجردی

۲۳-مدرسه کوچک بروجردی

ص: ۲۸۸

۲۴-مدرسه آسید عبد اللّه شیرازی

۲۵-مدرسه آقا سید محمد کاظم یزدی

۲۶-مدرسه دوم آقا سید محمد کاظم یزدی

۲۷-مدرسه الحکیم

۲۸-مدرسه جوهرچی

۲۹-مدرسه رحباوی

۳۰-مدرسه عاملیین

۳۱-مدرسه عبد العزیز بغدادی

۳۲-مدرسه افغانیها

۳۳-مدرسه کلباسی

۳۴-مدرسه جامعه النجف (۱)

۳۵-مدرسه خوئی

۳۶-مدرسه شبّریّه

۳۷-مدرسه جزائری

۳۸-مدرسه ازری

۳۹-مدرسهٔ دیگر،از آقا سید عبد اللّه شیرازی

۴۰-مدرسهٔ حاج سید هاشم بهبهانی (۲)

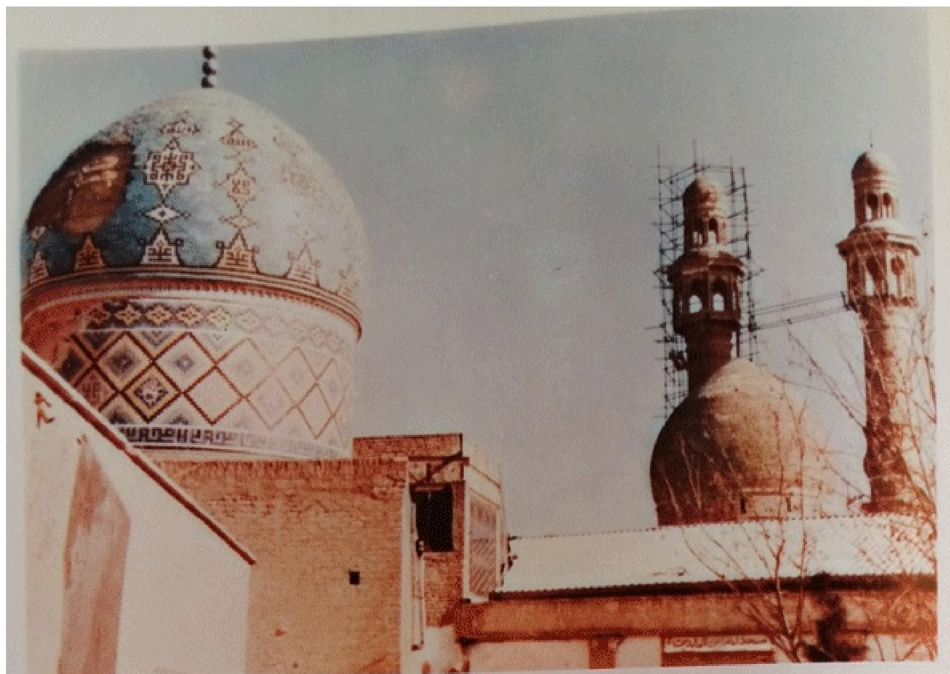
۱- ۱) جامعه النجف با محیطی در حدود پنجهزار متر مربع و ۲۶۰۰ متر زیربنا در سه طبقه و با داشتن ۲۲۸ حجره و کتابخانه و تمام تجهیزات و لوازم از اهمیت خاصی برخوردار می باشد.

۲– ۲) دربارهٔ وضـعیت این مدارس،میتوان به کتاب موسوعه العتبات المقدسه قسم النجف و کتاب ماضـی النجف و حاضرها و گنجینهٔ دانشمندان مراجعه نمود.

حوزه علمیّه قم

اشاره

ص :۲۹۰



نشانه ای از حوزه قدیم قم، گنبد طبرسی بن بابویه چهره درخشان علمی قم در بیش از هزار سال پیش
و نشانه ای از حوزه فعلی قم، گنبد و مناره های مدرسه عظیم و مجمع علمی بزرگ آیت الله العظمی گلپایگانی مدظله
نموداری از تداوم بیش از هزار ساله حوزه علمیه قم



گنبد مطهر زکریا بن آدم چهره علمی حوزه قدیم قم سمت چپ عکس.
و گنبد منور میرزای قمی پرچمدار حوزه قم در اوائل قرن ۱۴ سمت راست.
نموداری از تداوم بیش از هزار ساله حوزه علمیه قم

قم

قم [(۱)]

قم یکی از شهرستانهای استان مرکزی است که از طرف شمال به تهران و از طرف مشرق،به کویر نمک و از طرف جنوب،به کاشان و محلات و از طرف مغرب،به ساوه و اراک محدود می شود.

سابقهٔ تشیع و فرهنگ شیعی در قم

قم از قدیمترین شهرهای شیعه نشین ایران است و از زمان ائمهٔ معصومین علیهما السلام مرکزی قوی و پایدار برای مکتب تشیع بوده است تا جائیکه امام صادق علیه السلام فرموده اند:

هنگامی که فتنه ها به شهرها رسید بر شما باد به قم و حوالی و نواحی آن،زیرا بلاها و محنت ها از آنجا دفع می شود، (۲)و باز فرموده انـد:اهل قم،یاوران ما هسـتند (۳)و امـام ابـو الحسن موسـی بن جعفر علیه السـلام فرمودنـد:قم عشّ (آشـیانه)آل محمد علیهما السـلام و پناهگاه شـیعیان آل محمد علیهما السـلام است (۴)و امام صادق علیه السـلام فرمودند:قم مأوای فاطمیّین اسـت (۵)و دیگر روایاتی که بیان کنندهٔ ایمان و ولایت و محبت مردم قم در زمان ائمه علیهما السلام بوده است.

۱- ۱) در بررسی تاریخ قم و حوزهٔ علمیهٔ آن و نیز مدارس و کتابخانه ها و دیگر ویژگی های آن،از کتابهای تاریخ قم،گنجینهٔ آثار قم،ریحانه الادب،اعیان الشیعه،گنجینهٔ دانشـمندان،تاریخچهٔ سامرأ و زندگانی عسگریین،تاریخچهٔ وقف در اسلام،الکنی و الالقـاب،معجم رجال الحـدیث،زنـدگانی آیت- اللّه بروجردی،یکصـد سال مبارزهٔ روحانیت مترقی،شـهدای روحانیت، شـهداء الفضـیله،مقدمهٔ من لا یحضره الفقیه،اصول فقه و فقه استاد شهید مطهری و چندین کتاب و جزوهٔ دیگر،بعلاوهٔ تحقیقات شفاهی از علماء و فضلاء و مشاهدات حضوری،بهره گیری نموده ایم.

۲- ۲) سفینه البحار ج ۲ صفحه ۴۴۶

۳- ۳) سفینه البحار ج ۲ صفحه ۴۴۶

۴- ۴) سفینه البحار ج ۲ صفحه ۴۴۶

۵- ۵) سفینه البحار ج ۲ صفحه ۴۴۶

و بـدلیل همین سـابقه و قـدمت تشیع و علاقـهٔ مردم قم به اهـل بیت علیهما السـلام بوده که علماء قم در آن زمانها توانسـته اند علاوه بر فعالیتهای علمی و تدریسی و مباحثات جاری در میان خودشان،مرتبا"با ارسال نامه و نماینده به خدمت امامان معصوم علیهما السلام حقایق دین را از منبع الهام بخش علم آنها گرفته و در اختیار مردم زمان خود و آیندگان بگذارند.

مردم قم و علمـاء آن،تا آنجا مقاوم و متعهـد بودنـد که حتی دولتهای سـتمگر عباسـی نتوانسـتند آنها را از راه و اهـدافشان دور سازند تا آنجا که مجبور بودند حاکمی که برای قم میفرستند روشی برخلاف میل و ارادهٔ آنها نداشته باشد.

و همین سـابقه و روحیه بود که موجب گردیـد وقتی حضـرت فاطمـهٔ معصومه (ع)بقصـد زیارت برادرشان امام علی بن موسـی الرضا علیه السـلام بایران آمدند و در شهر ساوه از شدت سختی و مشکلات سفر دچار بیماری گردیدند،در آنجا توقف ننموده بلکه عـازم قم گردیدنـد و بمنظور اسـتراحت و معـالجه،مـدت ۱۷ روز در قـم اقـامت جسـته ولی در سن جـوانی قبـل از دیـدار برادر،دار دنیا را وداع گفتند و در شهر قم در میان شیعیان و دوستانشان مدفون گردیدند.

اولین گام حوزهٔ علمیهٔ قم

در زمـان حجـاج بن یوسـف ثقفی گروهی از شـیعیان،مشـهور به اشـعریین،از کـوفه بسوی قم هجرت نموده و در آنجـا اقـامت جسـتند و سـپس عبد اللّه ابن سـعد اشعری که عالم و دانشمند آنها بود به ترویج و تبلیغ اسلام و تشیع پرداخت و فرزندان او نیز به نشـر و تعلیم قرآن و احکام اسلام اشتغال یافته و در نتیجه،نه تنها گسترش اسلام و تشیع در شهر قم مرهون خدمات این عالم بزرگوار و فرزندان او میباشد بلکه اولین گام حرکت علمی در قم نیز بوسیله او برداشته،

ص:۲۹۲

شده است (۱).

بدنبال آن حرکت علمی،ابراهیم بن هاشم قمی که از اصحاب امام هشتم علیه السّلام است و در محضر عالم بزرگ،یونس بن عبد الرحمن کسب فیض نموده پس از ورود به قم اولین کسی بود که احادیث کوفیّین را در قم نشر داد و گام بزرگی در تحول و تکامل علمی،در حوزهٔ قم برداشت و در رشد محیط علمی قم به توفیق بزرگی دست یافت.

گسترش حوزهٔ علمیهٔ قم و مدارس آن

فشارهای حکومت جبار عباسی بر شیعیان موجب گردیده بود که آنها در شهرهای گوناگونی از ایران همانند قم،کاشان،آبه و....تمرکز پیدا کنند و مسجد و مدرسه و کتابخانه و برنامهٔ تبلیغی و ارشادی،هماهنگ با مکتب تشیع بوجود آورند و در میان تمام آن شهرها،قم از همه جا در دین داری و پای- بندی به مکتب جعفری جلوتر بود و مخصوصا"توجه ائمهٔ معصومین علیهما السلام به قم و قمّیین و روایاتی که از آنها در این مورد رسیده بود توجه شیعیان را به قم و زندگی در آن جلب نموده و بتدریج،وجود علماء و محدثین و تأسیس مدارس و کتابخانه ها،حوزهٔ علمیهٔ بزرگی را بوجود آورد که موردتوجه شدید قرار گرفت.

این حوزه در قرن چهارم و نیمهٔ اول قرن پنجم باوج خود رسیده بود،زیرا فشار حکومت عباسی بر شیعیان و علماء آنها در عراق از یکطرف و حکومت شیعی آل بویه در منطقه قم و ری از طرف دیگر و وجود چهره های بارز و طراز اول شیعه در قم از دیگر سوی،شرائط را برای رشد و گسترش و ثمربخشی این حوزه مساعد نموده بود،آری حوزه ای که در آن تنها از صدوق اول(پدر)دویست کتاب و از صدوق دوم(پسر)سیصد کتاب به عالم علم و دین عرضه شود و در آن، بهترین حرکت و نشاط علمی بوجود آید،حوزه ای بس عظیم و فوق العاده خواهد بود.

۱- ۱) گنجینهٔ آثار قم ج ۱ صفحه ۲۲۲

و در اینجا قسمتی از کتاب نقض را که در قرن ششم نوشته شده و یکی از آثار گرانقدر،می باشد نقل می کنیم که عظمت حوزهٔ قم را در آن دوران بیان میدارد و اینک متن عبارت کتاب نقض:

......معلوم است که در شهر قم که همه شیعت اند،آثار اسلام و شعار دین و قوت اعتقاد چون باشد که....کراسی علماء و نوبت عقود مجالس و کتبخانه های ملء(پر)از کتب طوائف و مدرسه های معروف چون:(۱)مدرسهٔ سعد صعلب،(۲)مدرسهٔ اثیر الملک،(۳)مدرسهٔ شهید سعید عز الدین مرتضی قدس اللّه روحه،(۴)مدرسهٔ سید امام زین الدین امیره شرف شاه که قاضی و حاکم است و آن(۵)سرای ستی فاطمه بنت موسی بن جعفر علیهما السّلام به اوقاف و مدرس و فقهاء و ائمه و زینت تمام و قبول اعظم و(۶)- مدرسهٔ ظهیر عبد العزیز و(۷)مدرسهٔ استاد ابو الحسن کمیج و(۸)مدرسهٔ شمس الدین مرتضی با عدت و آلت و درس،(۹)مدرسهٔ مرتضی کبیر شرف- الدین با زینت و آلت و حرمت و قبول و غیر آن که به ذکر همهٔ کتاب مطول شود و مساجد بی مر و مقریان فاخر عالم به قرائات و مفسران عالم به منزّلات و مؤوّلات و ائمهٔ نحو و لغت و اعراب و تصریف و شعرای بزرگ و فقهاء و متکلمان از اسلاف به اخلاف رسیده و زهاد متعبد و.....و آنچه شعار شریعت و تمهید قواعد اسلام است از درس و مناظره و مجلس وعظ و حلقهٔ ذکر معین و مقرر و نور و نزهت و برکت مشهد فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه السلام ظاهر و باهر... (۱)

ملاحظه می نمائید که مدارس قم در آن دوره تا آنجا فراوان بود که نویسنده، هراس دارد که اگر همهٔ آنها را نام ببرد کتابش طولانی شود و نیز کتابخانه های پر از کتاب و رشته های گوناگون علمی همانند علم قرائت،تفسیر،تأویل،فقه، حدیث،کلام،نحو،اعراب،صرف،لغت و شعر که در آن دوره در شهر قم وجود داشته،همه از یک حوزهٔ بسیار وسیع و عظیم پرده برمی دارد که مایهٔ افتخار و مباهات شیعه می باشد.

ص: ۲۹۴

۱- ۱) کتاب نقض صفحه ۱۹۴-۱۹۶

جهش علمی،در حوزهٔ قدیم قم

در حوزهٔ علمیهٔ قم یک جهش بزرگ انجام شد و آن جمع آوری و تألیف مجموعه های بزرگ از احادیث و اخباری که در رساله ها یا کتاب های کوچک و یا بصورت پراکنده در نوشته ها از اصحاب ائمه بیادگار مانده بود.

صحیح است که کار تألیف کتاب و تدوین احادیث از زمانهای قبل،در میان اصحاب ائمه متعارف بوده ولی حوزهٔ علمیهٔ قم گام بلندی را برای تألیف مجموعه های بزرگ همانند کتاب شریف من لا یحضره الفقیه برداشت و بدینوسیله اقدام نوینی انجام گرفت.

نقش عظیم حوزهٔ قدیم قم در ترویج تشیع

در آن هنگام که قم مرکز ثقل فرهنگی و فکری شیعه گردیده بود و علما و اندیشمندان و خدمتگذاران بزرگی را می پرورید نقش عظیمی را در گسترش نفوذ و حاکمیّت تشیع و مکتب اهل البیت علیهم السّلام ایفاء می نمود بطوریکه خدمات شیخ مفید (۱)در بغداد و کوشش های ابن قولویه قمی در مسجد براثا و اقامهٔ عزاداری بر سید الشهداء علیه السّلام و مسافرت های مرحوم شیخ صدوق ره به بغداد،کوفه،ماوراء النهر،نیشابور و بخارا و تأثیراتی که بهمراه داشت و نیز قیامهائی که سادات و علماء،در بسیاری از مناطق ایران همانند طبرستان انجام دادند و مکتب اهل البیت علیهما السلام را ترویج نمودند و همچنین کوشش های وزراء و امراء دانشمند و معتقد به تشیع همانند ابن العمید و صاحب بن عباد و ابو الفتح علی،فرزند ابن العمید که نقش بزرگی را در ترویج تشیع بعهده داشتند،بطور مستقیم یا غیرمستقیم الهام گرفته و متأثر از حوزهٔ علمیهٔ قم بود و- چهره های یاد شده چه بسا حرکت های خود را با اتکاء به آن حوزهٔ مقدسه

۱- ۱) شیخ مفید تحصیلات خود را ابتدأ در قم انجام دادند و سپس به درخواست شیخ صدوق به بغداد هجرت نمودند،و این خود نمونه ای از تأثیر حوزهٔ قدیمی قم بر سایر بلاد است،به گنجینهٔ آثار قم ج ۱ ص ۲۶ مراجعه شود.

شکل می بخشیدند.

و در نتیجه رشد و گسترش تشیع در شهرهای گوناگون ایران در گذشته تاریخ مرهون قم و حوزهٔ علمیهٔ آنست.

مرقد حضرت معصومه علیهاالسّلام محور حوزهٔ علمیه

باتوجه به مطالب یاد شده،ملاحظه نمودید که سابقهٔ تشیع و فرهنگ جعفری به قبل از ورود حضرت فاطمه معصومه علیهاالسّلام بقم برمیگردد ولی از آن هنگام که آن بانوی بزرگوار در قم مدفون گردیدند مرقدشان شمعی شد که پروانه ها را بسوی خود کشید و شهر قم مرکزیت بیشتری یافت و علمائی که بقصد زیارت آن معصومه،بقم می آمدند و یا مجاور آن شهر مقدس می گردیدند و- دانشمندان قمی،که با ائمهٔ معصومین در ارتباط بودند،مجموعا"یک پایگاه علمی را شکل می بخشیدند که چراغ راه مردم علاقه مند به فرهنگ و مکتب جعفری بود.

چهره هائی فروزان از حوزهٔ قدیم قم

اشاره

گرچه حوزه ای که در آن دویست هزار محدث وجود داشته (۱)و صدها مدرسه و مسجد و مرکز دینی را در خود جای داده و در مدت زمان قابل توجهی تنها حوزهٔ مرکزی شیعه بوده و مؤلفین و محققین بزرگی را که سرآمد بزرگان شیعه اند در خود پروریده،چنانچه بخواهیم تنها فهرستی از بزرگان و علماء آن حوزه را ارائه کنیم،کتاب مفصلی خواهد شد،ولی بعنوان نمونه عده ای از آنها را با اشارهٔ مختصری به مقام علمیشان معرفی می نمائیم.

البته عمده تکیهٔ ما در معرفی شخصیت آنها بر ذکر تألیفات،استادان و یا شاگردانشان و نیز سایر عناوینی که نشان دهندهٔ شخصیت حوزه ای و علمی آنها باشد خواهد بود.

۱- ۱) مقدمهٔ من لا یحضره الفقیه بقلم سید حسن موسوی خرسان،بنقل از شرح فارسی مرحوم ملا محمد تقی مجلسی(مجلسی اول)بر،من لا یحضره الفقیه.

و اینک معرفی یکایک آنها:

۱-ابراهیم بن هاشم،ابو اسحاق قمی

کوفی الاصل و از اصحاب امام رضا علیه السلام است و اول کسی میباشد که احادیث علمأ کوفه را در قم نشر داد،او از شاگردان یونس بن عبد الرحمن (یکی از بزرگان اصحاب امام هشتم علیه السلام)بوده است،کتابهائی دارد از جملهٔ کتاب نوادر و کتاب قضایا امیر المؤمنین علیه السلام و لذا از دانشمندان صاحب تألیف(در میان اصحاب ائمه)بشمار می رود.

۲-احمد بن ابی زاهر قمی

که از موالی و از وجوه قم بوده و چندین کتاب نیز تألیف نموده است.

۳-احمد بن اسحاق،اشعری قمی

او قافله سالار و شیخ قمّیین بوده و از امام جواد و امام هادی علیهما السّلام روایت می کند و از خواص امام حسن عسگری علیه السلام بوده و امام زمان علیه السلام را- ملاقات نموده است و همچنین از وکلاء و سفراء معروف است و در رجال شیخ کشی عبارتی است که نشان دهندهٔ کمال عظمت و جلالت این بزرگمرد عالم و پرهیزگار می باشد.

او کتابهای متعددی نوشته است که مرحوم شیخ آنها را نقل می فرماید.

۴-احمد بن اسماعیل،ابو علی بجلی،ملقب به سمکه

شیخ نجاشی و شیخ طوسی درباره اش گفته اند:

او از صاحبان فضل و دانش بوده و ابو الفضل محمد بن حسین بن عمید(ادیب معروف و مشهور به ابن العمید)شاگرد او است.و این مطلب نشانهٔ وجود علوم ادبی و اهمیت آن در حوزهٔ علمیهٔ قم می باشد.او چندین کتاب تألیف کرده که برای آنها مانندی یافت نشده است.

۵-احمد بن محمد بن الحسين بن الحسن بن دول القمی

وی بنابر نقل شیخ نجاشی یکصد کتاب تألیف نموده و در زمینهٔ نگارش و تألیف کتاب از بزرگترین چهره های حوزه ای،در گذشته میباشد.

در میان کتابهای او نوشته هائی وجود دارد در فقه،از طهارت تا دیات (یعنی یکدورهٔ کامل فقه)و همچنین کتابهائی همانند خصائص النبی و فضائل امیر المؤمنین و....

۶-احمد بن محمد بن خالد...برقی قمی

از موثقین راویان می باشد و در تشییع جنازه او احمد ابن محمد ابن عیسی که از بزرگان و مشایخ قم بود با سروپای برهنه شرکت جست.

از آثار او،در حدود یکصد کتاب نامبرده شده که در زمینه های عقائد،فقه، تفسیر،اخلاق،صرف،نحو،تاریخ،طب،شناخت ملک،انسان،جن ،حیوان و....میباشد (۱)و میتواند گواهی بزرگ،بر گستردگی علم و قدرت اندیشه و کثرت کوشش و مجاهدهٔ او باشد.

۷-احمد بن محمد بن عیسی...الاشعری القمی

از مشایخ و وجوه و فقهاء قمّیین بوده و ریاست دینی و اجتماعی گسترده داشته و مقبول همگان بوده است و از مفاخر شیعه و اصحاب ائمه بشمار می رود.

و نیز به محضر امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام و امام عسکری علیه السلام مشرف شده است.

وی کتب فراوانی همانند کتاب توحید،فضل النبی و..تألیف نموده است

۸-جعفر بن محمد بن موسی بن قولویه قمی

نجاشی درباره وی گفته:

او از نیکان اصحاب سعد بن عبد اللّه اشعری در حدیث و فقه و از ثقات و بزرگان اصحاب ما است و شیخ مفید،فقه را نزد او خوانده است و هرقدر در وصف فقه و

۱- ۱) به معجم رجال الحدیث ج ۲ صفحه ۲۶۷ تا صفحه ۲۷۰ مراجعه شود

خوبی او بگویند،بالاتر از آنست.

وی مصنفات متعددی دارد که در کتاب نجاشی ذکر شده و از جملهٔ آنها کتاب نفیس کامل الزیارات میباشد.

۹-حسن بن محمد بن الحسن القمی

مؤلف کتاب گرانقـدر تاریـخ قم،که از معاصـرین شـیخ صـدوق،و از بزرگان علماء قم بوده و علامهٔ مجلسـی رحمه الله علیه بر کتاب او اعتماد فرموده است.

۱۰-حسین بن علی....ابن بابویه القمی

برادر شیخ صدوق است و هردو بواسطهٔ عنایت خاصه و با دعای امام زمان (عج)بدنیا آمده اند.

او روایات فراوانی نقل کرده و چندین کتاب تألیف نموده و از پدر گرامی خود (صدوق اول)اجازه داشته است.

۱۱-حسین بن سهل قمی

از بزرگان حکما و فلاسفهٔ شیعه است،استاد الفضلاء،و سعید بن العمید درباره وی گفته:

اگر از شهر ما فقط همین شخص بیرون آمده باشد ما را کافیست.

وی متخلق باخلاق شریفه،دارای همت عالی و دوستدار حکمت و اهل آن بود و با اهل فضل و حکمت بسر میبرد.

۱۲-داود بن کوره قمی

وی مردی ارزشمند و جلیل القدر،و از اساتید ثقه الاسلام کلینی بوده و خود نیز از مؤلفین کتاب شمرده شده است.

۱۳-زکریا بن آدم قمی

او از چهره هـای تاریخی و بزرگ و بافضـیلت شـیعه است،در نزد امام هشـتم علیه السـلام آبروی فراوانی داشت و حضـرت باو فرمودند بواسطهٔ تو بلا از اهل بیت تو

رفع میشود،چنانچه بواسطهٔ پدرم موسی بن جعفر علیه السلام بلا از اهل بغداد رفع میشود.

و وقتی یکی از راویان،از امام علیه السلام پرسید که بخاطر دوری راه،نمیتوانم همه وقت شرفیاب شوم و مسائل را سئوال کنم،پس از که فراگیرم؟حضرت فرمودند از زکریا بن آدم بپرس که امین است در امور دین و دنیا،او وقتی از دنیا رفت امام هشتم علیه السلام درباره اش نوشتند رحمه اللّه یوم ولد و یوم قبض و یوم یبعث حیّا"و در همان نامه جمله های مهم و دارای معانی بسیار بلندی دربارهٔ او نوشته اند که نشان دهندهٔ عظمت فوق العادهٔ اوست.

قبر شریفش در قبرستان شیخان قم موردتوجه میباشد و از اهمیت معنوی و تاریخی ویژه ای برخوردار است.

۱۴-سعد بن عبد اللّه...الاشعری القمی

مردی والامقام و کثیر العلم بوده و فراوان نقل حدیث می نموده و کتابهایش بسیار زیاد می باشد که بیش از سی عدد آنها را بنام شمرده اند و تنها کتاب منتخبات او دارای هزار ورق بوده است.

وی پیشوا و فقیه و رئیس شیعیان بوده و از کسانی است که بملاقات امام عسکری علیه السّلام نائل گردیده است.

۱۵-شاذان بن جبرئیل القمی

مردی عالم و فاضل و فقیه و جلیل القدر و مورد وثوق بوده و کتابهای متعددی نیز تألیف کرده است.

۱۶-قطب راوندی

فقیه محدث،مفسر محقق،دانشمند متبحر و متکلم مدقق،سعید ابن هبه اللّه مشهور به قطب راوندی،که از بزرگترین چهره های درخشان شیعه در علم حدیث و از مؤثرترین شخصیتهای تشیع در ترویج مذهب و نشر

اندیشه های فرهنگی مکتب اهل البیت علیهما السلام بوده است.

پـدر و جـد او و همچنیـن فرزنـدان او و همـه از علماء بـوده انـد و خـود او و اسـتاد ابـن شـهر آشـوب بـوده و از شخصـیتهای بزرگی،همچون امین الاسـلام طبرسـی(صاحب مجمع البیان)و عماد الدین طبری و پدر خواجه نصیر طوسـی و....روایت نموده است.

او بنقل ابن ابی الحدید معتزلی و کتاب ریاض العلماء،اولین شارح نهج البلاغه است (۱).

و همچنین او اولین عالمی است که به شـرح و تفسیر آیات الاحکام،پرداخته و کتابی در این باب بنام فقه القرآن برشـتهٔ تألیف درآورده است (۲)

کتابهای او متعـدد و متنوع و در رشـته های مختلف علوم اسـلامی است و بعضـی از آنها هماننـد خلاصه التفاسـیر در ده جلد و المغنی فی شـرح النهایه در ده جلد (که شـرح نهایهٔ شیخ طوسی است)و.....نشان دهندهٔ گستردگی فعالیت علمی و تألیفی او در فقه،تفسیر،حدیث و دیگر فنون و علوم دینی می باشد.

وی در سـال ۵۷۳ قمری وفـات یـافت و در محـل صـحن بزرگ،در جوار قبر فـاطمه معصومه،سـلام اللّه علیهـا در شـهر قم دفن گردید و قبرش موردتوجه و مشهور میباشد و در وقت ساختن صحن شریف،قبر مطهرش خراب شد و بدن او نمایان گشت و با گذشت هفتصد سال بدن مقدس او تغییر نیافته بود آنچنانکه گویا تازه از دنیا رفته است (۳).

۱۷-عبد اللّه بن جعفر بن الحسین...الحمیری

شیخ قمیین و رئیس آنها بشـمار رفته و از افراد مورد وثوق امام عسکری علیه السلام بوده است.او کتابهای فراوانی تألیف نموده و هنگامی که وارد کوفه

۱- ۱)ریحانه الادب ج ۴ ص ۴۶۸

۲- ۲) ریحانه الادب ج ۴ ص ۴۶۸ ۳) گنجینهٔ دانشمندان ج ۱ صفحه ۱۱۱ بنقل از حضرت آیه اللّه العظمی مرعشی نجفی.

۳- ۳) گنجینهٔ دانشمندان ج ۱ صفحه ۱۱۱ بنقل از حضرت آیه اللّه العظمی مرعشی نجفی.

شد،اهل کوفه با شنیدن حدیث از وی بسیار بهره مند شدند.

۱۸-عبد اللّه بن صلت قمی

که از شخصیتهائی است که بقول نجاشی روایات او مورد اطمینان و آرامش دل می باشد و کتابی نیز در تفسیر،تألیف نموده است.

۱۹-علی بن ابراهیم بن هاشم قمی

او از چهره هائی است که به کثرت شنیدن حدیث ممتاز بوده،و کتابهای متعددی همانند کتاب التفسیر،کتاب الناسخ و المنسوخ،کتاب قرب الاسناد و....برشتهٔ تحریر در آورده است.

وی از اساتید محمد بن ماجیلویه و محدث بزرگ محمد بن یعقوب کلینی، (صاحب کتاب شریف کافی)بوده و نیز مورد وثوق و اعتماد و نیکوروش،شمرده شده است.

۲۰-علی بن ابی القاسم......ماجیلویه قمی

وی شخصی مورد وثوق،فاضل،فقیه و ادیب بوده و نیز،تصنیفاتی از او باقی مانده است.

۲۱-علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی(صدوق اول)

او در زمان خود شیخ و فقیه و مورد وثوق قمیین بوده و در جلالت شأن و عظمت مقام،از نمونه های بارز می باشد و در فقاهت،از بزرگان شیعه بشمار میرود.

وی کتابهای فراوانی تألیف نموده که تا دویست عنوان کتاب ضبط گردیده است (۱)و این تألیفات،نشان دهندهٔ وسعت علمی،تحرک و نشاط فکری و احساس مسئولیت دینی این بزرگمرد الهی میباشد،و اینک نمونه ای از آن کتابها:

کتاب التوحید،کتاب الوضوء،کتاب الصلوه،کتاب الاخوان،کتاب النساء و الولدان،کتاب التفسیر،کتاب قرب الاسناد،کتاب المنطق،کتاب الطب

۱- ۱) مقدمه شرح لمعه طبع جدید صفحه ۴۷ بنقل از فهرست ابن الندیم.

کتاب المعراج و....

چنانچه ملاحظه می نمائید عناوین کتابها،نشانی بارز از تلاش این مرد الهی در زمینهٔ علوم مختلف می باشد.

قابل توجه اینکه این فقیه بزرگوار،بتوسط یکی از نواب خاص امام زمان،نامه ای به محضر آنحضرت فرستادند و در آن نامه تقاضا کردند که امام ع دربارهٔ ایشان دعا کنند و از خداوند بخواهند که فرزندی نصیب ایشان گردد و حضرت در جواب نامه بخط خود نوشتند"ما از درگاه حضرت وهاب حاجت تو را مسئلت نمودیم و بزودی دو فرزند پسر که از جملهٔ نیکان باشند به تو ارزانی خواهد شد".

و بدنبال این عنایت و توجه خاص امام زمان(عج)پس از مدتی،دو فرزند پسر یکی بنام محمد بن علی بن بابویه(صدوق دوم)و دیگری بنام حسین بن علی مکنی به ابی عبد اللّه متولد شدند و طبق پیش بینی حضرت،هردو از نیکان و علماء صالح گردیدند.

قبر علی بن بابویه در قم واقع شده و محل توجه علماء و صلحاء می باشد و نامهٔ امام عسکری علیه السلام به ایشان،بر ضریح مطهرشان نوشته شده است.

۲۲-علی بن عبید اللّه بن بابویه قمی

معروف به شیخ منتخب الدین،که از محدثین بزرگ و حافظین حدیث شمرده شده و در کتاب امل الامل با عنوان عالم،ثقه،صدوق،محدث، حافظ و علامه،از او ستایش بعمل آمده است،وی تصنیفات متعددی دارد که مشهورترین آنها کتاب رجالی او بنام فهرست،میباشد.

۲۳-محمد بن ابی اسحق قمی

از شخصیتهای بزرگ در علم کلام بوده و در زمینهٔ اخبار کتابهای متعدد تصنیف کرده است.

ص:۳۰۳

۲۴–محمد بن احمد بن داود قمی

وی در زمان خود رئیس و شیخ القمیین محسوب میگردیده و فقیه آنها بوده است و حسین بن عبید اللّه،دربارهٔ وی گفته:

ندیدم کسی را که در حافظه و فقاهت و معرفت بحدیث،مانند او باشد.

کتابها و تألیفات متعددی از خود بجای نهاده که سندی بر عظمت علمی وی می باشد.

۲۵–محمد بن احمد بن یحیی....الاشعری القمی

او مردی جلیل القدر و کثیر الروایه بوده است و کتابهائی نوشته که در میان آنها کتاب نوادر الحکمهٔ او،بعلت دربر داشتن فوائد گوناگون و جامع بودن نسبت به علوم و فنون و قابلیت برای بهره برداری همه،از آن،از اهمیت ویژه ای، برخوردار است.

۲۶–محمد بن احمد بن ابی قتاده

از شخصیتهای مورد وثوق قمیین و بسیار راستگو بوده است.او کتابی دارد بنام(ما یجب علی العبد عند مضیّ الامام).

۲۷–محمد بن جعفر بن بطه....قمی

در شهر قم از منزلتی بزرگ برخوردار بوده و به فراوانی علم و ادب و فضل، شهرت داشته است.وی کتابهای بسیاری تألیف نموده و آنها را با شماره،مشخص میکرده است.باینصورت کتاب الواحد،کتاب الاثنین کتاب الثلثه،کتاب الاربعه،کتاب الخمسه،کتاب السّتّه....کتاب العشرین،کتاب الثلثین، ،کتاب الاربعین و....

همانگونه که ملاحظه نمودید،بجای نام مشخص برای هرکتاب از شماره های مسلسل،بهره گیری نموده و هرکتابی را با شماره ای خاص مشخص نموده

است.

و علاوه بر آنها کتابی دارد بنام(کتاب تفسیر اسماء اللّه و ما یدعی به)که تألیفی است متین و ارزشمند و مورد ستایش.

۲۸-محمد بن الحسن بن احمد بن الولید القمی

شیخ قمیین و فقیه و پیشوا و موردتوجه آنان بوده و در نزد آنها از منزلتی بزرگ برخوردار بوده است.در شناختن رجال،مورداعتماد بوده و در فقه بصیرت داشته است،او کتابهای فراوانی نوشته که از آن جمله است کتاب تفسیر القرآن و کتاب الجامع،وی از اساتید و مشایخ بزرگ مرحوم شیخ صدوق می باشد.

۲۹-محمد بن الحسن الصفار

او از شخصیتهای برجستۀ قمیین است و بسیار گرانقدر و مورد وثوق میباشد.

کتابهای بسیار ارزنده ای دارد که از آنجمله است بصائر الدرجات،که حاوی مسائلی است که از امام ابی محمد،حسن بن علی العسکری علیه السّلام پرسیده است.

۳۰-استاد،ابن العمید قمی

محمد بن حسین بن عمید معروف به ابن العمید قمی،دانشمندی توانا و ادیبی گرانقدر بوده و در فلسفه و نجوم و علوم ادبی و فن نگارش،بسیار خبیر بوده و نیز دارای هوش و ذکاوت و توانائی فکری برجسته ای بوده است و همین مقدار برای بیان عظمت او کافیست که اسماعیل بن عباد معروف به صاحب بن عباد،با تمام عظمتش بمناسبت مصاحبت با این بزرگمرد،خود را صاحب می خواند،و به این لقب افتخار می نمود.

او از احمد بن اسماعیل بن سمکۀ قمی،بهره مند شده و کسب علم نموده و از اصحاب

احمد بن ابی عبد اللّه برقی است.ابن العمید بمقامی بسیار بلند،در فن کتابت رسید و لذا در شأن او گفته اند.

"بدئت الکتابه بعبد الحمید و ختمت بابن العمید"

یعنی کتابت و نگارش شروع شد بوسیلۀ عبد الحمید و پایان یافت به ابن العمید وی علاوه بر همۀ اینها،در خطاطی نیز مهارت داشته و در محضر خطاط معروف ابن مقله (۱)،خطاطی را فرا گرفته است.

ابن العمید،بمقام وزارت رسید و در ترویج اسلام و تشیع با کمک علوم و ذکاوت و هوش سرشار خویش،گامهای مؤثری برداشت.

۳۱-محمد بن خالد برقی

از جملۀ ادبا بوده و به اخبار علوم عرب آشنائی نیکو داشته است و مشایخ و بزرگان شیعه،زیاد از او روایت نموده اند و مخصوصا"شیخ صدوق،که هنگام یاد نمودن نام وی،از گفتن جملۀ(رضی اللّه عنه)غفلت نمیکرده است.

۳۲-محمد بن عبد اللّه....الحمیری القمی

از شخصیت های موجّه بوده و با امام زمان(عج)مکاتبه داشته و ضمنا"روایات و تصنیفاتی را از خود بجای گذاشته است.

۳۳-شیخ صدوق،محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی

هنگامی که عنوان(صدوق)بطور مطلق ذکر شود،منظور همین رادمرد الهی است،وی چهره ای تابناک بشمار می رود و بجلالت و عظمت،معروف

۱- ۱) ابن مقله،خطاط معروف و بزرگی است که خط ریحان و خط محقق و خط، ثلث و ریحانی و خط نسخ،از اختراعات اوست و همچنین در اواخر کارش خط توقیع و رقاع را نیز اختراع نمود و شاگردان زیادی از اطراف و نواحی کشور اسلام،بسوی او میآمدند و از محضر او بهره می جستند(گنجینۀ آثار قم، ج ۱ ص ۳۴۴)

است و بقوت حافظه توصیف گردیده است.

اویکه سوار میدان فقاهت و علمدار علم حدیث و رجال است و در تألیف و تصنیف کتاب،از پیشوایان بزرگ بشمار می رود و در حدود سیصد تصنیف داشته است (۱)و نام کتب او بتفصیل در کتاب رجال نجاشی و کتاب کبیر علامه،ذکر شده است.

او آنقدر از نظر علمی موفق گشت که هنوز در سن جوانی بود در حالیکه بزرگان طائفه،به شنیدن حدیث از او توجه کرده و بهره مند میگردیدند.او به رئیس المحدّثین ملقب شده و شیخ نجاشی و علامه،او را با عنوان پیشوای ما (شیعه)و فقیه ما ستوده اند.

وی عالمی پرتحرک بود و لذا برای ترویج مکتب شیعه،به یک سلسله مسافرت به شهرهای نیشابور،بغداد،کوفه،ماوراء النهر،بخارا اقدام نمود و در همه جا با استقبال شایان اهل علم و رجال حدیث،مواجه گردید.

از افتخارات او این است که او و برادرش،با عنایت خاصه و دعای امام زمان علیه السلام متولد شده اند و قبل از ولادتشان بزبان امام زمان علیه السلام مورد ستایش قرار گرفته اند.

از کرامات او اینکه،در اواخر قرن ۱۳ یعنی حدود سال ۱۳۰۰،سیل قبر ایشان، را خراب کرد و جسد این بزرگمرد الهی ظاهر شد آنچنانکه گویا تازه از دنیا رفته و هیچ تغییری نیافته بود و رنگ حنا همچنان بر محاسن و ناخن های شریف او باقی بود (۲).

۳۴-محمد بن علی بن محبوب الاشعری القمی

فقیهی نیکوروش و مورد وثوق بوده و شیخ قمیین و از اعیان آنها بشمار آمده است.کتابهای متعددی تألیف نموده و بجای گذاشته که از ۱۵ عنوان آنها

۱- ۱) فهرست شیخ طوسی ص ۱۷۵ و تاریخ قم ص ۲۴۰ و شیخ نجاشی ۱۸۹ جلد آنرا با اسم،ذکر می کند.

۲- ۲) در بخش پرچمداران حوزه های علمیه و سیر علوم در حوزه های علمیه،در بارۀ صدوقین و خدمات و نقش آنها،بحث مفصل تری خواهد شد.

نام برده شده است.

۳۵-محمد بن علی،ماجیلویه قمی

استاد شیخ صدوق بوده است و مرحوم صدوق از او بسیار روایت می نماید و با جملهٔ(رضی اللّه عنه)یا(رحمه اللّه)نام او را می برد.

۳۶-محمد بن عیسی بن عبد اللّه اشعری

شیخ قمیین و شخصیت موجه اشعریین بوده و بخدمت امام هشتم علیه السلام ، شرفیاب شده و به شنیدن حدیث از آنحضرت،مفتخر گردیده است.

۳۷-محمد بن قولویه

وی پدر جعفر بن محمد بن موسی بن قولویه قمی،صاحب کتاب نفیس کامل الزیارات می باشد و این فرزند دانشمند و بزرگوار و نیز شیخ کشی، از او فراوان حدیث نقل می کنند و این خود سندی بر دانش و وثاقت و اعتبار او می باشد.

او از نیکان اصحاب سعد بن عبد اللّه(فقیه و پیشوای بزرگ شیعه)و از راویان از او،و غیر او می باشد.

۳۸-محمد بن یحیی العطار القمی

در زمان خود شیخ اصحاب بوده و از شخصیتهای کثیر الحدیث میباشد.

وی کتابهای متعددی نیز نوشته است.

۳۹-مرزبان بن عمران....الاشعری القمی

وی از کسانی است که به خدمت امام رضا علیه السّلام مشرف شده و در مورد تشیع خودش از امام سئوال نمود،که آیا من از شیعیان شما هستم و نام من نزد شما مضبوط و مکتوب است؟و حضرت فرمودند بلی،و بدینوسیله شایستگی او را مورد تأیید قرار دادند.

ص:۳۰۸

او صاحب کتاب می باشد و در زمرۀ صاحبان اثر قلمی،بشمار رفته است.

۴۰-موسی بن الحسن...القمی

مردی جلیل القدر و مورد وثوق و دارای شخصیت ارزنده و تصنیف کنندۀ سی کتاب می باشد.

و تا اینجا با عدۀ کمی از شخصیت های بزرگ حوزۀ علمیه قم در گذشته،آشنا شدیم،در حالیکه نه فرصت بود،همه را یاد کنیم و نه در مورد هرکدام از یاد شدگان،توفیق بحث تفصیلی یافتیم،ولی همین اشارۀ گذرا، می تواند عمق و گستردگی آن حوزۀ عظیم الهی را،نشان دهد.

حوزۀ علمیۀ قم،در عهد صفویه

باوجود حوزۀ بزرگ و معظمی که در آن زمان،در اصفهان با زعامت و هدایت علماء بزرگ،تکامل و توسعه یافت تا حدی که((دار العلم شرق))نامیده شد، نمیتوان انتظار داشت که حوزۀ قم در آن دوره حوزۀ اصلی بوده و مرکزیت داشته باشد ولی با این حال،در این دوره حوزۀ قم،رونق داشته بطوری که مدارس متعددی در این زمان تأسیس شده که مهمترین آنها مدرسۀ فیضیه است و همچنین مدارس دیگری از جمله،مدرسۀ مؤمنیّه،که کتابخانه مهمی نیز داشته و نیز مدرسۀ مهدی قلی خان و مدرسۀ جانی خان یا(جهانگیرخان)،در این دوره ساخته شده است (۱)و اینک برای آشنائی با وضعیت علمی حوزۀ علمیۀ قم در این دوره،به چند چهرۀ مبرز و شخصیت علمی،اشاره نموده و فعالیت تحصیلی یا تدریسی و تألیفی آنان را اجمالا"بیان می نمائیم:

۱-مرحوم ملاصدرای شیرازی،فیلسوف بزرگ و مشهور و محقق و مفسر نامدار، که مدتی در حوزۀ علمیه قم تدریس داشته اند (۲)

۲-مرحوم فیض کاشانی،نابغه و محقق بزرگ،که از بزرگترین شخصیتهای علمی شیعه،بشمار می رود و مدتی در حوزۀ علمیۀ قم تدریس مینموده است (۳)

۱- ۱) به کتاب تاریخ قم مراجعه شود.
۲- ۲) گنجینۀ دانشمندان ج ۱ ص ۳۹ به نقل از آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی.
۳- ۳) گنجینۀ دانشمندان ج ۱ ص ۳۹ به نقل از آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی.

۳-مولی عبد الرزاق لاهیجی،از بزرگان حکما و متکلمین و صاحب کتاب گوهرمراد و دیگر کتب ارزشمند،او در حوزهٔ علمیهٔ قم تدریس مینمود و شاگردان بزرگی در محضرش بفراگیری دانش اشتغال داشتند. (۱)

۴-مرحوم سید صدر الدین بن سید محمد باقر رضوی قمی

که از محققین بزرگ شیعه می باشد و صاحب روضات الجنات،او را فردی بدون ثانی،در فضیلت و تدقیق و تحقیق شمرده است.

وی در نزد علماء بزرگی چون آقا جمال خوانساری و شیخ جعفر قاضی و مدقق شیروانی،تحصیل کرده و در هنگام اقامت ایشان در عراق،از جملهٔ شاگردانشان استاد الکل،وحید بهبهانی بوده است،این بزرگ مرد عالم،مدتی در حوزهٔ علمیهٔ قم تدریس می نموده است (۲)

۵-از دیگر چهره های درخشان این دوره،قاضی سعید قمی،محمد بن محمد مفید،می باشد که از چهره های برجستهٔ حکمت و عرفان و فقه است و منصب قضاوت را در قم عهده دار بوده و از جملهٔ شاگردان علامهٔ بزرگ،ملا محسن فیض کاشانی و حکیم بزرگ،ملا عبد الرزاق لاهیجی بوده است.

از میان تألیفات متعدد او،شرح توحید صدوق،که در ضمن چندین جلد تألیف گردیده،از اهمیت خاصی برخوردار میباشد (۳)

۶-و همچنین محقق مدقق،فقیه و متکلم و محدث عظیم الشأن،مولی محمد طاهر قمی،که کتاب های گوناگونی تألیف نموده است و در زمان خود،سمت شیخ الاسلامی قم را داشته و با علامهٔ بزرگوار،مرحوم مجلسی و حکیم عظیم الشأن، مولی محسن فیض کاشانی،در ارتباط بوده است.

این عالم بزرگوار در ابتداء،اختلاف نظر شدیدی با مرحوم فیض کاشانی داشت ولی پس از کشف حقیقت،برحسب روحیهٔ بلند معنوی،و تقوای الهی که در او بود با پای پیاده از قم بسوی کاشان حرکت نمود و همراه با عبارت(یا محسن قد

۱- ۱) تاریخ قم ص ۲۰۵

۲- ۲) تاریخ قم ص ۲۰۰

۳- ۳) تاریخ قم ص ۲۴۳

اتاک المسیئ)از مرحوم فیض،عذرخواهی و طلب حلالیت نمود و سپس بدون اینکه در کاشان،استراحتی بنماید،بقم بازگشت.

۷-از دیگر علمای برجستهٔ قم در این دوره،محدث و رجالی بزرگ،محقق و فاضل ارزشمند،سید مصطفی تفرشی است که کتاب ارزندهٔ او بنام نقد الرجال از تحقیقات و دقت نظرهای ارزشمندی برخوردار است (۱)

ص :۳۱۱

۱- ۲) تاریخ قم ص ۲۴۵

حوزه علمیهٔ قم،در عصر محقق قمی

مرحوم میرزای قمی،گرچه بجهت هجرت پدرشان به جاپلق،در آنجا بدنیا آمده اند ولی در اصل،گیلانی بوده اند.

ایشان پس از طی دوران طفولیت،مراحل تحصیلی مقدماتی را نزد پدر خود که،ادیبی بزرگ بوده تکمیل نمودند و سپس به خوانسار رفته و فقه و اصول را در حوزهٔ علمیهٔ خوانسار،تحصیل نمودند و پس از آن،به حوزهٔ مقدسهٔ کربلا وارد شده و در محضر استاد الکل،محقق نامدار،وحید بهبهانی،به تکامل علمی و طی مراحل اجتهاد،پرداختند و توفیق دریافت اجازهٔ اجتهاد از آن محقق بزرگ را بدست آوردند و نیز از علماء بزرگ و گرانقدری همچون میر سید حسین خوانساری ،شیخ محمد مهدی نجفی و آقا محمد باقر هزارجریبی که از چهره های بزرگ علمی آنروز بودند،اجازهٔ اجتهاد کسب نمودند.

پس از آن،به جاپلق بازگشتند،ولی بعلت عدم قابلیت محیط،باصفهان هجرت نموده و مدتی در مدرسهٔ کاسه گران اصفهان اقامت جستند و پس از آن، مدتی در شهر شیراز رحل اقامت افکندند و مجددا"باصفهان بازگشتند،اما سرانجام،بعلت عدم مساعدت کافی در محیطهای یاد شده،به شهر قم هجرت نموده و برای همیشه در آنجا اقامت یافتند.

شهر مقدس قم که قبل از ورود ایشان از رونق علمی و اجتماعی،افتاده بود بدنبال اقامت و تلاش های این بزرگمرد فقیه و دانشمند،حرکت و خروش علمی و اجتماعی یافت،بطوریکه بارگاه حضرت معصومه علیهاالسّلام و مدرسهٔ فیضیه تعمیر گردید و شهر قم موردتوجه طلاب،دانشمندان و عامهٔ مردم گردید و مرتبا" بر رونق و گسترش قم افزوده میشد.تا آنجا که حوزهٔ درسی مرحوم محقق قمی (میرزای قمی)زبانزد همگان گردید و طالبان علم را بسوی خود جذب مینمود.

تحقیقات و اندیشه های بلند و پرمایهٔ این رادمرد الهی،و تقوی و زهد و اعراض از دنیا،که در ایشان تجلی داشت،عاملی بزرگ برای رشد حوزهٔ علمیهٔ قم بود

ص: ۳۱۲

و مجمع درسی ایشان،محل اجتماع بزرگترین دانشمندان و متفکرین و عامل پیدایش عالیترین تحقیقات و بررسی های علمی و دینی گردید.

علماء بزرگی در درس ایشان حضور می یافتند که،هرکدام مشعلی فروزان در حوزه های علمیهٔ شیعه بحساب میآیند همانند:

۱-محقق بزرگ،مرحوم سید محمد باقر شفتی(مشهور به حجه الاسلام شفتی)

۲-فقیه و مجتهد بزرگوار،حاج محمد ابراهیم کرباسی(کلباسی)

۳-مجتهد و محقق بزرگ،آقا محمد علی هزارجریبی

۴-محقق عظیم الشأن،سید عبد اللّه شبر

۵-مجتهد عظیم الشأن،سید مهدی خوانساری

۶-مجتهد عالیقدر،سید علی بن سید ابو القاسم خوانساری

۷-فقیه بزرگوار،حاج ملا محمد کزازی

۸ و ۹ و ۱۰-مجتهدین بزرگوار،میرزا علی رضا و میرزا ابو طالب و حاج سید اسماعیل قمی،که همه از شخصیتهای بارز علمی و تقوائی و از آیات بزرگوار الهی بوده اند.

مرحوم محقق قمی،کتابهای بزرگ و نفیسی تألیف و تصنیف نمودند،که مشهورترین آنها،قوانین الاصول است که تا این اواخر بعنوان کتاب درسی در حوزه های علمیه مطرح بود و اکنون نیز عده ای بتدریس آن مبادرت می ورزند،البته کتابهای دیگر محقق قمی همانند غنائم و ناهج و بخصوص جامع الشتات از اهمیت خاصی برخوردار میباشند و کتاب اخیر از کتابهای بی نظیری است که بصورت سئوال و جواب،در همهٔ ابواب فقهی تألیف گردیده است.

وفات محقق قمی در سال ۱۲۳۱ قمری،واقع گردید.

باتوجه به مطالب گذشته،می توان دریافت که دورهٔ محقق قمی،از دوره های درخشان حوزهٔ عظیم و باسابقهٔ قم،می باشد که بعد از مدتی افول و سکون،از نظر علمی به مقام و مرتبهٔ بلندی رسیده است.

ص:۳۱۳

تأسیس حوزهٔ فعلی قم

اشاره

پس از دورهٔ محقق نامدار،مرحوم میرزای قمی ره،حوزهٔ علمیهٔ قم به ضعف گرائید،تا آنجا که حتی مدرسهٔ فیضیه و مدرسهٔ دار الشفاء بصورت مخروبه درآمدند و گدایان و دیوانه ها،در آن رفت وآمد می نمودند و بصورتی تأسف بار، حوزهٔ قم از حرکت ایستاده بود،تا آنکه بدنبال هجرت مرحوم آیت اللّه العظمی حائری یزدی به قم،نه تنها حوزهٔ علمیه،حیاتی جدید یافت،بلکه میتوان گفت حوزه ای تأسیس شد که امروزه،بعنوان بزرگترین و پرتحرکترین حوزه های علمیهٔ جهان تشیع به تحصیل،تدریس،تألیف،تحقیق،تبلیغ و نشر فرهنگ غنی مکتب تشیع،می پردازد و مرکز بزرگترین حرکتهای فکری و علمی و تبلیغی گردیده است.

برای روشن شدن نحوهٔ تأسیس حوزهٔ فعلی قم،اشاره ای به شخصیت و عظمت و هجرت مرحوم آیت اللّه حائری یزدی می نمائیم.

آیت اللّه العظمی،حاج شیخ عبد الکریم حائری،مؤسس حوزهٔ فعلی قم

اشاره

ایشان بعد از تولد در مهرجرد یزد،و گذراندن مراحل اولیهٔ تحصیل، در دو حوزهٔ علمیهٔ اردکان و یزد،رهسپار عراق و حوزهٔ علمیهٔ سامراء شدند و در درس مرحوم آیت اللّه العظمی میرزای بزرگ شیرازی،شرکت نمودند و مدتی نیز در محضر مقدس آیت اللّه العظمی میرزا محمد تقی شیرازی و آیت اللّه آقا، سید محمد فشارکی کسب علم نمودند و سپس به حوزهٔ مقدسهٔ نجف اشرف مشرف شدند و از محضر استاد اعظم آخوند خراسانی،صاحب کفایه الاصول و فقیه اکبر آقا سید محمد کاظم یزدی صاحب کتاب عروه الوثقی،بهرهٔ علمی گرفتند،پس از آن، مدتی در حوزهٔ علمیهٔ کربلا،بتدریس اشتغال یافتند.

هجرت به اراک

در سال ۱۳۳۲ قمری،از ایشان دعوت شد که به اراک هجرت نمایند و

حوزهٔ علمیه ای در آن شهر تشکیل دهند،ایشان نیز دعوت را پذیرفتند و مدت ۸ سال در شهر اراک به تربیت طلاب و تدریس علوم دینیه،اشتغال داشتند،تا آنکه از ایشان دعوت شد که به قم هجرت کنند.ایشان نیز در سال ۱۳۴۰ به قصد زیارت مزار حضرت معصومه(ع)عازم شهر قم گردیدند و از آنجا که مقام و عظمت ایشان،برای علماء و مردم قم مشخص شده بود،استقبال عظیم و بسیار باشکوهی از ایشان بعمل آوردند و عده ای از علماء و فضلاء و بالاخص مرحوم شهید،آقا شیخ محمد تقی بافقی اصرار زیادی نمودند که ایشان در قم بمانند و مردم را نیز تشویق کردند که از آیت اللّه بخواهند،که قصد اقامت کنند و حوزهٔ درسی خود را به قم منتقل نمایند،و این تقاضا بصورت مکرر از ناحیهٔ مردم و علماء قم و دیگر شهرها اظهار گردید.تا آنکه روزی،شهید بافقی عرضه داشتند شما اخباری را که از ائمهٔ معصومین علیهما السلام رسیده،دربارهٔ اینکه قم در آخر الزمان مرکز نشر علم خواهد شد،قبول دارید؟ایشان فرمودند بلی،عرضه داشتند آیا نمیخواهید تأسیس این اساس،بدست شما بشود؟فرمودند بلی،مرحوم بافقی عرضه داشتند پس بمانید در قم.

سرانجام بعد از این اصرارها،مرحوم آیت اللّه حائری با اینکه زیاد استخاره نمیکردند در کارهایشان،ولی قرار را بر استخارهٔ در حرم مطهر،گذاردند و پس از گشودن قرآن این آیه بنظر آمد اِذْهَبُوا بِقَمِيصِی هٰذَا فَأَلْقُوهُ عَلیٰ وَجْهِ أَبِی یَأْتِ بَصِیراً وَ أْتُونِی بِأَهْلِکُمْ أَجْمَعِینَ یوسف ۹۳.

این آیه که اشاره داشت به اینکه،باید همهٔ آنها که در حوزهٔ اراک هستند بیایند بسوی قم،آیت اللّه حائری را مصمم ساخت که در شهر مقدس قم اقامت بجویند و حوزهٔ مقدسهٔ قم را سامان بخشند.

إِنْ تَنْصُرُوا اللّٰهَ یَنْصُرْکُمْ وَ یُثَبِّتْ أَقْدامَکُمْ

ص: ۳۱۵

اقامت در قم،و رونق حوزهٔ علمیه

بـدنبال این هجرت مبارک (۱)و اقامت سودمنـد،به تدریـج حوزهٔ قم رشـد کرد و تجدیـد حیات یافت (۲)و پس از مـدتی،این حوزهٔ مقدسه با زعامت آن بزرگمرد الهی،که در علم و تقوی و اخلاق و خودسازی و شرح صدر و مدیریت، سرآمد بودند در ردیف بزرگترین حوزه های علمیهٔ شیعه درآمد و مجمع درسی

ص: ۳۱۶

۱- ۱) از مطالب جالب اینست که مادهٔ تاریخ هجرت مرحوم آیت اللّه حائری بقم بحروف ابجد جملهٔ(حاجی شـیخ عبد الکریم یزدی)برابر ۱۳۴۰ قمری و جملهٔ(حاج شـیخ عبد الکریم)برابر ۱۲۹۹ شمسـی است و این دو جمله،کاملاـ" سال هجرت ایشان را بحساب شمسی و قمری نشان میدهد.

۲- ۲) قبـل از هجرت مرحوم آیت اللّه العظمی حـائری یزدی بقم،مرحوم آیت اللّه فیض که از فقهاء بزرگوار و از خانواده های اصـیل و علمی قم و از خانـدان حکیم بزرگوار فیض کاشانی بودند و در نجف و سامراء در محضـر بزرگترین چهره های فقه و اصول و حدیث هماننـد آیات عظام آخوند خراسانی و آقا سـید محمد کاظم طباطبائی یزدی و حاج میرزا حسـین نوری و میرزا محمد تقی شـیرازی،کسب علم و دانش نموده و بمراتب عالیهٔ اجتهاد رسیده بودند،پس از مراجعت و اقامت در شهر مقدس قم گامهـائی برای تحرک بخشـیدن به حوزهٔ علمیـهٔ قم برداشـتند و مقـداری در مرمت، و آبـادی مـدارس مخروبه و بغربت گرفتار شده،کوشـیدند ولی برای تجدید حیات چنین حوزه ای احتیاج به امکانات وسیعتر و پرچمداری عظیم تر بود.لذا ایشان طی نامه ای از مرحـوم آیـت اللّـه حـائری برای هجرت بـه قم دعـوت بعمـل آوردنـد و سـایر آقایـان و مردم نیز،در این زمینه تلاشـهائی نمودنـد،تا آنکه آیت اللّه حائری به قم وارد شدند و مرحوم آیت اللّه فیض که مردی وارسـته و ایثارگر بودند،بمنظور تجلیل از ایشـان،جـای نمـاز خود را در صـحن مطهر و همچنین جـای درس خود را، بایشان واگـذار نمودنـد و در پشت سـر ایشان بنماز ایسـتاده و بـا اقـدامهای بسـیار صـمیمانهٔ خـود در تأسـیس حـوزهٔ علمیـهٔ فعلی قـم بـدست آیـت اللّـه حـائری،بیـاری آن مرجع بزرگوار،شتافتند و خالصانه در رشد و گسترش حوزهٔ قم نقش خود را ایفا نمودند

ایشان،در شمار آن سری از مجامع درسی درآمد،که در مجتهدپروری و شخصیت سازی،نمونهٔ بارز در تاریخ حوزه های علمیه بشـمار میآینـد،و بعبـارت دیگر در ردیـف درسـهائی هماننـد درس محقـق حلی،وحیـد بهبهـانی،شـیخ انصـاری، میرزای شیرازی،آخونـد خراسـانی و....قرار گرفت و تـوانست به سـرحدّ اعلاـی موفقیت،در تربیت مراجع تقلیـد،رهـبران و پرچمـداران حوزه های علمیه،مؤلفین و مبلغین اسلامی،نائل گردد.

و اینک برای نمونه،عده ای از علماء و مراجع بزرگ را که در این دوره،مراحلی از تکامل علمی و تقوائی خود را پیموده اند و مرهون آن مؤسس بزرگ و استاد عظیم الشأن هستند یاد میکنیم:

مراجع عظیم الشأن و بزرگوار آیات عظام:

۱-آیت اللّه العظمی سید محمد حجت کوه کمری(قده)

۲-آیت اللّه العظمی سید محمد تقی خوانساری(قده)

۳-آیت اللّه العظمی سید صدر الدین صدر(قده)

که مـدتی قبل از مرجعیّت آیت اللّه العظمی بروجردی،حوزهٔ علمیهٔ قم با زعامت این سه مرجع بزرگوار،اداره و رهبری می شـد و هرسه،از مفاخر گرانقدر حوزهٔ علمیه و جهان تشیع می باشند.

و همچنین دانشمندان و محققین عظیم الشأن آیات بزرگوار:

۴-آیت اللّه،حاج سید علی یثربی کاشانی

۵-آیت اللّه،آخوند ملا علی معصومی همدانی

۶-آیت اللّه،سید محمد داماد(داماد عظیم الشأن مرحوم آیت اللّه العظمی حائری).

۷-آیت اللّه،حاج شیخ حسن نویسی

۸-آیت اللّه،میرزا محمد همدانی

۹-آیت اللّه،حاج سید ابو الحسن رفیعی قزوینی.

۱۰-آیت اللّه،حاج میرزا ابو الفضل زاهدی

۱۱-آیت اللّه،حاج شیخ اسماعیل بهاری

۱۲-آیت اللّه،حاج سید احمد زنجانی

۱۳-آیت اللّه،حاج شیخ عباسعلی شاهرودی

۱۴-آیت اللّه،حاج آقا روح اللّه کمالوند(خرم آبادی)

۱۵-آیت اللّه،حاج آقا رضا مدنی کاشانی

۱۶-آیت اللّه،فرید محسنی

۱۷-آیت اللّه،حاج سید محمود روحانی

۱۸-آیت اللّه،حاج شیخ عباسعلی تهرانی

۱۹-آیت اللّه،حاج میرزا جواد آقا تبریزی

۲۰-آیت اللّه،حاج سید یحیی یزدی

و همچنین پرچمداران بزرگ و آیات عظام و مراجع عظیم الشأن فعلی:

۲۱-مرجع و رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی،آیت اللّه العظمی حاج آقا روح اللّه موسوی خمینی مد ظله.

۲۲-مرجع و فقیه عظیم الشأن،آیت اللّه العظمی آقای حاج سید محمد رضا گلپایگانی مد ظله.

۲۳-مرجع و فقیه بزرگوار،آیت اللّه العظمی حاج سید احمد خوانساری (۱).

۲۴-جامع العلوم و مرجع بزرگوار،آیت اللّه العظمی حاج سید شهاب الدین مرعشی نجفی مد ظله.

و همچنین محققین بزرگوار و اساتید عالیقدر

۲۵-فقیه و محقق بزرگوار،آیت اللّه حاج شیخ محمد علی اراکی(عراقی)

۲۶-استاد و اصولی متبحر،آیت اللّه آقا میرزا هاشم آملی

۱- ۱) با کمال تأسف،اکنون که این کتاب مراحل چاپ را می گذراند،حوزه های علمیه و ملت شیعه،به فقدان این بزرگ مرد علم و تقوی و مرجعیت،دچار گشته اند.

۲۷-یادگار عظیم الشأن مؤسس حوزه،آیت اللّه حاج شیخ مرتضی حائری یزدی.

ملاحظه می نمائید این چهره های بزرگ،بعلاوهٔ صدها عالم،مجتهد، مدرس،نویسنده و محقق دیگر،که هرکدام نقش اساسی در رهبری و هدایت جامعه داشته یا دارند و از سرمایه های اصلی حوزه های علمیه،بحساب میآیند و چه بسا خود مؤسس یا سرپرست حوزهٔ علمیه ای هستند،همه تربیت یافتگان حوزهٔ درسی آن بزرگمرد الهی،می باشند.

چرا مرحوم آیت اللّه حائری قیام نفرمود؟

در کشور ترکیه،آتاتورک حرکت های ضد اسلامی و مذهب سوز خود را شروع کرد و علماء مخالف خود را در یک حرکت کوبنده و سریع،نابود ساخت و دین و سنت های دینی و زبان و لهجه ملی مردم را مورد تهاجم قرار داده و ملکوک نمود و رضا خان نیز هماهنگ با او با الهام از قدرتهای استعماری غربی،چنین تصمیمی برای ایران گرفته بود و لذا در مسجد گوهرشاد در مشهد مقدس،آن جنایت هولناک را مرتکب شد و آنهمه از مردم و روحانیون را کشت و به خاک وخون کشید.

مرحوم آیت اللّه حائری که متوجه چنین نقشه و تصمیمی شده بودند و می دانستند بعلت عدم آمادگی لازم در جامعه،هرگونه حرکت قهرآمیز،به شدیدترین وجهی سرکوب میشود و نتیجهٔ معکوس میدهد و می دانستند چنین حرکتهائی تنها زمینه را برای اقدامهای حادّتر رضا خان،فراهم می سازد و وضعیت ایران را مشابه ترکیه مینماید،لذا با الهام از حرکت الهی امام مجتبی علیه السلام ،که زمینه ساز قیام خونین و مقدس و ظالم برانداز امام حسین علیه السلام بود،با حالت مدارا، مشغول جمع آوری نیرو و ساختن و تربیت چهره های بارز اسلامی گردیدند و حوزه ای بزرگ تهیه دیدند که قهرمانان مبارزه و اسوه های تقوی و فقهاء و مجتهدین بزرگ را در خود جای داد و تربیت نمود و شاهد بودیم،در جریان انقلاب اسلامی ایران،که مراجع تقلید و رهبر انقلاب،یعنی شاگردان بلا-

واسطهٔ حوزه درسی ایشان در حوزهٔ قم و دیگر حوزه ها،دودمان پهلوی و نقشه های آنها را برانداختند،درحالیکه در ترکیه هنوز آثار دین براندازی آتاتورک،باقی و حاکم است.

باتوجه به آنچه گذشت معلوم میشود که اگر نبود سیاست خاص و دوراندیشانهٔ مؤسس حوزهٔ قم،مرحوم آیت اللّه حائری،هم اکنون نه حوزهٔ علمیهٔ قم بود و نه اینهمه مراجع تقلید،نه اینهمه برکت ها بود نه اینهمه حرکت،بلکه با یک سرکوبی،همانند جریان مسجد گوهرشاد،همه چیز از بین می رفت.

تقوی و خودسازی مرحوم حائری

داستانهائی که از ایشان نقل می شود و قضاوتهائی که علماء و مراجع تقلید فعلی(که شاگرد و مصاحب مرحوم آیت اللّه حائری بوده اند)در مورد اخلاق و فضائل ایشان نموده اند،همه پرده از یک ریاضت طولانی و شاق برمیدارد که آن مرحوم،برای رسیدن به کمالات،به آنها دست زده است،و الاّ، آنهمه صبر،تواضع،گذشت،بی اعتنائی به ریاست و مال و جاه و.....

که در زندگی ایشان ظاهر شد ممکن نمی بود،و همین تقوی و خودسازی بود که، در تربیت آنهمه مراجع و علماء بزرگ،نقش اساسی ایفا نموده و موجب جذب دلها به سوی حوزهٔ عظیم ایشان گردیده است.

حوزهٔ علمیهٔ قم و زعامت آیت اللّه العظمی،بروجردی

مرحوم آیت اللّه بروجردی که فقیهی دوراندیش،منظم،بلندنظر، متواضع،معتقد به همکاری و اتحاد با سائر علماء،بودند پس از دوران تحصیلات عالیه در اصفهان و نجف و اقامت ۳۶ ساله در بروجرد،بدعوت علماء و فضلاء

و مراجع و زعماء آنروز حوزه علمیه قم (۱)بسوی این شهر مقدس هجرت نموده و رسما"زعامت حوزه و مرجعیت شیعه را پذیرا شدند.با گذشت زمان و حمایت علماء قم از ایشان و وفات دو مرجع بزرگوار،آیت اللّه العظمی سید ابو الحسن اصفهانی و آیت اللّه العظمی حاج آقا حسین قمی،نفوذ و مرجعیت ایشان وسعت یافت و در تمام جهان تشیع،گسترده گشت.

ایشان باتوجه به شرائط زمان و نیازهای رهبری،برنامهٔ گسترده ای را جامهٔ عمل پوشانیدند که نمونهٔ آن،در زیر می آید.

۱-عده ای از شخصیت ها که در گوشه و کنار کشور،در گوشهٔ انزواء و ناشناختگی گرفتار بودند با دعوتشان به حوزهٔ علمیه قم و یا معرفی شخصیتشان بمردم شهر و دیارشان،در راه پیشرفت علم و دین،از وجودشان بهره گرفتند و عظمت و مقامشان را آشکار و علنی ساختند.

۲-نمایندگانی به مصر،حجاز،سودان،پاکستان،عراق،کویت،آلمان ،امریکا،زنگبار،ماداگاسکار و قسمتهای مختلف آفریقا،اعزام نمودند.

۳-وعاظ،طلاب و علماء را به شهرها و مناطق کشور،اعزام مینمودند و مردم را با آنها آشنا می ساختند و لزوم بهره گیری،از فرستادگان حوزهٔ قم را به مردم می آموختند،و این جهت را تقویت و گسترش،می دادند.

۴-آثار علماء گذشته را موردتوجه قرار داده،و در احیای آنها می کوشیدند.

۵-مدارس فراوانی را در کربلا،نجف،دمشق،اصفهان،قم،اهواز

---

۱ - ۱) پس از فوت مؤسس حوزهٔ علمیهٔ قم،"مرحوم آیت اللّه العظمی حائری" مرجعیت و زعامت برای فرد معینی حاصل نگردید،بلکه سه نفر از مبرزترین علماء آنروز،یعنی آیت اللّه العظمی سید محمد حجت کوه کمری و آیت اللّه العظمی سید صدر الدین صدر و آیت اللّه العظمی سید محمد تقی خوانساری رضوان اللّه علیهم،که از نظر علمی و تقوائی و تحرک اجتماعی،از چهره های بزرگ تشیع و از مفاخر عظیم حوزه های علمیهٔ شیعه بودند،مرجعیت و زعامت یافتند و حوزهٔ قم را با همکاری و همفکری،رهبری مینمودند و زعامت آنرا بعهده داشتند.

ملایر،طهران،درود،تربت حیدریه،تربت جام،بروجرد،بنیان گذاری نموده و یا تعمیر کردند.

۶-مساجد فراوانی را در ایران و خارج،تأسیس و یا تجدیدبنا کرده و یا تعمیر نمودند.

۷-کتابخانه های فراوانی تأسیس یا تکمیل نمودند،که هرکدام،امروز مرکز بزرگی برای تحقیق است همانند کتابخانهٔ مسجد اعظم قم و کتابخانهٔ مدرسهٔ آیت اللّه بروجردی در نجف اشرف و....

۸-شخصیت طلاب را آنچنان که شایسته بود به آنها می فهماندند و در تربیت آنها کوشش فراوان نمودند تا جائیکه رقم بسیار بزرگی از علماء و مدرسین عالیمقام و شخصیتهای بارز،در حوزهٔ علمیهٔ قم و سایر بلاد،تربیت یافتگان دوران زعامت آیت اللّه العظمی بروجردی،هستند.

این صفات و کوششها و سایر خصلتها و رفتارهای آن زعیم بزرگ بود،که موجب گردیده بود حوزهٔ علمیهٔ قم،که در ابتدای مرجعیت ایشان،تنها هزار نفر را در بر می گرفت،در زمان وفات ایشان ۷۰۰۰ نفر مجتهد،مدرس،نویسنده و محصل و مبلغ را در خود جای دهد.

و البته این تعداد،غیر از شخصیتهائی بودند که در محضر ایشان کسب کمال و طی مراحل علمی نموده و در سایر بلاد،اشتغال به فعالیتهای علمی و اجتماعی، یافته بودند.

آری اینهمه رشد و عظمت و تکامل برای علم و حوزهٔ علمیه،و حرکتهای دینی و اجتماعی در زیر سایهٔ زعامت و رهبری آن پرچمدار بزرگ و لایق،حاصل گردید.

نقش مراجع تقلید فعلی در رشد و گسترش حوزهٔ علمیهٔ قم

بعد از فوت آیت اللّه العظمی بروجردی،مرجعیت تقلید و زعامت امور جامعه و حوزه های علمیه،به دوش چندین نفر از شخصیت های برجسته و عظیم الشأن،قرار گرفت و هرکدام از این چهره های باعظمت،با اتکاء به پروردگار متعال و بهره گیری،از کمک های مردم متدین و علاقمند به مکتب مقدس اهل

البیت علیهم السّلام،در گسترش دادن به حوزۀ علمیه و تکامل بخشیدن به سیر مقدس تحصیل،تدریس،تألیف،تبلیغ و جهاد و تلاش در راه تحقق بخشیدن به آرمانهای مکتب اصیل و ارزشمند تشیع،و یاری رساندن به مردم مظلوم،و مبارزه با ستم و ستمگری،گامهای بزرگی برداشتند.

هرکدام از این مراجع بزرگوار تقلید،سهم بزرگی را در عمق بخشیدن، گسترش دادن،پرثمر نمودن حوزۀ علمیه قم بعهده گرفتند،و با تأسیس و یا تجدیدبنا یا تعمیر مدارس و ایجاد مراکز تبلیغی و پایه گذاری و یا یاری دادن به مؤسسه های ارزشمند و مفید تحقیقی و تألیفی و تبلیغی،و حمایت از علماء و مدرسین عالیمقام،و اعزام مبلغ به شهرها و روستاها،و چه بسا به کشورهای خارج، قدمهای بزرگی بسوی مقاصد مقدسۀ حوزه های علمیه،برداشتند (۱).

آری گرچه گاهی در شکل حرکت،و ظاهر برنامه ریزی،تفاوت هائی در روش مراجع معظم تقلید،یافت میشود ولی آرمانها و اهداف مقدسه،و اصول اقدامات آنان، همه در مسیر رشد یافتن حوزه و پربار شدن زحمات طلاب و مدرسین،بوده است آنها پدری دلسوز،راهبری آگاه،زعیمی توانا و یاوری خیرخواه برای حوزه های علمیه بوده و با زعامت آنها،مراحل رشد و تکامل حوزه پیموده شده است.

خداوند،بر طول عمر آنان بیفزاید و حوزه های علمیه و بخصوص حوزۀ قم را در زیر سایۀ آنان،از گزند حوادث حفظ بفرماید.

۱- ۱) شرح خدمات و کوششها و ارزشها و فداکاریها،خصلت ها و صفات هر یک از این مراجع عظیم و بزرگ شیعه،نیاز به کتابی مبسوط و فرصتی بیشتر دارد،و لذا تنها اشاره ای گذرا به خدمات آنها نمودیم.

علامهٔ طباطبائی، آغازگر تحولات فکری،در حوزهٔ علمیهٔ قم

علامـهٔ طباطبائی،از احیاءکننـدگان و نوآوران انـدیشه های بلنـد اسـلامی است و اندیشه های ایشان،در حرکت تکاملی فرهنگ غنی اسلامی،سرفصلی بزرگ،بحساب می آید.

هنگامیکه سـیل افکار و انـدیشه های مادی غربی و شـرقی،پایه های اعتقادی و مـذهبی را در سـطح وسـیعی،در ایران منهـدم یا متزلزل کرده بود،بلکه سـیل آسا به همه کشورهای اسـلامی سـرازیر شده و یکی پس از دیگری سـنگرهای عقیدتی و فکری را درهم شکسـته و مغزهای فراوانی را تسخیر و جذب نموده بود،بطوریکه بسیاری از مدعیان اسلامیت،اندیشه های مادّی غربی یا شرقی را بنـام تفسـیر قرآن،بیـان حقائق اسـلامی،اسـلام شناسـی،بخورد مغزها و فکرها میدادنـد، علامـهٔ طباطبائی،آن شخصـیت الهی،فیلسوف مصـلح،احیاگر نابغه،پا به صـحنه گذاشت و از سـنگر فلسـفه و حکمت اسـلامی،با در دست داشتن فرآورده های قرآنی(که چراغ و نور است)،به مقـابله بـا حملاـت و تهـاجم هـای افکار غربی و شـرقی،پرداخت و در این اقـدام،از پایـداری و پایمردی،صبر و اسـتقامت،جهاد و تلاش بعنوان ابزار کار بهره جست و نه تنها موفق گردیـد،از سـست شـدن عقائـد بسـیاری از مسلمین،جلوگیری نماید،بلکه مغزهای تسخیرشده ای را که بوسیلهٔ اندیشه های مادی،جذب شده بودند،از اختیار افکار غربی و شرقی بیرون آورد و بسیاری از گم گشتگان را براه راست بازگشت داد (۱)

ص: ۳۲۴

۱- ۱) احسان طبری،ایـدئولوک حزب مارکسـیستی(توده)که از چهره های سرشـناس و موردتوجه اندیشهٔ مارکسـیستی است و اخیرا"در زندان،ادعای توبه و مسـلمان شدن نموده است،در یک مصاحبهٔ تلویزیونی گفت: ....متن کتاب اصول فلسـفه و روش رئالیسم را،استاد علامه سید محمد حسین طباطبائی،نوشته و شهید مطهری بر آن شرح و تفسیری به تفصیل(بیشتر از متن) نوشته است،این کتاب که سابقا"بطور سـطحی مطالعه کرده بودم،اینک مورد توجه جـدی من،واقع شد. در همین مصاحبه بیان داشـته است،که مطالعهٔ کتاب های علامه طباطبائی و استاد شهید مطهری،در آگاهی او نسبت به بطلان اندیشهٔ مارکسیستی،نقش ایفاء کرده است.(کیهان ۶۳/۲/۱۷ ص ۲۲ شماره ۱۲۱۵۰)

آری علامهٔ طباطبائی،با قدرت اندیشهٔ فلسفی-عرفانی خود از یکسو،و با تصفیه و تزکیهٔ روح و روان خود،بوسیلهٔ عبادات و اطاعات از سوی دیگر،توفیق یافته بود به حقائق بلند قرآنی و معارف حقهٔ مکتب اهل البیت علیهم السّلام،دست یابد و با اتکاء به آن حقائق و معارف،بنای محکم و استواری را پایه گذاری نماید که نه تنها سدی در برابر افکار مادی قرار گیرد،بلکه مغزها و اندیشه های دست نخورده ای را نیز تسخیر نموده و بکار گیرد.

گویا(و بلکه بصورت قطع و یقین)،دست تقدیر برای آیندهٔ اسلام و ایران و حوزه های علمیه،برنامه ریزی میکرده است که علامه(چنانچه خود نوشته اند)،بیشتر زندگی را با یتیمی،غربت،مفارقت دوستان،انقطاع وسائل،تهیدستی و گرفتاریهای دیگر،گذرانیده اند ولی خود ایشان فرموده اند:پیوسته حس میکردم که دست ناپیدائی مرا از هرپرتگاه خطرناک،نجات میدهد و جاذبهٔ مرموزی از، میان هزارها مانع مرا بیرون کشیده،بسوی مقصد،هدایتم می کند.

با این وصف،علامهٔ طباطبائی رشد نموده اند و بعد از سالها تحصیل،بیخوابی شبها و جدیت کم نظیر به جائی میرسند که،توفیق می یابند آن هدفی را که با کمک جاذبهٔ مرموز،بسویش کشیده میشدند،تعقیب کنند،به قم میآیند،به تربیت شاگرد می پردازند،به تدریس فلسفه و تفسیر قرآن مجید می پردازند، تفسیر کامل و دوره ای و بی نظیر المیزان را،به عالم علم و حوزه های علمیه عرضه می نمایند،فلسفه را بصورتی تطبیقی،تدریس نموده و بصورت کتاب باعظمت اصول فلسفه و روش رئالیسم،در اختیار اندیشمندان می گذارند،بحث های اقتصادی،اجتماعی،اخلاقی،سیاسی و...را در قرآن و تفسیر آن، تعقیب می نمایند،حوزهٔ علمیه را با مباحث گوناگون اسلامی،آشنا می سازند و علاوه بر اینها،با شخصیت باعظمت خود،که متواضع،بی توقع،گریزان از پست و مقام [(۱)](1)تشنهٔ معارف،پای بند اعتقاد بخدا و اولیاء اللّه،شیفتهٔ ولایت،

۱- ۱) در یک زمان،طلاب اصرار داشتند که ایشان،برای درس،از منبر و بلندگو استفاده نمایند.ایشان فرمودند:"آقایان از اینجانب دو چیز طالب هستند جای بلند و صدای بلند و من از هردو گریزانم".

و محبت اهل البیت علیهما السلام بود،اسوه ای بزرگ برای جویندگان حقیقت گشتند، و همین شخصیت عالی و بزرگ بود،که ایشان را در آن تحول فکری و احیاءگری موفق ساخت.

امروز،حوزۀ علمیۀ قم و همه حوزه ها،رشد فکری و پیشرفت های خود را در زمینۀ فلسفه،تفسیر،مسائل اجتماعی،و....در حد بسیار بالائی،مرهون علامۀ طباطبائی هستند،زیرا ایشان بطور مستقیم و نیز بوسیلۀ شاگردان مکتبشان، همانند استاد شهید مطهری ره،در حوزۀ علمیه تحول فکری آفریدند.

علماء قم در نیم قرن اخیر

از زمان تأسیس حوزۀ فعلی قم،بوسیلۀ آیت اللّه العظمی حائری یزدی تا به امروز،شخصیت های بسیار ارزشمند و بزرگواری در آن حوزۀ مقدسه،تربیت شده و یا تدریس و تألیف و زعامت نموده اند که عده ای از آنها،از بزرگترین چهره های علمی عالم تشیع،محسوب می گردند و مخصوصا"از زمان مرحوم آیت اللّه العظمی بروجردی ره به بعد،رقم علماء و مدرسین و محققین و مؤلفین، از افزایش چشمگیری برخوردار است تا جائیکه در سالهای اخیر تعداد جلسات درس،از حد شمارش بیرون رفته و جلسات درس سطح عالی و خارج،با رقمهای چند صد نفری و احیانا"بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر تشکیل می یابد،

این درسها که در رشته های فقه،اصول،فلسفه،تفسیر،عقائد و کلام،بررسی ادیان و مکاتب و نیز ادبیات و منطق و معانی و بیان و سایر رشته های علمی می باشد،آنهم با آن تعداد فراوان از شرکت جویندگان،دلیلی روشن بر فراوانی تعداد علماء و محققین حوزۀ قم می باشد که شایسته است کسانی در زمینۀ آشنائی و معرفی این چهره های فروزان،دست بکار شوند و خدمات و آثار و کوششهای علمی و تحقیقی و تدریسی آنان را برای آیندگان بطور کامل تشریح نمایند،و ما بمنظور پرهیز از تفصیل و اجتناب از دورماندن از هدف کتاب،این قسمت را بپایان می بریم و شیفتگان آشنائی با آن ستارگان فروزان را به کتاب ریحانه الادب و گنجینۀ دانشمندان ارجاع میدهیم (۱).

۱- ۱) در کتاب ریحانه الادب و گنجینۀ دانشمندان،تعدادی از علماء قم،معرفی

مدارس حوزهٔ علمیهٔ قم

اشاره

شهر مقدس قم که از دیرزمانی مرکز و محل اجتماع شیعیان بوده و علماء بزرگی در آن پرورش یافته و یا به فعالیت علمی و تدریسی،اشتغال داشته اند، دارای مدرسه های متعددی بوده که در حوادث بسیار ناگوار و کوبنده،ویران شده اند و فقط نام آنها باقیمانده است (۱).

و همچنین در دوره های اخیر و بخصوص از زمان حکومت صفویه در ایران،مدرسه های متعددی در شهر قم بنیان گزاری شده و تعدادی از آنها تا زمان حاضر باقی هستند و مورد استفادهٔ طالبان علم می باشند،همانند مدرسهٔ فیضیه و مدرسهٔ خان.

البته در ربع قرن اخیر،بنیان مدارس نوبنیاد و تعمیر و تجدیدبنای مدرسه های قدیمی،از رشد و گسترش و افزایش چشمگیری برخوردار می باشد،تا آنجا که هرکدام از مراجع معظم تقلید و علماء و مدرسین بزرگ قم،و نیز مردان خیراندیش و نیکوکار،گامهای بلندی در این زمینه برداشته اند بنحوی که هم اکنون بیش از شصت(۶۰)مدرسهٔ بزرگ و کوچک و متوسط در شهر قم وجود دارد،که برخی از آنها دارای صدها حجره می باشند و یا بصورت پنج طبقه ساخته شده اند و نیز مساحت بعضی از آنها به ده ها هزار متر مربع می رسد.

این مدارس،از نظر کمیت و کیفیت ساختمانی و نیز از نظر برنامه ریزی داخلی برای طلاب علوم دینی،کاملا"متفاوت می باشند،مثلا"بعضی از آنها برنامهٔ مشخص درسی با امتحانات مرتب و زمان بندی شده و نیز شرائط ورودی ویژه ای را دارا می باشند و طلاب آنها،در همان مدارس سکونت و استراحت مینمایند.

---

۱ - ۱) در بخش(گسترش حوزه قدیم قم و مدارس آن)عبارت کتاب نقض را نقل کردیم که مشتمل بود بر نام عده ای از مدارس قم در زمانهای گذشته.

ولی در بعضی دیگر از این مدارس،برای ساکنین آنها آزادی انتخاب دروس و برنامه های جنبی،در نظر گرفته شده است.

و همچنین تعدادی از این مدارس،صرفا"محل تدریس و اجرای برنامه های درسی و تربیتی است و طلاب آن،برای سکونت خود از منازل و مدارس دیگر استفاده می نمایند،ولی تعدادی دیگر صرفا"محل سکونت است و فقط مثل خوابگاه و استراحتگاه برای طلاب بحساب می آیند،و همچنین تفاوت های دیگری که تشریح آنها موجب طولانی شدن کتاب میگردد.

انگیزهٔ این گسترش و رشد مدارس،در شهر مقدس قم،همانا توجه روزافزونی است که بحوزهٔ علمیهٔ قم،و فرهنگ غنی مکتب اهل البیت علیهم- السّلام حاصل شده و قلب ها را متوجه این پایگاه عظیم علم و معرفت و سرچشمهٔ ایمان و ولایت نموده است.

آری،فراوانی طالبین تحصیل علم در حوزهٔ مقدسهٔ قم،رهبران و زعمای حوزهٔ قم را بسوی افزایش دادن و گسترش بخشیدن به مدارس علمیه،در این شهر مقدس،تشویق نموده و همت والای آنها را عامل رسیدن به چنین موفقیتی قرار داده است.

هم اکنون تعدادی از این مدارس را با اشارهٔ مختصری به تاریخ و برنامه های آنها و تعداد دیگری را تنها با ذکر نامشان،مورد بررسی قرار میدهیم و از هرگونه تفصیل(جز در مورد مدرسهٔ فیضیه و حادثهٔ ۲۵ شوال و عاشورای ۴۲)، خودداری می نمائیم (۱)

۱- ۱) کسانیکه مایل باشند با مدارس نسبتا"قدیمی قم،بیش از این مقدار آشنائی پیدا کنند می توانند به: تاریخ قم تألیف شیخ محمد حسین ناصر الشریعه(با مقدمه و تعلیق و اضافات،از نویسندهٔ توانا،آقای دوانی)از صفحه ۱۵۵ تا ۱۶۴ و گنجینهٔ دانشمندان ج ۱ از صفحه ۳۶ تا ۶۲ و نیز جلد چهارم کتاب یکصد سال مبارزهٔ روحانیت مترقی،از صفحهٔ ۶۷ تا صفحه ۸۱ مراجعه نمایند.

۱–مدرسهٔ فیضیه

اشاره

در کنار میدان آستانه و جنب صحن قدیمی حضرت معصومه علیهاالسّلام قرار گرفته و از مدارسی می باشد،که در دورهٔ صفویه تأسیس شده و تاکنون باقی مانده است.

فیضیه،چندین بار تجدیدبنا و توسعه و یا تعمیر اساسی یافته،تا هم اکنون که بصورت دو طبقه و با یکصد حجره و کتابخانهٔ وسیع می باشد،و بعنوان مرکز حوزهٔ علمیهٔ قم بشمار می رود.

مشهور است که چون مدتی فقیه متکلم و حکیم بزرگ،مولی محسن فیض کاشانی (قده)در این مدرسه اقامت داشته اند،لذا مدرسه بنام ایشان فیضیه، خوانده شده است.

این مدرسه،مرکز اجتماع طلاب و میعاد آنها است و لذا در جریان نهضت اسلامی در سالهای ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲(شمسی)نقش بسیار مهمی را ایفا نمود و مرکز جوش وخروش و حرکت وبرکت قرار گرفت.

اولین جریانی که موجب شهرت عمومی و همگانی مدرسهٔ فیضیه گردید،حادثه ای بود که در روز ۲۵ شوال(اول نوروز ۱۳۴۲)همزمان با سالروز وفات رئیس مذهب،امام جعفر بن محمد الصادق،علیه السّلام رخ داد.

حادثهٔ خونین فیضیه

رژیم شاه،در برابر حرکت و نهضت علماء و مراجع تقلید و بالاخص امام خمینی به خشم آمده بود و مخصوصا"از حوزهٔ علمیه قم،که مرکز و محور این حرکت اسلامی و بزرگ بود،کینهٔ شدید به دل راه داده بود،لذا درصدد انتقام برآمده و تصمیم گرفته بود که به مراجع تقلید و طلاب و مدرسین حوزهٔ علمیه ضربهٔ سهمگینی وارد نماید.آنسال،نوروز از طرف علماء و مراجع و زعمای دینی، بعنوان عزای ملی اعلام گردیده بود و بدینوسیله اقدامات ضد اسلامی شاه و رژیم منحوسش،مورد اعتراض و محکومیت قرار گرفته بود.

ص :۳۲۹

روز دوم فروردین مصادف بود با سالروز شهادت پیشوای ششم شیعه،امام صادق علیه السّلام(رئیس مذهب جعفری)و از طرف آیت اللّه العظمی آقای گلپایگانی مد ظله،در مدرسهٔ فیضیه مجلس سوگواری اعلام و تشکیل شده بود،عده ای از علماء و طلاب و مردم مسلمان قم و سایر شهرستانها(که به مناسبت نهضت اسلامی و تعطیلی اول سال،به قم آمده بودند)در مجلس سوگواری شرکت نموده بودند و آیت اللّه العظمی گلپایگانی نیز حضور داشتند.

کماندوهای دوره دیده و قوی و بیرحم شاه،به مجلس آمدند و سعی کردند مجلس را بهم بزنند،ولی با هوشیاری خطباء و حاضرین مجلس،آنها به مقصد شوم خود دست نیافتند،تا آنکه با پایان یافتن مجلس و خارج شدن اکثریت مردم و تنها شدن طلاب،کماندوها حمله را شروع کردند و به ضرب و جرح و پرتاب کردن طلاب از طبقه دوم،مشغول شدند.

در آن روز،دست شکستند،سر شکستند،کتاب سوزاندند،دربها را شکستند ،عمامه و لباس طلاب را پاره کردند،وسائل مختصر زندگی آنها را شکستند و عده ای را به زمین پرتاب کردند و.....

کماندوها(که گفته می شد مست هم بودند)تنها کارهائی را نکردند که نتوانستند آری،فیضیه قتلگاه شده بود و عربدهٔ کماندوها،خاطرهٔ لشگر عمر سعد را در کربلا به یاد می آورد.

جلادان شاه،متوجه شده بودند که طلاب و فضلاء،آیت اللّه العظمی گلپایگانی مد ظله را در یکی از اطاقهای مدرسه،پنهان کرده اند و لذا چندین بار بطرف آن اطاق حمله کردند،ولی طلاب و روحانیون فداکار و باشهامت در برابر آنها مقاومت مینمودند و کماندوها آنها را با قساوت تمام میزدند و عده ای را نیز مجروح نمودند که از جملهٔ آنها،داماد مکرم حضرت آیت اللّه گلپایگانی و یکی دیگر از بستگان ایشان بودند که دچار شکستگی استخوانها گردیده و مجروح گشتند.

خوشبختانه دژخیمان جلاد،دسترسی به آن مرجع بزرگوار پیدا نکردند و آسیب بدنی بر ایشان وارد نگردید.

پس از این حملات وحشیانه،لشگریان خونخوار شاه سرمست از پیروزی،مدرسه را ترک کردند،مدرسه ای را که درب و پنجره اش را شکسته بودند،طلاب و محصلینش را به خاک وخون کشیده بودند و سنگ فرشهایش را به خون آغشته بودند،ولی مگر به سادگی،نه بلکه عده ای را دستگیر نموده و به زندانها و شکنجه گاهها بردند و به خیال خود پیروزی خود را کامل کردند و روحانیت را کوبیدند،ولی....

ولی،از فردای آن روز،نام فیضیه بر سر زبانها افتاد و مردم شهرها و روستاها شنیدند که،فیضیه قتلگاه شده و یزیدیان،طلاب امام زمان را مورد هجوم و حملات و ستمگری های شاهانه قرار داده اند و لذا،دسته دسته می آمدند و تماشا می کردند و خونها را به در و دیوارها میدیدند و درب ها و شیشه های شکسته را تماشا میکردند و بر جلادان،لعنت می فرستادند.

از آن تاریخ،فیضیه شهرت یافت و سرفصلی شد برای تاریخ ایران،تاریخ حوزه های علمیه،تاریخ جهاد و مبارزه،تاریخ جمهوری اسلامی و تاریخ...

فیضیه وجهه پیدا کرد،مرکزیتش قوی گشت،تا آنکه در عاشورائی که بدنبالش جریان ۱۵ خرداد رخ داد،حضرت آیت اللّه العظمی امام خمینی مد ظله العالی سخنرانی عظیم و تاریخی خود را در مدرسهٔ فیضیه،ایراد نمودند و باز هم فیضیه بعنوان مرکز اصلی بیدارگری،تحرک و قیام مطرح گردید تا آنجا که:

آنقدر فیضیه شهرت یافت که گاهی کلمهٔ فیضیه را به جای حوزهٔ علمیه به کار میبرند، و میگویند،فیضیه-دانشگاه،و حال آنکه مقصود،حوزه-دانشگاه میباشد.

بنابراین در زمان حاضر مدرسه فیضیه،سمبل حوزه علمیه،سمبل مبارزه، سمبل حرکت و جهاد،گردیده است.

۲-مدرسهٔ دار الشفاء

مدرسهٔ بزرگی است،در جنب مدرسهٔ فیضیه و از مدارس قدیمی قم میباشد، و تغییر و تحول های متعددی بخود دیده است،زیرا زمانی،مریضخانهٔ آستانهٔ

مقدسه بوده و در زمان قاجاریه،بصورت مدرسه درآورده شده و در دورهٔ زعامت مرحوم آیت اللّه العظمی حائری یزدی،بر حجره های آن افزوده شده و به شکل دوطبقه درآمده است و همچنین در زمان حاضر با نظر آیت اللّه العظمی امام خمینی مد ظله العالی تمام ساختمان کهنه و قدیمی آن خراب شده و به صورت بسیار مفصل و جالب،به شکل سه طبقه همراه با یک طبقه در زیرزمین مجهز به امکانات فراوان و دارای مدرس های متعدد و یک سالن بزرگ،با ظرفیت ۳۵۰۰ نفر،در حال تجدید بنا است،و می تواند در آیندهٔ نزدیک،بعنوان یکی از مدارس جالب و با ظرفیت زیاد،برای حوزهٔ علمیهٔ قم به شمار آید.

۳-مدرسهٔ خان

در قسمت شرقی میدان آستانه قرار گرفته و تاریخ بنای اصلی آن،به دورهٔ صفویه برمی گردد،و در زمان زعامت آیت اللّه العظمی بروجردی ره و به امر ایشان،تجدیدبنا یافته و بصورت سه طبقه،ساخته شده است و از مدارس زیبای قم می باشد.

۴-مدرسهٔ ستیه

این مدرسه،در کنار عبادتگاه و محل اقامت حضرت معصومه سلام اللّه علیها،می باشد و بدینجهت،از قداست و معنویت و احترام خاصی برخوردار، است.

بنای ساختمان جدید این مدرسه،بامر حضرت آیت اللّه العظمی آقای گلپایگانی مد ظله العالی،انجام شده است.

۵-مدرسهٔ رضویه

از مدارس قدیمی قم می باشد و در مورد آن،داستانهای زیادی بر سر زبانها است و تاریخ مدرسه را به زمان تشرف امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السّلام به شهر قم،میرسانند (۱)و در هرصورت،نام مدرسه از نام آن امام

۱- ۱) ولی تشریف فرمائی امام هشتم علیه السّلام به شهر قم،مورد بحث و شک و تردید می باشد.

بزرگوار گرفته شده است.

این مـدرسه،پس از یـک دورهٔ ویرانی،بـامر آیت اللّه العظمی بروجردی،تجدیـد بنـا و توسـعه یافت و فعلا"از مـدارس جالب و ارزشمند قم می باشد.

۶-مدرسه مؤمنیه

که از مدارس قدیمی قم می باشد و در سال ۱۱۱۳ ساخته شده است.

این مـدرسه بـامر آیت اللّه العظمی مرعشـی نجفی مـد ظله تجدیـدبنا یـافته و در سـال ۱۳۴۷ شمسـی،در روز نیمهٔ شعبان،افتتاح گردیده است.

حجرات مدرسه،در ساختمان دوطبقه قرار گرفته و تعداد آنها بالغ بر ۷۲ حجره،همراه با یک مدرس و یک کتابخانه و نیز سایر امکانات و لوازم،می باشد.

۷-مدرسهٔ حجتیه

این مدرسه از بزرگترین و جالبترین مدارس قم،می باشد و تأسیس آن با همت و کوشش مرحوم آیت اللّه العظمی حجت کوه کمری،رضوان اللّه تعالی علیه انجام شده است.

این مدرسه در شش قسمت ساختمان،که هرکدام مجزّای از دیگری هستند بصورت دوطبقه(بعلاوهٔ طبقه زیرزمین)،و مشتمل بر ۱۲۶ حجره بزرگ احـداث گردیـده اسـت و تـا سالهـای اخیر،بزرگـترین مـدرسه قـم محسـوب می گردیـد (۱)مدرسهٔ حجتیه،کتابخانهٔ قابل توجهی را نیز دارا می باشد.

ص: ۳۳۳

۱- ۱) مـدارس جدیـدی که در قم در حال تأسیس می باشـند،بعضا"از نظر مساحت و تعـداد حجرات،بر مدرسهٔ حجتیه برتری دارند.

۸-مدرسه آیت اللّه العظمی آقای گلپایگانی

این مدرسه،در قطعه زمین وسیعی بیش از ۴۰۰۰(چهار هزار متر مربع) در خیابان ارم،در جنب مرقد مطهر علی بن بابویه قمی و مقابل قبرستان شیخان، بصورت چهار طبقه(با احتساب طبقه زیرزمین)تأسیس شده است.

ساختمان آن تشکیل میشود از حدود چهل(۴۰)مدرس بزرگ،که برای تدریس تخصصی رشته های مختلف علوم اسلامی،از قبیل کلام و عقائد،فقه ،اصول،تفسیر و علوم قرآن،ادبیات و...درنظر گرفته شده است و نیز سی عدد حجره،بعنوان خوابگاه برای عده ای از مشتغلین در مدرسه،پیش بینی شده و همچنین،بخشی از این مدرسه بزرگ،برای کتابخانهٔ عظیمی که شرح آن در بخش کتابخانه های حوزه علمیه قم خواهد آمد،و بخشی دیگر برای دار القرآن الکریم (۱)در نظر گرفته شده است.

باتوجه به مطالب یاد شده،می توان دریافت که مدرسهٔ مذکور،یک پایگاه بزرگ برای تدریس علوم اسلامی آنهم بنحو تخصصی،و مرکزی برای تحقیق و مطالعات گستردهٔ اسلامی و مخصوصا"بررسی و پژوهش،در مورد قرآن کریم می باشد.

لازم است توضیح داده شود که،در طرف جنوبی مدرسه،یک مسجد بسیار زیبا با گنبد و دو منارهٔ جالب،ایجاد شده که بر شکوه مدرسه می افزاید،و با تحقق بنای"مدرسه-مسجد"هماهنگی علم و ایمان و همبستگی دانش و پرستش تجلی می یابد.

این مدرسه،هنوز افتتاح نگردیده و در آیندهٔ نزدیکی(بخواست خداوند)، آثار و برکات خود را ظاهر میسازد.

۱- ۱) دار القرآن الکریم،تشکیلاتی است برای کوششهای علمی و عملی در زمینهٔ قرآن و تفسیر و علوم قرآن،تدریس و نشر قرآن و نیز جمع آوری و نگهداری نسخه های گوناگون قرآنهای خطی و چاپی،و همچنین تفاسیر و کتبی که در اطراف قرآن،تألیف گردیده است.

۹-مدرسه معصومیه(ع)

مدرسه معصومیه علیهما السلام ،زیر نظر تولیت آستانهٔ مقدسهٔ حضرت معصومه علیهاالسّلام،در حال تأسیس می باشد و سه سال است که ساختمان آن شروع شده و در حدود یکسال و نیم دیگر پایان می یابد.

محل این مدرسه،قطعه زمینی است به مساحت پانزده هزار متر مربع،در اول بلوار امین،روبروی ادارهٔ راهنمائی،که سه طرف آن به خیابان است و طرف شرقی آن،قطعه زمین دیگری است که در آن زمین نیز در آینده مدرسهٔ دیگری احداث میگردد.

این مدرسه بصورت چهارطبقه و مشتمل بر ۸۰۰(هشتصد)اطاق،۱۲ مدرس یک سالن بزرگ برای سخنرانی،(با امکانات روز)و یک مسجد باشکوه با گنبد و مناره های بلند(البته این مسجد هنوز ساخته نشده ولی جزء طرح میباشد) و نیز تمام وسائل لازم از قبیل حمام،رختشوئی،آشپزخانه و...میباشد.

در چهارگوشهٔ مدرسه،نورگیر و هواکش طبیعی ایجاد شده که بر بالای هرکدام از آن ها گنبدی زیبا ساخته شده که از یکسو،موجب ابّهت و زیبائی ساختمان مدرسه و از سوی دیگر موجب تهویه طبیعی،برای سالنها و حجرات مدرسه می باشد.

خلاصه سخن،این مدرسه در نوع خود از نظر وسعت،امکانات فراوان و گسترده،ابهت،معماری،نماسازی،کاشی کاری و دیگر مزایا،بی نظیر می باشد.

۱۰-مدرسهٔ آیت اللّه العظمی خوئی،در مدینه العلم قم

۱۰-مدرسهٔ آیت اللّه العظمی خوئی،در مدینه العلم قم (۱)

---

۱ - ۱) مدینه العلم،مجموعهٔ ساختمانها و تأسیساتی است که به امر آیت اللّه العظمی آقای خوئی دام ظله العالی در قطعه زمینی،به مساحت هشتاد هزار متر مربع،در اول جادهٔ قدیم قم-تهران،جنب مسجد امام حسن مجتبی علیه السّلام،پایه ریزی و ایجاد شده است

۱۱-جامعه الزهراء

عنوان فوق،نام مجتمع عظیمی است که با نظر آیه اللّه العظمی امام خمینی مد ظله العالی در قطعه زمینی بمساحت تقریبی سی و پنجهزار(۳۵۰۰۰) متر مربع در بلوار امین مقابل شهرک سالاریه،ایجاد شده است.

این مجتمع،که برای تحصیل علوم دینی بانوان و دوشیزگان تأسیس گردیده،مشتمل بر ده بلوک است که سه بلوک آن خوابگاه است با ظرفیت یکهزار نفر و سه بلوک آن برای اقامت استادان و یک بلوک برای درس و سالن کنفرانس و بقیه،برای حسینیه(بجای مسجد،بعلت ویژگی خواهران)،سالن غذا، آشپزخانه،سالن اردو،کتابخانه،امور تربیتی،امور اداری و.....

از این بلوکها،قسمت حسینیه و کتابخانه دو طبقه است و بقیهٔ بلوکها(با محاسبهٔ طبقه زیرزمین)،بعضی چهارطبقه و بعضی پنج طبقه می باشد.

قسمتی از این مجتمع،از سال تحصیلی جاری(۶۴-۶۵)مورد بهره برداری قرار میگیرد.

۱۲-مدرسهٔ امام هادی(ع)

مدرسهٔ بزرگی است که،در زمینی به مساحت ۸۰۰۰(هشتهزار متر مربع) در خاکفرج،تأسیس شده و در حال تکمیل می باشد.

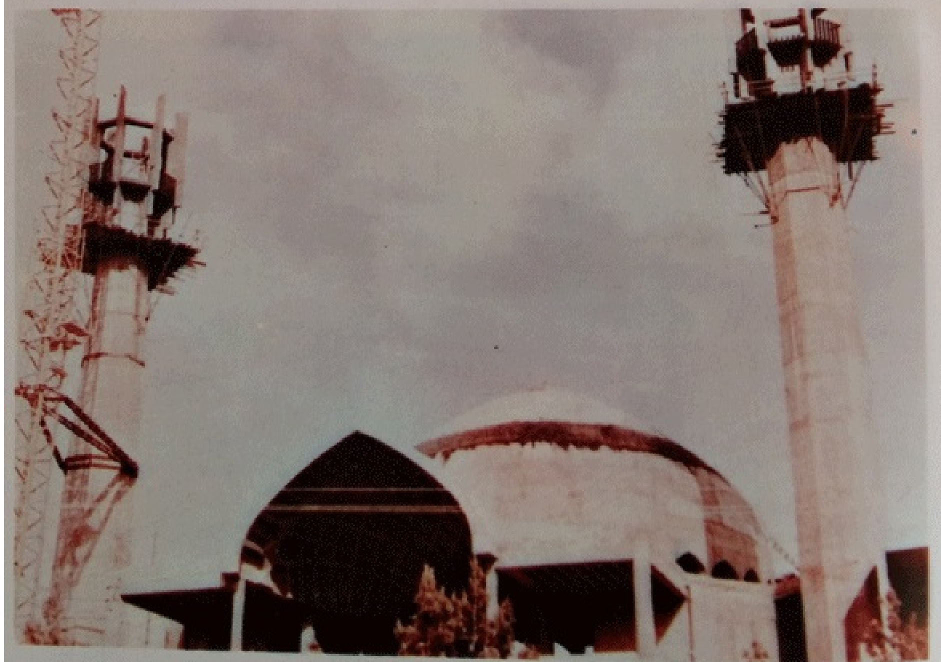
این مدرسه،بیش از سیصد حجره و چندین مدرس دارد و محلی برای ایجاد کتابخانه و نیز سایر تجهیزات و لوازم،در طرح ساختمانی آن گنجانیده شده است.

ساختمان این مدرسه،در چهار طرف و بصورت چهارطبقه(با احتساب طبقه زیرزمین)بنیان گذاری گردیده است.

ص:۳۳۷



نمائی از مدرسه آیت الله العظمی خوئی در مدینة العلم ـ قم

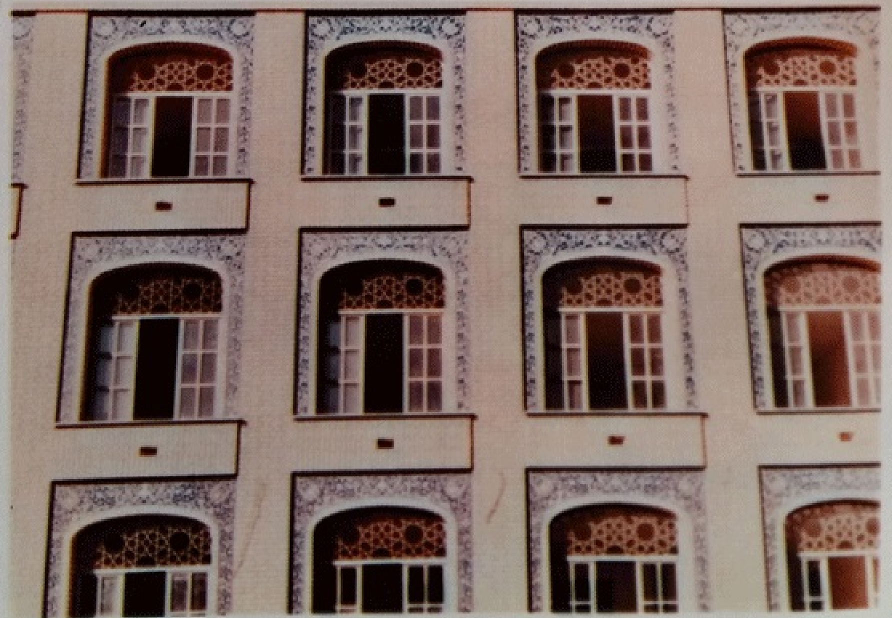


نمای خارجی کتابخانه عظیم مدینة العلم ـ قم

عکس



مسجدِ مدرسهٔ آیت الله العظمی گلپایگانی ـ قم



مدرسهٔ آیت الله العظمی آقای گلپایگانی ـ قم

عکس



مدرسة الامام امیرالمؤمنین(ع) قم



مدرسة الامام المهدی(ع) «اصفهانیها» ـ قم

۱۳ــمدرسهٔ صدوق بزرگ

این نام،عنوان مجتمع بزرگی است که مرحوم آیت اللّه صدوقی،در نظر داشتند در قطعه زمینی به مساحت دویست هزار(۲۰۰۰۰۰)متر مربع، در منطقهٔ زنبیل آباد(نزدیک سالاریه)ایجاد نمایند ولی بعلت ممانعت رژیم گذشته،شروع فعالیت ساختمانی آن،بتعویق افتاد،تا آنکه در سال ۱۳۵۸(پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران)عملیات ساختمانی آن شروع گردید.

از این مجتمع بزرگ که طرح و نقشه آن،مشتمل بر ۶ مدرسه،۶ خوابگاه، مسجد،کتابخانه،سالن

اجتماعات،بازار،بهداری،استخر و.....

می باشد،فعلا"فقط یک خوابگاه چهار طبقه،با زیربنای ۱۵۰۰ متر مربع، ساخته شده است.

البته در زمان حاضر،بجای عنوان اولیهٔ این مجتمع،(مدرسه صدوق بزرگ) گاهی عنوان(بنیاد دینی و فرهنگی شهید صدوقی)و گاهی عنوان(دانشگاه مذهبی شهید صدوقی)بکار برده میشود.

[سایر مدارس قم]

۱۴-مدرسهٔ مهدیه،که از طرف آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی بصورت دو طبقه بنا گردیده است.

۱۵-مدرسه جعفریه

۱۶-مدرسه جانی خان یا جهانگیرخان

۱۷-مدرسه مادرشاه

۱۸-مدرسه صادقیه

۱۹-مدرسه قدیریه

۲۰-مدرسه حاج سید صادق

۲۱-مدرسه حاج غضنفر

۲۲-مدرسه علوی

۲۳-مدرسه خیابان چهارمردان(الوندیه)

۲۴ و ۲۵-دو مدرسهٔ روزانهٔ آیت اللّه گلپایگانی (۱)

۲۶-مدرسه شهابیه (۲)

۲۷-مدرسه سعادت

۲۸-مدرسهٔ وحیدیه

۲۹-مدرسهٔ آملیه

۳۰-مدرسه الامام امیر المؤمنین

۳۱-مدرسه الامام المهدی(اصفهانیها) (۳)

۳۲-مدرسهٔ امام صادق علیه السلام

۳۳-مدرسهٔ آیت اللّه نجفی

۳۴-مدرسه موسی بن جعفر علیه السلام

۳۵-مدرسهٔ حسنیه

۳۶-مدرسهٔ شهیدین

۳۷-مدرسه رسالت

۱- ۱) این پنج مدرسه اخیر،بامر آیت اللّه العظمی آقای گلپایگانی احداث گردیده است.

۲- ۲) بامر آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی ایجاد گردیده است.

۳- ۳) این مدرسه بصورت سه طبقه و با کمک مردان نیکوکار اصفهانی تأسیس یافته و توسط مؤسس بزرگوار آن،آیت اللّه سید محمد باقر موحد ابطحی (اخوی نویسندهٔ کتاب حاضر)یک لجنهٔ علمی در آن تشکیل یافته که در حال انجام دو خدمت بزرگ علمی می باشند: ۱-گردآوری دائره المعارفی بزرگ و جامع،از احادیث،در رشته های گوناگون اسلامی از قبیل عقائد،تفسیر،فقه،اخلاق و آداب،تاریخ و...با استفاده از تمامی مدارک و اصول اولیه و نیز جوامع بزرگ حدیث. ۲-تحقیق و بررسی کتب پایه ای و جوامع فقهی و حدیثی و انجام کوششهای علمی و فنی برای تصحیح و تعلیق و نیز طبع و نشر آنها،و تاکنون گامهای مؤثری در این راه برداشته شده که نمونهٔ روشن آن،اقدام به بررسی و تحقیق و تعلیق بر کتاب عظیم الشأن(عوالم العلوم و المعارف و الاحوال)است که کتابی است عظیم با حجمی بزرگتر از بحار الانوار علامهٔ مجلسی رحمه الله

علیه و تاکنون چندین جلد آن،از چاپ خارج شده است.

۳۸-مدرسهٔ شهید صدر

۳۹-مدرسه حقانی

۴۰-مدرسهٔ کرمانیها

۴۱-مدرسه امام محمد باقر علیه السّلام

۴۲-مدرسه رسول اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم

۴۳-مدرسهٔ بعثت

۴۴-مدرسهٔ فاطمیه

۴۵-مدرسه الرسول الاعظم صلّی الله علیه و آله و سلّم

۴۶-مدرسه الامام الحسین علیه السّلام

۴۷-مدرسه الامام الباقر علیه السلام

۴۸-مدرسه الامام الهادی علیه السلام

۴۹-مدرسه الامام العسکری علیه السلام

۵۰-مدرسه الامام المهدی علیه السلام

۵۱-مدرسه جابر بن حیان

۵۲-مدرسه السید حسن الشیرازی

۵۳-مدرسه حضرت معصومه(ع)(برای بانوان) (۱)

۵۴-مدرسه نائینی

۵۵-مدرسه ابو الصدق

۵۶-مکتب توحید

۵۷-مکتب المهدی

۵۸-معهد الدراسات الاسلامیه

۵۹-دار الزهراء

۶۰-مدرسه عالی قضائی (۲)

ص : ۳۴۰

۱- ۱) نه مدرسه اخیر،منازلی هستند که توسط حضرت آیت اللّه آقای سید محمد شیرازی،مد ظله خریداری و بعنوان مدرسهٔ علمیه وقف گردیده

۲- ۲) غالب این مدارس،که در قسمت اخیر نام برده شدند،جدید الاحداث و متعلق به سالهای اخیر می باشند.

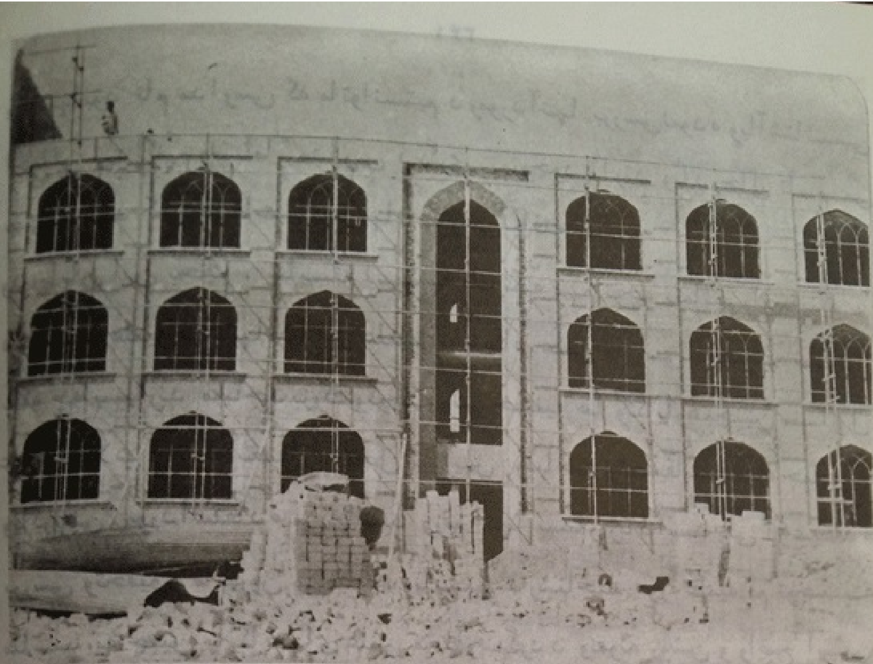
و اینها بود نام مدارسی که ما توانستیم در مورد آنها بررسی نموده و یا آشنائی اجمالی پیدا کنیم و مسلما"مدارس دیگری نیز وجود دارند و یا در حال تأسیس می باشند که تحقیقات ما به آنها دسترسی نیافته است.

و در پایان این بحث،شایسته است به یک نکتهٔ مهم توجه بنمائیم و آن اینکه، در حوزهٔ علمیهٔ قم تنها مدارس علمیه،پایگاه علمی و درسی محسوب نمیگردند بلکه چه بسیارند مساجد بزرگ و کوچک و نیز حسینیه ها و تکایا و همچنین منازل علماء و طلاب،که بعنوان محل تدریس و مباحثه و تحقیقات دسته جمعی، و یا گروهی مورد استفاده می باشند و رقم آنها بسیار زیاد است ولی از عهدهٔ بررسی و تحقیق ما بیرون می باشد و بایستی در شناخت حوزهٔ علمیهٔ قم توجه مناسب،به چنین پایگاههای علمی معطوف گردد و نمونهٔ روشن و واضح این مطلب،مسجد اعظم قم است که گرچه در لیست مدارس قم،نامی از آن-نبردیم ولی از هرمدرسه ای نقش بالاتری را ایفا می کند،زیرا که مهمترین و پرجمعیت ترین درسها و بخصوص درسهای خارج فقه و اصول،که از طرف مراجع معظم تقلید برای تلاشگران در راه اجتهاد ایراد می گردد،در این، مسجد تشکیل میشود.

این خون های فقاهت بوده است که هزار و چند سال اسلام را نگه داشته است.«امام خمینی»

مدرسه معصوميّه قم،که در حال تأسیس میباشد.

مدرسهٔ شهابیه«آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی»قم



مدرسه معصومیه قم، که در حال تأسیس میباشد



مدرسه شهابیه «آیت الله العظمی مرعشی نجفی» قم

کتابخانه های حوزهٔ علمیهٔ قم

اشاره

گستردگی کوشش های علمی و تبلیغی این حوزهٔ بزرگ،زمینه را برای فراوانی کتابخانه های عمومی فراهم نموده است و لذا علاوه بر کتابخانه های کوچک و یا شخصی،مراکز بزرگی برای تجمع کتاب بوجود آمده،که همه روزه پذیرای محققان و

مطالعه کنندگان فراوانی می باشد،و در تمامی کشور از هیچ کتابخانهٔ عمومی،باندازهٔ کتابخانه های حوزهٔ علمیهٔ قم بهره برداری علمی نمیشود.

و جالب است که عموما"بهره برداری از این کتابخانه ها،بدون تشریفات خشگ و به بهترین وجه انجام میگیرد،و اینک اشاره ای به کتابخانه های عمومی این حوزهٔ عظیم می نمائیم.

۱-کتابخانهٔ عمومی مدرسهٔ فیضیه

که باسابقه ترین کتابخانهٔ عمومی قم می باشد و بیش از نیم قرن از تأسیس آن می گذرد،و بدست مؤسس حوزهٔ علمیهٔ قم،آیت اللّه العظمی حائری یزدی تأسیس گردیده و در زمان آیت اللّه العظمی آقای بروجردی،توسعه یافته و در دوره های اخیر نیز،گسترش بیشتری گرفته است و در حال حاضر بیش از سی هزار جلد کتاب دارد که سه هزار جلد از آنها،نسخهٔ خطی نفیس میباشد و در دو جلد،از آنها فهرست برداری و چاپ شده است (۱)

۲-کتابخانهٔ مسجد اعظم

مسجد اعظم که بزرگترین پایگاه علمی و تبلیغی،در حوزهٔ علمیهٔ قم بشمار می رود و بزرگترین درسهای خارج،بوسیلهٔ مراجع معظم تقلید در آن تدریس می شود،و بدست توانای مرجعی بزرگ یعنی آیت اللّه العظمی بروجردی

۱- ۱) یکصد سال مبارزهٔ روحانیت مترقی ج ۴ صفحه ۶۲

ساخته شده است،در کنارش کتابخانهٔ عظیمی تأسیس شده که تجلی گاه اندیشهٔ هماهنگی علم و دین می باشد.

این کتابخانهٔ عظیم،بیش از ۶۵ هزار جلد کتاب دارد که پنجهزار مجلد از آنها خطی می باشد (۱)و همه روزه جمعیت انبوهی از این کتابخانه،بهره مند میشوند.

۳-کتابخانهٔ مدرسهٔ حجتیه

در اواخر زندگی مرحوم آیت اللّه العظمی آقای حجت کوه کمری (مؤسس مدرسهٔ حجتیه)،در قسمتی از مدرسه تأسیس یافته،و بیش از پانزده هزار جلد کتاب دارد.

۴-کتابخانهٔ آستانهٔ مقدسه

در سال ۱۳۷۰ ق در زاویهٔ صحن مقدس حضرت معصومه تأسیس شده و بیش از ۲۵ هزار جلد کتاب دارد.

۵-کتابخانهٔ مدرسهٔ رضویه

که در داخل مدرسه رضویه واقع شده و مورد استفادهٔ طلاب آن مدرسه می باشد.

۶-کتابخانهٔ عمومی آیه اللّه العظمی،مرعشی نجفی

کتابخانهٔ عظیمی است که در چهار طبقه ساخته شده با مساحت ۲۵۰۰ متر مربع و از بهترین وسائل و امکانات برخوردار می باشد و بهترین گنجینه های اسلامی و کتابهای نفیس و نسخه های خطی منحصر بفرد،در این مرکز بزرگ جمع گردیده است.

سالنهای متعدد و حدود پانصد هزار جلد کتاب(که هشتاد هزار جلد آن فیش برداری شده و مورد بهره برداری می باشد)و نیز بیست هزار جلد کتاب

۱- ۱) یکصد سال مبارزه روحانیت مترقی ج ۴ صفحه ۶۳

خطی(که تا به حال ده مجلد از فهرست آنها به چاپ رسیده است (۱)) و تجهیزات مدرن و امروزی به این کتابخانه،جاذبهٔ خاصی بخشیده است.

در ساعتهای مطالعه،وقتی انسان انبوه مطالعه کنندگان و آن سیر علمی را مشاهده می کند،بوجد می آید و پرواز روحی میگیرد.

نیت پاک و خلوص مؤسس این کتابخانه،یعنی آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی،و ارادت ایشان بمقام منیع اهل البیت علیهما السلام در بهره وری و برکت دهی این مرکز بزرگ،نقش اساسی ایفا نموده است.

این کتابخانهٔ عظیم،با کتابخانه های دنیا روابط لازم را برقرار نموده و در رشد و گسترش سرمایه های علمی کتابخانه،از آنها بهره مند میگردد.

۷-کتابخانهٔ دفتر تبلیغات اسلامی(دار التبلیغ سابق)

بیش از ۵۰ هزار جلد کتاب دارد،و ساختمان آن در سه طبقه قرار گرفته و کتابخانهٔ امانی آن،بیش از دو هزار کارت عضویت صادر نموده و اغلب در اختیار دانش آموزان است (۲)

۸-کتابخانهٔ مدرسهٔ آیت اللّه العظمی گلپایگانی

کتابخانهٔ معظمی است که از مجموع چندین کتابخانه نفیس شخصی که بعضا"خریداری و بعضا"اهداء گردیده و همچنین کتابهای فراوان دیگری که در طول مدت مدیدی جمع آوری شده،تشکیل گردیده است.

تنها از فهرست کتابهای خطی و نفیس آن،تاکنون سه مجلد،به چاپ رسیده و فهرست برداری از بقیهٔ آنها ادامه دارد.

این کتابخانه،باتوجه به مقدار و نقاست کتابهای موجود در آن،از اهمیت

۱- ۱) در تاریخ ۶۴/۶/۱ با معاون کتابخانه،حضورا"صحبت نمودم و آمار های یاد شده را ایشان بیان نمودند.

۲- ۲) یکصد سال مبارزهٔ روحانیت مترقی صفحه ۶۳ البته باید توجه داشت که آمار کتابخانه های حوزه علمیه قم،مرتبا" در حال افزایش بسیار زیادی است و در مرز مشخصی توقف ندارد.

خاص و ویژه ای برخوردار می باشد.

۹-کتابخانهٔ مکتب اسلام

در دفتر مرکزی مجلهٔ مکتب اسلام کتابخانه ای وجود دارد با حدود ششهزار جلد کتاب که مورد بهره برداری اعضای هیئت تحریریه مجلهٔ مکتب اسلام می باشد.

۱۰-کتابخانهٔ مدرسه حقانی

@

۱۱-کتابخانهٔ علی بن ابی طالب(ع)

در گذر خان،جنب مسجد امام رضا علیه السلام توسط آیه اللّه شیرازی مد ظله تأسیس گردیده است و فعلا"چندین هزار جلد کتاب،در آن موجود میباشد.

۱۲-کتابخانهٔ عظیم مدینه العلم قم

در بخش مدارس قم در قسمت معرفی مدینه العلم،دربارهٔ کتابخانهٔ بسیار عظیمی که در مدینه العلم،در حال تأسیس است توضیحاتی دادیم به آنجا مراجعه شود.

و البته باید توجه داشت که،کتابخانه های قابل توجه و ارزشمندی غیر از آنچه یاد شد،در بعضی از مدارس و یا بصورت شخصی در حوزهٔ قم وجود دارد که از نظر ارزش علمی و نفاست،قابل توجه می باشند و نیز کتابخانه های قابل توجه و بااهمیتی در مدارس عظیمی که در حال تأسیس می باشند پیش بینی شده و در سالهای آینده به خواست خداوند،بر تعداد کتابخانه های ارزشمند قم افزوده می شود.

حوزهٔ علمیهٔ قم و تبلیغ

تبلیغ و ارشاد،در تاریخ اسلام نه تنها بعنوان یکی از برنامه های مهم،موردتوجه قرار گرفته،بلکه بعنوان هدف از تشکیل حوزهٔ علمیه و تفقه در دین،معرفی گردیده است.

ص: ۳۴۶

قرآن میفرمایـد: فَلَوْ لاٰ نَفَرَ مِنْ کُلِّ فِرْقَهٍ مِنْهُمْ طٰائِفَهٌ لِیَتَفَقَّهُوا فِی الـدِّینِ وَ لِیُنْـذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذٰا رَجَعُوا إِلَیْهِمْ لَعَلَّهُمْ یَحْـذَرُونَ توبه ۱۲۲(چرا از هرگروهی از آنهـا (مؤمنین)دسـته ای کوچ نمی کننـد،تـا در دینشـان دانـا و فقیه شونـد و در وقت بازگشت بسوی مردمشان،آنها را انذار کنند،تا شاید آنها از خدا و عذاب الهی بترسند).

چنانچه ملاحظه میشود،در این آیه جملهٔ (وَ لِیُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ) بعنوان هدف و انگیزهٔ تفقه در دین،معرفی گردیده است.

حوزهٔ علمیـهٔ قم نیز از این برنامه نه تنها مسـتثنی نبوده،بلکه در عالیترین حد، عهده دار تبلیغ و ارشاد،از طریق سـخنرانیها،موعظه های فردی یا جمعی بوده که در ماه رمضان،محرم،صفر،ایام فاطمیه(ع)و دیگر مناسبتها و زمینه ها انجام میگیرد.

و البته نقش مرحوم آیت اللّه العظمی بروجردی،در ایجـاد زمینـهٔ اجتمـاعی برای اعزام مبلغین به شـهرها و منـاطق کشور و توجه دادن مردم،بـه لزوم بهره وری از مبلغیـن،بسـیار اساسـی بـوده و نقش مراجع تقلیـد کنـونی و بزرگ رهـبر انقلاـب اسـلامی،در گسترش و تعمیق این جریان حیاتی،بسیار عظیم و چشمگیر می باشد.

و نکتهٔ مهمی که در این بحث،توجه به آن شایسته می باشد،اینست که رابطهٔ مستحکمی که در جریان تبلیغ،بین حوزهٔ علمیه و مردم سراسـر کشـور برقرار می شـود در حفـظ و تقـویت و تـداوم حـوزه،نقش حیـاتی دارد (۱)و در جریـان انقلاب اسـلامی نیز،رهبری نمودن روحانیت و مراجع تقلید عمده با اسـتفاده از همین رابطهٔ نیرومند،که بدنبال جریان تبلیغ برقرار شده بود تحقق یافت و به نتیجه رسید.

۱- ۱) زیرا حوزه های علمیه در زیر سایهٔ عنایات الهی و با پشتیبانی مردم مسلمان و متدین حرکت خود را انجام میدهند و برای قدرت سیاسی- اجتماعی خود مرهون همکاری و حمایت مردم هستند.

حوزهٔ مقدسهٔ قم و انقلاب

امروز دیگر بر هیچ کس پوشیده نیست که این حرکتی که در جهان بوجود آمده بنام نهضت اسلامی و انقلاب اسلامی،باانگیزه ای دینی و با رهبری روحانیت و مراجع تقلید،بالاخص بزرگ زعیم و رهبر و مرجع شیعیان،آیت اللّه العظمی امام خمینی مد ظله می باشد و مرکز حرکت و محور مبارزه،حوزهٔ مقدسهٔ قم است که به ملت ها آگاهی،و به اندیشه ها جهت،و به احساس ها هدف،می بخشد.

اولین عکس العمل ها در برابر رژیم فاسد گذشته و بیشترین رقم زندانی و شکنجه شده و نافذترین اعلامیه و نیز مؤثرترین تصمیم گیری و بیشترین شهداء و....

همه از حوزهٔ علمیهٔ قم بوده و می باشد.

شهرها و مراکز دیگر نیز متوجه به قم هستند و اقداماتشان با الهام از این مرکز بزرگ می باشد و همانطوریکه امام صادق علیه السلام خبر داده اند که:

(روزی می رسد که از سرزمین قم علم و دانش به دیگر نقاط جهان منتشر میگردد) امروز از همهٔ دنیا متوجه قم شده اند و قم،نور علم و آگاهی،بر آنها می پاشد.

و بر همین مبنا است که،رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی،امام خمینی مد ظله العالی همیشه در طول تاریخ مبارزه،چه در سالهای ۴۱ و ۴۲ و چه در- سالهای تبعید به عراق و چه در وقت هجرت به فرانسه و چه در وقت بازگشت به ایران و اقامت در تهران و سپس بازگشت به قم و در نهایت،مدت اقامت مجدد در تهران و جماران،به حوزهٔ علمیهٔ قم زیاد اهمیت میداده و میدهند و وظائف و مسئولیت سنگین آنرا،گوشزد نموده و نقش حیاتی آنرا روشن نموده اند.

تألیف و نگارش،در حوزهٔ قم

از زمان زعامت مرحوم آیت اللّه العظمی آقای بروجردی ره،توجه به تألیف و طبع و نشر کتاب،در حوزهٔ علمیهٔ قم رو به فزونی نهاد و سپس ادامه

و گسترش یافت،و مرتبا"تألیفات زیادتر،و مؤسسه های چاپ و نشر کتاب فراوانتر گردید،بطوریکه هم اکنون در زمینه های:

۱-توحید و خداشناسی

۲-عدل و دیگر صفات الهی

۳-نبوت و رسالت

۴-قرآن و کتابهای آسمانی

۵-امامت و خلافت

۶-معاد و زندگی اخروی

۷-فلسفه

۸-بررسی ادیان و مذاهب

۹-فقه

۱۰-اصول فقه

۱۱-تفسیر

۱۲-حدیث و درایه

۱۳-اخلاق و تربیت

۱۴-تاریخ

۱۵-مسائل اجتماعی و سیاسی

۱۶-ادبیات

۱۷-منطق

و.......

کتابهای فراوان و متنوع نوشته شده و به عالم علم و جامعه،عرضه گردیده است که مجموعا"بیش از هزار و دویست عنوان

کتاب می شود.

این کتابها که از پرمایه ترین و عمیق ترین تألیفات،همانند جامع احادیث الشیعه،تفسیر المیزان،کتاب الطهاره و کتاب المکاسب المحرمه و الرسائل(سه کتاب اخیر از امام خمینی است)تقریرات درسهای آیت اللّه

ص: ۳۴۹

العظمی گلپایگانی،اصول فلسفه و روش رئالیسم،بدایه الحکمه،نهایه الحکمه،تهذیب الاصول،المدخل الی التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم و دهها تألیف و مجموعهٔ علمی نفیس دیگر،تا عمومی ترین و ساده ترین نوشته ها می باشد.برای تأمین نیازهای فکری و مذهبی جامعه نقش حیاتی ایفاء می کند و بنابراین نه تنها ادامهٔ چنین حرکتی،مفید است بلکه گسترش و افزایش تألیفات،همراه با دقت و تعمق روزافزون،ضروری می باشد.

در پایان این بخش،اشاره به این نکته ضروری است که،باتوجه به مشکلات و نارسائیها و مخصوصا"جو خفقان،در رژیم گذشته،آنچه حوزهٔ علمیهٔ قم در زمینهٔ تألیف و نگارش و نشریات و مجلات عرضه کرده است دلیل بارزی بر الطاف و عنایات الهی از یکطرف،و جهاد و تلاش و مبارزهٔ بی امان علماء و دانشمندان حوزهٔ علمیه،از سوی دیگر می باشد.

مؤسّسات نشر و مراکز تحقیق

مؤسسه های عظیم و بسیار ارزنده ای بدنبال حرکت تألیف و نگارش،در حوزهٔ علمیهٔ قم بوجود آمده است که تعداد آنها به بیش از بیست مؤسسه میرسد و با امکانات و سرمایهٔ فراوان،نه تنها عهده دار چاپ و نشر کتاب هستند بلکه تعدادی از آنها،فعالیت بسیار گستردهٔ علمی و پژوهشی دارند و عده ای بعنوان گروه تحقیق و یا تصحیح و تعلیق در حال تلاش فکری و تحقیقی هستند و علاوه بر آثار تازه،کتابهای نفیس و ارزشمند علماء بزرگ اسلام را که چه بسا تاکنون حتی یکبار هم بچاپ نرسیده و یا چاپ شده،ولی بصورت مطلوب نبوده است،مورد تحقیق و بررسی قرار داده،تصحیح لازم را بر روی آن- انجام داده و با اضافه کردن پاورقی و مقدمه و چه بسا توضیحات لازم و مفید،آنرا به بهترین وجهی به چاپ میرسانند.

بنابراین چنین مؤسساتی نه تنها عامل تألیف و تحقیق و نشر کتب و تألیفات امروزی می باشند بلکه در زنده کردن آثار گذشتگان و تجدید حیات تألیفات علماء گذشته،نقشی اصولی دارند.این مؤسسه ها،بهترین نقش را در

رساندن کتابها،به شهرها و روستاهای کشور و یا خارج کشور بعهده دارند.

و البته عده ای از این مؤسسات،تنها در راه چاپ و نشر کتاب گام برمیدارند و عهده دار تحقیق و تألیف و.....نیستند (۱)

مجلات و نشریات منظم

حوزهٔ علمیهٔ قم با همت و کوشش فضلاء و مدرسین و نویسندگان گرانقدر موفق شده است که مجله ها و نشریات منظمی داشته باشد،که با ارسال آنها برای مشترکین و پاسخگوئی بسئوالات و نیازهای فکری جامعه،یک رابطهٔ مستمر بین حوزهٔ قم و اندیشه ها و احساسات مردم و جامعه برقرار سازد،که تأثیر فراوانی در رشد و شکوفائی استعدادهای نهفته در جامعه،دارد و خوشبختانه این مجله ها و نشریه های منظم که هرکدام با تیراژ خاص و برنامه و روش مشخصی از ناحیهٔ عده ای از اندیشمندان و فضلاء و نویسندگان منتشر می شوند،مرتبا"در حال افزایش و گسترش هستند.

خلاصهٔ فصل:

در یک کلام،حوزهٔ قم درحال حاضر از نظر:

۱-فراوانی درسهای خارج فقه و اصول

۲-درسهای سطح عالی و متوسط

۳-درسهای فلسفه و کلام و عقائد

۴-تحقیق و بررسی اندیشه ها

۵-تصحیح و تعلیق بر کتب گذشتگان

۶-مراسلات و ارتباط مطبوعاتی با تمام جهان

۷-انتشار مجله و نشریات منظم

---

۱ - ۱) در کتاب یکصد سال مبارزهٔ روحانیت مترقی ج ۴ ص ۱۰۹ به بعد فهرستی اجمالی از این مؤسسات ذکر شده است.طالبین می توانند رجوع نمایند.

۸-تألیف کتب در ابعاد وسیع و در رشته های گوناگون

۹-چاپ و نشر کتب

۱۰-پاسخ به سئوالات

۱۱-تبلیغ در داخل و خارج کشور

۱۲-تربیت طلاب مرد و زن

و.......

در وضعیت مطلوب و چشمگیری قرار دارد،و امید است با عنایات الهی و توجهات خاصهٔ ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف و رهبری مراجع معظم تقلید،به مراحل کامل تری نائل گردد،آمین یا رب العالمین.

مرقد مطّهر صاحب بن عبّاد،مهمترین چهرهٔ علمی شیعه،در دوران قدیم اصفهان بقعه شهشهان،محلّ مدرسهٔ علميّه شیعه در دوران حاکمیّت مخالفین در اصفهان نمای ورودی مرقد مطهر عالم شهید سيّد علاء الدّین محمّد،مدرّس مدرسهٔ علمیه شیعه در دوران حاکمیّت مخالفین،در اصفهان بقایای یکی از مدارس قدیمی اصفهان،در محلّه دردشت مدرسهٔ امامیّه-اصفهان گنبد مدرس ابن سینا(در محلّه دردشت)نشانه ای از سابقهٔ علمی اصفهان

ص :۳۵۲

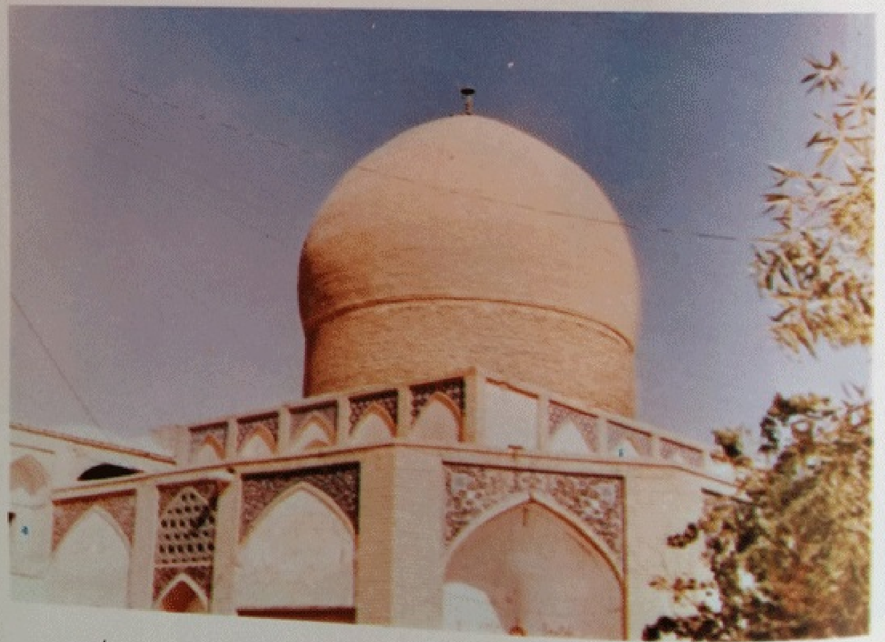
حوزه علمیّه اصفهان

اشاره

ص: ۳۵۳

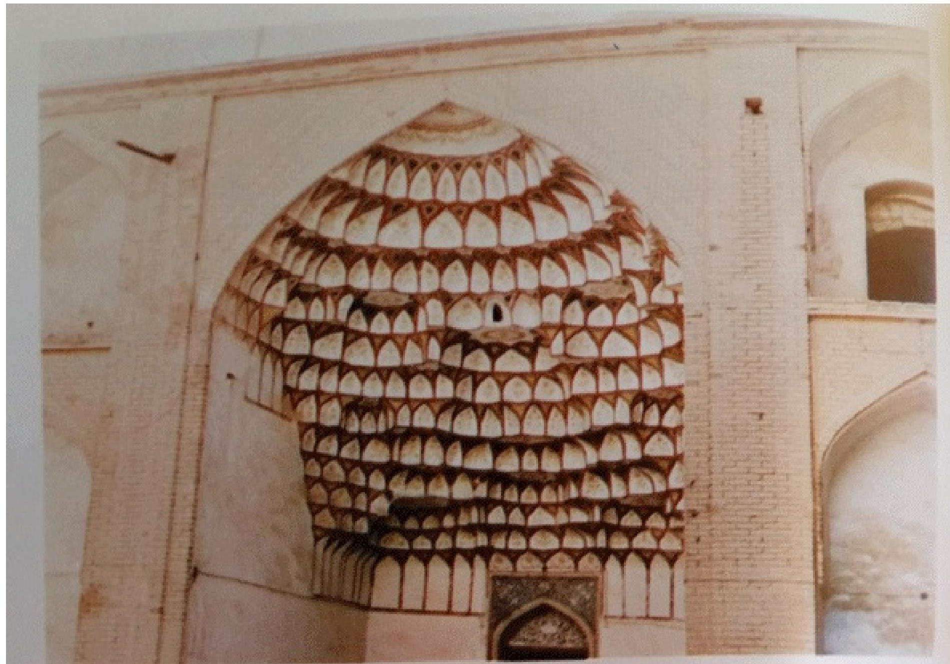


مرقد مطهر صاحب بن عباد، مهمترین چهره علمی شیعه، در دوران قدیم اصفهان

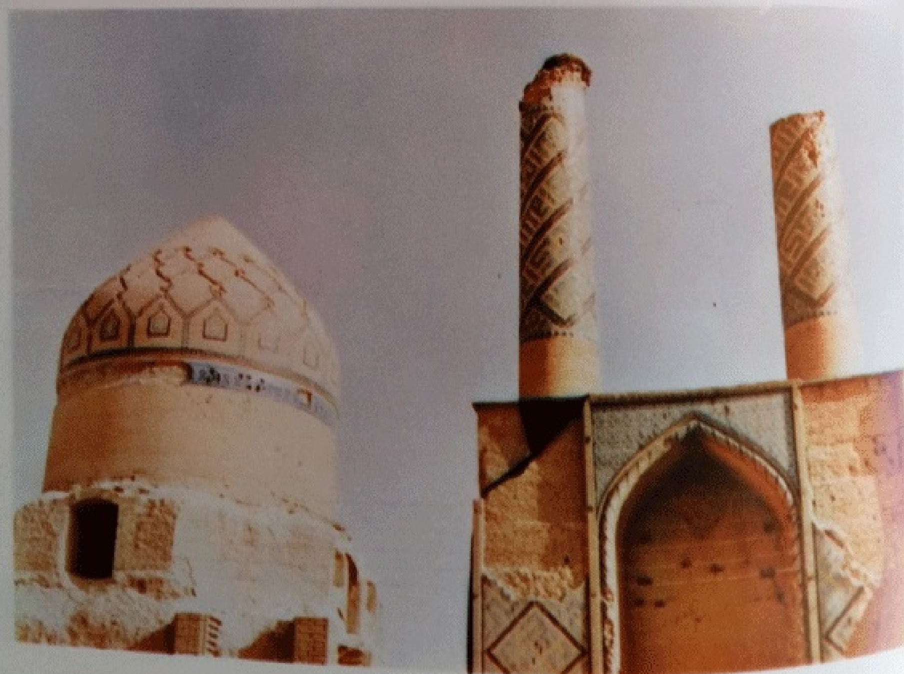


بقعه شهشهان، محل مدرسه علمیه شیعه در دوران حاکمیت مخالفین در اصفهان

عکس

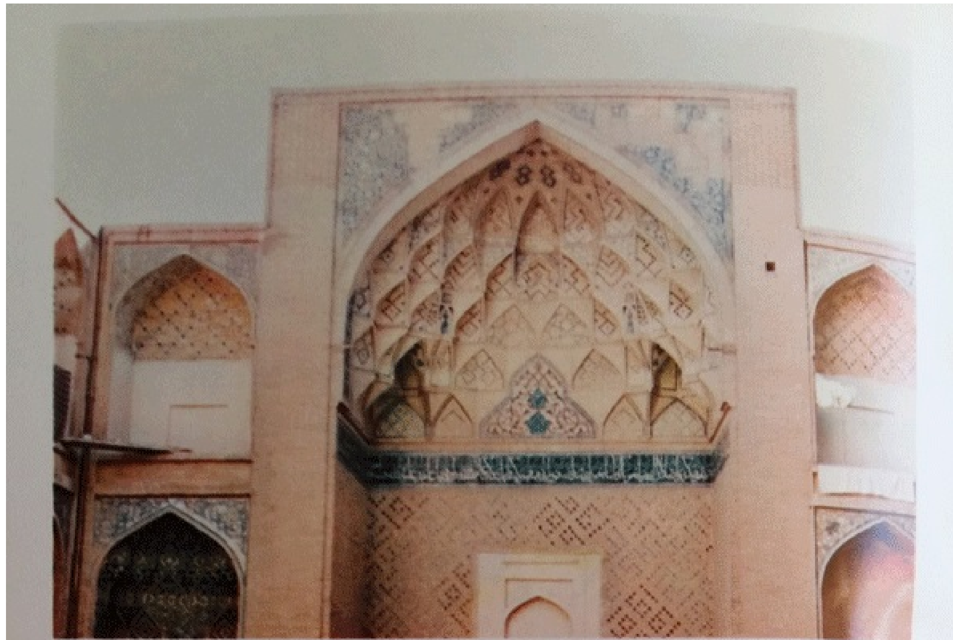


نمای ورودی مرقد مطهر عالم شهید سید علاءالدین محمد، مدرس مدرسهٔ علمیهٔ شیعه در دوران حاکمیت مخالفین در اصفهان

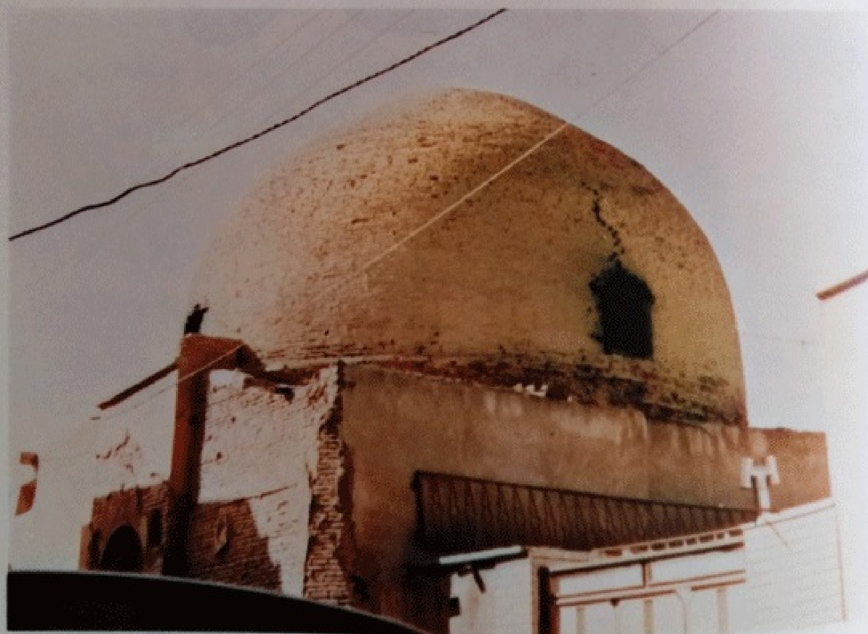


بقایای یکی از مدارس قدیمی اصفهان، در محلّه در دشت

عکس



مدرسه امامیّه - اصفهان



گنبد مدرس ابن سینا (در محلّه دردشت) نشانه ای از سابقهٔ علمی اصفهان

عکس

اصفهان

اصفهان (۱)

شهری است عظیم که در مرکز ایران قرار گرفته و یکی از قدیمی ترین شهرهای ایران است،و سابقهٔ آن به سه هزار سال قبل از میلاد مسیح می رسد و در آن زمان در اطراف زاینده رود قراء و قصباتی آباد بوده است.

در طول تاریخ،اصفهان بارها پایتخت ایران بوده و به همین جهت آبادی و گسترش زیادی یافته و از سوی دیگرچه بسا در تهاجمهای مختلف صحنه های سخت از ویرانی و کشتار بخود دیده است.

اصفهان از آب وهوای مناسب و معتدل برخوردار می باشد و در نتیجه، همیشه مهد پرورش نوابغ بزرگ و هنرمندان ماهر بوده است و سابقهٔ درخشانی در معماری،کاشیکاری،گچبری و....دارد.

سابقهٔ ورود و گسترش اسلام در اصفهان به نیمهٔ اول قرن یکم هجری برمیگردد و به همین سبب،از نظر مذهبی و داشتن مساجد و پایگاه های دینی،از غنی ترین و قدیمیترین شهرهای ایران می باشد.

مردم اصفهان از زمان فتحش بدست مسلمین،تا قبل از حکومت و سلطنت پادشاهان صفویه،سنی بودند و جریان فکری آنها در مسیر عقائد اهل سنت بود،ولی از آن زمان،بدنبال آزادی یافتن علماء شیعه برای ترویج مذهب حقّهٔ جعفری،جریان فکری و اعتقادی مردم دگرگون شد و از آن هنگام مردم اصفهان،نه تنها به تشیع گرایش یافتند،بلکه این شهر،یکی از مهمترین

۱- ۱) در بررسی تاریخ اصفهان و حوزهٔ علمیهٔ آن،از کتابهای ریحانه الادب، روضات الجنات،زندگینامهٔ علامه مجلسی،تاریخ فرهنگ اصفهان، تاریخچهٔ وقف در اسلام،اصفهان،آثار ملی اصفهان،زندگانی آیت اله بروجردی،دانشمندان و بزرگان اصفهان،رجال اصفهان،هدیه العباد تاریخچهٔ محله خواجو،گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان،گنجینهٔ دانشمندان ،فرهنگ معین و برخی نوشته ها و کتب دیگر و نیز از بررسیهای حضوری در مدارس و کتابخانه ها،و تحقیقات شفاهی از دانشمندان،بهره جسته ایم.

پایگاه های ایمان و اعتقاد به مکتب اهل البیت علیهم السّلام و یکی از بزرگترین مراکز نشر و گسترش فرهنگ غنی تشیع گردید و در این راه بزرگترین فداکاری ها و ایثارها از مردم باایمان این خطّه،به ظهور رسیده است و بحق باید گفت،به شایستگی توانسته اند حق ذوی القربی را رعایت نموده و با مودّت نسبت بآنها اجر رسالت رسول اللّه،صلّی اللّه علیه و آله،را رعایت نمایند.

مساجد فراوانی در اصفهان ساخته شده و تنها در کتاب تاریخچهٔ وقف در اسلام،از یکصد و هشتاد عدد آنها نام برده شده است (۱)و در میان آنها مساجدی هست همانند مسجد جامع و مسجد امام(مسجد شاه سابق) و مسجد شیخ لطف اللّه(میسی)و مسجد حکیم و مسجد سید و.....که از مهمترین ابنیهٔ تاریخی ایران بشمار می آیند و شهرت جهانی دارند.

و از طرف دیگر در اصفهان قبور مطهر امام زادگانی وجود دارد که برای آنها گنبد و ضریح ساخته شده و صحن و رواقی برای حرم مطهرشان ایجاد گردیده و بعنوان نمونه میتوان از امام زاده اسماعیل،امامزاده احمد،امامزاده هارونیه ،امامزاده شاهزید،امامزاده باقر،امامزاده درب امام،امامزاده شاهزاده ابراهیم،امامزاده شاه میرحمزه،امامزاده سید علی،جعفریه،زینبیه ستی فاطمه،امامزاده شوری،امامزاده دو قلی،امامزاده موسی،امامزاده محسن وحید،امامزاده محمد و امامزاده اسحق و... (۲)یاد نمود.

همه اینها نشانگر پیوستگی عمیق ساکنین این منطقه با مذهب و اعتقاد راسخ آنها،بدین مقدس اسلام و مکتب اهل البیت علیهم السّلام می باشد.

---

۱ - ۱) البته با گسترش و وسعت یافتن شهر و توجه روزافزون مردم به اسلام و مذهب،در سالهای اخیر رقم مساجد اصفهان،افزایش بیشتری یافته است.

۲- ۲) در جزوهٔ عملکرد اداره کل حج و اوقاف اصفهان صفحه ۲۸،امامزاده های اصفهان و حومهٔ قدیمهٔ آن،۷۲ عدد ذکر شده است.

سابقهٔ علمی اصفهان

نوشته ها و آثاری که از شـهر اصفهان در قرنهای مختلف بدست آمده نشان می دهد که همواره این شهر مرکز تلاش علمی و مجاهـدت های فکری و تألیفی بوده است تا جائیکه از آن بعنوان دار العلم یاد شده است (۱)، مسجدجامع اصفهان مرکز علمی شهر بوده و کتابخانهٔ بزرگی داشـته که فهرست آن در سه مجلد بزرگ نوشته شده بوده است (۲)و مشتمل بوده بر کتابهائی در تفسیر قرآن،حدیث،صرف،نحو،لغت،ادبیات،شعر، منطق،ریاضی،طبیعی و غیره (۳).

مفضل بن سـعد مافروخی اصـفهانی صاحب کتاب محاسن اصـفهان نام بیش از دویست تن از فضـلاء و دانشـمندان اصفهان را ذکر می کند که اکثر آنها در مسجدجامع اصفهان به کار تحصیل و تدریس علوم مختلف مشغول بوده اند (۴)

به علاوه،مـدارس فراوانی در اصـفهان بوده که تاریـخ بعضـی از آنهـا به قبـل از دورهٔ نظامیه ها برمیگردد و نمونـهٔ آن مدرسـهٔ بزرگی بوده که شـیخ الرئیس ابو علی سـینا در زمانی که در اصـفهان بوده و وزارت علاء الدوله کاکویه را بعهده داشته در آن تدریس می نموده است ولی اکنون از آن مدرسه فقط گنبدی باقیمانده که امروزه در محله در دشت،بنام گنبد مدرس ابن سینا معروف

۱- ۱) تاریخ فرهنگ اصفهان صفحه ۱۲

۲- ۲) تاریخ فرهنگ اصفهان صفحه ۲۴ بنقل از محاسن اصفهان،نوشته مافروخی اصفهان(از آثار قرن پنجم هجری)

۳- ۳) گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان صفحه ۷۹

۴- ۴) تاریخ فرهنگ اصفهان صفحه ۳۵

است و بقیهٔ مدرسه،به صورت خانه درآمده و گفته میشود که این گنبد در شمال آن مدرسهٔ بزرگ بوده و احتمالا"مدرسهٔ شفیعیه در دشت را،در دوران حکومت شاه عباس ثانی،از بقایای زمین همان مدرسه ساخته اند (۱)

و از نشانه های دیگر مرکزیت علمی اصفهان،ساخته شدن نظامیه اصفهان معروف به صدریه بدست خواجه نظام الملک،در این شهر میباشد که مرکز عالیترین تحصیلات علمی آن زمان بوده است.

و بعلاوه عالم های مشهوری،در اصفهان تحصیل و یا تدریس کرده اند که بعضی از آنها شهرت جهانی و یا شهرتی در عالم اسلامی دارند و شخصیت آنها می تواند گویای عظمت علمی اصفهان باشد که نمونه ای از آنها را یاد می کنیم:

۱-علی بن سهل بن ازهر اصفهانی،متوفای ۲۸۰ هجری که یکی از مشایخ بزرگ و عرفای قدیم اصفهان است و باجنید(عارف معروف)مکاتبه و ارتباط داشته است.

۲-ابو الفرج اصفهانی،که بنا بنوشتهٔ ابن اثیر در(الکامل)،شیعه بوده است.او با کتابهای خود،بخصوص(الاغانی)که آنرا در مدت پنجاه سال تألیف نمود،از شهرتی عظیم برخوردار شده و در سالهای بین ۳۵۶ تا ۳۶۰ هجری وفات یافته است.

۳-حمزهٔ اصفهانی،ادیب و کاتب و مورخ مشهور که در قرن چهارم،در اصفهان زندگی می کرده و در حدود ۳۶۰ ه وفات یافته و از میان تألیفات ارزندهٔ او،کتاب(تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء)از شهرت و اهمیت بیشتری برخوردار است.

۴-ابو علی مسکویه،معروف به ابن مسکویه،از حکماء بزرگ اسلام و عالم در طب و فلسفه و کیمیا بوده و در اخلاق و تاریخ به مقامی بلند رسیده است،او از مفاخر اسلام بشمار می رود.

۱- ۱) تاریخ فرهنگ اصفهان ص ۵۳

و کتابهـای ارزنـده و مهمی نوشـته که،طهـاره الاـعراق،او که بزبان عربی نگاشـته شـده و خواجه نصـیر الـدین طوسـی،آن را به فارسـی ترجمه کرده و بنـام اخلاـق ناصـری،نامیـده و همچنین تجـارب الامم در تاریـخ،و نیز جاویـدان خرد،در حکمت و چند کتاب دیگر،از اهمیت بسیاری برخوردارند.

ابن مسکویه،مدتی خزینه دار کتابخانهٔ ابن العمید،بوده و به همین جهت او را خازن نیز گفته اند.

او در سال ۲۴۰ یا ۲۴۱ وفات یافته است.

۵-حافظ ابو نعیم،که از اجـداد علامهٔ مجلسـی است و از مشاهیر علماء اسـلام می باشد و کتابهای زیادی تألیف نموده که نشانهٔ عظمت علمی و گسترش تحقیقات او است و از جملـهٔ آنها،کتاب حلیه الاولیاء در مناقب ائمـهٔ اطهار و کتاب تاریـخ اصـفهان و کتاب الاربعین در حالات حضرت مهدی و کتاب ما نزل من القرآن فی امیر المؤمنین و کتاب حلیه الابرار و....می باشد.

او بنابر گفتهٔ شـیخ بهائی قده،شـیعه بوده و به گفته مرحوم مجلسی از خلّصین شیعه بوده است (۱)ولی بخاطر تقیه،تشیع خود را مخفی می نموده است.

مرحوم ملا محمد باقر مجلسی شبهای جمعه به زیارت قبر جد خود(حافظ ابو نعیم)می رفته است (۲)

حافظ ابو نعیم در اوائل قرن چهارم وفات یافته است.

۶-اسماعیل بن عباد،معروف به صاحب بن عباد،که ما،در بخش حوزهٔ علمیهٔ اصفهان دربارهٔ ایشان مطالبی را بیان می داریم.

۷-ابو عبـد اللّه معصومی اصـفهانی،از محققین و فقهـا و حکمـای بزرگ اسـلامی می باشـد و در حکمت و فلسـفه و فقه،استـاد مسـلم بـوده است،هنگـامی که شـیخ الرئیس ابـو علی سـینا در اصـفهان اقـامت داشت،ابـو عبـد اللّه معصومی همیشه همنشـین و مصاحب او بود،و ابو علی سینا او را بر دیگران مقدم میداشت

۱- ۱) ریحانه الادب ج ۷ صفحه ۲۸۵

۲- ۲) اصفهان،از دکتر هنرفر بنقل از،قصص العلماء

و دربارهٔ وی گفته:ابو عبد اللّه منّی بمنزله ارسطاطالیس من افلاطون(یعنی ابو عبد اللّه نزد من،بمنزلهٔ ارسطو است نزد افلاطون).

او کتابهای زیادی تالیف نموده و از خود بجای گذاشته و در حدود نیمهٔ قرن پنجم وفات یافته است.

۸-راغب اصفهانی،ابو القاسم حسین بن مفضل مشهور به راغب اصفهانی که ادیب و فیلسوف و حکیم و کاتب و شاعر و محدث و لغوی مبرزی بوده است.عامه و خاصه ارزشهای علمی او را تأیید می نمایند و کتابهای بسیاری نوشته که از آن جمله است تفسیر قرآن،بنام جامع التّفسیر که غالب تحقیقات بیضاوی،از آن گرفته شده و کتاب الذّریعه الی مکارم الشّریعه که معروفترین کتاب او بشمار می رود و کتاب محاضرات الادباء و محاورات الشّعراء و البلغاء که این نیز از کتابهای معروف او است و کتاب المفردات فی غریب القرآن که از کتابهای بسیار نفیس و پرمایه می باشد.

راغب اصفهانی مشهور به عامّی بودن می باشد ولی از کتاب اسرار الامامهٔ حسن بن علی طبرسی نقل شده که راغب،از حکمای شیعهٔ امامیه بوده است (۱)وفات او در سال ۵۰۲ یا ۵۶۵ می باشد.

۹-مافروخی اصفهانی،مفضل بن سعد بن حسین،مشهور به مافروخی اصفهانی،صاحب کتاب ارزشمند محاسن اصفهان،که در آن- بسیاری از فوائد تاریخی و جغرافیائی و ادبی مربوط به اصفهان را جمع آوری نموده است.

۱۰-صائن الدین علی ترکه اصفهانی که فقیهی صوفی مشرب بوده و در علم حکمت و تصوف و عرفان،تبحری کامل داشته است.

خانوادهٔ ترکه،در اصفهان به علم و دانش مشهور بودند و در میان آنها دو نفرشان که یکی همین صائن الدین و دیگری خواجه افضل الدین محمد صدر

۱- ۱) ریحانه الادب ج ۲ صفحه ۲۹۲

ترکه اصفهانی،مترجم کتاب ملل و نحل شهرستانی می باشد،از عظمت و شهرت بیشتری برخوردارند.

صائن الـدین دوازده رساله به عربی و هفـده کتاب به فارسـی نوشـته است و از جملـهٔ آثار او شـرح فصوص الحکم محی الدین عربی است.

صائن الدین در سال ۸۳۰ یا ۸۳۶ وفات یافت و افضل الدین در سال ۸۵۰ هجری،بدستور شاهرخ،به دار زده شد و این هردو از علماء شیعه بودند.

۱۱-علاء الدّین محمد،که از علماء عالیقدر و شـهید اصـفهان بوده است وی،در زمانی که اکثریت مردم اصـفهان را اهل سـنت تشکیل میدادنـد،تنها مدرسـهٔ شیعه را اداره میکرد و پس از شـهادتش بـدست شاهرخ،در مـدرس خود دفن گردید،و مدفن او امروز بنام بقعهٔ شهشهان معروف می باشد.

سال شهادت وی ۸۵۰ قمری بوده است.

اینها بودند نمونه ای از چهره های مبرز که نام و شهرتشان،سندی بزرگ بر عظمت علمی اصفهان،در گذشته تاریخ می باشد.

حوزهٔ علمیهٔ اصفهان

در طول تاریـخ درخشـان اصـفهان،دو دوره را میتـوانیم بعنـوان حـوزهٔ علمیـه،مـورد مطـالعه قرار دهیـم یکی زمـان تـدریس و کوششهای علمی اسـماعیل بـن عبـاد،معروف بـه صـاحب بـن عبـاد و دیگری از هنگـام تأسـیس حـوزهٔ علمیه اصـفهان توسـط شخصـیت بزرگوار عـالم تشـیع،محقق کرکی معروف به محقق ثانی و گسترش و تقویت آن بوسـیلهٔ محقق توانا،مولی عبـد اللّه تستری، و تـداوم آن تـا بامروز،توسط چهره های فروزان حوزهٔ علمیـهٔ شـیعه،هماننـد شـیخ بهائی،میرداماد،مجلسـی اول و دوم و دیگر علماء بزرگی که تا بامروز تداوم بخش حوزهٔ علمیهٔ اصفهان بوده اند و این دوره از زمان سلطنت صفویه شروع میشود.

میدان و مسجد امام اصفهان در اطراف و نزدیکی های این مسجد عظیم،مدرسه های متعدد بنا گردیده است

مدرسهٔ چهار باغ«امام صادق علیه السّلام»اصفهان

مدرسه ناصری که در جنوب شرقی مسجد امام اصفهان واقع گردیده است

مدرسه سلمیانیّه،در ضلع جنوب غربی مسجد امام اصفهان

حرم و گنبد مطّهر امامزاده اسماعیل علیه السلام در قسمت جنوبی مدرسه علمیّه امامزاده اسماعیل علیه السلام اصفهان

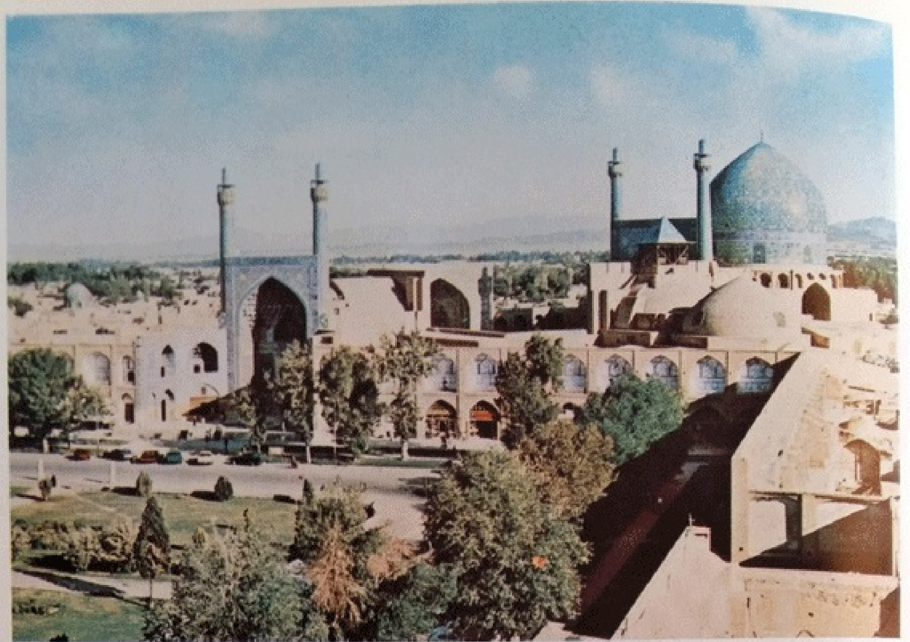
سر درب مدرسهٔ هارونیّه،در جوار امامزاده هارونیّه اصفهان

مدرسهٔ جدّه بزرگ-اصفهان

مدرسهٔ کاسه گران-اصفهان

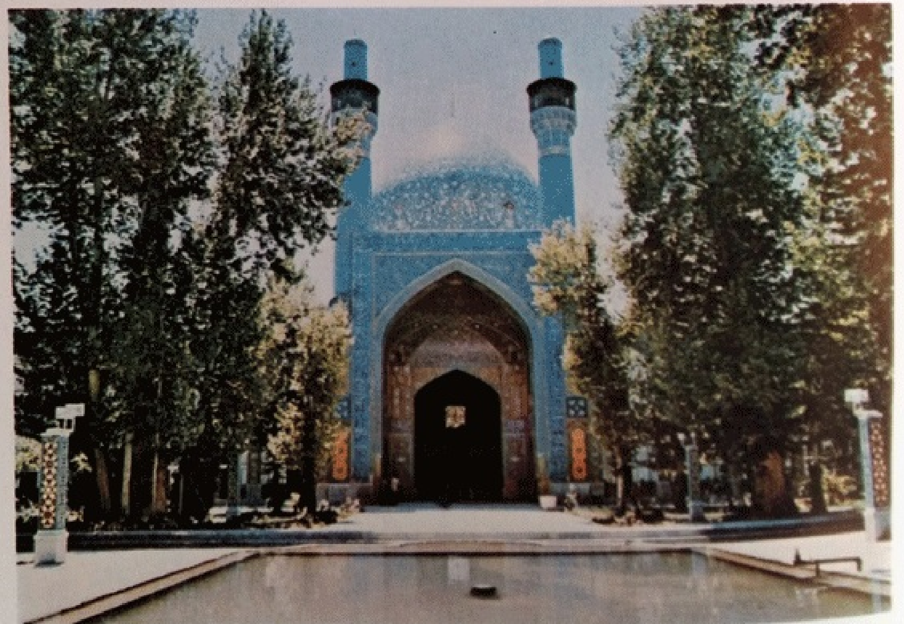
۱-سر درب مدرسهٔ نیم آور ۲-نمای داخلی همان مدرسه-اصفهان

ص: ۳۶۰



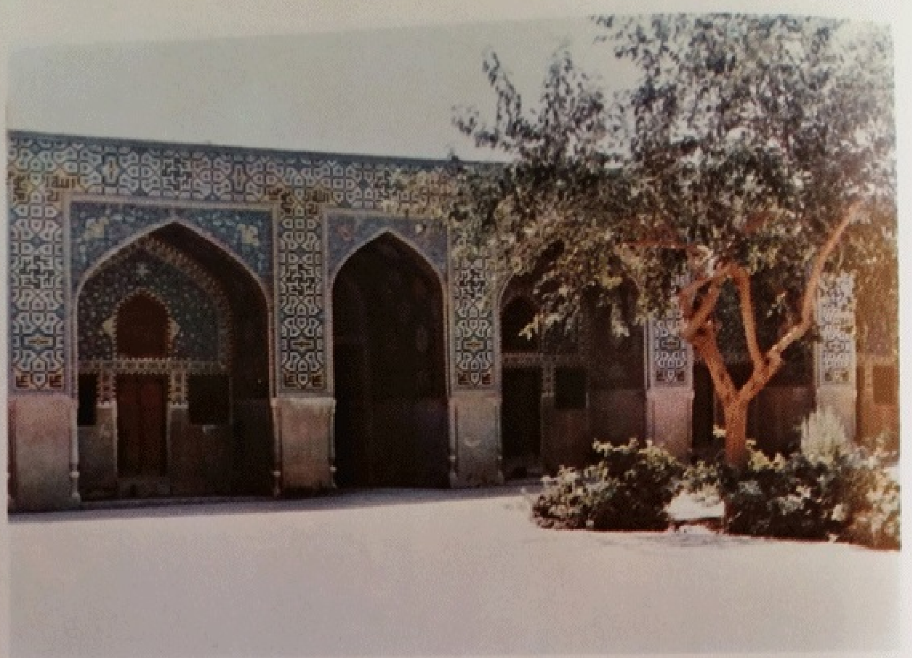
میدان و مسجد امام اصفهان

دراطراف و نزدیکی های این مسجد عظیم، مدرسه های متعدد بنا گردیده است



مدرسهٔ چهار باغ «امام صادق علیه السلام» اصفهان

عکس



مدرسه ناصری که در جنوب شرقی مسجد امام اصفهان واقع گردیده است

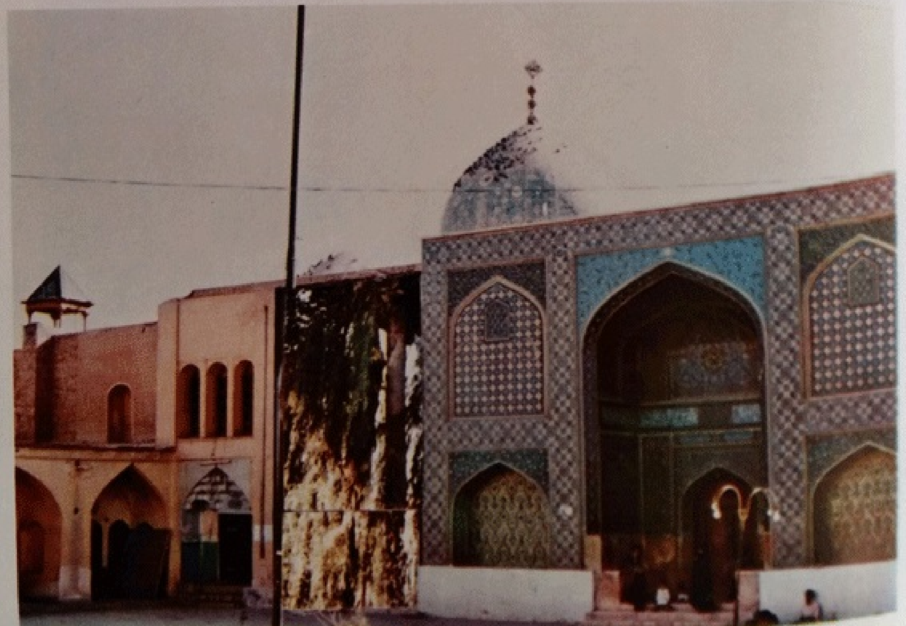


مدرسهٔ سلیمانیه، در ضلع جنوب غربی مسجد امام اصفهان

عکس

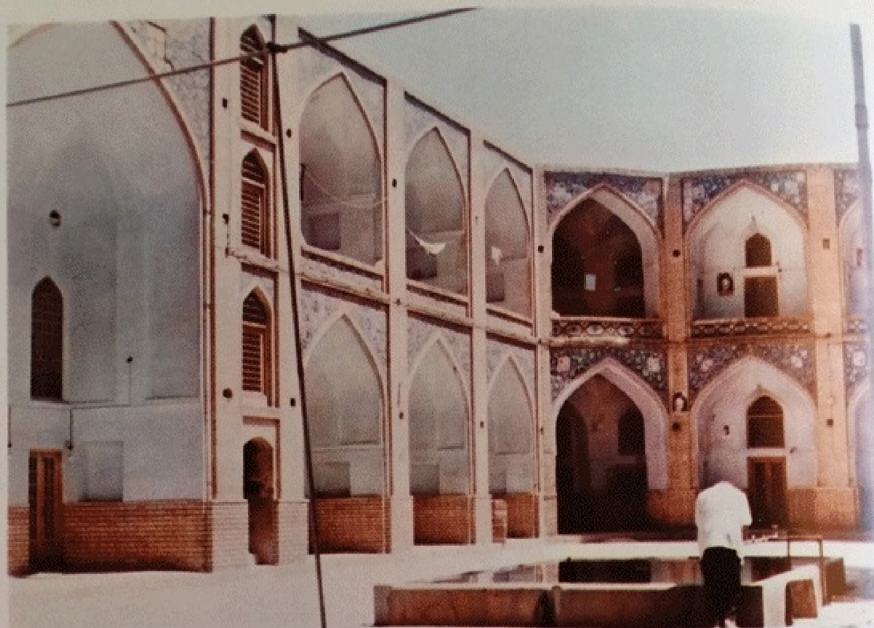


حرم و گنبد مطهر امامزاده «اسماعیل» در قسمت جنوبی مدرسه علمیه امامزاده «اسماعیل» اصفهان



سردرب مدرسه هارونیه، در جوار امامزاده هارونیه اصفهان

عکس

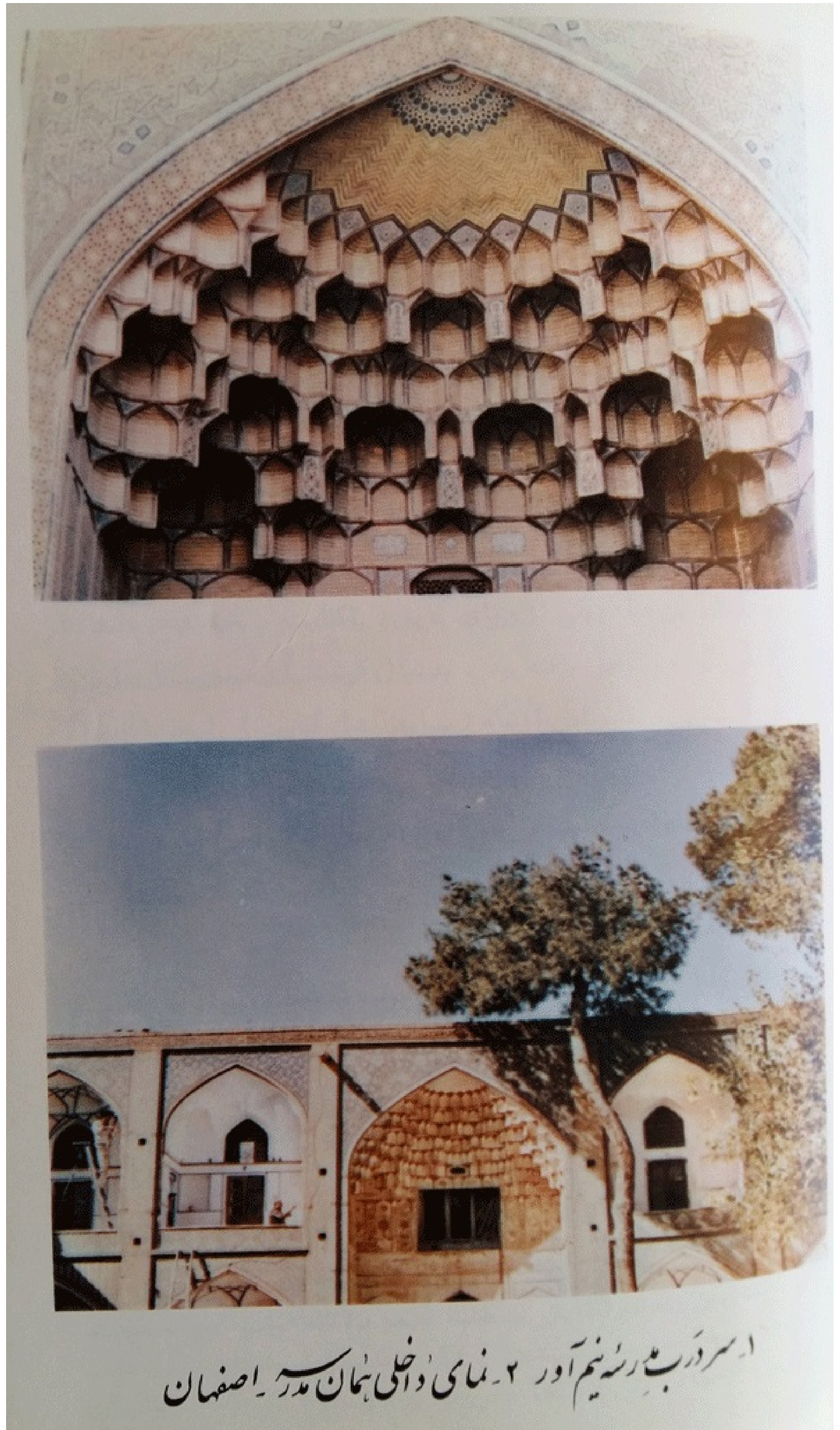


مدرسه جدّه بزرگ - اصفهان



مدرسه کاسه‌گران - اصفهان

عکس



۱- سردرب مدرسهٔ نیم آورد ۲- نمای داخلی همان مدرسه- اصفهان

و اما غیر از این دو زمان(در قسمت های دیگر تاریخ اصفهان)،گرچه دانشمندانی از شیعه در این شهر بوده اند و چه بسا از فروزانترین چهره های علمی،هم بشمار می رفته اند،ولی حاکمیت قدرت های سنی مسلک و تعصبهای شدید مخالفین بر علیه تشیع،مانع تشکیل حوزهٔ علمیه برای شیعه میگردیده است (۱).

بنابراین،برای معرفی حوزهٔ علمیهٔ اصفهان،از دورهٔ صاحب بن عباد، شروع می نمائیم.

دو شخصیت،در یک قالب

اسماعیل بن عباد،یکی از وزرای لایق،باکفایت،بخشنده،بلندنظر و عظیم الشأن بوده و توفیق یافته بود،بدنبال کوششهای موفق و نشأت گرفته از لیاقت و کاردانی،لقب کافی الکفاه(سرآمد اهل کفایت)را بخود اختصاص دهد و بعنوان یکی از بزرگترین چهره های وزارت در طول تاریخ ایران بشمار آید و این یک بعد از شخصیت او بود.ولی همین انسان برجسته،دارای شخصیتی فقهی،کلامی،لغوی،ادبی و....(و در یک کلام،شخصیتی علمی)نیز بوده است.

ابن عباد،دارای تسلط،بر علوم گوناگونی بوده که شمارهٔ آنها به ده علم می رسد که عبارتند از ۱-تفسیر ۲-فقه و حدیث ۳-کلام(عقائد) ۴-لغت ۵-نحو ۶-صرف ۷-عروض ۸-نقد ادبی ۹-تاریخ و رجال ۱۰-طب.

و در همان زمینه،کتابهای فراوانی تألیف نموده است که شمارهٔ آنها به بیش از

---

۱ - ۱) گاهی از دوره ها عالمی از علماء شیعه،در یک محیط محدود و یک مدرسهٔ مشخص،تدریس و تعلیم مطابق مذهب شیعه داشته است،همانند علاء الدین محمد(معروف به شهشهان)که در مدرسهٔ شهشهان تدریس میکرده و پس از شهادت وی در آنجا دفن گردیده و امروز به نام بقعهٔ شهشهان معروف است.

سی عـدد،میرسـد و هم اکنون پـانزده عـدد از آنهـا موجود می باشـد و از بقیـهٔ آنهـا تنهـا نامی در تاریـخ مانـده و خود آنها در حوادث تاریخی،از بین رفته است.

حوزهٔ درسی صاحب بن عباد

در مجلس درس صاحب،آنقدر جمعیت حاضـر میشد که بنا بنقل مجمع البحرین از شـهید ثانی،شمارهٔ مستمعین،باندازه ای بود که صدای صاحب،بآنها نمیرسید و برای املاء درس او،شش نفر واسطه بوده اند که آنرا به شاگردان برسانند (۱)

و در ارشاد کوپائی نقل میکند که عدهٔ شاگردان هیچ حوزهٔ درسی،باندازهٔ شاگردان صاحب نبوده است (۲)

و در اکثر اوقات،در محضر او بسیاری از ادبا و شعراء و اهل علم،حاضر بوده و از بیانات او استفادهٔ علمی مینموده اند.

از ثعالبی نقل شده که:عدهٔ بسـیاری از شـعراء و ادباء و اهل علم در اصـفهان و ری و جرجان،همیشه در محضـر صاحب حاضـر بودند،مانند...(آنگاه نام عده ای از بزرگان را ذکر می نماید.

کتابخانهٔ عظیم صاحب بن عباد

وی کتابخانهٔ بزرگ و مفصـلی داشته که در عظمت و گستردگی و تنوع کتابهای آن،همین بس که شمارهٔ مجلدات آنرا با رقم دویست و ششهزار (۳)و بنقلی دویست و هفتاد هزار (۴)تعیین نموده اند و فهرست آنها در ده مجلد

۱- ۱) هدیه العباد،در شرح حال صاحب بن عباد ص ۱۲۳،و روضات الجنات ج ۲ ص ۲۸

۲- ۲) هدیه العباد،در شرح حال صاحب بن عباد ص ۱۲۳

۳- ۳) آل بویه و اوضاع زمان ایشان صفحهٔ ۵۳۴

۴- ۴) اصفهان،تألیف دکتر هنرفر صفحه ۲۶۰

جمع آوری گردیده بوده و تنها برای حمل و جابجائی آنها،نیاز به بیش از چهار صد شتر بوده است (۱)و اینک وقت آن میرسد که بیان داریم چرا صاحب را دو شخصیت در یک قالب،نامیدیم،

صاحب در وقتی درصدد املاء کردن حدیث برآمد،روزی طیلسان(نوعی رداء که خطیب ها و قاضی ها بر دوش می اندازند)پوشید و تحت الحنك انداخت و با لباس علماء از خانه بیرون آمد و به علمای حاضر،اظهار داشت که آیا سابقهٔ مرا در علم میدانید،همه تصدیق کردند.آنگاه گفت با اینکه من،هرچه از کودکی تا امروز خرج کرده ام از اموال پدر و جدم بوده معهذا خالی از لغزش نبوده ام،من،خدا و شما را به شهادت میطلبم که از هرگناهی که مرتکب شده ام بدرگاه خدا توبه می کنم.

صاحب آنگاه خانه ای(اطاقی)را به خود اختصاص داد و نام آنرا، بیت التّوبه گذاشت و یک هفته در آن ماند،بعد از آن دستخط فقهاء را مبنی بر درستی توبه خود،دریافت داشت و پس از همهٔ اینها به املای حدیث پرداخت و خلق کثیری،در مجلس املای او حاضر میشدند (۲)

آری،خودش توجه داشت که مسئولیت وزارت و اشتغالات اجتماعی، شخصیتی می طلبد و تدریس و املای حدیث،شخصیتی دیگر و در نتیجه،گاه حاضر میشد،در صحنهٔ تلاش و در امروزارت با تدبیری کامل و لیاقتی شایسته و کفایتی بی نظیر،و گاه ظاهر میشد در صحنهٔ تدریس و تلاش علمی،با فکری قوی و تحقیقی متین و اندیشه ای ژرف نگر،در کسوت علماء و فقهاء.

و بهمین جهت است که ستایش هائی که از او شده آنچنان است که اگر تنها ویژگی های مربوط به وزارت او نقل شود،انسان باور نمی کند که این ستایشها دربارهٔ یک متکلم فقیه باشد،و وقتی ویژگی های مربوط به جنبهٔ فقهی و کلامی و ادبی او نقل شود،گمان نمیرود که اینها مربوط به یک وزیر باشد و اینک نمونه ای از این ستایش ها:

۱- ۱) آل بویه و اوضاع زمان ایشان صفحه ۵۳۴

۲- ۲) آل بویه و اوضاع زمان ایشان ص ۲۸۹ بنقل از المنتظم و معجم الادباء

مولی محمد تقی مجلسی:او از افقه فقهای امامیه(از متقدم و متأخر آنها) است و علامه و رئیس المحدثین و المتکلمین،می باشد و هراندازه از علم و فضل،مذاکره شود مقام صاحب بالاتر از آنست (۱)

شیخ صدوق،در مقدمهٔ عیون اخبار الرضا......تصنیف کردم این کتاب را....زیرا نیافتم چیزی را که نزد او(صاحب)،از علوم اهل بیت بهتر و باارزش تر باشد،زیرا او به ریسمان آنها چنگ زده و به ولایت آنها تمسک جسته است (۲)

شیخ بهائی:او در شأن و مقام برابری دارد.با محمد بن مسلم ثقفی و هشام ابن حکم و زراره بن اعین و جمیل بن دراج و اشباه ایشان (۳)

تشیّع صاحب،طبق گواهی اشعار و نوشته ها و موضع گیری های او،امری مسلم و روشن است و بعلاوه شخصیت شناسهای بزرگی همانند:

۱-مرحوم سید رضی

۲-مرحوم شیخ صدوق

۳-مرحوم آخوند ملا محمد تقی مجلسی

۴-شیخ بهائی

۵-ابو علی،در منتهی المقال

۶-شیخ حر عاملی

۷-قاضی نور اللّه تستری

۸-ابن شهرآشوب

۹-مرحوم آخوند ملا محمد باقر مجلسی

۱۰-صاحب روضات الجنات

۱۱-مرحوم صدر،در کتاب تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام

۱۲-علامه حاج آقا بزرگ تهرانی

۱- ۱) روضات الجنات ج ۲ ص ۲۶

۲- ۲) روضات الجنات ج ۲ ص ۲۵

۳- ۳) هدیه العباد،در شرح حال صاحب بن عباد ص ۴۸

۱۳-مرحوم حاج شیخ عباس قمی

۱۴-علامهٔ امینی

۱۵-شیخ عبد العزیز جواهری در آثار الشیعه الامامیه (۱)

و......همه او را به عنوان شیعه،آنهم با مقامات بلند ایمانی،علمی، خدماتی،مورد بزرگترین ستایشها قرار داده اند.

و از سوی دیگر،صاحب در حدود ده هزار شعر در فضائل اهل بیت و بیزاری از دشمنان آنها سروده است (۲)

و جالب است که صاحب،بیست و هفت قصیده بسیار زیبا در شأن امام علی علیه السّلام سروده که هریکی از آنها خالی از یکی از حروف تهجی است و فقط قصیدهٔ بی واو را موفق نشده بسراید و در اعیان الشیعه گوید:شاید صاحب،این رویّه را از،واصل بن عطأ،گرفته که بجهت نداشتن مخرج حرف رای(بی نقطه) اصلا این حرف را در محاورات خود بکار نمی برده است (۳).

از اشعار اوست:

)لو شقّ عن قلبی یری وسطه)سطران قد خطّا بلا کاتب

) العدل و التّوحید فی جانب)و حبّ اهل البیت فی جانب

یعنی اگر دل من شکافته شود،در وسط او دیده میشود که دو سطر نوشته شده بدون اینکه کاتبی داشته باشد.

عدل و توحید در جانبی از دل من،و محبت اهل البیت،در جانب دیگر آنست.

و همچنین نقش نگین صاحب،این جمله بود علی اللّه توکّلت و بالخمس توسّلت و نقش انگشتر دیگرش این بود:

)شفیع اسماعیل فی الآخره)محمّد و العتره الطّاهره

۱- ۱) هدیه العباد،از ص ۳۹ تا ص ۴۹

۲- ۲) هدیه العباد،ص ۴۲

۳- ۳) ریحانه الادب،جلد ۸ ص ۹۳

و جالب است بدانیم که،قاضی عبد الجبار معتزلی،پس از وفات صاحب گفت:

من بر جنازهٔ او نماز نمی گذارم و بر او رحمت نمی فرستم چرا که او رافضی است و از این طریقه و روش،توبه نکرده است (۱)

باتوجه به تمام آنچه گذشت،میتوانیم بگوئیم صاحب بن عباد در آن دورهٔ تاریخ،با تمام مشکلاتی که وجود داشت و شهر اصفهان سنی نشین بود،یک حوزهٔ درسی و علمی شیعی،با ویژگی های مناسب که همراه با نوعی تقیه باشد تشکیل داد،و اولین گام برای حوزهٔ علمیهٔ شیعه،بوسیلهٔ او در اصفهان برداشته شد،و بذری که او پاشید در آینده بثمر رسید،همانطوریکه فعالیت های قاضی نور اللّه تستری شهید،در هند،اولین گام حوزه ای در آن کشور بحساب میرود و پس از او تشیع در هندوستان،رشد و گسترش زیادی،یافت.

در اینجا با اعتراف به ناتوانی در شناختن ارزشها و خدمات این بزرگمرد تاریخ تشیع،و عجز در معرفی شخصیت فوق العاده و بیرون از حد توصیف او، بحث را در هم پیچیده و وارد معرفی بخش دوم،یعنی تأسیس حوزهٔ علمیهٔ اصفهان،در زمان صفویه میشویم.

۱- ۱) هدیه العباد،ص ۹۹

حوزهٔ علمیهٔ اصفهان،در زمان صفویه

پس از انتقال پایتخت،از قزوین به اصفهان،فقیه و دانشمند بزرگوار مرحوم محقق کرکی،مشهور به محقق ثانی(و بقول شهید ثانی امام محقق) اولین اقدام را برای تأسیس حوزهٔ علمیهٔ اصفهان انجام داد.

سپس با آمدن استاد بزرگ و دانشمند عظیم القدر و عامل انتشار فقه و حدیث مولی عبد اللّه تستری،آن یگانه استاد و آن فرزانهٔ محقق،یک تحول و گسترش سریع و عمیقی در حوزهٔ علمیهٔ اصفهان بوجود آمد،بطوری که حوزهٔ اصفهان که در وقت ورود ایشان ۵۰ نفر از طلاب علوم دینیه را دربر می گرفت،پس از چهارده سال،بیش از هزار نفر از بزرگان و علماء در حوزهٔ اصفهان گرد آمده بودند و مرحوم ملا محمد تقی(مجلسی اول)بهمین رقم در تشییع جنازهٔ مولی عبد اللّه تستری،اشاره کرده و میفرماید:من کمترین طلبه در میان آنها بودم که در تشییع جنازه شرکت کردم.

حوزهٔ اصفهان،بدینگونه رو به گسترش بود،و با آمدن علماء بزرگ از،عراق و جبل عامل(جنوب لبنان)،به سوی این حوزهٔ نوپا و ساخته شدن مدارس گوناگون و فراوان و تربیت سریع و گستردهٔ فضلاء،و رسیدن آنها به مقامات بلند علمی و تقوائی،آنچنان رونقی در حوزهٔ علمیه اصفهان پدید آمد که همه را تحت الشعاع خود قرار داد و لقب(دار العلم شرق)گرفت (۱)

حوزهٔ اصفهان باوجود شیخ بهائی،ملا عبد اللّه تستری،مجلسی اول، مجلسی دوم،میرداماد،ملاصدرای شیرازی،میرفندرسکی،محقق سبزواری آقا حسین خوانساری و صدها نابغه و شخصیت ممتاز دیگر،از درخشنده ترین حوزه های علمیه در طول تاریخ تشیع،گردید و این دوره از حوزهٔ اصفهان، در ردیف اول جدول حوزه های علمیه،قرار گرفت (۲)

ص :۳۶۷

۱- ۱) تاریخ فرهنگ اصفهان ص ۸۸

۲- ۲) این دومین باری بود که ایران مرکز فقه جعفری میگردید و اولین بار آن، دورهٔ صدوقین بود،که قم و ری مرکز فقه شیعه بودند.

حوزهٔ اصفهان و یک اقدام مؤثر

علامهٔ مجلسی مشهورترین چهرهٔ حوزهٔ علمیهٔ اصفهان،تألیف کتاب دینی بزبان فارسی را در این دوره رواج داد و با تألیف کتاب های متعدد عقیدتی و اخلاقی و فقهی،آشنائی عموم مردم را به مباحث دینی و مطالب اسلامی،آسان و عملی ساخت و در حقیقت،یک گام بلند بسوی گسترش آگاهی عمومی،نسبت به معارف مکتب اهل البیت علیهم السّلام،برداشت.

حوزهٔ علمیهٔ اصفهان و حفظ اسناد فرهنگ تشیع

امروزه،یکی از خدمت های بزرگ،به یک کشور و یک سیاست و حکومت، حفظ اسنادی است که بشکلی می تواند در شناختن واقعیت های موردنیاز مؤثر واقع گردد و لذا بودجه های سنگینی برای این کار،در نظر گرفته میشود و امکانات فراوانی،بدین کار اختصاص می یابد.

مرحوم مجلسی رضوان اللّه علیه،با کمک اعضای فعال حوزهٔ علمیهٔ اصفهان (شاگردان مبرز و قابل توجه ایشان)یک خدمت بسیار بزرگ،به فرهنگ تشیع و اهل البیت نمود که او و حوزهٔ علمیهٔ اصفهان را به عالیترین حد ارزش، و کمال رساند،این خدمت بزرگ،بصورت دو برنامه تجلی یافت که یک نتیجه را بدنبال داشت:

۱-ایشان،با کمک فضلاء و یاران و کسانیکه در شهرهای گوناگون،امکان فعالیت، داشتند،کتابهای خطی قدیمی و نسخه های نادر و کمیاب،و تألیفات گرانقدر را به سوی حوزهٔ علمیهٔ اصفهان جذب نمود،کتابهائی که در کتابخانه های گمنام و یا کتابخانه های شخصی و چه بسا در دست کسانی که به هیچ وجه اهمیت کتاب را نمی دانستند بود،ولی برای شیعه ذخیره ای گرانبها و برای احیاء آثار ائمه معصومین،سند و پشتوانه ای بی نظیر،و برای اثبات عظمت علمی شیعه،وسیله ای بی همتا،می بود.

آری با جذب چنین کتابهائی به سوی حوزهٔ علمیهٔ اصفهان و نسخه برداری از آنها بطور متعدد،و سپس نشر آنها در مراکز مختلف،خدمت بزرگی به نشر آثار علمی و دینی،انجام گرفت و چه بسیار است کتابهائی که پس از این اقدام،در حوادث گوناگون،سوخته یا گم شده و یا بغارت رفته و تنها نسخه ای از آن،که بوسیلهٔ حوزهٔ درسی مرحوم علامهٔ مجلسی و نظارت ایشان نوشته شده،باقیمانده است و اگر این بزرگ مرد چنین نکرده بود،چه بسا امروز از آن کتاب،اثری نبود جز نامی در فهرست کتابخانه ها.

و بنابراین،اولین قدم بزرگ این حوزه،نسخه برداری از کتابهای نفیس علماء بزرگ شیعه،از دوره های اولیه تا به آنروز بوده است.

و در یک کلام،اگر امروز کتابهای اصحاب ائمه و علمائی همچون صدوق،کلینی شیخ طوسی،شیخ مفید،سید مرتضی،محقق حلی،علامهٔ حلی،خواجهٔ طوسی و.....در دست رس ما است،این امر تا حد بسیار زیادی مرهون خدمات حوزهٔ علمیهٔ اصفهان،با تلاشها و رهبری علامهٔ مجلسی ره،می باشد.

۲-علامهٔ مجلسی،علاوه بر جمع آوری کتابهای اصلی و پایه ای،و نسخه برداری و تکثیر آنها،با شروع در نوشتن دائره المعارفی بزرگ،از احادیث پیامبر و اهل البیت علیهم السّلام،بکار بزرگی دست زدند که در تاریخ تشیع،میدرخشد و عظمت اهل البیت علیهم السّلام و فرهنگ آنها را آشکار میسازد و درعین حال وسیلهٔ سربلندی حوزهٔ علمیهٔ اصفهان،گردیده است.

آری علامه مجلسی با استفاده از شرائط گسترده و ویژهٔ حوزهٔ علمیهٔ آنروز اصفهان، مجموعه ای را بوجود آوردند،بنام بحار الانوار که در حفظ و نشر گستردهٔ آثار پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم و ائمه،نقشی اساسی و حیاتی،دارد و بهمین جهت است که علامهٔ مجلسی را زنده کنندهٔ آثار و احادیث ائمه علیهما السلام می شمرند.

بحار الانوار،از ویژگی هائی برخوردار می باشد که،توانسته است بخوبی از عهده رسالتی که بر عهده دارد،برآید و نقش یک دائره المعارف غنی و پرمایه را

برای فرهنگ شیعه،ایفاء نماید.

علامـهٔ مجلسـی در بحار الانوار،پس از دسـته بنـدی مباحث و موضوعات و باز کردن بابی برای هرکدام،در ابتداء هرباب،آیات منـاسب آنرا آورده و سـپس تفسـیر آنهـا را ذکر نمـوده و پس از آن،روایـات مربـوط به آن بـاب را،گردآوری نموده و در آن باب،گنجانیده و هرجا شـرح دادن یک روایت یا جمله ای از یک حدیث ضروری بوده انجام داده،آنهم در زمینه های مختلف فقهی،تفسیری، فلسفی،کلامی،تاریخی،نجومی،ادبیاتی و......

و باین نحو یک دائره المعارف پربرکت و مفید بوجود آمده،که حافظ فرهنگ تشیع و عامل حیاتی،برای نشر و ترویج گستردهٔ آن،میباشد.

تداوم حوزهٔ علمیهٔ اصفهان

گرچه حملـهٔ افغانها،در آخر حکومت صـفویه و همچنین نقشه های شوم اسـتعمار گران و اجرای آنها بدست حکومت خبیث و مزدور پهلـوی،ضـربه هـای مهلکی بر حوزهٔ علمیـهٔ اصـفهان وارد سـاخت و از شوکت و عظمت اولیـهٔ آن،کـاست و از آنطرف تأسـیس حوزهٔ علمیـهٔ فعلی قم،پس از هجرت مرحوم آیت اللّه العظمی حـائری یزدی،بسوی این شـهر مقـدس و مرکزیت یـافتن آن،همراه با عظمت و جاذبـهٔ عظیم آن،که در اثر امکانات فراوان تحصـیلی،مطالعاتی،تبلیغی،اجتماعی بدست آمده است،سـبب شد که طلاب و فضلاء زیادی از اصفهان رهسپار قم شوند و حوزهٔ اصفهان کم رونق شود.

ولی با تمام این شـرائط و حالات،حوزهٔ علمیهٔ اصـفهان،در برابر تمام حوادث مقاومت کرده و در شرائط سخت و کوبنده،علماء و مدرسـین آن در حفظ حوزه کوشـیده انـد و پس از مساعـد شـدن زمینه و کم شدن فشارها،به رشد و گسترش آن پرداخته و حوزه را تـداوم بخشـیده انـد،و تمام رتبه های درسـی (مقدمات،سـطح-خارج)را در حوزهٔ اصـفهان حفظ نموده و در کنار آن، فعالیتهای تبلیغی،مبارزاتی،خدماتی،اجتماعی را،بنحو گسترده ای انجام داده اند و حوزهٔ اصـفهان را پس از قم و مشـهد در رتبهٔ سوم حوزه های

علمیهٔ ایران،نگه داشته اند.

حوزهٔ علمیهٔ اصفهان،در زمان معاصر

پس از شروع نهضت اسلامی و بخصوص پس از پیروزی آن و تحقق یافتن انقلاب اسلامی،تحرک حوزهٔ علمیهٔ اصفهان بسیار افزایش یافته است.بطوریکه یکایک مدارس علمیهٔ اصفهان که در شرائط گذشته،مخروبه شده بودند،مورد تعمیر و یا تجدیدبنا قرار میگیرند و تقریبا همه آنها مسکونی طلاب شده اند و چه بسا یک طالب علم،مدتی در انتظار می ماند تا حجره ای برای سکونت پیدا کند.

و مخصوصا مدرسهٔ علمیهٔ ذو الفقار،به ضمیمهٔ چند منزل در جنب آن،با زیر پوشش قرار دادن حدود یکهزار طلبه،(اعم از طلاب تمام وقت و طلاب متفرقهٔ تکدرسی)از تحرک و پیشرفتی فوق العاده و تحسین برانگیز،برخوردار شده و در سطح بهترین مدرسه های دارای برنامه،قرار گرفته است.

چهره هائی درخشان،از حوزهٔ علمیهٔ اصفهان

اشاره

از زمان تأسیس حوزهٔ علمیهٔ اصفهان بوسیلهٔ محقق کرکی،علماء بزرگی در این شهر بکار علوم اسلامی و تدریس و تعلیم علوم اهل البیت علیهما السلام ، پرداخته اند و یا در این شهر تربیت و تعلیم یافته اند،که سندی گویا بر عظمت این حوزه می باشد و لذا به عنوان ذکر نمونه،تعدادی از آنها را بطور فشرده یاد می کنیم و تفصیل مطلب دربارهٔ عده ای از همین علماء،در بخش (پرچمداران حوزه های علمیه)و نیز بخش(چهره های بارز تقوی،در حوزه های علمیه)خواهد آمد انشاء اللّه تعالی

و اینک معرفی اجمالی آن شخصیت ها به ترتیب زمان وفات و درگذشتشان (۱)

ص:۳۷۱

۱- ۱) برای این معرفی اجمالی،عمده بر دو کتاب ریحانه الادب و تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان تکیه کرده ایم ولی برای ابهام زدائی از برخی نقاط بحث،از کتاب اعیان الشیعه و روضات الجنات و دیگر کتب تراجم و رجال،بهره جسته ایم.

۱-محقق کرکی

شیخ علی بن عبد العالی،عاملی کرکی،معروف به محقق ثانی و موصوف به مروّج المذهب،المولی المروج،عالم ربانی و....

وی،بزرگترین شخصیت های شیعه و عالم عامل و فقیه کامل و مجتهد اصولی و محقق مدقق و نادرهٔ روزگار و پایه گذار حوزهٔ علمیهٔ اصفهان بوده است.

بعد از خواجه نصیر الدین طوسی،کسی نیامده که باندازهٔ این بزرگمرد الهی در ترویج دین و رفع بدعت ها و احیاء سنّهها،بر مبنای مکتب اهل البیت علیهم السّلام کوشیده باشد.

بیش از بیست تألیف دارد که از میان آنها کتاب جامع المقاصد،از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است و فحول علماء،از آن بهره مند میشوند.تاریخ شهادت این رادمرد الهی ۹۴۰ هجری می باشد (۱)

۲-مولی عبد اللّه تستری

از بزرگترین علمای شیعه که در تربیت فقهاء و محدثین و گسترش و عمق بخشیدن به حوزهٔ علمیهٔ اصفهان،نقش اساسی داشته و در مدت چهارده سال تدریس او در این حوزه،پایه گذاری شخصیت علمأ بزرگی همچون ملا محمد تقی مجلسی انجام گرفته است.

در زهد و عبادت چهرهٔ نمونه بوده،تا جائیکه او را با عنوان صائم الدهر و قائم اللیل ستوده اند،در خوراک و پوشاک به سدّ رمق و کمترین حد،اکتفا می نموده است.

او در محضر مقدس اردبیلی،استاد بزرگوار خود بمقام بلندی از خودسازی نائل گشته بود،و سند گویای عظمت علمی او یکی،شاگردانی است که پرورده و دیگری هفت جلد کتاب،در شرح قواعد علامهٔ حلی است که،دربرگیرندهٔ تحقیقات علمی وی می باشد.

۱- ۱) در بخش علماء شهید از حوزه های علمیه،دربارهٔ محقق کرکی بنحو مفصل تری،بحث کرده ایم.

او در سال ۱۰۲۱ یا ۱۰۲۳ وفات یافت و در مقبره امامزادهٔ اسماعیل دفن گردید و پس از یک سال که خواستند جنازه اش را به کربلا منتقل نمایند هیچ تغییری در جسد مطهر او حاصل نگردیده بود.

۳-شیخ علی منشار عاملی

پدرزن شیخ بهائی و از شاگردان محقق کرکی بوده است،وی پس از وفات استادش به منصب شیخ الاسلامی رسید.

۴-شیخ بهائی

نام وی محمد بن حسین عاملی جبعی است و با اوصافی،از قبیل:

شیخ الفقهاء،استاد الحکماء،رئیس الادباء،علامه الدهر،فهامه العصر،شیخ الاسلام و المسلمین،جامع العلوم العقلیه و النقلیه......

مورد ستایش شخصیت شناس ها،قرار گرفته است.

او در علم فقه،اصول،حدیث،رجال،تفسیر،حکمت،کلام،ادبیات شعر،ریاضیات،نگارش و.....و همچنین در علوم غریبه بمقامی از عظمت رسیده که نه تنها افتخار شیعه و حوزه های علمیه است بلکه مسلمین،در برابر ملل دیگر،میتوانند وجود او را سند برتری خود بدانند.

در زمینهٔ مقامات معنوی و تزکیهٔ نفس و تصفیهٔ باطن و تخلّق باخلاق الهی چهرهٔ درخشان تاریخ شیعه شمرده میشود و در انجام کارهای خارق عادت و شگفتی آفرین،شهرت همگانی و عجیب دارد.

مرحوم شیخ بهائی،شاگردانی پروریده که عظمت علمی او را بروشنی اثبات مینماید.همانند ملا محمد تقی مجلسی اول،محقق سبزواری،فیض کاشانی،ملاصدرای شیرازی،فاضل جواد و.....که هرکدام از آنها سرفصل و محور حرکت های علمی و تحقیقی بوده اند.

بیش از نود کتاب در رشته فقه،اصول،تفسیر،حدیث و رجال،درایه ادبیات،ریاضی،جبر،هندسه،اسطرلاب،هیئت،جفر،طلسمات،

از خود بجای گذاشته که براستی می توانند نشان دهندهٔ این حقیقت باشند که شیخ بهائی اعجوبهٔ روزگار بوده است.

شیخ بهائی،که همراه پدرش از جبل عامل به اصفهان آمده بود سفرهای بسیار زیادی به هرات،اران،آذربایجان،مصر،شام،حلب،فلسطین عراق،سراندیب،مکه و مدینه،داشته و در هرشهری توقف نموده، ملاقاتها و مباحثات علمی فراوانی را انجام میداده است.

شیخ بهائی مدتی قبل از وفاتش،با عده ای از بزرگان بزیارت اهل قبور رفت و از قبری صدائی شنید که(شیخنا در فکر خود باش)و بدنبال این جریان،در سال ۱۰۳۰ یا ۱۰۳۱ وفات یافت.

۵-شیخ لطف اللّه میسی عاملی

از فقهاء عالیمقام و محققین عظیم الشأن،و با شیخ بهائی همزمان و دوست و صمیمی بوده است و مرحوم شیخ بهائی،فقاهت و مقام علمی او را مورد تصدیق قرار داده است.او در مسجد شیخ لطف اللّه در میدان امام،میدان شاه سابق اقامهٔ جماعت می نمود و در مدرسهٔ عظیمی که پهلوی آن بود(و هم اکنون وجود ندارد بلکه تبدیل به خانه و سرای شده است)تدریس می نمود و در اوائل سال ۱۰۳۲ یا ۱۰۳۵ ه در شهر اصفهان وفات یافت.

۶-میرداماد

بنام میر محمد باقر و نوهٔ محقق کرکی است که ازدواج پدر او با دختر محقق کرکی،در اثر خوابی بود که محقق از امیر المؤمنین علیه السلام دید و حضرت دستور چنین ازدواجی را دادند و خبر دادند که فرزندی ظاهر خواهد شد،که وارث علوم انبیاء و اوصیاء خواهد گردید.

براستی چنین است،میرداماد از عظیم ترین فلاسفهٔ اسلامی و جامع علوم عقلی و نقلی،کلامی و فقهی بوده و در حل مشکلات فقهی و حدیثی،بی نظیر بوده است.

میرداماد خود را در مقام معلمی با فارابی،هم طراز و در ریاست حکمای اسلامی،با شیخ الرئیس ابو علی سینا،همتا و شریک می شناخته است.

در زهد و تقوی و انجام عبادات شگفتی می آفرید،یک نافله از او فوت نشد و چهل سال در وقت خواب دراز نکشید و در هرشبی نصف قرآن را می خواند و همچنین بیست سال،تا کار مباحی به حد وجوب و ضرورت نمی رسید مرتکب نمی گردید.

کتابهای زیاد و شگفتی آفرین،با روشی ابتکاری در حدود پنجاه عدد تألیف کرده است که در رشته های حدیث،فقه،کلام،تفسیر،حکمت، اصول فقه،منطق،ریاضی و رجال می باشد و قدرت علمی و تسلط فکری و تنوع معلومات او را باثبات میرساند.وی در حدود سال ۱۰۴۰ وفات یافت، و در شهر مقدس نجف اشرف دفن گردید.

۷-ملاصدرای شیرازی

محمد بن ابراهیم شیرازی،ملقب به صدر المتالهین و معروف به صدرا و ملاصدرا.

او از مبرزترین چهره های فلسفۀ اسلامی و سرفصل حرکت تکاملی فلسفۀ الهی می باشد،که نه تنها در این علم بلکه در تفسیر و کلام و حدیث،از تبحری شگفتی آفرین برخوردار بوده است.

او در دقت نظر،تیزهوشی و بینش،از عجائب روزگار است و استادانی همچون شیخ بهائی،میرفندرسکی،میرداماد داشته و شاگردانی همانند فیض کاشانی،ملا عبد الرزاق لاهیجی پروریده است.

ملاصدرا در عبادت و زهد،مقامی بس بلند دارد و هفت مرتبه پیاده به حج مشرف گردیده است،بیش از پنجاه کتاب و رسالۀ پرارزش و چه بسا ابتکاری که عمده در فلسفۀ الهی،تفسیر قرآن و شرح احادیث می باشد و از همۀ آنها مشهورتر،کتاب اسفار اربعه است که از کتب درسی فلسفه می باشد،و کتاب

شرح اصول کافی او،از مهمترین شروح کافی شمرده می شود.

در سفر هفتمش به حج،در سال ۱۰۵۰ در بصره وفات یافت و همانجا دفن گردید.

۸-میرفندرسکی

میرزا ابو القاسم معروف به میرفندرسکی،حکیمی است موحد و فیلسوفی است متألّه،در حکمت طبیعی و الهی،در ریاضی و تمامی علوم عقلیه یگانه روزگار بود و با شیخ بهائی و میرداماد همزمان،در تدریس قانون و شفای ابو علی سینا،از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است.

میرفندرسکی،از مجالست با بزرگان و اشراف پرهیز می نمود و اغلب،با فقرا و افرادی که اهل ذوق و حال بودند مجالست می نمود.او در سال ۱۰۵۰ هجری قمری در اصفهان وفات یافت و در تکیهٔ میر دفن گردید.

۹-آقا رفیعا نائینی

میرزا رفیع الدین محمد بن حیدر،از علمای بزرگ قرن ۱۱ می باشد که در محضر شیخ بهائی،تحصیل علم و کمال نموده و شاگردانی همچون علامهٔ مجلسی،شیخ حر عاملی تربیت نموده و افتخاری برای حوزهٔ علمیهٔ اصفهان می باشد.

بیش از ده کتاب نفیس و ارزشمند تألیف کرده و در علوم متنوع همانند فقه، اصول فقه،حکمت و کلام،به مرتبهٔ بلندی رسیده تا جائیکه او را علامهٔ عصر و یگانهٔ روزگار خود،نامیده اند،وی در حدود سال ۱۰۸۰ بدرود حیات گفته است.

۱۰-ملا محمد تقی مجلسی

از علماء بزرگ و از محدثین عالیمقام مکتب اهل البیت علیهم السّلام می باشد،و از محضر ملا عبد اللّه شوشتری و شیخ بهائی استفاده علمی و تربیتی

نموده و بمقامی بلند در فقه و حدیث و رجال رسیده است.

نخستین کسی است که در حوزۀ علمیۀ اصفهان به کار نشر احادیث اهل- البیت،همت گماشت و زمینه را برای حرکت عظیم ملا محمد باقر مجلسی،در زمینۀ نشر احادیث،فراهم ساخت.

او در مقام بندگی و اطاعت و زهد و پارسائی،چهرۀ فروزندۀ حوزۀ علمیۀ اصفهان بود و در بهره مندی از تأییدات الهی،مقامی بس ارجمند داشت.

کتابهای زیادی تألیف کرده که نمونۀ آن روضه المتقین است که شرحی است بر کتاب نفیس(من لا یحضره الفقیه)و اخیرا در چهارده جلد قطور چاپ شده است.

وفات ایشان در سال ۱۰۷۰ هجری واقع گردیده است.

۱۱-ملا صالح مازندرانی

محمد صالح مازندرانی که از شاگردان مبرز مولی محمد تقی مجلسی و شیخ بهائی و ملا عبد اللّه تستری بوده است کتابهای تحقیقی فراوان نوشته و از میان آنها شرح او بر اصول کافی،معروف تر از همه می باشد.

او با اینکه کم حافظه بوده ولی محققی مدقق و فقیهی جامع و مؤلفی گرانقدر بوده است.وی در سال ۱۰۸۶ در اصفهان وفات یافته است.

۱۲-ملا محمد باقر سبزواری

مجتهدی عظیم الشأن و محققی بزرگوار بوده است که از رؤساء علماء و مدرسین اصفهان شمرده شده و او را با عنوان محقق سبزواری یاد می کنند در محضر شیخ بهائی،میرفندرسکی و ملا حسنعلی فرزند ملا عبد اللّه تستری تحصیل نموده و در علم فقه،حدیث،اصول،حکمت،کلام و رجال بمقامی بلند رسیده و با مرحوم فیض کاشانی رابطۀ دوستی داشته است.

از کتابهای متعدد او،ذخیره المعاد و کفایه الفقه از شهرت بیشتری برخوردارند او در سال ۱۰۹۰ هجری در اصفهان وفات یافت و جنازه اش را به مشهد مقدس بردند و در سردابی،محاذی قبر شیخ حر عاملی دفن نمودند.

۱۳–محقق خوانساری

آقا حسین خوانساری که در کلمات اساتید فن،با عنوان:فرید الدهر و وحید العصر و استاد الحکماء و المتکلمین و مربی الفقهاء و المحدثین،ستایش شده است و بجهت آنکه در هریک از علوم عقلیه و نقلیه تدریس می نموده او را، استاد الکل فی الکل و بدلیل آنکه پدر و پسر او هردو به نام جمال بودند، او را ذو الجمالین،نامیده اند.دقت نظر،تیزهوشی،سرعت انتقال و فطانت او معروف بوده است و در فهم مطالب دقیق و عمیق،احتیاج به فکر زیاد نمی داشت،و با کمی توجه،مشکلات علمی را حل می نمود.

وی،از محضر ملا محمد تقی مجلسی و محقق سبزواری و دیگر بزرگان حوزهٔ علمیهٔ اصفهان بهره مند شد و در مدرسهٔ خواجه ملک(جنب مسجد شیخ لطف اللّه) درس می خواند و از شاگردان او،سید نعمت اللّه جزائری،آقا جمال خوانساری، (فرزند ایشان)شیخ جعفر قاضی،ملا میرزا شیروانی و....می باشند.

کتابهای متنوع و متعددی در تفسیر،فقه،فلسفه،کلام،اصول فقه، نحو و هیئت تألیف کرده و صاحب حدائق،دربارهٔ او می گوید......

حق وی در دین مقدس اسلام بزرگترین حقوق علماء اسلام می باشد.

وفات او در سال ۱۰۹۸ یا ۱۰۹۹ قمری بوده است.

۱۴–مدقق شیروانی

محمد بن حسن شیروانی از علماء عظیم المنزله که در تبحر و تتبع و جامعیت در علوم عقلی و نقلی به مرتبه ای رسیده که از عبارت میرزا عبد اللّه افندی (صاحب ریاض العلماء)برمیآید که او را بر دیگر اساتید خود ترجیح میدهد ،او را با عنوان علامه و سلطان الحکماء و المتکلمین،ستوده اند و بیش از سی کتاب،از آثار گرانقدر او را در کتب تراجم،نامبرده اند که سند گویائی بر قدرت فکری،فراوانی تتبع و تفنن علمی او است،وی در سال ۱۰۹۸ یا ۱۰۹۹ قمری وفات یافته است.

۱۵-ملا محمد باقر مجلسی

که مشهور به علامهٔ مجلسی است و از بزرگترین محدثین و نشردهندگان احادیث خاندان عصمت و طهارت علیهما السلام می باشد،بطوریکه در طول تاریخ تشیع،مخصوصا در ایران،کمتر کسی بوده که در حفظ و تشریح و نشر عمومی آثار اهل البیت،باندازهٔ مرحوم علامهٔ مجلسی گام بردارد،و بهمین جهت بوده است که سید بحر العلوم،با تمام عظمتش آرزو می کرده که تمام اعمالش در نامهٔ عمل علامهٔ مجلسی ثبت شود،و بجای آن،تنها یکی از آثار فارسی مرحوم مجلسی که وسیلهٔ هدایت و ارشاد اکثر عوام است،در نامهٔ عمل او مندرج گردد.

علامهٔ مجلسی نه تنها،محدثی کم نظیر و یا بی نظیر بوده بلکه فقیهی کامل و محققی مدقق،و متکلمی متبحر،و مفسری عالیمقام،و جامع معقول و منقول بوده است.

در انجام کارهای مردم،و تلاش برای احیاء دین،و نابودی بدعت ها،و تعظیم شعائر دینی،از بزرگترین چهره های تاریخ شیعه است و خدمات او مانع بزرگی برای انحراف حکومت صفویه بود،و همین نشانه بس،که پس از وفات او مسیر حکومت،به فساد سوق داده شد و زمینهٔ سقوط اصفهان فراهم گردید و در ۲۵ سال پس از وفات علامهٔ مجلسی،بدنبال حملهٔ افغانها، شهر اصفهان به خاک وخون کشیده شد.

او کتابهای فراوانی تألیف نموده که(بحار الانوار)گل سرسبد آنها است و در طول تاریخ شیعه،کتابی همانند او تألیف نشده است.

او در سال ۱۱۱۰ یا ۱۱۱۱ وفات یافته است (۱)

---

۱ - ۱) در بخش پرچمداران حوزه های علمیه،مفصلا دربارهٔ مرحوم مجلسی بحث خواهد شد و قبلا نیز دو قسمت مناسب،مربوط به علامهٔ مجلسی داشتیم.

۱۶-سید نعمت اللّه جزائری

از شاگردان مبرز علامهٔ مجلسی و سید هاشم بحرانی و فیض کاشانی است.

او محدثی منصف،محققی عظیم الشأن و مؤلفی کثیر التألیف بوده و در فقه و حدیث و تفسیر و فنون ادبی،تبحر فراوان داشته است.از میان کتابهای بزرگ و فراوان او که در رشته های مختلف نوشته است،کتاب انوار نعمانیه،از شهرت فراوانی برخوردار می باشد،وی در سال ۱۱۱۲ بدرود حیات گفته است.

۱۷-میر محمد صالح خاتون آبادی

داماد ملا محمد تقی مجلسی و از شاگردان علامهٔ مجلسی و ملا میرزای شیروانی بوده است،وی بیش از ۲۵ جلد کتاب تألیف کرده و پس از فوت علامهٔ مجلسی،شیخ الاسلام و پس از آن،امام جمعهٔ اصفهان گردیده و سرانجام در سال ۱۱۱۶ وفات یافته است.

۱۸-میرزا عبد اللّه افندی

صاحب کتاب نفیس(ریاض العلماء)،که از شاگردان علامهٔ مجلسی و محقق سبزواری و آقا حسین خوانساری و مدقق شیروانی بوده و در تحقیق و تتبع و کثرت حفظ،بسیار قوی و در شناخت احوال علمای فریقین و تاریخ زندگی و تألیفات آنها،بینش و مهارتی بی نظیر داشته است،کتاب ریاض العلمای او،که در این موضوع نگاشته و حاوی شرح حال علمای اسلام از زمان غیبت تا سال ۱۱۱۹ هجری است،شاهد این مدعا میباشد.این کتاب،نسبت به موضوع خود مانند جواهر الکلام نسبت به فقه جعفری می باشد (۱)،از تألیفات او هفده کتاب نام برده شده است.وی در سالهای بین ۱۱۲۰ تا ۱۱۳۰ وفات یافته است.

۱- ۱) ریحانه الادب ج ۱ ص ۱۶۲

۱۹-امامی عریضی

محقق فاضل و ادیب ماهر و مؤلف گرانقدر،سید علی امامی عریضی که از شاگردان محقق عظیم الشأن،آقا حسین خوانساری و نیز علامهٔ مجلسی (۱)بوده و با مؤلف ریاض العلماء،همزمان بوده است.

او تألیفاتی از خود بجای گذاشته که هشت عدد آنها را که ترجمهٔ کتابهای حدیث همانند امالی صدوق،خصال صدوق،اکمال الدین صدوق،عیون اخبار الرضا علیه السلام و...بوده بنام هشت بهشت نامیده است و نیز ترجمهٔ اشارات خواجهٔ طوسی و شفاء ابن سینا و کتاب بسیار بزرگی در فقه بنام،التراجیح،که در چندین مجلد ضخیم می باشد،از آثار علمی او است.

در خاندان امامی العریضی که نسبشان به علی بن جعفر عریضی فرزند امام صادق علیه السلام میرسد بغیر از عالم یاد شده،دانشمندان دیگری نیز وجود داشته اند همانند سید امیر ابو طالب امامی که در علم و حکمت بر اقران خود تقدم داشته و جد سید علی امامی عریضی می باشد و نیز سید محمد مهدی نائب الصدر و....و در زمان های اخیر،مرحوم سید العلماء الاعلام حجه- الاسلام و المسلمین حاج سید عطاء اللّه فقیه امامی(قده)و دو فرزند گرانقدرشان،حجّتی الاسلام و المسلمین،آقایان حاج سید احمد و حاج سید حسن،فقیه امامی(که از چهره های ارزشمند و فعال شهر و حوزهٔ علمیهٔ اصفهان هستند)از همین خاندان جلیل القدر می باشند.

۲۰-اقا جمال خوانساری

نام او مولی محمد خونساری است.عالمی عامل،حکیمی محقق،متکلمی مدقق و فقیهی اصولی بوده و از او با لقب جمال الدین و جمال المحققین و محقق خونساری،یاد شده است.

کتابهای متعددی نوشته که سندی گویا،بر تبحر و تسلط او در علوم عقلی و

۱- ۱) اعیان الشیعه ج ۸(طبع جدید صفحه ۳۱۳)

نقلی،و گویای حسن سلیقه و نیکوئی فهم و بینش او می باشد.

از شاگردان پدرش،محقق خوانساری و همچنین،محقق سبزواری و از معاصرین علامهٔ مجلسی(قده)می باشد.

وی در سال ۱۱۲۱ یا ۱۱۲۵ قمری فوت نموده است.

۲۱-شیخ عبد اللّه بحرانی اصفهانی

از شاگردان علامهٔ مجلسی بوده و متتبعی بلندمرتبه بشمار می رود،وی کتاب بسیار عظیم المرتبه و نفیسی تألیف نموده بنام(عوالم العلوم و المعارف و الاحوال)که(عوالم)نامیده میشود و از بحار الانوار علامهٔ مجلسی وسیع تر و مفصل تر است و اخیرا مؤسّس عظیم الشأن مدرسه الامام المهدی ع قم،در آن مدرسه،یک لجنهٔ تحقیقی تشکیل داده و کار بررسی و تحقیق و چاپ کتاب عوالم را با کمک آن لجنه،بعهده گرفته اند و تاکنون چندین جلد از این کتاب نفیس،با همت بلند ایشان با بهترین اسلوب،به چاپ رسیده است و به تدریج،سایر مجلدات آن نیز مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته و به چاپ میرسد انشاء اللّه تعالی.

۲۲-فاضل هندی

محمد بن حسن بن محمد،که گاهی به تاج الفقهاء و فاضل اصفهانی و گاهی،بمناسبت کتاب نفیس او بنام(کشف اللثام)،او را کاشف اللثام میخوانند، پیش از سیزده سالگی،از تحصیل منقول فراغت یافت و قبل از دوازده سالگی شروع به تألیف نمود،وی از کسانی است که قبل از بلوغ به مرتبهٔ اجتهاد رسیده اند.

آنقدر در تکامل علمی پیش رفت که،یگانهٔ زمان و اعجوبهٔ روزگار گردید و کتابهای فراوانی در حدود ۸۰ جلد در زمینهٔ فقه،تفسیر،عقائد،حکمت،معانی و بیان،نحو،تألیف نمود که مشهورترین آنها کشف اللثام است و این کتاب،

در حـدی از عظمت است کـه مرحـوم صـاحب جـواهر و مرحـوم صـاحب ریـاض،در کـار تـألیف جـواهر الکلام و ریـاض المسائل،تکیهٔ فراوانی بر این کتاب ارزشـمند، داشـته اند،و صاحب جواهر تا کشف اللثام در اختیارش نمی بود چیزی از جواهر را نمی نوشت.

در سال ۱۱۳۷ در جریان فتنهٔ افغان،وفات یافت و در تخت فولاد اصفهان دفن گردید.

۲۳-ملا اسماعیل خواجوئی

حکیم کامل و مجتهد بارع و چهرهٔ بزرگ علمی و تألیفی و تدریسی در حوزهٔ علمیهٔ اصفهان بوده است.

وی،متجاوز از یکصد و پنجاه کتاب و رساله تألیف نموده (۱)و عدهٔ زیادی از، علماء بزرگ همانند ملا مهدی نراقی،آقا محمد بیدآبادی،میرزا ابو القاسم مدرّس خاتون آبادی و....از شاگردان او بوده اند.

او پس از یک عمر تحقیق،تربیت علماء،تألیف و نگارش،خودسازی و عبادت در سال ۱۱۷۳ وفات یافت.

۲۴-آقا محمد بیدابادی

حکیـم فرزانـه و فیلسـوف زاهـد و فقیـه جـامع،که مجلس درسـی عظیم و پربرکت داشـته و مـورد بهره برداری عـدهٔ فراوانی از حکماء و متکلمین و فقهاء بوده است (۲)

وی در سال ۱۱۹۸ ق دار دنیا را وداع نمود.

۲۵-ملا علی اکبر اژه ای

محققی زاهـد،و اندیشـمندی ژرف نگر بوده است،وی در علم کلام و حکمت و فقه و اخلاق به مقامات عالیهٔ نائل گشـته و در زمینهٔ آن علوم و فنون،کتابهای

۱- ۱) تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان صفحه ۱۳۷

۲- ۲) اعیان الشیعه ج ۴۵ صفحهٔ ۳۲۱

متعدد برشته تألیف درآورده که از مهمترین آنها کتاب(زبده المعارف)،در اصول دین و اعتقادات است که بسیار مفصل و بزرگ می باشد.

او پس از عمری کوشش و تلاش علمی،در سال ۱۲۳۲ قمری بدرود حیات گفت.

۲۶-آخوند ملا علی نوری

فیلسوفی فقیه،و حکیمی ادیب،بوده و تحصیلات خود را در مازندران و قزوین و اصفهان انجام داده و با میرزای قمی و سید شفتی و حاجی کلباسی،ارتباط خاص داشته است.وی در مدرسهٔ کاسه گران اصفهان تدریس می نموده و حاج ملا هادی سبزواری،فیلسوف و حکیم مشهور،از او بهره مند می شده است (۱).

او از شاگردان میرزا ابو القاسم مدرس و آقا محمد بیدآبادی،بوده و تألیفاتش بیش از ده کتاب می باشد که از آن جمله است،حاشیه بر(اسفار)ملاصدرا و حاشیه بر(شواهد ربوبیّه)ملاصدرا و حاشیه بر(مشاعر)ملاصدرا و حجه الاسلام فی رد میزان الحق،تألیف پادری نصرانی.

او در سال ۱۲۴۶ وفات یافت و جنازه اش به نجف اشرف منتقل شد و دقیقا در همانجائی که ۱۵ سال قبل از آن،در عالم خواب بیکی از علماء خبر داده، بود که(هذا منزل نفسی و محلّ رمسی،اعددته لیوم کریهتی و باسی)،دفن گردید (۲).

۲۷-شیخ محمد تقی رازی

محقق بزرگ و اصولی عظیم،مرحوم شیخ محمد تقی رازی،از بزرگترین چهره های علمی و درسی،در حوزهٔ علمیهٔ اصفهان،و از شاگردان شیخ جعفر کبیر(کاشف الغطاء)و وحید بهبهانی و صاحب ریاض و سید بحر العلوم

۱- ۱) ضمیمهٔ تاریخ علماء خراسان،صفحه ۱۴۳

۲- ۲) ریحانه الادب،ج ۶ صفحه ۲۶۲

و سید محسن کاظمینی بوده است.وی در مسجد شاه اصفهان تدریس میکرده و در منزلی نزدیک همان مسجد،سکونت داشته و لذا خاندانش بنام مسجد شاهی ها،معروف شده اند.

او در علوم عقلیه و نقلیه و بخصوص علم اصول فقه برتری فراوانی داشته و مخصوصا حاشیه اش بر معالم،سبب شهرت گستردهٔ او در حوزه های علمیه گردیده و او را صاحب حاشیه میخوانند و در میان تألیفات گوناگون او همین کتاب،از اهمیت چشمگیری برخوردار است و پرده از عظمت علمی او برمی دارد.

وی در سال ۱۲۴۸ قمری وفات یافت.

۲۸-سید شفتی

سید محمد باقر شفتی(حجه الاسلام)از بزرگترین چهره های درخشان در حوزهٔ علمیهٔ اصفهان،در قرن سیزدهم می باشد.در علم فقه،اصول ،رجال،درایه،هیئت،ادبیات،از چهره های مشهور و از نظر افتخار کسب فیض از اساتید بزرگ،مقامی بلند داشته و از محضر وحید بهبهانی، سید بحر العلوم،کاشف الغطاء،صاحب ریاض،ملا مهدی نراقی،میرزای قمی و....بهره برده است.

کتابهای متعدد،در رشته های مختلف مخصوصا فقه و رجال تألیف نموده که در میان آنها کتاب(مطالع الانوار)در شرح شرایع الاسلام در ۷ جلد بزرگ (که پنج جلد آن اخیرا طبع شده)،از اهمیت خاصی برخوردار می باشد.

مرحوم سید،در اجرای حدود الهی و تحقق بخشیدن باحکام اسلامی، گامهای بلندی برمی داشت و حدود و قصاص دینی را اجراء میکرد.

از آثار بزرگ او مسجد بسیار مجلل و باشکوه و معنویتی است که با همت بلند خود ساخته است و تا امروز مرکز بزرگترین اجتماعات دینی و سخنرانی های مذهبی و جلسات دعا و نیایش های دسته جمعی،می باشد و کمتر مسجدی است که اینهمه برکت داشته باشد.و این در اثر خلوص نیت و پاکی آن بزرگمرد الهی است.

در سال ۱۲۶۰ قمری وفات یافت و در کنار مسجد سید،در بقعهٔ جالبی،دفن

ص :۳۸۵

گردید و ضریح و حرمی دارد و قبر مطهر او همیشه،محل توجه زائرین میباشد.

۲۹-حاج ملا ابراهیم کرباسی(کلباسی)

از درخشنده ترین چهره های علمی و تقوائی در حوزهٔ علمیهٔ اصفهان می باشد.او فقیهی اصولی و عابدی زاهد و قانعی کثیر الاحتیاط بوده و او را با عنوان رکن الشیعه،قطب الشریعه،مصدر الحکم و الاثار،ستایش کرده اند او محور و مرکز دائرهٔ علماء و فضلاء بزرگ و سرشناس بوده،و از کثرت احتیاط رسالهٔ عملیه نمی نوشته و میگفته،استخوان بدنم طاقت آتش جهنم ندارد.تا آنکه در اواخر،با اصرار مرحوم محقق قمی(میرزای قمی)رساله ای نوشته است.

او در اصفهان و نجف تحصیل کرده و از شاگردان سید بحر العلوم و کاشف الغطاء و صاحب ریاض،می باشد و کتابهای او همانند(اشارات الاصول)در دو جلد بزرگ و(منهاج الهدایه الی احکام الشّریعه)که در کثرت فروعات فقهی همانند قواعد و تحریر علامه است،تألیفاتی هستند که دلالت بر عظمت مؤلف خود دارند.خلاصهٔ سخن آنکه،عظمت این مرد تقوی و علم همانند خورشید نیمروزی آشکار و هویدا می باشد.وی در سال ۱۲۶۲ قمری در اصفهان وفات یافت و در کنار مسجد بزرگ حکیم،که محل تدریس او بود،دفن شد و قبر شریفش مزار مؤمنین گردید.

۳۰-سید محمد حسن مجتهد اصفهانی

او فقیه جامع و مجتهد محقق و از شاگردان مبرز حاجی کلباسی و آخوند ملا علی نوری بوده است.

اجازه های متعدد روایتی و اجتهادی،از علماء بزرگ داشته و علاوه بر حوزهٔ درسی،کتابهای متعددی بیش از بیست عنوان کتاب تألیف نموده که یکی از آنها دورهٔ کامل فقه می باشد،در ۶ مجلد و دیگری(مهجه الفؤاد)در شرح ارشاد علامه در چهارده جلد (۱)

وفات این مجتهد بزرگ،در سال ۱۲۶۳ قمری واقع گردیده است.

۱- ۱) تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان صفحه ۲۵۷

۳۱–میر سید حسن مدرس

او فرزنـد سـید علی و محققی بزرگـوار بـوده است و در اصـفهان و کربلاـ و نجـف،تحصـیل علم نموده و از شـاگردان شـریف العلماء،صاحب جواهر حاجی کلباسی،شیخ محمد تقی رازی،و آخوند ملا علی نوری بوده است.

حوزهٔ درسـی او بسـیار چشـمگیر و ممتاز بوده و علمائی همچون میرزا ابو المعالی کلباسـی،ملا محمد اصـفهانی،ملا محمد باقر فشارکی،میرزای شـیرازی معروف به میرزای بزرگ،میرزا محمـد هاشم چهارسوقی و...از شاگردان او بوده انـد اهمیت تدریس او،و زیبائی نحوهٔ تقریر درس،و مطالب فراوانی که در هنگام تدریس بیان می نمود،سبب شهرت او به(مدرس)گردید.

وی پس از عمری تدریس و تألیف حدود ۱۵ عنوان کتاب،در سال ۱۲۷۳، قمری وفات یافت.

ایشان،برادری داشته اند بنام(میر محمد حسین)که از علماء بزرگ اصفهان و عهده دار تدریس در حوزهٔ علمیه،بوده است.

۳۲–سید محمد علی آقا مجتهد

از مفاخر شیعه است و قبل از بلوغ،به مرتبهٔ اجتهاد نائل گشته و مرحوم سید شفتی اجتهاد او را گواهی نموده اند.

وی در سال ۱۲۷۴ قمری در سن ۳۵ سالگی،بدرود حیات گفت.

۳۳–حاج محمد جعفر آباده ای

که از علماء بزرگ و مدرسین حوزهٔ علمیهٔ اصفهان بوده است،وی متوفای ۱۲۸۰ قمری می باشد.

۳۴–حاج ملا حسینعلی تویسرکانی

او مرجعی بزرگوار و مدرّسی عظیم الشأن بوده که زعامت دینی و مرجعیت تقلید عده ای از مردم را بعهده داشته است.

وی پس از سالها تدریس و تألیف و افتاء،در سال ۱۲۸۶ قمری وفات یافت.

ص :۳۸۷

۳۵–میر سید محمد شهشهانی

از مراجع تقلید و دارای مقام ریاست علمی،در حوزهٔ علمیهٔ اصفهان بوده است.

از شاگردان سید محمد مجاهد،صاحب ریاض،حاجی کلباسی بوده و شاگردانی همچون میرزای شیرازی و صاحب روضات،از محضرش کسب علم نموده اند،و علاوه بر تدریس و فتوی،بیش از ده کتاب تألیف نموده و در سال ۱۲۸۷ قمری، وفات یافته است.

۳۶–سید اسد اللّه بیدآبادی

فقیه عظیم الشأن و محقق جلیل القدر آیت اللّه،حاج سید اسد اللّه بیدآبادی،از اولاد مرحوم سید شفتی بوده و تحصیلات او در اصفهان و نیز در محضر مقدس صاحب جواهر در نجف اشرف بوده است.حدود ده کتاب تألیف کرده که یکی از آنها،یک دورهٔ فقه استدلالی است و از آثار او احداث و اجرای آب فرات است بسوی شهر نجف،او پس از بازگشت باصفهان،بدنبال سالها تلاش علمی و تألیفی،در ۱۲۹۰ هجری قمری وفات یافت و جنازه اش به نجف اشرف منتقل گردید.

۳۷–صاحب روضات

فقیه اصولی،و ادیب متتبع،و محدث رجالی،میرزا محمد باقر خوانساری مشهور به صاحب روضات که از شاگردان بزرگانی همچون سید محمد شهشهانی،سید شفتی،صاحب ضوابط بوده و حوزهٔ درسی او مجمع فضلاء و علماء بزرگی همچون فقیه نامدار آقا سید محمد کاظم یزدی و مرجع بزرگوار ،شریعت اصفهانی و....بوده است.

وی کتابهای متعددی در زمینهٔ فقه،اصول،عقائد،اخلاق،رجال،تاریخ و نحو تألیف نموده که در میان آنها اثر نفیس و گرانبها و بسیار ارزشمند،بنام (روضات الجنات)،از عظمت خیره کننده و اعجاب انگیزی،برخوردار می باشد و

ص: ۳۸۸

در میان کتب تراجم،از درخشش خاصی برخوردار است.

او پس از عمری تلاش علمی،در سال ۱۳۱۳ قمری وفات یافت.

۳۸-آخوند ملا محمد باقر فشارکی

از علماء بزرگ و از فقهاء و مجتهدین و مدرسین عالیمقام حوزهٔ علمیهٔ اصفهان است.

او تحصیلات خود را در اصفهان و نجف گذراند و پس از بازگشت بوطن،به تدریس و انجام خدمات اجتماعی و نشر احکام اسلام و تألیف کتابهای دینی پرداخت، وی حدود سی کتاب و رساله،در رشتهٔ فقه،اصول،اخلاق و...از خود بجای گذاشته که سندی بر کوششهای مستمر او میباشد.

او در سال ۱۳۱۴ قمری وفات یافته است.

۳۹-میرزا ابو المعالی

مجتهد محقق،آیه اللّه میرزا ابو المعالی کلباسی،که فقیهی اصولی و جامع معقول و منقول بوده است و در دقت نظر و کثره تتبع و بلندی مرتبهٔ زهد و تقوی،مشهور و موردتوجه بوده و در علم فقه،اصول،رجال و....بیش از هشتاد کتاب و رساله نوشته است.

حوزهٔ درسی او مرکز پرورش علماء و مجتهدین عالیمقام بوده و از جملهٔ شاگردان او،از مرجع تقلید علی الاطلاق شیعه،مرحوم آیه اللّه العظمی آقای بروجردی(قده)،می توان یاد نمود.

وی در سال ۱۳۱۵ وفات یافت و در تکیه ای مخصوص،که مشهور به تکیهٔ میرزا ابو المعالی است دفن گردید.

۴۰-میرزا محمد هاشم چهارسوقی

محقق توانا و جامع معقول و منقول،آیه اللّه آقا میرزا محمدهاشم چهارسوقی که از علماء و محققین مشهور حوزهٔ علمیهٔ اصفهان بوده است،او در خوانسار و اصفهان و نجف تحصیل نموده و از شاگردان سید شفتی و حاجی کلباسی و

شیخ انصاری و....بوده است.

وی پس از رسیدن بمقام اجتهاد،در حوزهٔ علمیهٔ اصفهان به تدریس و تألیف پرداخته و در حدود سی کتاب و رساله تألیف نموده و وفاتش در سال ۱۳۱۸ ق اتفاق افتاده است.

۴۱-جهانگیر خان قشقائی

وی از بزرگترین چهره های فروزان در حکمت و الهیات،و از اسوه های نیکو در تزکیهٔ نفس و زهد و قناعت بوده است.او با آنکه در چهل سالگی به تحصیل علوم عقلی و نقلی پرداخت ولی موفق گردید،به عنوان یکی از بهترین اساتید حکمت،به تدریس و تربیت طلاب اشتغال یابد و یکی از مبرزترین استادان فلسفهٔ اسلامی،بشمار آید و بسیاری از علماء بزرگ،از جملهٔ شاگردان او محسوب گردند.

وی در سال ۱۳۲۸ قمری،دار دنیا را وداع نمود.

۴۲-آخوند ملا محمد حسین کرمانی

وی از بزرگان علماء و مدرسین حوزه علمیه اصفهان و از مراجع،بوده است.تحصیلات خود را تا رسیدن به مرحلهٔ اجتهاد،در اصفهان به پایان برده و سپس به تدریس و جواب استفتاء و قضاوت شرعی و تألیف کتب،پرداخته است،وفات این عالم بزرگ در سال ۱۳۳۰ قمری در اصفهان واقع گردیده است.

۴۳-آخوند کاشی

فیلسوف بزرگوار و حکیم عارف(آخوند ملا محمد کاشی)،از نادره های روزگار بوده و در تدریس حکمت علمی و عملی و در زهد و تقوی،یگانهٔ دوران بشمار آمده است،حکایات عجیبی از او نقل شده که از مقام کشف و شهود او،پرده بر میدارد و نشان میدهد که حقائقی از جهان را بی پرده،میدیده است.

وی در مدرسهٔ صدر تدریس می نموده و از مفاخر حوزهٔ علمیه و تاریخ اصفهان محسوب گردیده و در تاریخ ۱۳۳۳ قمری،بدرود حیات گفته است.

۴۴-آخوند ملا عبد الکریم گزی

از فقهاء عظیم الشأن،و از مجتهدین و مدرسین و مراجع حوزهٔ علمیهٔ اصفهان بوده است.او پس از تحصیل در اصفهان و نجف،در مدرسهٔ نیم آور اصفهان به تدریس و تألیف و ترویج دین پرداخت و چون اخلاقی بسیار شیوا و معاشرتی بسیار جالب و جاذب داشت،از شهرتی کم نظیر برخوردار، گردید و بیشترین توفیق را در خدمت به حوزهٔ علمیه و جامعهٔ اسلامی بدست آورد،حدود ده کتاب و رساله نوشته است که مشهورترین آنها،تذکره القبور جزی،در شرح حال یکصد نفر از علماء و دانشمندان و عرفا و شعرای مدفون،در شهر و توابع اصفهان،می باشد.

او در سال ۱۳۳۹ هجری قمری وفات یافت.

۴۵-آیه اللّه العظمی،آقا سید محمد باقر درچه ای

که از بزرگان مجتهدین و فقهاء،و از برترین چهره های زهد و تقوی،بوده است،پس از تکامل علمی در اصفهان و نجف،به تدریس خارج فقه و اصول در حوزهٔ علمیهٔ اصفهان پرداخت و حوزهٔ درسی او مجمع فضلاء و علماء گردید و حتی،بزرگ مرجع تقلید شیعه،آیت اللّه العظمی آقای بروجردی،مدتها از درس او بهره مند شدند.

ایشان به مقام مرجعیت تقلید،نائل گشت و علاوه بر تدریس،عهده دار مسئولیت افتاء گردید.ایشان کتابهای فراوانی تألیف نمودند که از آنجمله یک دورهٔ فقه و اصول در ۱۶ جلد می باشد.

آن بزرگ مرجع دینی،در سال ۱۳۴۲ قمری وفات یافت و مردم اصفهان بزرگترین مراسم تشییع جنازه را برای آن رهبر دینی،برپا ساختند و قدر زحمات او را ارج نهادند.

۴۶–حاج آقا منیر بروجردی

فقیه بزرگوار و مجتهد عظیم الشأن،حاج آقا منیر الـدین بروجردی که از مفاخر حوزهٔ علمیـهٔ اصـفهان به شـمار می رود،وی در اصـفهان و سامراء به تحصـیل علوم اسلامی پرداخت و پس از آن،در حوزهٔ اصفهان به تدریس اشتغال یافت،وی احاطه و تسلط ویژه ای بر علم رجال و درایه داشته است.

وفات ایشان در سال ۱۳۴۲ ق بوقوع پیوست.

۴۷–فقیه احمد آبادی

مجتهد عالیقدر،آیت اللّه سید محمد تقی فقیه احمد آبادی (۱)که از شیفتگان امام زمان عجل اللّه فرجه الشریف بوده است.

وی عـالمی پرتلاـش و کوشـا بوده و تألیفـات زیـادی را از خود به جـای گذاشـته است، که از میـان آنها کتاب شـریف(مکیال المکارم،فی آداب الدّعاء للقائم)از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد،این کتاب به دسـتور ولی عصـر عج تألیف و نام آن، نیز با انتخاب آنحضرت،تعیین گردیده است (۲).

کتاب یاد شـده،تا به حال چندین مرتبه به چاپ رسـیده و موردتوجه محققین و علاقمندان به ولی عصـر(عج)قرار گرفته و اخیرا ترجمه گردیده و منتشر شده است.

وفات و به احتمالی،شهادت ایشان،در سن ۴۷ سالگی در سال ۱۳۴۸ قمری بوقوع پیوست.

۴۸–مدرس خاتون آبادی

آیه اللّه حاج میر محمد صادق خاتون آبادی،که از محققین مشهور و از رؤساء علماء اصفهان بوده و حوزهٔ درسی ایشان،مجمع علماء و فضلاء و طالبان تحقیق بوده است.

ص: ۳۹۲

۱– ۱) جدّامّی نویسندهٔ کتاب حاضر

۲– ۲) در مقدمهٔ کتاب مکیال المکارم،شرح این دستور و تعیین نام کتاب،ذکر شده است.

وی از شاگردان دو زعیم بزرگ شیعه،آخوند خراسانی و آقا سید محمد کاظم طباطبائی،بوده و مخصوصا"با مرحوم آخوند خراسانی انس زیاد داشته است و در تألیف کتاب بی نظیر کفایه الاصول با ایشان همفکری نزدیک،می نموده است.

پس از مراجعت به اصفهان،مرجعیت عمومی یافت و در تدریس و افتاء،زبانزد همگان گردید و در پایان،در سال ۱۳۴۸ قمری بدرود حیات گفت.

۴۹-آخوند فشارکی

آیت اللّه،آخوند ملا حسین فشارکی که مجتهدی بزرگوار و فقیهی گرانقدر و از رؤساء دینی بوده است.در حوزهٔ اصفهان از محضر بزرگانی همانند آخوند ملا محمد باقر فشارکی و حاج شیخ محمد باقر مسجدشاهی و آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی کسب علم نمود و در نجف اشرف از درس محقق بزرگ،میرزای- رشتی و آقا شیخ زین العابدین مازندرانی،استفاده علمی برد.

وی پس از بازگشت به اصفهان،به تدریس و جواب استفتاء،پرداخت و در اواخر عمر،مرجعیت تامه یافت و تعدادی از علماء و فضلاء،از محضر علمی او بهره مند میشدند.

در تاریخ ۱۳۵۳ قمری،حوزهٔ علمیه و مردم اصفهان را با وفات خود،داغدار ساخت.

۵۰-آیت اللّه دهکردی

مجتهد اصولی و فقیه صمدانی،آیت اللّه آقا سید ابو القاسم دهکردی، که از مدرسین عظیم الشأن در حوزهٔ علمیهٔ اصفهان،و پرورش دهندهٔ علماء و مجتهدین و از چهره های فروزان علمی اصفهان،بشمار می رود.

بیش از ۱۵ کتاب و رساله نوشته،علاوه بر آنکه مرجع مردم،در فتوی و امور اجتماعی بوده است،پایان عمر بابرکت او سال ۱۳۵۳ هجری قمری بوده است.

ص :۳۹۳

۵۱-حکیم خراسانی

حکیم الهی و فیلسوف ربانی،آقا شیخ محمد حکیم خراسانی که پس از طی مراتب تحصیلی در نزد دو حکیم بزرگ(آخوند کاشی و جهانگیر قشقائی) خود،به تدریس پرداخت و از مدرسین بزرگ حوزۀ علمیۀ اصفهان گردید،محل تدریس وی عمده مدرسۀ صدر بازار بوده که به تدریس حکمت اشتغال میورزیده است.

وی در تاریخ ۱۳۵۵ قمری از دار دنیا رحلت فرمود.

۵۲-میرزا ابو الهدی کلباسی

عالم فقیه و مجتهد اصولی،که در ورع و پارسائی کم نظیر بوده است،وی، تحصیلات خود را در اصفهان و نجف سپری نمود و پس از رسیدن به مقام منیع اجتهاد،در حوزۀ علمیۀ اصفهان به تدریس علوم دینی پرداخت و مخصوصا در تدریس علم رجال،موردتوجه خاص گردید.

ایشان در حدود ۱۰ کتاب تألیف نموده که یکی از آنها(سماء المقال فی تحقیق علم الرّجال)می باشد.

در سال ۱۳۵۶ قمری دار دنیا را وداع نمود.

۵۳-مدرس شهید

فقیه متکلم و مجتهد جامع،سید حسن مدرس که سیزده سال در اصفهان و هفت سال در حوزۀ نجف،مراحل تحصیلی را پیمود و به مرتبۀ اجتهاد نائل گشت.

وی از شاگردان آخوند کاشی و جهانگیر قشقائی(دو حکیم بزرگ)و نیز از شاگردان دو زعیم شیعه(آخوند خراسانی و آقا سید محمد کاظم طباطبائی یزدی)بوده است.

او مدتها در مدرسۀ جدۀ کوچک اصفهان،به تدریس فقه و اصول اشتغال داشته

و در زمینهٔ سیاسی،از بزرگترین چهره های مبارزه با سیاستهای استعماری بوده و سختترین صحنه های پیکار را پشت سر گذارده است.

وی پس از عمری مبارزه و مجاهدهٔ سخت و پی گیر،در صحنهٔ مجلس شوری و غیر آن،مورد سوءقصدهای گوناگون حکومت جبار پهلوی قرار گرفت و در نهایت به شهر کاشمر،تبعید گردید و سرانجام در سال ۱۳۵۷ قمری بوسیلهٔ زهر و ایجاد خفگی،توأما،به شهادت رسید و با شهادت خود بمبارزهٔ با حکومت جبار و استعماری رضا خانی،جهتی تازه بخشید.

۵۴-آیت اللّه،میر سید محمد نجف آبادی

وی محققی زاهد و مجتهدی اصولی و مرجعی فقیه بوده است،تحصیلات خود را در اصفهان و نجف در زمینهٔ علوم اسلامی به پایان برد و به مقام اجتهاد نائل گردید،اساتید بزرگوار او فقهاء بزرگ و اصولیین عظیم الشأن،آیات عظام:آخوند خراسانی و آقا سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و آقا سید محمد فشارکی و حاج آقا رضا همدانی و حاج سید اسماعیل صدر و شریعت اصفهانی، رضوان اللّه علیهم بوده اند.

در سال ۱۳۲۷،پس از وصول به مرتبهٔ اجتهاد و کسب اجازه از علماء بزرگ،از حوزهٔ نجف به حوزهٔ علمیهٔ اصفهان هجرت نمود و به تدریس و افتاء پرداخت،حوزهٔ درس خارج ایشان،مجمع فضلاء و مرکز تحقیق و تکامل علمی بود و چهرهٔ علمی و درسی ایشان در حوزهٔ اصفهان موردتوجه علماء و نیز مردم باایمان شهر،قرار گرفته بود و مرجع امور دینی و اجتماعی ملت مسلمان اصفهان شناخته شده بودند.

از آثار علمی این مجتهد عظیم الشأن،دو جلد حاشیه بر کفایه الاصول، می باشد که از بهترین حاشیه های آن کتاب نفیس می باشد.

در سال ۱۳۵۸ قمری وفات یافتند و در تخت فولاد اصفهان مدفون شدند.

۵۵-آیت اللّه،حاج میر سید علی نجف آبادی

علامه ای فقیه،متکلمی زاهد،و محققی متتبع بوده است.

او علاوه بر تحصیلات دینی در شهر اصفهان،افتخار شاگردی آخوند خراسانی، و آقا سید محمد کاظم یزدی و آقا سید محمد فشارکی و میرزا محمد تقی شیرازی را کسب نموده است (۱).

وی پس از مراجعت به اصفهان و تشکیل حوزۀ درسی،جماعتی از فضلاء را بسوی خود جذب نمود و یکی از مهمترین جلسات درسی را شکل بخشید.

از آثار و خدمات بزرگ او،تربیت و تعلیم مجتهدۀ عالیقدر،حاجیه خانم امین، مشهور به(بانوی ایرانی)می باشد،که وی سرفصلی نوین،در تاریخ حوزه های علمیه،در قسمت بانوان و دوشیزگان بوده و عمدۀ تحصیلات دقیق و عمیق او در محضر مقدس این بزرگمرد فقیه،انجام گرفته است.

وفات او در سال ۱۳۶۲ قمری واقع گردیده است.

۵۶-حاج میرزا حسن خان انصاری

مورخ بزرگ و شاعر ادیب که از شاگردان آیت اللّه،سید محمد باقر درچه ای و حکیم بزرگوار،آخوند کاشی بوده و بمقامی بس بلند،در علم و ادب نائل گشته است.

وی،کتابهای متعددی در حدود ۴۰ عنوان کتاب،به رشتۀ تألیف درآورده،که شماری از آنها به چاپ رسیده و از آن جمله میتوان به(تاریخ اصفهان و ری)و (تاریخ مختصر اصفهان)اشاره نمود،او در سال ۱۳۷۶ قمری جهان فانی را وداع گفت و به سوی دار بقاء شتافت.

۵۷-شیخ محمد رضا مسجدشاهی

از علماء و فقهاء و مدرسین عظیم الشأن حوزۀ علمیۀ اصفهان بوده و در محضر شخصیت ها و مراجع عظیم الشأنی همانند آخوند خراسانی و آقا سید محمد کاظم یزدی و شیخ الشریعۀ اصفهانی و حاج آقا رضا همدانی و آقا سید محمد

۱- ۱) تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان،صفحه ۴۳۳

فشارکی و.....به کسب کمالات علمی اشتغال داشته است.

وی در مقام تدریس و افتاء و تألیف کتب(در حدود سی کتاب)،از مفاخر حوزهٔ علمیه بشمار میرود.

وفات او در سال ۱۳۶۲ قمری واقع گردید.

۵۸-آیت اللّه سید مهدی درچه ای

فقیهی بزرگوار و مجتهدی عظیم الشأن بود که پس از طی مراحل تحصیلی در حوزهٔ اصفهان و نجف و رسیدن بمقام منیع اجتهاد،سنگر تدریس را در مسجد نو و مدرسهٔ نیم آور اصفهان،رونق و شکوه بخشید و مجلس درس پربار و بااهمیتی را تشکیل داد.

او در حوزهٔ علمیهٔ اصفهان،به بالاترین مقام علمی نائل گشت و در زهد و تقوی به مرتبهٔ بلندی رسید،که موردتوجه همگان گردید و در نهایت،در سال ۱۳۶۴ قمری،حوزهٔ علمیه و مردم علاقمند را در سوگ خود نشاند و به ملاء اعلی پیوست.

۵۹-حاج شیخ محمود مفید

که فیلسوفی ادیب و فقیهی حکیم بوده است،وی در محضر اساتید مبرز و بزرگواری همچون آیت اللّه سید محمد باقر درچه ای و فقیه بزرگ،آخوند ملا- حسین فشارکی و محقق گرانقدر،میر محمد صادق خاتون آبادی و نیز دو حکیم بزرگوار،آخوند کاشی و جهانگیر خان قشقائی،مراحل تکامل علمی را پیمود و در فقه و اصول و حکمت و ریاضی و طب و....مرتبه و مقام بلندی را حائز گشت.

وی چهل سال در مدرسهٔ صدر اصفهان به تدریس فقه و اصول و حکمت اشتغال داشت و در این اواخر،مدت زمانی تدریس حکمت و فلسفه،در حوزهٔ اصفهان منحصر به ایشان گردیده بود.

او پس از یک عمر زهد و تقوی،قناعت و مناعت طبع،تدریس و ارشاد،در سال ۱۳۸۲ قمری بدرود حیات گفت.

۶۰-سید عبد اللّه ثقه الاسلام

محقق خبیر و فقیه بصیر،آیت اللّه سید عبد اللّه ثقه الاسلام که برنامهٔ

تکاملی خود را با بهره مندی از اساتید و دانشمندان بزرگ و عالیقدری همانند آقا سید محمد کاظم یزدی و آخوند خراسانی به اوج رسانید،وی از نزدیکان و مخصوصین مرحوم آخوند خراسانی بود و بدینوسیله بر افتخارات خود افزود.

او پس از بازگشت به اصفهان،در منصب تدریس و تألیف و افتاء،به خدمات دینی و اجتماعی پرداخت،کتابهای تألیفی او در رشتهٔ فقه،اصول فقه،عقائد، رجال و تاریخ نمایانگر قدرت اندیشه،و شمارهٔ آنها که به بیست عنوان کتاب میرسد گویای پشت کار و تلاش پی گیر او می باشد.

رساله ای دارد در باب وضوء،مطابق رسالهٔ شیخ اسماعیل مقری،که تمام سطرهایش اگر خوانده شود،بیان مسائل وضوء می باشد و کلمات اول سطرهای هرصفحه،غرض از تألیف کتاب را بیان میدارد و کلمات وسط سطرها اگر جمع شود،یک مسئلهٔ لغز(معما)را تشکیل میدهد و کلمات آخر سطرها،ذکر دعائی است بجهت علاج جراحات (۱).

وی در سال ۱۳۸۲ قمری جهان فانی را وداع نمود.

اینها بودند نمونه ای از صدها مجتهد و فقیه و متکلم و حکیم و ادیب که در حوزهٔ علمیهٔ اصفهان به تألیف و تدریس و فتوی دادن اشتغال داشته اند و سرمایهٔ اصلی حوزهٔ علمیه بشمار می آیند،و البته سال وفات آنها نشان میدهد که چگونه حوزهٔ علمیهٔ اصفهان از زمان صفویه تاکنون،تداوم داشته و فرازونشیب های تاریخی موجب اضمحلال این حوزهٔ وسیع و پرمایه نگشته است،و همانطور که ملاحظه می نمائید نه همهٔ علماء و بزرگان اصفهان،در این بررسی مورد بحث قرار گرفتند و نه تمام فضائل و خدمات یادشدگان،بنحو کامل و شایستهٔ مقام آنان،مورد تشریح قرار گرفت زیرا منظور ما تنها اشاره ای به گستردگی حوزهٔ علمیه و توسعهٔ ابعاد علمی و تألیفی علماء و مدرسین این حوزهٔ بزرگ بود و کسانی که علاقمند به آگاهی وسیع تر و جامع تر نسبت به این موضوع هستند،میتوانند به کتابهای تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان،رجال اصفهان،ریحانه الادب، الکرام البرره،نقباء البشر،الذریعه،اعیان الشیعه و...مراجعه نمایند.

ص: ۳۹۸

۱- ۱) تذکره القبور صفحه ۲۲۳

علماء و مدرسین حوزهٔ علمیهٔ اصفهان،در نیم قرن اخیر

بـا اینکه حوادث گونـاگون و بخصوص خصومت هـای دشـمنان دین،در نیم قرن اخیر مانعی بزرگ در راه تکامل حوزهٔ علمیهٔ اصـفهان،بوده است ولی در عین حال،همیشه مجتهدین بزرگ و دانشـمندان عالیقدر و مدرسـین پرتلاش،سـنگر حوزهٔ علمیه را خالی نگذاشتند،بطوریکه علاوه بر درسهای مقدماتی و دورهٔ سطح، رتبهٔ درس خارج،که بالاترین رتبهٔ درسی حوزه ای است و نشانگر حرکت و پویائی حوزه می باشد،بوسیلهٔ فقهاء و مجتهدین بزرگ،اداره میشده و بعنوان نمونه می توان از:

۱-مجتهد و فقیه عظیم الشأن،مرحوم آیت اللّه سید محمد رضا خراسانی قده

۲-محقق و فقیه عالیمقام،مرحوم آیت اللّه سید علی بهبهانی قده

۳-مجتهد و محقق عظیم الشأن،مرحوم آیت اللّه حاج آقا حسین خادمی قده یاد نمود.

و هم اکنون نیز مدرسـین و مجتهدین بزرگ و پرتلاش،حوزهٔ درسی اصفهان را، زنده و فعال نگاهداشته اند و شایسته است در فرصتی منـاسب،از خـدمات و مقامـات علمی و تقوائی آنان تجلیل نموده و بنحو شایسـته،پرده از ارزشـها و مجاهـدات علمی و عملی آنها برداشته شود.

حوزهٔ اصفهان،پایگاه تربیت مراجع تقلید

حوزهٔ علمیهٔ اصـفهان مفاخر زیادی داشـته و دارد که از آنها اینست،که بسیاری از زعماء و مراجع بزرگ و جهانی شیعه،که در حوزه های نجف،کربلا،قم،سامراء مشـهد،به زعامت مطلقه و مرجعیت عامه رسیده اند،شروع تحصیل و مراحل اولیهٔ تعلّم و پایه ریزی شخصـیت علمی و تقوائیشـان،در حـوزهٔ علمیـهٔ اصـفهان بـوده و پس از آن،در حـوزه هـای دیگر تکامـل یـافته و سـپس درخشیده اند و برای روشن شدن بحث،چند شخصـیت برگزیده را از این دسـته،یاد می نمائیم باشد که سندی گویا بر عظمت حوزهٔ اصفهان،جایگاه شیخ بهائی و مجلسی،پایگاه ملاصدرا و میرداماد

به حساب آید.

۱-مرجع علی الاطلاق،آیت اللّه العظمی،حاج میرزا محمد حسن شیرازی، معروف به میرزای شیرازی و میرزای بزرگ و صاحب فتوای مشهور تحریم تنباکو.

ایشان در ابتدای امر،در حوزهٔ اصفهان تحصیل علم کردند (۱)و آخرالامر در حوزهٔ نجف و نیز در شهر سامراء،بعنوان مرجع تقلید عموم شیعه،موردتوجه همگان گردیدند.

۲-استاد الکل و استاد اکبر و مجدد مذهب،آیه اللّه العظمی،مولی محمد باقر وحید بهبهانی،که در اصفهان شروع به تحصیل علوم دینی نمودند (۲)و پس از آن به بهبهان مهاجرت نموده و سرانجام،در حوزهٔ علمیهٔ کربلاء درخشیدند و به زعامت و رهبری و مرجعیت همگانی،نائل گشتند.

۳-فقیه عظیم الشأن و مرجع عالیقدر،آیه اللّه العظمی سید محمد کاظم طباطبائی یزدی،صاحب کتاب شریف عروه الوثقی،که تا رسیدن به مرحلهٔ اجتهاد در حوزهٔ علمیهٔ اصفهان تحصیل نمودند (۳)و پس از آن به نجف اشرف هجرت فرمودند و در نهایت،به بالاترین مقامات علمی و تقوائی و نیز مقام شامخ مرجعیت و زعامت دینی،نائل گشتند.

۴-مرجع جهانی و فقیه صمدانی،آیت اللّه العظمی سید ابو الحسن اصفهانی که در شهر اصفهان،و از جمله مدرسهٔ علمیهٔ امامزاده اسماعیل،مراحلی از تحصیل را پیمودند (۴)و سپس با هجرت به حوزهٔ نجف و تکامل علمی،به مرجعیت مطلقهٔ شیعه،نائل گشتند و بعنوان یکی از موفق ترین مراجع تقلید شیعه،نام مبارکشان ثبت تاریخ گشت.

۱- ۱) اصول فقه و فقه،استاد شهید،مطهری صفحه ۸۳

۲- ۲) تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان صفحه ۱۲

۳- ۳) ریحانه الادب ج ۶ صفحه ۳۹۱

۴- ۴) تذکره القبور صفحه ۳۸ و نیز تحقیقات شخصی،از علماء و معمرین

۵-مرجع عظیم الشأن و زعیم جلیل القدر،آیت اللّه العظمی حاج میرزا فتح اللّه نمازی،معروف به شیخ الشریعهٔ اصفهانی و شریعت اصفهانی.

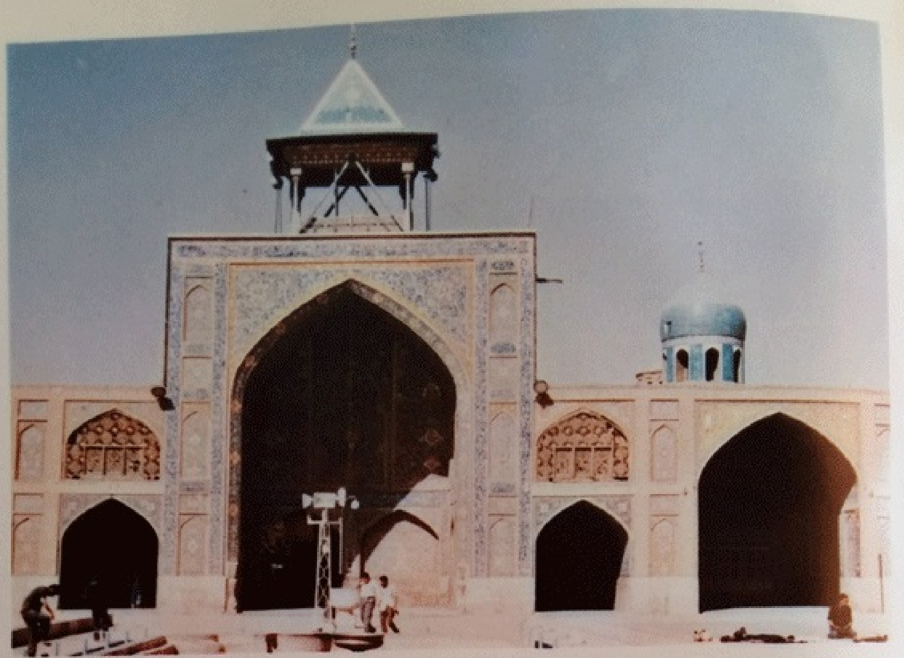
ایشان عمدهٔ تحصیلات خود را در اصفهان به پایان بردند (۱)و سپس در حوزهٔ نجف به مرجعیت نائل گشتند و درخشیدند.

۶-مرجع عالیقدر جهان تشیع و زعیم حوزه های علمیه،آیت اللّه العظمی آقای حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی(قده)که سالها در اصفهان تحصیل علم نمودند و در نهایت،در حوزهٔ علمیهٔ قم به مقام مرجعیت جهانی برای شیعیان،نائل گشتند.

۷-مرجع عالیقدر و زعیم بزرگوار،آیت اللّه العظمی حاج سید احمد خوانساری که مدتی در حوزهٔ علمیهٔ اصفهان به تحصیل علوم پرداختند (۲)و در حوزهٔ علمیهٔ قم و تهران،حائز مقام مرجعیت و زعامت گردیدند.

۱- ۱) ریحانه الادب ج ۳ صفحه ۲۰۶

۲- ۲) گنجینهٔ دانشمندان ج ۲ صفحه ۱۰



گوشه‌ای از مسجد - مدرسهٔ سیّد، گنبد مطهر سیّد شفتی «ره» از حوزه علمیه اصفهان» دیده میشود



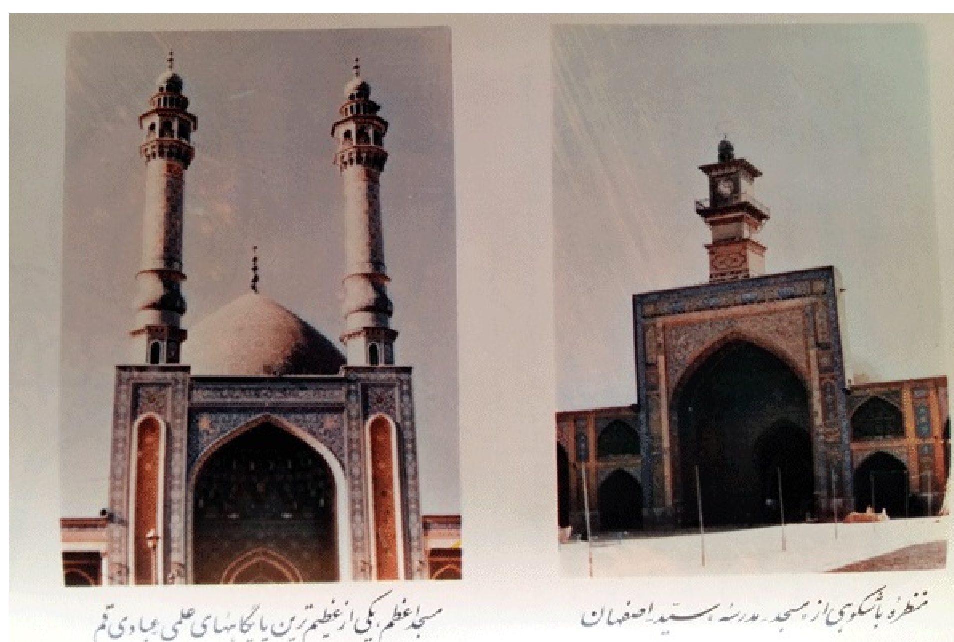
نمائی از حجرات و مدارس «مدرسه مسجد» سیّد اصفهان

عکس



دو منظره از مدرسه بزرگ مدرسه صدر اصفهان

عکس



منظره باشکوهی از مسجد ـ مدرسه سید اصفهان

مسجد اعظم، یکی از عظیم ترین پایگاههای علمی عبادی قم

مدارس علميۀ اصفهان

در این بخش،پیرامون مدارس علمیۀ اصفهان اشارات و گفتار نسبتا مفصلی داریم و مدارس این شهر تاریخی را به چند دسته تقسیم نموده و در مورد آنها مختصری توضیح می دهیم.

مدارس قبل از دوران صفویه

قبل از اینکه سلطنت صفویه شروع شود مدارسی در اصفهان وجود داشته که اکثر آنها در اختیار علماء اهل سنت،و تعداد کمی از آنها در اختیار علماء شیعه بوده است و اکثر آنها ویران شده و فقط نام یا اثر مختصری از ساختمان آنها باقی مانده است مانند:

۱-مـدرسه ای که ابو علی سـینا در آن تـدریس مینموده،در دوران وزارتش برای علاء الـدوله کاکویه،و اکنون از این مدرسـهٔ بزرگ،فقط گنبدی باقیمانده در محلهٔ دردشت،که گنبد مدرس ابن سینا،خوانده می شود.

۲-نظامیهٔ اصفهان(که بنام صدریه شهرت داشته است)

۳-مدرسـهٔ ملکشاهی که در محلـهٔ دار البطیـخ قرار داشـته و از این مدرسهٔ بزرگ فقط محلی که قبر خواجه نظام الملک،در آن قرار گرفته باقیمانده و از دیگر بقایای آن اثری نیست.

۴-مدرسهٔ سـلطان محمد سـلجوقی،در نزدیکی امامزادهٔ هارونیه که امروزه بنام مدرسهٔ حاج حسن معروف است و بر سر در این بنا نوشته شده:

انا مدینه العلم و علی بابها)

و در همین مکـان و بجـای همین بنـا،روزگاران دراز مـدرسه ای بزرگ و کتابخانه ای عظیم قرار داشـته که کعبـهٔ آمال طالبان علم،از ایران و جهان بوده است (۱).

۵-مدرسهٔ امامیه که در سال ۷۲۵ هجری ساخته شده و بابا قاسم در آن،

ص :۴۰۲

۱- ۱) تاریخ فرهنگ اصفهان صفحه ۶۸،بنقل از تاریخچهٔ کتاب و کتابخانه در ایران،مجلهٔ هنر و مردم شماره ۵۹

تـدریس میکرده و هنـوز ایـن مـدرسه بـاقی است و ساختمـان محکـم آن،در برابر حـوادث روزگـار مقـاومت کرده اسـت و اخیرا"یکی از شخصـیتهای حوزهٔ علمیهٔ اصـفهان(جناب حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج سید حسن فقیه امامی) این مدرسه را تعمیر عمـده ای نموده انـد و محـل سـکونت طلاب گردیـده،بعـد از آنکه سالهای طولانی،از اختیار حوزهٔ علمیه بیرون بوده است.

۶-مدرسهٔ سلطان بخت آغا،که در نیمهٔ دوم قرن هشـتم هجری ساخته شده و درحال حاضـر تنها یک گنبد و دو مناره(که سـر آنها خراب شـده و افتاده است) و نیز یک سـردر،از آن باقی مانده و به دو منارهٔ دردشت و گنبد سـلطان بخت آغا معروف می باشد و اصل مدرسه،بتدریج جزء خانه ها شده است.

۷-مدرسهٔ خواجه صدر الدین علی طبیب،واقع در سه کیلومتری مغرب اصفهان (نصرآباد) (۱)

۸-مدرسهٔ شهشهان که مدرسهٔ مخصوص شیعه بوده است و قبر علاء الدین محمد(که از سادات جلیل و اشراف و نقباء اصفهان بوده)و به فیض شهادت رسیده است،در آن قرار گرفته و امروزه بنام بقعهٔ شهشهان معروف است.

۹-مدرسهٔ اوزون حسن،که در چهارسو نقاشی قرار داشته و فعلا"تبدیل به خانه شده است.

۱۰-مدرسهٔ دربکوشک،که جنب سردر زاویهٔ دربکوشک قرار داشته و این مدرسه غیر از مدرسهٔ باقریهٔ دربکوشک می باشد.

۱۱-مدرسهٔ باقریهٔ دربکوشک،که قبل از صفویه ساخته شده و در زمان آنها تعمیر شده است،و این مدرسه هنوز باقی می باشد.

۱۲-مدرسهٔ ترکها (۲)که تعمیرات و تزئیناتی در زمان صفویه یافته و مجددا"در زمان قاجاریه تعمیر گردیده است.

۱- ۱) در کتاب تاریخ مدارس ایران صـفحه ۱۸۰،سه مـدرسه از آثار صدر الدین علی یاد می کند که در اصـفهان و حومهٔ آن در اواسط قرن نهم احداث، شده است.

۲- ۲) در زمان حاضر،این مدرسه بنام مدرسهٔ امام هادی ع نامیده میشود.

۱۳-مدرسهٔ خواجه ملک،که مدرسهٔ بسیار بزرگی بوده و از یکطرف به مسجد شیخ لطف اللّه،منتهی میشده و از طرف دیگر تا سرای بیگدلی(در خیابان حافظ فعلی)ادامه داشته است،در زمان صفویه توسعه یافته و مدت زمانی مرکز بحث و تحقیق بوده و بیشتر علماء و دانشمندان و مدرسین عهد صفویه،از آن برخاسته اند.

صاحب کتاب نفیس روضات الجنات در مورد این مدرسه چنین می گوید:

مدرسهٔ خواجه ملک،در خیر و برکت و رسانیدن طالبین علم به مدارج علم و یقین بر بیشتر مدارس اصفهان مزیت و برتری دارد.این مدرسه در زمان شاه عباس کبیر در هنگام ساختن مسجد شیخ لطف اللّه تعمیر شده و مدرّسی آن،به عالم بزرگ شیخ لطف اللّه میسی واگذار گردیده بوده است،البته این مدرسه اکنون وجود ندارد و حتی آثاری هم از بنای آن،باقی نمانده است.

۱۴-مدرسهٔ عصمتیه-شامل سه بنا یعنی دار الحدیث،بیت الادویه و دار- الکتب بوده است (۱)

۱۵-مدرسهٔ جنب مسجد جمعه،که در قرن هشتم ساخته شده است (۲).

(۳) .

مدرسه های دوران صفویه

اشاره

حوزهٔ علمیهٔ اصفهان،در این دوره در اوج تکامل خود بوده است و بیشترین مدارس علمیه،در این دوره ساخته شده اند و بزرگترین مجتهدین و فلاسفه و مبلغین مذهبی،در حوزهٔ علمیهٔ اصفهان در این دوره تربیت یافته اند و بعضی از مورخین از نویسندگان،مدارس شهر اصفهان را در این دوره ۵۷ عدد ذکر نموده اند و به سبب همین جهات است که اصفهان را دار العلم شرق(که دانش را به سراسر نقاط خاور منتشر می کند)معرفی نموده اند.

۱- ۱) تاریخ مدارس ایران صفحه ۱۷۹ ۳) در این بخش،از کتابهای گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان،تاریخ فرهنگ اصفهان،آثار ملی اصفهان،رجال اصفهان و تاریخ مدارس ایران و تحقیقات شخصی و حضوری،بهره جسته ایم.

۲- ۲) تاریخ مدارس ایران صفحه ۱۷۹

۳- ۳) در این بخش،از کتابهای گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان،تاریخ فرهنگ اصفهان،آثار ملی اصفهان،رجال اصفهان و تاریخ مدارس ایران و تحقیقات شخصی و حضوری،بهره جسته ایم.

قابل توجه است که بسیاری از مدارس آن دوره،در حوادث تلخ و سهمگین تاریخی،از بین رفته اند و فقط نامشان در نوشته ها مانده و بجای آنها خانه، انبار،مغازه و مدرسه های غیر دینی ساخته شده است.

مدرسه های دورهٔ صفویه که فقط نامشان مانده است

۱-مدرسهٔ محمد مهدی صدراعظم ۲-مدرسهٔ صفوی ۳-مدرسهٔ خواجه محرم ۴-مدرسهٔ دار البطیخ ۵-مدرسهٔ جعفریه ۶-مدرسه گلگوز، ۷-مدرسهٔ میرزا خان ۸-مدرسهٔ گچ کنان ۹-مدرسهٔ مقصود عصار ۱۰-مدرسهٔ میرزا قاضی ۱۱-مدرسهٔ شاه طهماسب ۱۲-مدرسه کمرزرین ۱۳-مدرسهٔ باغ سهیل ۱۴-مدرسهٔ آقا شیرعلی ۱۵-مدرسهٔ وزیر ۱۶-مدرسهٔ شیخ یوسف بنا ۱۷-مدرسهٔ افتخار الملک ۱۸-مدرسهٔ محمد صالح بیک ۱۹-مدرسهٔ ایلچی(که کتابخانهٔ خوبی هم داشته است) ۲۰-مدرسهٔ آقاکافور(در نزدیکی مسجد خان و میدان میر)۲۱-مدرسهٔ شیخ علیخان زنگنه ۲۲-مدرسهٔ حاج عبد الغفار ۲۳-مدرسهٔ حکمتیه ۲۴-مدرسهٔ فاضل هندی(که احتمالاـ"مسجد فاضل هندی در محلهٔ کران بجای آن بنا شده است)۲۵-مدرسهٔ مبارکه یا مبارکیه(که فعلاـ"با تغییر شکلی که یافته در اختیار آموزش و پرورش است و مدتی هم دبستان دخترانه بود و بنام دبستان ناموس خوانده می شد)۲۶-مدرسهٔ شاهزاده ها(که هم اکنون بصورت مدرسه جدید است و بنام دبستان حکیم نظامی می باشد) ۲۷-مدرسهٔ میرزا تقی یا خالصیه،در نزدیکی مسجد سلام(که بصورت خانه درآمده بود،ولی اخیرا"از تصرف غصبی درآمده و زیر نظر حضرت حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج سید حسن فقیه امامی در حال تجدیدبنا بصورت بسیار مجلل و باشکوهی است)۲۸-مدرسهٔ مریم بیگم(که بصورت مدرسهٔ جدید درآمده و در اختیار آموزش و پرورش است)۲۹-مدرسهٔ فاطمیه ۳۰-مدرسهٔ اسفندیاربیک ۳۱-مدرسهٔ دده خاتون ۳۲-مدرسهٔ پریخان خانم،

ص: ۴۰۵

۳۳-مدرسهٔ زینب بیگم (۱)۳۴-مدرسهٔ آقا کمال خازن ۳۵-مدرسهٔ عباس آباد ۳۶-مدرسهٔ مادر شاه (۲)۳۷-مدرسهٔ آقانور جولا-، ۳۸-مدرسهٔ حاج باقر مه آبادی ۳۹-مدرسهٔ افندی(که میرزا عبد اللّه افندی،از شاگردان علامهٔ مجلسی نزدیک منزلش ساخته بوده است)

۴۰-مدرسهٔ شاه حسن(که در دروازه حسن آباد بوده است)۴۱-مدرسهٔ نجفقلی بیک ۴۲-مدرسهٔ میرزا رضی ۴۳-مدرسهٔ کوچه کلباسی،

۴۴-مدرسهٔ محرمیه ۴۵-مدرسهٔ مرتضویه ۴۶-مدرسهٔ قاسمیه هاشمیه (۳)،

ص: ۴۰۶

۱- ۱) در محلهٔ خواجو هفت مدرسه وجود داشته است که چهار مدرسهٔ اخیر و مدرسهٔ مریم بیگم و مدرسهٔ شیخ یوسف بنا،از آن جمله بوده اند.

۲- ۲) سه مدرسهٔ یاد شده،جزء هفت مدرسهٔ دنبال نهر فرشادی و محلهٔ عباس آباد می باشد که در زمانهای گذشته وجود داشته اند و بدنبال حوادث روزگار بویرانی کشیده شده و از بین رفته اند.

۳- ۳) در این بخش،از کتابهای آثار ملی اصفهان،گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان،تاریخ مدارس ایران،تاریخ فرهنگ اصفهان،رجال اصفهان و تحقیقات حضوری و شفاهی،بهره جسته ایم.

مدرسه های دوران صفویه،که تاکنون باقی مانده اند

۱-مدرسهٔ ملا عبد اللّه

که در ابتدای بازار بزرگ،نزدیک بمیدان امام اصفهان واقع است، این مدرسه بصورت دوطبقه و از مهمترین مدارس علمیهٔ اصفهان می باشد و مرحوم ملا عبد اللّه شوشتری،در این مدرسه بکار تربیت طلاب،اشتغال داشته و در مجلس درسش چهره هائی همانند مجلسی اول از شاگردان مبرز،بحساب می آمده و به کسب علوم و معارف،مشغول بوده اند،تکامل حوزهٔ علمیهٔ اصفهان(در ابتدای تأسیسش)مرهون خدمات این عالم بزرگ و باتقوی می باشد.

۲-مدرسهٔ جده بزرگ

مدرسهٔ بزرگی است در دوطبقه،که در نزدیکی بازار زرگرها قرار گرفته است، و علماء بزرگی در آن تدریس می نمایند،و از آبادترین مدارس اصفهان میباشد

۳-مدرسهٔ جده کوچک

در بازار قهوه کاشیها است و کوچکتر از مدرسهٔ جده بزرگ می باشد و هم اکنون آباد است و محل سکونت طلاب قرار دارد.

۴-مدرسهٔ کاسه گران

این مدرسه در بازار بزرگ و نزدیک مسجدجامع قرار دارد و از مدارس بزرگ اصفهان شمرده می شود و دارای دوطبقه است.

۵-مدرسهٔ ذو الفقار

این مدرسه قبلا"بصورت یکی از مدارس معمولی اصفهان بوده ولی درحال حاضر مرکز مهمترین برنامهٔ درسی حوزهٔ علمیهٔ اصفهان قرار گرفته است و طلاب علوم دینیه،روزانه درسهایشان را در این مدرسه و

منزلهای (۱)بسیار بزرگی که در مجاورت آن است می خوانند و در سایر مدارس سکونت می نمایند و در زمان حاضر تغذیهٔ فکری و علمی حوزهٔ علمیهٔ اصفهان،در رتبهٔ مقدمات و سطح،قسمت عمده اش بوسیله برنامه های درسی و تربیتی مدرسهٔ علمیهٔ ذو الفقار می باشد و روزانه در حدود بیش از یکصد و بیست جلسهٔ درسی،در رشته های فقه،اصول،تفسیر،شناخت و عقائد،حدیث و نهج البلاغه،تعلیم و تجوید و حفظ قرآن،نحو،صرف،معانی،بیان، بدیع،منطق،فلسفه،بررسی جامعه و تاریخ و....در این مدرسه و ملحقاتش،تشکیل میشود و در این دوره یکی از مراکز مهم تغذیهٔ فکری جامعهٔ بحرکت درآمدهٔ ایران اسلامی است و تا این تاریخ،بیش از پنجاه شهید و مفقود الاثر در راه انقلاب اسلامی داشته است (۲)

ص:۴۰۸

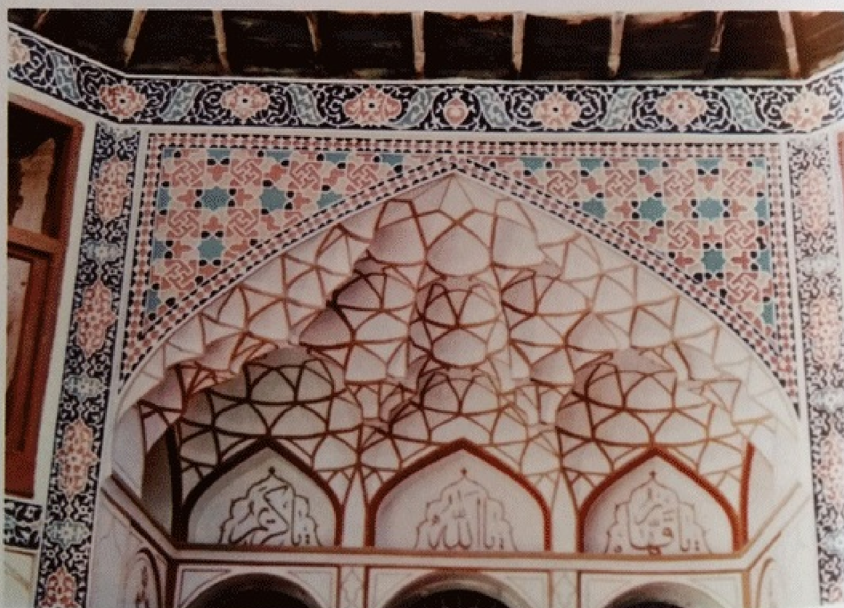
---

۱ - ۱) در مجاورت مدرسهٔ علمیهٔ ذو الفقار،دو منزل بزرگ که اطاق های متعدد و فراوان دارد،زیر نظر حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج سید حسن فقیه امامی دامت برکاته خریداری و وقف گردیده و تبدیل به مدرسهٔ علمیه شده و در اختیار برنامهٔ ذو الفقار گذارده شده است.و نیز با فاصلهٔ کمی از مدرسهٔ ذو الفقار در منتهی الیه خیابان مشیر انصاری در کوچه ای که به طرف خیابان هارونیه میرود منزل بسیار بزرگ و بااهمیتی خریداری و وقف گردیده و در حال تعمیر کلی می باشد،و بزودی در اختیار برنامهٔ مدرسهٔ ذو الفقار قرار خواهد گرفت. و همچنین،تعدادی از جلسات مهم درسی مدرسهٔ ذو الفقار،در مسجد نوبازار که از مساجد مهم و باشکوه میباشد و در مجاورت مدرسهٔ ذو الفقار است،تشکیل میشود و در نتیجه هنگامیکه صحبت از برنامهٔ درسی مدرسهٔ ذو الفقار میشود،منظور مجموعهٔ درسها و برنامه هائی است که در پنج محل بزرگ،اجرا میشود.

۲ - ۲) برای آشنائی بیشتر با وضعیت مدرسهٔ ذو الفقار،به کتاب شهدای مدرسه علمیهٔ ذو الفقار(به قلم نگارنده)جلد اول و دوم مراجعه شود و بخواست خداوند در آینده،بررسی مفصل تری نیز خواهیم داشت.

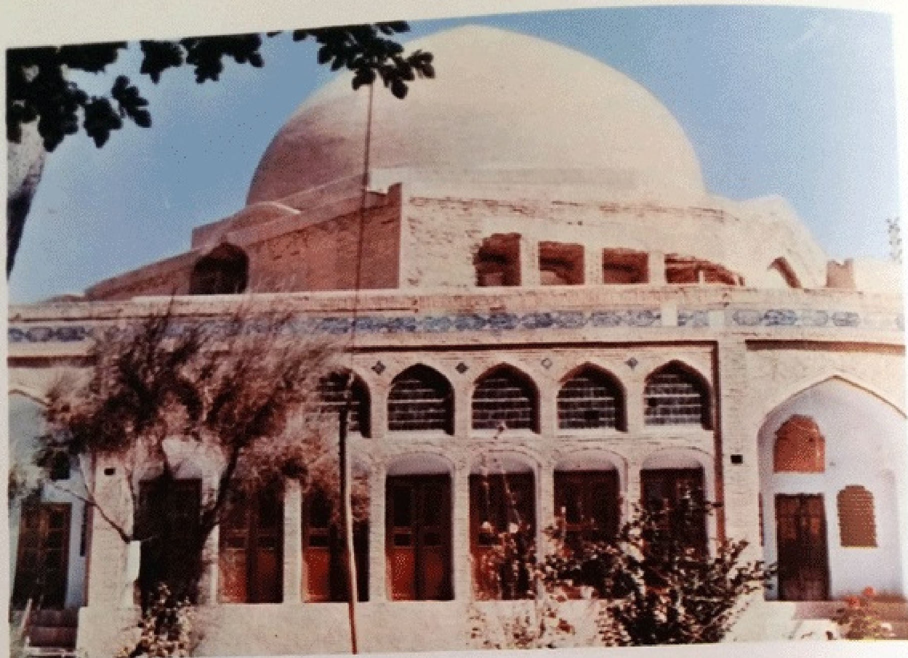


نمائی از مدرسهٔ علمیهٔ ذوالفقار اصفهان

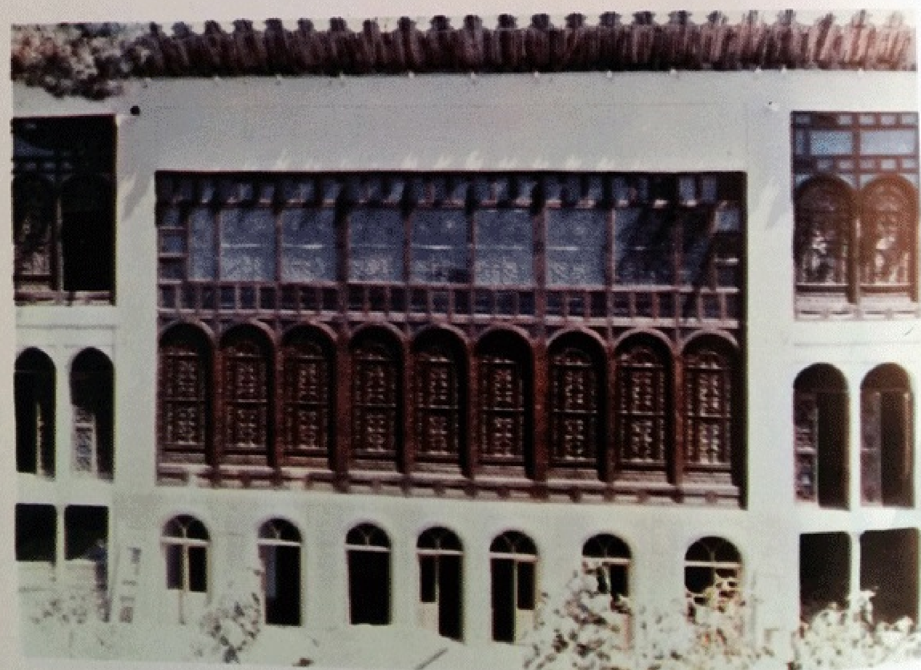


منظرهٔ از نمای مدرسهٔ محمودیّه وابسته بمدرسهٔ ذوالفقار اصفهان

عکس



نمای مدرس مدرسهٔ آیة‌الشیخ محمّدعلی ـ اصفهان «گنبد مسجد مجاور نیز، در تصویر دیده می‌شود»



نمائی از مدرسهٔ الغدیر وابسته به مدرسهٔ ذوالفقار ـ اصفهان

عکس



گروهی از طلاب مدرسه ذوالفقار اصفهان، در سفر دسته جمعی به مشهد مقدس



گروهی از طلاب مدرسه علمیه ذوالفقار که بدست امام خمینی معمم گردیدند
همراه با بعضی از اساتید مدرسه

عکس





گروهی از طلاب مدرسه ذوالفقار همراه با بعضی از اساتید مدرسه

عکس



گوشه‌ای از یکی از جلسات درسی برنامهٔ ذوالفقار، در مسجد نو



چه قدر با روحیه است! بعضی در حال مطالعه، و بعضی در بارهٔ مطالب درسی خود با یکدیگر مباحثه می‌کنند

مدرسهٔ فرعی؛ وابسته به مدرسهٔ ذوالفقار اصفهان

نمائی از مدرسهٔ علمیهٔ ذو الفقار–اصفهان

منظرهٔ از نمای مدرسهٔ محمودیّه وابسته بمدرسه ذو الفقار–اصفهان

ص :۴۰۹

نمای مدرس مدرسه آشیخ محمّد علی-اصفهان«گنبد مسجد مجاور نیز،در تصویر دیده میشود»

نمائی از مدرسه الغدیر وابسته به مدرسه ذو الفقار-اصفهان

ص :۴۱۰

گروهی از طلّاب مدرسهٔ ذو الفقار اصفهان،در سفر دسته جمعی،به مشهد مقدّس

گروهی از طلّاب مدرسهٔ علمیّه ذو الفقار که بدست امام خمینی معمّم گردیدند همراه با بعضی از اساتید مدرسه

ص :۴۱۱

گروهی از طلّاب مدرسهٔ ذو الفقار همراه با بعضی از اساتید مدرسه

گوشه ای از مراسم صبحگاهی،در حال استغاثهٔ به ولیّ عصر(عج)

گوشه ای از مراسم دعای صبحگاهی مدرسهٔ ذو الفقار-اصفهان

گوشه ای از یکی از جلسات درسی برنامهٔ ذو الفقار،در مسجد نو

چه قدر با روحیّه است!بعضی در حال مطالعه،و بعضی دربارهٔ مطالب درسی خود با یکدیگر مباحثه می کنند مدرسهٔ فرعی ۱ وابسته به مدرسهٔ ذو الفقار-اصفهان

دو قسمت از یک جلسهٔ امتحانی مدرسه ذو الفقار که در سالن بزرگ مسجد نو«مجاور مدرسه» تشکیل شده است

ص :۴۱۲

۶-مدرسهٔ امامزاده اسماعیل

در کنار قبر شعیای نبی و قبر مطهر امامزاده اسماعیل،صحن بزرگ و وسیعی وجود دارد که حجره های طلاب،در اطراف آن قرار گرفته و در گذشته،مدرسهٔ علمیه بوده است و مدتی هم آیت اللّه العظمی سید ابو الحسن مدینه ای اصفهانی در این مدرسه تحصیل نموده اند.

این مدرسه،از ویژگی خاصی برخوردار است و آن اینکه،علاوه بر قبر شعیای نبی و قبر امامزاده اسماعیل(که از معتبرترین امامزادگان می باشد)مسجدی در طرف جنوبی مدرسه و در جنب بقعهٔ امامزاده اسماعیل قرار دارد که،در گچ بریهای آن،نوشته شده است(اوّل مسجد بنی بالاصبهان)که نشان میدهد،بعد از آمدن اسلام در این شهر،اولین جائی که رسما"بعنوان مسجد ساخته شده،همین مکان مقدس می باشد (۱)و در زمان حاضر این مدرسه، تعمیر کلی گردیده و در اختیار طلاب قرار گرفته و مسکونی شده است.

۷-مدرسهٔ نوریه

واقع در بازار و نزدیک مسجد جامع می باشد و کتابخانهٔ قابل توجهی دارد

۸-مدرسهٔ نیم آور

که از مدارس قابل توجه اصفهان و از نظر معماری و استحکام ساختمان و نیز از جهت زیبائی و کاشی کاری و نماسازی بسیار جالب است.

این مدرسه،همیشه محل تلاش و کوشش علمی علماء بزرگ بوده چنانچه مدتی آیت اللّه العظمی بروجردی در این مدرسه تحصیل علم نموده اند و همچنین مدرسین و فقهاء و حکمای بزرگ همچون آیت اللّه سید محمد باقر درچه ای و آخوند گزی و ملا حسن نائینی و حاج میرزا بدیع و...در این مدرسه

---

۱ - ۱) این مطلب منافات ندارد با قدمت بیشتر مسجد جامع اصفهان،زیرا، مسجد جامع بعنوان مسجد تأسیس نشده بلکه قبلا-"آتشکده بوده و سپس تبدیل به مسجد گردیده است و در طول تاریخ،تغییرات کلی و تجدید بنا و تعمیرات فراوانی یافته،تا بصورت امروزی درآمده است.

تـدریس می نمـوده انـد و هنوز این مـدرسه از مـدارس فعـال و پربرکت اصـفهان می باشـد و علمـاء و مدرسـین بزرگ،در آن مشغول تربیت و تعلیم طلاب علوم دینیه می باشند.

۹-مدرسهٔ سلطانی(چهارباغ)

مدرسهٔ چهارباغ که اخیرا"بنام مدرسهٔ امام صادق علیه السلام نامیده میشود، با همت سلطان حسین صفوی،ساخته شده است.

از نظر نفاست معماری و ظرافت کاشـی کاری،از بهترین آثار هنری بشـمار میرود و در حدود ۸۵۰۰ متر مربع زیربنای ساختمان و صـحن مـدرسه است،گنبـد و دو منـاره ای که در طرف جنوبی مـدرسه قرار دارد،از زیبائیهـای تاریخی اصـفهان و در ردیف گنبد و مناره های مسجد امام(مسجد شاه سابق است).

علماء بزرگی هماننـد آیت اللّه سـید محمد مدرس نجف آبادی و حکیم فرزانه،شـیخ محمود مفید و مرحوم آیت اللّه خراسانی در این مدرسه تدریس می نموده اند.

۱۰-مدرسهٔ ساروتقی

این مدرسه بنام مدرسهٔ حاج شیخ محمد علی معروف است و از مدارس مسکونی طلاب می باشد.

۱۱-مدرسهٔ میرزا مهدی

نزدیک بازارچه بیدآباد،در خیابان مسجد سید می باشد و پس از سالها مجددا"در اختیار حوزهٔ علمیه قرار گرفته است.

۱۲-مدرسهٔ شفیعیه

در محله دردشت واقع می باشد و هم اکنون محل سکونت طلاب است

۱۳-مدرسهٔ میرزا حسین

واقع در بازارچه بیدآباد و جنب مسجد سید می باشد و درحال حاضر مورد بهره برداری طلاب است.



نمای کتابخانه در داخل مدرسه صدر خواجو - اصفهان



مدرسه نوریّه - اصفهان

نمای کتابخانه در داخل مدرسه صدر خواجو-اصفهان

مدرسهٔ نوریّه-اصفهان

ص :۴۱۵





نمائی از مدرسهٔ جوادیّه علیه السلام وابسته به مدرسهٔ ذو الفقار-اصفهان

مدرسهٔ میرزا حسین-اصفهان



قسمتی از نمای جنوبی مدرسهٔ عربها «مدرسه آیت الله خادمی»



مدرسه میرزا مهدی - اصفهان

قسمتی از نمای جنوبی مدرسهٔ عربها«مدرسه آیت اللّه خادمی»

مدرسه میرزا مهدی-اصفهان

۱۴-مدرسهٔ الماسیه

مدرّس آن،شیخ محمد تقی الماسی داماد مرحوم علامهٔ مجلسی بوده و به این جهت،مدرسه به این نام نامیده شده است،این مدرسه در انتهای چهارسوق مقصود،قرار دارد و فعلا"محل سکونت طلاب است و معمور میباشد.

۱۵-مدرسهٔ جلالیه

در خیابان احمدآباد واقع است و مدتی دبستان بود ولی با همت و اقدام حضرت آیت اللّه العظمی آقای گلپایگانی مد ظله،در اختیار طلاب قرار گرفت و فعلا"محل سکونت و بهره برداری است.

۱۶-مدرسهٔ عربان

مدرسهٔ بسیار بزرگی است در نزدیکی دروازه حسن آباد و در جوار امامزاده احمد علیه السلام که هنوز باقی مانده و در زمان مرحوم آیت اللّه خراسانی ره تعمیرات قابل توجهی یافته بود.

چندین سال قبل مرحوم آیت اللّه خادمی(قده)تصمیم گرفتند که این مدرسه را تجدیدبنا نمایند و لذا با اقدام و همت عالی خود و همکاری مؤسسهٔ خیریهٔ همدانیان،مشغول به کار شدند و با نقشهٔ بسیار جالب،ساختمان مدرسه را بصورت سه طبقه با امکانات و لوازم مناسب،شروع نمودند و تاکنون قسمت عمدهٔ کارهای ساختمانی آن انجام شده است.

مجریان طرح ساختمانی مدرسه،تصمیم گرفته اند که بپاس خدمات مرحوم آیت-اللّه خادمی،مدرسه را از این پس(مدرسهٔ آیت اللّه خادمی)بنامند.

۱۷-مدرسهٔ اسماعیلیه

که در محلهٔ قصرمنشی واقع است و مدرّس اولیهٔ آن مرحوم میر محمد اسماعیل خاتون آبادی بوده که از علماء بزرگ آن دوره بشمار میرود و تفسیر بزرگی برای قرآن در ۱۴ جلد نوشته و کراماتی نیز از او نقل شده است،این مدرسه فعلا مسکونی طلاب می باشد.

۱۸-مدرسهٔ هارونیه

در جوار امامزاده هارونیه،ساخته شده و هنوز باقی است ولی مسکونی برای طلاب نیست.

۱۹-مدرسهٔ ناصری

که در جنوب شرقی مسجد امام اصفهان(مسجد شاه سابق)قرار دارد و چون تعمیراتی در دورهٔ ناصر الدین شاه قاجار در آن انجام گرفته،به مدرسهٔ ناصری مشهور شده است.

۲۰-مدرسهٔ سلیمانیه

که در جنوب غربی مسجد امام قرار دارد.

۲۱-مدرسهٔ شمس آباد

در محلهٔ عباس آباد واقع است و فعلا"بعنوان مسجد از آن استفاده میشود.

مدارس اصفهان که بعد از دورهٔ صفویه بنا گردیده

۱-مدرسهٔ صدر بازار

مؤسس آن،حاج محمد حسین خان صدر است،که از مردان بااراده و دوستدار علم بوده و از مفاخر ایران بشمار میرود و در زمان خودش گامهای بسیار ارزنده و مثبتی برداشته است.

او در زمینهٔ تأسیس و یا تعمیر و تجدیدبنای مساجد و مدارس،کوششهای قابل تحسینی نموده که از میان آنها،بنای مدرسهٔ صدر بازار از اهمیت خاصی برخوردار است.

این مدرسه،همیشه محل علماء بزرگ و تدریس و تعلیم عالیترین رتبهٔ درسی حوزهٔ علمیه بوده است.و درسهای فقه و اصول در رتبهٔ سطح عالی و خارج و نیز درسهای فلسفه عمده در این مدرسه ایراد می شده است،مرحوم شیخ محمد خراسانی(حکیم)کتاب شفای بو علی سینا و منظومهٔ سبزواری را در این مدرسه تدریس می نموده است،و نیز مرحوم جهانگیر خان قشفائی از مدرسین

فلسفه در این مدرسه بوده است و مرحوم سید حسن مدرس(شهید)و مرحوم فاضل تونی،در درس او حاضر میشده اند.

و همچنین مرحوم سید ابو القاسم دهکردی و مرحوم آخوند کاشی و مرحوم شیخ محمود مفید،از دیگر مدرسین عظیم الشأن حکمت و الهیات،در این مدرسه بوده اند.

علماء بزرگ دیگری نیز همچون آیت اللّه آخوند ملا محمد حسین فشارکی و آیت اللّه آخوند ملا عبد الکریم جزی و آیت اللّه سید محمد نجف آبادی و آیت اللّه سید علی نجف آبادی و در این اواخر،آیت اللّه سید محمد رضا خراسانی و آیت اللّه(شهید)سید ابو الحسن شمس آبادی و آیت اللّه میر سید علی بهبهانی و آیت اللّه حاج آقا حسین خادمی رضوان اللّه تعالی علیهم،در این مدرسه تدریس نموده اند.

و در زمان حاضر،مجتهدین و فقهای بزرگوار و عظیم الشأن،در همین پایگاه بزرگ علمی،به فعالیت علمی و تدریسی اشتغال دارند.

نمونۀ دیگری از افتخارات این مرکز علمی اینست که چهرۀ درخشان عالم حوزه های علمیه،آیت اللّه العظمی بروجردی،مدتی در آن بتحصیل علوم حوزه ای، اشتغال داشته و مراحل علمی را می پیموده اند.

مدرسۀ صدر در جریان انقلاب اسلامی،پایگاه بزرگی بود که بسیاری از حرکتها و جوششها،از آن شروع میگردید و بعنوان نمونه،میتوان از اولین راهپیمائی پانصد هزار نفری اصفهان یاد نمود،که مبدأ آن،مدرسۀ صدر بود و بسوی دانشگاه ادامه یافت،و بهمین دلائل،فرماندار نظامی حکومت جبار شاه، با نیروهایش به این مدرسه یورش برد و مدتی درب آن بسته بود تا آنکه بعد از مدتی،بدنبال تلاشهائی،مجددا"مفتوح گردید و فعالیت ها،از سر گرفته شد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز،عوامل فساد و گروهکها نقشه ها و توطئه هائی را برای این مدرسه،در سر میپروریدند که آنها نیز بخواست خداوند،خنثی

و بی اثر گردید و راه اصلی مدرسه،که نشر علوم اسلامی و ترویج مکتب مقدس جعفری است،تداوم یافت.

۲-مدرسهٔ صدر خواجو

از جمله مدارسی است که به همت مرحوم صدر سابق الذکر ساخته شده،و محل آن،چهارباغ خواجو(صدر)می باشد.

این مدرسه مدتی متروکه مانده بود و سپس مدتی در زمان حکومت خبیث پهلوی بصورت تیمارستان درآمده بود،ولی با اقدام مرحوم آیت اللّه العظمی بروجردی قدس سره،به حوزهٔ علمیه بازگردانده شد و پس از تعمیر،در اختیار طلاب قرار گرفت و فعلا"از مدارس فعال اصفهان می باشد و کتابخانه ای نیز دارد.

۳-مدرسهٔ پاقلعه

این مدرسه نیز به همت مرحوم صدر ساخته شده و وسعت کمی دارد،در زمان حاضر این مدرسه مسکونی طلاب نیست.

۴-مدرسهٔ مسجد سید

مسجد سید اصفهان،که بوسیله آیت اللّه سید محمد باقر شفتی(مشهور به سید حجه الاسلام)بنیانگزاری شده و یکی از بناهای فوق العاده عظیم اصفهان می باشد،زیرا از نظر معماری،کاشی کاری و بزرگی مساحت بسیار چشمگیر است و معنویت و تقوای بانی آن،سبب شده،که بهترین برنامه های اسلامی اصفهان در این مسجد اجرا شود و همیشه از بهترین پایگاههای مذهبی در شهر تاریخی اصفهان بوده است.

در دو سوی شرقی و غربی این مسجد،حجره های متعددی ساخته شده و ایوانهای بزرگی که بآنها(مهتابی)میگویند،در جلو آنها قرار گرفته،که این مجموعه،مدرسه ای را تشکیل میدهد و در نتیجه،مجتمع عظیمی بصورت (مسجد-مدرسه)شکل گرفته است.

این مدرسه نیز در اختیار طلاب حوزهٔ علمیه میباشد و کتابخانه ای اخیرا"در آن در حال تأسیس است.

۵-مدرسهٔ رکن الملک

جنب مسجد رکن الملک در خیابان فیض(تخت فولاد)مدرسهٔ رکن الملک قرار دارد که در راه ورود به مسجد،واقع شده و اکنون مسکونی طلاب نیست.

۶-مدرسهٔ حاجی کلباسی

مدرسهٔ بزرگی بوده که حاجی کرباسی(کلباسی)آنرا ساخته ولی هم اکنون بصورت خانه درآمده است.

تأسیس و احیای مدارس،در دورهٔ اخیر

اشاره

در سالهای اخیر،در شهر اصفهان کوششهای قابل توجهی در مورد تعمیر مدارس علمیه و نیز برگرداندن مدارس غصب شده،به حوزهٔ علمیه و همچنین تجدیدبنا و یا تأسیس مدارس نوبنیاد،زیر نظر علماء و مجتهدین و با همکاری مردم باایمان انجام گرفته و میگیرد و در این بخش به نمونه هائی از خدمات انجام شده اشاره می نمائیم بدینترتیب:

۱-مدارسی که تعمیر عمده و کلی یافته اند بدینقرار می باشند،مدرسهٔ صدر، نیم آور،جدهٔ بزرگ و جدهٔ کوچک،میرزا حسین،کاسه گران،ملا عبد اللّه میرزا مهدی،امام هادی(ترکها)،نوریه،اسماعیلیه و....

۲-مدارسی که به حوزهٔ علمیه بازگردانده شده اند همراه با تعمیر اساسی، چنین می باشند:

مدرسهٔ جلالیه،مدرسهٔ امامزاده اسماعیل علیه السلام ،مدرسهٔ امامیه(که این مدرسهٔ اخیر،در حدود یکمیلیون تومان خرج تعمیر داشته است).

۳-مدارسی که تجدیدبنا یافته اند چنین می باشند-۱-مدرسهٔ ذو الفقار -۲-مدرسهٔ عربان(مدرسهٔ آیت اللّه خادمی ره)که بصورت سه طبقه ساخته شده است.

۴-مدرسهٔ خالصیّه که بصورت خانهٔ مسکونی درآمده بود ولی اخیرا"به حوزهٔ علمیه بازگردانده شده و در حال تجدیدبنا می باشد و با نقشهٔ کامل و جالبی با

ضمیمه نمودن یک قطعه زمین دیگر به آن،بصورت دوطبقه همراه با امکانات و وسائل لازم،در حال تکمیل ساختمان می باشد و بخواست خداوند این مدرسه که جایگاه تدریس سید نعمت اللّه جزائری،چهرهٔ بزرگ حوزهٔ علمیهٔ قدیم اصفهان بوده،مجددا"یکی از پایگاه های علمی و تربیتی حوزهٔ علمیهٔ اصفهان میگردد.

۵-مدارسی که دورهٔ اخیر بر مدارس حوزهٔ علمیه اصفهان افزوده شده است چنین می باشد:

۱-مدرسهٔ محمودیه

این مدرسه،جنب مدرسهٔ ذو الفقار تأسیس شده و بعنوان مدرسهٔ فرعی-۱- از مدرسه ذو الفقار می باشد.

۲-مدرسهٔ جوادیه

این مدرسه نیز در جنب مدرسهٔ قبلی تأسیس شده و بعنوان مدرسهٔ فرعی -۲-از مدرسه ذو الفقار می باشد.

۳-مدرسه الغدیر

در منتهی الیه خیابان مشیر انصاری در کوچه ای به طرف خیابان هارونیه می باشد،این مدرسه قبلا"یک خانهٔ بسیار وسیع و بزرگ و باشکوه(بصورت حیاط و خلوت)با مساحتی برابر ۲۴۰۰ متر مربع بوده و در سالهای اخیر خریداری و وقف گردیده و تبدیل به مدرسهٔ علمیه،گردیده است.

قسمتهائی از این مدرسه اخیرا"تجدیدبنا گردیده و بخشهای دیگرش تعمیر کلی یافته و با آنکه تاکنون در حدود دو میلیون تومان خرج تعمیر و تجدید بنای قسمتهائی از آن مدرسه گردیده،ولی هنوز کار تعمیرات این مدرسهٔ عظیم به پایان نرسیده است.

این مدرسه نیز،فرعی-۳-برای مدرسهٔ ذو الفقار می باشد (۱)

۱- ۱) دربارهٔ مدارسی که در این بخش نام بردیم،در بخش مدارس اصفهان توضیحات بیشتری داده ایم به آنجا مراجعه شود.

۴-مدرسهٔ امیر المؤمنین علی علیه السّلام

این مدرسه در نزدیکی فلکه طوقچی(میدان قدس)و در محل مصلای قدیم طوقچی تأسیس گردیده است.ساختمان یک طبقهٔ این مدرسه با ۴۰ حجره و امکانات لازم انجام شده و ساختمان طبقهٔ دوم آن جدیدا،شروع گردیده است که مجموعا"۸۰ حجره خواهد داشت.

این مدرسه و مسجد عظیمی که در جوار او،باهم در حال تأسیس می باشند، تجلی هماهنگی علم و عبادت و(مدرسه-مسجد)را بنمایش میگذارند.

کتابخانه های حوزهٔ علمیهٔ اصفهان

در گذشته،حوزهٔ علمیهٔ اصفهان کتابخانه های شخصی و یا عمومی بااهمیتی وجود داشته که حوادث و پیشامدهای گوناگون آنها را از بین برده و یا متفرق و پراکنده نموده است،ولی هم اکنون کتابخانه هائی در مدارس علمیه و یا اماکن مستقل وجود دارند،که در اختیار حوزهٔ علمیه می باشند و طلاب،از آنها بهره مند میشوند که با اشاره ای بآنها،این فصل را خاتمه میدهیم.

۱-کتابخانهٔ مدرسه صدر که توسط مرحوم ایت اللّه خراسانی تأسیس گردیده است.

۲-کتابخانهٔ مدرسهٔ علمیهٔ ذو الفقار که زیر نظر حضرت حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج سید حسن فقیه امامی تأسیس شده است.

۳-کتابخانهٔ مؤسسهٔ دینی و علمی احمدیه،که زیر نظر مرحوم آیت اللّه خادمی و عده ای از روحانیون عظیم الشأن اصفهان،تأسیس گردیده است.

۴-کتابخانهٔ مدرسهٔ علمیهٔ جلالیه ۵-کتابخانهٔ مدرسهٔ ملا عبد اللّه

۶-کتابخانهٔ مدرسهٔ نوریه ۷-کتابخانهٔ مدرسهٔ صدر خواجو

۸-کتابخانهٔ مدرسهٔ علمیهٔ امامزاده اسماعیل

۹-کتابخانهٔ مدرسه و مسجد سید

و اخیرا"سه کتابخانهٔ بااهمیت،بوجود آمده و افتتاح گردیده است که به کتابخانهٔ عمومی علاّمه مجلسی ره-اصفهان

کتابخانه مدرسهٔ صدر-اصفهان

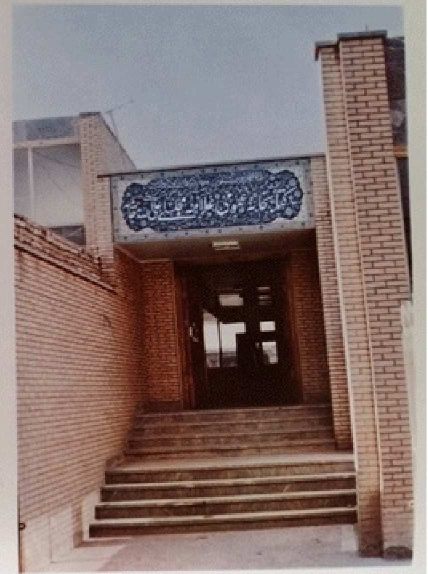
کتابخانهٔ عمومی امام امیر المؤمنین علی علیه السّلام-اصفهان

گوشه ای از مخزن کتابخانهٔ الزّهراء(علیها السّلام)اصفهان

نمای باشکوه مسجد بابا محمّد علی سقا«مسجد امامی» و کتابخانه عمومی الزّهراء(ع)-اصفهان

مدرسهٔ ملاّ عبد اللّه-اصفهان

ص: ۴۲۴



کتابخانه عمومی علامه مجلسی ره اصفهان



کتابخانه مدرسه صدر اصفهان

عکس



کتابخانهٔ عمومی امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام ـ اصفهان



گوشه‌ای از مخزن کتابخانهٔ الزهراء علیها السلام اصفهان

عکس



نمای باشکوه مسجد بابا محمد علی تقا «مسجد امامی»
و کتابخانهٔ عمومی الزهراء(ع) - اصفهان



مدرسه ملا عبدالله - اصفهان

ترتیب زمان افتتاح،آنها را ذکر می نمائیم.

۱۰-کتابخانهٔ عمومی(الزهراء ع)که در خیابان عبد الرزاق اصفهان واقع شده و زیر نظر حضرت حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج سید احمد فقیه امامی تأسیس گردیده،و با داشتن مخزن بزرگ و سالن مطالعه و امکانات قابل توجه از یکسو،و داشتن حدود بیست هزار جلد کتاب(که از بهترین و ارزشمندترین کتابها،انتخاب شده است)و به سرعت رو به فزونی هستند از سوی دیگر،میتواند کمک بزرگی،به محققین باشد.

۱۱-کتابخانهٔ علامهٔ مجلسی،که نزدیک مسجدجامع و مقبرهٔ علامه مجلسی ره تأسیس شده است و میتواند عاملی برای

بزرگداشت نام علامهٔ مجلسی (بزرگترین نشردهندهٔ فرهنگ تشیع)باشد.

۱۲-کتابخانهٔ امام امیر المؤمنین علیه السّلام،که در اول خیابان احمد آباد و زیر نظر حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج سید کمال فقیه ایمانی،تأسیس شده و از نظر ساختمان،سالن مطالعه و مخزن کتاب و امکانات لازم و گستردگی کتاب و شرائط تکاملی،بسیار چشمگیر و جالب است.

این کتابخانه،در زمینی به مساحت ۱۷۰۰ متر مربع و بصورت سه طبقه بنا گردیده است.

در پایان،اشاره میکنم به اینکه علاوه بر کتابخانه های یاد شده،کتابخانه های شخصی نفیسی،در شهر اصفهان وجود دارد که در اختیار علماء و مجتهدین و نویسندگان حوزهٔ علمیه است و در کوششهای علمی،مورد بهره برداری آنها قرار میگیرد.

اصفهان مبدأ حرکت دینی-علمی بانوان

بعد از آنکه مزدور اجانب(پهلوی اول)زنان ایرانی را مورد سیاست استعماری خود قرار داد و آنها را بسوی ابتذال و بی بندوباری کشانید و بسیاری از زنان و دختران نجیب ایرانی را گرفتار(از خودبیگانگی)و انحرافات اخلاقی و عقیدتی کرد،اولین حرکت چشمگیر از سوی طبقهٔ بانوان برای

ص: ۴۲۵

تمسـک به قرآن و آشـنائی بـا اسـلام و علوم آن،و مقـابله بـا سـیاست اسـتعماری اجـانب توسط بانوی مجتهـدهٔ فقیهه،و مفسـرهٔ مرحومه حاجیه خانم امین(مشهور به بانوی ایرانی)،شاگرد مبرز مجتهد عظیم الشأن و عالیقدر،محقق بزرگ،آیت اللّه حاج سید علی نجف آبادی ره،شروع گردید و در ابتداء،به صورت درسهای خصوصی برای بانوان و بعدا"به شکل تأسیس مدارس دینی با درس و روش طلبگی،برای دوشیزگان و بانوان،ادامه یافت،تا آنکه در زمان حاضر چندین مدرسه با تعداد زیادی از داوطلبان تحصـیل علوم دینی،در حال فعالیت علمی و تدریس و تحصـیل علوم حوزه ای می باشند و عدهٔ زیادی از آنها مراحل تحصیلی حـوزه ای را بـه مرتبـهٔ سـطح،رسانـده انـد و گروه زیـادی از آنهـا،بکـار تبلیغ و تـدریس دروس دینی در محافـل و مـدارس جدیده،اشتغال یافته اند.

مراکز تحصیلی بانوان

اشاره

در شـهر اصـفهان مراکز متعددی برای تحصـیل علوم حوزه ای برای بانوان و دوشیزگان بوجود آمده که ذیلا"به آنها اشاره می نمائیم.

۱-مکتب فاطمه سلام اللّه علیها

واقع در خیابان مسـجد سـید،بازارچه بیدآباد می باشد،این مکتب سابقه دارترین مراکز تحصـیلی حوزه ای برای بانوان در شـهر اصـفهان میباشـد و زیر نظر مجتهـدهٔ بزرگ و مفسـرهٔ نامـدار حـاجیه خانم امین(بانوی ایرانی)، رضوان اللّه علیها و با همت یک بانوی فـداکار و کوشا،یعنی حاجیه خانم همایونی ترجمه کنندهٔ کتاب نفیس و ارزشـمند اربعین الهاشـمیه،تأسـیس یافته است و تربیت یافتگان این مکتب،در مراکز دیگر در اصفهان و شهرهای دیگر،آثار و فعالیت های ارزشمندی داشته اند.

مکتب فاطمه(ع)،پرسابقه ترین مراکز تحصیلی حوزه ای برای بانوان و دوشیزگان می باشد.

۲-مدرسه الزهراء سلام اللّه علیها

،واقع در خیابان مسجد سید ساختمان قائمیه

۳–مکتب زینب کبری سلام الله علیها

،واقع در میدان امام حسین(دروازه دولت)

۴–مدرسه النفیسه

،واقع در چهارباغ پائین خیابان شیخ ابو مسعود

مکتب فاطمه(ع)بیش از بیست سال از تأسیس آن می گذرد(تأسیس ۱۳۴۴ شمسی)و مکتب زینب در سال ۱۳۵۶ تأسیس یافته و دو مدرسهٔ دیگر پس از پیروزی انقلاب اسلامی تأسیس یافته اند.

در اکثر مراکز یاد شده حداکثر رتبه درسی فعلا"تا شرح لمعه و اصول الفقه و منظومهٔ منطق و حکمت می باشد و تعداد نفرات تحصیل کننده،در نوسان بسر می برد.

در شهر اصفهان،علاوه بر مراکز یاد شده در برخی از حسینه ها و یا منازل علماء و مردم علاقمند به علوم حوزه ای،کوششهای مؤثر و ارزشمندی انجام میشود، که بعلت محدودیت آنها،از نظر پذیرش داوطلب،جزء مراکز رسمی نامبرده نمیشود.

و کسانی هستند که بدینصورت مراحل تحصیلی را گذرانده اند و حتی برخی، رسائل و مکاسب و کفایه الاصول و کتب درسی فلسفی را نیز خوانده اند و از مفاخر شهر اصفهان بشمار می روند.

عده ای از همسران و یا دختران علماء،بشکل خصوصی مراحل تحصیلی را در محضر آنان،می گذرانند که خود گامی مؤثر در این زمینه خواهد بود.

نقش حوزهٔ علمیهٔ اصفهان،در انقلاب اسلامی

گرچه این حوزهٔ ریشه دار و باسابقه،به خاطر علل و عوامل گوناگونی دچار رکود گردیده بود ولی در جریان حرکت انقلاب اسلامی،آن چنان تحرکی از خود نشان داد که برای ناظران آگاه،تا حدود زیادی غیرمنتظره بود،مثلا در جریان جسارت روزنامهٔ اطلاعات در دیماه ۱۳۵۶ نسبت به احکام اسلام و علماء و بخصوص رهبر عظیم الشأن انقلاب اسلامی امام خمینی،پس از، اطلاعیهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم و روحانیون تهران،بلافاصله اطلاعیه ای با ۵۲ امضاء،از سوی علماء و روحانیون اصفهان صادر گردید،و آن اقدام جائرانه را

محکوم نمود،بطوریکه ساواک را متحیر ساخت و بدنبال آن،مزدوران ساواک به وحشی گری پرداختند و عده ای از امضاءکنندگان را دستگیر نموده و مورد فشار های ستمگرانهٔ خود قرار دادند.

و بدنبال این جریان،کوشش ها و اقدامات علماء اصفهان ادامه یافت تا زمان پیروزی رسید و با عنایات الهی حوزهٔ علمیهٔ اصفهان فعالیتهای علمی و تبلیغی و رسالتهای اجتماعی خود را ادامه داد،بطوریکه امروز یکی از مهمترین مراکز تغذیهٔ فکری و مذهبی جامعهٔ خداجوی و انقلابی ایران و بخصوص جبهه های جنگ می باشد.

شهدای حوزهٔ علمیهٔ اصفهان

در جریان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران،حوزهٔ علمیهٔ اصفهان فعالانه وارد صحنه پیکار گردید و نیروهای رزمی و تبلیغی زیادی عازم جبهه ها گردیدند و نقش خود را بصورت عمده و قابل توجه،به ظهور رسانیدند و در این راه تعداد زیادی از آنها مجروح،و جمع کثیری بشهادت رسیده و یا مفقودالاثر گردیدند،که تنها در دو جلد کتاب شهدای مدرسهٔ علمیهٔ ذو الفقار،از ۵۴ نفر آنها یاد شده و شرح حالشان ذکر گردیده است.

و در اینجا جلد اول کتاب را به پایان می بریم و بخواست خداوند منان در جلد دوم،بررسی خود را دربارهٔ سایر حوزه های علمیه،دنبال خواهیم نمود.

و الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی محمّد و آله الطّاهرین و لعنه اللّه علی اعدائهم اجمعین من الآن الی قیام یوم الدّین

ص :۴۲۸



مرقد مطهر آیة الله شهید شمس آبادی، شهیدی بزرگ از حوزه علمیه اصفهان
و مشعلی فروزان در گلستان شهدای اصفهان

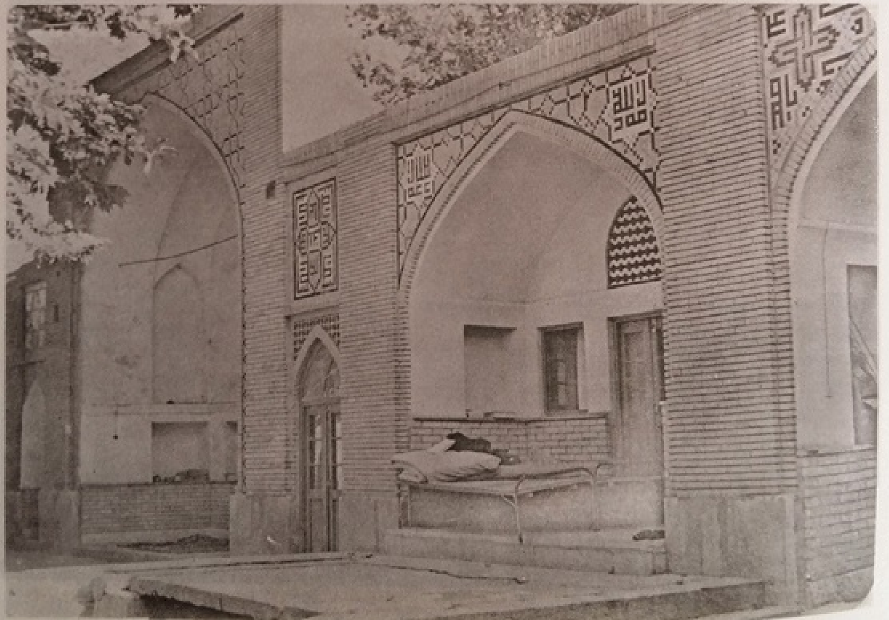


مدرسه علمیه امامزاده اسماعیل

عکس

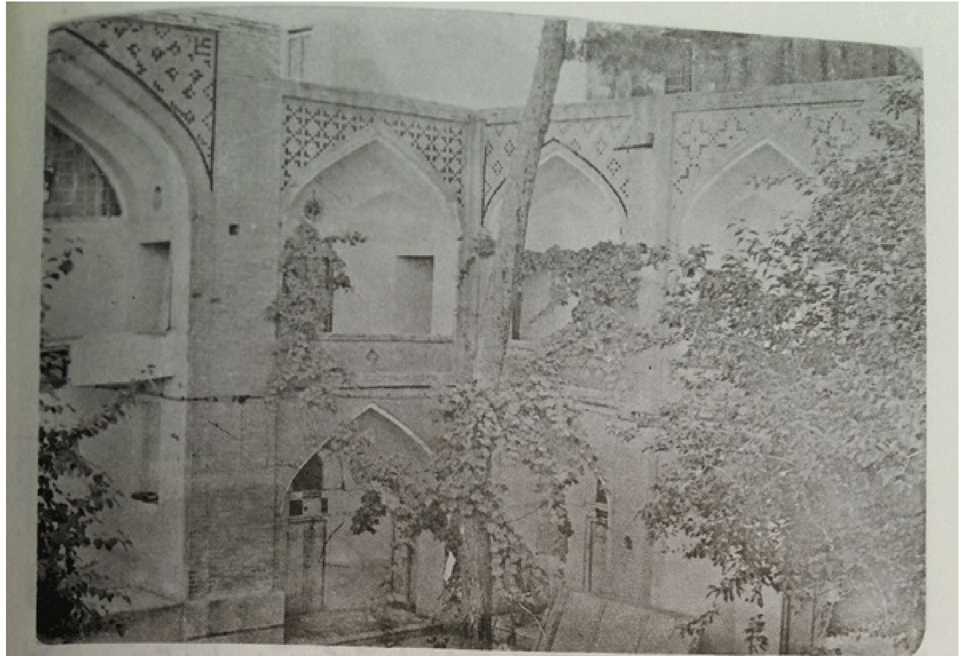


مرقد مطهر بانوی مجتهدهٔ ایرانی در اصفهان - پیشگام و پرچمدار
حرکت حوزه‌ای درمیان طبقهٔ نسوان در قرن اخیر

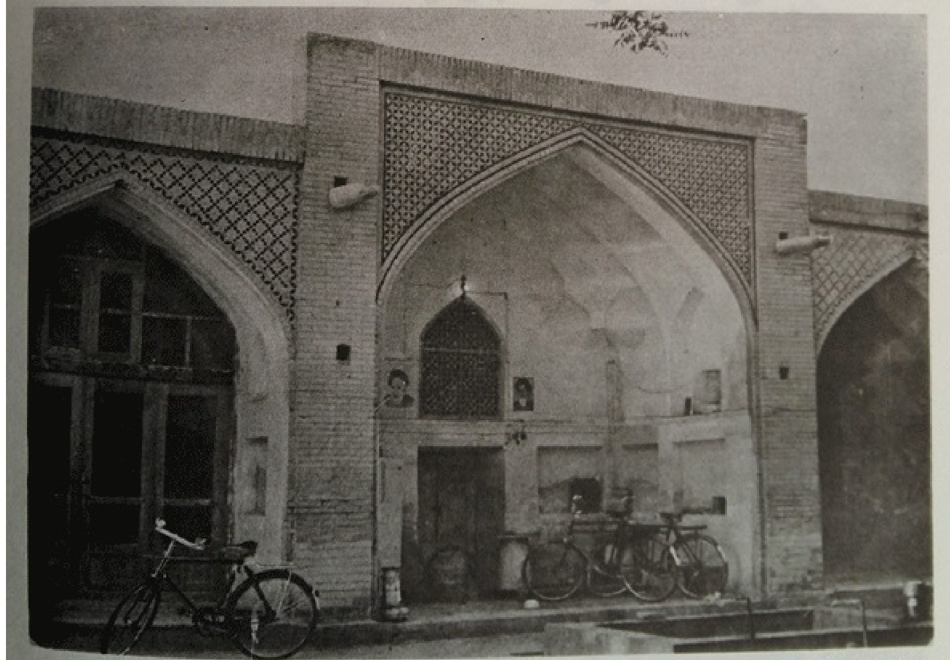


مدرسه دربکوشک (باقریه) - اصفهان

عکس



مدرسه جدّهٔ کوچک - اصفهان



مدرسه جلالیه - اصفهان

مرقد مطهّر علّامه مجلسی،حافظ و ناشر آثار اهل البیت علیهما السلام و پرچمدار حوزهٔ علمیّه اصفهان

مدرسه شفیعیّه-اصفهان

مرقد مطهّر آیه اللّه شهید شمس آبادی،شهیدی بزرگ از حوزه علمیّه اصفهان و مشغلی فروزان در گلستان شهدای اصفهان

مدرسهٔ علمیّهٔ امامزاده اسماعیل

ص :۴۳۰

مرقد مطهّر بانوی مجتهدۀ ایرانی در اصفهان-پیشگام و پرچمدار حرکت حوزه ای در میان طبقۀ نسوان در قرن اخیر

مدرسۀ دربکوشک(باقریه)-اصفهان

ص :۴۳۱

مدرسهٔ جدّهٔ کوچک-اصفهان

مدرسهٔ جلالیّه-اصفهان

ص :۴۳۲

فهرست مطالب و مندرجات کتاب

شماره صفحه حمد و ثنای الهی و پیش گفتار ۴

اجمالی از مطالب کتاب ۶

تعریف حوزه علمیه-ریشهٔ حوزهٔ علمیه در قرآن و اسلام ۷-۸

حوزه علمیه،مدرسه،مسجد ۹

ویژگیهای حوزه های علمیه ۱۰-۳۱

امتیازات و ویژگیهای حوزه های علمیه ۱۱

اتصال و ارتباط حوزه و مسجد و کتابخانه ۱۱

رابطهٔ تنگاتنگ حوزه علمیه و جامعه ۱۱-۱۳

حوزهٔ علمیه،در متن جامعه و مردم ۱۳

حوزه های علمیه در کنار حرم ائمه و پیشوایان دین ۱۳

مراجع تقلید و حوزه های علمیه ۱۴

علوم اسلامی-علوم اسلامی در حوزه ها ۱۵

علل توجه یا بی اعتنائی به بعضی از علوم،در حوزه های علمیه ۱۶-۱۷

فقه عامل بقاء و تداوم حوزه ها ۱۸

ارزش های اصلی در حوزه ها ۱۸

عوامل رشد یا رکود حوزه های علمیه،در سیر تاریخی خود ۱۹-۲۰

درخشش حوزه های علمی شیعه،در میان مجامع علمی ۲۱-۲۳

استقلال،در حوزه های علمیه ۲۳

تحول و تکامل در حوزه های علمیه ۲۴

حوزهٔ اصلی-کتاب و کتابخانه عاملی برای تداوم حوزه ها ۲۵

مباحثه-تدریس نمودن طلاب ۲۶

رتبه های درسی ۲۷

دورهٔ مقدمات-دورهٔ سطح ۲۸

دورهٔ خارج-مطالعات و تحقیقات فوق برنامه ۲۹

ص :۴۳۳

عنوان شماره صفحه تبلیغات و حوزهٔ علمیه ۳۰

تعدد و فراوانی حوزه های علمیه در زمان ما ۳۱

امام خمینی و حوزه های علمیه ۳۲-۳۹

امام خمینی و حوزه های علمیه ۳۳

امام خمینی و لزوم فقه در حوزه ها و حفظ فقه سنتی ۳۳-۳۵

لزوم درس اخلاق و تهذیب نفس در حوزه ها ۳۵

سادگی و پرهیز از تشریفات در حوزه ها ۳۶

حوزه علمیه و تبلیغ ۳۷

لزوم فعالیت اجتماعی-سیاسی برای حوزه ها ۳۷

پشتیبانی ملت ها از حوزه ها ۳۸

امام خمینی و لزوم زیاد شدن حوزه ها با عنایات مراجع تقلید ۳۹

امام خمینی و لزوم علوم مختلف در حوزه ها ۳۹

علماء شهید،تربیت یافتگان حوزه های علمیه ۴۰-۷۰

علماء شهید از حوزه های علمیه ۴۱-۴۳

امام ابو محمد،حسن بن علی اطروش ۴۳

احمد بن حسین،بدیع الزمان همدانی ۴۴

ابو الحسن علی بن عبد اللّه(ناشی صغیر)۴۵

علامهٔ بزرگوار شیخ عبد الکریم کرجی قزوینی ۴۵

علامهٔ بزرگوار،ابو المحاسن،رویانی طبری ۴۶

ابو علی،محمد بن الحسن فتال(واعظ نیشابوری)۴۷

شیخ طبرسی ۴۷

شیخ محمد بن مکی،شمس المله و الدین(شهید اول)۴۸-۴۹

ابو المعالی دشتکی شیرازی ۵۰

محقق عاملی کرکی(محقق ثانی)۵۰

شیخ زین الدین جبعی عاملی(شهید ثانی)۵۲

ص :۴۳۴

عنوان شماره صفحه کرامتی بزرگ از شهید ثانی ۵۳

شهاب الدین تستری خراسانی(شهید ثالث)۵۵

قاضی نور اللّه تستری ۵۵-۵۸

دانشمند مجاهد،مولی علی زنجانی ۵۸

عالم مجاهد شیخ زین عاملی ۵۹

علامهٔ بزرگوار،میرزا محمد مهدی اصفهانی ۵۹

فقیه متکلم،مولی عبد الصمد همدانی ۶۰

محقق بزرگ شیخ حسین(ال عصفور)۶۱

فقیه طبیب شهید،میرزا محمد کشمیری ۶۲

مولی محمد تقی برغانی قزوینی،شهید در حال سجود ۶۲

مرجع شهید،حاج شیخ فضل اللّه نوری ۶۳

موضع گیری سیاسی شهید نوری،در جریان مشروطه ۶۴-۶۵

شهادت مظلومانه و قهرمانانهٔ او ۶۶

سید محمد خلخالی،شهید در حال سجود ۶۷

شیخ حسین بیهودی ۶۸

استاد عظیم،شیخ عبد الغنی بادکوبه ای،شهیدی بدست کمونیستهای دیکتاتور ۶۸

بانوان مجتهده و عالمه ۷۱-۷۸

بانوان مجتهده و عالمه(ام سعید احمسیّه،ام کلثوم،دختر سید مرتضی،چند بانوی مجتهده در خانوادهٔ شیخ طوسی، ام علی بن طاووس،شریفه،دختر سید بن طاووس،فاطمه، ام علی همسر شهید اول،فاطمه ام الحسن،همسر شیخ بهائی ۷۲-۷۵

آمنه خاتون،دختر عزیز اللّه مجلسی،فاطمه الفقیهه،حمیده بانوی مجتهدهٔ ایرانی-اساتید و اجازات او ۷۶

نقش او در بازگردانیدن شخصیّت اسلامی به زنها ۷۷

ص: ۴۳۵

عنوان شماره صفحه بانوی ایرانی و الهامات غیبی ۷۷

ارتباط او با حوزه های علمیه و بزرگان ۷۸

حوزه علمیه رسول اللّه الاعظم،صلّی اللّه علیه و آله ۷۹-۱۰۱

پیامبر گرامی اسلام،پایه گذار حوزۀ علمیه ۸۰

نقش آیۀ نفر،در تحکیم پایۀ حوزۀ علمیه ۸۱

مسجد النبی،و اعزام مبلغ اسلامی ۸۲

اولین شهدای حوزۀ علمیه ۸۳-۸۴

باز هم شهدائی از سپاه تبلیغ ۸۵

تربیت شدگان حوزۀ علمیۀ رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم ۸۵

امام امیر المؤمنین ع-علی ع منشأ همۀ علوم اسلامی ۸۶

امیر المؤمنین علی علیه السّلام،اولین مصنف ۸۷-۸۸

علی علیه السّلام و نگارش قرآن ۸۹

فاطمۀ زهرا علیهاالسّلام-مصحف فاطمه(ع)۸۹

زهرای بتول،در محضر رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم ۹۰

فضۀ خادمه،نشانه ای از علم زهرای اطهر(س)۹۰

خطابۀ زهرای بتول(س)پرده از علم او برمیدارد ۹۱

سلمان محمدی-علم و دانش سلمان ۹۲-۹۴

ابوذر،شهید ربذه،دانشمندی از حوزۀ علمیۀ رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم ۹۴

شهادت ابی ذر ۹۵

ابیّ بن کعب ۹۶

جابر بن عبد اللّه انصاری-عبد اللّه بن عباس ۹۷

ابو رافع-عبد اللّه بن مسعود-جعفر طیار ۹۸

حذیفه بن الیمان-ابو سعید خدری-ام سلمه همسر رسول خدا زینب دختر ام سلمه-بریده بن الحصیب-ابو بکره ۹۹

ص :۴۳۶

عنوان شماره صفحه مصعب بن عمیر-زید بن خالد الجهنی-ابو درداء- زید بن ثابت ۱۰۰

انحراف زید از مسیر حق ۱۰۱

ضربه های سهمگین،بر حوزهٔ علمیه رسول خدا ۱۰۲-۱۰۷

ضربه های سخت بر حوزهٔ علمی اسلام ۱۰۳

حوزه های علمیه،در زمان ائمهٔ معصومین علیهم السّلام ۱۰۸-۱۱۲

حوزه های علمیه در زمان ائمهٔ معصومین علیهم السّلام ۱۰۹

سیاست های مزاحم-حوزه های علمی مخفی ۱۱۰

آزادی نسبی در چند دوره ۱۱۱

حوزهٔ علمیهٔ امیر المؤمنین علی علیه السّلام ۱۱۳-۱۲۸

حوزهٔ علمیه امیر المؤمنین علی علیه السّلام ۱۱۴

حوزهٔ امیر المؤمنین علیه السلام و نهج البلاغه ۱۱۵-۱۱۶

حوزهٔ علمیهٔ امیر المؤمنین علیه السلام و تصنیف کتاب ۱۱۷

چهره های درخشان در حوزه علمیه امیر المؤمنین علیه السلام ۱۱۸

عبد اللّه بن عباس-کمیل بن زیاد-ابو الاسود دئلی- زینب کبری(س)حبیب بن مظاهر-میثم تمار-سلیم بن قیس-عبد اللّه بن حبیب(ابو عبد الرحمن السلمی) زرّبن حبیش-اصبغ بن نباته-حارث اعور همدانی- صعصعه بن صوحان-عمرو بن حمق خزاعی-زید بن صوحان-سعید بن المسیب-رشید الهجری-علی بن ابی رافع-عبید اللّه بن ابی رافع-سوید بن غفله- ربیعه بن سمیع-خالد بن ابی الهیاج-عبد اللّه بن نضله خزاعی-عمر بن علی علیه السلام -عبد خیر-عبد اللّه بن جعفر-عبد الرحمن بن ابی لیلی ۱۱۹-۱۲۸

حوزهٔ علمی در زمان امام حسن و امام حسین علیه السلام ۱۲۹-۱۳۴

حوزه علمی در زمان امام حسن و امام حسین علیهما السّلام ۱۲۹

میراث های گرانبها ۱۳۰

عنوان شماره صفحه مسند امام حسین علیه السّلام ۱۳۱

راویان و شاگردان حوزهٔ امام مجتبی و امام حسین علیهما السّلام ۱۳۲-۱۳۴

کوششهای علمی در زمان امام سجاد علیه السلام ۱۳۵-۱۴۸

کوششهای علمی در زمان امام سجاد علیه السّلام ۱۳۵

صحیفه های سجادیه ۱۳۶-۱۳۷

صحیفهٔ سجادیه،منبع معارف الهی ۱۳۸

رساله الحقوق ۱۳۹

روایات و کلمات قصار-مناظرات و پاسخ به سئوالات ۱۴۰

یاران و راویان از آنحضرت ۱۴۱-۱۴۵

فعالیت های مخفی و نیمه مخفی ۱۴۵

غلامان زرخرید،در محضر امام سجاد علیه السّلام ۱۴۶-۱۴۸

حوزهٔ علمیهٔ امام محمد باقر علیه السلام ۱۴۹-۱۶۳

حوزهٔ علمیه امام باقر علیه السّلام ۱۵۰

امام باقر علیه السلام و ایجاد حرکت بسوی علم ۱۵۱-۱۵۳

حوزهٔ درسی امام باقر علیه السلام و علوم گوناگون ۱۵۳

کلام و عقائد ۱۵۴

تفسیر و علوم قرآن-فقه ۱۵۵

اخلاق و تربیت ۱۵۶

تاریخ و تحلیل آن ۱۵۷

احادیث پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم از زبان امام باقر علیه السلام ۱۵۸

شاگردان و اصحاب امام باقر علیه السّلام ۱۵۹-۱۶۲

ستایش ها ۱۶۳

حوزهٔ علمیهٔ امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام ۱۶۴-۲۰۲

پیش گفتار ۱۶۵

ص :۴۳۸

عنوان شماره صفحه چگونگی و خصوصیات حوزهٔ علمیهٔ امام صادق علیه السلام ۱۶۶

نقش امام باقر علیه السلام در پایه گذاری حوزهٔ امام صادق علیه السلام ۱۶۷

رقم های بزرگ،در حوزهٔ علمیهٔ امام صادق علیه السّلام ۱۶۷

شاگردان امام صادق علیه السّلام ۱۶۸

گوناگونی داوطلبان حوزهٔ علمیهٔ امام صادق علیه السّلام ۱۶۹

علوم گوناگون،در حوزهٔ علمیه امام صادق علیه السلام ۱۷۰

تألیف و تصنیف در حوزهٔ علمیه امام علیه السلام ۱۷۱

نقش حیاتی شاگردان امام صادق علیه السلام ،در حفظ حدیث ۱۷۲

احادیث عامه،در گرو حوزهٔ علمیه امام صادق علیه السلام ۱۷۳

نقش جدل و مناظره در حوزهٔ امام علیه السلام ۱۷۴

شعر و ادب در حوزهٔ امام علیه السلام ۱۷۵

گامهای اساسی علمی،در حوزهٔ علمیهٔ امام صادق علیه السلام ۱۷۶

اهمیت تخصص،در حوزهٔ علمیه امام صادق علیه السلام ۱۷۷

پایه های تربیتی،در حوزهٔ علمیه امام صادق علیه السلام ۱۷۸-۱۸۱

استقلال حوزهٔ علمیهٔ امام صادق علیه السلام ۱۸۱-۱۸۳

ارتباط حوزهٔ امام علیه السلام با خارج،از طریق مراسلات ۱۸۳

حوزهٔ علمیهٔ امام صادق علیه السلام سدّی در برابر فلسفهٔ غرب(یونان)۱۸۴

امام صادق علیه السلام و مبارزه با فقه متکی به قیاس و استحسان ۱۸۵

حوزهٔ علمیهٔ امام صادق علیه السلام و مبارزه با عوامل نفوذی ۱۸۶

بهره گیری امام صادق علیه السلام از دوران ضعف دو حکومت ستمگر ۱۸۷

مرکزیت حوزهٔ علمی امام صادق،در مدینه و کوفه ۱۸۸

شعبه های حوزهٔ علمیهٔ امام صادق علیه السلام ۱۸۹

تربیت یافتگان حوزهٔ علمیهٔ امام صادق علیه السلام ۱۸۹

ص :۴۳۹

عنوان شماره صفحه ابان بن تغلب-زراره بن اعین-محمد بن السائب-عبد اللّه بن علی بن شعبه الحلبی-هشام بن محمد بن السائب الکلبی -لوط بن یحیی(ابو مخنف)-محمد بن ابی عمیر-محمد بن مسلم-ابو حمزه الثمالی-جابر الجعفی-ابو بصیر المرادی- عبد الملک بن اعین-هشام بن الحکم-مؤمن الطاق-جابر بن حیان-فضیل بن یسار-جمیل بن دراج-حمران بن اعین-ابان بن عثمان-برید بن معاویه عجلی بجلی-بکیر بن اعین- حمزه بن الطیار ۱۹۰-۱۹۸

سایر اصحاب امام صادق علیه السلام ۱۹۹

امام صادق علیه السلام از زبان مخالفین اسلام و بزرگان عامه ۲۰۰-۲۰۲

حوزۀ علمی امام کاظم علیه السلام ۲۰۳-۲۲۲

حوزه علمی امام کاظم علیه السلام -شرائط اجتماعی و ویژگیهای دوران امام کاظم علیه السلام ۲۰۳-۲۰۴

نقطۀ قوت-آثار علمی امام کاظم علیه السلام ۲۰۵

دفاع از عقائد حقه-رسالۀ مفصل امام علیه السلام دربارۀ عقل ۲۰۶

روایات و احادیث امام علیه السلام ،حامل علوم گوناگون ۲۰۷

مناظرات و احتجاجات ۲۰۸

دعاهای امام هفتم علیه السلام -موعظه ها و نصائح ۲۰۹

کوششهای علمی امام علیه السلام در زندان ۲۱۰-۲۱۱

علم امام علیه السلام ،به زبانهای خارجی و زبان حیوانات ۲۱۲-۲۱۳

ستایش ها،دربارۀ علم امام کاظم علیه السلام ۲۱۴-۲۱۶

شاگردان و یاران امام کاظم علیه السّلام ۲۱۷-۲۲۲

حرکت علمی،در زمان امام هشتم،علی بن موسی الرضا علیه السلام ۲۲۳-۲۳۹

حرکت علمی در زمان امام هشتم علیه السلام ۲۲۳

سنگ اندازی ستمگران،در سر راه امام علیه السلام ۲۲۳-۲۲۵

مسجد النبی صلّی الله علیه و آله و سلّم و خانۀ امام هشتم علیه السلام در مدینه،حوزۀ علمیه بود ۲۲۵-۲۲۶

عنوان شماره صفحه مناظرات امام هشتم علیه السلام ،سندی بزرگ بر علم امام ۲۲۷-۲۲۹

امام هشتم علیه السلام و تألیف کتاب-الفقه الرضوی(فقه الرضا ع)۲۲۹

الرساله الذهبیه،فی الطب(طب الرضا ع)-صحیفه الرضا علیه السلام ۲۳۰

محض الاسلام-اجوبهٔ مسائل ابن سنان-علل فضل بن شاذان ۲۳۱

امام هشتم و مباحث اسلامی ۲۳۱

علم امام هشتم علیه السلام به حقائق،افاضی و لدنی بود ۲۳۲-۲۳۴

علم امام هشتم علیه السلام ،در دیدگاه ناظران ۲۳۴-۲۳۶

شاگردان و یاران امام هشتم علیه السلام ۲۳۶-۲۳۹

حرکت علمی،در زمان امام جواد و امام هادی و امام عسگری علیه السلام ۲۳۹-۲۶۱

حرکت علمی در زمان امام جواد و امام هادی و امام عسکری علیه السلام ۲۳۹-۲۴۲

امامت امام جواد و امام هادی علیهما السّلام در کودکی،یکی از آیات الهی ۲۴۲

مناظرهٔ امام جواد علیه السلام با رئیس دیوان عالی بغداد ۲۴۳-۲۴۵

باز هم مناظره ۲۴۵

ارتباط علمی شیعیان و علماء بلاد،با امام جواد علیه السلام ۲۴۶

حکمی فقهی و تجلیلی از مقام حضرت زهرا علیه السلام ۲۴۷

علم امام هادی علیه السلام ،آیت و نشانهٔ الهی ۲۴۷-۲۴۸

امام هادی علیه السلام و مناظرات ۲۴۹

رسالهٔ جبر و تفویض-امام هادی علیه السلام و زیارت جامعه ۲۵۰

آثار علمی امام عسکری ع-تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام ۲۵۱

رساله المنقبه-مکاتبات الرجال عن العسکریین ۲۵۲

امام عسکری علیه السلام در سنگر دفاع از قرآن ۲۵۳

نقش سه امام معصوم علیه السلام در تقویت حوزۀ قم ۲۵۴

شاگردان و یاران سه امام معصوم علیه السلام ۲۵۵-۲۶۱

ص :۴۴۱

عنوان شماره صفحه حوزه های علمیه در زمان غیبت ۲۶۲-۲۶۴

حوزه های علمیه در زمان غیبت ۲۶۳-۲۶۴

حوزۀ علمیه نجف اشرف ۲۶۵-۲۸۹

نجف اشرف ۲۶۶

حوزۀ علمیه نجف ۲۶۷

مبدأ تأسیس حوزۀ علمیه نجف ۲۶۸

زندگی و شخصیت شیخ طوسی ۲۶۹

هجرت شیخ طوسی و تأسیس حوزۀ علمیه نجف ۲۷۰

علم و تقوی و کوشش شیخ طوسی ۲۷۱-۲۷۳

حوزۀ نجف بعد از شیخ طوسی ۲۷۴

مرکزیت حوزۀ علمیۀ حلّه ۲۷۵

حرکت جدید در حوزۀ نجف-رونق حوزۀ کربلا و فتور حوزۀ نجف ۲۷۶

تجدید مرکزیت حوزۀ علمیه نجف ۲۷۶-۲۷۹

تهاجم کفار و مزدوران بعثی به حوزۀ علمیه نجف ۲۷۹

شخصیتهای علمی،در حوزۀ علمیۀ نجف ۲۸۰-۲۸۳

چگونگی کتابخانه ها،در حوزۀ علمیۀ نجف ۲۸۴-۲۸۶

کتابخانه های خصوصی ۲۸۶

مدارس نجف ۲۸۷-۲۸۹

حوزۀ علمیه قم ۲۹۰-۳۵۲

قم-سابقۀ تشیع و فرهنگ شیعی در قم ۲۹۱

اولین گام حوزه علمیه قم ۲۹۲

گسترش حوزهٔ قدیمی قم،و مدارس آن ۲۹۳-۲۹۴

جهش علمی،در حوزهٔ قدیم قم-نقش عظیم حوزهٔ قدیم قم در ترویج تشیع ۲۹۵

ص :۴۴۲

عنوان شماره صفحه مرقد حضرت معصومه(س)محور حوزۀ علمیه ۲۹۶

چهره هائی فروزان از حوزۀ قدیم قم ۲۹۶-۳۰۹

حوزۀ علمیۀ قم در عهد صفویه ۳۰۹-۳۱۱

حوزۀ علمیۀ قم در عصر محقق قمی ۳۱۲-۳۱۳

تأسیس حوزۀ فعلی قم ۳۱۴

آیت اللّه العظمی حائری یزدی،مؤسس حوزۀ فعلی قم ۳۱۴-۳۱۵

اقامت در قم،و رونق حوزۀ علمیه ۳۱۶-۳۱۹

چرا مرحوم آیت اللّه حائری قیام ننمودند؟۳۱۹

تقوی و خودسازی مرحوم حائری ۳۲۰

حوزۀ علمیه قم و زعامت آیت اللّه العظمی بروجردی ۳۲۰-۳۲۲

نقش مراجع تقلید فعلی،در رشد و گسترش حوزۀ علمیه قم ۳۲۲-۳۲۳

علامۀ طباطبائی،آغازگر تحولات فکری،در حوزۀ علمیه قم ۳۲۴-۳۲۶

علماء قم،در نیم قرن اخیر ۳۲۶

مدارس حوزۀ علمیه قم ۳۲۷-۳۲۹

مدرسه فیضیه-حادثه خونین فیضیه ۳۲۹-۳۳۱

مدرسه دار الشفاء ۳۳۱

مدرسه خان-مدرسه ستیه-مدرسه رضویه ۳۳۲

مدرسه مؤمنیه-مدرسه حجتیه ۳۳۳

مدرسه آیت اللّه العظمی آقای گلپایگانی مد ظله ۳۳۴

مدرسه معصومیه علیه السلام ۳۳۵

مدرسهٔ آیت اللّه العظمی آقای خوئی مد ظله،در مدینه العلم قم ۳۳۵-۳۳۶

جامعه الزهراء(ع)-مدرسه امام هادی علیه السلام ۳۳۷

مدرسه صدوق بزرگ ۳۳۸

سایر مدارس قم ۳۳۸-۳۴۱

ص :۴۴۳

عنوان شماره صفحه کتابخانه های حوزهٔ علمیه قم-کتابخانه عمومی مدرسه فیضیه، کتابخانه مسجد اعظم ۳۴۳

کتابخانه مدرسه حجتیه-کتابخانه آستانه مقدسه-کتابخانه مدرسه رضویه ۳۴۴

کتابخانه عمومی آیت اللّه العظمی،مرعشی نجفی ۳۴۴

کتابخانه دفتر تبلیغات اسلامی(دار التبلیغ سابق)کتابخانه مدرسه آیت اللّه العظمی گلپایگانی ۳۴۵

کتابخانه مکتب اسلام-کتابخانه مدرسه حقانی-کتابخانه علی ابن ابی طالب علیه السلام ۳۴۶

کتابخانه عظیم مدینه العلم قم ۳۴۶

حوزهٔ علمیه قم و تبلیغ ۳۴۶-۳۴۷

حوزهٔ مقدسهٔ قم و انقلاب اسلامی-تألیف و نگارش در حوزهٔ قم ۳۴۸-۳۴۹

مؤسسات نشر و مراکز تحقیق ۳۵۰

مجلات و نشریات منظم ۳۵۱

خلاصهٔ فصل ۳۵۱-۳۵۲

حوزهٔ علمیه اصفهان ۳۵۳-۴۲۷

اصفهان ۳۵۴-۳۵۵

سابقهٔ علمی اصفهان ۳۵۶-۳۶۰

حوزهٔ علمیهٔ اصفهان ۳۶۰

دورهٔ صاحب بن عباد-دو شخصیت در یک قالب ۳۶۱

حوزهٔ درسی صاحب بن عباد-کتابخانه عظیم صاحب بن عباد ۳۶۲

چرا صاحب بن عباد را دو شخصیت در یک قالب نامیدیم ۳۶۳-۳۶۶

حوزهٔ علمیهٔ اصفهان در زمان صفویه ۳۶۷

حوزهٔ اصفهان و یک اقدام مؤثر ۳۶۸

حوزهٔ علمیهٔ اصفهان و حفظ اسناد فرهنگ تشیع ۳۶۸-۳۷۰

ص: ۴۴۴

عنوان شماره صفحه تداوم حوزه علمیه اصفهان ۳۷۰

حوزه علمیه اصفهان در زمان حاضر ۳۷۱

چهره هائی درخشان از حوزهٔ علمیه اصفهان ۳۷۱

محقق کرکی-مولی عبد اللّه تستری-شیخ علی منشار عاملی- شیخ بهائی-شیخ لطف اللّه،میسی عاملی-میرداماد-ملا صدرای شیرازی-میرفندرسکی-آقا رفیعا نائینی-ملا محمد تقی مجلسی-ملا صالح مازندرانی-ملا محمد باقر سبزواری-محقق خوانساری-مدقق شیروانی-ملا محمد باقر مجلسی-سید نعمت اللّه جزایری-میر محمد صالح خاتون آبادی-میرزا عبد اللّه افندی -امامی عریضی-آقا جمال خوانساری-شیخ عبد اللّه بحرانی- اصفهانی-فاضل هندی-ملا اسماعیل خواجوئی-آقا محمد بید- آبادی-ملا علی اکبر اژه ای-آخوند ملا علی نوری-شیخ محمد تقی رازی-سید شفتی-حاج ملا ابراهیم کرباسی(کلباسی)- سید محمد حسن مجتهد اصفهانی-میر سید حسن مدرس-سید محمد علی آقا مجتهد-حاج محمد جعفر آباده ای-حاج ملا حسینعلی تویسرکانی-میر سید محمد شهشهانی-سید اسد اله بیدآبادی- صاحب روضات-آخوند ملا محمد باقر فشارکی-میرزا ابو المعالی- میرزا محمد هاشم چهارسوقی-جهانگیر خان قشقائی-آخوند ملا محمد حسین کرمانی-آخوند کاشی-آخوند ملا عبد الکریم گزی-آیت اله سید محمد باقر درچه ای-حاج آقا منیر بروجردی-فقیه احمدآبادی مدرس خاتون آبادی-آخوند فشارکی-آیت اللّه دهکردی-حکیم خراسانی-میرزا ابو الهدی کلباسی-مدرّس شهید-آیت اله میر سید محمد نجف آبادی-آیت اله حاج میر سید علی نجف آبادی، حاج میرزا حسن خان انصاری-حاج شیخ محمد رضا مسجدشاهی- آیت اللّه سید مهدی درچه ای-حاج شیخ محمود مفید-سید عبد اللّه ثقه الاسلام ۳۷۲-۳۹۸

علماء و مدرسین حوزهٔ علمیهٔ اصفهان،در نیم قرن اخیر ۳۹۹

حوزهٔ اصفهان،پایگاه تربیت مراجع تقلید ۳۹۹-۴۰۱

مدارس علمیه اصفهان-مدارس قبل از دوران صفویه ۴۰۲-۴۰۴

ص :۴۴۵

عنوان شماره صفحه مدرسه های دوران صفویه ۴۰۴

مدرسه های دوران صفویه که فقط نامشان مانده است ۴۰۵-۴۰۶

مدرسه های دوران صفویه که تاکنون باقیمانده اند.۴۰۷

مدرسه ملا۔عبد اله-مدرسه جده بزرگ-مدرسه جده کوچک- مدرسه کاسه گران-مدرسه ذو الفقار-مدرسه امامزاده اسماعیل مدرسه نوریه-مدرسه نیم آور-مدرسه سلطانی چهارباغ(امام صادق ع)-مدرسه ساروتقی-مدرسه میرزا مهدی-مدرسه شفیعیه-مدرسه میرزا حسین-مدرسه الماسیه-مدرسه جلالیه مدرسه عربان(آیت اللّه خادمی)-مدرسه اسماعیلیه-مدرسه هارونیه-مدرسه ناصری-مدرسه سلیمانیه-مدرسه شمس آباد مدارس اصفهان که بعد از دوره صفویه بنا گردیده-مدرسه صدر بازار ۴۱۹-۴۲۰

مدرسه صدر خواجو-مدرسه پاقلعه-مدرسهٔ مسجد سید ۴۲۱

مدرسه رکن الملک-مدرسه حاجی کلباسی ۴۲۲

تأسیس و احیای مدارس،در دوره اخیر ۴۲۲

مدرسه محمودیه-مدرسه جوادیه-مدرسه الغدیر ۴۲۳

مدرسه امیر المؤمنین علی علیه السّلام ۴۲۴

کتابخانه های حوزه علمیه اصفهان ۴۲۴

اصفهان مبدأ حرکت دینی-علمی بانوان ۴۲۵

مراکز تحصیلی بانوان ۴۲۶

نقش حوزه علمیه اصفهان،در انقلاب اسلامی

ص :۴۴۶

۴۲۷ فهرست تصاویر و عکسها

دو تذکر

۱-تصویرهای کتاب،عمدهٔ مربوط به حوزهٔ علمیه قم و حوزهٔ علمیهٔ اصفهان میباشد و سایر بخشهای کتاب یا اصلا"تصویری ندارد و یا اینکه عکس مناسب و جالبی در دسترس نبوده است همانند حوزهٔ نجف(که در شرایط فعلی و بعلت جنگ تحمیلی موفق به تهیهٔ عکس های موردنظر نگشتیم).

۲-بعلت آنکه عکسهای رنگی بر روی کاغذ گلاسه چاپ شده و باتوجه به مسائل صحافی،نمیتوانستیم هرتصویری را دقیقا"در کنار مطلب خودش قرار دهیم،لذا از مطالعه کنندگان عزیز تقاضا میشود،قبل از مطالعهٔ کتاب،فهرست تصاویر و عکسها را ملاحظه نمایند تا اینکه مطلب و تصویر مناسب او را بهمراه یکدیگر ملاحظه و مطالعه نمایند.

و اینک فهرست تصاویر

بارگاه امیر المؤمنین علیه السلام محور حوزهٔ علمیهٔ نجف

مسجدجامع،مهمترین پایگاه علمی-عبادی اصفهان،در گذشته مدرسهٔ فیضیهٔ قم،در کنار حرم حضرت معصومه(س)و مسجد اعظم نمای کتابخانهٔ مدرسهٔ فیضیه قم

عبادتگاه حضرت معصومه،محور مدرسهٔ ستیهٔ قم

مسجد اعظم و کتابخانهٔ آن،در کنار حرم حضرت معصومه

بعد از صفحهٔ ۳۱ فرعی ۱ و ۲ و ۳

گنبد علی بن بابویه قمی و گنبد و مناره های مدرسهٔ آیت اللّه العظمی گلپایگانی(دو نشانه،از حوزهٔ قدیم قم و حوزهٔ فعلی آن)
گنبد مطهر زکریا بن آدم و نیز میرزای قمی(دو چهرهٔ بزرگ علمی در دوران قدیم و جدید حوزهٔ قم)

بعد از صفحهٔ ۲۹۰ فرعی ۱

ص: ۴۴۷

مدرسهٔ آیت اللّه العظمی خوئی-قم

کتابخانه عظیم مدینه العلم آیت اللّه خوئی-قم

مسجد مدرسهٔ آیت اللّه العظمی آقای گلپایگانی

مدرسهٔ آیت اللّه العظمی گلپایگانی-قم

مدرسه الامام امیر المؤمنین-قم

مدرسه الامام المهدی(عج)-قم

بعد از صفحهٔ ۳۳۶ فرعی ۱ و ۲ و ۳

مرقد صاحب بن عباد،مهمترین چهرهٔ علمی شیعی قدیمی اصفهان بقعهٔ شهشهان،محل مدرسهٔ شیعه،در قدیم اصفهان مرقد علاء الدین محمد(شهشهان)مدرّس مدرسهٔ قدیمی شیعه اصفهان

بقایای یکی از مدارس قدیمی اصفهان

مدرسهٔ امامیهٔ اصفهان

گنبد مدرس ابن سینا-اصفهان

بعد از صفحهٔ ۳۵۲ فرعی ۱ و ۲ و ۳

میدان و مسجد امام اصفهان

مدرسهٔ چهارباغ(امام صادق ع)اصفهان

مدرسهٔ ناصری،در جنوب شرقی مسجد امام

مدرسهٔ سلیمانیه،در جنوب غربی مسجد امام

حرم امامزاده اسماعیل،در جنوب مدرسهٔ علمیه

مدرسهٔ هارونیه،در جوار امامزاده هارونیه

مدرسهٔ جدهٔ بزرگ-اصفهان

مدرسهٔ کاسه گران-اصفهان

سردرب و داخل مدرسهٔ نیم آور-اصفهان

بعد از صفحهٔ ۳۶۰ فرعی ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵

ص :۴۴۸

مسجد،مدرسهٔ سید-اصفهان

مدرسهٔ سید شفتی،پرچمدار حوزهٔ علمیهٔ اصفهان

دو منظره از مدرس مدرسهٔ صدر-اصفهان

مسجد باشکوه سید شفتی-اصفهان

مسجد اعظم،مهمترین پایگاه علمی-عبادی قم

بعد از صفحهٔ ۴۰۰ فرعی ۱ و ۲ و ۳

مدرسهٔ ذو الفقار-اصفهان

مدرسهٔ محمودیه،وابسته به مدرسهٔ ذو الفقار

مدرسهٔ حاج شیخ محمد علی-اصفهان

مدرسه الغدیر،وابسته به مدرسهٔ ذو الفقار

گروهی از طلاب ذو الفقار،در سفر دسته جمعی به مشهد

گروهی از طلاب ذو الفقار،که بدست امام خمینی معمم گردیدند

بعد از صفحهٔ ۴۰۸ فرعی ۱ و ۲ و ۳

گروه دیگری از طلاب ذو الفقار،همراه با بعضی از اساتید ۴۰۹

مراسم دعای صبحگاهی مدرسهٔ ذو الفقار ۴۱۰

یکی از جلسات درسی مدرسهٔ ذو الفقار ۴۱۱

یکی از مناظر مدرسهٔ محمودیه،وابسته به مدرسهٔ ذو الفقار ۴۱۱

دو قسمت از یک جلسهٔ امتحانی مربوط به مدرسهٔ ذو الفقار ۴۱۲

مدرسهٔ صدر خواجو-اصفهان ۴۱۵

مدرسهٔ نوریه-اصفهان ۴۱۵

مدرسهٔ جوادیه،وابسته به مدرسهٔ ذو الفقار ۴۱۶

مدرسهٔ میرزا حسین اصفهان ۴۱۶

ص :۴۴۹

نمای جنوبی مدرسهٔ عربها-اصفهان ۴۱۷

مدرسهٔ میرزا مهدی-اصفهان ۴۱۷

کتابخانهٔ علامهٔ مجلسی-اصفهان

کتابخانهٔ مدرسهٔ صدر-اصفهان

کتابخانهٔ امیر المؤمنین علی علیه السلام اصفهان

مخزن کتابخانهٔ الزهراء(ع)-اصفهان

کتابخانه عمومی الزهراء و مسجد امامی-اصفهان

مدرسهٔ ملا عبد اللّه-اصفهان

بعد از صفحهٔ ۴۲۴ فرعی ۱ و ۲ و ۳

مرقد علامه مجلسی،پرچمدار حوزهٔ علمیهٔ اصفهان ۴۲۹

مدرسه شفیعیه-اصفهان ۴۲۹

مرقد مطهر آیت اللّه شهید شمس آبادی ۴۳۰

مدرسه امامزاده اسماعیل-اصفهان ۴۳۰

مرقد مطهر بانوی مجتهدهٔ ایرانی-اصفهان ۴۳۱

مدرسه دربکوشک(باقریه)۴۳۱

مدرسهٔ جدهٔ کوچک-اصفهان ۴۳۲

مدرسهٔ جلالیه-اصفهان ۴۳۲

فهرست منابع و مأخذ جلد اول کتاب

القرآن مجید

الصحیفه السجادیه الامام زین العابدین علیه السّلام

الصحیفه الخامسه جمع آوری سید محسن امین(عاملی)

الکنی و الالقاب حاج شیخ عباس قمی

المیزان علامهٔ طباطبائی

اعیان الشیعه علامه سید محسن امین(عاملی)

اصول کافی محمد بن یعقوب کلینی

امام و روحانیت دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

البیان آیت اللّه خوئی

الغدیر علامهٔ امینی

الفهرست ابن الندیم

امل الامل شیخ محمد حسن الحر العاملی

الامام زین العابدین ع عبد الرزاق الموسوی المقرم

الامام الصادق ع و المذاهب الاربعه اسد حیدر

الامام الرضا ع محمد جواد فضل اللّه

اسد الغابه ابن اثیر

المراجعات علامه،سید شرف الدین عاملی

آشنائی با علوم اسلامی(فقه و اصول فقه)استاد شهید مطهری

اللئالی المنتظمه و الدرر و الثمینه آیت اللّه مرعشی نجفی

الاستیعاب ابن عبد البر

اخبار الرواه(مخطوط)سید محمد علی موحد ابطحی

اصفهان دکتر لطف اللّه هنرفر

آثار ملی اصفهان ابو القاسم رفیعی مهرآبادی

المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم محمد فؤاد عبد الباقی

التمهید فی علوم القرآن محمد هادی معرفه

التقریب ابن حجر عسقلانی

الطبقات الکبری(مخطوط)سید محمد علی موحد ابطحی

بحار الانوار علامۀ مجلسی

پیغمبر و یاران محمد علی عالمی دامغانی

تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام علامه،سید حسن صدر

تنقیح المقال شیخ عبد اللّه مامقانی

تهذیب المقال سید محمد علی موحد ابطحی

تاریخ فقه جعفری هاشم معروف الحسینی

تحف العقول ابن شعبۀ حرانی

تهذیب التهذیب ابن حجر عسقلانی

تفسیر برهان سید هاشم بحرانی

تحلیلی در تاریخ زهرا(س)سید احمد علم الهدی

تاریخچۀ وقف در اسلام دکتر علی اکبر شهابی

تاریخ قم شیخ محمد حسین ناصر الشریعه

تاریخ محلۀ خواجو اصفهان سید مصلح الدین مهدوی

تاریخچه شهر سامرأ و شمه ای از زندگانی آیت اللّه بروجردی سید مصلح الدین مهدوی

تاریخ مدارس ایران حسین سلطانزاده

تاریخ فرهنگ اصفهان مجتبی ایمانیه

ترجمه اربعین الهاشمیه حاجیه خانم همایونی

جوان محمد تقی فلسفی

حدیث الشهر(رساله الحقوق)عبد الهادی المختار

حیاه الامام الحسین بن علی ع باقر شریف القرشی

ص :۴۵۲

حیاه الامام محمد باقر علیه السلام باقر شریف القرشی

حیاه الامام موسی بن جعفر علیه السلام باقر شریف القرشی

حیاه الامام الرضا علیه السلام جعفر مرتضی الحسینی

دانشمندان و بزرگان اصفهان سید مصلح الدین مهدوی

دورنمائی از زندگی امام موسی بن جعفر عقیقی بخشایشی

رجال نجاشی نجاشی

روضات الجنات میرزا محمد باقر خوانساری

ریحانه الادب محمد علی مدرسی

ریاض العلماء میرزا عبد اللّه افندی اصفهانی

ریاحین الشریعه شیخ ذبیح اللّه محلاتی

زندگانی زین العابدین علیه السلام عبد العزیز سید الاهل(ترجمه وجدانی

زندگانی و شخصیت شیخ انصاری مرتضی انصاری

زندگینامهٔ علامهٔ مجلسی سید مصلح الدین مهدوی

زندگانی آیت اللّه بروجردی علی دوانی

زندگانی حضرت زهرا(ع)و زینب کبری(ع)شهید،دستغیب شیرازی

سفینه البحار مرحوم حاج شیخ عباس قمی

شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید

شهداء الفضیله علامهٔ امینی

شهیدان راه فضیلت ترجمه ف-ج

شیخ شهید،فضل اللّه نوری محمد ترکمان

شهدای روحانیت در یکصد سال اخیر علی ربانی خلخالی

عین الحیوه علامهٔ مجلسی

علی من المهد الی اللحد سید محمد کاظم قزوینی

ص :۴۵۳

علوم قرآن دکتر سید عبد الوهاب طالقانی

فهرست شیخ طوسی

فروغ ابدیت جعفر سبحانی

فاطمۀ زهراء توفیق ابو علم،ترجمه صادقی

فاطمۀ زهراء من المهد الی اللحد سید محمد کاظم قزوینی

فرهنگ معین دکتر محمد معین

فاطمه بنت الحسین علیه السلام محمد هادی امینی

قاموس الرجال شیخ محمد تقی تستری

گنجینۀ آثار تاریخی اصفهان دکتر لطف اللّه هنرفر

گنجینۀ آثار قم فیض

گنجینۀ دانشمندان محمد شریف رازی

لغتنامۀ دهخدا علی اکبر دهخدا

لسان المیزان ابن حجر عسقلانی

مکاسب شیخ اعظم انصاری

مقدمۀ مرآه العقول سید مرتضی عسکری

موسوعه العتبات المقدسه(قسم النجف)جعفر خلیلی با همکاری چند نفر

معجم رجال الحدیث آیت اللّه خوئی

مقدمۀ من لا یحضره الفقیه سید حسن موسوی خرسان

مقدمۀ تفسیر تبیان علامه حاج آقا بزرگ طهرانی

منتخب التواریخ حاج محمد هاشم خراسانی

ماضی النجف و حاضرها شیخ جعفر محبوبه

منتهی الآمال حاج شیخ عباس قمی

مجالس المؤمنین قاضی نور اللّه تستری(شهید)

مقاتل الطالبيين ابو الفرج اصفهانی

مغز متفکر جهان شیعه عده ای از دانشمندان بزرگ، ترجمهٔ ذبیح اللّه منصوری

مقدمه شرح لمعه(طبع جدید)محمد مهدی اصفی

معجم البلدان یاقوت حموی

نهج البلاغه الامام علی علیه السلام

وسائل الشیعه شیخ حر عاملی

هدیه العباد حاج شیخ عباسعلی ادیب

هزارهٔ شیخ طوسی تهیه و تنظیم از علی دوانی

یکصد سال مبارزهٔ روحانیت مترقی عقیقی بخشایشی

آیا رواست،که من پس از هفتاد سال که محاسنم را برای اسلام سفید کرده ام حالا بیایم و بروم زیر بیرق کفر؟شیخ فضل اللّه نوری(شهید)،در برابر پیشنهاد زدن پرچم روسیه بر بالای خانه اش

ص: ۴۵۵

تشکر و سپاسگزاری

از همه دانشمندان و اندیشمندانی که با نظریات سودمندشان این حقیر را در تحقیق و تألیف این کتاب یاری نموده اند و نیز از همه عزیزانی که به شکلی،در تنظیم و چاپ این کتاب همکاری و کمک نموده اند،بخصوص از مؤسس عظیم الشأن و کارکنان کتابخانهٔ عمومی الزهراء سلام الله علیها

که با همکاری صمیمانه و صادقانه خود مرا در رسیدن به مقصود یاری داده اند تشکر و قدردانی می نمایم.

انتظار

از پیشگاه دانشمندان و صاحب نظران،انتظار دارم از نظریات مستند و سودمندشان در تکامل بخشیدن به این اقدام فرهنگی،دریغ نفرمایند.

امید است،بخواست خداوند بزرگ در تألیف سایر مجلدات سودمند افتد.

قبلا"از لطف و بزرگواری آنان سپاسگزاری می نمایم.

نویسنده

ص :۴۵۶

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹




www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹